



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



رشد دوره اولیه کودکی، پیش از تولد تا هشت سالگی



سائندرا آنسلمو
ترجمه علی آخشینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

نویسنده:

ساندرا آنسلمو

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۴	رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی
۲۴	مشخصات کتاب
۲۴	فهرست
۲۸	یادداشت مترجم
۲۸	پیشگفتار
۲۸	سازماندهی کتاب
۲۸	یاد و سپاس
۲۸	مقدمه و نظریه‌های مربوط به رشد در دوره اولیه کودکی
۲۸	رشد در دوره اولیه کودکی (early childhd development) چیست؟
۲۹	دلیل مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی چیست؟
۲۹	کمک به پرورش کودکان
۲۹	آمادگی برای مشاغل مددکاری
۲۹	تاریخ مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی
۲۹	چگونگی نگرش به کودکان در تاریخ
۲۹	آغاز مطالعه علمی در باره کودکان
۲۹	تابلو ۱ - ۱ طبیعت و تربیت در دوره اولیه کودکی
۳۰	نظریه‌های معاصر در مورد رشد در دوره اولیه کودکی
۳۰	نظریه شناختی
۳۰	جدول ۱ - ۱ مراحل رشد از نظر پیاژه
۳۰	تابلو ۱ - ۲ کاربرد نظریه پیاژه : طبقه بندی
۳۱	نظریه رفتاری
۳۱	تابلو ۳-۱ کاربرد شرطی شدن کلاسیک : آمادگی برای زایمان به ابتکار لاماز

- ۳۱ نظریه روانکاوی (psychanalytic thery)
- ۳۲ تابلو ۱ - ۴ کاربرد شرطی شدن عامل : تغییر رفتار (behavir mdificatin)
- ۳۲ نظریه انسانگرا (humanist thery)
- ۳۲ تابلو ۱ - ۵ کاربرد نظریه یادگیری اجتماعی : تقلید
- ۳۲ تابلو ۱ - ۶ کاربردهای نظریه اریکسون : حفظ حس ابتکار
- ۳۲ نظریه بالیدگی
- ۳۲ تابلو ۱-۷ کاربرد نظریه انسانگرا: «پیامهای من» "I- messages"
- ۳۳ تابلو ۱-۸ کاربرد نظریه بالیدگی : آموزش استفاده از لگن
- ۳۳ خلاصه
- ۳۳ اصطلاحات کلیدی
- ۳۳ استراتژی‌هایی برای مشاهده کودکان
- ۳۴ مشاهده رفتارها در حین بروز
- ۳۴ نقل رفتارهای مورد مشاهده
- ۳۴ قطعات کوتاه توصیفی
- ۳۴ یادداشتهای روزانه کودک
- ۳۴ تابلو ۱-۲ مثالی از نقل رفتارهای مورد مشاهده
- ۳۴ تابلو ۲-۲ مثالهایی از قطعات کوتاه توصیفی «خوب» و «بد»
- ۳۵ مثال ۱ :
- ۳۵ مثال ۲ :
- ۳۵ تفسیر قطعات کوتاه توصیفی ۱ و ۲
- ۳۵ مشاهده رفتارهای از پیش تعیین شده
- ۳۵ تابلو ۳-۲ مثالی از مدخل یادداشت روزانه
- ۳۵ فهرستهای کنترل
- ۳۵ تابلو ۴-۲ مثالی از فهرست کنترل رشد : اجتماعی شدن نوباوگان

- ۳۵ سطح سنی رفتار تاریخ بروز
- ۳۶ مصاحبه
- ۳۶ نمونه گیری زمانی
- ۳۶ تابلو ۲-۵ مثالی از یک مصاحبه با استفاده از روش بالینی
- ۳۶ نمونه گیری وقایعی
- ۳۶ تابلو ۶-۲ مثالهایی از نمونه گیری زمانی
- ۳۷ خلاصه سازی رفتارهای مورد مشاهده : مطالعات موردی
- ۳۷ تابلو ۷-۲ مثالی از مطالعه با استفاده از نمونه‌گیری وقایعی
- ۳۷ مقوله‌هایی برای نمره‌گذاری ستون G
- ۳۷ مقوله‌هایی برای نمره‌گذاری ستون H
- ۳۷ واقع‌گودک جنس‌سن تقاضایتوجه‌مدت توجه رفتارهای نتیجه‌شده عاطفه تفسیر
- ۳۷ بهره‌گیری از مشاهدات در پاسخ به سؤالات
- ۳۷ سؤالات غیر قابل پاسخ و اخلاقیات علم
- ۳۷ تابلو ۲ - ۸ مثالی از رئوس مطالب مطالعه موردی در باره کودکان پیش دبستانی
- ۳۷ خلاصه
- ۳۸ اصطلاحات کلیدی
- ۳۸ پیش از تولد، تولد، و
- ۳۸ پیش از تولد
- ۳۸ تصمیم به داشتن فرزند
- ۳۸ دلایل داشتن فرزند
- ۳۸ بارداریهای پر خطر
- ۳۸ الف - عوامل اجتماعی - اقتصادی
- ۳۸ ب - عوامل جمعیتی
- ۳۹ ج - عوامل پزشکی مادران

- د - عوامل جنینی - مادری ۳۹
- ه - عوامل جفتی و غشایی ۳۹
- شکل ۳ - ۱ عوامل بارداری پرخطر ۳۹
- کروموزومها (chrmsmes) و ژنها (genes) پایه ارثی حیات: ۳۹
- کروموزومها و ژنها ۳۹
- دو قلوها ۳۹
- جنس (gender) ۳۹
- سنخ ارثی و سنخ پدیداری ۳۹
- علل کژریختیهای مادرزادی (cngenital malfrmatins) ۴۰
- عوامل ژنتیکی ۴۰
- شکل ۲-۳ ارتباط بین نشانگان داو و سن مادری ۴۰
- عوامل محیطی ۴۰
- شکل ۳-۳ دوره های حساس در رشد پیش از تولد انسان ۴۰
- تعامل عوامل ۴۰
- شکل ۴-۳ ویژگیهای چهره کودکان مبتلا به نشانگان جنین الکلی (اف اِ اس) ۴۱
- شکل ۳-۵ تأثیر استعمال دخانیات مادران بر وزن نوزاد ۴۱
- تابلو ۱-۳ عوامل محیطی پیش از تولد و ناتواناییهای یادگیری ۴۱
- ناهمسازی خونی میان مادر و جنین ۴۱
- مشاوره ژنتیکی (genetic cunseling) ۴۱
- تابلو ۲-۳ مشاوره ژنتیکی ۴۱
- شکل ۶-۳ آمنیوسنتز ۴۱
- دستگاههای تولید مثل ۴۲
- تولید مثل جنس نر ۴۲
- تولید مثل جنس ماده ۴۲

۴۲	بارور سازی
۴۲	۷-۳ دستگاههای تولید مثل مرد و زن
۴۲	رشد پیش از تولد
۴۲	مرحله لانه گیری
۴۳	مرحله رویانی
۴۳	مرحله جنینی
۴۳	شکل ۸-۳ تغییر تناسب بدن در طول مرحله جنینی
۴۳	شکل ۹-۳ تغییر اندازه‌های بدن در طول مرحله جنینی
۴۳	نظرپردازی در باره ارتباط میان مادر و جنین
۴۴	مراقبت‌های لازم برای زن باردار
۴۴	نظارت پزشکی
۴۴	تغذیه
۴۴	تفاوت‌های فرهنگی در مراقبت‌های دوره بارداری
۴۴	جدول ۱-۳ میزان مرگ و میر کودکان بر حسب نژاد: سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۸
۴۴	سالتعدادکلتعداد سفیدپوستانتعداد سیاهپوستان و سایر نژادها
۴۴	آمادگی برای پدر یا مادر شدن
۴۵	آموزش در باره زایمان
۴۵	خلاصه
۴۵	اصطلاحات کلیدی
۴۵	تولد و خانواده گسترده
۴۵	تولد
۴۵	مراحل زایمان (labr)
۴۶	زایمان طبیعی
۴۶	زایمان سزارین

- ۴۶ ارزیابی نوزادان
- ۴۷ تابلو ۴ - ۱ امور اخلاقی
- ۴۷ خانواده گسترده
- ۴۷ تابلو ۴-۲ عکسالعملهای والدین در برابر نوزادان
- ۴۷ عوامل فرهنگی در تعامل پدر یا مادر با کودک
- ۴۷ پیوستگی
- ۴۸ پیوستگی با کودکانی که خطرات فراوانی تهدیدشان میکند
- ۴۸ تابلو ۴-۳ «راز» پیوستگی
- ۴۸ نیازهای ویژه پدران و همشیرها (siblings)
- ۴۹ تابلو ۴-۴ کمک به همشیرها برای سازگاری با نوزادان
- ۴۹ خلاصه
- ۴۹ نخستین سال زندگی
- ۴۹ چ هار کودک هوشیار و سالم در محل پذیرش پزشک اطفال انتظار میکشند.
- ۵۰ رشد روانی - اجتماعی کودکان
- ۵۰ موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک (parent - infant rhythms)
- ۵۰ موزونی رابطه با پدران در مقابل مادران
- ۵۰ موزونی رابطه در فرهنگهای گوناگون
- ۵۰ تابلو ۵-۱ استراتژیهای برای تسهیل رشد: تعبیر و تفسیر نشانههای کودک
- ۵۱ دل بستگی
- ۵۱ دل بستگی مرحله ۱
- ۵۱ دل بستگی مرحله ۲
- ۵۱ دل بستگی مرحله ۳
- ۵۱ دل بستگی مرحله ۴
- ۵۱ پاسخهایی به جدایی

- ۵۱ اثرات دلبستگی
- ۵۱ واکنش‌های منفی در برابر غریبه‌ها
- ۵۲ تفاوت‌های فرهنگی در دلبستگی
- ۵۲ تابلو ۲-۵ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: ایجاد زمینه جدایی
- ۵۲ گریه کردن کودک
- ۵۲ شناخت اجتماعی (Social cognition)
- ۵۲ خاستگاه‌های درک اجتماعی
- ۵۲ ادراک هیجانات
- ۵۳ خلق و خو (temperament)
- ۵۳ اثرات اشتغال والدین
- ۵۳ تابلو ۳-۵ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد:
- ۵۳ تابلو ۴-۵ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: مراقبت روزانه کودک
- ۵۴ رشد جسمی کودکان
- ۵۴ قابلیت‌های حسی نوزادان
- ۵۴ بینایی
- ۵۴ چشایی
- ۵۵ بویایی
- ۵۵ شنوایی
- ۵۵ بازتابها و توانش
- ۵۵ بازتاب کشیدگی طبیعی عضله گردن
- ۵۵ بازتاب‌های گونه (ring reflex) و مکیدن
- ۵۵ الگوی مکیدن مکرر و مکث (burst - pause pattern)
- ۵۵ بازتاب بابکین
- ۵۵ بازتاب راه رفتن

۵۵	بازتابهای قرار گرفتن ، (Placing) ، بابینسکی و چنگ زدن
۵۵	بازتاب مورو
۵۵	واکنشهای حفاظتی
۵۵	سطوح هوشیاری
۵۵	خواب عمیق
۵۵	تابلو ۱-۶- استراتژیهای برای تسهیل رشد: تمرین با کودک
۵۶	خواب آر ای ام
۵۶	هوشیاری
۵۶	علایم رشد جسمی
۵۶	سه ماهه اول زندگی
۵۶	سه تا شش ماهگی
۵۶	شش تا نه ماهگی
۵۷	تابلو ۲-۶- استراتژیهای برای تسهیل رشد :
۵۷	نه تا دوازده ماهگی
۵۷	تابلو ۳-۶- راه رفتن و تختههای گهوارهای هوپی
۵۷	تغذیه و رشد مغزی
۵۸	بهداشت دندان
۵۸	شکل ۱-۶- منحنی رشد طبیعی دختران
۵۸	مصونیت
۵۸	شکل ۲-۶- منحنی رشد طبیعی پسران
۵۸	شکل ۳-۶- درصد کودکان یک تا چهار ساله که به حد کافی مصونیت یافته‌اند.
۵۸	معلولیت ، زودرسی، بیماری
۵۸	نشانه‌های مرگ ناگهانی کودک (SIDS)(Clearinghuse[Sudden Infant Death Syndrme)
۵۹	ایمنی

۵۹ سوء رفتار و غفلت
۵۹ تابلو ۴-۶ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد : ایمنی وسایل نقلیه کودک
۵۹ شکل ۴-۶ صندلی مخصوص نوزاد در اتومبیل
۶۰ خلاصه
۶۰ اصطلاحات کلیدی
۶۰ برای مطالعه بیشتر
۶۰ رشد شناختی کودکان
۶۰ کنش متقابل رشد شناختی با رشد روانی - اجتماعی و جسمی
۶۰ اهداف فرهنگی برای کودکان
۶۰ توجه دیداری
۶۰ نظریه پیاژه در مورد شناخت
۶۰ مرحله فرعی اول پیاژه : تولد تا یکماهگی
۶۰ جدول ۱-۷ مرحله رشد حسی - حرکتی پیاژه
۶۱ مرحله فرعی دوم پیاژه : یک تا چهار ماهگی
۶۱ تابلو ۱-۷ استراتژی‌هایی برای تسهیلرشد:
۶۱ مرحله فرعی سوم پیاژه : چهار تا هشت ماهگی
۶۱ تابلو ۲-۷ استراتژی‌هایی برای تسهیلرشد:
۶۱ مرحله فرعی چهارم پیاژه : هشت تا دوازده ماهگی
۶۱ نظرات متفاوت با نظر پیاژه
۶۲ تابلو ۳-۷ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: اسباب بازی‌هایی برای تفکر
۶۲ تقلید
۶۲ درک روابط
۶۲ رشد زبان
۶۲ نوزاد

- شش ماهه اول زندگی ۶۲
- شش ماهه دوم زندگی ۶۲
- شکل ۱-۷ توالی رشد پیشنهادی برای ارتباط پیش زبانی ۶۳
- تفاوت‌های فرهنگی در تعامل زبانی با کودکان ۶۳
- برنامه‌های مداخله اولیه ۶۳
- تابلو ۴-۷ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: ارزیابی کودک ۶۳
- شکل ۲-۷ آزمون سرند کردن رشد دن ور (DDST) ۶۴
- از نظریه تا عمل ۶۴
- و تصمیم ۶۴
- کودکان یک تا سه ساله: رشد روانی-اجتماعی ۶۵
- اصطلاحات کلیدی ۶۵
- خودمختاری ۶۵
- مفهوم خودمختاری اریکسون ۶۵
- رفتار مخالف ۶۵
- تابلو ۸ - ۱ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد : ۶۵
- اثرات خلق و خو ۶۶
- تابلو ۸ - ۲ - استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد : مواجه شدن با رفتار مخالف ۶۶
- اشیای انتقالی (transitinal bjects) ۶۶
- مکیدن شست ۶۶
- ترسها ۶۷
- تابلو ۸ - ۳ - ترسها ۶۷
- تأثیرات محیط خانواده ۶۷
- دل‌بستگی و جدایی ۶۷
- رفتار جامعه پسند (Prscial) ۶۷

- آگاهی از تفاوت‌های فردی ۶۷
- تابلو ۸ - ۴ شکستن تصورات قالبی نقش جنسی ۶۸
- تابلو ۸ - ۵ نژاد در ادبیات کودکان ۶۸
- ساخته‌های خانواده جانشین ۶۸
- سوء رفتار و غفلت ۶۹
- الگوهای تعامل والدین با کودک ۶۹
- تأثیرات اجتماعی خارج از خانواده ۷۰
- اثرات مهد کودک ۷۰
- جدول ۱-۸ تجربیات فکری ارزشمند طبق نظر کرو (۱۹۸۰) Carew ۷۰
- روابط همسالان ۷۱
- اثرات تلویزیون ۷۱
- تفاوت‌های فرهنگی ۷۱
- کودکان یک تا سه ساله: رشد جسمی ۷۲
- علائم رشد جسمی ۷۲
- مهارت‌های مربوط به ماهیچه های بزرگ ۷۲
- مهارت‌های مربوط به ماهیچه‌های کوچک ۷۳
- نقاشی کردن ۷۳
- یکپارچگی ادراکی - حرکتی ۷۳
- بالیدگی در مقابل تجربه در زمینه رشد جسمی ۷۴
- تفاوت‌های جنسی ۷۴
- تفاوت‌های فرهنگی ۷۴
- نیاز به محیط امن ۷۴
- پیشگیری از آسیب دیدگی در اتومبیل ۷۵
- پیشگیری از مسمومیت ۷۵

۷۵	پیشگیری از سوختگی
۷۵	پیشگیری از غرق شدن
۷۵	نیاز به محیط سالم
۷۵	رابطه بهداشت و رفتار
۷۶	رابطه فشارهای روانی خانواده و بهداشت
۷۶	رشد جسمی و الگوهای غذا خوردن
۷۶	تغذیه و رشد
۷۶	حفظ بهداشت
۷۷	پیدا کردن تصوّر جسمی مثبت
۷۷	آگاهی از جسم
۷۷	استفاده از توالت
۷۸	آموزش جنسی
۷۸	کودکان یک تا سه ساله: رشد شناختی
۷۸	مراحل رشد فکری از نظر پیاژه
۷۸	مرحله فرعی حسی - حرکتی پنجم
۷۹	جدول ۱-۱۰ - مرحله حسی - حرکتی رشد از نظر پیاژه
۷۹	مرحله فرعی حسی - حرکتی سن موفقیتها
۷۹	مرحله فرعی حسی - حرکتی ششم
۷۹	تفکر پیش عملیاتی اولیه
۸۰	تابلو ۱-۱۰ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد:
۸۰	من دنیایم را میبینم
۸۰	من دنیایم را میشنوم
۸۰	من دنیایم را لمس میکنم
۸۰	نقدهایی بر نظریه پیاژه

۸۱	کاربردهای نظریه پیازه
۸۱	رشد زبان
۸۱	زبان پذیرا
۸۱	تابلو ۲-۱۰ «گفتار مادرانه» و «گفتار پدرانه»
۸۱	واژه‌های اولیه
۸۱	تابلو ۳-۱۰ تحلیل دفتر خاطرات روزانه کودک
۸۲	جمله‌های نخستین
۸۲	گسترش واژگان
۸۲	تابلو ۴-۱۰ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: سرند کردن زبان
۸۲	تفاوت‌هایی در محیط‌های یادگیری زبان
۸۲	تفاوت‌های فرهنگی: انگلیسی سیاه پوستان
۸۲	جدول ۲-۱۰ خصوصیات برگزیده‌های از انگلیسی سیاه پوستان
۸۳	اهمیت بازی
۸۳	تعریف بازی
۸۳	اهمیت بازی
۸۳	تأثیرات فرهنگی
۸۳	وانمود سازی
۸۴	تابلو ۵-۱۰ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد:
۸۴	برای کودکان سه ساله
۸۴	برای تمام سنین
۸۴	محیط‌هایی برای رشد شناخت
۸۴	گوناگونی محیط‌های خانه
۸۵	اثرات مداخله تربیتی
۸۵	خلاصه

۸۶	مفاهیم کلیدی
۸۶	از نظریه تا عمل
۸۶	تابلو بخش ۳ - ۱ فهرست نظریه تا عمل
۸۶	۱۴
۸۶	۱۵
۸۶	۱۶
۸۶	۱۷
۸۷	۱۸
۸۷	۲۱
۸۷	۲۲
۸۷	۲۴
۸۷	۲۷
۸۷	۳۰
۸۷	۳۳
۸۷	۳۶
۸۸	سالهای نخستین مدرسه (سنین چهار تا هشت سالگی): کاوشگریجهان
۸۸	سالهاینخستین مدرسه(سنین چهار تا هشت ساله): رشدروانی -اجتماعی
۸۸	مفاهیم کلیدی
۸۸	تأثیرات خانواده
۸۸	تأثیرات وتعدیلهای خارجاز خانواده روابط همسالان اثرات تلویزیون
۸۸	فشارهای روانی دوره کودک
۸۸	ثبات خصوصیات رفتاری در طی زمان
۸۸	ابتکار و کوشایی
۸۸	مفهوم ابتکار از نظر اریکسون

۸۸	مفهوم کوشایی از نظر اریکسون
۸۹	تفاوت‌های جنسی
۸۹	مرحله مربوط به والدین بودن
۸۹	تأثیرات خانواده
۸۹	خصوصیات خانواده‌های قوی
۸۹	شیوه‌های والدین بودن و رفتار جامعه پسند (prscial)
۹۰	روابط همشیرها
۹۰	تأثیرات و سازگاریها در خارج از خانواده
۹۰	روابط همسالان
۹۱	اثرات تلویزیون
۹۲	فرهنگ و سازگاری با محیط مدرسه
۹۲	درک چند فرهنگی
۹۲	فشار روانی (Stress) دوره کودکی
۹۳	تفاوت‌هایی در فرایندهای کنار آمدن (Cping)
۹۳	تغییرات رشد در واکنش نسبت به فشارهای روانی
۹۳	عوامل حمایت کننده
۹۳	کودکان «دارای شتاب رشد» (Hurried" Children)
۹۴	ثبات خصوصیات رفتاری در طی زمان
۹۴	خلق و خو
۹۴	پر خاشگری
۹۵	سالهای نخستین مدرسه
۹۵	مفاهیم کلیدی
۹۵	شرایط معلولیت
۹۵	تشکیل تصور جسمی مثبت

- ۹۵ علایم رشد جسمی
- ۹۵ مهارت‌های مربوط به ماهیچه‌های بزرگ
- ۹۵ چهار تا پنج سالگی
- ۹۵ پنج تا شش سالگی
- ۹۵ شش تا هفت سالگی
- ۹۵ هفت تا هشت سالگی
- ۹۵ مهارت‌های مربوط به ماهیچه‌های کوچک
- ۹۶ چهار تا پنج سالگی
- ۹۶ پنج تا شش ساله
- ۹۶ شش تا هفت سالگی
- ۹۶ هفت تا هشت سالگی
- ۹۶ نقاشی کردن و نوشتن
- ۹۶ چهار تا پنج سالگی
- ۹۶ پنج تا شش ساله
- ۹۶ شکل ۱۲ - ۱ نقاشی تصاویر انسانها که در سنین چهار تا هفت سالگی کشیده شده است.
- ۹۶ شش تا هفت ساله
- ۹۶ هفت تا هشت ساله
- ۹۶ یکپارچگی ادراکی - حرکتی
- ۹۶ شکل ۱۲ - ۲ رشد نوشتن در سن ۵ تا ۸ سالگی
- ۹۶ تابلو ۱۲ - ۱ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: کاوشگری حرکتی
- ۹۷ تفاوت‌های جنسی
- ۹۷ شرایط معلولیت
- ۹۷ تابلو ۱۲ - ۲ مقوله‌های کودکان معلول: قانون همگانی ۹۴ - ۱۴۲
- ۹۷ اختلال بینایی

- ۹۸ عقب ماندگی ذهنی
- ۹۸ اختلال عاطفی
- ۹۸ ناتوانیهای یادگیری ویژه
- ۹۸ اختلال گفتاری و زبانی
- ۹۸ قانون همگانی ۹۴ - ۱۴۲
- ۹۸ معلولیتها و سابقه فرهنگی
- ۹۸ تابلو ۱۲-۳ استراتژیهای برای تسهیلرشد: کتابهای کودکان درباره معلولان
- ۹۸ تشکیل تصور جسمی مثبت
- ۹۸ فزونکاری
- ۹۹ جنسیت
- ۹۹ جذابیت
- ۹۹ تابلو ۱۲ - ۴ استراتژیهای برای تسهیل رشد:
- ۹۹ بازی دایره جادویی
- ۱۰۰ تمرین گفتن نه
- ۱۰۰ فریاد کشیدن
- ۱۰۰ تشکیل عادات سالم
- ۱۰۰ عادات خوردن
- ۱۰۰ مراقبت بهداشتی
- ۱۰۱ تناسب بدنی (fitness)
- ۱۰۱ ایمنی
- ۱۰۱ تابلو ۱۲ - ۵ استراتژیهای برای تسهیل رشد:
- ۱۰۱ خلاصه
- ۱۰۱ اصطلاحات کلیدی
- ۱۰۲ سالهای نخستین مدرسه (سنین چهار تا هشت سالگی) رشدشناختی

- ۱۰۲ مفاهیم کلیدی
- ۱۰۲ رشد زبان
- ۱۰۲ نقش مستمر بازی
- ۱۰۲ اثرات برنامه‌های آموزش نخستین
- ۱۰۲ موفقیت تحصیلی
- ۱۰۲ فرهنگ و موفقیت تحصیلی
- ۱۰۲ رشد منطق
- ۱۰۲ الف - مصاحبه‌های نگهداری
- ۱۰۲ نگهداری ذهنی عدد
- ۱۰۲ نگهداری ذهنی مایعات
- ۱۰۳ نگهداری ذهنی سطح
- ۱۰۳ ب - مصاحبه طبقه بندی
- ۱۰۳ ج - مصاحبه ردیف‌بندی
- ۱۰۳ تابلو ۱۳ - ۱ طبقه بندی بازنماییهای مفاهیم
- ۱۰۳ تابلو ۱۳-۲ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: ریاضیات عینی
- ۱۰۴ تایید نظریه پیازه در میان فرهنگها
- ۱۰۴ شیوه‌های دیگر کاربرد منطق: تفکر فلسفی
- ۱۰۴ تابلو ۱۳-۳ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: پیشرفت تفکر فلسفی کودکان
- ۱۰۵ رشد زبان
- ۱۰۵ علایم زبانی
- ۱۰۵ زبان و خواندن
- ۱۰۵ دو زبانی
- ۱۰۶ نقش مستمر بازی
- ۱۰۶ خلاقیت (creativity)

- ۱۰۶ شوخ طبعی
- ۱۰۶ تابلو ۴-۱۳ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: پرورش خلاقیت
- ۱۰۷ تفاوت‌های جنسی در بازی
- ۱۰۷ کامپیوتر و تفکر
- ۱۰۷ اثرات برنامه‌های آموزشی نخستین (early educatin prgrams)
- ۱۰۷ برنامه‌هایی برای کودکان خانواده‌های کم درآمد
- ۱۰۸ برنامه‌هایی برای کودکان مرفه
- ۱۰۸ موفقیت تحصیلی
- ۱۰۸ توانش اجتماعی و فکری
- ۱۰۹ انگیزش
- ۱۰۹ تابلو ۵-۱۳ استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد: تحریک انگیزش درونی
- ۱۰۹ حافظه
- ۱۰۹ فرهنگ و موفقیت تحصیلی
- ۱۰۹ پرورش کودک و تحصیل
- ۱۰۹ گوناگونی فرهنگی در کاربرد زبانی
- ۱۱۰ سبک شناختی (cgnitive style)
- ۱۱۰ خلاصه
- ۱۱۰ اصطلاحات کلیدی
- ۱۱۰ از نظریه تا عمل
- ۱۱۰ مؤخره
- ۱۱۰ دوره میانه کودکی
- ۱۱۴ در باره نویسنده
- ۱۱۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

مبشرات کتاب

سرشناسه : آنسلمو ساندرا

Anselmo, Sandra

عنوان و نام پدیدآور: رشد دوره اولیه کودکی، پیش از تولد تا هشت سالگی / آنسلمو ساندرا / آنسلمو ترجمه علی آخشینی؛ ویرایش گران

اسماد: توکل، احمد و رضوانی، حسن تقی‌زاده

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری: ۴۱۲ ص.مصور

وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی فلی

یادداشت: فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: Early childhood development: parental through age eight

یادداشت: کتابنامه

موضوع: کودکان — رشد

موضوع: تولد — رشد

شماره افزوده: آخشینی، علی، ۱۳۳۴ — مترجم

شماره افزوده: بنیاد پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۱۱(RJ)A7۱۷۹

رده بندی دیویی: ۳۰۵۳۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۴-۷۹۴

فهرست

یادداشت مترجم

پیشگفتار

سازماندهی کتاب

یاد و سپاس

مقدمه و نظریه های مربوط به رشد در دوره اولیه کودکی

رشد در دوره اولیه کودکی (early childhd development) چیست؟

دلیل مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی چیست؟

کسبک به پرورش کودکان

آمادگی برای مشاغل مددکاری

تاریخ مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی

چگونگی نگرش به کودکان در تاریخ

آغاز مطالعه علمی در باره کودکان

تالیف ۱-۱ طیبیت و تربیت در دوره اولیه کودکی

نظریه های معاصر در مورد رشد در دوره اولیه کودکی

نظریه شناختی

جدول ۱-۱ مراحل رشد از نظر پیاژه

تالیف ۲-۱ کاربرد نظریه پیاژه: نقطه بندی

نظریه رفتاری

تالیف ۳-۱ کاربرد شرطی شدن کلاسیک: آمادگی برای زایمان به ابتکار لاماز

نظریه روانکاری (psychanalytic theory)

تالیف ۴-۱ کاربرد شرطی شدن عامل: تفسیر رفتار (behavir mdificatin)

نظریه انسانگرایی (humanist theory)

تالیف ۵-۱ کاربرد نظریه یادگیری انجمنی: تفنید

تالیف ۶-۱ کاربردهای نظریه اریکسون: حفظ حس ابتکار

نظریه بالیدگی

تالیف ۷-۱ کاربرد نظریه انسانگرایی: پیامهای من " I- messages"

تالیف ۸-۱ کاربرد نظریه بالیدگی: آموزش استفاده از لگن

خلاصه

اصطلاحات کلیدی

استراتژیهای برایشاهده کودکان

مشاهده رفتارها در حین پروز

نقل رفتارهای مورد مشاهده

قطعات کوتاه توصیفی

یادداشت‌های روزانه کودک

تالیف ۱-۲ مثال از نقل رفتارهای مورد مشاهده

تالیف ۲-۲ مثالهایی از قطعات کوتاه توصیفی خوب، و بد

مثال ۱:

مثال ۲:

تفسیر قطعات کوتاه توصیفی ۱ و ۲

مشاهده رفتارهای از پیش تعیین شده

تالیف ۳-۲ مثال از مدخل یادداشت روزانه

فهرستهای کنترل

تالیف ۴-۲ مثال از فهرست کنترل رشد: انجمنی شدن توانگان

منبع سیرتفراتاریخ پروز

مصاحبه

نمونه گیری زمانی

تالیف ۵-۲ مثال از یک مصاحبه با استفاده از روش بالینی

نمونه گیری وقایعی

تالیف ۶-۲ مثالهایی از نمونه گیری زمانی

خلاصه سازی رفتارهای مورد مشاهده: مطالعات موردی

تالیف ۷-۲ مثال از مطالعه با استفاده از نمونه‌گیری وقایعی

مقرره های برای نمرهگذاری سون G

مقرره های برای نمرهگذاری سون H

و تفهنگرد کجستفانایتمجهده:توجهرفتارهایپنجهشدهمخالفتفسیر

بهره گیری ازمشاهدات در پاسخ به سوالات

سوالات غیر قابل پاسخ و اختلافات علم

تالیف ۸-۲ مثال از نوس مطالب مطالعه موردی در باره کودکان پیش دبستانی

خلاصه

اصطلاحات کلیدی

پیش از تولد، تولد، و

پیش از تولد.

تخصیص به داشتن فرزند

دلایل داشتن فرزند

بازاریاریهای پرخطر

الف- عوامل انجمنی- اقتصادی

ب- عوامل جنسی

ج- عوامل پزشکی مادران

د- عوامل جنینی- مادری

هـ- عوامل جنینی و جنینی

شکل ۱-۳ عوامل بارداری پرخطر

کروموسومها (chrmsmes) و ژنها (genes) پایه ارثی حیات:

کروموزومها و ژنها

دو قلوه‌ها

جنس (gender)

سبب ارثی و سبب بدبفاری

عطل کروموسومی مادروادی (cngenital malfrmatins)

عوامل ژنتیکی

شکل ۲-۳ ارتباط بین نشانگان داو و سن مادری

عوامل محیطی

شکل ۳-۳ دوره های حساس در رشد پیش از تولد انسان

تعامل عوامل

شکل ۴-۳ ویژگیهای چهاره کودکان مبتلا به نشانگان جنین الکنی (اف ا اس)

شکل ۵-۳ تأثیر استعمال دخانیات مادران بر وزن نوزاد

تالیف ۱-۳ عوامل محیطی پیش از تولد و ناتوانیهای یادگیری

ناهمسازی خوشی میان مادر و جنین

مشاوره ژنتیکی (genetic counseling)

تالیف ۲-۳ مشاوره ژنتیکی

شکل ۶-۳ آمیوبستر

دستگاه های تولید مثل

تولید مثل جنس نر
 تولید مثل جنس ماده
 باور سازی
 ۷۳ دستگاه های تولید مثل مرد و زن
 رشد پیش از تولد
 مرحله ۰ تا ۳ گری
 مرحله دوپای
 مرحله جنینی
 شکل ۸۳ تغییر تناسب بدن در طول مرحله جنینی
 شکل ۸۴ تغییر اندازه های بدن در طول مرحله جنینی
 نظریه‌ریزی در باره ارتباط میان مادر و جنین
 مراقبت‌های لازم برای زن باردار
 نظارت پزشکی
 تغذیه
 تفاوت‌های فرهنگی در مراقبت‌های دوره بارداری
 جدول ۱۳ میزان مرگ و میر کودکان بر حسب نژاد، سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۸
 سازمان‌کنفدراسیون‌های بهداشتی و سازمان‌های
 آمادگی برای پدر یا مادر شدن
 آموزش در باره زایمان
 خلاصه
 اصطلاحات کلیدی
 تولد و خانواده گسترده
 تولد
 مراحل زایمان (labr)
 زایمان طبیعی
 زایمان سزارین
 ارزیابی نوزادان
 تا ۲-۱ امور اخلاقی
 خانواده گسترده
 تا ۲۶ مشکلات‌الهی والدین در برابر نوزادان
 عوامل فرهنگی در تعامل پدر یا مادر با کودک
 بیستگی
 بیستگی با کودکان که خطرات فراوانی تهدیدشان میکند
 تا ۳۴ ارزیابی بیستگی
 نیازهای ویژه پدران و همسران (sibblings)
 تا ۴۶ کمک به همسران برای سازگاری با نوزادان
 خلاصه
 نخستین سال زندگی
 چ هار کودک هوشیار و سالم در محل پذیرش پزشک اطفال انتظار میکنند.
 رشد روانی -اجتماعی کودکان
 موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک (parent - infant rhythms)
 موزونی رابطه با پدران در مقابل مادران
 موزونی رابطه در فرهنگ‌های گوناگون
 تا ۱۵ استواری برای تسهیل رشد، تغییر و تفسیر نشانه های کودک
 دلنشنگی
 دلنشنگی مرحله ۱
 دلنشنگی مرحله ۲
 دلنشنگی مرحله ۳
 دلنشنگی مرحله ۴
 پاسخ‌های به جدایی
 اثرات دلنشنگی
 واکنش‌های منفی در برابر غریبه ها
 تفاوت‌های فرهنگی در دلنشنگی
 تا ۱۵ استواری برای تسهیل رشد، ایجاد زمینه جدایی
 گریه کردن کودک
 شناخت اجتماعی (Social cognition)
 خانسگاه های درک اجتماعی
 ادراک هیجانات
 خلق و خو (temperament)
 اثرات انتقال والدین
 تا ۱۵ استواری برای تسهیل رشد:
 تا ۱۵ استواری برای تسهیل رشد، مراقبت روزانه کودک
 رشد جسمی کودکان
 قایق‌های جسمی نوزادان
 بی‌تابی
 چشایی
 بویایی
 شنوایی
 بازتابها و تواتر
 بازتاب کشنده‌گی طبیعی عصبه گردن
 بازتاب‌های گونه (ring reflex) و میکیدن
 الگوی مکیدن مکرر و مکث (burst - pause pattern)
 بازتاب بانگین
 بازتاب راه رفتن
 بازتاب‌های قرار گرفتن (Placing)، باینسکی و چنگ زدن
 بازتاب مورو
 واکنش‌های حفاظتی
 سطوح هوشیاری
 خواب عمیق
 تا ۱۶ استواری برای تسهیل رشد: تمرین یا کودک
 خواب آری ام
 هوشیاری
 علائم رشد جسمی
 سه ماهه اول زندگی
 سه تا شش ماهگی
 شش تا نه ماهگی
 تا ۶-۲ استواری برای تسهیل رشد:
 نه تا دوازده ماهگی
 تا ۶-۳ راه رفتن و نشخواری همپواری هویی
 تغذیه و رشد مغزی
 بهداشت دندان
 شکل ۱۴۴ محنی رشد طبیعی دختران
 مصوبیت
 شکل ۱۴۵ محنی رشد طبیعی پسران
 شکل ۱۴۶ درصد کودکان یک تا چهار ساله که به حد کافی مصوبیت یافته‌اند.
 مغز، زودرسی، بیماری
 نشانگان مرگ ناگهانی کودک (Sudden Infant Death Syndrome) Clearinghouse
 ایمنی
 سوء رفتار و غفلت
 تا ۶۶ استواری برای تسهیل رشد: ایمنی وسایل تغذیه کودک
 شکل ۱۴۷ جدولی مخصوص نوزاد در انوسیل
 خلاصه
 اصطلاحات کلیدی
 برای مطالعه بیشتر
 رشد شناختی کودکان
 کتس مقابلی رشد شناختی یا رشد روانی -اجتماعی و جسمی
 اهداف فرهنگی برای کودکان
 توجه دیداری
 نظریه پیازه در مورد شناخت
 مرحله فرعی اول پیازه: تولد تا یکسالگی
 جدول ۱۷ مرحله رشد جسمی -حرکتی پیازه
 مرحله فرعی دوم پیازه: یک تا چهار ماهگی

تا ۱۷ استرژنهای برای تسهیل رشد:
 مرحله فرض سوم پیاز: چهار تا هشت ماهگی
 تا ۲۷ استرژنهای برای تسهیل رشد:
 مرحله فرض چهارم پیاز: هشت تا نوزده ماهگی
 نظرات متفاوت با نظر پیاز
 تا ۳۷ استرژنهای برای تسهیل رشد: اسباب بازیهای برای تفکر
 تقلید
 دوک روابط
 رشد زبان
 نوزاد
 شش ماهه اول زندگی
 شش ماهه دوم زندگی
 شکل ۱۷: توانی رشد پیشتهای برای ارتباط پیش زبانی
 تفاوتی فرهنگی در تعامل زبانی با کودکان
 برنامه های مداخله اولیه
 تا ۴۷ استرژنهای برای تسهیل رشد: از زبانی کودک
 شکل ۲۷: آزمون سرند کردن رشد دن در (DDST)
 از نظریه تا عمل
 و تقسیم
 کودکان یک تا سه ساله رشد روانیاجتماعی
 اصطلاحات کلیدی
 خودمختاری
 مفهوم خودمختاری اریکسون
 رفتار مخالف
 تا ۸-۱ استرژنهای برای تسهیل رشد:
 اثرات خلق و خو
 تا ۸-۲ استرژنهای برای تسهیل رشد: مواجه شدن با رفتار مخالف
 اشیا انتقالی (transitional objects)
 مکتوب شدن
 ترسها
 تا ۸-۳ ترسها
 تاثرات محیط خانواده
 دلچسپی و جدایی
 رفتار جامعه پسند (Prsocial)
 آگاهی از تفاوتی فردی
 تا ۸-۴: شکستن تصورات قالبی نقش جنسی
 تا ۸-۵: زاد در ادبیات کودکان
 ساختهای خانواده جانشین
 سوء رفتار و نفقت
 الگوهای تعامل والدین با کودک
 تأثیرات اجنماعی خارج از خانواده
 اثرات مهد کودک
 جدول ۱۸: تجزیهات فکری ارزشمند طبق نظر گرو (۱۹۸۰ Carew)
 روابط مسلمانان
 اثرات تلویزیون
 تفاوتی فرهنگی
 کودکان یک تا سه ساله رشد جنسی
 علائم رشد جنسی
 مهارتهای مربوط به ماهیچه های بزرگ
 مهارتهای مربوط به ماهیچه های کوچک
 نقاشی کردن
 یکپارچگی ادراکی-حرکتی
 بالذگی در مقابل تجربه در زمینه رشد جنسی
 تفاوتی جنسی
 تفاوتی فرهنگی
 نیاز به محیط امن
 پیشگیری از آسیب دیدگی در اتومبیل
 پیشگیری از مسومیت
 پیشگیری از سوختگی
 پیشگیری از غرق شدن
 نیاز به محیط سالم
 رابطه بهداشت و رفتار
 رابطه فشارهای روانی خانواده و بهداشت
 رشد جنسی و الگوهای غذا خوردن
 تغذیه و رشد
 حفظ بهداشت
 پیدا کردن تصور جنسی مثبت
 آگاهی از جسم
 استفاده از نواخت
 آموزش جنسی
 کودکان یک تا سه ساله رشد شناختی
 مراحل رشد فکری از نظر پیاز
 مرحله فرضی حسی-حرکتی پنجم
 جدول ۱۸-۱: مرحله حسی-حرکتی رشد از نظر پیاز
 مرحله فرضی حسی-حرکتی ششم
 مرحله فرضی حسی-حرکتی ششم
 تفکر پیش عملیاتی اولیه
 تا ۱۰۰-۱ استرژنهای برای تسهیل رشد:
 من دنیایم را میبینم
 من دنیایم را میشنوم
 من دنیایم را لمس میکنم
 تفکدهایی بر نظریه پیاز
 کاربردهای نظریه پیاز
 رشد زبان
 زبان بدیوا
 تا ۱۰۰-۲ گفتار مادانه، و گفتار بدبانه
 واژه های اولیه
 تا ۱۰۰-۳: محیط فقر خاطرات روزانه کودک
 جمله های نخستین
 گسترش واژگان
 تا ۱۰۰-۴ استرژنهای برای تسهیل رشد: سرند کردن زبان
 تفاوتی در محیطهای یادگیری زبان
 تفاوتی فرهنگی: انگلیسی سیاه پوستان
 جدول ۲۰-۱: خصوصیات برگردهای از انگلیسی سیاه پوستان
 اهمیت بازی
 تعریف بازی
 اهمیت بازی
 تأثیرات فرهنگی
 وسوسه سازی
 تا ۱۰۰-۵ استرژنهای برای تسهیل رشد:
 برای کودکان سه ساله
 برای تمام سنین
 محیطهایی برای رشد شناخت
 گوناگونی محیطهای خانه
 اثرات مداخله تربیتی
 خلاصه
 مفاهیم کلیدی
 از نظریه تا عمل
 تا ۱۰۰-۳ فهرست نظریه تا عمل
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶

۱۷
۱۸
۲۱
۲۲
۲۴
۲۷
۳۰
۳۳
۳۶

سالهای نخستین مدرسه (سین چهار تا هشت سالگی): کاوشگرجهان

سالهای نخستین مدرسه (سین چهار تا هشت ساله): رشد روانی-اجتماعی

مفاهیم کلیدی

تأثیرات خانواده

تأثیرات و تدابیرهای خارج از خانواده روابط همسالان اثرات تفریحی

فشارهای روانی دوره کودکی

نبات خصوصیات رفتاری در طی زمان

انکار و کوشایی

مفهوم انکار از نظر اریکسون

مفهوم کوشایی از نظر اریکسون

تفاوت‌های جنسی

مرحله مربوط به والدین بودن

تأثیرات خانواده

خصوصیات خانواده های قوی

شوه های والدین بودن و رفتار جامعه پسند (prscial)

روابط همشوها

تأثیرات و سازگاریها در خارج از خانواده

روابط همسالان

اثرات تفریحی

فرهنگ و سازگاری با محیط مدرسه

درک چند فرهنگ

فشار روانی (Stress) دوره کودکی

تفاوت‌هایی در فرآیندهای کنار آمدن (Cping)

تغییرات رشد در واکنش نسبت به فشارهای روانی

عوامل حمایت کننده

کودکان دارای شتاب رشد " (Hurried" Children)

نبات خصوصیات رفتاری در طی زمان

ختل و خو

پرخاشگری

سالهای نخستین مدرسه

مفاهیم کلیدی

شرایط معلولیت

تشکیل تصور جسمی مثبت

علامه رشد جنسی

مهارتهای مربوط به ماهیچه های بزرگ

چهار تا پنج سالگی

پنج تا شش سالگی

شش تا هفت سالگی

هفت تا هشت سالگی

مهارتهای مربوط به ماهیچه های کوچک

چهار تا پنج سالگی

پنج تا شش ساله

شش تا هفت سالگی

هفت تا هشت سالگی

تقاضی کردن و نوشن

چهار تا پنج سالگی

پنج تا شش ساله.

شکل ۱۰-۱۲ نقاشی تصاویر انسانها که در سین چهار تا هفت سالگی کشیده شده است.

شش تا هفت ساله

هفت تا هشت ساله

یکپارچگی ادراکی-حرکتی

شکل ۱۰-۱۲ رشد نوشن در سن ۵ تا ۸ سالگی

تابلو ۱۰-۱۲ استراتیجهایی برای تسهیل رشد: کاوشگری حرکتی

تفاوت‌های جنسی

شرایط معلولیت

تابلو ۱۰-۱۲ نمونه های کودکان معلول : قانون همگانی ۹۲-۱۴۲

اختلال بنیایی

عقب ماندگی ذهنی

اختلال عاطفی

تاوتیتهای یادگیری ویژه

اختلال گفتاری و زبانی

قانون همگانی ۹۲-۱۴۲

معلولیتها و سابقه فرهنگی

تابلو ۱۰-۱۲ استراتیجهایی برای تسهیل رشد: کتابهای کودکان درباره معلولان

تشکیل تصور جسمی مثبت

فرزنگاری

جسیت

جداییت

تابلو ۱۰-۱۲ استراتیجهایی برای تسهیل رشد:

بازی دایره جادویی

تمرین گفتن نه

فریاد کشیدن

تشکیل عادات سالم

عادات خوردن

مراقبت بهداشتی

تناسب بدنی (fitness)

ایستی

تابلو ۱۰-۱۲ استراتیجهایی برای تسهیل رشد :

خلاصه

اصطلاحات کلیدی

سالهای نخستین مدرسه (سین چهار تا هشت سالگی) رشدشناختی

مفاهیم کلیدی

رشد زبان

نقش مستر بازی

اثرات برنامه های آموزش نخستین

موفقیت تحصیلی

فرهنگ و موفقیت تحصیلی

رشد منقل

الف- مصاحبه های نگهداری

نگهداری ذهنی ساده

نگهداری ذهنی مایهات

نگهداری ذهنی سطح

ب- مصاحبه طبقه بندی

ج- مصاحبه ردیف بندی

تابلو ۱۰-۱۳ طبقه بندی بازیهای ماهیچه های

تابلو ۱۰-۱۳ استراتیجهایی برای تسهیل رشد: ریاضیات مبتنی

ناب نظریه پیاز: در میان فرهنگها

شوه های دیگر کاربرد منقل : تفکر فلسفی

تابلو ۱۰-۱۳ استراتیجهایی برای تسهیل رشد: پینترف تفکر فلسفی کودکان

رشد زبان

علامه زبانی

زبان و خواندن

دو زبانیگی

نقش استنر بازی

خلاقیت (creativity)

شرح شفی

تالیف ۹،۱۳ استازبهایی برای تسهیل رشد؛ پروش خلاصت

تفاوتهای جنسی در بازی

کامپیوتر و تفکر

اثرات برنامه هایآموزشی نخستین (early educatin prgrams)

برنامه های برای کودکان خانواده های کم درآمد

برنامه های برای کودکان برده

موفقیت تحصیلی

توانش اجتماعی و فکری

انگیزش

تالیف ۵،۱۳ استازبهایی برای تسهیل رشد؛تحریک انگیزش درونی

حافظه

فرهنگ و موفقیت تحصیلی

پروش کودک و تحصیل

گویاگوی فرهنگی در کاربرد زبانی

سبک شناختی (cgnitive style)

خلاصه

اصطلاحات کلیدی

از نظر به تا عمل

مؤخره

دوره میانه کودکی

در باره نویسنده

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

همه کسانی که به موضوع رشد کودک توجه دارند غالباً نکتههای ظریف و روشنگرانه‌ای را در رفتار کودک مشاهده میکنند. والدین و افراد معاری نیز همچون پزشکان و روانشناسان کودک، مددکاران اجتماعی و مربیان مهد کودک میتوانن اطلاعات زیر را در کتاب حاضر بیابند و در عمل از آنها استفاده کنند.رشد کودک در ابعاد روانی -اجتماعی، بدنی، و شناختی تا سن هشت سالگی ژرفتر کودک و شیوهای ثبت آن پو نظریه‌های معاصر در باره رشد. در انتخاب تعاریف و اصطلاحات روان شناختی از فرگهی‌های تخصصی مدد جسته ونیز با صاحبانزنان در رشته های گوناگون مشورت کرده‌ام. مترجم امیدوار است که خانواده‌ها هرچه پیشتر با مفاهیم و نظریه‌های علمی در زمینه رشد کودک آشنا شوند و کودکان در پرتو اخلاعات و شیوهای علمی سوسمند از ارزش و احترام شایسته خویش برخوردار گردند. در پایان شمن تشکر از آقایان احمد رضوانی ، حسن نفی زاده طرمسی واسدالله توکلی در مراحل مختلف ویرایش این کتاب از زحمات آقای جلال قیامی به سبب ارائه برخی لغات و عبارات فارسی مناسب قدرتمانی میکنم. همین طور از زحمات شایسته آقای حمیدرضا موقفی به سبب ویرسی و آماده سازی و آقای احمد پهلوانزاده برای خروچینی کتاب حاضر سپاسگزارم. علی آخشینی

پیشگفتار

امی Amy به آرامی بنیانکه را می مکتد و با دقت به چهره پدرش مینگرد.

جاستین Justin به صورت چهارمست را خود را به سوی کودکان روزگرمی که مشغول ساختن مکعبهای در اقال قطعات پزشک اطفال هستند، می کند.

ملیسا Melissa از کنار جبهه‌ی پراژ شن میگذرد تا پهلوی کودک خردماتری با یک دست اسباب بازی رنگارنگ بنشیند.

نیکلاس Niklas در تویکی دوستش را می نول و جاده درست میکند.

شونا Shwna و ویلما Wilma با پوست پرتقال دندانهای خود را میپوشانند و صدای هیولا در میآوردند تا کودکان خردماتر را بختاندند.

جسن Jasn کنار معلم خود می‌نشیند و عکسالعمل خود را در برابر نخستین آزمون حسی کردن شرح میدهد.

تام و چیک Chic از سایر کودکان فاصله میگیرند تا ذری بسازند.

این کودکان و کودکانی نظیر آنها به مسخعات این کتاب که داستان بالذدی ماهی‌های اولیه کودکی را میگردند، جان میبخشند. مدنها کنشایی مورد نیاز بوده است که نظر جاسمی بر دوره‌ای از ماههای پیش از تولد تا پایان هشت سالگی داشته باشد. این کتاب روابط متقابل مربوط به رشد را از طی چندین سال نشان می دهد و پلی میان سالهای اولیه زندگی و بخش آفزایی تعلم و تربیت مفصلتری برقرار میسازد. باین کتاب علاوه بر این که کام به سالهای دوره اولیه کودکی اختصاص دارد، ویژگیهای مشابه دیگری نیز دارد. نخست، مطالعه استرژاتیهای مشاهده کودکان با مطالعه نظریه‌ها و تحقیقات مربوط به رشد در دوره اولیه کودکی درهم آید. است. خوانندگان نوعی دیدگاه فرآیندی پیدا میکنند، و یاد میگیرند که رفتارهای کودکان را در محیطهای طبیعی مشاهده کنند و به ثبت و خلاصه این مشاهدات بپردازند. در سرتاسر کتاب تمرینهایی به نام از نظر به تا عمل Firm They t Practice به نفرت کاربرد منظم مهارتها در مشاهده کمک میکنند. یک فرض کتاب این است که مردم آنچه را که خودشان کشف می کنند به بهترین وجهی به خاطر میسپارند. ارتباط با کودکان از طریق مشاهده، یافت معینداری را برای مطالعه نظریه‌ها و یافته‌های دیگران فراهم می‌آورد.

دوم، رشد در دوره اولیه کودکی در درون یافت جامعه کثرت گزای ما ارائه میشود. دیدگاه ووشناختن نشان میدهد که عوامل فرهنگی چه تأثیر طبیعی بر رشد دارد. تحقیقاتی که در میان بسیاری از گروه‌های فرهنگی به عمل آمده است و در سرتاسر کتاب به چشم میخورد، خوانندگان را در فهم انوعی از متفرهای پیچیده فرهنگی کمک میکند. موضوعها شامل انگلیسی سیاهپوستان، تفاوت‌های فرهنگی در روابط متقابل والدین وفرزندان، و موفقیت فرهنگی و تحصیلی است. تمام خوانندگان باید بدانند که تحریات کودکی آنان تنها یک امکان محمول در جامعه کثرت گراست. با درک غنی تفاوت‌های فرهنگی، خوانندگان بهتر میتوانند به کنش متقابل با خانواده‌های دارای سوابق گوناگون بپردازند.

سوم، ماهیها و تصاویر زنده بیشتر خوانندگان را در فهم رشد در دوره اولیه کودکی یاری میدهند. موارد کاربردی که غالباً در تالوها به چشم میخورند پایه پای فصول آمده‌اند و کتاب را پررزه برای استفاده کسانی که در مشاغل مده‌کاری خدمت میکنند یا قصد دارند در آنها وارد شوند، و نیز میخوانند به پرورش کارآسزتر کودکان بپردازند، مناسب میسازند. موارد کاربرد شامل بحث جنسی والدین و فرزندان، تربیت تفکر فنی، برانگیختن خلاقیت وانتخاب شیوه رفتنهای روزانه میشود.

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

فهرست

تفکر دیگری که ممکن است انتخاب شود، شاخصی طبیعی برای پاناد دوره اولیه کودکی به شمار میرود.

این کتاب بدین منظور نوشته شده است تا خوانندگان را در فهم رشد دوره اولیه کودکی در درون بافت جامعه‌ای کثرت‌گرا و چند فرهنگی باری دهد. در ذیل دلائل کسب معلومات در باره رشد در دوره اولیه کودکی ارائه میشود.

دلیل مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی چیست؟

بملاطفه اولیه نسبت به رشد در دوره اولیه کودکی احساساً انگیزه‌های برای خوانندگان است تا به کاوش این کتاب بپردازند. دلائل زیادی برای پرورش آن علاقه و یادگیری مطالب بیشتر در باره رشد اولیه انسانها وجود دارد. از میان آن دلائل، دو دلیل غیرمنتظره از آن کتب به پرورش کودکان و آمادگی برای مشاغل مددکاری helping prfessins.

کمک به پرورش کودکان

والدین، کسانی که والدین آینده خواهند شد، یا افراد دیگری که با کودکان خردسال تماس نزدیک دارند، مایلند توانایی پرورش کودکان را با شیوه‌های مثبت کسب کنند. ولی ممکن است ندانند که از کودکان در سنین اولیه رشد چه نوع رفتاری را باید انتظار داشت و چگونه ممکن است بر این رفتار تأثیر گذاشت.

هر چقدر مردم در باره رشد کودکان خردسال بیشتر آگاهی داشته باشند به همان نسبت بیشتر می‌توانند کودکان استثنایی special children را در کسب بالاترین تواناییهایشان باری دهند.

والدین می‌خواهند که بهترین شرایط رشد را برای کودکانشان فراهم سازند، ولی دو بیشتر موارد نمی‌دانند که در موقعتهای ویژه چه انجام دهند؟ در اینجا نونهایی از موقعتهای گیجکننده و دلوار که در این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت ارائه می‌شود. سوزان شاه بعد از اینکه به خواب کاملی فرو میرود، هنگام شب از خواب بر میخیزد. والدین خسته‌اش با علاقه اندکی با او بازی میکنند، چرا که او ظاهراً به نسلی نیاز دارد. او در شب بعد چندین بار از خواب بیدار میشود. نیازهای سوزان کدامند و والدین چگونه باید به او کمک کنند؟کیمی Sammie در سه ساله حتی زمانی هم که چیز دلخواهش را در اختیارش میگذارند فریاد میزند، نه. والدینش چه پاسخی به او باید بدهند؟گریگ Greg در خوردن ساهه خود امتناع میورزد چرا که مدعی است خواهرش در ظرفی با شکلی متفاوت میوه زیادی دارد. چرا او این موکبت را در چنین درک میکند و والدینش چه باید انجام دهند؟الواری Laura کلاس دوم اعلام میکند که کودکی زرگتر به طرز نداشت کشده‌ای به او دست زده است. هرچه بیشتر از او سوال میشود بیشتر آشفته میشود. چه روی داده است و والدینش چه باید انجام دهند؟ کشش متقابل روزانه والدین و کودکان نونهایی بسیاری از چنین معماهایی را می‌تواند باید آورد. مسأله این نیست که پدر و مادر بودن ذاتاً کار دشواری است، بلکه مسأله این است که اغلب والدین آمدگی آن را ندارند که از توانوهای نسلی بی‌بنا و کودکی خردسال که زود رشد میکند مراقبت کنند. والدین در صورتی که می‌توانند که از کودکانشان باید چه انتظاری داشته باشند و چگونه آنان را برای درندهد احساسی آسایش بیشتر خواهند کرد و از سالمتهای اولیه زندگی کودکانشان لذت بیشتر خواهند برد.

آمادگی برای مشاغل مددکاری

کسانی که علاقه‌مندند در مشاغل مدد کاری به فعالیت بپردازند، نظر تدریس دوره اولیه کودکی، تربیت والدین، مدد کاری اجتماعی، مراقبت، موسیقی درمانی musictherapy، سرگرمها، نیازدارند که بارشد در دوره اولیه کودکی آشنایی پیدا کنند. رفتار مددکاران حرفه‌ای برای دیگران الگویی به شمار میرود که درکش متقابل خود با کودکان خردسال از آن استفاده میکنند. ازتخصصان دربار امور گوناگون نظر میکنم شست thumb sucking ، انقباض، تعدیه، طن به پوستاستفاده وقلقت ازکودک، مشکلات گفتاری و شیاداری bad wetting، اینان نیزارائه الگوها، توصیهها وصایح خود، کودکان خردسال و والدین آنها را آهسان میکنند. سوزلشی عظیم برعهده این مددکاران است. برای تمامی کسانی که در مشاغل مددکاری وارد میشوند، کام ضروری است کهملاحظات کاملی ازرشد کودکان خردسال داشته باشند.

متخصصان مددکاری نه تنها باطنی الگوهایی رشد در دوره اولیه کودکی را در گروههای فرهنگی مربوط به خود ببخشاند بلکه باید با نونهایی از گروههای فرهنگی دیگر نیز آشنا باشند. در این کتاب، تحقیقات و مآلها بیانگر یک رشته الگوهایی رشد و پرورش است که در یک جامعه چند فرهنگی وجود دارد. متخصصان مددکاری با دانستن این که تجربیات کودکی هر شخصی می‌تواند نماینده بیک امکان از این رشته الگوها باشد، در کش متقابل خود با خانوادههایی که زمینههای فرهنگی غیر از زمینه فرهنگی خودشان دارند، حساسیت بیشتری پیدا میکند.

تاریخ مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی

مطالعه علمی کودکان رویدادی تازه در تاریخ انسان است. فقط در دوست سال گذشته است که کودکان به عنوان استانهایی متفاوت با بزرگسالان و سزوار مطالعه در جایگاه حقیقی خود شناخته شده‌اند. پیش از سدههای اخیر، زندگی دشوار بود و نیازها و انتظارات جامعه این اجازه را به کودکان نینداهد، تا در باره آنچه امروز دوره کودکیاش میخوابد تجربه کسب کنند. در عوض، کودکان بزرگسالان کوچکی miniature adults تصور میشدند و اساس همین تصور با آنها رفتار میشد.

چگونگی تکرش به کودکان در تاریخ

کل مشکلاتی که مردم در تمام اعصار با آن مواجه شده‌اند دلیل روشنی است که چرا کودکان در سدههای گذشته از کودکان امروزی کمتر آزاد گذاشته میشدند. دو عامل دیگر در این وضعیت مؤثر بودند:تنگ عامل عیارت بود تا تعلیمات کلیساهه که بر گناهکار بودن فانی انسانها تأکید داشت. والدین اصرار داشتند که برای اطمینان از رستگار شدن کودکانشان، با کتک به دور کردن شیطان، the devil beat او آنان بپردازند. عامل دوم عیارت بود از نیاز والدین به نگهداشتن قاصلههای عاطفی بی‌خود و کودکانشان در زمانی که احساس مرگ آن کودکان در دوره اولیه کودکی وجود داشت. دوره بزرگسالان را غالباً آغاز سنین دوازده تا سیزده سالگی تعریف میکنند. در چنین حالتی، والدین که تا دوازده فرزند به پدیا می‌آوردند احساس دو یا سه فرزند آنان تا بزرگسالی زنده میمانند. امروزه بسیاری و سود نفعیه که در دوره اولیه کودکی موجب بسیاری از مرگ و سورا میشود، در سطح وسیعی ریشه کن شده است ولی در سدههای گذشته میزان بالای مرگ و میر تأثیر مهمی بر نحوه برخورد با کودکان گذاشته بود.

بنابراین تا این اواخر، دوره کودکی به گروههای که امروز تعریف میشود وجود نداشت. انسان از تولد تا شش سالگی بویافته تصور میشد که جهت یادگیری رفتار صحیح، تحت مراقبت مادر قرار میگرفت. در شش سن یا هفت سالگی شخصی به شگردی میرفت یا به کاری داری درآمد مشغول میشد. تصاویر کودکان در آن روزها، آنان را در حالی نشان میدهد که نونهایی کوچک شده‌ای از لباس بزرگسالان را به تن دارند و به فعالتهای بزرگسالان مشغولند.

علاقه به دوره کودکی به عنوان مرحله رشدی مختصر به فرد ریشه در تکراری دارد که به چگونگی کسب توانایی عمل در بزرگسالان مربوط میشود. فیلسوفی انگلیسی به نام جان لاک(John Locke ۱۶۳۲-۱۷۰۴) اظهار داشت که کودکان تاآنآ نه غیرتدونه بلکه محصول محیط خویشند. وی بر این فرض قائل بود که کودکان با ذهنی متولد میشوند که همچون لوح سفیدی است و از طریق تجربه نسام آنچه که سر انجام در بزرگسالی می‌دانند احساس میکنند بر آن نقش میدهند. اندیشههایی لاک که گروهی بنیادی مخالف نظریه گناهکار بودن انسان بودند، ولی نونشهایی تأثیر گذار بود و بتدریج از سوی همگان پذیرفته شد.

در این فضای فکری، ژان ژاک روسو (Jean Jacques Rousseau ۱۷۱۲-۱۷۷۲) کتاب مینورش را به نام Émile در آورید که در زمینه تعلیم و تربیت نوشته شد. در این کتاب، روسو نوشت که محیط عامل آرزوگی انسان است نه گناهکار بودن ذاتی وی. هرچه اظهارات وی در زمینه پرورش کودک مورد انتقاد فزوان قرار گرفت، ولی او همچنان در نونشهایی تأکید میکرد که کودکان ذاتاً خوب هسته و لازم است که در محیط آمده‌ای قرار گیرند تا رشد پیدا کنند.

نونشهایی لاکه و روسو به همراه تغییرات ناشی ازصنعتی شدن جامعه، شیوه نگارش جراع اروپا وامریکای شمالی را نسبت به کودکان دگرگون کرد. بعد ازصنعتی شدن جامعه بتدریج دوره خاص کودکی -دوره‌ای پیش از قوم پذیرش سوزلشهایی بزرگسال-پدید آمد. با وجود این، درک این امر اهمیت دارد که صنعتی شدن لطف بخشندهای جهان، دیرتر از اروپا و امریکای شمالی صورت گرفت و درک جدید از دوره کودکی نیز بسیار دیرتر ظاهر شد. در واقع هنوز فرهنگهایی وجود دارند که در آنها کودکان در سنین پایین پنج یا شش سالگی، به تیره‌های کار جامعه میپیوندند.

متخصصان رشد در دوره اولیه کودکی به مطالعه کودکان در بنتهای فرهنگی بسیار گوناگون می‌پردازند و تصفدشان این است که به کشف جنبههایی از رشد که جهانی است و نیز جنبههایی که رشد که تحت تأثیر فرهنگ خاصی است قابل آیدن این کتاب گروهی‌ای از تاریخ تحقیقات انجام شده در بخشهای دیگر جهان و نیز در میان اعضای گروههای فرهنگی گوناگون ایالات متحده به دست میدهد.

آغاز مطالعه علمی در باره کودکان

یوهان هاینریش پستالوزی (Jhann Heinrich Pestalzzi ۱۷۴۶-۱۸۰۰) اعلی کلتور سوئیس را عموماً پیشگام مطالعه علمی جدید کودکان میشناسند. در سال ۱۷۴۶، وی زندگیمه فرزندش را منتشر کرد که در جلب توجه همگان به فرایند رشد در سالمتهای اولیه زندگی مؤثر بود.

پیش از یکصد سال بعد، چارلز آر. داروین (Charles R. Darwin ۱۸۰۹-۱۸۸۲) بر مبنای کار پستالوزی، زندگیمه فرزند خردسالش را به رشته تحریر در آورد از آنجا که داروین دانشمند بود، زندگیمه فرزندش را با اصطلاحات رفتار گریانه دقتیتری نسبت به اصطلاحات معمول آن زمان نوشت. داروین حتی نتایج آزمایشهای ساده‌ای را - نظیر این که کودکی در برابر حرکت به جلو و عقب چه عملکردی نشان میدهد - در زندگیمه پیشش اضافه کرد. انتشار کتاب داروین زندگیمه نویسی کودک را رواج داد. همگان را با روش مطالعه علمی در باره کودکان آشنا ساخت و صحنه را برای تحقیقات جدید در زمینه رشد اولیه کودک آماده ساخت.

گسترش و حرکت سریع مطالعه علمی کودک تا حدودی به تعلیمات، تحقیقات و نگارش‌های جی. استیسن Hall G. ستیست داده میشود. حال که یکی از نخستین روانشناسان ایالات متحده است معلم پیشربانان تحقیق در زمینه رشد کودک بود که در موردش بودند از : آرنولد گسل(Arnold Gesell ۱۸۷۳-۱۹۵۵) .پزشکی که در طرح بالیدگی کودکان خردسال مؤثر بود. چچان دینی (John Dewey) مری تعلیم و تربیت که رهبری جنبشی را در برابر طبیعت، بحث کرده‌اند. در دهههای اخیر تقریباً تمام پژوهشگران به توافق رسیده‌اند آورد نو لویس ژوان روسان شناسی که مفهوم هوشبر را بعد از همکاری در تجزیه نظر آزمونهایی به در باره هوش خلق کرد. در سال ۱۸۴۳، کتاب مهمی به نام محتوای ذهن کودکان The Content f Children's Minds نوشت که کامی طبیبی در مطالعه علمی کودکان به شمار میرفت. میچل جنسن نخستین مجله علمی را به نام مجله روان شناسی ژرنشکی The Jurnal f Genetic Psychology یا به گاماری کرد که در آن تحقیقات مربوط به رشد کودک منتشر میشد. وی همچنین سوزل معرفی زیگموند فروید به روان شناسان امریکایی بود و این کار را از طریق معرفی فروید به دانشگاه کلمارک بحث آزاد یک سلسله سخنرانیها علمی نمود. حال را بعد دلیل فعالیتهایی شخصی نیز نفسی که در آموزش دیگران دارد به عنوان رهبر مطالعه علمی کودکان در ایالات متحده میشناسند.

فایده ا – طبیعت و تربیت در دوره اولیه کودکی

نوشته‌های لاکه و روسو بر ستمهایی را در این باره را رنگبخت که رشد کودکان تا چه اندازه نتیجه تربیت کودکان در قیل و بعد از تولد است و تا چه اندازه نتیجه فرایندهای طبیعت است. برای سالها طی یک دوره پر فراز و نشیب، دانشندان در باره هر دو جنبه مسأله طبیعت در برابر تربیت (یا وراثت در برابر طبیعت) بحث کرده‌اند. در دهههای اخیر تقریباً تمام پژوهشگران به توافق رسیده‌اند که طبیعت و تربیت در هم تأثیر متقابل دارند. لکن این مسأله هر از گامی دوباره مطرح میشود. نظیر بحث و جدلهایی که آرتور جنسن (Arthur Jensen ۱۹۱۹) برآ کرد و برای پاین بودن میگلین نمراتی که کودکان شرق و سفید پوست امریکا در مقایسه با کودکان سیاهپوست، در آزمونهای بهره هوشی کسب کرده بودند، مبنای ژنتیکی قائل بود. پاسخ اغلب پژوهشگران به نظریه جنس فوری و منفی بود. هر از گامی، اغلب کارشناسان به مخالفت شدید با جنس می‌پردازند و بسیاری از تفاوتهای محیطی میان

کودکان سایبوست و کودکان گروههای دیگر و نیز جانبداری آزمونهای هوشیبری سنتی را از اطلاعات و الگوهای تفکری که کودکان شرقی و سفید پوست در مقایسه با کودکان سایبوست بیشتر با آنها آشنایی دارند عوامل محلی به شمار می‌آیند. نظر کارشناسان بر این است که هر کودک با موهبتی ارثی به دنیا می‌آید که مطمئناً دارای تأثیر طبیعی است لکن بعد از لقاح ، کودک بعد از تأثیر عوامل محیطی گوناگون قرار میگیرد.

در لقاح و شکستگی سرشتهٔ ارنی فرم هر گونه کوششی به صورت مداخله مثبت باید بیرون جبهه‌های محیط به عمل آید. محیط را میتوان به صورت کلی و با مفصل تعریف کرد و اخیراً پژوهشگران سوالات جدیدی را مطرح ساخته‌اند. پوری بروفن برنز (۱۹۷۹) UrieBrenfenbrenner) روش پیچیده و چند لایه‌ای را که بر آن محیط بوم شناختی نام نهاده، پیشنهاد داده است. بروفن برنز بر این باور است که کودکان متأثر از سه سطح هستند: محیط خانواده‌گی و محیطهای آشنایی دیگر، محیطهای دورتری که کودکان مستقیماً در آنها شرکت نمیکنند، نظر محل کار والدینشان و حتی سطح فرهنگی واجتماعی بسیار دورتر. برنی روشن ساختن نظرات بروفن برنز در باره پیچیدگی تأثیرات بر کودکان میتوان براینه‌ای را که تازه سخن گفتن می‌آموزد در تمام این سه سطح در نظر گرفت، در سطح درونی، در صورتی که در گسلاطن معتقد باشند که صرف وقت در جهت کشش متقابل زبانی کودکان مهم و جالب توجه است، کودک کشش را آسترز یاد خواهد گرفت، در سطح بیانی، این که آیا روزگسلاطن زبانی ازوی یا شایلیب به سخن گفتن با یک نراره را دارند به تقاضاهای دشارها وحمایتهای ناشایز محیطهای کار خارج ازخانه بستگی دارد. و در سطح بیرونی، نیروهای خارجی نظیر سیستمهای عمومی مربوط به موجودیت و هزینه مراکز مراقبت کودک با کیفیت خوب یا میزان تحرکپذیری زبانی کودک در هنگامی که والدینش در سرکار هستند، ارتباط دارد. در هر سه سطح، هماینهاوتقارنهایی میان گروههای فرهنگی وجود دارد.

بروفن برنز جهت مطالعه محیطهایی که بر کودکان تأثیر میگذارند براینه‌ای را تهیه کرده که بطور کامل و مشخص تدوین شده است. در این کتاب، نروهای ارثی توضیح داده میشود و آنگاه روشی روشن برای بررسی تأثیرات پیچیده محیط به کار میرود. پیش از توصیف نظریه‌های معاصر، بحثی از نظریه به دست دهیم. نظریه نظام سازمان یافته‌ای از فرضیهها یا اظهارات بیعی و مشاهدات و شواهد است که به توضیح و پیش بینی چیزی میریزد. در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی، نظریه‌ها جهت توضیح و پیش بینی جبهه‌های گوناگون و رفتار کودکان تدوین شده‌اند.

برخی از مردم عقیده دارند که نظریه‌ها عملی نیستند، ولی واقعاً این سخن نیز که امیج چیز به اندازهٔ یک نظریه خوب عملی نیست، همچنان صحیح است. نظریه امکان سازماندهی مشاهدات را در یک نظام پیوسته فراهم میکند. برای مثال، نظریه ژان پیاژه، Jean Piaget) در مورد رشد تفری به آنگاه ساختن بزرگسلاطن از ادراکات کودکان در باره و برای و تباریاری کمیت کمک میکند. در قسمتهایی ذیل، نظریه پیاژه و سایر نظریه‌های معاصر در مورد رشد در دوره اولیه کودکی توصیف میشود.

نظریه‌های معاصر در مورد رشد در دوره اولیه کودکی

این کتاب با دیدگاهی انتقاطی eclectic) به بسیاری از نظریه‌های جالب معاصر در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی میریزد. انتقاطی بدین معنی است که روشها، نظرات و یافته‌های تحقیقی از ترکیب از طیف کلیی مواضع نظری معاصر است: مواضع شناختی، رفتاری، روانکاوانه، انسانگرایانه و مبتنی بر بالیدگی. رشد در دوره اولیه کودکی پیچیدهتر از آن نظر مرسد که بتوان آن را با یکی از این دیدگاهها به طور رضایت بخش توضیح داد. نظریه‌های گوناگون گاهی توضیحات مختلفی را برای الگوهای رفتاری مشابه ارائه میدهند و گاهی به جبهه‌های رشدی که سایر نظریهها بر آنها تأکید نکرده‌اند، توجه دارند. این نظریه‌ها در موردی که دارای یک ت ترکیب صحیح باشند به توضیح و پیش بینی بخش اعظم رفتار کودکان خردسال میریزند. در این قسمت گاهی کلی داریم بر این نظریات.

نظریه شناختی

یک کودک هشت ساله از زمان تولد تا این سن چهاره‌های فزونی یاد گرفته است. یادگیری که عبادت از تئیس‌آن است که بر اثر تجربه در رفتار باید یاد می‌آید، موصمی است که مورد علاقه والدین، مددکاران حرفه‌ای و همه کسانی است که با کودکان خردسال در ارتباطند. همچنین یادگیری مواضع بخش قابل توجهی ازتحقیقات تخصصصان در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی بوده است. نظریه شناختی ، بر خلاف سایر نظریه‌های مورد بحث بر فرایندهای تفری کودکان در هنگام یادگیری تأکید دارد.

نظریه ژان پیاژه (۱۹۸۰ ، ۱۹۸۶) یکی از معروفترین و متخولترین نظریه‌های شناختی است. نظریه پیاژه عمیقاً بر رشد در دوره اولیه کودکی در این کشور تأثیر گذاشته است. ژان پیاژه در پیرو این وقتبیت که اثر پیاژه تا دهه ۱۹۶۰ در اینجا چندان در دسترس نبود، ممکن است قدری تأثیر آور جلوه کند. شاید یکی از دلایل پذیرش سریع نظریه پیاژه این باشد که این نظریه در نظر همه کسانی که مدتی را با کودکان گذرانده باشند، صحیح مینماید. بدینهی است که پیاژه، کودکان خردسال را دقیقاً مشاهده کرده است و نظریه او بسیار آن است که الگوهای شنازاری برای فرایندهای تفری آنان وجود دارد. برای مثله، پیاژه در باره رفتار زاکلین در سن دو سال و هفت ماهگی چنین می‌نویسد: زاکلین با دیدن خواهرش لوسین که لباس شنا به تن و یک کلاه بر سر داشت، پرسید: «اسم این بچه چه؟» مادرش جواب داد که این لباس شنا است ولی زاکلین به خود نموده اشاره کرد و گفت، «پس اسم اون چیه؟» (درحالی که صورت لوسین را نشان مینداد) و سؤال را چندین بار تکرار کرد. همینکه لوسین لباس معمولی خود را در باره پوشید، زاکلین سخت تعجب کرد و گفت: «آه، این لوسینه؟» گویی که هورت خواهرش با عوض کردن لباس تغییر کرده است. (پیاژه، ۱۹۹۲، ص ۲۲۴).

پیاژه بسیاری از این یافته‌های جالب توجه میان تفکر کودکان خردسال و بزرگسالان را توضیح داد. نظیر این که چرا کودکان می‌توانند به نر لباس هورت شخص را عوض میکند و شناسگاه ماله اتومبیل را تعجب میکند یا شنیده‌های بلندتر و باریکتر از شنیده‌های کوتاهتر و بهتر شنیدنی میگردند. داشتن نظریه پیاژه دیدگاه ما را نسبت به کودکان خردسال عوض میکند و ما را در شناختن آنان یاری میدهد.

طبق نظر ژان پیاژه، کودکان خردسال به صورت‌های شنازاری می‌اندیشند. برای مثال، آنان براین باورند که شخص متوالده با تغییر لباس، هورت خود را عوض کند.

مشاهدات پیاژه در مورد کودکان خردسال منجر به این پیشنهاد او شد که تفکر کودکان به ترتیب در چهار مرحله پدید می‌آید که سه مرحله آن در سطح‌های دوره اولیه کودکی روی میدهد. جدول ۱- ۱ فهرست کوتاهی از چهار مرحله است:
حسی- حرکتی (Frmal sensorymotor) ، پیش عملیاتی (Preoperational ، عملیات عینی (concrete perational) و عملیات سووری (Frmal perational) .
دو مرحله نخست با جزئیات قابل توجهی در بخشهای دوم، سوم و چهارم این کتاب ارائه شده است. در این قسمت، زندگی پیاژه و برخی از جبهه‌های کلی نظریه وی شرح میشود.

ژان پیاژه جوان نوسمی مستعدی بود که نخستین مطالعه علمی خود را در سن دهسالگی منتشر کرد. او در این مقاله برنده تئوری را توصیف میکند و با توجه به این وقتبیت که او درجه دکتری خود را در زمینه جانور شناسی در سن بیست و دو سالگی دریافت کرده است، معلوم میشود که وی به علاقه شخصی خود در طول توجراتی ادامه داده است. همچنین وی در طی این سالها در زمینه فلسفه و روان شناسی به مطالعه پرداخت. آموزش رسمی خود را با کار در زمینه روانکاوی و در کنار گروهی که مشغول بازیگری آزمونه‌های هیت پیوند، دنبال کرد. نظریه پیاژه تأثیر هر یک از این تجربیات اولیه را منعکس میکند.

پیاژه با این عقیده دست یافت که رشد ذهنی ممکن است تا حد زیادی از همان تواین رشد جسمی بیروی کند. علاقه وی به زیست‌شناسی، فلسفه، و روان شناسی منجر به مطالعه‌اش در باره نحوه تفکر کودکان شد، و او این مطالعه را به وسیله یک روش باثباتی (methode clinique) با مصاحبه باثباتی انجام داد و طی آن سوالاتی جهت کشف نحوه تفکر و دلایل پاسخگیری خاص کودکان مطرح کرد. پیاژه به عنوان زیست شناس، تعدادی کرد که کودکان در صورتی که بخوانند زنده بمانند باید محیط خود را سازمان دهند و با تغییرات موجود در آن سازگار شوند. پیاژه این دو اصل زیست شناختی را طرحریه‌های schemata) معاصر سازمان یافته فکر و فرایندهای درونسازی (assimilation) و پرورسازی (accommdatin) (شده‌ای که اسبابها اطلاعات جدید را پردازش میکنند یا با آن تطابق میند) نام نهاد.

جدول ۱-۱ مراحل رشد از نظر پیاژه

مرحلهحسی- حرکتیتولد تا ۲ سالگییادگیری کودکان ازطریق حواس آنهاست. این یادگیری با بازیها شروع میشود و تعداد بخش آن فعالیتهایی است مثل لمس کردن، چیدن، بریدن و دستکاری مواد.

پیش عملیاتی ۲ تا ۷ سالگیکودکان با کلمات واشیا به شیوه‌ای مبتنی بر شن زبانی خود و با فعالیت‌هایی بیشتر مبتنی بر ادراک تا معنی، می‌اندیشند. تفکر آنان محدود است زیرا قادر نیستند در یک زمان با پیش از یک نفر سر کار داشته باشند.

عملیات عینی۷ تا سالگی تا جوانیکودکان بطور میگردود. دانش می‌کشدند و دانش بیشتری می‌آموختند. آنان برای توجه فعالیت‌های خود بیشتر ازاستقلال مدام می‌گیرند تا ادراکات خود. تفکر آنان در این مرحله نیز محدود است ولی محدود به اشیای فیزی، ملموس و واقع آشنا.

عملیات صورتیجوانان از راه تماس و فرض می‌اندیشند. تفکر انتزاعی وادراکات در این مرحله به کار میرود.

درونسازی کوششی است که اطلاعات جدید را در خود طرحریه‌های موجود میسازد ، در حالی که پرورسازی شامل سازازی تفکر فرد با افزودن اطلاعات جدید میشود. مقامم درونسازی و پرورسازی را میتوان با فعالیت‌های تقلید یک نژاد مذکر ترسیم کرد. پیاژه بر این باور است که چنین نژادهای بازیابی‌های چند اذقیبل میکند، چنگ زدن و نگاه کردن به اشیاء متولد میشود و این که این بازیابنها پروری به صورت طرحریه‌های ابتدایی ظاهر میگردود. نژاد به طور فزوی پستان مادر را میبکند و جندی بعد با نشه تقلید میشود. اگر سیمینم که کودک می‌کوشد اشیاء را به همان صورتی بسکد که پستان مادرش را، بدین معنی است که او تلاش میکند اطلاعات جدیدی متناسب با طرحریه‌های قدیم فراهم کند که این همان فرآیند درونسازی است. وقتی کودک دریابد که با این شیوه شیر به دست نخواهد آورد شیوه می‌کند شیته را عوض میکند، در نتیجه اطلاعات جدید به طرحریه‌های اولیه می‌آزاد واین همان فرآیند پرورسازی است. به نظر پیاژه تمام دانش ما نتیجه گسترش طرحریه‌هایمان از آموخته‌های اولیه مبتنی بر بازیابنهاست. یادگیری کودکان از طریق ترکیبی از بالیدگی، انتقال شناختی و نتایج عمل خود آنها بر محیط، صورت می‌آیرد و در نتیجه طرحریه‌ها به طور فرآیندهای پیچیده میشود. کودکان مفاهیمی نظیر مادر را نخست با درونسازی کردند. همه افراد به عنوان افراد پدید می‌آیند، آنگاه بتدریج طرحریه‌های مادر را از سایرین جدا میسازند و سرانجام مفاهیمی نظیر مامو، پدر و دیگران را پرورسازی میکنند. بنابراین، اساساً درونسازی به کوششی دلالت دارد که اطلاعات جدیدی متناسب با تجربه قبلی فراهم آورد. پرورسازی زمانی باید می‌آید که لازم است پردازش ذهنی جهت دورگیری اطلاعات جدید تغییر یابد و در نتیجه سازمان ذهنی گسترش پیدا کند.

پیاژه اظهار داشت که اگر کودکان در همه اوقات از نظر تفری بی نیاز باشند چیزی یاد نخواهند گرفت. مفهوم زیست شناختی تعادل حیاتی دارای همانی در نظریه پیاژه است که وی آن را تعادل جوینی (equibratin نامیده است. تعادل جوینی دلالت دارد بر فرآیند ذهنی دورنی در جهت برقراری تعادل یا توازن تفری. کودکان خردسال متوالده یکدام با برخی تعقیر وفسیوه‌های متنصحر به فرد از تجربیات حوشال (با در حالت تعادل) یادند، زیرا صرفاً آنها را با طرحریه‌های موجود درون سازی میکند. برای شیوه تفکر بزرگسالان، این تعیر وفسیوه‌هایکن است نامردست باشد ولی کودکان تیزایی به پرورسازی کردن و تغییردادن فرایندهای تفری خود احساس نمیکنند. لکن، ضمن

تالی ۱-۳-۲-۲-۲-۲ نظریه پیاژه: طبقه بندی

دن پنچ ساله می‌خواهد با مجموعه دکمپه‌ای که مربی همبد کودکش، سارا تهیه کرده است بازی کند. ابتدا او ظاهراً از جبهه لمس کردن دکمپه‌ها ، آنها را تود کرده، یکی از آنها را میان انگشتان فراد و تکت تکت دکمپه‌ها را لمس کرد ولی رودی متوجه شد که سارا با دکمپه‌های خود نوعی نظم را پدید آورده است. سارا دید که او را نشانها میکند و پرسید: «آیا میدونی که همه این دکمپه‌ها چه شیوه‌ای با هم دارن؟» دن نمی‌دانست ولی سارا به او نشان داد که همه دکمپه‌های را که مرتب کرده‌ از بیشتر دکمپه‌های دیگر بزرگتر است. در اولت دیگر رفتی که دن درخواست می‌کرد که او با دکمپه‌های بازی کند، سارا بعضی از دکمپه‌ها را در گروه‌هایی بر حسب رنگ یا تعداد سوره‌های آن و با بر حسب داده‌های که از آن ساخته شده است مرتب میکرد. طریی کشید که دن خود شروع به گروهبندی دکمپه‌ها جهت هجه زدن، به سارا نمود.

کارش که دن و سارا دهمرد کنهها انجام میدهند کارش است تنظیم شده که به دن نحوه طبقه‌بندی را می‌آموزد. طبقه‌بندی عبارت از توانایی قرار دادن اشیا در گروه‌های ثابت و منطقی است. به نظر پیازده طبقه‌بندی یکی از طرح‌های مهمی است که در سنین چهار تا هفت سالگی باید بیاید. پیازه میگوید که توانایی طبقه‌بندی، مانند سایر انواع یادگیری در خلال مسیری از فرصتهایی که کودکان اشیا محیط را به کار می‌برند یا دستکاری میکنند، کسب میشوند. کودکان فعال و کنجکاو توانایی طبقه‌بندی و سایر مهارتهای تفکر منطقی را از طریق بازیهای خود گسترش میدهند. سارا در تعامل حساسی که با دن داشت و با پرسیدن سؤالات فکر را انگیز او را وی را در درک فرایند طبقه‌بندی یاری رساند.

این که بزرگتر میشوند تجربیات بیشتری کسب میکنند، احساس می کنند که تغییر پوتنسیلهایشان کام درست نیست و به تعادل جدیدی از طریق فرایند دودسازی -برونسازی نیاز دارند. آنان بتدریج اطلاعات جدید را با تغییر طرح‌وارههای خود از طریق فرایند ذهنی تعادل جویی -برونسازی میکنند. بنابراین طبق نظریه پیازده احساس عدم تعادل با ناخوشی نیست به تعبیر جاری واقع به رشد ذهنی می‌آیند.

نظریه رفتاری

طرفداران نظریه رفتاری تمایلی به فرقیه سازی در باره فرایندهایی نظیر طرح‌وارهها، دودسازی و برونسازی ندارند. در عوض، آنان بر رفتارهای کودکان که در هنگام یادگیری و بعد از آن ظاهر میشوند تأکید دارند. تفاوت مهم دیگر بین نظریه پردازان رفتاری و نظریه پردازان شناختی نیز پیازده مفهوم مراحل رشد است. نظریه پردازان رفتاری به رشد به صورت مرحله‌ای پیوسته که به مراحل بزرگی قابل تقسیم نیست میگردند. برای آنها، کودکان ضمن یادگیری رشد مییابند و یادگیری فرآیندی تدریجی و تراکمی است. همچنین اعتقاد بر این است که هنگام یادگیری مهارتهای مناسب، تغییراتی در رفتار قابل مشاهده و وقوع مییابند. مطالعه رفتار در طول سالیان تکامل یافته است و اکنون سه نوع متمایز از نظریات رفتاری وجود دارد:
شرطی شدن کلاسیک Classical conditioning.
شرطی شدن عامل perant,
و نظریه یادگیری اجتماعی they Scial learning.
هر کدام ازاین سه نظریه رفتاری جداگانه توصیف میشود.

شرطی شدن کلاسیک
ایوان پب، پاولوف (۱۸۴۶ - Ivan P. Pavl۰ ۱۹۳۶)، فیزیولوژیست روسی و برنده جایزه نوبل، یکی فرایند یادگیری به نام شرطی شدن کلاسیک را کشف کرد. پاولوف متوجه شد که هنگامی که به سگها غذا میدهند سگها پاسخ ناگهانهایی میدهند و آن ترشح آب دهان است. در یک جلسه آزمایشها پاولوف دریافت که اگر همزمان با قرار دادن پودر گوشت بر روی زبان سگها زنگی را به طور مداوم به صدا در آورند، سرانجام نوعی تنهایی میگردند به طوری که صدای زنگ تنها نیز همچون زبان غذا دادن به سگ موجب ترشح بزاق خواهند شد. پاولوف به صدا برآمدن زنگ را محرک شرطی Cnditioned stimulus و پید آمدن بزاق در یونن غذا را پاسخ شرطی Cnditioned respnse نامید. وی موفق شده بود که با ترشح بزاق سگها در اثر صدای زنگ آنها را شرطی سازد.

در این کشور، نظریه شرطی شدن کلاسیک پاولوف توسط جی. بی. واتسون (۱۸۷۸ - J.B.Watson) گسترش یافت. واتسون بر این اعتقاد بود که برای روان شناسی نمیتوان با یگانگی یک علم را فرض کرد، مگر این که با رفتارهای دقیقاً قابل مشاهدهای سروکار داشته باشند. واتسون نظریه پاولوف را در مورد کودکان به کار گرفت و معروفترین آزمونهی او کودک پدازه ماهه‌ای به نام آلبرت بود. آلبرت در ابتدا دوست داشتن با موشهای صحرایی سفید بازی کند و اگر موشی به طرف او میگردند دستش را برای گرفتن آن دراز میکرد. آنگاه واتسون و همکارانش در پشت سر آلبرت موشهای فولادی را به صدا در آورندند و همزمان با آن موش صحرایی را به او نشان دادند. آلرت آزمونهی میله ترسیده و بعد از چندبار شنیدن صدای میله همزمان با دیدن موش صحرایی، دیگر آلرت از موشهای صحرایی ترسیده میگردند دیگر همراه با صدا موش صحرایی را شنیدند. واتسون موفق شده بود کودک را در برابر ترس از موشهای صحرایی شرطی سازد در حالی که آن کودک پیش از این موشها را دوست داشت. در واقع، ترس آلبرت به ترس از سایر حیوانات خردار سفید رنگ نظیر خرگوش وحشی به ترس از مردمان یا ریشههای سفید تغییر یافت (یا آن را بر در میگردت). مأسفانه شواهدی در دست نیست که نشان دهد واتسون سعی در محو کردن extinguish (بازمان بردن) این ترس داشته است. محو پاسخ شرطی آلرت مستقر نگزار حضور موش صحرایی بدون به صدا در آمدن میله فولادی بود. در چنین صورتی تدریجاً پاسخ ترس محو میشد.

واتسون براساس آزمایشهایی مانند آزمایشی که در مورد آلرت انجام داد، مدعی بود یکی رفتار کودکان کام با رویادهای زندگی آنان معین میشود. وی در مقاله‌ای در باره پرورش کودکان اعلام داشت: تعدادی نوزاد سالم و خوش خلق به این به سبب پیدا و نگهدارید در آنها خاص خود آنها با بزرگ تنم. تصمیم میکنم که صرف نظر از استعداد، تواناییها و تمایلات آنها و حرفه و زاد اجدادشان از جها هر متخصصی که میخوام بسازم -پرذکت، حقوق دان، خرمند، تاجر، رئیس وحی ذده و گند. واتسون، ۱۹۲۸، ص ۱۰۴
طبق نظر واتسون و سایر معتقدان به شرطی شدن کلاسیک، وراثت سهم ناچیزی در رشد دارد و تجربه بیشتر سهم را دارد.

شرطی شدن عامل
بف Skinner یکی اف اسکیتزر B.F Skinner که روان شناسی در دانشگاه هاروارد بود بسیاری از نظریات واتسون را احاطه کرد و دستاکن بلندی تحت عنوان والدن تو Walden Tw (۱۹۵۹) نوشت تا جایی که واتسون توصیف کرده است ترسیم کند. لکن، اسکیتزر فکر میکرد که شرطی شدن کلاسیک به تنهایی برای توضیح چگونگی یادگیری کودکان کافی نیست و الگویی از نوع دیگر شرطی شدن، به نام شرطی شدن عامل را تدوین کرد. اعتقاد اسکیتزر و نیز مقدمه اصلی شرطی شدن عامل حاکی از آن بود که نتایج رفتار کودکان به صورت یاداش یا مجازات. معین میشود که آیا رفتارهای تکرار خواهد شد یاخیز. بنابراین در شرطی شدن عامل، کودکان پندار موقعیتی فریاد میگردند که احساس پاسخی مطلوب از انتظار میبود. در چنین موقعیتی کودکان فوراً تقویت مبتود یا یاداش میگردند. برای مثال، کودکی که در داخل خانه صداهای ناخوشایر سر میدهد در هر بازی که صدای مخصوص خود را در آورده ممکن است از او ستایش کلاسی به عمل آورند. اگر با ستایش کلاسی او را قدرتمند کنند، او هم صدای مخصوصش را بیشتر در خواهد آورد. اگر فریاد زدن نتایجی در بر نداشته باشد، آن رفتار محو خواهد شد.

اسکیتزر و سایر طرفداران شرطی شدن عامل تمایز فروانی میان تقویت و مجازات قائلند. آنان از تقویت در جهت افزایش فرسهای استفاده میکنند که رفتار مطلوب تکرار خواهد شد. در عین حال، آنان از کارکرد مجازات اجتناب میورزند، چرا که فقط رفتارهای نامطلوب را موقفاً وایس میرواند ولی الگوهایی رفتار را عوض نمیکند. دلیل این که مجازات بی اثر شناخته شده این است که به کودکان نامآموخته که به رفتاری از آنان انتظار میبود. کودکان ممکن است در مورد چیزی بیندیشند که برنگسلان میلی بدان ندارند و نظماً در باره ذهنی حاکم جلوه داری احساس منفی هستند ولی فرودآموخته اند که رفتار صحیح چه باید باشد. بسیاری از رفتار گریبان معقدند که والدین با سایر بزرگسالان بهتر است به جای مجازات کودکان، آنان را در بروز رفتار صحیح یاری دهند و رفتار صحیحشان را تقویت کنند.

تأثیر کاربرد شرطی شدن کلاسیک: آماده‌ی برای زاینان به ابتکار لایلز

مارشا و هنری مودگان کاربرد اصول شرطی شدن کلاسیک را در کلاسهای آماجگی برای زاینان که متیگر آن لازم بود آموختند. آنان طی میله آخر بارباری در این کلاسها شرکت کردند. به آنان داده شده شد که آستانه درد را در هنگام درد زاینان از زاینان از طریق کاربرد الگوهایی تفننی شرطی شده فریاد تا از ادراک درد جلوگیری شود.

مارشا طی سامعها تمرین در تزد هنری به عنوان آموزگار خصوصیش در برابر الگوهایی تفننی شرطی شد. وی بدین ترتیب شرطی شد که با الگوهایی تفننی مناسب - تنفس عمیق، نفس نفس زدن سریع و نفس نفس زدن آرام - به بلافاصله هنگامی که هنری علائمت لفظی از ارائه میدهد، پاسخ دهد. هر یک از الگوهایی تفننی گوناگون در خلال بحثهایی ویژه درد زاینان و زاینان مفید بودند. ولی به مارشا آموخته بودند که به صورت یک موجود تفننی پاسخ گویند و قرار نبود که وی در باره نحوه نفس بیندیشد یا دستورات هنری وارد شود سؤال قرار دهد. وقتی هنری فقط a point (نفس نفس را به کار میرود مارشا به شیوه تمرین شده قبلی شرطی میشد و نفس نفس میزد.

مارشا و هنری احساس میکردند که با استفاده از آموزش لایلز در مورد درد زاینان و زاینان کنترل بیشتری دارند و بیشتر میوانند به آن بپردازند. در بدین ترتیب آنان کار در حجاب اصول شرطی شدن کلاسیک را تجربه کردند. نظریه شرطی شدن عامل، اطلاعات فروانی در باره چگونگی یادگیری و نیز شیوههای تحلیلی و تغییر رفتارهای خاص در اختیار متخصصان رشد در دوره اولیه کودکی قرار داده است. حتی با وجود این که شرطی شدن عامل - ارتباط مستقیمی با کارکرد مردون ذهن ندارد ولی سهم بسزایی در فراهم ساختن اطلاعات مربوط به رفتار کودک دارد.

نظریه یادگیری اجتماعی
Social learning theory
نظریه پردازان یادگیری اجتماعی خود را بر بست نظریه پردازان شرطی شدن کلاسیک و عامل میبندند و در عین حال معتقدند که هیچیک از این دو نظریه برای توجیه سرعت و پیچیدگی یادگیری کودکان کافی نیست. در عوض، نظریه یادگیری اجتماعی حاکی از آن است که کودکان با تقلید رفتارهای معینی که مشاهده میکنند سریعاً یاد میگیرند. به گفته نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، کودکان با مشاهده و تقلید از مردمی که در زندگی خود دارای قدرت و اعتبار هستند رفتاری را می‌آموزند و این رفتار تقلید شده را میوانند بدون تقویت یا با نوعی تقویت مشاهدهای (با مشاهده فرد دیگری که تحسین می شود) یاد بگیرند. آلبرت باندورا(۱۹۲۷ - Albert Bandura) و همکارانش در دانشگاه استنفورد در تدوین یکنظریه اجتماعی که چیزی فراتر از نظریات شرطی شدن عامل و کلاسیک است پیشرو بوده‌اند. این نظریه بعضی از اصول اساسی شرطی شدن، نظیر فرود تقویت را تغییر میدهد.

باندورا و همکارانش (باندورا، راس Rss، وراس ، ۱۹۶۲) در تحقیقی اولیه نشان دادند که کودکان چگونره میوانند رفتار خشونت آمیز را یاد بگیرند. وی گروهی از کودکان را به مشاهده زورگشایی فراخواند که با اسباب بازیها بازی میکرد، دلسرد میشد و در حالی که فریاد میزد، آموزش پو، مرمسک پورا گنگه مزود، گروه دیگری از کودکان، زورگشایی را دیدند که دلسردش رفتار خشونت آمیزی را به دنبال نداشت. باندورا دریافت که آن گروه از کودکان که رفتار خشونت آمز را مشاهده کرده بودند آشکارا رفتار خشونت آمیزتری در بازی از خود نشان دادند تا آن دسته از کودکان که خشونت را مشاهده نکرده بودند. این آزمایش و به دنبال آن آزمایشهای دیگر باندورا و سایر نظریه پردازان نظریه اجتماعی را به این نتیجه رساند که یادگیری کودک کان بدون تقویت امکان پذیر است.

نظریه یادگیری اجتماعی به درک جبههایی از رفتار انسان که از نظر شرطی شدن قابل توجه نیست کمک میکند. آن جفا که تحقیقات در زمینه یادگیری اجتماعی پایده نسبتاً تازهایی به شمار میروند احتماً با مطالعات بیشتری در این زمینه به اطلاعات بیشتری میزان دست یافت.

نظریه روانکاوی (psychanalytic theory)

اریک اریکسون Erik Erksn بزرگترین طرفدار معاصر نظریه روانکاوی است. اریکسون، فردی نامتازگی که کودکیاش را در آلمان گذراند تاگرود دختر فریاد آآ بود. اریکسون بعد از دریافت مجوز کار در زمینه روانکاوی به ایالات متحده آمد و در آنجا به دانشگاه هاروارد و سایر مؤسسات آموزش عالی پیوست. وی علاوه بر کار در زمینه روانکاوی کودک و تدریس در آن زمینه، شیوههای پرورش کودک در شرایط بومیان استانهی Sioux و یوروک Yurk را بررسی کرد و سربرازان جنگ جهانی دوم را مورد مطالعه قرار داد که به یک عارضه که بعدها «زورجیرو جنگ shell shock» نامیده شد، مبتلا بودند. اریکسون نظریه‌اش را بر اساس نظریه زیگموند فروید بنا کرد، (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹)، ولی تجربیات وسیع اریکسون که حاصل تماس او با بسیاری از انسانهای گوناگون بود، به او نشان داد که تأکید فروید بر میل جنسی به عنوان پایه تکانهها Impulses و سامعهای drives محدود و تنجیمی دارد. اریکسون نظریه فروید را بسط داد و آن را با افزودن بخش تعامل اجتماعی به طور قابل توجهی تغییر داد. روایت اریکسون از روانکاوی به نظریه روانی اجتماعی psychsocial they رشد مرسوم شده است. در حالی که فروید نظریه‌ای را پیرامون رشد کودک در خانواده ارائه کرده است، نظریه اریکسون کودک و خانواده را در یافت گستردهتر اجتماعی مورد ملاحظه قرار داده است.

اریکسون پیشنهاد کرده است که برای سازگاری روانی اجتماعی در طول زندگی انسانی، آن گروه که در تأثیر ۱- ۲- نشان داده شده است، شش مرحله وجود دارد، چهار مرحله اول برای درک رشد در دوره اولیه کودکی مفید هستند.

اریکسون هر مرحله را با عناصر متفاوت آن مشخص کرد. اعتماد در مقابل عدم اعتماد، خود مختاری در مقابل شرم و شک، ابتکار در مقابل گناه، و کنجکاوی در مقابل خوارت. هر حجت عناصر متضاد را میتوان در انتهای یک رشته پیوسته در نظر گرفت. طبق نظر

اریکسون، راه حل مطلوب در هر مرحله در انتهای مثبت این رشته خیالی قرار میگیرد وحس اضافه، خود مختاری، ابتکار و کوشایی کودکان به طور ایده‌آل پرورش می‌یابد. لیکن، آن راه گهگاهی مثبت نیز باید تعدیل شود و مطلق نباشد. برای مثال، هر چند کودکان نیا نیاز دارند حس خود مختاری با استقلال خود در پرورش دهند، ولی کودکان دو ساله یا خود مختاری مطلق که دارند خطری برای آنان و مشکلاتی برای داخل وخارج خانه به شمار می‌آیند. خود مختاری ایشان، در صورتی که حقوق واحساسات دیگران را نادیده انگازند، احساسی شرم و شک و با به دیدن خواهد داشت.

فایلو ۱–۴ کاربرد نوظلم شدن عامل: تغییر رفتار (behavir mdificatin)

نیازهای تغییر رفتار را که نوعی شرطی شدن عامل است به کار گرفت تا به پسر خردمالت پیاموزه که هنگامی که روی مسئولی در اومیل پیشینند چه واکنش مثبت نشان دهد. تغییر رفتار نوعی استفاده از شرطی شدن عامل جهت تغییر دادن رفتار است. مراحل کاربرد تغییر رفتاری به شرح زیر است: (۱) دقیقاً تعیین کنید چه رفتاری را میخواهید کودکه فرا گیرد (۲) تعیین کنید که چه تقویت کننده‌های (پادانتهایی) برای آن کودک معنی دار خواهد بود (۳) رفتار را شکل دهید. یعنی پیشرفت کودک در فراگیری رفتار مطلوب را در مراحل کوچکی تقسیم کنید به گهگاهی که او بتواند در هر مرحله بخوبی مسلط شود و به طور موقبت آزمایی به آن دست یابد. (۴) شما هر از گاهی موجب تقویت پیشرفت او شوید حتی بعد از آن که رفتار او بر تمامه قابل قلیی یافته باشد. در زمانی که تپا برنشاه تغییر رفتار خود را آغاز کرد، کودک یکنگاههایی، جوهریو چندان تجربه‌ای در نشتن روی مسئولی مخصوصش در اومیل نشانده. آنگاه تپا در یک جلسه منورنی شرکت کرد و در آنجا تقاضه شد که برای ایمنی پرسش لازم است از مسئولی مخصوصش چه در اومیل استفاده شود. ولی هر وقت بخواست که پرسش را در آن مسئولی مخصوصش قرار دهد جوهریو داد و فریاد میکرد، باهاش را به هم میزد و دستهایش را به هم میگریه. تپا توجه شد که این انتظار بیهوده‌ای است که از جوهریو خواهد هنگام نشتن در مسئولی مخصوصش ناگهان ملل یکگ مرتشین اومویل رفتار کند. بنابراین تقسیم گرفت که رفتار پرسش را شکل دهد. او می دانست که پرسش در برابر تحسین پاسخ مثبت میدهد و از مامت بخ رده و او میوه خوش می‌آید.

تپا برای جوهریو نقشهای ریخت که عبارت بود از بردن او به طور مکرر به داخل اومویل برای قرار دادن او در مسئولی مخصوصش پیش از این که جوهریو مجال اعتراض کردن پیدا کند، مادرش او را به سبب آرام نشتن در مسئولی تحسین کرد و به او یک قاشق ماست بخ رده یا چرهمای او میوه داد. وقتی جوهریو موق شد تا به مدت کوتاهی در مسئولی مخصوصش بخوبی آرام گیرد، تپا بدریج به تقویت رفتار جوهریو پرسش به مژانی که لازم بود پرداخت. سرانجام جوهریو یاد گرفت که در سفرهای کوتاه و بلند با اومویل مرتشین آرمی در مسئولی مخصوصش باشد. به کمک تغییر رفتار، که نوعی کاربرد شرطی شدن عامل بود، تپا اکنون میخواست نسبت به ایمنی پرسش احساس اطمینان بیشتری داشته باشد.

به کمک تغییر رفتار میتوان به کودکان خردسال یاد داد که هنگام فر گرفتن در مسئولی مخصوصشان چه مشکلاتی مثبتی از خود نشان دهند.

در نظریه اریکسون، مراحل متوالیته، برای کودکان ضروری است به طور مثبت بریکه مرحله فایلی آید تا در مرحله بعدی نیز موفق شوند. مراحل متوالی، زمان خاص زوق معینی ازعناصر متضاد را نشان میدهند، ولی کودکان با خود هم عناصر متبعدها نیز در زندگی‌شان سرکار خواهند داشت. به طور مثال، در سن چهار و پنج سالگی، ابتکار در مقابل گناه مهمترین مسأله و پنی اجتنامی است که کودکان با آن سروکار دارند. ولی در مرتاسر طول زندگی، کودکان و بزرگسالان در بسیاری از موارد دیگر با عنصر ابتکار در مقابل گناه مواجه میشوند.

نظریه اریکسون متضمن پیشگویی رفتار با کودکان در خانه، مهد کودک، مدرسه، و در دیگر محیطهاست. نظریه او بزرگسالان را از نظر درک نیازهای روانی-اجتماعی کودکان خردسال پاری میدهد.

نظریه انسانگر (humanist theory)

نوشته های فلاسفه وجودگرا در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دیدگاه انسانگرا را یک شیوه نگارش به رشد معرفی کرده است. فلاسفه وجودگرا اعتقاد داشتند که انسانها مخلوقاتی انتخابگرنده. در مورد اعمال از پیش تعیین شده یا برنامه ریزی شده متعلق نیستند بلکه در انتخاب نحوه زندگی خود دلاله‌آه عمل میکنند.

دو انسانگرای برجسته به نامهای کارل راجرزCarl Rgers و آبراهام مزلو AbrahamMaslw در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی مؤثر بوده‌اند. کارل راجرز (۱۹۱۹) روان‌مانگرای بود که به عنوان روانکار آموزش دیده بود. در حرفه روان درمانیاش در دهه ۱۹۴۰ وی روش جدیدی را معرفی کرد. براین پایه که انسانها اساساً خوب و قابل هستند و در خود استعداد رشد درحد مطلوب را دارند. راجرز در این مورد نظریه رشدی را پیشنهاد کرد ولی از طریق آرتش در زندگی کودکان و در زندگی دیگران که طرازش را پذیرفته بودند، تأثیر گذاشت. بیرون راجرز عبارت برده‌اند از: مایم گروتHaim Gintt ، والدین و فرزندان (۱۹۱۹) Between Parent and Child؛ زبان بیکه Dn Dinkmeyer و گری میو. مک کی Gray (۱۹۷۶) تألیف آموزش منظم برای کار آبی والدین (STEP) Systematic Training fr Effective Parenting؛ توماس گوردونThomas Grdn ، مؤلف آموزش کتاریبی به والدین (Parent Effectiveness Training (P.E.T. (۱۹۷۵).

فایلو ۱–۵ کاربرد نظریه یادگیری اجتماعی: تقلید

جف ریبرندز Jeff Reynolds ملسمی پیش دستی است که نظریه یادگیری اجتماعی را در سامت تئجع کودکان به کار میگیرد. وقتی که یکی از کودکان چهارساله در این جمع خارج از نوبت سخن میگوید، کودکه دیگری را اذیت میکند، یا سرجهی خوش آرام نمیگیرد، وی توجه کودکان را به کودکی از میان جمع که رفتار شایسته‌ای دارد جلب میکند. او در این گونه مواقع به رفتارهای مثبت اشاره میکند و عباراتی این چنین را به کار میرد: «من دوش نیمی Timmy رو که دستشو بالا میکشه دوس دارم و آفرین، لژا دستاشو تو دانتش نگه داشته، و من خوشالم که بیشتر شما در این جمع نشتن!» آقایی ریبرندز در مقابل کودکان با تقلید از کودکان دیگری که مورد توجه واقع شده بودند به عبارت او پاسخ میدهند تا خود نیز مورد توجه قرار گیرند. آقایی ریبرندز احساس میکند که کنترل رفتار کودکان خردسال با استفاده از اصول نظریه یادگیری اجتماعی بسیار موهه بود. است. در سامت تئجع کودکان پیش دستی، این معلم نظریه یادگیری اجتماعی را به کار میگیرد. کودکان از رفتارهای مثبتی که او بدان اشاره می‌نماید تقلید میکنند.

آبراهام مزلو (۱۹۵۸ ، ۱۹۶۱ ، ۱۹۶۱) یکی دیگر از طرفداران نظریه انسانگرا، مسأله مراتبی از نیازهای انسانی را عرضه کرد. به نظر مزلو انسانها نیازهای معینی به نام نیازهای کمبود depravatin needs دارند که باید پیش از آن که در گذرش حلاظین بزرگهای خود آزاد باشند به ارضای آنها بپردازند. نیازهای کمبود عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیکی (نیازهای اساسی برای بقای جسم) نیازهای ایمنی (پناه ، امنی) از خطر (نیازهای تعلق (عشق، علاقه) نایز نیاز به احترام (عزت نفس و احترام از سوی دیگران).

جدول ۲-۱ مراحل رشد روانی اجتماعی از نظر اریکسون مستم‌مختصریوی پندآمده تولد تا یکسالگی افضاد در مقابل عدم افضاد امید دو تا سه سالگی خود مختاری در مقابل شرد قدرت ارائه چهار تا پنج سالگی ابتکار در مقابل گناه تصد شش تا دوازده سالگی کوشایی در مقابل حقاقت تراش تجرحتی هونت در مقابل شدائیل تقسیمی وفاداری اوایل بزرگسالی تعلق در مقابل اتزوا عشق میناسالی زایبی در مقابل رکود توجه پیری یکپارچگیخودمقابل تنهایی خود

فایلو ۱–۶ کاربردهای نظریه اریکسون: حفظ حس ابتکار

آن درمات که فایلیاً میان او و دختر چهار ساله‌اش، سوزان تراغ در میگیرد. در اواخر یک مبدازظهم طاقت فرسا. آن دیگر از این که به سر سوزان پیوسته داد یکسکه که میان سزل نموده و راض کوچکش را اذیت نکند، به تنگ آمد. آن تقسیم گرفت که در یک کلاس آموزش والدین شرکت کند و ببیند آیا می‌تواند راههای دیگری پیدا کند تا حرفش سوزان شود.

آن در کلاس آموزشی والدین با نظریه اریکسون آشنا شد. او توجه شد که آن همه داد یکسکه‌های مکرر احسا در سوزان احساسی گناه از رفتارش را ایجاد میکرد ولی موجب تغییر آن نمیشده است. او بخواست که سوزان با موقبت به حس ابتکار دست یابد و از معلم کلاس خواست تا راههایی برای اصلاح رفتار سوزان و حفظ حس ابتکار در او پیشنهاد کند.

در مورد دیدن سوزان در منزل، آن آموخت که از جنبه‌های مثبت رفتار او قفادراتی کند و جنبه‌های منفی رفتارش را اصلاح نماید. او می‌تواند بگوید، «آه، تپا امروز چندار براتری هستی! تا حسه بدیشترم بینم می‌توانی در جا بندهوی!» او در یک روزخوب و آشنایی، تپا را بینم دخرم میونه در خارج از خانه هم سده‌ه، در مورد این که سوزان برادر کوچکش را اذیت میکرد، آن آموخت تا انتخالیهای معینی را به سوزان پیشنهاد کند. بنابراین گفت: «سوزان ، با اون اسباب بازی رو به من برگردون یا من اونزوت میگیرم و میخوام که این قسمت آیراشدتو برای چند دقیقه ترکه کنی» با انتخالیهای معین، سوزان توانست حس ابتکار خود را پرورش دهد.

والدی در حال بازی با کودک که موجب راحتی سایر اعضای خانواده میند.

تنها بعد از این که نیازهای کمبود ارضاه شده باشند انگیزه نیازهای بودنbeing needs ، با جستجو در بی ارزشهای نظیر حقیقت، دستکاری، زیبایی، و تکی در مردم به وجود می‌آید. در بالاترین سطح مسأله مراتبی که مزلو بدان قائل شد، مردم خود را می‌آموزانند، اتفاقی خود را گذرش میدهند و خود شکرترا می‌نهند و به صورت اعضایی حقیقتاً مخلوق سازنده اجتماع در می‌آیند. کمک اصلی مزلو به رشد در دوره اولیه کودکی طرح این مسأله بود که در صورتی که نیازهای کمبود کودکان ارضا شده آنها به کارهایی روی می‌آورند که رشد آنان را ارتقا دهد.

انسانگرایان به مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی کمک مؤثری کرده‌اند. آنان شدیداً در مقابل موضع رفتارگرایان که میگویند محیط انسانها را بدون دخالت آنان شکل میدهد واکنش نشان میدهند. آنان تأکید کرده‌اند چگونه مقدار زیادی از رفتار را انتخالیهای تعالی تعیین میکنند.

نظریه یاددلی

مباحثان نظریه یادگیری بر نقش انگیزه‌های رشدی که بر علم وراثت تعیین شده است، تأکید می‌ورزند و بر نقش تحریکات محیطی در رشد در دوره اولیه کودکی هیچ اشاره‌های ندارند. اعتقادات آنان براساس مطالعات چارلز داروین(۱۸۸۲ - ۱۸۰۹) و کارل بیرون(۱۹۲۶ - Karl Pearsn ، ۱۸۵۷) است که استعداد فکری و الگوهایی رشد جسمی را مورد مطالعه قرار دادند. این دانشمندان به این نتیجه رسیدند، که والدینی که نیز هوش و بلند قامت هستند عموماً دارای کودکی تیزهوش و بلند قامت هستند و والدینی که نیز هوش نینستند و قامت متوسطی دارند، کودکی نیز دارند که نیز هوش نینستند و دارای قامت متوسطی هستند. جنی استثنی مطالعات پیشین را گذرش داد و به دلشهرایش آموخت که رشد در ابتدا از طریق فرایند ارثی یاددلی تعیین میشود. در نتیجه یکی از دانشجوهای هاله آرنولدگرن(۱۹۶۱ -۱۹۸۰) و همکاران او در دانشکده پزشکی دانشگاه، پلی‌چهره‌هایی پیشرو در تئین رویکرد یاددلی به مسأله رشد برده‌اند.

گزل جهت نشان دادن اهمیت یاددلی در رشد مهارتهای خاص، آزمایشهای جنی را در مورد دوقطرها ترتیب داد. در یکی از این آزمایشها به یکی از دوقطرها پیش از این که آن دو، طبق حناورهای موجود در دانشگاه ییل، «آدمگی، راه رفتن پیدا کرده باشند، ترمیمهای فراوانی داده شد. ولی به آن دیگری هیچ توجه نمرین یا آموزشی داده نشد. گزل در این آزمایش نشان داد که دوقطری که ترمین داده نشده بود هنگامی که آندگی براف رفتن پیدا کرد، بسرعت مهارت راه رفتن را به اندازه دوقطری که قب آموزش داده شده بود، کسب کرد. گزل این آزمایش و آزمایشهای مشابه دیگر را شواهدی برای اهمیت یاددلی در رشد خواند.

گزل و همکارانش نسبت از تعیین کردند که در آن کار کرده‌های گوناگون جسمی ، ذهنی، و رفتاری در کودکان رشد میکنند. آنان اطلاعات مفصلی را در باره قد و وزن، سن دندان در آورده، سبه سبزه رفتن، راه رفتن، گرفتن اشیا، میزان سوزان و تلاگان و

فایلو ۱–۷ کاربرد نظریه انسانگر: پیامهای من "I – messages"

توماس گوردون (۱۹۷۵) Thomas Grdn) اصول مهمی از ارتباط میان پدر و مادر با فرزندانشان را در کتابش به نام آموزش کتاب آریبی به والدین تعلیم میدهد. در این کتاب، وی والدین را تشویق میکند که توجه خود را به موقبت خاصی که در اختیارشان است معطوف دارند و نه به عضوهای فکلی شخصیت کودک. گوردون والدین را او مبارده که از خانه کلام خود طرایی همچون

«توجهشدر کشفی»، و امن چنین جبه نامرتبی هرگز نمانده‌ام؛ را محو کنند. در عوض، او پیشنهاد میکند که والدین جملاتی را مورداستفاده قرار دهند که او اصطلاحاً آنها را پیامی من می‌نامد. پیامی من کودک که توجه مسازد که والدینش در باره رفتار او چه احساسی دارند. برای مثال پدر یا مادر او مسکت است بگوید، «من ناراحت میشو وقتی مینیب که رو کشی تو بختخواب، تو به صورت ناشده روی زمین افتاده.» به گفته گوردون، این نوع ارتباط موجب میشود که کودکان‌والدینشان را افرادی واقعی با نیازهای واقعی به‌شمار آورند و در یک محیط احترام و تقاهم متقابل، انگیزه تغییر رفتار در کودکان به وجود می‌آید. بسیاری از والدین نظرات انسانگرانه گوردون را با موفقیت به کار گرفته‌اند.

نابلو **۱-۳ کاربرد نظریه بالیدگی : آموزش استفاده از لحن**

پابلو از پسرش، باب انتظار دارد که در آموختن آداب تحلی موفق شود ویکی از ملاحظات پابلو سطح بالیدگی باب است. پابلو تصمیم گرفته است تا وقتی که در پسرش آموذگیهای زیر را نیابد، مسأله استفاده از لگن را مطرح نسازد : باب سانهتا خود را خیس نکند.

باب نشان دهد که میخواهد ادرار کند یا ادرار کرده است.

باب دستورالعملها و راهنماییهای ساده را درک کند.

پابلو یا در نظر گرفتن بالیدگی باب، پیش از این که انتظار ادرار کردن او را در لگن داشته باشد پسرش را در این کار راهنمایی میکند.

الگرمهای تعامل اجتماعی ثبت کردند. همنارها با سنن متوسط دستیابی به مراحل نیوبر که گول کشف کردند بود در اوایل دهه ۱۹۲۰، ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و دهه ۱۹۴۰ به طور وسیعی انتشار یافت. اگرول (بالیدگ، ۱۹۹۹)، و گزل و هیر با توفیق در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی گردید. اطلاعاتی که او جمع آوری کرد بسیار جامع و کامل بود و امروزه نیز مورد استفاده قرار میگیرد. اطلاعات گزل هنگامی که برای کودکان سفید پوست طبقه متوسط(که مورد مطالعه گزل بوده است) به کار میرود مناسبی پیشتر دارد و وقتی که برای کودکانی با زمینههای زادتی و فرهنگی دیگر به کار میرود لزوماً مناسبی ندارد.

گزل در جریان تحقیقاتش، برخی اصول کلّی رشد را که امروزه از اهمیت برخوردار است پرورش د یگی از این اصول، اصل سری-دُمی cephalocaudal است که بیانگر آن است که رشد به طوری کلّی از سر آغاز می شود و به سمت دم پیش میرود. اصل دیگر اصل عقبه تزد یک-د مضور proximal-distal است که بیانگر آن است که مغز، اعصاب، و اندامها که نزدیک وسجاور بدن قرار دارند) پیش از پیش از سایر اعضاها دور(که دور از بدن قرار دارند) رشد مینابند.

تفوذ دایمی نظریهپردازان بالیدگی همچون گزل را میتوان در راهنماهای دقیق سَنّی برای ورود به مدرسه و در اظهارات تصادفی که کودکان را بر حسب سن - «دو ساله‌های وحشتناک»، سه ساله های قابل اعتماد، یا چهار ساله‌های ناسیب کننده، مشخص مسازد . مشاهده کرد، هرچند تحقیقات انجام شده در ارتباط با سایر نظریهها نشان داده است که عوامل محیطی پیشتر از آنچه گزل معتقد است اهمیت دارد، در عین حال بالیدگی، باستی در مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی مورد ملاحظه قرار گیرد.

خلاصه

- رشد در دوره اولیه کودکی تغییراتی را که در انسانها از پیش از تولد تا پایان هشت سالگی روی میدهد توصیف میکند.
- مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی به پرورش کودکان و آماده سازی شایفین مدد کار کمک میکند.
- مطالعه علمی کودکان تنها در دوپست سال اخیر صورت گرفته است.
- صنعتی شدن و طرح نظرات جان لاک و ژان ژاک روسو این امکان را پاینده آورد که دوره خاص کودکی پیش از پانزوش مسؤلیتهای بزرگشالی مورد توجه قرار گیرد.
- پیشگامان مطالعه علمی کودکان عبارت بودند از پستانلر نیس، داروین، وهال.
- نظریهها سیستمهای منظمی ازفرصت هستند که بر پایه مشاهدات استوارند و رفتار را توضیح میدهند یا پیش بینی میکنند.
- مطالعه رشد در دوره اولیه کودکی تحت تأثیر نظریههای شناختی وشاردی،روانکوی، انسانگر و بالیدگی قرار دارد. این نظریههایی متعدد در باره رشد در دوره اولیه کودکی را میتوان شیوههایی مشخصی برای درک رشد کودکان در طی زمان در نظر گرفت.
- ژان پیاز، معروفترین طرفدار نظریه یادگیری شناختی بوده است. نظریه او رشد را در چهارمرحله توضیح میدهد: حسی-حرکتی، پیش عملیات، عملیاتی، عینی، و عملیات صوری.
- نظریه یادگیری وفاری شرطی شدن کلاسیک ناشرینی شدن عامل و تا نظریه یادگیری انضمامی را فرا گرفته است.
- در شرطی شدن کلاسیک، پابلوف و دیگران موفق شدند میان محرکی شرطی نظریه به صدا در آوردن زنگ با پاسخی نظیر ترشح بزاق بریند ایجاد کنند.
- در شرطی شدن عامل، اسکیتز و دیگران کودکان را در موقعیتهایی قرار دادند که بیامخ وبعوار احسا بدید می‌آمد و آنگاه به آن پاسخ میدادش.
- در نظریه یادگیری انضمامی، باندورا و همکارانش نشان دادند که کودکان تا چه حد از طریق مشاهده و تقلید و بدون نیاز به پاداش می‌توانند بیاموزند. ۱۲-رایک اریکسون، طرفدار اصلی نظریه روانکوی، رشد را بر حسب هشت سن یا مرحله توضیح میدهد که چهار مرحله اول آن در دوره اولیه کودکی روی میدهد.
- انسانگرها حدّی را که با آن رفتار کودکان از طریق انتخاب فعالانه آنان تعیین میشود مورد تأکید قرار دادند.
- مساحیان نظریه بالیدگی دنباله رو گزل هستند و بر نقش الگرمهای رشدی که بر پایه علم وراثت تعیین شده است، تأکید می‌وززند.

اصطلاحات کلیدی

رشد دوره اولیه کودکیمناسخل مدد کاری لوح سفید طبیعت در مقابل تربیت محیط بود. شناختنظریهتلقاطی یادگیری نظریه شناختیسی-حرکتیش عملیاتعملیات عینیمعاملات صوری روش بالینی طرحرواها دونسازیریوسازمانعاجوینظریه رفتارشرطی شدن کلاسیک-شرطی که شرطیاسخ تمسیم تعیین کردن شرطی شدن عاملتفوت شدهنظریه یادگیری انضمامیفره-روانی-انضمامیاستد در مقابل یامشادچود مختاری در مقابل شرد و تردیدیاکنار در مقابل گامهوکشای در مقابل حادراتانسانگرزادتیان کودیزادشای پوشندو-سنسکروامعاجان نظریه بالیدگیپنجراهاسری-دمی برای مطالعهیاستسر Cognitive Learning TheoryPiaget, J. Inhelder, B. (۱۹۶۸). The Psyclogy f the child. New York. Basic Bks Behavioral Learning TheoryBandura, A. (۱۹۷۷). Scial learning thery, Englewd Cliffs, NJ: Prentice-Hall Biju, S.W., Baer, D.M. (۱۹۶۱). Child development. (M.). Appletn-Century CrftsSkinner, B.F.(۱۹۷۴). Abut behaviorism. New Yrk: Knpt-Skinner. B.F. (۱۹۸۴). Walden tw. New Yrk: Macmillan Psychanalytic TheryEriksn; E.H.(۱۹۶۳). Childhd and sciety. rند ed. New Yrk: W.W. Nrtn Eriksn, E.H. (۱۹۸۲). The life cycle completed. New Yrk: W.W.Nrtn HumanisrnyTheryMaslw, A.H. (۱۹۷۰). Mbtatn and persnality. rند ed. New Yrk: Harper RwRgers, C.R. (۱۹۶۱). n becoming a persn. Bstn: Hughtn MifflinMaturatnist,TheryAmes, L.B., Gillespie, C., Haines, J., Ilg, F.L. (۱۹۷۹). The Gesell Institute's child frm ne ts ix. New Yrk: Harper Rw. ۲

استرالیایی وایسناشده کودکان

دو دانشج که در زمینه رشد دوره اولیه کودکی تحصیل میکردند، به طور همزمان دو مشاهده گریباگون داشتند. جنی Jeff از پسر از این که او را در وقت نشه خوانی از کلاس بیرون کردند واقعاً مصیبتی علم. معلم میبرد که او را به اتان دیگری بفرستد.

نام TM کارولس شش ساله هنگامی که معلم پرسید که بعد در داستان چه اتفاق میافتد، دستش را بلند کرد. او سررا ایستاد و با صدای بلند گفت، «من می‌دانم، من می‌دانم، معلم به سارا اشاره کرد و گفت، «من روش سارا را که تا حدایش نزدیک حرفی نمیزند دوست دارم.» کارولس در باره از جا پرید و راست ایستاد و فریاد زد، «منم که دستمو بلند کرده‌ام، و شروع کرد به بلند صحبت کردن به طوری که حرفهای سارا به خوبی شنیده نمیشد. معلم به کارولس گفت که ساکت بشیند یا کلاسی را ترک کند. کارولس راه دوم را انتخاب کرد تزد معلم دیگری رفت ولی در عرض دو دقیقه به آرامی به کلاسی برگشت.

جنب و نام هر دو به طور همزمان در یک کلاسی حضور داشتند ولی چیزهای مشابهی را در صحنه آن کلاسی مشاهده نکردند. جنب که نخستین مشاهدکنگر کلاسی بود در زمینه مطالعه علمی کودکان خردسال اطلاعات ابتدایی داشت. او وقایعی را که دیده بود به صورت کلی بیان کرد و بسیاری از جزئیاتی را که باعث آشنایی ما با هنگامعملهای کارولس میشد به زبان آورد. ولی از سوی دیگر، نام در زمینه مشاهده کودکان کسی آموزش دیده بود و در مورد آنچه دیده بود اطلاعات بیشتری را بر زبان آورد. این دو نوع مشاهده تأثیر داشت، مهارت و تمرین دانشجواریان را در بیان مطالبی که در جلسهای با حضور کودکان خردسال یادگرفته بودند، نشان میدهند.

جنب و نام از نقل رفتارهای مورد مشاهده Narrative bservation که یکی از استرالیایی مشاهده رفتار کودکان خردسال در حین پروژ است، استفاده میکردند. استرالیایی مشابهی نیز شامل ثبت نقدهات کوتاه توصیفی Vignettes و نگهباری یادشهای روزانه کودکان وجود دارند. نوع دیگری از استرالی برای مشاهده رفتارهای از پیش تعریف شده به کار میرود. این نوع دوم استرالی با استفاده از فهرسهایی کنترل observations , checklists, مصاحبهها interviews , نمونه گیری زمانی time sampling , و نمونه‌گیری وقایعی Event sampling , به کار میرود. یافتههای حاصل از استرالیایی گریباگون مشاهده را میتوان در مطالعه موردی case study کودکی خاص خلاصه کرد.

مشاهده در متن اغلب کوششهایی علمی قرار دارد. زیست شناسان، فیزیکدانان، شیمیدانان، ستاره شناسان و سایر دانشمندان علوم طبیعی یادبدها یا مشاهده و ثبت میکنند، فرضیه میسازند و سپس آزمایشهایی برای آزمودن این فرضیهها طرح میکنند. این امر در زمینه مطالعه رشد دوره اولیه کودکی نیز صادق است. دانشجواریان با یادگیری استرالیایی منظم مشاهده درک بهتری از رفتار کودکان به دست می‌آورند بزرگشهایی در مورد رشد روانی-اجتماعی و شناختی آنان کسب میکنند. تو سپس فرضیهها یا نظریههایی میسازند، به برسهایی خاص پاسخ میدهند، و برای نقدهایهی مناسبی برنامه ریزی میکنند.

در فصل یک بحث شده که مشاهده، اساس مطالعه علمی اولیه را در مورد کودکان خردسال فراهم کرد. لکن مشاهده کودکان در محیطهای طبیعی در بخش اعظمی از قرن بیستم مورد ملاحظه پژوهشگران نبود. آنان به جای روشهای مشاهدهای از روشهای آزمایشی استفاده میکردند که در نتیجه کودکان به آزمایشگاهها برده میشدند تا تعداد متغیرهای ممکن کنترل شوند. مگر آثار رفتار آنان مشخص شود. نکات فراوانی از روشهای آزمایشی به دست آمده است ولی متخصصان رشد دوره اولیه کودکی به مورد مشاهده را روشی برای مطالعه کودکان یافته‌اند.

اکسون در اوایل قرن، در زمینه مطالعه کودکان، مابن وضعیت اولیه استفاده از روشهای صرف مشاهدهای و رونده جدیدتر یادبش روشهای آزمایشی در ازای طرده مشاهده طبیعی، تعادلی به وجود آمده است. دلایلی چند وجود دارد که علاقه مجدد نسبت به مشاهده کودکان را در محیطهای طبیعی توجیه میکند. نخست این که دانشمندان ونیز افراد غیر دانشمند بر اثر مشاهدات مفصل و زرف رفتار حیوانات که توسط افرادی نظیر جن گودبال Jane Gdball به عمل آمده، شگفت زده شدند. این مشاهدات زمینه را برای بسیاری از فرضیههای جدید در باره رفتار حیوانات فراهم کرده و فرضیههایی نیز برای رفتار انسان ارائه داده است. دوم این که به جای توجه به رشد دوره اولیه کودکی، مطالعه کودکان بسیار خردسال مورد مطالعه قرار گرفته است. روشهای آزمایشی که بر اساس همکاری کودکان در آزمایشگاهها انتخاب شده است در مطالعه نوزادان، نروبان گان و نروبان ناماسب بوده است. سوم دلیل وهمنتر از همه عبارت از آن است که حرکت در زمینه رشد دوره اولیه کودکی مستقر مطالعه بود شناختی رشد بوده است. پروغن برتر (۱۹۷۹) و دیگران خایل نشان کرده‌اند که بسیاری از مطالعات آزمایشی آن چنان مهار شده و اختصاصی است که ما را در تعیین محیطهایی که کودکان زندگی میکنند به حد کلیتاً رضمن نمیشوند. پروغن برتر و دیگران توصیه میکنند که کودکان در بافتهای طبیعی مورد مطالعه قرار گیرند : در محیط خردوادگی، در محیطهای متوسطی که با دیگران تماس دارند و در ساختار

بزرگ اجتماعی و فرهنگی، (ارک: تا قبل از ۱٫۸ در فصل ۱۱ این فصل استراتژی‌هایی را برای مشاهده رفتار کودکان خردسال که به طور طبیعی بروز میکند، مشاهده رفتارهای از پیش تعریف شده وخلاصه کردن مشاهدات در مطالعات موردی، ارائه میدهد. تا قبل از ۱٫۲ تعداد هشت استراتژی را برای مشاهده کودکان خردسال که در این فصل توصیف میشود ارائه میدهد. مقدمه این فصل این است که همه دانشجویان رشد دوره اولیه کودک می‌توانند و باید در استفاده از تکنیکهای مشاهده خود به گونه‌ای علمی عمل کنند.

یادگیری چگونگی مشاهده کودکان خردسال در حین مطالعه رشد دوره اولیه اولیه کودکی به دانشجو توانایی میدهد تااین نظریه و عمل وحدت ایجاد کند.

مشاهده رفتارها در حین بروز

مشاهده رفتارهایی که از کودکان سر میزنند انگیزتر از آن است که نخست به نظر میرسد. اغلب دانشجویان مبتدی برای یادگیری ارائه گزارش‌های عینی توصیفی به جای دوری‌پنداشتنها و تاجیحی که خود از مشاهدهشان کسب کرده‌اند، به کمک فرآیند نیاز دارند. دو نوع مشاهده زیر تفاوت توصیفهای خوب و بد را نشان میدهد.

مغوب:بث **Beth** و حسدلیس به سمت جلوم شد و چندشاش را به آزمایش در کلاس دوخت . او در این حالت برای پنج دقیقه تمام که معلم توضیح میداد تقریباً بی حرکت باقی ماند.
بده:ظاهراً بسیار دقیق بود.

در مورد مشاهده‌ای که مغوب، توصیف تمامه است، رفتار بت یا جزئیات کافی توصیف شده است به طوری که امکان ایجاد تصویری ذهنی از وضع او در محیط کلاس فراهم می‌آید. ولی در مورد مشاهده‌ای که بده توصیف شده است مشاهده صورت گرفته ولی اطلاعات اساسی داده نشده است.
بعدهاً، صرفاً با ارائه استنباط مشاهدهگر نمیتوان کاری را که بت انجام داده است تا باعث شود که مشاهدهگر تصور کند که او دقیق بوده، بازسازی کرد.

جدول ۱۰٫۲ استراتژی‌هایی برای مشاهده کودکان خردسال
نوع استراتژی استراتژی کاربرد مشاهده نقل رفتارهای ثبت کردن مداوم برای مدت زمانی معینرفارها مورد مشاهده ارائه شرحی جاری از آنچه که اتفاق می‌افتددر حین فعالیت کوتاه ثبت کردن گاه به گاهبروز توصیفی انتخابی واقع یا رفتارهایی که ظاهراً مهم است ثبت کردن منظمحاجتا روزانه یادداشتهای روزانه یادداشت کردن تغییرات رشدیمشاهده فهرستهایی ثبت ثبت کردن منظم یا گاه به گاهداسته به اهداف رفتارهای کنترل بروز یا عدم بروز رفتارهااز پیش تعریف شده،مصاحبه حا ثبت کردن پاسخها به سؤلهای انتخابی کشف دلایل مربوط به پاسخها نمونه گیری زمانی ثبتکردن رفتار وپرفواصل زمانی کوتاه ویکسان بررسی سبامد و پیام رفتارهایی که اغلب اتفاق می‌افتد ثبت نگهبری وقایعی ثبت کردن رفتارهایی از نوع خاص گرد آوردن اطلاعات در باره رفتارهایی که اغلب اتفاق نیفتادهخلاصهکردمشاهدات مطالعه موردی تهیه خلاصه‌ای از رشد کودکخاص تهیه منبای تهیه منبای برای نتایج و توصیها
SURCE: Adapted frm bersvatinal Strategies for Child Study by D.M. Irwin and M.M. Bushnell, ۱۹۸۰, New Yrk: Hilt, Rinehart Winstn. Cpyright ۱۹۸۰ by Hilt, Rinehart Winstn. Adapted by permisin

این فصل رهموده‌هایی را برای استفاده از شیوه نقل رفتارهای مورد مشاهده، قطعات کوتاه توصیفی، و خاطرات کودک به گونه‌ای توصیفی، عینی و علمی ارائه میدهد. این استراتژی‌های مشاهده کودکان خردسال ششاعت ما را از کودکان و محیطهای طبیعی آنان بالا میبرد.

نقل رفتارهای مورد مشاهده

نقل رفتارهای مورد مشاهده، استراتژی موثری برای مطالعه کودکان خردسال است. این استراتژی ثبت فوری رفتار در لحظه بروز آن است و هر مقدار ممکن از جزئیات را در بر میگیرد. مشاهده برای نقل رفتارها را میتوان برای اوقات معینی از روز یا هفته برنامهریزی کرد و اطلاعات وسیعی را فراهم آورد.

به منظور نقل رفتارهای مورد مشاهده، یک مشاهدهگر به زمانی نیاز دارد که مسؤلیت مستقیمی در مورد ارتباط با کودک یا کودکان در مطالعه به عهده او نیاشد. از وسایل الکتی میتوان استفاده کرد - کاغذ یادداشت نوشت افزار - یا وسایل مجهزتری مانند دوربین یا کار برد نظیر نوار ضبط صوت که مطالب مربوط به مشاهدات را میتوان به آرامی در آن ضبط کرد یا دوربینهای ویدئو که به وسیله آنها از فعالیتهای برگزیده کودکان فیلم تهیه کرد. کودکان به آنچه مشاهدهگر انجام میدهد علاقه نشان می دهند و ملاحظه‌پذیرین پاسخها به سؤلهایی که از آنان پیشینود این است که چهجایی رو که باید میگردم دارم منبوسم؟ و برای مطالعه مردم تکلیف انجام میدهم. این پاسخهای کلی و مبهم، ظاهراً کودکان را راضی میکند و با این که میدانند گر کارهای آنان را با وقت زیر نظر دارد ولی رفتارشان همچنان آزادانه ادامه میدهد.

وخطبه اضافی در نقل رفتارهای مورد مشاهده ثبت تمام وقایعی است که در یک دوره زمانی معین در یک محیط معین روی میدهد. اینمنجیب و در کنار آن جزئیات فعلیاتی که در آن روی میدهد باید توصیف شود. آنگاه، مشاهده گر تمام فعالیتها، واکنشهای کودک در برابر تغییر شرایط، کاربرد مواد، و تعاملهای اجتماعی را ثبت میکند. در حاشیه این یادداشتها، مشاهدهگر گذشت زمان را ثبت میکند. معمور یادداشتهایی که در فواصل یک دقیقه‌ای تهیه میشود امکان دستیابی به تصویر را در مورد مدت زمانی که کودک صرف فعالیتها، گریاگونگی میکند فراهم مآورد.

نقل رفتارهای مورد مشاهده شیوه ثبت رفتار کودک در حین بروز است.

زمانی که در نقل رفتارهای مورد مشاهده به کار میرود باید دانست که کودک مورد مشاهده جذاب و مشرع باشد. اگر کودک در میان اتاق حرکت میکند، مشاهده گران فعال و قیدهایی را انتخاب میکنند که نشان دهند وی چنددر آماده یا با اکره، چنددر سرخ یا آهسته، چنددر هستند یا بی خیال و جز آن عمل می کند. مشاهده گران خوب با انتخاب ویژه‌ای مناسب می‌توانند موجب شوند که کودکان در صفحه نوشتار رزنده، به نظر برسند.

لکن داشتن این امر اهمیت دارد که زمان جذاب و مشرع از زمان قضاوتگر متفاوت است. در نقل رفتارهای مورد مشاهده، مشاهدهگر از این که کودک چه احساسی دارد یا کودک چه فکر میکند پریمز دارد. مشاهدهگر به جای گفتن جمله «او شگفتی به نظر میرسد»، رفتارهای واقعی را توصیف میکند؛ یا چندشاش باین را گرگنشد، در میان جمله از سخن گفتن بازایستاد، و ظرفای اشک از گوشه چشمش فرو نشد،. کارز برز زبان توصیف بدین معناست که خرتامده یادداشتهای صححه مشاهده برای نقل رفتارها، بیش از آن که به دقیق بودن قضاوتها یا تکیاح مشاهدهگر اعتماد پیدا کند، می‌توانند آن جلانه را باز سازی نماید. یک رشته نقل رفتارهای مورد مشاهده از کودکی خاص می‌توانند اطلاعات مهمی را در باره محیط کودک فراهم آورد. والدین، مدد کاران و دیگران می‌توانند برای درک جریان رشد فرزند شاخجی را از نقل رفتارهای مورد مشاهده، استخراج کنند. یادگیری نقل دقیق رفتارهای مورد مشاهده نخستین گام در مطالعه کودکان خردسال است.

قطعات کوتاه نویسی

قطعات کوتاه توصیفی مربوط به فعالیتها،ای کودک که نشیه نقل رفتارهای مورد مشاهده است ولی از آن محدودتر میباشند. قطعات کوتاه توصیفی به صورت شرح وقایعی یا معانی خاص در زمینه رشد کودکان تعریف میشود. این واقع ممکن است مراحل رشد خانگی و با رویداد نمونه یا جالبی را نشان دهند. انتخاب مطلب برای قطعات کوتاه توصیفی به یازناسنی جنبههای برسنه رفتار کودکان کمک میکند. با ثبت قطعات کوتاه توصیفی، جزئیات آن رفتار را میتوان برای تحلیل بعدی نگهداری کرد.

وقایعی که اساسی قطعات کوتاه توصیفی را تشکیل میدهند دارای الگویی واقع غیر قابل پیش بینی هستند و بزرگداشتی که با کودکان در کارها شرکت میکنند، می‌توانند آنها را ثبت کنند. برای مثال، معلمی که به درک رو به رشد شارون **Zhan** تفاوتی فردی بی برده بود، در حلّ معمای با او مشارکت داشت.

شارون، کودکی سه ساله، و من حدود بیست دقیقه بر روی معمای کنار میکریم. او در باره معما سخاقت گفت واین که اجزای گریاگون کجا باید قرار گیرند. طی این مدت من میدادم که او دارد با وقت به صورتیم نگاه میکند. ناگهان او پرسید، «اون چه؟» و به سمت صورت من اشاره کرد. در حالی که فکر میکردم که او یاختنا در باره چه میاندنشد، به ختلافی دستم اشاره کردم و پرسیدم، «آا منظورتم همین نطفههاست؟» او به صورتیم نگاه کرد و در باره پرسید، «اون چه؟» من بسادگی جواب دادم، «اون خال هستن». او لحظه‌ای مکث کرد و سپس برنگشت و به حلّ معما مشغول شد. (آلسونو، ۱۹۷۷).

چون قطعات کوتاه توصیفی تنها زمانی که واقع معنی داری ظاهر شوند ثبت میگردند، بزرگسالان می‌توانند به جای این که جدا و قدم در دست بنشینند، با کودکان تعامل داشته باشند.

مواردی از قبیل ضرورت توصیف محیط، زمان و فعالیت زکاربرد کلمات دقیق در ثبت مکالمات دوبروگیری جزئیات تعامل با دیگران یواستفاده از زبان توصیفی وعبنی مشرق تا در قطعات کوتاه توصیفی ونقل رفتارهای مورد مشاهده به چشم میخورد. همین که در تکنیکهای ثبت رفتارهای مورد مشاهده مهارت پیدا شود، از همان مهارتها برای ثبت قطعات کوتاه توصیفی نیز استفاده می شود. مجموعه‌های از قطعات کوتاه توصیفی می‌توانند نگرشهایی را در باره کودکان فراهم آورد که به صورت دیگری دست یافتنی نیست.

یادداشتهای روزانه کودک

یادداشتهای روزانه کودک شرح تحولات و مراحل رشد کودک خردسال در طی روزهای متوالی است. فردی که غالباً در تعامل با کودک است رویدادها را به طور منظم و یسایحی روزانه ثبت میکند. معمور والدین یا خوبشوندان تدوینگت کودک که از فرآیند دوره اولیه کودکی به حیجان می‌آیند، به نگهداری یادشتهای روزانه کودک می‌پردازند. نگهداری چنین یادشتهایی منظم انضباط و تعهد است، ولی افرادی که این ویژگیها را دانشندان اظهار می دارند که به تفاوتهای جزئی رفتار کودکان خردسال مقیتر و نسبت به نیازهای آنان حساستر شده‌اند.

تایلو ۱-۲: مانی از نقل رفتارهای مورد مشاهده

بعد از نهار، دایلو چهار ساله و مادرش روی تخت دراز کشیدند و گفتگویی گرم را آغاز کردند.

۲۳ و ۱۲ دایلو گفت:، امن دارم کم بزگ میشم تا روزی بندر بشم! مادرش پاسخ داد: «بله پسر چهچها بزرگ که بشند مرد میشن و دختر چهچها بزرگ که بشند زن.»۲۳ و ۲۲ دایلو به سفت اتاق خیره شد، زمانی چندشاش نیمه باز بود و زمانی کام باز، سه بار گفتیش را صاف کرد.

۲۴ و ۱۲ دایلو سرانجام آماده داد، اماامان، وقتی بزرگ بشم تخت خبلی شلوغ میبندم» مادر در پیشانیهای چندینای ظاهر شد و پرسید، «چرا این طور فکر می‌کنی؟» دایلو، د: «حالی که دستها و پاهایش را دراز میگرد پاسخ داد خوب.» اگر من باا بشم و یاد **bud** (برادر دایلو) هم پیدا بشم، اون وقت تو تخت مادمان سه تا پایی هست. ۲۵ و ۲۲ مادرش گفت: « آه، منظور تو رو منبهم، خوب در این صورت خوبیم ترنست، هرکدام روی تخت دیگه‌ای خوبیم تا هرکس جای کافی داشته باشه. تو و یاد هم که بزرگ بشین میتوین روی تختخواب خودتون بخوابین.»دایلو دوباره به سفت خیره شد و گفت: «اون چه؟» مادر به نطفه‌ای دایلو خیره شده بود نگاه کرد و در حالی که او هم خیره شده بود گفت: «فکر میکنم ننکند، بریم بگرش!» یادداشتهای روزانه شرح دانسی و مغربی از رشد را در دوره دارد. در این یادداشتها، اطلاعاتی در باره زمان و شرایط حاکم بر وقایعی نظیر برداشتن نخستین گامهای زران و بدون کمک دیگران، بر زبان آوردن نخستین جملات، تنها سوار شدن بر دوچرخه قفل چرخهای کشکی نگهداری میشود. یادداشتهای کودک تغییرات وسیع رشد کودک را پوشش میدهد. تمام و تغییرات رشد را از ماهی به ماه دیگر و از سالی به سال دیگر نشان میدهد و کودک را در محیطهای مألوس و دارای وسایلی آسانیش منبایداند. کلام نوشته شده را با ضبط صوت وضبط ویدئویی میتوان تکمیل کرد.

تایلو ۲-۲: سالیایی از قطعات کوتاه توصیفی -خوبه و بده

سالیایی از قطعات کوتاه توصیفی -خوبه و بده

مثال ۱

فعله کوتاه توصیفی یا استفاده از زبان **فعلواترنگر** سلی **فعله** مکملی را به ماریون نمی داد. بنابراین ماریون تا جایی که قدرت داشت او را هل داد و فریاد کشید، «**و** احنقی» سلی خیلی متعجب بود.

مثال ۲:

فعله کوتاه توصیفی یا استفاده از زبان **توصیفی** و **غیرفعلواترنگر** ماریون سه ساله و سلی پنج ساله در گوشه اتاق که مخصوص بازی با مکعبها بود ایستاده بودند. این دو دختر به نوبت مکعبها را روی هم میچیدند تا این که همه مکعبها چیده شد جز یکی که در کنار سلی افتاده بود. سلی این آخرین مکعب را هم به صورت عسوی در بالای برج قرار داد. ماریون به سلی نگاه کرد و گفت: «**بده** من، به من بده اولی» سلی پاسخ نداد ولی به مکعبی که اینکه در بالای برج قرار داشت اشاره کرد.

ماریون از جا برخاست، شاهپهشاپ را به عقب داد و سلی را به طرف برج هل داد و با صدای بلند گفت، «**و** احنقی» چشمان سلی از تعجب گشاد شد و دهانش باز ماند و دراین حال به آرامی از ماریون روی برگرداند و به طرف برج واژگون شده نگاه کرد.

تفسیر فضات کوتاه توصیفی ۱ و ۲

فعله کوتاه توصیفی نخست نتایج یا **فعلواتهای** مشاهده گر از ارائه مشاهده ولی در باره اتفاقات قبل و بعد از حادثه هل دادن اطلاعات کمی میدهد. کلماتی که در میان دایره مشخص شده است مناسب یا **فعلات** کوتاه توصیفی نیستند. گفته باریان به طور ضمنی رابطه علت و معلولی را که ممکن است دقیق باشد یا نایاشد، نشان میدهد. ژا جایی که قدرت داشت **فعلواتی** است که در باره آن احساس نمرود مشاهده گر ذیلی داشته باشد **توصیفی** نتیجه دیگری است که خوب است ورسحب رفتار بیان شود. توجه داشته باشید که در **فعله کوتاه** توصیفی دوم، علاوه بر این که از کلماتی که داخل دایره آمده است اجتناب شده، اطلاعات بیشتری در باره پاسخهای ماریون و سلی به امیال سرخورد ارائه میشود. چنین **فعلتهایی** که مورد استفاده معلم محکم کودک قرار گرفته است، میباید مبنای بحث جالبی را در کنفرانسی با حضور والدین و معلم فراهم سازد.

یادداشتهای روزانه برای پاسخ والدین به سوالاتی که بعداً مطرح میشود مفید است. این یاداشتها میباید به **حفاظه** والدین کمک کند، بزرگه وقتی که گذشت **زمان** مناسب شود که آنان در مورد **توقله** شدن کودک اول افرق رشد که در مورد رشد کودک دوم یا سوم نگران شوند. یا اگر والدین بگرددند که کودک در انجام رفتاری افراط یا تفریط میکند، میباید به **مداخلهی** یادداشتهای گذشته مراجعه کنند تا نمود شود که آیا ادراک آنها درست است و آیا الگویی موجود است یا **خبر**. **هیجان** انگیزش را همه از این که یادداشتهای روزانه بگنجلی هر کودک را آشکار میسازد. **مداخلهی** این یاداشتها نه تنها سابقه نظم ترتیب رشد را ارائه میدهد، بلکه برزبها و امیال فردی کودکان را نیز روشن می سازد.

یادداشتهای روزانه ظاهراً دارای دو **نقص** اصلی است: نخست ، **مداخلهی** یادداشتهای روزانه، بزرگه اگر تهیه کننده آنها والدین معزوری باشند، متأثر از **جنباندرزبهای** «**تا** گوتی» است که اصحا قابل اصداد نیست، و دوم، از آنجا که لازم است که فرد طی مدتی طولانی با کودک در تماس باشد افراد دیگری به جز والدین از استرازی تحقیق کار آمدی برخوردار نیستند. با این همه در چندین دهه گذشته، پژوهشگران در زمینه رشد اولیه زبان، یادداشتهای روزانه مفصلی از رشد زبانی کودکان خود نگهداری کرده و به نکات مهمی دست یافتهاند. و در **دههیهای** ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ زان پایا، دو مطالعه رفتار کودکان خود و ثبت دقیق آنها نظریه رشدی را پدید آورد که بعداً با مشاهده کودکان محیطهای دیگر ممکن زده شد. اینکه روشن شده است که یادداشتهای روزانه کودک، اگر چه تقابلی هم داشته باشد، برای مطالعه کودکان خردسال یک استرازی قوی است.

یادداشتهای روزانه‌ای که والدین طی سالها از این پسران نگهداری کرده‌اند، تااموم رشد و بگنجلی هر کودک را نشان می دهد.

مشاهده رفتاری از پیش تعیین شده

مشاهده رفتارها در چین بروز اطلاعات مهمی را در باره رشد کودکان خردسال فراهم میسازد. ولی گاهی اگر مشاهدات با نوعی ویژگی و ساخت همراه باشد، کار آسانتر است. این قسمت چهار استرازی را در مورد مشاهده رفتارهای از پیش تعیین شده ارائه میکند: کاربرد فهرست کنترل Checklist ، مصاحب-نمونهگیری زمانی time sampling و نمونهگیری وقایع event sampling.

همه این استرازیها مستزم آن است کهتعاریف دقیقی اصطلاحات داده شود. برای مثال رفتار پرخاشگرانه به اعمالی جسمانی نظیر زدن، خراشیدن، کشیدن یا فشار آوردن به فرد دیگری محدود میشود. یا این تعریف میباید شامل رفتار کلامی نظیر جع کشیدن، تهدید کردن، دشنام دادن باشد. در هر یکی از این دو حالت رفتارهایی که در این تعریف میگنجد عبارتند از آهنگی که مستقیماً مورد مشاهده قرار میگردند و **فصارت** ذهنی مشاهدهگر در آن **دکالت** ندارد. هر چه اصطلاحات روشنتر تعریف شوند، اطلاعات بیشتری از استرازیهای مشاهده رفتارهای از پیش تعیین شده کسب میشود.

تابلو T–۲ مثالی از مدخل یادداشت روزانه

جنی (دو سال و سه ماهه) اکنون میباید در باره تجربیات تازه با **خشصیتی** که در آن زمان حضور نداشته است بحث کند. برای مثال ، یکن روز تمام بعد از آن که من و او در کنار دریاچه بودیم و ماهی مردهای دیدیم، او به پدرش توصیه کرد، « ماهی مرده، دستش تزیی، کشیده، و در بازگشت از مغازه، خوراها را فروشی باز هم به پدرش گفت، **ای** بی کورچو، **خمن** این که به یوزادی که قب دیده بود اشاره میکرد.

او در یادآوری ظرایف بسیار دقیق است. مادر بیرون به سر میبردیم و من نویی را انداختیم که او آن را بیابورد. او میگفت، **میگرد** اوپرا، **خمن** طور که دنبال توپ میبودی و نیز میبودی **و** نیز **گرفتم** توپ، بعد ازاین که توپ را در دست گرفتم.

جنی با جسد سارزبهایی که جلاخ و **لقیبت** است به لطفی گویی ادامه میداد. **فروز** گفت، «**مامان**... سپرد و بعد شروع کرد به خندیدن.

او در طبقه شدی وسایل نقلیه بسیار ماهر شده است. او نه تنها **مقوللهایی** محض نظیر سوار، کابین، چرخ و دوچرخه را به کار میرد بلکه آنها را همراه با وسفات اندازمگرتی نظیر کابین کوچک یا سوارای بزرگ به کار میگرد. او چند نوع مقوله دیگر را نظیر کابین، میماند، پلندوی و کابین بنشی میمانند. وسیله نقلیه مورد علاقهش اکنون کابین آسفالت است.

او ظاهراً توانایی زبانی دارد تا تقریباً همه نیازهای روزانهش را بر آورد. او میبواند پیامهایی او از یک فرد درگال به دیگری برساند. قبل از نام من به او گفتیم که از پدر درخواست کند تا تلف کند و دستهایش را بشوید. او سوار دوچرخه‌اش شد و نزد بابایش آمد و گفت: «**مامان**، دستها و وقتی هر دو با هم وارد آمیزخانه شدند، با تعجب گفت: «**دستهای** تپره» و به آن دستها اشاره کرد.

فهرستهای کنترل

فهرست کنترل فهرستی از رفتارهاست که برای توجه داشتن یا مشاهده کردن اهمیت داشته است. **فهرست کنترل** وقتی در اختیار فرد کارآزادبودهای **قوای** گیرد وسیله کارآمدی برای تعیین بروز یا عدم بروز رفتارهای معین است. برای مثال معلم یا یکی از والدین کودک میباید با استفاده از **فهرست کنترل** دریابد که یک کودک پیش دبستانی آیا میبواند تا **قوه** ده بشرد و یا اشیا را به طوری که ارتباط یک به یک داشته باشد در کنار هم ردیف کند یا **خبر**. **فهرست کنترل** وقتی در اختیار فردی قرار گیرد که تازه میخواهد در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی مطالعه کند، **نگرشهایی** را در مورد رفتارهایی که برای کودکان در سنین معین مناسب است، به او میدهد. بدون استفاده از **فهرست کنترل** که ساختاری را در اختیار قرار میدهد، برای تازه کاران در این زمینه تشخیص موارد نمونه از قبل نموده دشوار خواهد بود. والدین مجرب و متفحصان میبوانند **فهرست کنترل** خاص خود را تهیه کنند. ابتدا معین میکنند که در **بیطال** کتف چه چیزی هستند. سپس مقاصدشان را درحسب بروز یا عدم بروز رفتارهای قابل مشاهده بیان میکنند. سرانجام از این رفتارها صرف نظر میکنند.

فهرست کنترل زیر والدین تجربوی کرده‌اند که فرزندانشان در یک بازی گروهی شرکت میکنند. هدف ازاین **فهرست کنترل** این است که معلوم شود آیا کودکان میبوانند رنگها را تشخیص دهند، **نگارگری** کنند و یا هم جور سازند.

وقتی از کودک سؤال میگرد که رنگ – را به من نشان بده او به مکعب یک **اینجی** مناسب اشاره میکند.

–**فروز** – آید –**زرد** –**سورفتی** به کودک مکعبی یک **اینجی** نشان داده میشود، او نام رنگ را میگرد.

–**فروز** آید –**زرد** –**سورفتی** به کودک مکعبی یک **اینجی** با رنگی مخصوص و **ججهای** دارای مکعبهایی با چهار رنگ داده میشود، او رنگها را جور میکند.

–**فروز** – آید –**زرد** –**سوز چینی** **فهرست کنترلی** امتیازات فراوانی دارد. والدین میبوانند در محرز ساختن این امر که آیا هر کودک میبواند یک رنگ با همه چهار رنگ مورد نظر را تشخیص دهد، نام **تهمد** یا با هم جور کند، به گونه‌های نظاممند عمل کنند. این رویه بسیار سریع و کارآمد است و در مدت زمان کوتاهی، اطلاعات فراوانی را فراهم میسازد. و در صورت شایلی میتوان برای نتایج حاصله در **فهرست کنترل** تاریخهایی را ذکر کرد تا در مورد زمانی که رنگها اول بار شناخته، **تا**نگارگری **و**چهره شده‌اند، **پوردهای** دایمی فراهم ساخت.

پیشانیان مطالعه در زمینه رشد در دوره اولیه کودکی، احصا خوانان کاربرد بعضی از **فهرستهای کنترل** عالی که مختصان این زمینه تهیه کرده‌اند هستند. این **فهرستهای کنترل** اطلاعات وسیعی را در زمینه رشد عادی کودک در سطح سنی معین در اختیار مشتبان قرار میدهد.

فهرستهای کنترل بیانگر **نقشهای** مهمی است؛ آنها بیانگر آنند که آیا رفتارهای معین بروز میکنند یا **خبر**، و نیز **پوردهای** از زمان تحقق بسیاری از نتایج نخستین **firsts** رشد در دوره اولیه کودکی را تشکیل میدهد. ولی **گامگی** به این امر لازم است که **فهرستهای کنترل** با نام مزایایی که دارند، فاقد اطلاعاتی در مورد **چگونگی** بروز رفتار و نیز **سبام** یا **مدت** رفتار هستند.

تابلو T–۲ مثالی از فهرست کنترل رشد: اجتماعی شدن نوزادان

سطح سنی رفتار بروز

نوزاد وقتی **کهاو** را ازجایش برهازند و بخلکنند،**دیگر** گر به نسیکند،**آرام** میگرد.

یکماهه با چشم **فی** و با شخص **محرک** را دنبال میکند. با دیدن چهره یا شنیدن صدا آرام میگردد.دوماهه هیجراته به اشخاص توجه میکند. به هیجان میآید، لیخند میزند، دستها و پاهاش را تکان میدهد. آوا سر میدهد.

علاوه بر مادرش به دیگران نیز لیخند میزند. به طور متفاوت به مردم واکنش نشان میدهد.

سه ماهه به چهره و چشمان کسی که با او در حال صحبت است نگاه میکند.

گریه او به صورت آشکاری کاهش مییابد.

چهار ماهه در بازی **جعی** با صدای بلند میخندد. **آگر** بازی قطع شود شیون سر میدهد.

آوا سر میدهد، لیخند میزند و بیشتر به اشخاص آشنا روی میآورد و تا نگاهها.

شش ماهه **افراض** میکند. **قوای** برابر بزرگتالی که امیاب بازی او را بر میدارد **مقاومت** نشان میدهد. **بگانهها** را تشخیص میدهد.

هفت ماهه با دیدن تصویرش در آینه لیخند میزند. آن را واژش میکند و آوا سر میدهد.

نه ماهه **ناش** را که میزند، با سرگرداندن، دوختن و لیخند زدن پاسخ میدهد.

ده ماهه **په** خواهرش زبانی و معمو در خصوص بازیها پاسخ میدهد.

یازده ماهه **گفتنی** را که مایه خندیدن دیگران شده است تکرار میکند.

بدرج معنی ن برایش جا میبافند.

دوازده ماهه به درخواست بزرگسال، به او اسباب بازی میدهد.

Frm The Early Learning Achplishment prifle fr Developmentally Yung Children, Birth t ۴۶ Mnths (pp. ۸۶-۸۸) by M.E. Glver, J. L. Preminger, and A. R. Sanfrd, ۱۹۷۸, Winstn-Salem, NC: Kaplan Press. Cpyright ۱۹۷۸ Early LAP Reprinted by permisson

هر نوع رفتار قابل مشاهده را میتوان با استفاده از نوسنگری وقایع مطالعه کرد. حتی رفتار بسیار نادری نظیر ابراز همدردی یا مهن دوستی را در صورتی که دقیقاًمعین شده باشد میتوان مطالعه کرد. و نوع کاری را که دو یا کاشف و قلم انجام داده است میتوان با پیشرفتهای فن جدید بسادگی انجام داد. ضبط صوت یا ضبط ویدیویی یادداشت برداری را نسبتاً آسان مینماید و تحلیل رفتارهای زودگذر یا غریب یا مبسر می سازد.

خلاصه ساری رفتارهای مورد مشاهده : مطالعات موردی

مطالعه موردی گزارش است که خلاصه‌های از رفتارهای مورد مشاهده یک کودک را ارائه میدهد. این مشاهده رفتار، خود رابطه مهمی با میان نظریه و عمل در زمینه رشد دوره اوله کودکی ایجاد میکند. مطالعه بیشتر، مستقیم فرایند پر تلاش خلاصه سازی و تنظیم رفتارهای مورد مشاهده به صورت مطالعه پیوسته کودک است.

تابلو ۷-۲ مثال از مطالعه با استفاده از نوسنگری وقایع

مراج کنت و دستیارش ، یکی ریزکو در کلاس خود در کودکستان متوجه شدند که کودک کان به طور غیر عادی خروشان توجه بزرگسالانند. آنان نپنداشتند که آیا نقضای توجه کودکان، آن گونه که به نظر میرسد به طور مکرر روی میدهد و آیا بزرگسالان به نقضای آنان پاسخ میدهند یا خیر. آنان مطالعاتی با استفاده از نوسنگری وقایع طرح ریزی کردند تا نتایج نقضای کودکان را برای توجه بررسی کنند. آنان والدینی را که میتوانستند به کلاس بیایند و تاخیر این وقایع باشند و نتایج زیر را ثبت کنند، به هنگامی دعوت کردند:

مولفیهایی برای نوسنگاری سون G

IA (توجه فوری) : بزرگسال طرف دو تایی پس از نقضای توجه، توجه خود را به کودک معطوف میسازد.

DA (توجه یا تأخیر) : بزرگسال طرف پنج تایی پس از نقضای توجه و با حداقل دو تایی تأخیر توجه خود را به کودک معطوف میسازد.

I (تأخیر را نادیده میگیرد) : بزرگسال به نقضای توجه کودک پاسخ نمیدهد.

مولفیهایی برای نوسنگاری سون H

A (عاطفه مثبت) : عاطفه بزرگسال (لحن عاطفی پاسخ او) مثبت است.

A (عاطفه منفی) : عاطفه بزرگسال منفی است.

آنان فرم زیر را برای ثبت اطلاعات مربوط به نتایج نقضای توجه کودکان طرح ریزی کردند.

ABCDEF GH

وایکودک گنسنستانا یوچهدتو توجر فلر هایینجهدهماتهنیسیر

Adapted frm BSRVATINAL STRATEGIES FR CHILD STUDY by D. Michelle Irwin . د. ۴. ۳. ۲۰۱ and M. Margaret Bushnell. Copyright ۱۹۸۰ by Hlt, Rinehart and Winstn. Reprinted by Permmissin f CBS Cllege Publishing

مطالعات موردی حاصل اطلاعاتی است که از طریق استراژیهایی که تاکنون معرفی شده- از قبیل نقل رفتارهای مورد مشاهده، قطعات کوتاه توصیفی، یادداشتهای روزانه کودک، فهرست کنترل ،مساجه، نوسنگری زمانی و نوسنگری وقایع- به دست آمده است. مطالعه موردی جوامعاری اطلاعات پراکندهای را در زمینه رشد روانی، جسمی و شناختی آژوم می سازد. فهرست روس مطالب برقی مطالعه موردی در

تابلو ۸-۲ داده شده است. چون برای دست یافتن به دادهها یا پیش از یک منبع مطالعه موردی خود، مطالعات موردی نسبت به هر یک از استراژیهای مشاهده دیگر، توصیف کاملتری از رشد به دست میدهد.

کودکی که خلاصه‌های از فرایند رشد او در یک مطالعه موردی گرد آمده، به صورت فردی با توانیهای و نیازهای بی نظیر احیات می یابد. والدین ومختصان با پیشنهایی که از مطالعات موردی کسب میکنند، میتوانند در باره کودکان تصمیمگیری کنند. مطالعات موردی که مریبان و سایر متخصصان مدمکاری به کار میبرند، ازبراهای ارزشمندی برای آشنایی بیشتر با کودکان خردسال به حساب میآید.

هنگام با نظرات بروشن برتر (۱۹۷۹) در مورد تأثیرات محیط بر کودکان، مطالعات موردی کودکان را تا حد امکان در محیطها و موقعیتهای بسیار گوناگون نشان میدهند. اطلاعات را میتوان از افراد معتر فروانی در زندگی کودکان ازقبیل والدین، معلمان، پزشکان، و سایر متخصصان به دست آورد. عوامل موثر بر کودکان پیچیده هستند و هرچه از این عوامل بیشتر آگاه شویم، به معان نسبت درک عمیقتری از کودکان خواهیم یافت.

هنگام نوشتن مطالعه موردی برای طرحهای کلاسی، مؤلف باید با انتخاب نام ساختگی برای کودک از حریم او محافظت کند. در موضعی که اطلاعات موردی در محیطهای تریبی نوشته میشود، حقوق کودک از طریق قانون حقوق و حریم تریسی خانواده Family Educational Rights and Privacy Act که در سال ۱۹۷۴ از تصویب کنگره ایالات متحده گذشت بیشتر حفظ می شود. این قانون به والدین و دانش آموزان این حق را میدهد که یادداشتهای مدرسه را مورد بازرسی قرار دهند و در برابر هر مطلبی که نادرست به نظر میرسد چهجنگری کنند. همچنین باید افراد دیگری که میخواهند از اطلاعات پرونده دانش آموز در مدرسه استفاده کنند اجازه کتبی دریافت کنند. به دلیل قانون حریم ، مدرسی به بعضی اطلاعات موجود در پرونده کودکان متوج است و مطالعات موردی نوشته شده تنها ممکن است در اختیار والدین کودکان قرار گیرد. ثبت دقیق رفتارها و مشکلات پیش از نظرات یا تعیر و تفسیرها، مطالعاتی موردی باید میآورد که دیگر موجب چهجنگری والدین نخواهد شد.

بیره گیری از مشاهدات در پاسخ به سؤالات

با استفاده از استراژیهای مشاهده که در این فصل تشریح شده، میتوان پاسخ بسیاری از سؤالات را در باره رفتار و رشد کودکان خردسال دریافت. تابوها نیز بیناگر مطالعهی مربوط به موقعیتهایی است که این استراژیها در آنها ماسبت دارند. مطالعهی بیشتر را میتوان در قسمتهایی با عنوان از نظریه تا عمل در پایان بخشهای دوم، سه، و چهار این کتاب پیدا کرد. این قسمتها ما را در کاربرد هر یک از استراژیهای مشاهده راهنمایی میکنند و بر اثر آن پاسخ سؤالات مربوط به کودکان خردسال در گروه سنی خاص را در اختیارتان قرار میدهد. مشاهده، دامنه دانش انسان را از محدوده مطالب آکثر چاپ شده فراتر میبرد و به موقعیتهای به یادماندنی زندگی میرواند، درک رشد دوره اولیه کودکی را آسان میسازد و زمینه را برای والدین و متخصصانی مدمکار که مطمئن و توانا باشند، فراهم میآورد.

سؤالات غیر قابل پاسخ و اختلافات علم

برخی سؤالات در باره کودکان خردسال را بدون نقض اخلاقیات علم ethics f science میتوان پاسخ داد. انجام مشاهده به منظور جمعآوری اطلاعات در باره چنین سؤالاتی، حضور کودکان را در موقعیتهایی مجاز میسازد که مسبب زیان جسمی یا روانی آنان مسرود نمیشود. از این سؤالات غیر قابل پاسخ به فرار زیر است: کودک یک ساله درآ یا چندسره تحمل میکند؟ در کتک زدن، تا چه حدی از شدت عمل را میتوان سوا، رفتار یا کودک به شمار آورد؟ رفتار کودک هشت ساله در اثر عدم موفقیتش در مدرسه چگونه تعیر مییابد؟

تابلو ۸-۲ مثال از روشی مطابق مطالعه موردی در باره کودکان پیش دبستانی

نام کودک : تاریخ گزارش:سن کودک : گزارشگر:تاریخ ورود به مرکز پیش دبستانی:الف- توصیف کودک که طور کلیب. رابطه کودک با خودش۱- موفقیت در کار شخصی (لباس پوشیدن، ترفات رفتن، دست و رو شستن، ازموال شخصی مرقت کردن)۲- استعداد سخن گفتن (اوله گفتار، ساختن، و کار)۳- استعداد حرکت کردن (کنترل حرکت اصلی) باگویی راه رفتن، دویدن، پریدن، حفظ تعادل، لی لی کردن، تاخت کردن، جست و خیز کردن)۴- انگیزی بیان عاطفی (خلق و خو، پاسخ به تاکیام)۵- پاسخ در موقعیتهای گوناگون۶- تصمیمگیری، حل مسأله، یادداری-اج. رابطه کودک با بزرگسالان۱- بزرگسالان در نقش حامیان کودک برای کنترل خودش۲- بزرگسالان در نقش افراد دهنده کودک. رابطه کودک با کودکان دیگر۳- مطالعاتی عمومی (کیفیت (کمیت)۴- نامهای خاص یک موقعیت (حل تعارض، نوبت گیری، مشارکت:اهد، رابطه کودک با گروه۱- سؤالیتهای اصلی (مراقبت از مواد، مرامات مز خودی با دیگران)۲- فرسکرت در فعالیتهای گروهی (داستان، موسیقی، تغییر مکان، سفر، خوراگک سرپای۳- کنترل رفتار به هنگام انتقال: و رابطه کودک با اشیا و مفاهیم۴- آشنایی که با دست مورد استفاده قرار میگیرد و ادانه فعالیت جسمی به شمار می روند (هر چه، تویب، مداد، فیچر)۵- آشنایی که میتوانست صورت و شکل خاصی بیارند (خاک رس، خمیر بازی۶- آشنایی که برای ساختنمان سازی کودکان به کار میروند (مکعبها، بازی ساختنمان سازی، نجاری، خمیر درست کردن، چسب کاری، معنا)۷-

۴- نقاشی و رنگرئی۵- فعالیت زبانی (توجه کردن، مشاهده کردن، نوشتن نمادها، خواندن، کاربرد مفاهیم)۶- گذرش مفاهیم (عقبت، ردیف کردن، عدد، زمان، زمان، طبقه بندی، اندازنگری)۷-

Adapted from The Challenge f Day Care by (برایراهنگری) SA. Prvence, A.Naylr, and J. Pattersn, ۱۹۷۷, NewHaven: Yale University Press. Copyright ۱۹۷۷ by Yale University Press. Adapted by Permmissin

در سالهای پیشین، به مسائل اخلاقی پیرامون تحقیق در مورد کودکان مانند، اکنون توجه نشیند. به عنوان مثال، آزمایش مربوط به شرطی شدن آلرت در برابر ترس از روشهای حساسی شده را به یاد ماوریم که در فصل یک شرح داده شده. به دلیل مطالعهی از این قبیل بود که کنگره قانونی گزارده میی بر این که تمام نهادهایی که از کمکهای مالی دولتی برای تحقیق در مورد انسان استفاده میکنند، باید راهنمایی کنند که هیچ زیان جسمی یا روانی توجه افراد مورد تحقیق نخواهد کرد. اجتم تحقیقات رشد کودک یکتک سلسله معیارهایی خاص خود را دارد که حقوق کودکان و سؤالیتهای پژوهشگران و سرپرزان روزانهها را مشخص میکند. این معیارها همین هستند که حقوق کودکان مافوق حقوق پژوهشگران است و قبل از انجام هر تحقیقی جلب توافق آگاهانه والدین کودکان یا قیم آنها لازم است.

تمام دانش پژوهان رشد دوره اوله کودکی سؤولت دارند که ازپسینی کامل کودکان مورد مشاهده اطمینان پیدا کنند. حریم کودکان و والدینشان باید به هنگام گزارش نتایج به صورتی حفظ گردد که فراد خاصی را در زمینه رشد کودکان در بر میگیرد. به اصرار اخلاقی میگویند تا ازحقوق کودکان و والدینشان حمایت کنند. صرف وقت برای ملاحظه مسائل مهم اخلاقی، کمترین بهایی است که در برابر کشف هیچتاکنیز نحوه رشد کودکان باید منظور کرد.

خلاصه

۱- یادگیری استراژیهای منظم مشاهده ما را در درک رفتار کودکان وکسب بینش نسبت به رشد جسمی، روانی، و شناختی آنان یاری میدهد.

۲- در استراژیهای مشاهده رفتار کودکان خردسال در حین بروز -نقل رفتارهای مورد مشاهده، قطعات کوتاه توصیفی و یادداشتهای روزانه کودک، فرایند عیبی و توصیفی به کار میروند.

۳- نقل رفتارهای مورد مشاهده شامل ثبت تمام چیزهایی است که در مدت زمان و محیط معینی روی میدهد.

۴- قطعات کوتاه توصیفی گزاردهایی هستند که وقایع معنی دار خاصی را در زمینه رشد کودکان در بر میگیرد.

۵- یادداشتهای روزانه کودک توسط والدین یا افراد دیگری که با کودک تماس نزدیک دارند، تنظیم می شود و آنان تغییرات و مراحل رشد را روز به روز گزارش میدهند.

۶- رفتارهای خاص از پیش تعیین شده را میتوان با استفاده از روشهای کارآ آمد فهرست کنترل، مساجه، نوسنگری زمانی، و

نوپه‌گیری وقایعی مشاهده کرد.

۷-فهرسه‌های کنترل‌شمارنده از رفتارها، این فهرستها را رفتارها به طور منظم برای مشاهده رفتارهای کودک معینی به کاربرد، خود این رفتارها در آن کودک وجود داشته باشد، خود وجود داشته باشد.

۸-مصاحبه فرم‌شدهایی را برای تحلیل زبانی یکتک به یکتک یا کودکان فراهم می‌آورد و بدین ترتیب ما را از فرایندهای فکری آنان آگاه می‌سازد.

۹-نوپه‌گیری زمانی بسامند واحتما تداوم رفتارهای معینی را مستند می‌سازد.

۱۰-نوپه‌گیری وقایعی انواع خاصی از رفتارها را به طور مشروح ثبت میکند.

۱۱-مطالعات موردی گزارش‌هایی است که رفتارهای گوناگون یکتک کودک را خلاصه می‌سازد.

۱۲-همه این استراتژیهای مشاهده برای پاسخگویی به سؤالیهای مربوط به رفتار و رشد کودکان خردسال به کار می‌روند.

۱۳-مشاهده‌محققان به اصول اخلاقی باید در تمام اوقات پاسدار حقوق وحریم کودکان خردسال باشند.

اصطلاحات کلیدی

نقل رفتارهای مورد مشاهده مصاحبه مطالعه موردیبیطقات کرانه توصیفی نوپه‌گیری زمانی اخلاجات علمپداهداشتهای روزانه کودکتک پایاییبافت کنترل نوپه‌گیری وقایعی برای مطالعه پیشتر.
Strategies f bservational ResearchAlmy, M., Genishi, C. (۱۹۷۸). Ways f studying children (rev. ed). New Yrk: Teachers Cllege pressBentzen, W. (۱۹۵۸). Seeing yung children: Aquide t bserving and recrding beavior. Albany, NY:Delmar Cartwright, C.A., Cartwright, G.p (۱۹۸۴). Develping bservatin skills (scnd ed). New Yuk: McGrw-Hill Irwin, D.M., Bushnell, M. M.(۱۹۸۰). bservatinal strategies fr child study. New Yrk: Hlt, Rinehart and WinstnStrategies f Experimental ResearchVasta, R. (۱۹۷۹). Studying children: An intrductin t research methds. San Francisc: W. H. Freeman اول بخش

پیش از تولد، تولد، و

خاتمه‌گشوده‌سازی جانسون بنازگی از دکتر خود کشیده که جواب آزمایش بارداری او بیست برده است. او با این تصور که آنفوزاد گرفته است به دکتر مراجعه کرد ولی در کمال تعجب از دکتر شنید که از زمان باروریاش مدت ه هفته گذشته است. جانب این بود که رشد اولیه ساختهای اصلی داخلی و خارجی، در جین آغاز شده بود. با وجود این که کسی با نگاه کردن به ماری تشخیص نمی داد که او باردار است ولی بسیاری از مهمترین تغییر وتحولات پیش از تولد نیز سبزی شده بود. ماری جانسون فعالیتها غلباً متعارضی را در خود احساس میکند. بسیاری از والدینی که انتظار فرزند را میکنند، به سبب جرات جدیدی که به وجود می‌آورند سرایا هیجان می‌شوند. ولی غلباً کسانی نظیر ماری داری هیجانهایی آمیخته با نگرانی، ترس، بی اطمینانی یا ناخوابی آن هستند. برخی از نگرانیها، ترسها و بی اطمینانهای فرد با کسب آگاهی دقیق و روشن از آنچه آواه آن را تجربه میکند و نیز از آنچه پیش خواهد آمد، کاسته می‌شود. این بخش از کتاب اطلاعاتی را در مورد مجموعه وقایعی که قبل، هنگام و بعد از تولد پدید می‌آید به دست می‌دهد. بخش یکتک به دو فصل تقسیم می‌شود. اولین فصل یعنی فصل سه به ماههای پیش از تولد که شامل فرایندهای تصمیم‌گیری والدین، دوران داد زدنیک، و تغییر وتحولات فیزیولوژیکیک می‌شود که منجر به تولد کودک می‌شود، اختصاص دارد. دومین فصل یعنی فصل چهارم در باره فرزند تولد توضیح می‌دهد و مسائل ناشی از ورود کودک را به خانواده بررسی میکند.

۳

پیش از تولد

هر سال که فرا می‌رسد، غالباً اکتشافیات جدیدی به عمل می‌آید و اطلاعات بیشتری در باره اهمیت تحولاتی که پیش از تولد، کودک پدید می‌آید ارائه می‌شود. خواندن مهم عبارتند از: گروه‌روژها و زنها، پایه اثری جات - کورخجهای مادر زادی، متلاوره ژنتیکی، بارور سازی، رشد پیش از تولد، و مراقبت پیش از تولد. در آغاز و پایان این فصل، بعضی از عواملی که باعث بر تصمیم به داشتن فرزند و سپس بر آمادگی بدنی والدین در پذیرش نقشهای جدید می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرد.

تصمیم به داشتن فرزند

خوانندگان یکتک روزنامه محلی یا نوشتن حدود دوپست نامه در پاسخ به مقالههایی در باره فرزند داشتن به گروههایی خود انگیزتک از خود محکاملعل نشان دادند. اغلب خوانندگان در نامه نوشتند که اگر عمر دویارهای پیدایش کنند دو باره فرزند خواهند خواست. این والدین واقعی در نامه خود داشتن فرزند را مایه شادی، خوشرویی و کمال خود معرفی کردند. ولی برخی دیگر والدین خاطرنشان کردند که در صورتی که فراد ایشان در این باره تصمیم بگیرند داشتن فرزند را ترجیح نمی‌دهند. این والدین ناراضی در نامه خود از سؤولت سخت، نگاههای مایلی، تمهید زمانی، عدم آسایش، فشارهای روانی، از خود گذشتگیهای گوناگونی یاد کردند. برای برخی از والدین نیز بفرقی نسکود و میگفتند تحت شرایط دیگری نظیر این که شندان پیشتر شو به کام سرورسان پیدایش کنند، تحصیلات خود را تکمیل کنندو ارتباط محکمتری را به وجود آورند و شرایطی از این قبیل، دو باره طالب فرزند خواهند بود. (اخبار مرکوری سن خورده، ۱۹۸۲) چنین حجم طبیعی از نامههای پستی درخواستی در پاسخ به مقالههایی در باره نداشتن فرزند گزاره بر آن است که مردم برای این تصمیم اهمیت قائلند.

در ارتباط با تصمیم به داشتن فرزند، این قسمت تحت دلالتی را که والدین برای داشتن فرزند ارائه میکند بر می‌شود. سپس اطلاعاتی را در باره خطر باردار شدن که می‌تواند جزئی از فرایند تصمیمگیری برای داشتن فرزند باشد، به دست می‌دهد.

دلایل داشتن فرزند

برای بسیاری از مردم داشتن فرزند تصمیم مثبتی است و بر اساس ملاحظتات خردمندانههایی قرار دارد. اینکه روشهایی طبیعی و مصنوعی برانهپزیری خواهد بودوچهارا در محدود ساختن تعداد افراد خواهد، از هم فاصله داشتن باردارها یا نابودن فرزند برای می‌دهند. فشارهای اجتماعی برای داشتن فرزند بلافاصله بعد از ازدواج در حال کاهش است و زوجها اندک اندک ترجیح می‌دهند که بدون فرزند به زندگی خود ادامه دهند. در چهارچوب این تغییر آرا و گمنشش اختیارات، دلایل مثبت چندی نیز برای داشتن فرزند در زیر آمده است: دوست دارم نگاه چپها به سرورم. من به کارهایی که انجام می‌دهند علاقه‌مندم و دوست دارم که همیشه در کنارم فرزندی باشد.

دوست دارم که فرزندی را دوست بدارم و نیز افکار و ارزشهایی را که بدان پایبندم در اختیار او بگذارم.

دوست دارم که فرزندم شریکت زندگی من باشد و خود را در ایجاد محدودیتها و دادن راهنماییها متعهد بنامم.

می‌خواهم از فرزندی مراقبت کنم واسباب سلامت، حفاظت وانسبت او را فراهم آورم.

دوست دارم که دو هیجده سال آینده (او یا پیشتر) مسؤولت انسان دیگری بر عهده‌ام باشد.

تصمیم به داشتن فرزند تمهید طبیعی را ایجاد میکند. کمال مطلوب آن است که یکتک پدر و مادر بافقو، به کارش در باره اهدافی که برای زندگی خود در نظر گرفته‌اند، نگرشی که به فرزندان دارند و استحکام رابطه میان خود می‌برازند.

گاهی داشتن فرزند نتیجه تصمیمی اجنامه است ولی این تصمیم بر اساس انتظارات غیر واقع پیدایش با علم درک مسائلی است که روز به روز در زندگی با کودکان روی می‌دهد. بعضی مردم فرزند را به این دلیل می‌خواهند که آنان را بیش از هرکس دوست داشت

باشد. کاین مردم وقتی با کودکی مواجه می‌شوند که بسیاری از نیازهایش را باید بر آورده سازند، سرخورده می‌گردند. بعضی مردم

فرزند می‌آورند زیرا فکر میکنند که با رسیدن به مقام والدین مسکودگی تا بزرگسالی را طی خواهند کرد. کاین مردم با قبول مسؤولتی بی پایان زندگی برای فردی دیگر در می‌یابند که فرایند رشد خودشان پیچیده شده است. برخی مردم فرزند می‌آورند تا زندگی و روابطشان را با شادی بیابند. کاین مردم در می‌یابند که تصاویر مثبت قرآنی را که انتظار داشته‌اند، قفد برخی ملاقات، مراقبت‌های حریم و آزادی در مورد آنان است و همه اینها زندگی و روابط ناسنوار قلبی آنان را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد.

که فرزند می‌آورند. تا عهدهٔ نیازهای ارضا نشده خود را بر آورده سازند، اغلب اوقات ناامیدند. والدین به عنوان گوناگون مردم عادت قرار می‌گیرند ولی خود نیز پایه آلوده بلذات عیشی به فرزندانشان باشند. افراد فشارهای که واقعاً می‌باید نقش والدین را بر عهده گیرند، در روبرویی با دشواریهای فراوان درنگ کردن فرزندان در مطمئننن جایگاه قرار دارند.

بارداریهای پر خطر

معلوم نیست که در همه موارد بارداری نوزاد سالمی نوزاد موفک شود. بارداریهای پرخطر آنهاهی هستند که احتمال ابتلای مادر یا جنین به ناتوانی یا منجر شدنشان به مرگ بالاتر از حد متوسط باشد. در این قسمت بر دو خطر خاص تأکید می‌شود. سن پایین مادوان و ویژگیهای والدین که ممکن است موجب سوء رفتار یا فرزند شود. بعضی از خطراتی زندگی و پزشکی درجای دیگری شرح داده شده است. والدین آینده باید عوامل محافظه آمیز را برای مادر و فرزند جزئی از تصمیم خویش به داشتن فرزند به شمار آورند.

برخی از عوامل بارداریهای پرخطر در شکل ۳ - ۱ خلاصه شده است. از این عوامل، عمیق سن پایین مادوان از سوی مراقبان بهداشت و سایر متخصصان مورد توجه خاص واقع شده است. در واقع همان گونه که در این فصل شرح داده شده است، مسجده اول یکتک روزنامه محلی به این موضوع اختصاص داده شده است؛ بارداری مادوان سیزده تا نوزده ساله؛ یکتک همگیرویی ملی (اسرآن ۱۹۸۳ Seran). ممکن است دادن نسبت همگیروی به بارداری در سنین سیزده تا نوزده سالگی تا زمانی که اطلاعات زیر مورد توجه قرار نگیرد افراق آلی جزو کم؛ هر ساله بیش از یکتک میلیون افراد سیزده تا نوزده ساله امریکایی باردار میشوند. ده در صد از افراد پانزده تا نوزده ساله باردار میشوند و ۳۰۰۰۰۰ مورد بارداری دیگر زیر پانزده سالگی روی می‌دهد. (یکتک، ۱۹۸۱) چنین پیش بینی می‌شود که چهل درصد افراد چهارده ساله پیشتر از رسیدن به سن بیست سالگی حداقل یکتک نوبت باردار و بیست درصد آنها یکتک یا بیش از یکتک نوبت چهارم خواهند شد. استنتر آلن گرتناج، ۱۹۸۲) این تراج بارداریهای نوزاد سیزده تا نوزده ساله برای مادر و فرزند محافظه‌نا نیز است (و عوایب آن دامنگیر پدر، پسر و بزرگ و جمعه نیز خواهد شد).

آمار زیر مخاطرات موجود در بارداریهای افراد سیزده تا نوزده ساله را نشان می‌دهد:میزان مرگ و میر مادرائی که چهارده ساله‌ان یا کمتر از چهارده سال دارند، شصت درصد بالاتر از زمانی است که در اوایل سنین بیست تا سی سالگی هستند. کاین میزان برای ماداران بین پانزده تا نوزده سالگی سیزده درصد بالاتر از زنان یاد شده است.

الف - عوامل اجتماعی - اقتصادی

۱- سطح پایین اجتماعی - اقتصادی،فعل پدری ۲- حمایت مالی نا کافی ۳- مسکن نامناسب ۴- مسائل جدی اجتماعی (ازهم پائیندگی خانواده، مشکلات اقتصادی و غیره) ۵- ازدواج نکرده ، بیوزره در سنین سیزده تا نوزده ۶- پایگاه اقتصادی-سیاسی، پورتوریکو،ها مکزیک،ها، سرخوینها،۷- محرومیت غذایی در دوره کودکی، نوجوانی، یا پیش از بارداری

ب - عوامل جنتینی

۱- مادوان یا سن زیر شانزده سال یا بیش از ۳۵ سال ۲- کوتاهی قد، از ۱۵۱ سانتیمتر ۳- وزن تا ۱۲۰ پان یا پایین حد معمول ۴- ایجاد سخت به سیگار کشیدن، ۵- سابقه خانوادگی در اختلالات شدید اثری ۶- سابقه زایمانهای نامناسیالیه، سابقه نازییب، سقط جنین قبلیج، دفعات بارداری یا فاصله نزدیک به همد - چهار یا بیش از پنج مورد بارداریه، بارداریهای چند گانه قبلی - زایمان زود رس قبلی - زایمان طولانی قبلی
ده هر بارداریج - بارداری رخمی حرجی قبلیج - عمل سزارین قبلی - زایمان قبلی یا استفاده از پیش داری مطرح می‌تواند، تولد طفل کم وزن قبلی - تولد، تولد قبلی یا وزن چهار کیلوگرم یا بیشتر، مرده زاد یا مرگ نوزاد قبلی - قطع مری یا نقص عصبی در طفل قبلیس - آسیب در هنگام تولد یا کوزیختی در طفل قبلیج - مورل هاداین Hydatidifrm me تا نوسور کوروسیم کوریون Chricardim از قبل ۷- ایجاد لختههایی خوبی در سیاهرگ همراه با پیدایش تغییرات

^[1] معلوم نیست که در همه موارد بارداری نوزاد سالمی نوزاد موفک شود

^[2] بارداریهای پرخطر آنهاهی هستند که احتمال ابتلای مادر یا جنین به ناتوانی یا منجر شدنشان به مرگ بالاتر از حد متوسط باشد

^[3] در این قسمت بر دو خطر خاص تأکید می‌شود

^[4] سن پایین مادوان و ویژگیهای والدین که ممکن است موجب سوء رفتار یا فرزند شود

^[5] بعضی از خطراتی زندگی و پزشکی درجای دیگری شرح داده شده است

^[6] والدین آینده باید عوامل محافظه آمیز را برای مادر و فرزند جزئی از تصمیم خویش به داشتن فرزند به شمار آورند

التهابی در دیواره سیاهرگ Thrmphlebitis با آنتولی A embism - بیماری قلی۹ - اختلالات ناشی از غده ترشحده داخل۱۰- اختلال مربوط به سوخت و ساز بدن (مرض ناشی از تشرخ زیاد غده ترشحده۱۱- آنتوبیوتی مزمن۱۲- سل یا سایر بیماریهای حاد ویروی۱۳)- بیماریهای آمیژی و سایر بیماریهای عفونی۱۴- کم خونی ناشی از کمبود آهن۱۵- کم خونی ناشی از بزرگی بیش از حد گوجهجهای فرمز خون۱۶- کم خونی ارثی ناشی از اختلال در ساخته شدن هموگلوبین۱۷- سایر امراض مربوط به هموگلوبین۱۸- کسور وزن بیش از پنج برتده ۱۹ - چاقی۲۰- پدنجیسی ۲۱- جراحی در طول بارداری۲۲- نامتجانرهای مادرزادی مهم در محرای تولید مثل۲۳- عقب ماندگی ذهنی مادران واختلالات میجانی مهم و صرع حاد۲۴- اعیاده به دارو یا الکلیسم مزمن

ج- عوامل پزشکی مادران

۱- کمی مراقبت یا عدم مراقبت بیش از تولد۲- ناتوانی گردن رحم۳- مسمومیت۴- اختلال بارداری ناشی از ژویداد فشار خون۵- بیماری مزمن کلیوی۶- نگرار عفونت مجرای ادرار یا نگرار پیدایش باکتری در ادرار۴- دیابت قندی و اختلال بیش از بیماری قند prediabetes

د- عوامل جنینی – مادرز

۱- حساس شدن ارمان۳- حساس شدنهای مهم دیگر از قبل نامحسوسی سیستمهای گروه خونی کل و AB۳- استفاده از داروهای معینی در طی اندام زایی جنینی۴- عفونتهای ویروسی معین و سیارهای مربوط به موجودات تک باجهای (سرخجه) نخاع ماده، بزرگی غیر طبیعی ویروسی یاخته، آلودگی به تک باخته توکسوپلاسمه۵- در معرض تشعع پرتوزه کننده گسترده قرار داشتن۶- جنینی که برای دوره بارداری بیش از انداز بزرگ یا کوچک باشد.
۷- عقب ماندگی رشد درون رحمی

هـ- عوامل جننی و شغایی

۱- خونریزی مزمن۲- خونریزی مزمن پشت جفت۳- جفت یا حاشیه جنینالی شکل۴ - بستندگی جفتهای اولیه۵- جفت سرراهی یا جدا شدگی زودرس جفت۶- قطع زود رس ششاه۷- افزایش مایع آمنیوتیک در جریان بارداری

نکل ۳ – ا عوامل بارداری برخطر

کودکایی که از مادران سیزده تا نوزده ساله به دنیا میآیند بیشتر دچار نقص تولد میشوند که عدد سیب مردن آنها بیش از یک سالگی و با نتوانهای آنان در تمام طول زندگی میگردد.

ای (Nye و لمبرتس ۱۹۸۰، Lamberts)اچرا بارداریهای سنین سیزده تا نوزده این قدر مخاطرآمیز است؟
چهار عامل اصلی عبارتند از مراقبتهای پزشکی ناکافی، تغذیه نامناسب، نابع بودن مادر سیزده تا نوزده ساله از لحاظ زیستی و ترکیبی پیچیده‌ای از عوامل فشار اقتصادی و اجتماعی.
تفاوت پزشکی موجب محافظت مادر و جنین در خطر میشود و فی تصادد مادران سیزده تا نوزده ساله بارداری که در فکر مراقبتهای مورد نیاز در سه ماهه اول یا حتی سه ماهه دوم باشند اندک است زنجیسی از مادران تا زسان زایمان نیز از مراقبتهای پزشکی محرومند.
تغذیه مناسب در طول بارداری نقش حیاتی دارد ولی تغذیه پرزده برای مادران سیزده تا نوزده ساله باردار که در آمد کمی دارند، مشکلی محسوب میشود زیراسیاست جاری بسیاری از ایالتها تنها به حمایت عمومی از نظر نژادهای غذایی بعد از تولد نوزاد محدود میگردد.
بالغ نبودن مادر جوان از نظر زیستی نه افزایش خطر کم خونی و سایر مسائل مرتبط با آن در میسان مادران سیزده تا نوزده ساله باردار منجر میگردد و ترکیب پیچیده‌ای از عوامل فشار اقتصادی و اجتماعی تولد فرزند یکتک مادر سیزده تا نوزده ساله را با مشکلات بعدی از قبل بهرکنشی از کرد کودکی، پرکاری، الکلیسم و سوء استفاده از دارو مواجه خواهد ساخت (دیگن، ۱۹۸۱).

یکی از دلایلی که بارداری مادران سیزده تا نوزده ساله این قدر مورد توجه قرار دارد، این است که ضمن آموزش آنان در باره مراقبتهای مناسب پیش از تولد، به آنهاکمت خود که بارداری را به تعویق بیندازند و بدین ترتیب از خطرات بعدی اجتناب کنند. بسیاری از گروهها و افراد علاقه‌مند در مورد مادران سیزده تا نوزده ساله مطالعه میکنند تا به این اهداف دست یابند.
بخطر دیگر این است که احساس والدین و فرزندان ارتباط مناسبی برقرار نخواهند کرد. وی هفتر (کولوس و رابرتسون، ۱۹۸۲) پنج ویژگی والدین را که موعوم در مورد بهره کشی از فرزند به چشم میخورد مشخص کردهاند:
مورفط یا بهرکنشی قرار داشتن در طول دوره کودکی خود والدین و فقدان روابط شخصی حساسی در حال حاضر؛ رابطه زناشویی نامناسب؛ لزومت نفس کمی پُوُر و رویگی نقش والدین و فرزند (نظر این که والدین فرزند خود را عامل حمایت عاطفی به شمار آورند). والدینی که منتظر تولد فرزند خود هستند و ویژگیهای بار داشته را در نظر میگیرند، بهر اثر آرزود نتورشتان کرد که قبل از آوردن فرزند به مشاوره بپردازند.
تعمیم آگاهتهای برای داشتن فرزند مستزم ملاحظه انواع عوامل مخاطره آمیز مربوط به یک بارداری خاص میشود.

مسائلی که سنای ژنتیکی دارند نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد ولی بیماری ژنتیکی تا زمانی که پایه ایی حیات توضیح داده شود متقاعد کننده نخواهد بود.

کروموزومیا (chrmsmes) و زئیا (genes) پایه ارثی حیات:

چگونگی رشد هر شخص بستگی به اطلاعاتی ژنتیکی دارد که پدر و مادر در زمان بارور سازی fertilizatin حامل آنند.
یک رشته کامل از صفات، از رنگ مو گرفته تا ساختار قلب توسط یک جفت زن یا بیشتر برنام ریخته میشود. این زن نیز به نوبه خود در کروموزومها در مرکز (هست) تمام باجهتهای بدنهایمان قرار دارد.

کروموزومها و زئیا

کروموزومها را در یک سلول می‌توان به شکل ۴۶ جفت کروموزوم تقسیم کرد. کروموزوم ۲۳ جفت کروموزوم مرتبط شده است. موارد استثنا عبارتند از اسپرم و سلولهای تخم که هر کدام دارای ۲۳ کروموزومند که به صورت جفت جفت در برار هم قرار نگرفته‌اند. این کاهش تعداد کروموزوم طی فرایند میوز meiosis روی میدهد که مستلزم دو تقسیم سلولی است. در میوز دو کروموزوم ازهر ۲۳ جفت کروموزوم به سلولهای دیگری تجزیه و تقسیم میشود. بعد از میوز هر اسپرم یا تخمک رسیده منوی از یک جفت کروموزوم را در بر میگیرد. آنگاه اسپرم و تخم در اثر لقاح ترکیب میشوند و سلول واحدی را با ۴۶ کروموزوم تشکیل میدهد که نیمی از کروموزومها مربوط به یکی ازوالدین یعنی پدر یا مادر است. این فرایند ازهر نوزاد جدید با ترکیب از ویژگیهایی که از والدین خود به ارث برده است، فردی بی هما میسازد.

تنها از دهه ۱۹۶۰ دانشمندان به چگونگی انتقال اطلاعات ژنتیکی پی بردند. واتسون (۱۹۶۸) گزارش میجان انگیزی از سر نخهایی که پروتئینها را بقصد تعیین ساختار ژئنا دنبال کردند برتسه تحیر در آرد. بعد از سالها تحقیق مشخص شد که هر کروموزم شامل هزاران ژن است. ژئیا به نوبه خود در مرکب از اسید دیانکسی ریونوکلیئیک دی‌ان‌ا. (dextrynucleic acid DNA) است. دی‌ان‌ا ماده‌ای است که انزوپرو آن اطلاعات زیست شناختی انتقال میدهد. پروتئینگران در یافتند که ساختار مولکولی ماده شیمیایی دی‌ان‌ا به شکل حلقوی یا مارپیچ مضامض است. وقتی که تخم بارور شده به قسمتهای کوچکتر تقسیم میشود، دو رشته موجود در مولکول مضامض ساریچی دی‌ان‌ا، ازهم بازم می شوئند و هر کدام از آنها انگولی کامل مواد شیمیایی لازم را برای تولید مثل خود به همراه دارد.

برخی از صفات انسان مستلزم آنند که جفتهای فرامی از ژئیا را در بر داشته باشند ولی برخی نیز تنها به یک جفت زن نیاز دارند.
در همه حالات، دی‌ان‌ا شامل اطلاعات پیچیده‌ای است که امکان تشکیل رشتههای پروتئین را فراهم میآورد. این رشتههای پروتئین به صورت بافت و ارگانهای به‌بدنار میشوند، ژئهای دیگر را کنترل میکنند و فرایندهای بدن را منتظم میسازند.

دو قلوها

استعداد ژنتیکی یک کودک نسیه هیچ کودک دیگری نیست مگر این که آن کودک با کودک دیگر یک دوقلوی همسان (یک تخمکی identical mnyzygtic) را تشکیل دهند. در مورد دوقلوهای یک تخمکی، زئگوت Zygote است که در اثر اتحاد اسپرم و تخمک پدید میآید. میآید شکافته میشود و نیمههایی همسان آن رشد جداگانه‌ای را آغاز میکنند. این دوقلوا نسیه همند و دارای صفات ارثی همسانی هستند. ولی همه دو قلوا همسان نیستند. دوقلوهای غیر همسان (دو تخمکی fraternal) در نسبت دو در صد و دو دوقلوهای همسان معمول هستند. دو قلوهای غیر همسان زمانی رشد میکنند که دو تخمک به جای یک تخمک معمول رها میشوند و با اسپرم متفاوتی بارور میگردند. دوقلوهای دو تخمکی دارای هیچ ویژگی ارثی زیادتری نسبت به هر یک از دو همشهرهای دیگر نمیشاند. آنها ممکن است بسیار شبیه هم به نظر آیند یا تا حدودی شبیه هم باشند و با بسیار تفاوت از هم، و این وضع در مورد صفات دیگر نیز صادق است. دو قلوهای دو تخمکی ممکن است از یک جنس باشند یا نباشند.

جنس (gender)

جنس شخص در زمان بارور سازی به وسیله اسپرمی که تخمک را بارور می سازه تعیین میشود. هر تخمک حامل یک کروموزوم X است، اما برخی اسپرمها حامل یک کروموزوم X است و برخی حامل یک کروموزوم Y. اگر تخمک با اسپرم حامل X بارور شود، جنس نرنت (XX) پدید میآید و اگر تخمک با اسپرم حامل Y بارور شود جنس مذکر (XY) پدید میآید. بنابراین، این اسپرم پدر است که تعیین کننده جنس کودک است.

اغیرا بعضی از اطلاعات نشان داده‌اند که رویهه‌های گوناگون می‌تواند احتمال پسر داشتن یا دختر داشتن را افزایش دهد. برای مثال رونالد اریکسون Rnald Ericsson متخصص فیزیولوژی تولید مثل روش تعیین فلی جنس کودک را که اجازه استفاده از آن را به هفده مرکز باروری در سراسر جهان داده، منتشر بخشیده است (ساتلش Seltus، ی ۱۹۸۴). اریکسون مدعی است که در مورد برآمدهاش که معمو والدین دارای فرزندان دختر هستند و میخوانند که در خانواده پدر دوم دختر داشته باشند به هشتاد در صد موفقیت دست یافته است. سیستم اریکسون به صورت زیر عمل میکند:
درست آنگهی بیش از زمانی که تخمک گذاری زن انتظار می رود، یک نمونه اسپرم ازسرمش در سون ششهای قرار داده می شود. به نظر اریکسون اسپرم حامل X شدگی سریعتر از اسپرم حامل X حرکت میکند و زودتر به آلبومین، پروتئین موجود در سون ششهای، میرسد. آنگاه زن با اسپرمی که با آلبومین رسیده و به اهدافی اریکسون خادود هشتاد در صد حامل Y است، تلقیح منوعومی میشود.

یکدیگر تشخیص دهند.

رویهه‌های نظیر رویه اریکسون اختلال نظر فرامی را برانگیخت. در میان اغلب والدین، آنچه اهمیت دارد تولد فرزند سالم است ولی بسیاری از گروههای فرهنگی در کشورمان یا در خارج ملاحظه شدیده خود را نسبت به فرزندان پسر اتر از می دارند. به دلیل این رجحان اجتماعی، برای داشتن فرزند مذکر، برخی متخصصان نظر جان سی فلتچر John C. Fletcher در موسسه‌های ملی بهداشت Natinal Institutes f Health استدلال کرده‌اند که انتخاب پیشین جنس نوزاد gender preselectin ذاتاً تبعیض جنسی را نشان میدهد.

حتی اگر والدین منتظر فرزند، خواهران انتخاب جنس فرزند خود نباشند، احضا تمایل دارند که یک ویژگی را برگزینند و از ویژگی دیگر بپرهیزند. تکنولوژی مربوط به این کار هنوز توسعه نیافته است، ولی اگر چنین نیز باشند، متنی بر نامهای میان سنج ارثی genotype و سنج پدیداری phenotype خواهد بود.

سخت ارثی و سنج پدیداری

برخی کوزربخهای مادرزادی با تقاضی ویژه موجود در زنها یاگرموزومها ارتباط ندارد. در عوض، به نظر می‌رسند که آنها در هنگام تعامل دو یا بیش از دو عامل ژنتیکی نتیجه می‌شوند. به صورت فردی، این عوامل ژنتیکی بیشتر گروبه به حساب می‌آیند تا نقش، ولی به صورت ترکیب سب مشکلاتی می‌شوند.

در موارد دیگر کوزربخها به دلیل رابطه میان عوامل ژنتیکی و محیطی ظاهر می‌شوند. مثلهای کوزربخهای مادرزادی که ناشی از تعامل عواملند عبارتند از ایمیونبیداری (استون قنات سار) و سی مغزی، بیماری قلبی مادرزادی، لب و کام شکافته، پای چپانی، در وکلگی مادرزادی قسمت بالایی ران، نه عوامل ژنتیکی و نه عوامل محیطی که به این اختلالات مربوط می‌شوند به طور قطع شناخته شده‌اند.

ویژگیهای چهره که خاص افن اس است.

کودکان مبتلا به افن اس با سه سائله زادی (چپ) سرخوست امریکایی، (وسط) سیاهپوست، و (راست) سفیدپوست، هر سه کودک عقب مانده گی ذهنی دارند.

شکل ۲–۳ **ویژگیهای چهره کودکان مبتلا به نشانگان جین افکنی (اف اس)**

حنطهای بعد از بارور سازی

شکل ۳–۳ **تأثیر استعمال دخانیات مادران بر وزن نوزاد**

نوزاد بالایا میزان رشد جنین را در طول سه ماه آخر بارداری نشان می‌دهد. شاخص مادران معمولی مربوط به نوزادانی است که در ایالات متحده متولد شده‌اند. بعد از ۳۶ هفته میزان رشد پانچراف ازخط مستقیم را نشان می‌دهد. این کاهش یوزده بعد از دوره کامل (۳۶تا۳۸) احتمالاً بیانگر نطفه ناکافی جنین به سبب تغییرات جفت است. توجه داشته باشید که تأثیر زیانبار بر وزن کودک ناشی از استعمال دخانیات فراوان با برنامه غذایی نامناسب مادران است.

تابلو ۱–۳ عوامل محیطی پیش از تولد و ناتوانیهای یادگیری

در یک نشست علمی، پژوهشگرانی که در زمینههای مختلف علمی فعالیت دارند، تأثیرات محیطی پیش از تولد شامل مصرف دخانیات، مشروب، داروها و آلوده کننده‌ها را بر میزان بروز ناتوانیهای یادگیری در دوره کودکی مورد بحث قرار دادند. ناتوانیهای یادگیری اصطلاحی است که برای معین ساختن مشکلات گشش دادن، صحبت کردن، نوشتن، استدلال، یا ریاضیات به کار می‌رود که به دلیل مسائل مربوط به دستگاه عصبی پدید می‌آیند. تنها در همین دهه‌های اخیر پژوهشگران دریافته‌اند که مشکلات یادگیری بعضی از کودکان از مشکلات موجود در دستگاه عصبی مرکزی آنان منأ می‌گردد. می‌لونها کودک با هوش متوسط یا بالاتر ازحد متوسط ناتوانیهای یادگیری دارند.

به رغم این که نظام آموزشی در تشخیص و آموزش کودکان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری به پیشرفتهای قابل آسده است گروه پژوهشگران علوم روان گراگن تلاش می‌کنند به علل این مشکلات و چگونگی پیشگیری آنها دست یابند. پژوهشگران در این زمان بر این توافق دارند که به احتمال قوی رابطه‌ای میان سطوح سمعاری از تأثیرات محیطی معین پیش از تولد، و ناتوانیهای یادگیری بعدی آن وجود دارد. آنان اعتقاد دارند که مصرف دخانیات، مشروب، داروها و یا تماس با آلوده کننده‌ها برای زن باردار را نیتوان در هیچ مرحله‌ای خطر نداشت. فقدان داده‌های شددی با تقاضی جسمی قابل توجه از یوزر خدمات وارده و دستگاه عصبی مرکزی که موجب ناتوانیهای یادگیری مدهی می‌شود، پیشگیری نمی‌کند. ترمیم آنان این است که زنانی که باردارند یا احتمال بارداری آنان می‌رود، از مصرف دخانیات، نوشیدن مشروبات الکلی، مصرف داروهای با نسخه و بدون نسخه (به جر داروهای که معقلاً برای سلامتی آنان ضروری است) و تماس با آلوده کننده‌ها خود داری کنند.

تأهسازی خوبی میان مادر و جنین

تأهسازی یاختمهای خوبی مادر و جنین می‌تواند سبب کوزربخهای مادرزادی گردد. شدیدترین کوزربخها به شرطی بروز می‌کنند که یاختمهای خوبی فرم مادر فاقد بعضی به نام عامل ارشال **Rh factor**، که از خون نوعی می‌بود به نام ژنوم کشف شده‌باشد. و یا یاختمهای خوبی پدر دارای این بخش باشد. بنابراین مادر را ارهالش منفی، می‌خوانند و پدر را ارهالش مثبت. مشکلات زمانی پدید می‌آیند که جنین دچار ارهالش منفی، خون ارهالش مثبت را ازبند در ازلت می‌رود. اگر خون جنین چیزی وارد جریان خون مادر شود، همان گزته که اغلب در خلال پارگی عروق خوبی، عروق کوچک در جفت اتفاق می‌افتد، خون مادر پادتنهایی در برابر خون جنین تولید می‌کند. تولید پادتها توأم نخستین جنین را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند، ولی جینتهای بعدی به واسطه این پادتها می‌رسند یا آسیب می‌بینند. تأهسازی ارهالش سبب تولد حدود پنج هزار مورد موهفاد و بیست هزار مورد کوزربخت مادر زاد در هر سال گشته است (گاردنر، ۱۹۹۳).

عامل ارهالش و یاختمهای خوبی را ژن غالب کنترل می‌کند. ساخت ژنتیکی را نیتوان تغییر داد، درین حال به دو صورت ممکن نیتوان عمل کرد نخستین طرزعمل شامل تعویض منبع خوبی جنین در زهدان پیش از تولد یا در زمان زایمان است. دومین طرزعمل شامل تزریق واکسنی به نام **روگام Rhgam**، به مادران است تا جینتهایشان ازابتلا به بیماری ارهالش محافظت شوند. این واکسن باید در ظرف روزهای تولد نخستین نوزاد ارهالش مثبت به مادر تزریق شود. هر دو طرزعمل امید به کاهش میزان بروز کوزربخهای مادرزادی با برگم و میرهاف ناشی از تأهسازی ارهالش را تقویت می‌بخشد.

مشاوره ژنتیکی (genetic counseling)

هلن و فرانتسک ارکت، کتاب(۱۹۳۰) از آن زوجهای مستند که درخواست مشاوره ژنتیکی یادارند، آنان قب فرزندنی به دنیا آورده‌اند که دارای عقب مانده گیهای چندگانه شدید است واز این می‌هراستد که احتمال بارداری دیگری نیز وجود داشته باشد بدون این که برای احتمال تولد فرزندنی با مشکلات مشابه، کفزی کرده باشند. مشاوره ژنتیکی همان گزته به یک نوع تجربه گردنه پنج مرحله اصلی داشت. او ، مشاور اطلاعاتی را در باره خانواده جمع آوری می‌کرد و سپس حقایق پزشکی از جمله تشخیص، علت اختلال و کنترل دقیق آن را ابلاغ می‌کرد. ثانیاً، مشاور چگونگی تأثیر زوراث را در ایجاد اختلال و خطر بازگشت آن اختلال توضیح می‌داد. ثالثاً، مشاور راههای موافه شدن با خطر بازگشت اختلال را مختصراً شرح می‌داد. رابعاً، مشاور راهنمایی و کمک خود را در انتخاب جریان عملی که با ارزشها و معضلات خانوادگ سازگار باشد ارائه می‌داد. و خامساً، مشاور والدین را در سازگاری با اختلالات فرزندشان و خطر عدم آن اختلالات باری می‌بخشاد. (بیرسکBenirschke و دیگران، ۱۹۷۶)

مشاوره ژنتیکی را میتوان با رویه‌هایی نظیر آمنیوسنتز **amnicentesis** (استراج و تحلیل مایع مربوط به مشیمه جنین در زهدان)، آزمایش خون، و سونوگرافی استفاده از امواج صوتی برای نشان دادن شکل بندی جسمی ویژه جنین) تکمیل کرد. آمنیوسنتز بمعنوی بعد از سیزدهمین هفته بارداری انجام می شود. مایع مربوط به مشیمه جنین با داخل کردن سوزنی از طریق دیواره شکم به زهدان زن فراهم می‌شود (رکت، کتاب، ۱۹۳۰). مایع مربوط به مشیمه جنین شامل یاختمهای جنینی است و میتوان برای تحلیل ژنتیکی از آن استفاده کرد. آمنیوسنتز تنها زمانی توصیه می‌شود که امکان به دنیا آوردن فرزند ناقص برای زن از حد معمول بیشتر است، نظیر نشانگان داون که بدین طریق قابل تشخیص است. تقریباً یکسده اختلال گرموزومی با تحلیلی سلولهای جنینی در پیش از تولد قابل کشف است. اسبیا پنیدا و سی مغزی با آزمایش مایع مربوط به مشیمه جنین برای سطوح بالای پروتئینهای نظیر پروتئین جنینی آلفا۱ اف بی) تشخیص داده می‌شود. علاوه بر این ، آمنیوسنتز اطلاعات اضافی جالی از قبیل جنس جنین را می‌تواند فراهم سازد.

تابلو ۲–۳ مشاوره ژنتیکی

هلن و فرانتسک کودک دو پائله‌ای با معلولت‌های چندگانه دارند. از هنگام تولد، سارا در برنامهِ ویژه‌ای برای نوزادان بسیار نهادیاد شونده ثبت نام کرده‌اند. هلن و فرانتسک در جلسات والدین شرکت می‌کنند و می‌گویند که اهداف برنامه را در مورد سارا در خانه اجرا کنند.

هلن و فرانتسک خواندگان کودک دیگری هستند، ولی نگران آنند که آیا می‌توانند با آن کودک یا چندان معلولت‌های ذهنی و جسمی شدید کنار یابند. آنان تصور نمی‌کنند که لازم است خواندان در باره فوول خطر زایمان دیگر تصمیم بگیرند، تا سرانجام پزشک ویژه هلن پیشنهاد کرد که آنان در صدد استفاده از مشاوره ژنتیکی در یک مرکز پزشکی وزگتری باشند.

مشاوران آنان روشن ساختند که معلولیت سارا از طریق ژنتیکی انتقال یافته است و احتمال خطر در مورد تولد فرزند دوم نیز با همان مشکلات وجود دارد.

حدود چهارماه که از بارداری هلن می‌گذشت، مقداری از مایع مربوط به مشیمه جنین خارج شد و امروز آزمایش قرار گرفت. چندین هفته بعد، هلن و فرانتسک از دانستن این نکته به هیجان آمده‌ند که دختر دومی که انتظارش را می‌کشیدند، مبتلا به معلولت‌های سارا نیست. هیچ کس نیتوانست به آنان اطمینان دهد، ولی دست کم آنان توانستند مشکلی را که پیش از همه از آن می‌ترسیدند بر طرف سازند.

شکل ۲–۳ آمنیوسنتز

یک سوزن از طریق دیواره یائینی شکم و دیواره زهدان به قطره مربوط به مشیمه جنین داخل شده است. سرنگی به آن متصل است و مایع مربوط به مشیمه جنین برای مقاصد تشخیصی از آن خارج می‌شود. امث برای گشته‌های سلولهای اطرافت با مطالعات پوتستی) آمنیوسنتز نسبتاً مهای ازخطر است.بزرزه وقتی که با سونوگرافی برای تعیین محل جفت همراه شده باشد. خطر آسیب دیدن جنین با سوزن با استفاده از سونوگرافی به حداقل می‌رسد. این تکنیک بمعنوی در هفتدهای بارداری تا سده سوم بارداری انجام می‌شود. بیشتر از این مرحله رشد، مایع مربوط به مشیمه جنین نسبتاً ناچیز است و در نتیجه بیرون کشیدن آن به گزته‌های که مادر یا جنین به خطر نقتضد مشکندر است. مقدار فراوانی مایع مربوط به مشیمه جنین (فراایش مایع آمنیوتیک در جریان بارداری) به صورتی که در شکل نشان داده شده است، وجود دارد.

پایمنوسنتز باید بمعنوی تا حدود شانزده هفته بعد از بارور سازی به تعویق افتد تا برای استفاده از شیوه‌ای بی خطر، مایع مربوط به مشیمه جنین به مقدار کافی می‌باشد. سپس چندین هفته برای تحلیلی لازم است و این بدین معنی است که نتایج تحلیلی تا قبل از ماه پنجم بارداری فراهم نمی‌آید. انتظار والدین برای به دست آوردن این اطلاعات تا اواسط دوره بارداری موجب می‌شود که آنان بار حیجانی سنگینی را تحمل شوند.

با سونوگرافی با فراموت **ultrasound** میتوان بعضی ازتنخصیها را تأیید و نیز ظهور هیدروسفالسی، تجمع آب د رمغز را معین ساخت. فراموت، صوتی است یا بسامدهایی بالاتر از دامنه شنوایی انسان و طول موجهای کوتاهتر از طول موجهای صوتی قابل شنیدن. نه تنها تکنیکهای فراموت در تشخیص برخی مسائل جنینی مفید است بلکه در تهیه طرح رشد جنین و تعیین محل جنین در خلال شیوه‌های دیگر نظیر آمنیوسنتز نیز به کار می‌آید. دستگاه صوتی می‌تواند سه روی تکم و بالای زهدان زن باردار قرار داده می‌شود تصوری از جنین ارائه می‌دهد. این تصویر توسط پزشکان آزمونده تفسیر می‌گردد و اغلب آنان معتقدند که در مورد معاینات فراموتی عوارض جانی وجود ندارد.

مأثرنامه، هیچ کدام ازاین شیوه‌ها سلاستی جنین را تضمین نمی‌کنند، زیرا تعدادی نارساییهای تولد وجود دارند که پیش از تولد آشکار نمی‌شوند. ولی حدود ۹۷ در صد بیماریانی که در وضع محافظه آمیزی به سر می‌برند، با استفاده از این شیوه‌ها دریافته که جنین آنان را نارساییهای مشکندر تهدید نمی‌کنند.

ضمیمه دیگری برای مشاوره ژنتیکی عبارت است از آزمایشی که از حاملان نارساییهای ژنتیکی به عمل می‌آید. این آزمایش زمانی مفید است که حاملان این ویژگی نسبتی زادی از جمعیت را تشکیل دهند. البته هیچ خطری حاصل این ویژگی را نهادید نمی‌کنند فقط زمانی مسأله ایجاد می‌شود که کودک از والدینی متولد شود که هر دو حامل یک ویژگی مغض باشند. یا در مادری زاده شود که دارای نارسایی ایجاد می‌شود به گرموزوم **X** است. معلوم است که با آزمایشهای ساده خون می‌وان حاملان ویژگیهای نظیر یاخته داسمی و پائلاسی را مشخص کرد. در صورتی که به ویژگی یاخته داسمی توجه کنیم، هشت درصد مسلمان آمریکایی حامل ژن ناقص یاخته داسمی هستند، و یک کودک باز ششصد کودک سیاه ما به بیماری کم خوبی ارنی ناشی از اختلال در ساخته شدن

هم‌گوبین متیلا، مینود. این بیماری سبب خستگی، تنگی نفس، درده کمی مقاومت در برابر عفونتها وانسداد رگهای خونی در اندامهای داخلی می‌گردد. با انتقال خون گاه به گاه می‌توان برخی بیماران را زنده نگاه داشت ولی کمترین برای کم‌خونی ارنی ناشی از اختلال در ساخته شدن هموگلوبین دردمانی ارائه شده است. در مورد لالاسمی، حدود یک‌ک نفر از میان ۲۵ نفر افراد ایتالیایی یا یونانی تبار حامل این بیماری هستند. ویک کودکه از میان ۲۵۰۰ کودکه شیرخوار به نوج حاد این بیماری مبتلا می‌شود. کودکان مبتلا به لالاسمی ابتدا مریض به نظر می‌رسند ولی در طول سال اول یا دوم بعد از تولد عفونتهای فراوانی در آنان پدید می‌آید. دچار بزرگی جگر و متحاح و شکستگی استخوانها میشوند. انتقال خون به این کودکان برای ادامه زندگی آنان حیاتی است ولی بازمه به درمان قطعی نتخاهد انجامید.

برنامههای سرزند کردن در مورد حاملان برخی نژادهایهی سوخت و سازی نظیر بیماری تی - ساکس - Tay Sachs نیز ارائه شده است. سطوح آنزیمی در باختههای خون با پوست را میتوان به منظور شناسایی بیماران نی - ساکس و میازبهای مربوط به آن ابتدا آزمایشگری کرد. تی - ساکس از هر سی تن فرزندان پهلوی اشکنازی Ashkenazi حامل نژادسی یونک تی آن را مبتلا میسازد. کودکی که با ابتلا به بیماری تی - ساکس متولد میشود، درمان بایز نیست. از حدود دشت ماهگی مغز و سلسله اعصاب از کار میافتد و به مدت شدن در مرگ در دوره اولیه کودکی منتهی میشود.

برنامههای سرزند کردن برای نوزادان نیز تهیه شده است. قبل تولد کودک اوریک (PKU)Phenylketonuria) ای کی بی (یا نوعی بیماری که منجر به عقب ماندگی میشود) از طریق زین نهفته انتقال مییابد و در ۱۸۰۰۰ تولد یکبار پدیدار میشود. بیسی در پیش از تولد قابل کشف نیست ولی در صورتی که دستور غذای بخصوصی از تولد کودکه تا پنج سالگی یا بیشتر رعایت شود قابل درمان خواهد بود. تقریباً لازم است که نسیام ایلات برای همه نوزادان مبتلا به پی کی بی برنامه سرزند کردن را معمول دارند.

برنامههای سرزند کردن و مشاوره ژنتیکی شامل شرکت کشنگش است که با نصبگیرهای بسیارخوار اختلافی سرکار دارند.اگر فردی مرجه شیوکه حامل نوعی بیماری ژنتیکی است، آگاهی از این وضع چه نتایجی در برنامههای او در مورد ازدواج و داشتن فرزند دوبر خواهد داشت؟ یا اگر نتایج آزمایشست نشان دهد که جنین به دلیل نژادسی ژنتیکی جنین مطولبت دارد، آیا زن و شوهر مانع ادامه بارداری میگردند یا خیر؟ مسطف جنین در این کشور از زمان خصمیگیری داده‌گا، همان Supreme Curt در سال ۱۹۷۳ مصلی قانونی بوده است، ولی بازمه قانونی بودن مسطف جنین از آن را در این تصمیم که به رغم تمایل به بارداری از آن خودداری کنند باری نمیدهد. هر چه علم پزشکی به پیشرفتهای نایل آید، امکان اخذانتخاب و مواجهه برای کسانی که در صداد داشتن فرزند هستند یا کسانی که باردار شده‌اند دشوارتر میگرد.

حتی با آگاهی نسبی ازاختلالات ژنتیکی موجود امروز، وپیشگام و دیگران (۱۹۹۶) بیان داشته‌اند که اگر تمام زنان باردار ۲۵ سال به بالا از شیوه آزمایشست استفاده میگردند و ترجیح میدهند که جنینهای مبتلا به نشانگان باون را مسطف کنند، میزان بروز این اختلال به ۵۷ درصد کاهش مییافت و اگر همه زنان باردار سی سال به بالا سرزند میشدند و مسطف جنین را ترجیح میدادند،میزان بروز آن اختلال به ۴۳ درصد نزول مییافت. با شیوه مشابهی در اثر ازدیاد برنامههای سرزند کردن ومشاوره میزان کام بسیارهای کم عمومی ارثی ناشی از اختلال در ساخته شدن هموگلوبین تی - ساکس را پیشگیری کرد. گروه تپوشکه از دیدگاه اختلالات پزشکی به این موضوع میگردند ولی تصمیمات مربوط به هر خانواده‌ای که در این آمار آمده است در فضایی از اختلافات و ارزشها قرار میگیرد. همه سؤالات و پاسخهایی که خانوادهها در مورد آنها دچار نشویش هشتادامهت حیاتی در مطالعه رشد کودکه دارد.

دستگاههای تولید مثل

ادامه وجود هر گزینهای به وجود شیوه تولید نسلهای جدید بستگی دارد. تولید مثل انسان شامل پیوند سلولهای جنسی در ماده است. در قسمت بعدی پیوند موفق این سلولهای جنسی یعنی بارور سازی شرح میشود. به عنوان زمینهای برای درک بارور سازی و به دنبال آن رشد نطفه از تولد، نگاه مستصر بر تولید مثل تر و ماده می‌فکنیم.

تولید مثل جنس نر

کارکرد جنسی تر، ماده تحت کنترل غده هیپوفیز که در ته مغز واقع است قرار دارد. غده هیپوفیز نیز به نوبه خود تحت کنترل هیپوتالاموس که جزء دیگری از مغز است، قرار دارد. از زمان بلوغ، غده هیپوفیز بافت بیضهای مردان را تحریک میکند تا مایع باذوامی از هورمونهای جنسی و در نتیجه اسپرم فراهم آورد.

دهای بدن برای این که در آن اسپرم تولید شود پیش از حد بالاست. به همین دلیل پیش از تولد، غده جنسی یا بیضهها به درون پوست پشفه فرو می‌افتد. برخی اوقات این حرکت صورت نمیگیرد و استفاده از عمل جراحی ضروری است. وقتی روی بلوغ یا در حال بلوغ از لحاظ جنسی تحریک میشود، بافت قابل تعوظ ازخون پر میشود. آلت جنسی او مسفت میشود، و اسپرم مریماً به بخش بالایی میزراه از طریق غلایب منوی حرکت میکند. در آنجا پروتست موادی به این می‌افزاید که اسپرم و زهدان را با هم تحریک میکند. کمپنهای منی مدهای خونی شکر را وارد میکند. در اثرال، سه تا پنج سانتی متر مکعب از مایع منی شدیداً به کثکث غضلات لگنی از طریق میزراه بسپ میشود. در این مایع منی چند صامیلیون اسپرم وجود دارند که شدیداً شناورند.

هر اسپرم دارای یک سر است که محوی ماده ژنتیکی است و یک دم که آن سر را به جلو میبرد. اسپرمها، در حالی که سرهایشان در یک گنده حلقه است همه به طرف جلو حرکت میکنند. آنها آن قدر کوچکند که بیلیونها عدد را میتوان در یک لاشق عضاخوری جای داد. در محیط مناسب، مانند محیطی که بدن نر فراهم می‌آورد، اسپرم برای چندین روز به حیات خود ادامه میدهد. در آمیزش جنسی، اسپرم از طریق توده مسوده کشنده مخاطی در گردن رحم وارد زهدان میشود. بافت این مخاط در اوقات مختلف چرخه قاعدگی منضات است. وقتی که یک تخمک در شرف ورود به لوله رحم به سر میرد مخاط صاف و روشن است و راه را برای عبور اسپرم ازمنهبل به زهدان باز میگذارد.

تولید مثل جنس ماده

در زنان غده هیپوفیز بر روی تخمدانها عمل میکند و این عمل تقریباً در چرخههای قاعدگی چهار هفتهای که در هنگام بلوغ آغاز میشود، صورت میگیرد. یک میلیون سلول تخم در تخمدانهای زن در هنگام تولد وجود دارد. حدود دو هفته که از چرخه قاعدگی بگذرد، غده هیپوفیز هورمونهایی را ترشح میکند که سبب ایجاد یکی از فولیکولهاfollicles در تخمدان میگردد که مایع حادب میکند. بزرگ میشود، میترکد و تخمک آزاد میسازد. بدین ترتیب تخمکگذاری انجام میشود. قطر این تخمک پنج هورام استیع نام ورحمت با چشم غیر مسلح قابل رؤیت است. بعد از تخمکگذاری، فولیکول که تخمک در آن رشد کرده است، هورمونی به نام پروژسترون تولید میکند. تا از به عمل آمدن تخمهای دیگر ممانعت کند و جدار زهدان را برای تخمک آماده سازد. اگر بارور سازی صورت نگردد لایه زهدان در طول قاعدگی دفع میشود واین فرایند به طور کامل دو باره آغاز میشود. وقتی که تخمک از فولیکول ترشیده آزاد شده، به سمت دهانه لوله رحم پیش میرود. لوله رحم حدود چهار یا پنج اینچ طول دارد و تخمکهایی را از تخمدان مجاور نیز گاهی از تخمدان مقابل عبور میدهد. تخمک طی یک دوره تقریباً ۲۴ ساعته می‌تواند بارور شود. اگر بارور سازی صورت نگردد، تخمک از هم می‌پاشد و در دوره قاعدگی بعدی به همرا لایه زهدان دفع میشود.

بارور سازی

بارور سازی فرایند شروع زندگی جدیدی است. این فرایند با تماس اسپرم و تخمک آغاز میشود و با آمیختگی کروموزومهای پدر و مادر پایان مییابد. حاصل ترکیب اسپرم و تخمک زیگوت نامیده میشود. این زیگوت نخستین بافته یک موجود زنده در حال رشد است. علاوه بر ایجاد یک زندگی جنین جدید، بارور سازی سه نقش مهم دیگر نیز عهده دار است. او اتحاد اسپرم و تخم که هر کدام حامل ۲۳ کروموزوم است، تعداد مثلول ۴۶ کروموزوم را در زیگوت ذخیره میسازد. تأیید نسبی از کروموزومهای که به سوی زیگوت حرکت میکنند از طرف مادر و نسبی از طرف پدر است. این نتیجه زیگوت آمیزه محصر به فردی از ویژگیهاست. اثاثا جنس زیگوت با نوعی از اسپرم تعیین میشود که تخمک را بارور سازد.

زیگوت، اولایی هفته اول بعد از بارور سازی را در لوله رحم در راه به سوی زهدان به سر میرود. تخمدان از طریق پیامهایی غضلات لوله رحم را در همان حال که تخمک به سمت زهدان حرکت می کند تحت کنترل دارد. در طول این مدت لوله رحم گرمی از سلولهای در حال رشد را تغذیه میکند.

در لوله رحم، زیگوت دستخوش تقسیم سلولی میشود. قبل ازاین که کل سلول تقسیم شود هر کروموزوم دقیقاً دو برابر میگرد. آنگاه دو کروموزوم مشابه از هم جدا می‌شوند و به صورت دو سلول جدید به نام بلاستوم در می‌آید. سایر تقسیمات سلولی مریماً به شیوه منظمی ادامه مییابد و بلاستومرهای هرچه کوچکتری را تولید میکنند. مکثیزم دو برابر سازی یک سلسله سلولهای جدید نامحدود را تقویت میکند تا مولد ژنتیکی یکسان را دریافت دارند.

تا روز سوم بعد از بارور سازی، کرهای حاوی تعداد تقریباً شانزده بلاستومر تشکیل میشود. در حدود پنج یا شش روز بعد از بارور سازی، جنین به زهدان میرسد. در این زمان او بخش مقاومت قابل شناسایی است؛ یک توده پخته داخلی که تدریجاً به صورت انسان تغییر شکل می دهد، و باطنهای خارجی که بعداً به جفت placenta (اندامی که میاده مواد موجود در جریان مایع مادر و زندگی تازه در حال رشدی را فراهم می سازد) تبدیل میشود.

برآورد شده است که از یک سوم تا یک دوم کل زیگوتها حتی تا دو هفته بعد از بارور سازی نیز می‌توانند ناباورند. قطع بارداری پیش از آن که حیات جدید توانانه تا مرحله زامیان ادامه پیدا کند، مسطف جنین abrtin نامیده میشود. تقریباً تمام مسطف جنینها در چند هفته اول به طور خود بخودی انجام می‌شود، بعد از این که گزینهای از باروری اراده شونده. شولده. اصلاحات حاصله از مطالعات نشان میدهد که ناهنجاریهای کروموزومی درحدود چهار درصد سبب مسطف جنینهای خود بخودی میگردد (مور، ۱۹۸۳).

۷-۳ دستگاههای تولید مثل مرد و زن

درمادر مقاطع نسیمی از نطفه لگنی که نشان دهنده اندامهای تولید مثل است. الف: زن، ب: مرد. (Frm K.L.Mre: "Befre) We Are Brn, nd ed. Philadelphia: W.B. Saunders C.,۱۹۷۹, p.۱۱)
انسان را در آزمایشگاهها موقتاً ساخته‌اند. این بارور سازی آزمایشگاهی لقاح in vitro fertilization) (در مقابلتور لقاح in vitro fertilization- viv خارجي یا عادی) نامیده میشود. بعد از این که کرهای حاوی داخلی تغذیه تقریباً شانزده بلاستومر از طریق تقسیم سلولی تشکیل میشود، زیگوت از آزمایشگاه به زهدان مادر انتقال داده میشود. تعدادی از کودکان سالم، که گاهی آنان را "کودکان لوله آزمایش" مینامند یا این شیوه از زنان تازه متولد میشوند.

رشد پیش از تولد

رشد پیش از تولد به طرق گوناگون به مراحل تقسیم میشود. متخصصان مامایی و والدین منتظر فرزند غالباً بارداری را به سه دوره مساوی یا سه ماه trimester تقسیم میکنند. لکن تقسیم بندی مشروحتری وجود دارد که رویان شناسان، که رشد پیش از تولد را بررسی میکنند، ارائه میدهند.

رویان شناسان به سه مرحله اشاره میکنند که مربوط به رشد بعد از بارور سازی است. در نخستین مرحله - لانهگری implantatin) - حیاتی که در هنگام بارور سازی تحقق یافته است زیگوت نام دارد. مرحله دوم بعد از لانهگری آغاز میشود که در خلال هشت هفته اول بعد از بارور سازی گذرش مییابد. طی مرحله دوم، حیات در حال رشد درون نامیده میشود. سومین و آخرین مرحله در هفته نهم بعد از بارور سازی آغاز میشود و تا تولد ادامه مییابد. در این مرحله رویان انسان را جنین نامیده مکنند که در لاینن موزند Fpspring) ، معنی میدهد. جنین در مرحله سوم اسپرمی از خصوصیات انسانی قابل تشخیص را دارد. در این کتیب از راه و رسم رویان شناسان پیروی شده است و رشد پیش از تولد به مراحل لانهگری، روئایی و جنینی تقسیم میشود. پیگیری جریان رشد پیش از تولد انسان تماماً مانند سفری خیالی به نظر میرسد. اسل والدین جدید هنگامی که به نوزادی میگردند، که از اتحاد اسپرم و تخمک رشد یافته است احساسی آنچه با حیرت، شگفتی و احترام پیدا میکنند.

مرحله لانه گیری

لانهگری جای گرفتن زیگوت در جایی است که توانانه تغذیه و رشد کند. فرایند لانهگری تا پایان هفته دوم بعد از بارور سازی

تکبیل می‌شود. به هنگام لانهگری، زنگرت راه‌های است. ترکیب از سلولهای خارجی که جفت را برای تفریت رشد تشکیل خواهد داد و سلولهای داخلی که به انسان تبدیل خواهد شد.

معمولترین و سالمترین جا برای لانهگری بیرومن میان زندان است. در عین حال گاهی اوقات لانهگری با قاصلهای از مپیل در نزدیکی مدخل زندان صورت میگیرد و در چنین حالتی ،وضعیتی به نام جفت سر راهی -جفت می‌شوند. این مدخل را بیروناند، و در طول بارداری سبب خونریزی جدی شود. در مورد جفت سرراهی، به نظارت منظم پزشکان جهت به حداقل رساندن خطرات نیاز است.

این امکان وجود دارد که لانهگری در خارج از مخزن زندان صورت گیرد. بیش از نوددرصد از این لانهگریهای خارج اززدان (که لانهگری ectopicمیباشد) در لانههای رحم صورت میگیرد. طی هشت هفته یا کمتر از زمان بارور سازی، بارداریهای پندر لولهٔ رحم محصو به پارگی لولهٔ رحم، خونریزی، و مرگ رویان منجر می‌شود. پارگی و خونریزی زندگی مادر را به خطر میاندازد و برداشتن لولهٔ پاره شده به وسیله جراحی ضروری است.

مرحله رویانی

مرحله رویانی بعد از لانهگری آغاز می‌شود و تا پایان هفته هشتم بعد از بارور سازی ادامه مییابد. در طول مرحله رویانی تمام اندامهای اصلی شکل میگیرند، گرچه نقش آنها همچنان در کمتیرین حدّ است. به این دلیل که اندامها در حال رشد هستند، وقش رویان در معرض عوامل گزربخیز قرار میگیرد امکان پدید آمدن کوربخشهای مادرزادی وجود دارد.

تغیرات برجسته‌ای در ظاهر رویان در طول این مرحله روی میدهد. در طول هفته سوم بعد از بارور سازی، رویان به یکت فرس شاهت دارد. با این وجود تا هفته هشتم، رویان ظاهر منشاژ انسانی پیدا کرده است. به دلیل اهمیت تغیرات در طول این مرحله، ما آنها را هفته به هفته زمانبندی میکنیم و آغاز آن را هفته سوم بعد از بارور سازی در نظر میگیریم.

هفته هفتم هفته سوم بعد از بارور سازی غالباً با اولین دوره‌های که قاعدگی صورت نمیگیرد مصادف است اغلب آزمایشهای بارداری وجود هورمونی به نام گونادوتروپین کورویونیک انسانی (اچ سی جی) Human Chrinic gnatdrpin (HCG) را که ازجفت نشأت میگیرد ثابت میکنند. این هورمون وارد خون مادر می‌شود تا از قاعدگی جلوگیری کند واطریق کلیهها دفع می‌شود و با آزمایش ادرار قابل کشف است. گرچه قطع قاعدگی ممکن است اولین نشانه بارداری باشد ولی این امر الزاماً به این معنا نیست که خونریزی در زمان موردانتظار قاعدگی نشانه عدم بارداری باشد. مقداری خونریزی نیز می‌تواند از جنمهای که زنگرت لانهگری میکند صورت گیرد.

هفته سوم به دلیل اینکه ساختهای شاخصی طی آن شکل میگیرند اهمیت دارد. در این دوره زمینه تشکیل جمجمه، جناح، و ستون فقرات، دستگاه عصبی مرکزی، و دستگاه قلبی -عروقی اولیه فراهم می‌شود. در واقع افتاد بر این است که گزش خون تا پایان هفته سوم آغاز می‌شود و دستگاه قلبی -عروقی را برای نخستین بار به کار می‌اندازد. در هفته سوم، فرس رویان ازجالت گرد به صورت گلابی در می‌آید.

هفته چهارم تا هفته چهارم جفت به حدّ کافی رشد کرده است تا ایالات میان رویان و مادر را تسهیل کند. آب ، مواد غذایی و هورمون‌ها از خون مادر به رویان می‌رسند. مواد زائد از طریق جفت از رویان به مادر انتقال مییابد. در طول هفته چهارم، بند ناز بتدریج شکل میگیرد.

با وجود این که اساس تشکیل اندام در سه هفته اول فراهم می‌شود، تنها در هفته چهارم است که اندامهای اصلی بتدریج شکل قطعی خود را پیدا میکنند. دستگاه عصبی، دستگاه قلبی -عروقی، و دستگاه کلیوی دستخوش استیاض سرعی میگردند. تخشین اندامهای جنسی -مقدمت‌ها گوش درونی، عدهشعایی چشم و نیز زبان ظاهر می‌شوند. جواهرهای شش شکل میگیرند و حدود مری و شکم مشخص می‌شوند.

رشد سریع اندامهای داخلی در ساخت خارجی رویان اثر میگذارد. در طول هفته چهارم رویان در حالت فرعی شکل به ساختاری لوله‌ای شکل تبدیل مییابد. تراخی سرو گردن به طور نامشعایی بزرگ هستند. در اواخر هفته چهارم جواهرهای دست و پا ظاهر می‌شوند.

هفته پنجم در آغاز هفته پنجم رشد جدی اندازهٔ رویان هفت مییستر یعنی جنینی حدود قطر اظفب، مصادعاست. در عین حال که رویان کوچک است، تا این زمان اظفب اندامهای آن ظاهر شده است. رشد این اندامها در هفته پنجم سربرخ می‌شود و ساختهای جدید نظیر مع، مجعه وطحال نمایان می‌شوند.

برجستهترین تغییر در طول هفته پنجم، رشد چهره ورویان است. با بزرگ شدن نیکرجهای مغزی، پشاهی و گردبهای چشم و بینی نمایان می‌شوند. تا پایان هفته پنجم، چهره به صورت انسانی قابل شناسایی در می‌آید.

چند تغییر مهم دیگر نیز در هفته پنجم پدید می‌آید. جواهرهای قفسه دست و پا نشان دهنده رشد دست و پاست. اعصاب نخاعی، اعصاب جمجمه و گردبهای بینی شکل میگیرند. مری امتداد پیدا میکند و شکم و محور عود میچرد. توده بچگر بزرگ می شود وقلب از صورت انسانی با دو حفره به انسانی با چهار حفره تبدیل می‌شود. اندامهای تاشلی داخلی و خارجی شکل میگیرند ولی هنوز شایزی میان جنس نر و ماده به چشم نمیخورد.

هفته ششم در ابتدای هفته ششم، رویان حدود چهارده میلیتر طول دارد. همسزین نشانه هشتم چشم رشد این است که دستگاه عصبی -عضلانی، هر چند در سطحی ابتدایی، شروع به کار میکند. لمس کردن پوست رویان پاسخ حرکی او را برای میگذرد که نخستین مرحله در جهت حرکت خودبخودی در هفتههای بعدی است. در هفته ششم تغیرات چهره در باره درخور توجه است. لب بالایی شکل میگیرد، چشمها به حرکت در می‌آیند و به روبرو متوجه می‌شوند، گوشها مشخص می‌شوند و بینی اینکه دارای پتوگ می‌شود. با این تغییراتی که صورت میگیرد چهره نیز به صورت کام انسانی در می‌آید.

تغیرواتی نیز در دستگاه ادراری - تاشلی صورت میگیرد. در هفته ششم اندامهای تاشلی داخلی به طور مشخص تخمدانها یا بیضها را شامل می‌شوند. اکن، اندامهای تاشلی خارجی تا مراحل رشد بعدی مشخص نمی‌شوند.

هفته‌های هفتم تا هشتم هفته‌های هفتم و هشتم بخش پایانی مرحله رویانی رشد را مشخص می‌سازند. بطور کلی رشد مداوم اندامها در مقایسه با رشد در مراحل پیشین نسبتاً کمتر است. چند تغییر خارجی صورت میگیرد: نسبت دست و پا بتدریج با نسبت دست و پا در بزرگسالان برابری میکند. انگشتان دست و پا بیشتر رشد میکنند، پهلها پهن می شوند و خطوط اطراف بدن گردتر میگردند. تا پایان هفته هفتم تشکیل اندامها و دستگاههای انسانی کامل می‌شود. رویان همچنان کوچک است واندازه آن در آغاز هفته ۲۴ و در پایان آن سی میلیستر است.

گاهی اوقات در طی هفته هفتم یا هشتم، مادر ممکن است متوجه شود که دوره قاعدگی دوم حذف شده است. او ممکن است برای اطمینان از براداری خود به پزشک مراجعه کند و تحت معاینات منظمی قرار گیرد. لکن بیش از آن که مادر احسا از بارداریاش آگاه باشد، هر نوع عامل گزربخیزی در طول مرحله رویانی زیانهای جدی وارد می‌سازد.

مرحله جنینی

کلمه جنین **fetus** از کلمه‌های لاتینی به معنای زاده مشتق شده است. شروع مرحله جنینی نطفه‌ای است که در آن زندگی جدید به صورت انسان مشخصی در می‌آید. هفته هفتم پیش از بارور سازی معمو آغاز این مرحله در نظر گرفته می‌شود. مرحله جنینی در بهنگام تولد که معمو ۳۸ هفته بعد از بارور سازی صورت میگیرد، به پایان میرسد. مرحله جنینی عمدتاً با رشد تمایز بافتها واگانها مشخص می‌شود. چندان ساختهای جدیدی طی مرحله جنینی ظاهر نمی‌شوند، ولی تغیرات برجسته‌ای از لحاظ اندازه و وزن پدید می‌آید. رشد در مرحله جنینی در واحدهای چهار یا پنج هفته‌ای توصیف شده است.

هفته‌های نهم تا دوازدهم در طول چهار هفته اول مرحله جنینی طول جنین بیش از دو برابر می‌شود. در پایان دوازده هفته از آغاز بارور سازی نسبت دستها متناسب با دست بزرگسالان است. لکن باها چندان رشد نکرده و نسبتاً کوتاهتر از طول نهای خود است. رشد سر در مقایسه با رشد سایر بخشهای بدن یکنه‌ی بیش می‌برد (از کتد شکل ۱۸۳).

اندامهای انسانی خارجی زرها و مادها در آغاز هفته نهم مشابه به نظر می‌رسند لکن تا هفته دوازدهم شکل تاشلی بالغ ظاهر می‌شود. جنین در طول هفته‌های نهم تا دوازدهم شروع به تکانه خوردن میکند ولی مادر هنوز این تکانه‌ها را احساس نمی‌کند. هفته‌های سیزدهم تا چهاردهم برجستهترین تغیرات در اندازه، اندامها به صورتی که در شکل ۱۸۴ مشاهده می‌شود در طول این هفته‌ها صورت میگیرد. تا هته شازدهم باها درازتر شده‌اند و سر و دست و پدان اندازه‌های متناسب با اندامهای بزرگسالان را پیدا میکند. اگر از افعه X استفاده شود، اسکلت پورشی قابل مشاهده است.

دوران بارور سازی بر حسب هفته

شکل ۲-۳ تغییر تناسب بدن در طول مرحله جنینی

نمودار بالا، تغییر تناسب بدن را در طول مرحله جنینی نشان میدهد. تا هفته ۲۶ اطراف سر بر شکم تقریباً برابر می‌شوند. بعد از آن اطراف شکم احسا بزرگتر می‌شود. همه مراحل با ارتفاع کلی یکسانی رسم شده‌اند.

هفته‌های هفدهم تا بیستم طی این چهار هفته، تکانه‌های جنین که اولین حرکات قابل تشخیص جنین **quickening** معروف است غالباً توسط مادر احساس می‌شود. رشد طی این هفته‌ها کند می‌شود ولی جنین تشکیل می‌شود و منعی حرارتی برای اطفال بعد از تولد فراهم می‌آورد.

پوست یا قشری جرب و پشم مانند**Vernix caseosa** پوشیده شده است که پوست جنین را از اثرات مایع مربوط به مضمبه جنین حفظ میکند. تا هفته بیستم، جنین از موی کرگک دار **lanug** پوشیده می‌شود که در جهت نگهداری قشر پاد شده روی پوست عمل میکند. مو همچنین روی پوسته سر و ابرو می‌روید.

هفته‌های ۲۱ - ۲۵: پایان پنج هفته زمان لقوایش وزن اساسی جنین است. همه اندامها کام رشد می‌یکنند ولی جنینهایی که در این موقعیت متولد می‌شوند احسا میسرند، زیرا دستگاه تنفس آنان هنوز رشد نیافته است.

شکل ۳-۳ تغییر اندازه‌های بدن در طول مرحله جنینی

مرحله رویانی در پایان هفته پنجم پایان مییابد. تا این زمان، تغیرات نخستین همه ساختهای اساسی نمایان می‌شود. دوره جنینی که از هفته نهم تا تولد ادامه دارد با رشد و گشوش ساختهای بدنش مشخص می‌شود. جنین تا هفته دوازدهم کام نمر داده می‌شود معلوم شده است که جنینها در این مرحله قابلیت یادگیری دارند. در یک مطالعه کلاسیک (السلپت۱۹۹۸) یک نرزش همراه با یک صدای بلند ایجاد شد که جنینها را به لگه زدن واداشت. بعد از چندین بار تکرار این عمل، جنینها هنگام لرزه لرزش و بدون وجود سر و صدا، لگه می‌زدند.

هفته‌های ۲۶ - ۲۸: دستگاه تنفس بتدریج رشد کامل پیدا میکند و دستگاه اعصاب قابلیت اداره حرکات تنفسی و کنترل حرکات تولد بدن را می‌یابد. بنابراین برای جنینهایی که رشد کافی نیافته‌اند و بعد از ایست و شش هفتگی به دنیا می‌آیند، امکان زنده ماندن وجود دارد.

جنینی پیشتره که در زیر پوست تشکیل میگرد ظاهری صافتر و گردتر را پدید می‌آورد. غالباً جنینها با نزدیک شدن زمان تولد بتدریج وضعیتی وارونه پیدا میکنند. در جنس نر بیضها بتدریج وار می‌افتد.

هفته‌های ۳۰ - ۳۴: پایان این دوره دستها و پاها‌ی جنین غالباً رشد کامل مییابد. در قاصله سی هفته از بارور سازی، اندازهٔ مردمکهای جنین در اثر برخورد با نور تغییر میکند. هفته های ۲۵ - ۳۸ در قاصله ۲۵ هفته از بارور سازی، جنینها به طور استوار فرام پیدا میکنند و خودبخود به طرف نور متمایل می‌شوند. رشد کند می‌شود، ولی اظفب جنینها تا این زمان به صورت گرد در آمده‌اند. وزن و قد جنین در هنگام تولد به ترتیب هفت پونز (۱۳ کیلوگرم و ۵۱۹ و ۵۱۹ اینچ | ۵۹۹ سانتی متر | است). در هنگام تولد، هم جنس نر و هم ماده دارای نسبت قفسه سینه برجسته و سینه‌های پیش آمده هستند.

تولد در حدود ۳۸ هفته از زمان بارورسازی قابل انتظار است و اظفب نوزادان با اختلاف ده یا پانزده روز در پایان این دوره متولد می‌شوند. بارداریهای دوم و بعدی از بارداریهای اولیه بیشتر طول می‌کشند. ژاین کودکان معمو در هنگام تولد از همسشره‌های بزرگتر خود چه درشتتری دارند.

نظریه‌داری در باره ارتباط میان مادر و جنین

تاراجی در طول زایمان می‌گردد و پزشکان معمور در برابر این تاراجی دارو درمانی را افزایش میدهند. افزایش مصرف دارو در طول زایمان به نوبه خود موجب مینود که عملکرد کودکان در قبال وظایف گوناگون بعد از تولدشان به طور قطع تضعیف شود. در واقع ، برخی مطالعات، اثرات منفی داروهای را که در هنگام زایمان به مادر داده میشود بر کودکان تا سنین هفت ماه نشان داده‌اند (یانگ ۱۹۸۱ ، Yang). کسکه به خانواده‌هایی که با مسائل و نگرانیهایی در طول دوره بارداری دست به گریزاند، باز یک سلسله رویدادهایی که احتما به رابطه میان والدین و فرزند حدمه میرسد منجر شود گویز به عمل می‌آورد.

برخی والدین منتظر با مشکلاتی مواجه هستند که ازجهد معمول که گرایشگی در ارتباط با وظایف رشدی دوره بارداری مطرح میکنند، بیشتر است.

این خانواده‌ها در معرض سرچشمههایی اصلی فشار روانی هستند که ناشی از مسائل مالی یا زناشویی، بیماری، جدایی از اعضای خانواده، مرگ و میر، یا شاید اثرات دراز مدت نقر یا تعیض است. تحقیقات نشان داده است که میزان ارتباط والدین با جنین در طول دوره بارداری برای پتی احساسات عمدی در قبال کودک سومند است (والنتین ۱۹۸۲ ، Valentine). با توجه به این باتجهای تحقیقاتی، به نظر میرسد که برای مشاغل مددکاری اهمیت دارد که والدین را در ارتباط با سرچشمههای فشار روانی برای همدند به طوری که عشق بارداری به عنوان دوره آمادگی به انجام برسد.

آموزش در باره زایمان

انتقارات مربوط به نقش والدین در تولد کودک ظاهرأ طی چرخه کاملی در قرن گذشته جریان داشته است. پیش از این که دارو درماینهای جدید مسر باشد،شود، خواه یاخواه، فرد بزرگسالی که در ارتباط با زایمان نقش کلیدی داشت، مادر بود که احتما پزشک، پرستار یا مدعا از مرافقت میکرد. این وضع زمانی تغییر کرد که میونس عمومی به طور گسترده مورد استفاده پیدا کرد و برای مادر نقش متغیلاتیتری پدید آمد. او آرام بود و پزشک و دیگر کارکنان بیمارستان اقزاد بزرگسالی بودند که در زایمان توزاد نقش اصلی را بر عهده داشتند.

بسیاری از والدین ازان که مجبور بودند در طول مدت تولد کودک نقش متغیلاتی داشته باشند ناراضی بوده و همین والدین از سوی کارکنان مربوط به مراقبتهای بهداشتی در ایجاد حرکات لازم برای تولد کودک مورد مساعدت قرار گرفته‌اند. چنین روش وجود دارد که در ورش برچسبتهر آن عبارتند از : روشهای لامازو (لایوبه Lamaze andLebeyr methds در روش لاماز (کارمل ۱۹۵۸ ، Karmel) از اصول شرطی سازی در جهت آموزش مادر برای کنترل درد و تاراجی خود ازطریق تقصی با الگوهای معین استفاده میشود. یاد منتظر فرزند یا همراهی دیگر نقش مهمی را به عنوان امری Cach و حامی اجرا میکنند. هم‌سازد برادر و هم برسی تکنیکهای تقصی را در طول ماههای پایانی بارداری تمرین میکنند. در مدت تولد کودک، این تکنیکهای تقصی به زن امکان میدهد تا دردش را کنترل کند.

بیطرفداران روش لاماز با این امر مخالف نیستند که زن در طول زایمان احتما تقاضای تجویز دارو داشته باشد ولی میزان مصرف داروی زانی که از روش لاماز استفاده میکند نسبت به کسانی که از این روش استفاده نمیکنند کمتر است. سایر روشهای خاص تولد کودک بر مبنای روش لاماز روش استوار است. اغلب این روشها در تقویت اضافه به نفس والدین منتظر ایجاد حس بیشتنداری در آنان موثر است.

روش لایوبه (۱۹۷۵) بیشتر بر شرایط تولد تأکید دارد تا بر آمادگی والدین منتظر فرزند. لایوبه طرفدار زایمان کودکان در شرایطی است که انتقال روشانی کمی داشته باشد و بلااحتمال تولد در آب ولرم و ملایم قرار داده و سپس بر روی شکم مادر نهاده شود. هدف او تسهیل انتقال کودک از زهدان به جهان خارج و احتما پیشگیری از شوک ناشی از تولد و کسکه به مزود برای سازش با زندگی خارج اززهدان است. برخی پزشکان استدلال میکنند که روش لایوبه تشخیص درد را مشکل میسازد و خطر ابتلا به عفونت را بیشتر میکند.

بسیاری از والدین می‌کشند علاوه بر شرایط تولد، در باره مکان آن نیز تصمیماتی اتخاذ کنند. بعضیها تولد در خانه را ترجیح میدهند و طبعی بودن محیط و امکان افزایش کنترل بر رویدادها را به مزله امتیازاتی بر می‌شمارند. لکن، جامعه پزشکی در پاسخ منفی که به نظر طرفداران تولد در خانه میدهد. تقریباً اتفاق نظر دارد. مهمترین زیان تولد در خانه این است که برای مادر و فرزند خطر به همراه دارد وگاهی هیچ کس پیشاپیش نمیداند که چه وقت مادر یا کودک که هر دو ناگهان در خطر خواهند بود یا نیاز به کمکهای حیاتی از نوعی که بیمارستان عرضه میکند، خواهد بود.

بسیاری از بیمارستانها اینک با اندکی تغییرات انتهای تولد خانگی، را ارائه میدهند که در جوی ملایم و آراش بخش مرتب شده است و در عین حال پیشرفتهترین تکنولوژی پزشکی نیز در دسترس است. در انتهای زایمان بیمارستان گاهی تمام اعضای خانواده حضور دارند تا در استقبال از کودک توریسده همکاری داشته باشند.

خلاصه

- تصمیم به داشتن فرزند بعد از این که تفکر کافی در باره تنظیم وقت و مسؤلیتهای مربوط صورت گرفت باید اتخاذ شود.
- عضی بارداریها خطرانی پیش از حد معمول به همراه دارد واین خطرات باید به عنوان بخشی از تصمیمگیری برای داشتن فرزند مورد ارزیابی قرار گیرد.
- رشد فرد با اطلاعاتی ژنتیکی تعیین میشود که پدر و مادر در زمان بارور سازی به فرد انتقال میدهند.
- دوقلوهای یک تخمکی از یک زیگوت پدید میآیند و دارای یک مورث ژنتیکی هستند.دوقلوهای دو تخمکی ویژگیهایی ارثی پیش از آنچه سایر برادر وخواهرها دارند، در اختیار دارند.
- جنس را اسپرمی تعیین میکند که بارور سازنده تخمک است.
- سبع لوی مجموع مورث ژنتیکی فرد است.سبع پادداری توصیف صفات واقعی فرد است.
- کروموزمهای مادر زادی نتیجه عوامل ژنتیکی ، عوامل محیطی، عوامل، و نامزگذاری خوبی مادر و جنین است.
- مشاوره ژنتیکی به والدین منتظر فرزند کمک میکند تا خطرات ناشی ازتولد کودکانی با انواع معینی از مسائل ژنتیکی را مورد ارزیابی قرار دهند.
- بارور سازی شامل آمیزش کروموزومهای مادر و پدر به هنگامی است که تخمک و اسپرم به هم میرسند. ۱۰-رشد پیش از تولد به سه مرحله تقسیم میشود: لانهگیزی، رویایی، و جنینی.
- مراقبتهای مناسب پیش از تولد شامل نظارت پزشکی منظم و نظایه خوب است.
- والدین منتظر فرزند با خلق فشاری در ذهن برای ابقای ششهای جدید آماده میشوند.
- والدین در باره میزان شرکت فعالانه خود در تولد فرزند و نیز شرایط تولد او تصمیم میگیرند.

استعلامات کلیدی

زنها کرومیزمهای مادرزادی نقاح خارجیکروموزومها عوامل کرومیش نقاح باخیدید.ان. نشانگان جنین الکنی دورههای سه ماههیک تخمکی عمل ارعاش رویان (دو تخمکی مشاوره ژنتیکی جنینسی آمیوسستر لانهگزیسبح ارثی سو گرونی اولنیکرکات قابل تشخیص بیندیدی باوروسازی پیشرسجد ژنی زیگوت بازبزن نهفته خنشا(دو جنین شناسی) روش لاماز سسط جنین روش لایوبه برای مطالعه بیشتر Prenatal DevelopmentContact the kcal chapter f the March f Dimes fr Dimes fr pamphlets n prenatal development, genetic counseling, and ways t prevent birth defectsGrander, E.J. (۱۹۸۳) Human bereditry. New Yrk: Jhn Wiley Sns Mre, K.L. (۱۹۸۳). Befre we are brn. Basic embrylogy and birth defects (۲nd ed). Philadelphia: W.b saunders.Nilsson, L. Ingelman Sundberg, A., Wirsen. C. (۱۹۸۱). A child is brn. New Yrk: Dell.Seymour Lawrence.Preparatin fr Childbirth and ParenthdGalinsky, E. (۱۹۸۱). Between generatins: The six stages f parenthd. New Yrk: Times BksMacfarlane, A. (۱۹۷۷). The Psychlgy f childbirth. Cambridge, MA: Harvard University Press

۲

تولد و خانواده گسترده

ت ولد به نوع انسان استعمار می‌خشند و احساس امیدواری و انتظار را در ما بنیاد میکند. این فصل به وقایع پیرامون تولد و به سزگذاری والدین در بعد از تولد میپردازد. نیمه اول این فصل سه مرحله زایمان، تجربیات دو خانواده در مورد تولد فرزند و شیوههای ارزیابی وفای نوزادان را توصیف میکند. نیمه دوم این فصل نیز به فرایندهای جذب نوزادان به خانواده ارتباط دارد.

تولد

تولد کودک اوج ماههای رشد است که طی آن یک سلول واحد به نسائی پیچیده تبدیل میشود. پژوهشگران هنوز دقیقاً نمی‌دانند که یک علات هورمونی چگونه موجب انقباضهای زهدان و آغاز فرایند تولد میگردد ولی با این علاحت، جنین به جهان خارج از زهدان گام مینهد.

مراحل زایمان (labr)

فرایند تولد را درمیان زایمان غالباً به سه مرحله تقسیم می‌شود: (۱)باز شدن گردن زهدان(۲) ، cervix)به دنیا آمدن نوزاد(۳)خارج شدن جنش. توصیفی از این مراحل زایمان را در زیر میخوانیم. مرحله یک در نخستین مرحله زایمان انقباضهای زهدان، گردن با دهانه زهدان را به قطر حدود ده سانتی متر بناز میکند. طی این مرحله، با گشایی پیش از آن شفاها دچار پارگی میشوند و مایع آمیوستر از آنها خارج میشود. نخستین مرحله زایمان طولانیتر از سایر مراحل است واز چهارده تا شانزده ساعت در تولد نخستین فرزند طول میکشد.

مرحله دو در طول مرحله دوم زایمان، جنین از بدن مادر خارج میشود. انقباضات زهدان به طور متواتر افزایش مییابد و جنین را در میان معرای گردن زهدان و مهبل تحت فشار میگذارد. همان گویه که نوزاد از بدن مادر خارج میشود محافظ بینی ودهانش با عمل میگذین دفع میشود.

بعضی تغییرات در دستگاه گردش خون زمانی آغاز میشوند. که نوزادان برای اولین بار هوا را به درون ششهایشان فر میبرند. رگها و ساختارهایی که در طول رشد پیش از تولد از طریق بند ناف اکسیژن دریافت میکنند، دیگر به وجودشان نیازی نیست و در روزها و هفتههای بعد از تولد تغییر شکل میدهند. به مرور، الگوی گردش خون جنین نیز به صورت الگوی گردش خون بزرگسالان در میآید.

بعد از زایمان، ماما بند ناف نوزاد را محکم نگاه میدارد و آن را قطع میکند. پرستاران در داخل جشنان نوزاد فخره میکنند که تا از عفونت آن جلوگیری کنند، دستنهای ششامی به دستش میبندند تا با مشخصات مادرش تطبیق یابد و وزن و قد او را اندازه میگیرند. به طور کلی مرحله دوم زایمان در تولد اولین فرزند چندین ساعت طول میکشد. وضعیت جنین میواند بیشتررفت زایمان را در طول مرحله دوم دستخوش تغییر کند. بهسور در هنگام زایمان، ابتدا سر جنین نمایان میشود لکن، بعضی اوقات، بر اثر این واقعت که جنین در وضعیت دیگری قرار میگیرد، زایمان پیچیده میشود. پزشکان بپی بردهاند که بعضی از جنینها را به وسیله دست میوان چرخانیدند، برخی در وضعیتهای غیر متعارف به کمک ابزار و برخی نیز با جراحی از زهدان خارج میشوند.

^[1] تولد کودک اوج ماههای رشد است که طی آن یک سلول واحد به نسائی پیچیده تبدیل میشود

^[2] پژوهشگران هنوز دقیقاً نمی‌دانند که یک علات هورمونی چگونه موجب انقباضهای زهدان و آغاز فرایند تولد میگردد ولی با این علاحت، جنین به جهان خارج از زهدان گام مینهد

یک کودک در حال بازی با اسباب‌بازی. اسباب‌بازیها به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی، فیزیکی، ذهنی و عاطفی خود را تقویت کنند.

اسباب‌بازیها به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی، فیزیکی، ذهنی و عاطفی خود را تقویت کنند.

مرحله سه مرحله سوم زایمان عبارت است از زمان به دنیا آمدن نوزاد تا خارج شدن جفت. اقیاضها بعد از تولد نوزاد ادامه مییابد و معمولا جفت در عرض نیم ساعت نیم مرحله دوم زایمان خودبخود خارج میشود.
با وجود این که هیچ نوع ترسیمی از تولد کودک نتواند توجه کند، گوناگونیهای واقعی که موجودند نیستند، ملاحظه در الگوی عمومی مفید است. در الگوی اول، میوا و پیل فرزند خود را از راه طبیعی بدون استفاده زیاد از دارو درماتی به دنیا آورند. در الگوی دوم، ماری و خوزه فرزندشان را در بخش اورژانس مربوط به سزارین به دنیا آوردند.

زایمان طبیعی

بعد از این که قطعی شد که میوا در حال زایمان است، میوا و پیل فوراً به بیمارستان مراجعه کردند. موافق در این بیمارستان بستری نشده بود و وقت آمدنوا همهمه داخل بیمارستان موجب شد که مبل به برکنش و خارج شدن از بیمارستان دو ای پیدا شود. اقیاض بعدی موجب شد که میوا بازوی بی بی محکم بگیرد و پیل نیز با زخمی راسخ میوا را ازبمان سالتها به جلو حرکت دهد. در بخش زایشگاه مدتی طول کشید تا پیل منظور خود را به پرستار بپست میز که تنها به انگلیسی صحبت میکرد فهمد. پرستار، پزشک کشیک میوا را معاینه کرد و متوجه شد که گردن زهدان بتدریج در حال منبسط شدن است. دکتر توضیح داد که میوا و پیل در صورتی که دوره اول مرحله نخست درد زایمان را در خانه خود بپیری کنند، پریشان راحتر خواهند بود. او به آنها توصیه کرد هنگامی که اقیاضها به فاصله هر پنج دقیقه اتفاق افتاد، به بیمارستان باز گردند. لکن، پیل صلاح را در ماندن در بیمارستان میدید و از نظر او بهترین امکانات در بیمارستان موجود بود.

همان‌گونه که میوا بازوی پیل را گرفته بود، وضعیت زیر پدبند آمدن: ششها پاره شده توده مسدود کننده مخاطی که جنین را از عبورن محافظت میکند، جدا گشت. دکتر با پذیرش میوا در بیمارستان موافقت کرد وبعد از انجام کارهای اداری، پیل به همسرش در اتاق زایمان پیوست.

پیل میخواست که میوا را از ناراحتی و نگرانی نجات دهد، بنابراین هنگامی که خانم گیلی روی **Gily**، پرستار بخش، وارد شد، تقاضا کرد برای همسرش دارو تجویز شود. خانم گیلی روی توضیح داد که بهتر است میوا تا آنجا که ممکن است از دارو استفاده نکند. دارو از جفت عبور میکند، وارد گردش خون نوزاد میشود و دستنگاه عصبی او را تضعیف میکند. پزشکسرگران دریافته‌اند که اثرات تجویز مقدار قابل توجهی دارو در طول زایمان، در آزمونهای رفتار حل مسأله کودکان، تا هفت ماه بعد از تولد ظاهر میشود (بایگk، ۱۹۸۱). شبلی برای کمک به همسر و نگرانی از سلامت فرزند، پیل را بر سر دوراهی قرار داده بود. وقتی توضیحات خانم گیلی روی را برای میوا ترجمه کرد، میوا شامراً توسط آنست اندکی کنترل خود را حفظ کند و از پیل خواست تا ببیند که آنها چه باید انجام دهند.

خانم گیلی روی دستوراتی را در مورد کمک پیل به همسرش، میوا داد. دراین مورد که میوا ازتنفس استفاده کند، به چیزی در اتاق زایمان در طول اقیاضها ترمکز داشته باشد. پیل در آغاز تصور کرده بود که باید کنترل زایمان را به افراد این حرفه در بیمارستان بسپارد، ولی ایننگ نقض حمایت ازمیوا را خود به عهده گرفته بود. خانم گیلی روی مرتباً به او سر میزد و پزشکته نیز از او دیدمان میکرد. خانم گیلی روی متوجه شد که پیل و میوا پیشنهادات او را مشتاقانه میپذیرند و آرزو داشت که آنان در کلاسهای آموزش تولد کودک که در بیمارستان برگزار میشود، شرکت کرده بودند.

زایمان میوا در تمام طول شب ادامه داشت. او متوجه شد که درعمایش با گذشتن زمان شدیدتر نمیشود، هرچند که غالباً از سرگرفته میشد. در یکی از بازدیدهای پزشکنه، میوا وحشت زده فریاد کشید که جنین دیگر تکان نمخورد. دکتر از طریق پیل به او اطمینان داد که تقلیل چندسنگرم حرکات جنین در طول زایمان چیزی طبیعی است. منابع آمونوتیک محافظ بیرون میزود و اقیاض زهدان، جنین را جلاجا میکند.

بمقتارن مسیح دروهای زایمان میوا نزدیک به هم اتفاق افتاد و دهانه رحم او کام باز شده بود. جانشین خانم گیلی روی، خانم گارسا، میوا را برای اتاق زایمان آماده کرد. در آنجا متخصص بیهوشی به پیل در مورد انخاب تجویز دارو توضیحاتی داد و اظهار داشت که در این زمان دارو نباید پیش از زایمان در شرف وقوع به جنین برسد. آنان تصمیم به استفاده از دروهای بیضی کشنده موضعی گرفتند، که هنگامی که دکتر ریئالدز و پیل دستهایشان را قبل از زایمان میبازند و آرزو داشت که آنان در کلاسهای آموزش نفس زدن را به میوا یاد دهند و از او خواسته‌شده هنگامی که برای نخستین بار احساس کرد که جنین با فشار در حال خارج شدن است آن را انجام دهد. دکتر در مایندواره شکاف کوچکی ایجاد کرد که به آن اپیزیتومی مینامند، و سپس از پیل خواست که به میوا بگیرد که به نفس نفس زدن و فشار آوردن ادامه دهد.

میوا دستهای پیل را با قدرت تمام محکم گرفته بود و با اقیاضها که پدید آمد سر نوزاد نشانای نداد. دکتر ریئالدز مخاط را از بینی و دهان نوزاد پاک کرد و با اقیاضهای دیگر بند نوزاد پدیدار گشت. با اقیاض دیگری نیز، دکتر ریئالدز کمک کرد و دختر نو رسیده آنان را با احتیاط به دنیا آورد. میوا و پیل در حالی که ششها این صحنه پیوند کرده دخترشان را با صدای بلند شنیدند و دکتر ریئالدز بند ناف را برید پس از چند اقیاض دیگر، جفت نیز بیرون آمد.

دکتر ریئالدز دختر نو رسیده را به میوا داد و او با گرمی کودکش را در آغوش گرفت. جنین میموده که نوزاد مستقیماً میوا و پیل را نگاه میکند و نظرات ایشان نوزادی زیبا به دنیا آمده بود.

زایمان سزارین

ماری و خوزه کلاسهای آماده سازی والدین برای تولد فرزند، به شیوه لایزال را در طول ماههای آخر بارداری گذرانیده بودند. واژ این دو با ارادهای قوی برای تولد فرزندشان بدون استفاده از دروهای غیر ضروری آماده میشدند. آنان پزشک متخصص زایمانی را پیدا کرده بودند که بعضی از نظرات دکتر فردینکه لوبویه (۱۹۷۵) را در باره تولد آرام کودک در اتاق زایمان تالیکه روش به کار میبرد.

ماری و خوزه اولیه امرایلی زایمان را در خانه به آسانی کنترل کردند و تنها زمانی که اقیاضهای ماری منظم شدند و نزدیک به هم اتفاق میافتادند به بیمارستان مراجعه کردند. لکن زمانی که دستنگاه کنترل به طور عادی معلوم جنین را نشان میداد، پرستار ناگهان متوجه شد که جنین در فشار و تنگنا قرار گرفته است. بنابراین پزشک را با خبر ساخت. دکتر آدام بلافاصله به کنترل وضعیت جنین به کمک الکتروهدای که از طریق گردن رحم به سر جن متصل شده بود پرداخت. دکتر آدام مکرراً به اتاق او سر میزد و الگویی معلوم حیاتی در طول هیک از اقیاضهای ماری را زیر نظر داشت. ماری و خوزه با وجوداین که آموزش دیده و دارای زخمی راسخ بودند، برای ادامه الگوی نفسی خود، به دلیل آشنگنی اطراف خود و ترس از وضعیت کرده‌کشان مشکلات داشتند.

دکتر آدام در مورد انتخاب یکی از دو راه با آنان سخن گفت: یک سزارین قوی یا روش انتظار نشدنWait and see approach. ماری و خوزه آگاه بودند که بعضی از زایمانها به روش سزارین غیر ضروری تشخیص داده شده است که این نگرش نتیجه تغییر بسیار محتاطانه پس خورماندی مربوط به کنترل جنین است. بنابراین ترجیح دادند پیش از آن که از جراحی در زایمان استفاده کنند، تا به دست آمدن اطلاعات بیشتر منتظر بمانند.

دوین حال که درد زایمان شدیدتر میشد، دکتر آدام روش سزارین را توصیه کرد چرا که برای جنین اخبار خطر میکرد. والدین جرات روضایت خود را اعلام کردند و ماری برای سزارین آماده شد و در همین حال خوزه و دکتر آدام دستهایشان را قبل از جراحی کام شستندو دادند. به ماری داری بیحسی نخاعی تجویز شد. برای این که بتواند ششها تولد فرزندش باشد، متخصص بیهوشی کنار سرش ایستاد و در طرف دیگر، خوزه دستش را گرفت. طولی نکشید که پسرشان از طریق شکاف ایجاد شده در ناحیه شکم به دنیا آمد. ماری و خوزه انتظار داشتند که پسرشان را درست بعد از تولد، در اختیار بگیرند ولی پریشانی کودک در دوره نوزادی نیز ادامه یافت. بند ناف او چنان در اطرافش پیچیده شده بود که در اثر هر یک از اقیاضهای زهدان تمام تنه اکسیژن برای نوزاد کاهش یافته بود. نوزاد به طور مستقل نفس نمیکشید و فوراً تمی از متخصصان اطفال وارد اتاق شدند تا به وضع نوزاد رسیدگی کنند. ماری و خوزه بعد از آن همه انتظار احساس پرچی، تنهایی و ناامیدی میکردند.

وودو علاقه‌مندان مری روش لایزال موجب شد که ماری و خوزه دوباره احساسات خود را مهار کنند. سارا به آنان یادآوری کرد که باید آدامگی بپذیرش این واقعت را پیدا کنند و اطمینان داد که آنچه از دستشان برآمده است انجام داده‌اند.

ارزیابی نوزادان

کارکنان انقهای زایمان در سراسر جهان مدنهاست که به شنیدن اظهار نگرانی والدین جدیدی نظیر ماری و خوزه در باره طبیعی بودن و سلامت نوزادشان مادت کرده‌اند. مشاورین شیشه گزارش وضعیت نوزاد به والدین توضیح دادن نمره آپگار **Apgar score** است. شیوه موم که مبتکل آپگار است عبارت است از نشان دادن تواناییهای رفتاری نوزاد در روزهای بعد از تولد به والدین که در آن از معیار برازولتن برای ارزیابی رفتار نوزاد **Brazelton Neonatal Behavioral Assessment Scale** استفاده میشود. نمره آپگار و مقیاس برازولتن را در زیر شرح خواهیم داد. نمره آپگار در ماههای گذشته، بعضی از نوزادانی که وضعیت مطلوبه آمیزی داشتند تلف شدند چرا که در اتاق زایمان کسی به وضعیت این کودکان دست در بعد از زایمان توجه نداشت. اینکه در نتیجه زحامت دکتر ورجینا آپگار، نمره آپگار سریع و آسان یا مشاهده دقیق کودک در بکته، پنج و گاهی پانزده دقیقه بعد از زایمان محاسبه میشود. پنج جنبه توانایی نوزاد برای ایفای نقش را میتوان سریع و در عین حال به طور موری درجهبندی کرد و به هر نشانی صفر، یک یا دو امتیاز داد. پنج جنبه ایفای نقش را میتوان به آسانی به خاطر سپرد چرا که نخستین حروف کلمه آپگار (**APGAR**) را تشکیل میدهند. تالم (**A**) رنگ پوست، تنفس (**P**) (ضربان قلب)، حالت چهره (**G**) (واکنش در برابر درد اندک)، (**A**) (باصطنعوی حرکتی و نواخت)، تنفس (**R**) کارآیی نفس کشیدن)، رهنمودهای نرم‌نگذاری برای شیوه آپگار که عموماً قابل قبول است به شرح زیر است: نمره هفت یا بیش از هفت نشان میدهد که خطر قوی وجود ندارد. نمره زیر هفت دلالت بر این دارد که به کمک تخصصی نیاز هست و نمره زیر چهار حاکی از مویجبتی است که تهدید کننده زندگی کودک است. نیاز به اقدام اورژسی است. در صورتی که نمرات آپگار را در نظر بگیریم، میتوان آنها را در مورد دختر میوا و پیل و پسر ماری و خوزه به کار برد. نمرات آپگار در مورد دختر میوا و پیل عبارت بودند از: ۸ و ۹ و ۱۰ در بکته، پنج، و پانزده دقیقه بعد از زایمان. تغییر ۹ به ۱۰ بهتر نشان دهنده دختر را نشان میداد ولی هیچگونه مشکلی در هیچ نقطهای آشکار نبود. برعکاف آن، پسر ماری و خوزه نمرات ۸ و ۹ داشت. نخستین نمره او وضعیت مشکوک او را منعکس میساخت ولی او در برابر گوشه‌های اضطرابی به خوبی پاسخ میداد و هنگام محاسبه نمره دقیقه پنج از خطر رسته بود.

نمرات آپگار که در اغلب بیمارستانها به کار می‌رود، نشان میدهد که چگونه کودک بافشار ناشی از زایمان و نیاز به نفس کشیدن مستقل هماهنگ میشود. استفاده از شیوه نمره آپگار این هدف مهم را میآورد که توجه کارکنان رسمی اتاق زایمان را بلافاصله بعد از تولد کودک نسبت به سلامتی اومعروف میسازد. بسیاری از کودکان به دلیل علائم خطری که نمرات آپگار پایین آنان نشان میدهد از حیاتیهای برای نجات زندگیشان برخوردار شده اند.

مقیاس برازولتن در موردزایمانی رفتار نوزادان بمقیاس ارزیابی رفتار نوزادان که معموا به نام گذرش دهنده نخستین آن تی، بری برازولتن **Brazelton** نامیده میشود، در باره یک رشته تواناییهای رفتاری که نوزاد در ناملتهای اولیه خود ظاهر میسازد اطلاعاتی میدهد. برازولتن ۱۶ بنیادیه و ۲۶ مورد رفتار را ارزیابی میکند که مجموعاً ششاهفتمی را میان موقعیتهای گوناگونی که نوزادان در روزها و هفتههای نخستین زندگی با آن مواجه هستند، پدید میآورند. اجزای شیوه برازولتن نسبت به اجزای شیوه آپگار به آموزش بیشتری نیاز دارد چرا که در ارزیابی کودکان معاینه کنندگان تلاش میکنند تا عملکرد هر کودک را نه در محده متوسط که در بالاترین حد آن کشف کنند. برای این منظور باید نسبت به علائم کودک حساس باشند و در برابر ترسیتی که در آن رفتارهای کودک ظاهر میشود، انعطاف نشان دهند.

مقیاس برازولتن که در طی یک دوره شیوه ساله گذرش یافته است، اولین ارزیابی رفتاری مهمی است که برای نوزادان طراحی شده است. بیست و شش مورد رفتار که در شکل ۱-۴ آمده است، این را که آیا کودک با نشان رفتار مساعدا و لمس کرهنا واکنش کنترتی نشان میدهد. نهمزهارهای حرکتی کودک چنددر رنده کردهاند. زمانت و رنگ و سطح فعالیت چگونه تغییر میکند؟ کودک به چه نحو خود را آرام میسازد و کودک در برابر نوازش کردن و سایر ناملتهای اجتماعی چه پاسخی میدهد. ارزیابی میکند.

ارزیابی پاسه‌های کودک با مقیاس برازولتن دو هدف سومند: تا آیین میکند. نخست، وقتی که ارزیابی در حضور والدین انجام میشود والدین احساس میکنند که کودکان صلاحیت و قابلیت تعامل را دارد. در یک مقاله مجری (مهزبر، ۱۹۸۲)،

^[1] در این مقاله، ما به بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توانیم از این روش‌ها برای ارزیابی و بهبود نتایج استفاده کنیم

ایجاب میکند.

به منظور درک تأثیر تحقیقی که کلاوس و کل در مورد فرآبرای پیوند ارائه داده‌اند، رویه‌های معمول بیمارستان در بعد ازتولد کودک در اوایل دهه ۱۹۷۰ یادشاخته شود. به دلیل این که اسپهال و عفونت‌های تنفسی مهبگیر از لحاظ تاریخی برای نوزادان مشکلاتی به بار می‌آورد است، بیمارستان‌ها شیوه گروه‌بندی کودکان به موقع متولد شده را جهت مراقبت در یک مهد کودک مرکزی توسعه دادند. والدین و دیگران غالباً به عنوان افرادی تلقی می‌شدند که ممکن است میکروب‌های را به داخل مهد کودک وارد سازند و سلامتی کودکان را به خطر بیندازند. بنابراین، در چارچوب این بافت ، در اغلب بیمارستان‌ها در اوایل دهه ۱۹۷۰ نوزادان را خیلی زود بعد از تولد به مهد کودک می‌بردند و تنها پس از معاینه و آزمایش شتابوب به والدینشان باز گرفته می‌شدند. مطمئناً، در مورد این رویه‌ها اطلاعات نیز وجود داشته بود. پرستار و در میان والدینی که طرق گوناگون آمادگی برای تولد فرزند را تجربه کرده بودند و می‌خواستند که با کودکانشان در طول اقامت در بیمارستان هم افاق باشد،"min" لقبی رویه غالب این بود که نوزاد بلافاصله بعد از تولد از والدین جدا نگه‌داشته شود.

یونسه های کلاوس وکیل براساس یکک رشت مطالعات مبتنی بودمست در یکم مطالعه کلیدی (کلاوس، جرالدJerauld Kregger ، مک آلیاینMcAlpine، استفانSteffan ، و کل، ۱۹۷۲) به یک دسته از مادران امکان تماس اولیه و گسترده با کودکانشان داده شد. دسته دیگری از آنان به رویه‌های معمول آن زمان بیمارستان عمل کردند (نگاه کردن کوتاه به کودک در هنگام تولد و هر چهار ساعت به مدت پست تا سی دقیقه تماس با کودک برای شیر دادن به او). وقتی کودکان یکساله شدند، مادرانی که تماس اولیه و گسترده‌های با آنان داشتندخود را نزدیکتر به آنان احساس می‌کردند. غالباً چشم از آنها بر نهیامشاند و کودکانشان را با ملائمت بیشتری نوازش می‌کردند.وقتی کودکان یکساله شدند، این تفاوتها آشکارتر شد. و وقتی که کودکان دو ساله شدند، مادران متعلق به دسته‌های تماس اولیه‌الگوری بیان کلام متفاوتی داشتند و جملات امری و اکثراً، جملات پرسشی را تا دو برابر و صفات را بیشتر به کار می‌بردند.

زیگل (۱۹۷۳). در یک بررسی انتقادی از چیزی که وی آن را مطالعات دقیقاً کنترل شده در مورد فرآبرای پیوند میان پدر یا مادر با کودک توصیف می‌کرد، نتیجه گرفت که تماس اولیه میان والدین و کودکانشان، حتی اگر با گستره آشنایی کامل نشود(اثارت مطوری بر احساسات والدین نسبت به کودکان در روزهای بعد از تولد دارد. این یافته‌ها حتی در میان گروه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گوناگون نیز همسان هستند. زیگل همچنین نتیجه گرفت که اثرات مهم و مثبت در میان مدت آزاین تماس اولیه ناشی می‌شوند؛ تغذیه طولانی‌تری از پستان ،نوازش رضاهای مادر، نظیر چشم زباشان از کودک، لیخند زدن، بوسیدن، صدا در آوردن نود تغییر در رفتارهای کودک نظیر حساسیت نشان دادن و هوشیاری، طبق نظر زیگل، یافته‌های پژوهشی در زمینه اثرات بلند مدت تماس اولیه به دلیل دخالت سایر متغیرها جامع نیست.

پژوهش کلاوس، کل، و دیگران از سوی بسیاری از والدین و کارکنان پزشکی با نظر مثبت نگریسته شدو منجر به تشکیل گروه کار task force گردید که توانست توصیه‌هایی را در ۱۹۷۸ طرح سازد واین توصیه‌ها نیز به تصویب انجمن تخصصی‌های امریکاAmerican hospital associatin رسید. این توصیه‌ها بروزه تغذیه کودکان و کنترل آنان از توسط والدین بلافاصله بعد از زایمان تشریح می‌کرد. این توصیه‌ها به فرایند تدوین اصلاحات بیمارستانی در زمینه شیوه‌های مادری منجر شد. اینکه در بسیاری از بیمارستان‌های برای والدین امکان درخواست برای به سر بردن اوقات بعد ازتولد در کنار نوزادانشان وجود دارد. از مشاهده والدین کودکان در نخستین دیدار معلوم می‌شود که والدین در تعامل و آشنایی با کودکانشان از سه شیوه اولیه استفاده می‌کنند: (۱)تماس با نوزک گشایش دست و سپس با یک دست، (۲)تماس رو در رو، و (۳) گفتگو با صدایی دارای زیر و بم بیش ازحد معمول (کلاوس و کل، ۱۹۷۲).

ولی در مورد والدینی مانند ماری و خزوه که نمی‌توانند بلافاصله بعد از تولد با کودکانشان به تعامل بپردازند، چه می‌توان گفت؟ اگر والدین در زمان مناسب، برای فرآبرای پیوند حضور نداشته باشند، آیا برای همیشه فرصت را از دست خواهند داد؟ پاسخ به این پرسشها آشکارا منفی است(کلاوس ، کل ، و دیگران صریحاً می‌گویند که انسانها همانند بعضی از حیوانات انعطاف پذیرتر و پیچیده‌تر از آنند که از زمان بدنی که هورمون‌ها در زمینه پیوستگی محکم تعیین کرده‌اند، تحت‌تاثیر بعد از تولد غافل‌ شروع خوبی برای تماس پدر یا مادر یا کودک است، ولی عواملی نظیر تولد نوزاد به شیوه سزارین و زودرسی کودکان دچار استرس ، کارآیی این برنامه زمانی خاص را از این مورد، باید به همه والدین بروز. آنان که نمی‌توانند بلافاصله بعد از تولد تعامل داشته باشند، گرایش به کاربسی یک کودک یا بیوسگلی کودک ساده اتصالی دهنده نیستند، بلکه نتیجه فرایند پیوی تعاملی است که در طول بارداری شروع می‌شود و در روزهای بعد از تولد ادامه می‌یابد. والدین لازم است بدانند که بحریات قلبی نظیر بلرزش بارداری و در نظر گرفتن جنین به عنوان یک فرد مستقل، و تماس با کودک در مجموع پیوستگی را معین می‌کند.

پیوستگی با کودکانی که خطرات فراوانی تهدیدشان میکند

خانواده‌هایی که کودکانشان پیشتر هستند، می‌دانند، یا عقب مانده‌گی ذهنی دارند، در تشکیل پیوند با کودکانشان به کمک خاص نیاز دارند. در دهه‌های گذشته آشکار شده است که مشکلات موجود در روابط خانوادگی غالباً زمانی بسیار می‌آید که کودکان هنگام تولد با مخاطراتی مواجه شوند. تکنولوژی در عصر فضا تا آجا پیشرفت کرده که زندگی کودکان پیشتر یا بسیار با متوان در مهد کودک‌هایی که حرفه‌های شدید در آنها اصال می‌شود نجات داد لولی اگر به خانواده‌های این قبل کودکان کمک‌های مناسب انجام نگردد، بعضی از آنان در منتها، ماهها، یا حتی سالها بعد به عنوان کودکانی که مورد خشنود و سوء رفتار مستمر قرار داشته‌اند، به بیمارستان باز گرفته می‌شوند (کلاوس، ژود، و تراوس، ۱۹۷۲). مشکل تشکیل روابط خانوادگی در زمانی که کودکان را خطری تهدید میکند مشکل بنا امیثتی است. کودکانی که مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند در مقایسه با کل جمعیت کودکان(احتیاطی پیشتر بودنشان دورا بر است. (هلفر، ۱۹۷۲.

از لحاظ سنتی، کودکانی که خطری تهدیدشان می‌کود است مفر قابل تماس، بوده‌اند چرا که برای مراقبت‌های شدید به مهد کودک انتقال داده شده و به دستگه‌های حفاظت از حیات آن‌ها سرده می‌شدند. والدین و سایر اعضای خانواده خود را مجبور فرمیها احساس می‌کردند. ولی با مطالعه خانواده‌های کودکان مورد تهدید، تحقیقات نشان داده‌اند که تماس اولیه والدین با کودکی که تحت مراقبت شدید در مهد کودک به سر میرد، اثرات مثبتی بر رفتار والدین دارد که به نوبه خود نتایج مطوری برای رشد معنی کودک به بار می‌آورد. در یک مطالعه (کل و تراوس، ۱۹۷۱)، مادران یک گروه گروه تشریح شدند تا با کودکان پیشتر خود در نخستین هفته تماس بگیرند. ولی مداران دیگر تنها بعد از گذشت ۲۱ روزتوانسته با کودکانشان تماس بگیرند. وقتی این کودکان در ۴۲ ماهگی آزمایش شدند کودکان متعلق به مادرانی که در تماس اولیه با کودک بودند نمرات درخشانتری در زمینه آزمایش هوش کسب کردند.

تایلو T-3، تراز، پیوستگی

دستی به نام میدارد وپلهم که متخصص اطفال است عمیقاً احساس می‌کند که ادعاهای مبالغه آمیزی که در خصوص پیوستگی مرور می‌گردد، والدینی را که به مطب مراجعه می‌کنند، دچار دو نوع مشکل کرده است. مشکل اول از والدینی دارند که در پاره پیوستگی بی‌تفاوتی کرده‌اند واین فرایند را فرایندی کام زیست شناسی تغییر می‌کنند . یعنی ساده، محدود و قابلی نظر آنچه در نخستین برخورد و بزغله روی می‌دهد. این والدین بیش ازحد نگرانند که اگر غلط تولد کودک به شیوه سزارین یا عامل دیگری در برآبرای پیوند مشکل ساز باشد، رابطه آنها با کودکانشان ممکن است برای همیشه معطل شود. دکتر وپلهم برای آگاهی این والدین به عنوان شاعدر از والدین فرآوانی یاد میکند که شرایط تماس اولیه با کودکانشان برایشان وجود نداشته است. و در عین حال پیوندهای نزدیک و مداومی را برقرار ساخته‌اند.

مشکل دوم از والدینی دارند که تحت فشار روانی هستند. این والدین ممکن است ازسوی کارکنان بیمارستان برای تماس اولیه و گسترده با کودکانشان مورد تشریح قرار گیرند. دکتر وپلهم مخالفتی با این شیوه ندارد ولی آن را تنها یک نختد در کمک به والدین در رشد و تربیت فرزند، کودکانشان می‌شنماید. دکتر وپلهم معتقد است که برخی از متخصصان برای سی تلاشش دقیقه تماس اولیه چنان اثری جاودایی قائلند که انتظار دارند در مدت امان این تماس روابط پدر یا مادر یا کودک را که متأثر از فشار روانی است تقویت کند.

دکتر وپلهم دیدگاه معادلی را در زمینه پیوستگی تأیید میکند. او اظهار می‌دارد که تماس اولیه در صورتی که ممکن باشد، مطلوب است. در عین حال، او معتقد است که پیوستگی در لحظات قبل و بعد از تولد نیز می‌تواند صورت گیرد و مسلماً نیز چنین است. و نیز به نظر او حیایت مستمر برای کمک به برخی والدین ضروری است حتی اگر تماس اولیه ممکن بوده باشد.

پزشکان اطفال و سایر متخصصان بهداشت که از کودکان مورد تهدید مراقبت می‌کنند دریافته‌اند که خانواده‌ها طی پنج مرحله قابل پیش بینی شیوه برآبرای رابطه با کودکان را یاد می‌گیرند (راوتزن، ۱۹۸۲). نخست، به نظر میرسد که اغلب خانواده صرفاً قادرند با آگاهی از تشخیص‌های پزشکی و اصطلاحات مربوط به آن تشخیصاً با کودکان بیمار خود رابطه برقرار کنند. دوم، آنان بتدریج رفتاری متمکسی را مشاهده می‌کنند، ولی تصور می‌کنند که این رفتار توجه شخصی دیگری است که معمولی از افراد اعضای است. سوم،آنان بتدریج نگاه‌هایی با مشاهده می‌کنند که بیشتر صورت رفتاری استیای دارد، ولی هنوز توجه فوری غیر از اعضای خانواده است. برخی پژوهشگران تماس زاینده داوطلبان را با کودکان در این مرحله موفقیتاً نیز گزارش کرده‌اند. داوطلبان می‌توانند روزانه سه یا چهار ساعت با کودکان به سر برند، تا کودکان بتدریج تماس رو در رو، لیخند و ابراز پاسخ به طرق گوناگون را آغاز کنند واین موجب شود که برای خانواده‌هایشان جایزتر شوند (کلاوس، ژود، و تراوس، ۱۹۷۲). چهارم اعضای خانواده سرانجام مشاهده می‌کنند که رفتارهای متمکسی کودکانشان توجه خودشان نیز می‌شود، مشروط براین که تشریح شده باشند که خود را در معرض توجه کودکانشان قرار دهند. پنجم ، خانواده‌ها علاوه بر ارتباط زبانی با کودکانشان، با عمل گرفتن و مراقبت از هر نوع دیگری از لحاظ رفتاری با آنان رابطه برقرار می‌کنند. قبل از این که والدین کودکانشان را از بیمارستان به خانه ببرند، لازم است که آنان کمک شود تا در این پنج مرحله بر اندوه انگار و ترس خود فائق آیند و به صورت والدینی آموده خاطر و دلشود در آیند.

فرایند پیوستگی میان والدین و کودکان معلول باید از حیایت گسترده بیمارستان و سایر کارکنان آن برخوردار بود. به عنوان مثال، توجه چشمگیر رسانه‌ها به داستان یکبکر، که اکنون اوایل دوره جوانی را می‌گذراند و در ۱۹۶۸ با نشانگان دود و به همراه آن نازمانیایی قلبی تولد یافت، مطوف شده است (کنز، ۱۹۷۳). والدن قلیبب بعد از تولد او را به خانه بردند ولی در عرض نوبی تربیت سازمانی را ارایش ترجیح دادند. در ضمن خانواده‌ها به نام هیت که در خلال کار داوطلبانه در سازمان حملت اول از او مراقبت می‌کردند به قلیبب علاقه‌مند شده بودند. والدین قلیبب و خانواده هیت بر سر حق والدین که می‌خواستند به جای واگذاری کودک به خانواده هیت او در یک نهاد نگهداری شود، مدتها درگیر یک دعوی دادگمی بودند. در طول این مرافعه، والدین قلیبب از دادن اجازه و برای جراحی قلب قلیبب که ضروری بود اتمام کردند و به ده‌گانه گمشده که فکر می‌کنند بهتر است قلیبب به آنها با اوفاد دیگری دلنسیگی بیاید بانک. دادگاه سرانجام برصحت خانواده هیت را مورد تأیید قرار داد، و این مورد نشان می‌دهد، که هنگامی که پیوندهای میان پدر یا مادر با کودک معلول برقرار نشده چه اتفاقی روی خواهد داد. رابطه والدین قلیبب با اوصرفاً بر اساس حقوق متعلق مجرد والدین استوار بود (آنان او را به عنوان یکک انسانی که توانند خانواده هیت، فامیلی، و مراقبان گوناگونی را در خلال تربیت خود دوست داشته باشد، ملاحظه نمی‌کردند.

مأسفاً، همه کودکان سلامت و ندرست به دنیا نمی‌آیند. معضلمان مددکاری وظیفه دارند که فرایند پیوستگی والدین را با کودکان معلول یا آنان که خطرات فراوانی تهدیدشان میکند تسهیل سازند. این خانواده‌ها غالباً در حین سیری ساختن پنج مرحله ارتباط با کودکانشان نیاز به حمایت دارند.

نیزهای ویژه برادر و همسیره (siblings)

نوزادان عمیقاً مسیر زندگی والدین خود را تغییر می‌دهند و نیز بر زندگی دیگر اعضای خانواده که احتماً شامل برادران و یا خواهران (به نام همسیره ها ، پندرزگها و برادر و برزگها، و دیگران است)، تأثیر می‌گذارند. این قسمت به همکامله‌های گروه از اعضای خانواده ، برادران و همسیره‌ها ،انحصاس دارد که در دلیل تفریحی که معمور به مادر و کودک در هنگام تولد می‌شود، آن دو گروه مورد فطنت قرار می‌گیرند.

پدران بیشتر تحقیقات در زمینه پیوستگی به بررسی پیوند مادر با کودک انحصاس داده شده است. در این اواخر یعنی در سال ۱۹۶۶، نخستین چاپ کتاب کلاوس وکل با عنوان پیوستگی میان مادر با کودک منتشر شد. لکن عنوان چاپ بعدی، فرآبروی پیوند میان والدین یا کودک (۱۹۸۲) گرایش جدیدی در در زمینه نقش پدران در رشد کودک متمکس می‌سازد. در واقع، اصطلاح

مجدوب شدن engrssment برای توصیف شیفتگی پدران نسبت به نوزادانشان ساخته شده است.

تحقیقات نشان داده است که صمیمیت اولیه پدران با نوزادان در طی زمان تغییرات مثبتی را در الگوهای تعاملی آنان ایجاد میکند و این مشابه همان تغییراتی است که در الگوهای تعاملی مادران با نوزادان در اولین رابطه صمیمی آنها به وجود آمده بود (کلارنس و کتل، ۱۹۸۲).

همان گونه که در فصل ۳ بحث شده است پدر شدن مستلزم سازگاری چندسنگبری است، وقتی مردی برای اولین بار پدر میشود، توجه او به پدایش مسؤولیت بیشتر مالمی و سایر مسؤولیتها در ارتباط با کودک، ایجاد دگرگونی در روابط با همسر - سلامتی مادر و کودک، وجهه های ناشناخته نقش جدید معظوف میگردد. وقتی مردی فرزندان دیگری دارد، همیشه این نگرانی را دارد که فرزند بعدی چگونگی به‌خاتواده همانانگ میشود و چگونه همشیره ها منگامل‌نشان خواهند داد. پدران دارای نوزاد ضمن پذیرش نقشهای جدید در گذرش خانواده احضا لازم است که به نیازهایشان توجه بنود.

مجدوب شدن اصطلاح جدیدی است که برای توصیف شیفتگی پدران نسبت به کودکانشان ساخته شده است.

همشیره‌ها بهتحقیقات نشان میدهد که توجه به روابط همشیره‌ها کام موجه و منطقی است. غالباً کمترین پاسخ شادی بخش نسبت به نوزاد از سوی کودک همشیر اولی میشود. در واقع، تولد نوزاد مستلزم دیدن یکی از تعریبات سالمهای اولیه کودک یا بیشترین فشارهای روانی به شمار آید. مشکلاتآموزشی مشکل آفرین در برابر تولد نوزاد ممکن است عبارت باشد از: کوششهای جدی کودک برای جلب توجه والدین و دیگران نژادس روی در خوردن، خوابیدن، و تواله رفتن یا سایر رفتارها که پرخاشگری در برابر والدین ویا نوزاد، شدت هرگونه رفتار منفی ظاهراً بر حسب سن تغییر میکند، به طوری که واکنشهای منفی در ۸۹ درصد کودکان زیر سه سال ولی تنها در ۱۱ درصد بالاتر ازشش سال یافت شده‌است. نوزاد لحاظ جنس نوزاد نیز، نوزادان پسر در مقایسه با نوزادان دختر واکنشهای منفی را س‌وی همشیره‌های خود برکنجانهان(ازروس و اورین، ۱۹۸۲، Irvin).

کسبک به همشیره‌ها به منظور کنار آمدن با نوزاد مستلزم آن است که سرچشمه‌های فشار روانی و نگرانی شناخته شوند. برای کودکان خردسال، جدایی از مادران در طول تولد و دوره بعدی بستری شدن در بیمارستان سبب اختلال در اموعدای مثبت شده میشود وحتی هنگامی که کودکان با توضیحات دقیق برای جدایی آماده‌گی پیدا میکنند، بازهم برایشان نگران کننده است. مطالعه جدیدیبا در هنگام تولد کودکان نشان میدهد که می توان پریشانی کودکان خردسال را با فراهم کردن امکان دیدار مادر و کودک در بیمارستان، حداقل برای یکتا بار به طور چندسنگبری کاهش داد(ازروس و اورین، ۱۹۸۲). برخی از بیمارستانها به سبب اهمیت و ضرورت امر نمانی مهدیهایی به افتخار همشیره‌هایی که مادرانشان تازه وضع حمل کرده‌اند، برگزار میکنند: همشیره‌ها والدین در آن مهمانی شرکت میکنند تا قدم نورسیده را جشن بگیرند.

دومین سرچشمه مهم نگرانی برای همشیره‌ها مربوط به تغییرات احتمالی در روابط آنها با والدینشان است به هنگامی که کودک جدید وارد زندگی خانواده میشود. یکتا کودک شش ساله سالمنداز میخواست بداند که اگر والدینش از او که کودک اول آنان یاست کام خوشنودند، پس چرا خوراان کودک دیگری هستند. تحقیقات برای احساس مطروقی که گاهی همشیره‌های بزرگتر پیدا میکنند، اساسی قات است. مطالعات ثابت میکنند که مادران در هفته‌های بعد از تولد کودک جدید نسبت به دوره قبل از تولد او ازرفتارهای آرام و عشقمندانهتری در قبال کودکان بزرگترشان استفاده میکنند و نیز بعد از تولد نوزاد، میزان کاربرد کلمات محبت آمیز کمتر میشود (ازروس و اورین، ۱۹۸۲). بسیاری از مادران بعد از تولد کودک کوزک احساس خستگی میکنند و بنابراین نقش سایر بزرگسالان در کسبک به همشیره‌های بزرگتر جهت سازگاری وضایت آمیزشان با جدایی موثقی از مادر و نیز با ورود کودک به خانواده شایان توجه است. پدر و سایر بزرگسالان دو عامل حمایت عاطفی و پرستگی را در هر زمان که همشیره نیاز داشته باشند تأمین میکنند. تولد و روزهای بعد از آن فصل نوبتی را برای مادر، پدر، کودک، همشیره‌ها و دیگر افراد مهم خانواده، به ازمدان می‌آورد. آنها با چالشها و تغییرات سریع‌ی که قرار است پیش آید مواجه میشوند.

تایلو ۴-۲ تکمک به همشیره‌های سازگاری با نوزادان

والدین با پیروی از پیشنهادها زیر می‌توانند به کودک بزرگتر خود کسبک کنند تا با تولد نوزاد سازگاری پیدا کنند: صحبت با کودک بزرگتر در باره نیازها و امیال نوزاد شرکت دادن کودک بزرگتر در تصمیمگیریهای مربوط به نوزاد نظیر و تفسیر کسبکها و واکنشهای نوزاد برای کودک کوزک بزرگتر. نوزاد کوزک بزرگتر به علاقه نوزاد به لودر مطالعه جالبی ادان (Dunn و کندریک، ۱۹۸۲، Kendrick)، محققین نشان دادند که کودکان والدینی که از این پیشنهادات پیروی کرده‌اند، نسبت به آنان که از این پیشنهادات تبعیت نکرده‌اند، چهارده ماه بعد از تولد روابط هماهنگتری برقرار کرده‌اند. وقتی که از این پیشنهادات پیروی میشد پیشرویی دوستانه کودکان اول خانواده نسبت به نوزادان به طور متوسط ۱۷۲۶در هر صد واحد مشاهده ده تابنده‌ای و پیشرویی دوستانه نوزادان نسبت به همشیره‌های بزرگتر آنها به طور متوسط ۸۲۶ بود. در مقابل، در خانواده‌هایی که از این پیشنهادات پیروی نمیشد،ارقام قابل مقایسه عبارت بودند از ۱۱۱ مربوط به نسبت نامشاهی دوستانه کودکان اول خانواده به نوزادان و ۹۱۴ مربوط به نسبت نامشاهی دوستانه نوزادان به کودکان اول خانواده.

شرکت دادن همشیره‌ها در مراقبت از نوزاد فرزند سازگاری میان آنها را تسهیل می‌سازد.

این مطالعه تفاوتهایی را که در میزان احساس شرکت دوستانه کودکان اول خانواده در تعامل میان مادر و کودک وجود دارد نیز نشان داد. در مواردی که والدین از این پیشنهادها پیروی کرده بودند، میانگین نسبت دوستانه آنان در تعامل ۱۹ درصد بود و در مواردی که از پیشنهادها پیروی نشده بود میانگین ۸ درصد بود.

این مطالعه نشان میدهد که والدین می‌توانند با استفاده از الگوهای زمانی پیشنهادی و شرکت دادن کودکان بزرگتر در مسؤولیت مراقبت از نوزادان در روابط همشیره‌ها تأثیر مثبت داشته باشد.

خلاصه

۱- تولد کودک اوج ماهه‌های رشد پیش از تولد است.

۲-فرزند تولد با دوره زایمان به سه مرحله تقسیم میشود: باز شدن گردن زهانه-خارج شدن نوزاد، و خارج شدن جثت.

۳- نوزادان بلافاصله بعد از تولد باحساسی نمرات آنگار ازبای می‌شوند، که مشخص می‌سازد کودک چه اندازه خود را با فشار ناشی از زایمان و نیاز به تنفس هماهنگ می‌سازد.

۴- معیار ازبای دیگر، یعنی معیار ازبای براتلون برای رفتار نوزادان واکنشهای کودک در موقعیتهای گوناگون را نشان میدهد.

۵- خصوصیات مختصر به فرد نوزادان فرهنگهای خاص ، بر واکنشهای والدینشان تأثیر میگذارد و ممکن این مطلب نیز صادق است.

۶- پیوستگی رابطه پیچیده ایجاد شده از سوی پدر یا مادر با فرزند، متأثر از تجربیات قبلی و تماس با کودک است.

۷- خانواده‌های دارای کودکان پیشرس، بسیار با سطول ممکن امتیاز به کمک ویژه برای برقراری پیوند با کودکانشان داشته باشند.

۸- شیفتگی پدران به نوزادانشان، مجذوب شدن، به طور مثبت بر واکنشهای آینده تأثیر میگذارد.

۹- همشیره‌ها نیزبازه‌های روزهای بعد از تولد کودک جدید دارند.

برای مطالعه بیشتر:
St. Luis: Parent-infant bnding (vnd.).
BndingKlaus, M. H., Kennell, J. H. (۱۹۸۲).
C.V. Mbsy-Smerigli, V.L. (Ed.). (۱۹۸۱). Newbrns and parents: Parent-infant cntact and newbrn sensory stimulatın. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum
Sibling RelationshipsLamb, M.E., Suttın-Smith, B.(Eds.) (۱۹۸۲). Sibling relationships: Their nature and significance across the lifespan. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum
Explaining Birth t Children Stein, S.B. (۱۹۷۹).
Making babies: An pen family bk fr parents and childreen tgether. New Yrk: Walker

دوم

نخستین سال زندگی

ج چهار کودک هوشیار و سالم در محل بدیش پزشک اطفال انتظار میکنند.

نوزادی به نام آگنس و آرامی شناختن را می‌بکند و با علاقه به چهره پدرش نگاه میکند. حرکات این نوزاد ضمن این که به کلمات، مساهما و حرکات پدرش توجه دارد، آهسته آهسته لیکن این صحنه در هنگامی که یکتا کودک پنج ساله در پیلهویی را محکم به هم میزند به پایان می‌رسد آگنس از جا می‌رود و به شدت گریه میکند.

کودکی چهار ماهه به نام ند روی زانوئی مادر زرگش مینشاند، او به طور متدوب با انگشتان ممران بامالش که در حال تکان خوردن است بازی میکند و حرکات مسخره‌آمیز کودکان بزرگتر را که محکم می‌سازند نشانا میکند. وقتی که برج مکعبها فرو می‌رود، ابتدا درچهره ند چنین میانه و سپس همراه با خندیدن کودکان بزرگتر، او هم لخند می‌زند.

جاستین هشت ماهه می‌کوشد با سینه خیز خود او به محل مکعبها بکشد، ولی مادرش او را به صندوقش بر میگرداند. جاستین با برگردنده شدن به جای اولش مفسطرب به نظر نرسد، لحنهای انتظار میکنند، و بعد از صندوقش پائین می‌آید و دوباره ماهرانه خود را به سمت مکعبها میکند. در سطرط بعدی برج مکعبهاو چندین مکعب را روی هم میچیند به گرهایی که انتهای آنها دقیقاً روی هم قرار میگیرد.

لنای ۱۲ ماهه سوس آب گپورهای میشود و در همان حال صدای موتور در می‌آورد:ازرمسممم برسممم! او وقتی که مراقب روزانه‌اش راوند میکند که به اسب سببی پلاستیکی می‌خورداند میخندد و کف می‌زند. وقتی سرانجام از اسب میافتد، به طرف بالا و پایین اتاق تاقی میکند، و برای این که نقشه دشمن را به صندوقها و ازانان افراذ نشسته میگیرد.

تفاوتهای برجسته‌های که در رشد آگنس، ند، جاستین، ولسا به چشم میخورد ویژگیهای طفولیت را نشان میدهد. بخش دوم این کتاب اطلاعات مشروحی را در باره قابلیتهای مغز کودکان در طول نخستین سال زندگی آنان به دست میدهد. مطالب بخش به نحوی طراحی شده است که درک انسان را در مورد رشد کودک بالا برد و موجب پندایش اندیشههایی در باره نحوه کاربرد درک به دست آمده گردد تا تأثیر مثبتی بر کودکان داشته باشد.

اکثر اطلاعات در این بخش ممکن کننده بافهمی تحقیقات اخیر است. تا دهه‌های گذشته، درک رشد کودکان حتی برای متخصصان این رشته نیز بخوبی متبیر نبوده است. از آنجا که کودکان نمیتوانند آنچه را می‌بینند، می‌شنوند، یا احساس میکنند، برای بزرگسالان بازگردد کنند، رشد روانی ،اجتماعی، بدنی و شناختی بیشتر همراه با حس و گمان است تا واقعیت. لیکن، اینکه در خلال تکنیکهای تروارانه تحقیقاتی، در باره شیوه‌های مجذوب کننده‌های کودکان به تعامل می‌روانند، رشد میکنند، و یاد میگردند، درک پیشروی حاصل شده است.

این بخش به سه فصل تقسیم میشود که اطلاعاتی را در خصوص رشد روانی ،اجتماعی، بدنی، و شناختی در بر میگیرد. در تمام این سه فصل، تحقیقات مربوط به معرفی فرهنگی در رشد کودک تشریح شده است. اندیشه‌های مربوط به موارد زیروردی در تالیفها مطرح گردیده است.

رشد روانی ،اجتماعی در ابتدا توصیف شده است، زیرا در تعیین کیفیت زندگی کودک نقش اساسی دارد. در فصل ۵ اهمیت حس اعتماد اولیه، ارتباط بین بزرگسالان و کودکان، وابستگی عاطفی مطمئن و در اجتماسی مورد توجه قرار میگیرد. اثرات خلقوفزوی کودک و اثرات مسامحتی خوادگی تناولب نیز بررسی میشود.

رشد بدنی در فصل ۶ توصیف میشود که با یافته‌های جدیدی در باره توانایی حسی نوزادان آغاز میشود. سپس اطلاعاتی در باره بازیانها داده میشود و بر تواناییهای آکئید میشود که کودک با آنها به جهان گام مینهد. سایر موضوعات شامل کسب سطوح هوشیاری، علایم رشد بدنی، گریه کردن، سلامتی وایمنی است.

بخش دوم این کتاب با فصل ۷ به پایان میرسد که رشد شناختنی را توصیف میکند. این فصل با تأثیر متقابل رشد شناختنی با رشد روانی ،اجتماعی و بدنی آغاز میشود. نظریه‌های پیانو و دیگران در زمینه رشد شناختنی ملاحظه میشود و همین طور موضوعات رشد زبان، توانهای فرهنگی در تعاملهای بزرگسالان یا کودکان، و برنامه‌های پیشنهاد اولیه مطرح میگردند.

رشد روانی-اجتماعی کودکان

کودک روی له مستندی بلندش نشون میده.ر.آیا باید واکنش او نشان دهنده تضادش به این موفقیت باشد و در نتیجه فرو نظیدن به زمین یا این موفقیت نیاز به باجیابط و احضا عدم تضاد دارد؟«اسلاحتrust» عدم تضادtrust»میشود.
ارنیک اریکسون (۱۸۶۳، ۱۹۸۲) گفته شده‌است.اریکسون با تکیه بر تفکر زیگموند فروید،اندیشههایی در طول سالها کنار دو روانکاو دیگر کودکش گسترش داد. پیدایش خرد سال را به دلیل ناتوانیپیشانش در قبال آسند بر روابط بین فردی تود او می‌آوردند.
اریکسون با مطالعه رشد روانی-اجتماعی آنان نظریه‌ای را در باره چالشهایی که باید با آن مواجه شوند و در زندگی بر آن تلقی آیدتألیف کرد.

به نظر اریکسون، لازم است که کودکان در نخستین سال زندگی حس تضاد پیدا کنند. این حس تضاد، در صورتی که نیازهای کودک به غذا و راحتی فرآرد و به طرز ثابت تأمین شود، بتدریج از زمان تولد پرورش مییابد. وقتی که کودک احساس گرسنگی میکند،آیا تغذیه مناسب فراهم است؟وقتی کودک خسته است آیا کسی می‌آوردد این احساس را فرآ تغییر کند؟ و امکان استراحت و آرامش سازه؟وقتی که کودک هوشیار است،آیا کسی فرصت دارد یا او بازی کند؟ و در همه موارد باید شده، آیا کسی این احساس را در کودک بیدار می‌آورد که شخصی است دوست داشتنی؟اگر پاسخهای مبهمول به این سوالات مثبت باشد،حس تضاد در کودک احضا پرورش خواهد یافت. البته میچکس قادر به پاسخگویی آبی به تمام نیازهای هر کودک نیست و حتی افرادی که بیش از همه مراقبت کودکان را به عهده دارند، همیشه نمی‌دانند که گریه ناشی از برنشانی یا ناراحتی یا چگونگی تعمیر و تفسیر کنند.

اریکسون در پاسخهای خاص **typical** به نیازهای کودکان به عنوان عامل مهمی در ایجاد رابطه تضاد آمیز یاد میکند.

در زمینه درک نظریه اریکسون، مفید خواهد بود که پیوستاری از احساسات را تصور کنیم که دامنه آن از تضاد مجرد و کامل تا عدم تضاد مجرد و کامل گشوده است. اریکسون نشان میدهند که تعامل با کودک باید احساساتی را تقویت کند که در جهت تضاد شادم داشته باشد. اثنا حس تضاد نیویزاند و کامل نباید باشد،همان گونه که در موردکودک شش ماهه‌ای که روی له مستندی بلندش نشون میده،مشاهده کردیم.او لازم است یاد بگیرد که نسبت به بعضی موقعیتها یا شرایط محتاط - یا بی تضاد- باشد. خرابیهای شروع،بله،بها،موضوعه‌ای بدون نگاهان، وجارو برقیهای خادگی تنها بعضی از چیزها در محیط کودک است که باید بیاموزد تا به آنها اعتماد کند. به عبارت دیگر،باضاد درمقابل عدم تضاد راه حل کامل یا هیچ به حساب نیاید بلکه مسأله‌ای است که به درجه تشخیص موفقیت مربوط میشود.

به نظر اریکسون پرورش حس تضاد اولیه نخستین وظیفه روانی -اجتماعی کودک در طول سال اول زندگی اوست. وقتی که بزرگسالان و آندگی و به شیوه‌ای مناسب پاسخ ندهند، حس تضاد در کودکان پرورش مییابد و نظاری پیدا میکنند که گویی بزرگسالان در اوقات نیاز آنان در اختیار آنان خواهند بود.

ویژگی این نوع تضاد این است که روابط را اینم می‌سازد.وقتی که پاسخهای بزرگسالان چندان قابل پیش بینی نباشند یا منفی باشد،کودکان رفتار آسبز بروز میدهند و در وقت فشار روانی ازآنان باری نمیجویند.

به نظر در درک این امر که چگونه برخی بزرگسالان محیط فراهم میکنند که در آن

تضاد اولیه پدید می‌آید و چرا دیگران قادر به چنین کاری نیستند، پروهشگران رابطه متقابل پدر یا مادر با کودک را مطالعه میکنند. پدر با مادر به کودک پاسخ میدهند و کودک به پدر یا مادر، و هر دو تعمیر میکنند. نسبتاً آسان است که تنها پدر یا مادر با کودک و یا به محیط کودک را مطالعه کرد. مطالعه روابط متقابل و دقیقتر در عین حال بسیار پیچیده‌تر است. پژوهشگران به منظور کسب آگاهی بیشتر از رابطه برپای پدر یا مادر با کودک، در زمینه موزونی رابطه پدر یا مادر باکودک مطالعه کرده‌اند.

موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک (parent – infant rhythms)

اصطلاح موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک به هماهنگی متقابل رفتار پدر یا مادر و کودک در سطح توجه وعلاقه میان آن دو مربوط میشود. در ابتدا والدین چون میکوشند که تعامل با کودکان را حفظ کنند، بیشترین تلاش را برای سازگاری به عمل می‌آورند. جزئیات این سازگاریها در حالت عادی به حدی دقیق وزیادگرا است که با چشم غیر مسلح قابل مشاهده نیست. ولی تحلیل صبرانه و لحظه به لحظه تصاویر فیلم برداری شده یا در دو نشد، انقضایی در تحقیقات مربوط به تعامل پدر یا مادر با کودک ایجاد کرده است که این انقلاب از طریق آشکار ساختن تغییرات موزون در بیان و رفتار موجود در والدین وکودک میسر شده است. در زیر، دوربین تعامل آنان یکماهه و مادرش را نشان می‌دهد.مادر چهره‌اش را به سوی نشان برمیگرداند و نگاهشان با هم تلاقی میکند. چشمانشان نشان گذشتد میشود و دستهایش به همسان مادرش حرکت میکند و سپس با موزونی خاصی به آرامی به عقب برمیگردد. چشمانشان به طور متناوب پر جلیه و درخشان بای فروع و متشابه به جهت دیگر میشود. مادرش انگهی رفتارش را با او به گونه‌ای تعلق میدهد که در هنگام شدت علاقه کودک گشتگو میکند و هنگام به خود آمدن او سخن نمیگوید.

به دلیل این که نشان در یک دقیقه چهار نوبت یا بیشتر مسیر بدجلیگی تا خود آبی را طی میکند، فیلم را باید با حرکت آهسته آن نگاه کرد تا موزونی حرکات نشان و مادرش قابل مشاهده باشد. وقتی که نشان چشمانش را میگرداند، نشان میدهند که احساساتش بیش از حد تهیج شده است و زمانی لازم دارد تا به خود آید. دستگاههای فیزیولوژیکی نشان ناراسته و زود به طریقت نهایی میروند، بنابراین او این استراحتهای دوره‌ای را نیاز دارد. مادرش احساسی میکند که باید پاسخهایش را یا او تعلق دهد. توبه این طریق، بتدریج او را با تجربیات جدید و تعلیمهای پیچیده آشنا میسازد.

تئوری برازلون (۱۹۸۸) و همکارانش در میاستان کودکان بوستون،پیشگامان تحلیلی قلبهای مربوط به تعامل پدر یا مادر باکودک است. آنان معقدند که توانایی برقراری رابطه موزون وصابت بخش پدر یا مادر با کودک اساس ارتباط اولیه با تشکیل میدهد. پدر یا مادر وکودک یک رابطه متقابل پادش آمیزی را تجربه میکنند که مرحله مهمی در رشد مهارت‌های اجتماعی کودک است. این رابطه متقابل و رضایتناهی ارتباط با انسان دیگر مطمئناً در فرایند رشد حس تضاد و دبستگی موثر است.

موزونی رابطه با پدران در طفلان مادران

تحقیقات برازلون نشان داده است که کودکان در سنین سه تا چهار هفتگی بر حسب افراد گوناگون دارای الگوهای تعامل اجتماعی گوناگونی هستند. برازلون (۱۹۸۸) دریافته است که در خانواده‌هایی زندگی میکند که پدر ومادر هر دو حضور دارند، نوعاً موزونی حرکات آنها در پاسخ به پدر خودکمتر از موزونی حرکاتشان در تعامل با مادرشان است. پدران احضا به تعاملی توأم با طریقی وحده میوزندند.از قبل طفلک دادن یا بالا بردن،که همراه با افزایش هیجان است. در ابتدا، پاسخهای کودک خم میروند، بورها بالا می‌آید وکودک متوقف میشود. وقتی حرکت کودک از سر گرفته میشود تند و سریع میگرد. همان گونه که کودک بزرگ میشود، هیجانی او با حرکاتش همراه میشود. در مقابل، تعامل کودک با مادر شامل دو آفرش گرفتن، تلوذ کردن، و آرام کردن حرکات افشراهی است و مسکن است بیشتر به تغذیه و سایر امور عادی مربوط شود. گاهی مادران نسبت به پدران رنگم موزوند، چرا که پدران با نشانی چشم و نواخت صدا می‌توانند بگویند بیا بازی کنیم. در عین حال، دو واقع، کودک با تعلیمهای گوناگونی که بسجود دارد تقویت میشود. انضامی خانواده و سایر افراد موثر در زندگی کودک راهمبای برای انتقال این پیام به او پیدا میکنند که «تو برای من شخص بخصوصی هستی» کودک این پیامها را دربرداشت میکند وبعلاوه برگفتنی محتلفی را بروز میدهد. در زمانی که کودکان به سه هفتگی عمر خود میروند، چنان انواع گوناگونی از تعامل با مادران و پدران خود را بروز میدهند که مشاهده گران می‌توانند به نوازه‌ای ویدیویی نگاه کنند و فوراً بگویند که آیا مادر یا پدر حضور داشته است (برازلون، ۱۹۸۱).

موزونی رابطه در فرقه‌های گوناگون

وقتی والدین و کودکان گروه‌های فرهنگی گوناگون مورد مشاهده قرار میگردند، الگوهای گوناگونی در مورد موزونی رابطه آشکار میشوند. برای مثال، از تعامل چهبره به چهبره مادران سفید پوست، سیاهپوست، و تاناجو باکودکان سه تا پنج ماهه آنان توار ویدیویی تهیه شد. هر مادر یاد داده شد که توجه کودک خود را با هر شیوه‌ای که دلخواه اوست، جلب نماید. مادران سه گروه یاد شده دارای الگوهای تعاملی متفاوت باکودکانشان بودند. مادران سفید پوست ازوزن آرای شوق کودک به تعامل استفاده کردند. اگر کودک پاسخی ننییاد، این مادران مکت میگردند و دوباره از وزنه‌ای آوا استفاده میکنند که گاهی بیش از حد مهیج بود. مادران سیاهپوست وزن آرای مشابهی را به کار برده‌اند، ولی حتی اگر کودک پاسخی هم نییاد، به استفاده از وزن آوا ادامه میدادند. اگر کودکان در توجه ن‌کردن اصراًت میوزندند، مادران سیاهپوست تمایل به قطع یا گهمبای تعامل داشتند. مادران سیاهپوست نسبت به سفید پوس‌ت ظاهراً کمتر در کار کودکانشان دخالت میگردند، شاید به این دلیل که آنان بیشتر شفته عملگرده‌ای خودشان به نظر می‌رسدند. در مقابل، مادران تاناجو، از وزنه‌ای آوا برای حفظ تعامل با کودکانشان استفاده نمیکردند. مادران تاناجو، آرامتر بودند و ظاهراً به ظرفیتهای کودکانشان برای خود آرام کردن و خودگردانی متکی بودند.افانجاردو (Fajard و فریدمن، ۱۹۸۱ Freedman).

تفاوت‌های موجود در این مطالعه با الگوهای رفتاری نوزادان از هر یک از این گروه‌ها هماهنگی دارد. شواهد نشان میدهند که نوزادان سفید پوست تحریک بیابرتند و در برابر تحریک تحمل کمتری دارند، نوزادان سیاهپوست کمتر تحریک پذیرند و در برابر تحریک تحمل بیشتری دارند و نوزادان تاناجو کمترین تحریک پذیری را دارند و در تقسیم پاسخهایشان بدون آن که مادر در ساختار آنها دخالت کند، بیشترین تألیف را دارند.اکلاهان (۱۹۸۱، Callaghan). این وضعیت که کودکان مربوط به گروه‌های مختلف ظاهراً آواکتشایی گوناگونی در برابر تحریک نشان میدهند، بر این دلالت دارد که ننیوان از یک الگوی تعاملی برای همه گروه‌ها رفتاری کرد (فانجاردو و فریدمن، ۱۹۸۱).

قاعده کلی و عمومی در ایجاد موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک ظاهراً مستزوم پیروزی نشانه‌های کودک است. قاعده، قابل مقایسه ظاهراً حاکم بر جزئیات تعامل نظر مقدار یا نوع آواگویی، نماش یافتن، حرکت و فاصله نیست.
تا توجه به وزنه‌های مختلف در گروه‌های فرهنگی گوناگون، این والدین این تعلیمها را جهت آموزش ارزشهای فرهنگی به کودکان به کار می‌برند؟ برای پاسخ به این سوال و سوالات دیگر، در یک مطالعه، بازیهایی که والدین گروه فرهنگ با کودکانشان انجام میدادند مورد بررسی قرار گرفت (ون هورن،۱۹۸۲ Wan Hm). این پژوهشگر دریافت که والدین بازیهای خود را که ازسلی- به نسل بزرگتر منتقل شده است و دیگران از طریق گروه فرهنگی خود، یا آن آشنا شده‌اند، ترجیح میدهند. این یافته حتی در مورد والدینی با اصلیت چینی، فیلیپینی و مکزیکی که سالها در ایالات متحده زندگی کرده‌اند، صدق میکند. به این ارجحیت برای بازیهای سنتی، جالب است دریابیم که بازیها در میان این پدر یا فراد دادن کودک شش ماهه‌اش در موقعیت چهبره به چهبره باخود، بالا بردن زیر وبسی مساوی، و نماش نگاه یا او، و بالا بردن او، به او پیام میدهند که «بیا بازی کنیم».

تألیف اثر استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد تعمیر وتفسیر نشانه‌های کودک

تعلیمهای موزون پدر یا مادر با کودک را که توصیف شده است می‌توان به صورت نمودار زیر رسم کرد. نمودار بالا نشان میدهند که پدر یا مادر در هنگامی که کودک روی بر میگرداند، مکت میکند و به او فرصت میدهند. البته حالت اول برگردد و سپس دوره دیگری از تعامل را به آرامی آغاز میکند. در این موارد که موزونی مناسبی میان پدر یا مادر با کودک وجود دارد، والدین بسخروانه پاداش آمیزی را دریافت می‌دانند که آنان را در ادامه پاسخگویی به نیازهای خاص خود توان میبخشد. کودکان نیز به نوع خود حس ارضا کنندگی متعلقی با محیط پیدا میکنند واحساس توانایی به دست می‌آورند.

متأسفانه، به نظر می‌رسد که این والدین توانایی برانند موزونی مناسب میان خود و کودکانشان برقرار سازند. نمودار زیر تعلیمی را نشان میدهند که درآن کودک بیشتر اوقات را در روی گردانی میگرداند وپدر یا مادر این حساسیت را از دست میدهند. که با خوارندگی این نشانه از تحریک خود یکجهد، این والدین که به حال خودشان رها می‌نشینند، مسکن است کودکانشان از طرد کنند، زیرا هیچ تناسبی در تعامل با کودکانشان پیدا نمیکنند. یک چنین پدر یا مادری میگردد: «من هرگز نمی‌توانم ارتباط برقرار کنم».برای براتزون (۱۹۷۹) که زمینه تحقیقش منبع این نموداراست، معتقد است که متخرفان مسوول آند که موزونی رابطه پدر یا مادر با کودک را ازروزیایی کنند. بنابراین متخرفان می‌توانند دوطرفه از والدینی که در تعامل با نشانه‌های کودکان به کمک نیاز دارند، حمایت کنند.

نمودار گراف از کتاب «توانایی‌های رفتاری کودک»

Graphs frm "Behavioral Competence f the Newbrn Infant" by T.B.Brazeltn, ۱۹۷۸, Seminars in Perinatology, r.PP. ۳۰-۴۴. Copyright ۱۹۷۸ by Grune Strattn, Inc. Reprinted by permission

فرهنگها مشابه هستند، صرف نظر از نوع فرهنگ، جلسات بازی بزرگسال و کودک ظاهراً با حضور تک طرف بازی در وقتی معین برگزار میشوند. فرد بزرگسال با تغییر در نواخت صدا و حالت چهره و آسماال ویژه بازیها میگردند؛ «این بازی است»، در میان گروههای فرهنگی، بازیها با سرعت آهنگ و وزن مدعا، پاسخهای احساسی، وضعیت چهره، تماس با نگاه، وضعیت در فاصله یک قدمی از یکدیگر و مدت زمان به بدن کودک مشخص میشوند. پژوهشگر شاهنهای فرهنگی بازیهای کودک را با این فرض توضیح میدهد، که هدف از بازیهای کودک قبل از آن که تبادل ارزشهای فرهنگی باشد، تبادل ارزشهای انسانی نظیر اعتماد که در بالا یاد شد و دلچسپی که در قسمت بعدی توضیح داده خواهد شد، میباشد.

دلچسپی

دلچسپی ی به پیوندهای استوار عاطفی اشاره دارد که نسبت به افراد خاصی که معمولاً آنها را فریتر یا محقق در نظر میگردند، ابراز میشود. نظریه دلچسپی ابتدا به روان شناسان پیشنهاد شد و بعداً توسط جان بولبی تصفیه شد (۱۹۵۵، ۱۹۸۲). نظریه دلچسپی هم تمایل انسانها را به نزدیک شدن به افراد ارضج بیان میکند و هم پرنشانی حیوانی واختلال شخصیت را که ازجدايي نامعواست یا فقدان این افراد خاص ناشی میشود، نشان میدهد.

در بسیاری از خانوادههایی که پژوهشگران مطالعه کردهاند، مادر نخستین کسی است که کودکان به او دلچسپی پیدا میکنند. مطالعات میان فرهنگی (آپورتورت۱۹۶۷ ، Ainswrth) شواهدی از دلچسپی را در رفتارهای گوناگون زیر که کودکان در نخستین سال زندگی خود نسبت به مادرشان پیدا کردهاند آشکار ساختهاند. گریه میکند، وقتی که فریبهای آنان را بطل میکند، ولی گریه نمیکندد وقتی که مادر از آنان نگهداری میکند. نزد مادر خود پیشروند، میزند و آوا سر میدهد، تاها یکته فریبه بر میگردند و به مادران که در ترویجشان است نگاه میکنند، در صورتی که مادر افاق را ترک کند اعتراض میکنند و به دنبال مادر میآیند، از مادر جدا نمیشوند، هنگام بازگشت مادر به استقبالش میروند، وقتی مادر به عنوان پیاگاه امنی حضور داشته باشد، در محیط گردش میکنند. بولبی گفتش این رفتارها را توصیف کرده است.

طبق نظریه بولبی، کودکان در ابتدا یا برقراری تماس شخصی با بزرگسال و نه تنها با تقلید شدن و تحت مراقبت بدنی بودن دلچسپی پیدا میکنند. شواهد ثابتی نامس، در یک سلسله آزمایشهای کلاسیک با میمونهای زرد شده به دست آمده است. (هارلو Harlw و زیمبرمن Zimmerman, R.R. ، ۱۹۵۸، ۱۹۶۱). در این آزمایشها، میمونهای نوزاد را در هنگام تولد از مادرشان جدا کردند و مادرانی با دو نوع مدل، یکی ساخته شده از نسیم و دیگری پوشیده از پارچه نرم فراهم ساختند. این نوزادان با یک بچک بازی که در هر یک از این مدلها جای داده شده بود، تعلقه میکنند. با برگزاری آزمایش به این طریق، نتایج تعلقه با نتایج تعلقه در زمانی که شئی نرمی در اختیار نوزاد باشد تا بدان چسبید، تفاوت دارد. در همه آزمایشها، میمونهای نوزاد دلچسپی خود را نسبت به مادر مدل پارچه‌ای گذراند. برای مثال، میمونهای نوزاد به طور متوسط پانزده ساعت در روز به مدل پارچه‌ای میچسبیدند، ولی تنها یکتا یا دو ساعت با مدل نسیمی به سر میبردند و این وضع حتی زمانی هم که فداایشان از مدل نسیمی ثابین میشد برقرار بود(هارلو و زیمبرمن، ۱۹۵۸).

بولبی (۱۹۸۲) چهار مرحله را در گذرش دلچسپی در نوزادان ترسیم کرده که مرزهای دقیقی میان آنها وجود ندارد. توصیف این مراحل با بحث در مورد پاسخ به جدایی، اثرات دلچسپی، مکالماتهای متنی در برابر فریبهها، و تفاوتهای فرهنگی در دلچسپی دنبال میشود.

دلچسپی مرحله ۱

مرحله اول از تولد، تا هفت یا دوازده هفتهگی به طول میانجامد. در طول این مرحله، کودکان به شیوههای خاص معینی در برابر افراد رفتار میکنند. آنان به طرف افرادی که با خودیمنی‌داری روی میآورند، باحرکات چشم افراد را متعقب لیخند میزند، آوا سر میدهند، و ظاهراً وقتی که فراد در کنار آنها قرار دارند، گریه را قطع میکنند. هر یک از این رفتارها برای اغلب بزرگسالان جذابیت دارد و سبب تمایلی آنان به گذراندن وقت خود در کنار کودکان میشود.

در مرحله یک، اعتقاد بر این بوده است که کودکان توانایی محدودی در تشخیص یکته فرد از دیگری دارند. لکن، از تحقیقات اخیر شواهدی در دست است که نوزادان ممکن است بتوانند صداهای مادرشان را بازن شناسند (دوکاسپر DeCasper و فیر، ۱۹۸۰). پژوهشگران توارهای ضبط شده‌ای از مادران نوزادان و مادران دیگری که کتاب دکتر سوس با عنوان تصور این که من آن را در خیابان مالتبی دیدم را میخواندند، بخش کردند. در ضمن، کودکان نو تک نسبتاً پاسخگوی پاسخها را میگردند که به کودکان پژوهشگران اجازه میداد گفتگومنها، آنان را نسبت به صداهای کشف کنند. کودکان در این مکیدن هیچ مایع دریافت نمیکردند. در عرض، میگردان آنان صدای مادرشان یا صدای دیگری را بر میانگیند. کودکان یاد گرفتند که فاصله میان انجام میدهندا را به منظور بارنگیندن صداهای مادرشان کوتاه یا طولانی کنند.

دلچسپی مرحله ۲

مرحله دوم تا حدود شش ماهگی طول میکند. در این مرحله، کودکان علاقه دوستانه خود را نسبت به افراد بیامون خود همچنان ابراز میکنند. تغییر اصلی که در مرحله یک به چشم میخورد این است که کودکان پاسخهایشان را از هم تشخیص میدهند. کودکان به طور قابل توجهی مشتاق تعامل با فردی هستند که دلچسپی اولیه را نسبت به او پیدا میکنند. در ادبیات سنتی، چنین فرض میشد که دلچسپی اولیه نسبت به مادر وجود دارد. ولی در این دوران تحول، دلچسپی اولیه ممکن است نسبت به پدر، پابر بزرگ یا مادر بزرگ، یا فرد دیگری پیدا شود.

دلچسپی مرحله ۳

بزرگه سه معمو در شش یا هفت ماهگی آغاز میشود و تا پایان سال دوم زندگی ادامه میابد. آغاز این مرحله در صورتی که شخص ناشیی در زندگی کودک وجود نداشته باشد به تعویق میفتد، مانند موردی که گاهی در مؤسسات به چشم میخورد یا تحولات کمزوری که در مراقبتهای پرورشی پدید میآید. به طول مرحله سه کودکان در شبیه، تعامل با مردم و طور فرآیندهای حقیق و نکه تسخ میشوند. آنان علاقه مستمر و شدیدی به اشخاص مورد دلچسپی اولیه از طریق پشت سر راه فرادند، استقبال کردن و پیاگاه قرار دادن این افراد برای برداشتی به کندو کار در میمون خود، نشان میدهند. آنان در دلچسپیهای فرعی خود افراد دیگر را نیز وارد میکنند، ولی نسبت به فریبهها با احتیاط فراینده و گاهی هشدار رفتار میکنند.

دلچسپی مرحله ۴

مرحله چهارم بعد از دومین سالگرد تولد، کودک آغاز میشود. در این مرحله، کودکان از اهداف و نقشههای بزرگسالانی که به آنان وابستهاند، درک بیشتری پیدا میکنند. رفتار آنان تعاطف پذیرتر میشود و ایان میوانند روابط پیچیدهتری برقرار کنند، حتی با بزرگسالان همکاری کنند.

پاسخهایی به جدایی

پژوهشگران چند الگوی ثابت پاسخ را زمانی پیدا کردهاند که کودکان در مراحل سه یا چهار پیشنهادی بولبی از بزرگسالانی که به آنها وابستهاند جدا میشوند. درایند، کودکان بعموم پیشتر اعتراض protest میکنند. . برای مدت چندین روز، کودکان گریه راه میازانند و هجانو به یا می کنند. تا شخص خاص مورد نظرشان بر گردد، سپس دچار ناامیدی despair میشوند. آنان ازامیز میشوند، ولی همچنان یاد شخص غایب در فضاشان زنده است. امید در دلشان محو میشود. گاهی اعتراض میکنند و زمانی ناامید میشوند، ولی سر انجام وارد مرحله واستگی detachment میشوند. آنان ظاهراً شخص مورد نظرشان را فراموش میکنند و در صورت تماس مجدد با فرد مورد نظر، ممکن است او را نشناسند. در طول این سه مرحله، کودک آنچه را ظاهراً قفرقهای بی شمر و حوادث تخریبی به نظر میبرسد تجربه میکند.

این که چگونه کودکان زمانی بعد از جدایی از یک شخص مورد دلچسپی در بازه پیوندت برقرار میکنند، بستگی دارد به این که آیا آنان در حال تجربه کردن اعتراض، نوسیدی هستند، یا واستگی پیوند مجدد در صورتی که کودکان وارد دوره واستگی شده باشند، بیش از همه دشوار است، اگر چنین وضعی پیش آید، کودکان برای روزها باحنی غمناک بعد از پیوند مجدد پاسخدهی از خود نشان نمیدهند. وقتی که واستگی پایان میابد، کودکان واستگی شدیدی ازخود نشان میدهند، و در صورتی که به حال خود رها شوند عشم شدیدی ابراز میدارند. به نظر بولبی، کودکان از واکنهده شدن به حال خود به عشم میآیند و در عین حال نیاز شدید خود را به حضور شخص ابراز میدارند. این دوسوگرمایی به صورت بخشی از فرایند غمگین شدن در میآید که کودکان هنگامی که به خلاف ارادهشان جدا میشوند، آن را تحمل میکنند.

اثرات دلچسپی

پژوهشگران دریافتهاند که میوانند موقعیتهایی آزمایشگاهی برقرار کنند که به طور موثقت آمیز کودکانی را که دلچسپی شدید پیدا کرده و آنها را که دلچسپی پیدانکردهاند، از هم باز شناسند. علاوه براین، پژوهشگران قادر بودهاند که رفتار آینده را از تفاوتهای موجود در دلچسپی پیش بینی کنند.

پژوهشگران دلچسپی را با قراردادن کودک و شخص مورد نظر کودک در یک اتاق مجزبه به اسباب بازی مطالعه میکنند. فریبه‌ای وارد میشود و با کودک به تعامل میروازد، نخست در حضور فرد بزرگسال، سپس در غیبت آن فرد. در ضمن، پشاهدلمعمران دور از دید معمو در آن سوی آنهایی که تصور را از یک ترف نشان میدهند) واکنشها و تعاملها را ثبت و ضبط میکنند. شرایط آزمایشگاهی آن قدر استاندارد هستند، که دو نشونه‌های پژوهشی به آنها عنوان «موقعیت بیگانه» اخلاق میشود. (آپورتورت و بی، ۱۹۷۰، Bell).

رفتار کودکان در موقعیت بیگانه به طرز برخورد با آنها در ماههای قبل و به شدت دلچسپی به فرد بزرگسال حاضر در موقعیت بیگانه بستگی دارد. وقتی بزرگسالان مدت و حسان رفتار کرده باشند، کودکان جهت مثبت در موقعیت بیگانه به آنان روی میآورند. وقتی بزرگسالان رفتارهای متنی و نامحسنان داشته باشند، کودکان از آنان اجتناب میورزند یا الگوهای رفتاری دوسوگراانه‌ای در موقعیت بیگانه بروز میدهند.

معلوم شده است که رفتار در موقعیت بیگانه در طول تقلیدت در پیش بینی رفتار آینده کودکان نقش دارد. تحقیقات نشان داده است که الگوهای ارتباطی ایجاد شده در ابتدای زندگی نتایج نگهداری برای تعامل با آن اشخص مورد دلچسپی یا سایر افراد بر دارند. برای مثال، در یک مطالعه طولی، معلوم شده است که کودکانی که در دوازده ماهگی با نوعی احساس امنی به فردی دلچسپی داشتند، در مقابله با آنان که با احساس امنی کمتری دلچسپی داشتند، نسبت به بزرگسالان دیگری که با آنان در بیست و یکماهگی تعامل داشتند، تسلیم زودتر بودند (لاندرویل Luderville و مین Main ، ۱۹۸۱). گزارش از یک مطالعه دیگر حاکی ازاین بود که کودکانی که با احساس امنی به یکی از والدین در دوازده ماهگی دلچسپی پیدا میگردند میزان توانایی اجتماعی آنان بعدها در دو سال پیش دبستانی بالاتر بود. (Lamb)، تابسیون، Thmpsن، فرودی، ۱۹۸۲، Frd). و پژوهشگران همچین گزارش کردهاند که کودکانی که با نوعی احساس امنی به فردی دلچسپی داشته باشند، شادتر، و در موقع حل مسأله مقاومترند.

واکنشهای متنی در برابر فریبه‌ها

رشد واکنشهای متنی در برابر فریبهها نتایج الگویی کلی رشد دلچسپی به افراد معین است. کودکان در مرحله اول دلچسپی پیشنهادی بولبی نسبت به افراد آشنا و فریبه واکنش متفاوتی نشان نمیدهند. در مرحله دور، کودکان ابتدا به افراد آشنا پاسخ مثبت میدهند، ولی چنین واکنشی را نسبت به فریبهها نشان نمیدهند. سپس دوره‌ای چهار تا شش هفته‌ای فرا میرسد که متنی آن کودکان با یاد یکت فریبه چهره‌های جدی به خود میگردند و خیره میگردند، سرانجام در حدود هشت یا نه ماهگی، کودکان نوعی رفتار تروم

^[1] رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

با ترس را بروز میدهد. آنان از فرد غریبه دوری میکنند، گریه سر میدهد وحتل چهرهشان عوض میشود. این رفتارها را گاهی نگرانی در برابر غریبه **Stranger anxiety** می‌نامند.

نگرانی در برابر غریبه تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد نظیر این که چندتر کودکان تجربه تماس با بزرگسالان دیگر دارند و نیز عوامل تفاوت‌های فردی کودکان. ویژگی‌های فرد غریبه نیز واکنش منفی کودک را تغییر میدهد. بزرگسالان ویژگی نظیر کوتوله‌ها و کودکان دیگر کمتر مورد برخورد منفی قرار میگیرند تا غریبه‌های تومندتر یا مستتر. و کودک تماس آرام و آهسته فرد غریبه را بیشتر ترجیح میدهد تا تماس پر سرو صدا و سریع او را (Reed درآردن ۱۹۸۱ ، Leiderman).

این که چه هنگام واکنش‌های منفی در برابر فرد غریبه اهمیت پیدا میکند، به نوع تعاریف ارائه شده بستگی دارد؛ اگر گریه کردن به عنوان معیار تمیز دیده، به کنار رود، واکنش‌های منفی در برابر فرد غریبه در ده ماهگی اهمیت مییابد. ولی وقتی ترکیبی از انواع پاسخ‌های منفی مشاهده شود، رفتاری احتیاط آمیز در برابر غریبه‌ها در ۳۳هردصد کودکان هشت ماهه، ۴۵هردصد تا ماهه، و ۹۸هردصد تا ماهه به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، تنها ده تا پانزده دصد کودکان پنج تا پایان هفت ماهه واکنش‌های نشان می‌دهند. توجه به این نکته اهمیت دارد که تنها چهارده دصد کودکان ده ماهه رفتاری از خود نشان دادند که به آن پریشانی فرط اطلاق میشود (واترزWaters ، ماتاسMatas ، و امرووفSrufe ، ۱۹۷۵). رفتار محتاطانه در برابر غریبه‌ها مطمئناً در هر سنی عموماًت دارد و بحث در مورد آن گاهی علاقه مثبت کودکان را به معاشرت با دیگران تحتالشعاف قرار میدهد.

تفاوت‌های فرهنگی در دل‌بستگی

آیا الگوهای دل‌بستگی در فرهنگ‌های گوناگون با هم تفاوت دارد؟ آیا در خانواده بزرگ گسترده مانند خانواده کوچک هسته‌ای رفتارهای یکسانی وجود دارد؟ پژوهشگران فرهنگ‌هایی را مشاهده کرده‌اند که در آنها بسیاری از بزرگسالان با کودکان تعامل دارند، و در بافت‌هاند که رشد دل‌بستگی تابع انگلیسی است که مشابه آن در فرهنگ‌هایی که تعداد کمی از بزرگسالان با کودکان تعامل منظم دارند مشاهده می‌شود؛ در لیدرس(۱۹۸۱). این پژوهشگران نشان می‌دهند که دل‌بستگی از طریق تعامل رفتارهایی از کودکان از زمان تولد بروز می‌دهند و پاسخ‌هایی که بزرگسالان به این رفتار می‌دهند، معین میشود. پژوهشگران به عنوان بخشی از شواهدی که ارائه می‌دهند به این واقعیت اشاره دارند که در همه فرهنگ‌های مورد مطالعه، کودکان واکنش‌های شدیدی را در حدود نه تا پانزده ماهگی گنیزش و نشان می‌دهند.

تایید ۳–۴ استراتژی‌های برای تسهیل رشد؛ ایجاد زمینه جدایی

جیمی پیترز هم اکنون با تأخیر سر کار حاضر می‌شود، او با این پیشینی که کودک هفت ماهه‌اش تا آرامی خواهد کرد، در حالی که مراقب کودک او را سر گرم می‌سازد مورد از چشم کودک خفته را ترک میکند.

آیا این استراتژی موثری است؟ یا در نظر گرفتن اعتماد اساسی، دل‌بستگی، و واکنش‌های کودک در برابر غریبه‌ها، پاسخ به این سوال آشکارا منفی است. پدر مسکن است در آن لحظه از چشم کودک غایب می‌شود، ولی او این به‌نگامی را در کودک بر می‌اندازد که هر لحظه از نظر غایب خود قصد پنهان شدن کرده است. بنابراین، روشی زیر لارجتت دارد؛۱- بگویند؛ تا کودک قبل از این که ترک او را زمانی باشد، با خود جدید، و جای جدید، اگر مراقبت در خارج از خانه است) آشنا گردد.

۲- اطمینان پیدا کنید که مراقبی که به جای پدر یا مادر می‌آید، با رفتار عادی و تسلیات خاص کودک آشناست.

۳- اگر کودک با پدر یا اسباب بازی خاصی آرامش می‌یابد، برایش فراهم کنید.

۴- اجازه بدهید، کودک از زمان ترک شما با خیر باشد. رفتاری عادی را با کودک (تقلید نظر بکنید، پرسیدن، جداحفاظی گرم) پیش از ترک او برقرار کنید.

بعد از انجام این روش او را ترک کنید و بدانید که اگر چه ممکن است کودک برای لحظه‌ای گریه کند، ولی جابجایی میان پدر یا مادر با مراقب او تا حد امکان به آرامی صورت گرفته است. والدین با کودک زیرگز میروانند ربحیب برنامه کودک در باره نوان برگشت خود صحبت میکنند؛ت بگویند، من از آن خواب بی‌دوار شوی بر میگردم.

والدین می‌توانند کودکان را برای تجربه جدایی‌ها از طریق ایجاد هدف جدایی‌های کوتاه تر،فراوان در خانه آماده سازند. آن زمان که کودک با ترک یک لحظه پدر یا مادرش اذتاق اعتراض میکند، پدر یا مادر می‌تواند به صحبت با این کودک ادامه دهد؛ تا صداهای آنان همچنان به هم برسد، روش حساس پدر یا مادر در ایجاد این جدایی‌های کوتاه،فراوان تدریجاً این اعتماد را به کودک می‌بخشد که پدر یا مادرش در هر بار جدایی مطمئناً بازخواهد گشت.

تربیه کردن کودک

گریه کردن وسیله است که با آن کودکان نیازهای خود را ابراز می‌دارند. گریه کردن بی نهایت موثر است؛ وقتی بزرگسالان سروصدا می‌کودک پریشانی را می‌شنوند، هرچه از دستشان بر می‌آید انجام می‌دهند تا آرامش و راحتی او را فراهم آورند. از آنجا که گریه کردن کودک موجب آشفتگی بزرگسالان میشود، هنگامی که تلا‌های بسیار شدید آنها آشفتگی او را کاهش نیده‌ه چهار نگرانی زیاده می‌شوند. آنگاه، در صحنه دیگری از گریه کردن، بزرگسالان اغلب نمی‌دانند که آیا باید پاسخ به گریه کردن کودک بدهند یا به آن توجهی نکنند. بعضی از پژوهش‌های جالب در زمینه گریه کردن در مورد فهدام مناسبی که پدر یا مادر بایستی انجام دهند نکات روشنی ارائه می‌دهند.

سوزان گرکنبرگ (گرکنبرگ Grckenberg و مک کلوسکی McClusky ، ۱۹۸۲) به مطالعه شیوه‌های پرداخت که در آن خلق و خوی کودک با طرز تلقی‌های مادران در باره گریه کردن،لوس شدن رابطه متقابل دارند، او دریافت که بعضی از کودکان سروصدا و گریه بیشتری در طول نخستین روزهای بعد از تولد، راه می‌اندازند ؛این کودکان در طول اولین ماه‌های زندگی نیز همین الگوها را پیروی میکنند و شاید بتوان آنان را دارندهٔ گان‌الگوی «موازی، از ویژگی‌های خلق و خوی توصیف کرد. گریه آنان به علت طرز تلقی مادرانشان نیست، و مادران با مراقبان اولی دیگر این کودکان نیاز به حمایت اعضای خانواده و سایرین دارند چرا که کودکانی که زیاد گریه میکنند وقت و توجه زیادی را نیز به خود اختصاص می‌دهند.

حتی با وجود این که طرز تلقی مادران سبب ایجاد الگوهای آفرای گریه کردن نیستند، طرز تلقی‌ها و اعمال بزرگسالان در رشد رفتارهای آینده کودکان تأثیر دارد. والدینی که در برابر گریه کودکشان فوراً پاسخ می‌دهند و با کودکانشان به تعامل مکرر می‌روانند، تدریج در می‌یابند که کودکانشان نسبت به کودکان والدینی که معتقدند یا پاسخ به گریه کودکانشان، آنان را لوس خواهند کرد، کندتر گریه میکنند.

گاهی ممکن است به نظر آید که کودکان بیشتر اوقات گریه میکنند. پژوهشگران (لیل و آیزنوررت، ۱۹۷۲) میانگین تایی، حدود چهار مورد سروصدا کردن یا گریه کردن در هر ساعت در طول نخستین سال زندگی، به دست آورده‌اند. ولی میزان زمانی که صرف گریه کردن در این دوره میشود متفاوت است. در سه ماه اول زندگی میانگین زمانی که صرف گریه کردن میشود تنها زیر هشت دقیقه در ساعت است ؛تد مقابل، در سه ماه آخر نخستین سال زندگی فقط میانگین چهار دقیقه در هر ساعت صرف سرو صدا کردن و گریه می‌گردد.

این پژوهشگران همچنین اثرات پاسخگویی اولیه به گریه کودک را یاد آوری کردند. آنان دریافتند که کودکانی که بعد از سه ماهگی بسیار سروصدا و گریه راه می‌اندازند، آنها‌هی هستند که والدینشان به گریه‌های اولیه آنان پاسخ نداده و یا با تأخیر پاسخ داده‌اند. وقتی کودکان یاد میگیرند که در گسالان به نیازهایشان پاسخ می‌دهند، به نظر می‌رسد که این توانایی را پیدا میکنند. که با شیوه‌های گوناگونی غیر از گریه کردن ارتباط برقرار کنند.

کودکان به انواع متعددی از تسلی‌ها و دل‌نارایی پاسخ می‌دهند. در سه ماهه اول ، کودکان را می‌توان با برداشتن و در آغوش گرفتن آرام کرد. مفیدترین استراتژی‌های بعدی، تغذیه و دادن بستک‌ها یا اسباب بازی به آنهاست. لکن، در آخرین ربع سال اول کودکان با بودن بزرگ‌گالی آشنا که نزدیک و مراقب آنها باشد، آرام می‌گیرند.

شناخت اجتماعی (Scial cgnitin)

شناخت اجتماعی به عنوان شیوه‌ای تعریف میشود که افراد دیگران را در دک و احساس میکند. تا ده‌های اخیر، کودکان دیرتر در مطالعات مربوط به شناخت اجتماعی در نظر گرفته می‌شدند چرا که فرض براین بود که آنان به سادگی کشف و واکنش نشان می‌دهند. لکن، اکنون پژوهشگران نقش سازنده‌تری را در مطالعه‌های اجتماعی به کودکان نسبت می‌دهند. از این رو مطالعه شناخت اجتماعی کودکان گسترش پیدا کرده تا از آن طریق دلایل رفتار کودکان کشف شود. این قسمت بعضی یافته‌های اخیر را در باره خاستگاه‌های درک اجتماعی و نیز در باره توانایی کودکان در تعیر و تفسیر هیجانات دیگران نشان می‌دهد.

خاستگاه‌های درک اجتماعی

ماریکل لم (۱۹۸۱) خاستگاه‌های درک اجتماعی را تا نخستین ماه‌های زندگی ردیابی کرده است. کودکان با گریه کردن ناراحتی خود را نشان می‌دهند و اگر پاسخ بزرگسالان این باشد که آنها‌را جابجایی برادرند تا از ناراحتی‌هایشان کشف کنند، در این جا یادگیری اجتماعی مهمی صورت می‌گیرد. غالباً کودکانی را که از جابجی بر می‌دارند و آرام می‌گرد، حالت هوشیارتری آرامی را کسب میکنند و با علاقه به فرد بزرگسال نگاه میکنند. کودک به طور همزمان صدای فرد بزرگسال را می‌شنود و تماس او بر وهی منحصر به فرد را تجربه میکند. تکرار توانایی ناراحتی کودک و در پی آن دهایی ازاداین ناراحتی به کودکان اجازه می‌دهند تا مفاهیم فرد زبانی بزرگسالانی را که پاسخگویی آنانند، گسترش دهند. آنان همچنین یاد میگیرند که بعد از ناراحتی رفتار حالت زبانی را داشته باشند یعنی آنچه را که اربکسون از اعداد اولی در نظر دارد.

مردم آمیزی کودکان در زمانی که توانایی ناراحتی - روحایی قابل پیش بینی است به سه طریق تقویت میشود. نخست، کودکان می‌توانند انتظاراتی را در خصوص پاسخ‌های بزرگسالان پیدا کنند. دوم، بزرگسالان با حمایت کودکان برای وهایی از ناراحتی ناخواسته‌ند و منجانبی به آرامش خواهند، در حصد برقراری روابط مثبتی با آنان بر می‌آیند. و سوم، کودکان تدریجاً در میدانج افراد کنارآیی هستند که می‌توانند با طلب حالت زبانی از فرد بزرگسال کنترل بخشی از تحریبات خود را به دست بگیرند، این حس کنارآیی اولین پایه‌های پاسخ‌های خود پندارconcept-self است.

لم (۱۹۸۱) اظهار داشته است که در دک اجتماعی کودکان تا زمانی که به یکسالگی می‌رسند نسبتاً پیچیده است. از آنجا که در دک اجتماعی در نتیجه تجربیات خاص هر کودک بالا می‌رود، کودکان به لحاظ انتظاراتشان ازبردم شدت تا هم متفاوتند.

ادراک هیجانات

طی سال اول زندگی، کودکان نسبت به حالات چهره افراد پیرامون خود حساستر و درکنان نسبت به آنها بیشتر می‌شود. برای مثال، کمپوس Camps و استنبرگ (۱۹۸۱) Stenberg از پژوهشی گزارش می‌دهند که سه سطح را در واکنش‌های کودکان در برابر اطلاعات به دست آمده از حالات چهره افراد مطرح می‌سازد. سطح اول تا تولد تا سه ماهگی را در بر می‌گیرد و با واکنش‌های مشابه در برابر هر نوع حالت چهره مشخص میشود. پژوهشگران گزارش می‌دهند که کودکان در این سن در برابر چهره‌های خشنگی و صمیمی به طور یکسان لیخند می‌زنند. بعضی از پژوهشگران چنین می‌دانندند که تمایلی کودکان عرومال به واکنش مثبت در برابر چهره‌ها، صرف نظر از حالات آنها، می‌تواند نتیجه اطمینی داشته باشد، به این مفهوم که به رشد واکنش‌های مطمئن گشنگ کند.

سطح دوم از سه تا هفت ماهگی ادامه دارد. در سطح دوم، کودکان تدریجاً می‌توانند برخی حالات چهره افراد را از سایر حالات تشخیص دهند. پژوهش‌ها نشان داده است که کودکان در این سن می‌توانند حالت تعجب را از حالات غم و شادی، خوشی را از خشم و حالات ترس را از شادی تمیز دهند.

سطح سوم در هفت ماهگی آغاز میشود و به صورت زیر با سطح دوم تفاوت پیدا میکند: کودکان اینک نه تنها حالات چهره و تشخیص می‌دهند بلکه به شیوه‌های جهانی گوناگون نیز واکنش نشان می‌دهند. برای مثال، کودک کتبی که بخش پایانی سال اول زندگی خود را می‌گذراند؛ در برابر چهره‌های خشنگی و شگننج هیجان منفی بیشتری را نشان می‌دهند تا در برابر چهره‌های شاد و خنثی.

توانایی رشدی که این پژوهشگران ارائه می‌دهند، براین دلالت دارد که کودکان می‌توانند اطلاعات راجع به هیجانات سایر انسانها و رفتارشانند بر اساس آن عمل کنند. کودکان، درست قبل از اولین سالگرد تولد خود، با هیجانات افرادی که به تعامل با آنان

میردازند هماهنگ میشوند.

خلق و خو (**temperament**)

خلق و خو شیوه منحصربه فردی است که شخص با افراد و موقعیتها ارتباط برقرار میکند. با اشاره به ویژگیهای خلق و خوی کودکان، اغلب نظریه‌نریز از والدین و دیگران شنیده میشود:اوهرگز آرام نمیگردد. پرتلاشترین کودکی است که تاکنون دیدم.ام‌سر ساعت معینی گرسنهش میشود:اواینک ننگه م‌ه است!او خودش را با برانهمهای متغیر ما خلقی خوب تطبیق میدهد، ازهمگام توئند، تفاوت‌های شخصیتی از نظر ویژگیهای خلق وخویش در کودکان نمایان است.

آیا هیچ اساس علمی برای نسبت دادن چنین ویژگیهایی به کودکان وجود دارد؟
آیا این ویژگیها در طی زمان ثابت میمانند؟
طبق مطالعاتی طولی در نیویورک از **توماس A. Chess** و **چس** (۱۹۸۰)، ویژگیهای ششزوی وجود دارند که بلافاصله بعد ازتولد قابل مشاهدهاند. در این مطالعه که در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شد و هنوز ادامه دارد، کودکان در زمان تولد تا طی دوره بزرگسالی مشاهده میشوند. پژوهشگران اظهار میدارند که طی این سالها خلق و خوی کودکان ثابت میماند.

مطالعه طولی نیویورک در نحو را پایه مقوله مشخص کرده است. ویژگیهای خلق و خویشی کودکی خاص به طور مستقلی از یکدیگر، متفاوت است. یعنی در هر مقطعی، ویژگیهای خلق و خویشی کودکی معین ممکن است در هرجایی در یکم محدوده خاص قرار گیرد. فهرست موقعیتهای بزبور بدین قرار است:
۱- مسطح تاقاق- برخی کودکان ظاهراً در پیامون خود خیلی حرکت نمیکنند. روی بدن آنان در وقت خواب میواند پوشیده بماند وحشی هنگامی هم که بیدار می شوند پوشیده میمانند. از سوی دیگر، کودکانی که تحرک زیادی دارند ظاهراً آرام ندارند. بکنه کودک بپر تحرک ممکن است حتی در نخستن روزهایی بعد از تولد، نام جملش را بالا بکشد.
۲- نظم بخوشی کودکان در دومین یا سومین هفته زندگی به برانه نسبتاً منظم خو میگردند. آنان ظاهراً در اوقات منظمی گرسنه میشوند، با آنگری معینی میخورند، و در فواصل مشابهی عمل دفع انجام میدهند. در مورد سایر کودکان تنهاروزو رفتارهای غیر قابل پیش بینی آنان قابل پیش بینی است.

۳- میل یا بی میلی. در ابتدا، اکثر قریب به اتفاق تجربیاتی که کودکان کسب میکنند جدید است، و این مقوله به نوع پاسخ آفازین کودک در برابر موقعیتهای جدید اشاره دارد. کودک مایل " **approaching infant**" را تجربیاتی نظیر اولین حمام در خانه موافق است. کودک نمی مل " **withdrawing infant**" است.سکون است بشدت از حمام بگریزد یا تازو نوازش فراموشی برای این نوع کودکان لازم است.

۴- الحاق پذیری یا تغییرات. وقتی امور عادی به طریقی دستخوش تغییر میشود نظیر شیر خشک جدید، برنامۀ تعطیلات، بخوشی کودکان بدون هیچ کوشش آشکاری خود را با تغییرات تطبیق میدهند. کودکان دیگر امور عادی خود را به آسانی تغییر نمیپذند؛ این کودکان به زمان کافی و شیوهای تدریجی نیاز دارند تا با هر گونه شرایط الحاقی بماند.

۵- مسطح آستانه حسّی. برخی کودکان در زمان سرسودایی برداشتن میوانند بخورند، به خویش بودن خود ترجیحی ندارند، حرکت تخت خود را ناپذیده میگردند، و در زمانی هم که برق روشن است به خوابیدن ادامه میدهند. سطح آستانه حسّی این کودکان بالاتر یعنی آنان در همه حالات از کودکانی که دارای سطح آستانه حسّی پایینی هستند، حسّاس‌تر نشان میدهند. کودکان نوع دوم در برابر سرسودا، حرکات یا نوربیدار میشوند و ممکن است به دلیل خویش بودن پوشکشان یا ناراحتی بیخ بکشد.

۶- حاد حیلث یا مثنی. کودکان همین حثت که طرز لحنشد زدن و ضووفون کردن را یاد میگردند بیشتر اوقات از این رفتارها با بروز میهند. کودکان مثنی نسبتاً بیشتر اوقات رفتارهایی نظیر آرازمی کردن، گریه راد انداختن را بروز میدهند.

۷- شدت پاسخها. این مقوله بیانگر آن اثرزی است که به کمک آن رفتارهای گوناگون بروز میکند. بکنه کودک کمک ممکن است از لحاظ بروز شادی یا خصمیت دارای شدت عمل باشد. اولین باری که غموم هویج را میچشد آن را تفت میکند. کودک دیگری با خلق هوعوی زجر هوهیجایی را که تنهاخورد از گوشه نش بیرون میروند.

۸- حواسپرستی. برخی کودکان، حتی اگر حسّاس باشند به غذا بخورند یا سایر اعمال خود در مجاورت بسیاری از مناظر و سرسوداها ادامه میدهند. تجزّوای این کودکان به آسانی برت نمییوند. کودکان حواسپرست به اولین سرسودا یا منظره جالبی جلب میشوند.
۹- اصرار. کودک تمصر به یکیدن سر شیشهای که ممکن است تنهاو کش گرفته باشد ادامه میدهد یا مدتی طولانی به شیر متمرکی که در هوا حرکت میکند توجه میکند. کودک غیر متمرک از سر شیشه نگاه را رها میبازد و به آن شی متحرک تنها نظر منحصری میبازد.

از این با مقوله خلق و خو، پژوهشگران مطالعه طولی نیویورک الگوهای گوناگونی را مشخص کردهاند. (توماس و چس ، ۱۹۸۱). با مشخص کردن کودکان طبق سه مورد از این الگوها میتوان پیش بینی کرد که آیا والدین هیچ نیازی به کمک تخصصی احساس میکنند یا خیر:
(۱) منظم (آسان) مثبت، (۲)دشواری، نامنظم، و (۳)پرورش احضا بی میل در موقعیتهای جدید. اگر اغلب والدین کودکی را طبق ویژگیهای خلق وخویش معارفش میداندند، آیا کودکی را با آنگری بکنه، دود یا تب انتخاب میکردند؟ پیش از همه، با کدام کودک ایجاد دلنشگی آسان است؟ میشود.

پژوهشگران برای سالها الگوهای ارتباطی و رشد اجتماعی در طفولیت را عمدتاً از دیدگاه رفتار روزگاران نسبت به کودک مطالعه میکردند. یافتههای مطالعه طولی نیویورک نیاز بیشتر را به مشاهده نشان میدهند و زمینههای خلق و خویشی کودکان را گوشزد میکنند. افرادی که با کودکان به تعامل میروند نه اطلاعاتی در باره تفاوتهای خلق وخویش وجهانیهای در ارتباط با کودکانی که دارای دو الگوی آخری هستند نیاز دارند. تاثلو ۲۵۸ اطلاعاتی در باره چگونگی تعیین الگوهای خلق وخویش و طرز عمل با این الگوها را به دست میدهند.

انزات اشتغال والدین

خانواده امستی؛ که شامل مادر غیر شاغل، پدر شاغل، وکودکان میشود، هرگز آن گونه که گاهی تصور میشود، مطلوب و خوشایند نیست، بلکه آمار نشان میدهد که تنها ۲۳ در صد خانوادهان امریکایی اینکه با آن الگور تطبیق میکنند (الم، ۱۹۸۲). در خانوادههایی که پدر و مادر هر دو حضور دارند تعداد زانی که در خارج ازخانه کار میکنند در حال افزایش است. در ۱۹۸۰، ۳۴ درصد مادران با کودکانی زیر شش سال نیروی کار بودند(اداره کار ایالات متحده، ۱۹۸۰). بسیاری از مردم پیش بینی میکنند که تا ۱۹۹۰، بیش از نیمی از این زنان مشغول کار خواهند شد.

در خانوادههایی که از پدر یا مادر تنها یکی حضور دارد، آن که سرپرست خانواده پیامت معمول شاغل است. این فرد، خود زن باشد یا مرد، معمول دچار فشار روانی و خشکی بیشتری است نسبت به هنگامی که همسرش برای به عهده گرفتن مسئولیتها یا شرکت در تصمیمگیریهای روزانه در خانه حاضر است. هنگامی که سرپرست خانواده زن باشد، وی با فشارهای اقتصادی نیز مواجه است، چرا که حقوقی که او میگیرد، از حقوقی که بکنه مرد دروازی انجام همان کار دریافت می کند کمتر است.

نابود شد-۳ استراتژیایی برای تسهیل رشد:

شناسایی الگوهای خلق و خویشی و پاسخهایی به آنهاکودکان منظم / آسان / مثبت در هنگام گرسنگی یا رضایت رفتار معدولی بروز میدهند.نژودن این که خواستار برت شود، به طور بیوسه فلما میل میکنند نژد الگوهای خوردن، خوابیدن، و دفع منظم هستند. نژد تجربیات جدید علاقه و شادمانی نشان میدهند.

کودکانی با این خلق وخو به مراقبتی نیاز دارند که نیاز آنها را به توجه و تحریک به یاد آورند. این نوع کودک آن قدر بی توقع است که این امکان وجود دارد که بزاهای روزگاران ازاولویت زبانی برخوردار شود.

کودکان دشوار / نامنظم در هنگام گرسنگی یا خصدای بلند گریه میکنند. لوفتی سیر میشوند. غذا را رد میکنند. نهالته غذا میخورند ولی به آسانی حواسشان برت میزند. نژد الگوهای خوردن، خوابیدن و دفع نامنظم هستند. نژاد غذاهای جدید یا تجربیات جدید دیگر اشتاع میورزند زتها به طور تدریجی خود را تطبیق میدهند.

کودکانی با این خلق وخو به مراقبتی نیاز دارند که در پاسخهایناهنجور و انتظاف پایر باشند و فشارهای ناشی از وجود ملاقات کنندگان و تجربیات جدید را کنترل کنند. این کودکان ممکن است زیاد گریه کنند. نژد مراقبان کودکان دشوار و غیر منظم باید این امتیازان را پیدا کنند که تقصیر از آنان نیست،اگر با تمام کوشش خود نمیتوانند کودکان یاد شده را آرام کنند.

بیکردن دیرجوش / احضا بی میل وکنشهای معدولی را نشان میدهند، از تجربیات جدید کنار میکشد.

کودکانی با این خلقوخو به مراقبتی نیاز دارند که به آرمی زبمه آشنایی با تجربیات جدید را فراهم آورند. این کودکان را نباید تحت فشار گذاشت که سرش را در اسختر شنا فرود یا در پارک به گزوه بپورند. فشار وارد آوردن موجب صرفه رفتن بیشتر این کودک خواهد شد، اگر ولی را روی زانوی خود قرار عیده فرصتی مییابد که خود در کاری اقدام کند.

جدوده شصت درصد کودکان ظاهراً تابع یکی از این الگوها هستند. چهارصدسه باقیمانده خلق وخویشی دارند که در گریزنده متولههایی به طرق دیگری است به طوری که احتمال کمی وجود دارد که آنان و خانوادههایشان تحت توجه متخصصان مدد کاری قرار گیرند.

مشکلات ناشی از الگوی اشتغال والدین نه در خانواده و نه در محل اشتغال بلکه در تعامل میان آن دو نهفته است. تحقیقات (الم، ۱۹۸۲) نشان داده است که برای مادران شاغل بیشتر احتمال دارد که کودکانشان دارای دلنشگی غیر مطمئن باشند تا برای مادران غیر شاغل. ولی وقتی که گروه مادران شاغل به دو گروه فرعی تقسیم شود - آنان که به اشتغال اهمیت میدهند و آنان که به خانواده واشتغال هر دو اهمیت میدهند، معلوم میشود که مادران متعلق به گروه دوم دارای کودکانی با دلنشگی مطمئن هستند. بنابراین اشتغال فی نفسه فقط یکی از عواملی است که بر جریان رشد کودک تأثیر میگذارد. در واقع در مطالعه مشابهی (فول ، Farel ، ۱۹۸۰) پژوهشگران دریافته که کودکانی که خود را کم تطبیق میدهند آنهاهی هستند که مادرانشان در خارج از خانه شاغل نبودند ولی به اشتغال تمایل داشتند. چه والدین در خارج از خانه شاغل باشند چه نباشند، چه والدین با هم زندگی کنند چه نکنند، رشد کودک عمدتاً از تعاملهای پدر یا مادر یا فرزند و ازکیفیت و پایداری مراقبان جانشین والدین متأثر است. پژوهشهای انجام شده در بروما نشان داده است که تفاوتیهای موجود در کیفیت محیطی مراقبت روزانه بر رشد زبانی، اجتماعی، وهیجانی کودکان بسیار خردسال تأثیر میگذارد (امک کارتنی Mc Cartney ، اسکارد Scarr ، فلیس Phillips ، گراچک Grajak ، و شواریز Shwarz ، ۱۹۸۲).

انتخاب موبومی یا حضور مراقبان جانشین یکی از تصمیمهای چالش انگیز و دشواری است که پدر یا مادر شاغل اتخاذ میکند. تاثلو ۴۵ به سه پرسش عمومی در باره مراقبت روزانه کودک پاسخ میدهند: چه وقت، چه کسی، و کجا؟

نابود شد-۴ استراتژیایی برای تسهیل رشد: مراقبت روزانه کودک

کودکان به طور روزوفزون در خانوادههایی که بکنه نفر از والدین شاغل است و یا هر دو شاغلند به دنیا میآیند. در این موارد و سایر موارد دیگر، غالباً در زمانی که والدین به کار اشتغال دارند به مراقبت روزانه نیاز هست. در تصمیمگیری برای تدارک مراقبت از کودک، سه پرسش عمده عبارتند از: چه وقت، چه کسی، و کجا؟چه وقت ؟ بسیاری از پزشکان اظهار به دوره بعد از تولد به صورت یکی از مواردی میگردند که باالثقو وارد فشار روانی برای والدین است. والدین غالباً دور از خانواده گسترده خود به سیر میرند و حمایتیهای اجتماعی اندکی به صورت کمکهای جانشین به والدین برای پاسخگویی به نیازهایی خود و کودکانشان وجود دارد. علاوه بر این، تا حدود ده هفتگی، مسئله اعصاب کودکان، آنان را آماده میبازد تا در برابر تنش وتحریک بسیار حسّاس باشند. کودکان غالباً با گریه که تقویت کننده پاسخ و تاوتوتی در والدین است واکنش نشان میدهند.

تا ماه سوم، مسئله اعصاب کودکان رشد یافتهتر میشود. لحنشد زدن ، غن و فون کردن، و سایر رفتارها پس خوراندن متنی برای والدین محسوب میشود. بنابراین، بسیاری از پزشکان اظهار توصیه میکنند که تدارک مراقبتهای متناوب از کودک تا پایان ماه سوم آغاز نشود. هر چه بیبزند میان پدر یا مادر با کودک استوارتر باشد، رابطه دراز مدت آنان احضا مثبتتر است. از سوی دیگر، اگر پدر یا مادر برای چند نوبت طولانی در روز از کودک جدا شود، به طوری که پدر یا مادر همچنان احساس کند که هیچ پس خوراندن متنی از سوی کودک دریافت نکرده است، والدین ممکن است بعدها حتی رفتایی با مراقبان جانشین پیدا کنند. این روایت پروژه در صورتی شدید میشود که رفتارهایی نظیر لحنشد زدن و غن و فون کردن، یا موقیبت مراقبت کودک محضوثی داشته باشد. گاهی والدین تا زمان ایجاد دلنشگی متقابل نمیتوانند رفتارشان بازگشت به سرکار باشند. در این موارد، مراقبان جانشین باید با مادر برابر شدهای کلامی و غیر کلامی احساسات والدین جانشین احساس کنند. مراقبان جانشین لازم است در نقش حامی رابطه پدر یا مادر با کودک آموزش روزهایی ببینند.

مورد دیگری که در زمان بندی قابل ملاحظه است، دوره‌های را در پایان سال اول زندگی کودک در بر میگیرد. برخی پزشکان اختلاف و پژوهشگران جنابیی والدین را با مراقبت جانشین در اوج دوره انگزتی در برابر تجربه جازر نیشمنداند. چه کسی و چگونه در اغلب نراس، مراکز مراقبت روزانه کنیاستند. در نتیجه اغلب والدین جاهلیی که مراقبان باقی میمانند این است که یا از یکی از بستگان به عنوان مراقب روزانه کودک استفاده کنند یا آن که کودک را به کسانی که مراقبت روزانه را در منزل خودشان تأمین میکنند، بسپارد. مراقب روزانه خانگی در خانه خودش از چهار کودک نگهداری میکند. علایم این خانها را دولت پروژه گزار داده یا به ثبت رساننده است. همسزین موردی که در انتخاب مراقب کودک باید توجه شود، ویژگیهای شخصی و تخصصی مراقب جانشین است.

۱- مراقبان باید نسبت به کودکان شکیبا و صمیمی باشند.
۲- مراقبان باید در کنار کودکان احساس خوشی و لذت کنند و هر رفتار کودک را با خشودنی پذیرند و با خشودنی تیز پاسخ دهند.

۳- مراقبان باید پرتزوی و از سلامت-خوبی برخوردار باشند و بیش از حد ددیمی یا تحریک پذیر نباشند.

۴- مراقبان باید نیازهای اساسی کودکان شامل نیازهای عاطفی و فکری را علاوه بر نیازهای جسمی درک کنند.

۵- مراقبان باید در برابر احساسات کودکان انعطاف پذیر باشند و آنها را درک کنند.

۶- مراقبان باید با فرهنگها، رسوم و زبانهای گوناگون کودکان آشنا باشند، آنها را پذیرند و تیز درک کنند.

۷- مراقبان باید به کودکان و والدینشان، صرف نظر از سابق یا شرایط خاصی که دارند، احترام بگذارند.

Adapted frm "Selectin f Staff" (pp. ۶۹-۷۲) by M.J.m, B. Persky, and D.S. Huntingtn, in The infants We Care Fr. (rev. ed.) edited by. L. S. Dittman, ۱۹۸۶, Washington DC: Natinal Assciatin fr the Educatin f Yung Children. Cpyright ۱۹۸۶ by the Natinal Assciatin fr the Educatin f Yung Children. Adapdy permisinn

خلاصهٔ ۱- رشد روانی -اجتماعی در تعیین کیفیت زندگی کودک امری بنیادی است.

۲- طبق نظر اریکسون ازبکسون اعضاد اساسی در صورتی ایجاد خواهد شد که نیازهای کودک به غذا و آسایش به طور سریع و همسان تأمین شود.

۳-موزونی ارتباط پدر با مادر یا کودک بر حسب جنس و فرهنگ پدر یا مادر متفاوت است.

۴-جان‌پرایی نشان داد که دل‌سنگی کودکان به افراد بزرگسال با علاقه یکسانی نسبت به همه افراد شروع میشود و طی چهار مرحله تا ترجیح افرادی مشخص و معمواد ادامه مییابد. جدایی طولانی مدت کودکان از بزرگسالانی خاص منجر به اعتراض، نومیادی و وارستگی میشود.

۵- پاسندگی اولیه به گزیه کودک تماماً بعداً به کاهش گزیه او می‌انجامد.

۶- کودکان در یاره حالات چهارم و سایر جنبه‌های درک اجتماعی در طول اولین سال زندگی درک بیشتری پیدا میکنند.

۷- نه مغزله مشخص خلق و خور امیران بلافاصله بعد از تولد مشاهده کرد.

۸- اشتغال والدین تنها یکی از عواملی است که بر رشد روانی -اجتماعی تأثیر میگذارد.

اصطلاحات کلیتاً بی‌اهمیت‌اند، عدم اعتماد دل‌سنگی شناخت اجتماعی-موزونی رابطه پدر-مادر یا کودک اعتراض-نومیادی، خلق و خور وارستگی، نگرانی، برادر برقیهها، وی مطالعه بیشتر (Attachment and lss (rند ed) (۱۹۸۲). AttachmentBwlbly, J. (۱۹۸۲). New York: Basic Bks Brazeltn, T.B. (۱۹۸۱). n becmng a family. The grwth f attachment New Yrk: Delacote-Seymour Lawrence.Fraiberg, S. (۱۹۷۷). Every child's birthright: In defence f mthering New Yrk: Basic Bks.TemperamentChess, S. Thmas, A. Birch, H. G. (۱۹۷۶). Yur child is a persn. A Psychcal approach t parenthd withut guilt New Yrk: Viking

۶

رشد جسمی کودکان

د روزان دقیقاً شبیه کودکان یکساله جسمی که برای نفع محصولات کودکان انتخاب میشوند نیستند. سرهایشان بزرگ است. شامل یک چهارم بدن آنهاست در مقایسه با یک هفتم بدن بزرگسالان - و گردنهایی دارند که هنوز به اندازه کافی رشد یافته است تا وزن سرهای بزرگ را تحمل کند. آنان صورتها و گوشههایی گرد دارند، در واقع شکلبدنی ظاهری آنها طوری است که ممکن است در بزرگسالان محرک پاسخهای تریشی ذاتی شود (برازلتون، ۱۹۸۱). نوزادان متعددی ویژگیهای بدنی مشابه دارند. پوستشان بزرگترند، به طبع میسرند و با موی کرکی شکلی به نام کرک جنینی پوشیده شده است. جلاص پتزی سفید رنگی روی پوستشان جمع شده است تا آن را از مایع آمینوتیک پیرامون آن محافظت کند و در طول تولد موجب افزونگی آن شود. سرهایشان ممکن است کوچکتر باشند، زیرا استخوانهای مربوط در طول فرایند تولد متناصب یا اندازه لگن مادر جمع شده‌اند. جنین جمع شدگی یا قالبی ریوی به دلیل فشارهای باز داخل سر به نام ملاح امکان پذیر است. در طول هفتهای اول زندگی- کرک جنینی وچلای پتزی بایدبند میشوند و سر گردتر میشوند. ملاحظه‌معمور در سال اول زندگی بسته میشود. تحولات فیزیولوژیکی مهمی در طول هفتهای بعد از تولد روی میدهد. کودک برای زندگی در خارج از رحم لازم است که هوا تنفس کند، دهان بدانش تنظیم شود، تحریرک را دریافت و پردازش کند، غذا را هضم کند، مواد زاید را از طریق کلیهها و رودهها دفع نماید. به دلیل اهمیت تحولات در هفتهای اول زندگی، این هفتها عنوان خاص خود یعنی دوره نوزادی را دارد. تحولات مزاجی انسان دوره نوزادی و اولین سالگرد کودک روی میدهد. این فصل نگرشی دادر بر رشد جسمی در نخستین سال زندگی و قلبیهای حسی نیازناها بطرح هوشیاری یملائم رشد جسمی توتغذیه بهداشت و ایستی مورد توجه قرار میگیرد.

قلبیهای حسی نوزادان

در بررسی بعضی از یافتههای مربوط به کلیات جسمی کودکان خردسال توجه خاصی به آن طرحهای تحقیقاتی شده است که دانش ما را از مسخهی که ویلیام جیمز (WilliamJames) تقریباً در یک قرن پیش بدان دست یافت، افزایش داده است. جیمز حالت روان شناختی کودک را به طریق زیر توصیف کرده:کودک به طور کلیهائی تحت هجوم چشماند، گوشهها، بینی، پوست و امعاء اشخا قرار میگیرد. و همه اینها تحولی عظیم، و سراسریمکی بر او حجتی را به وجود میآورند، توصیف کودک را در این کتاب اساساً با توصیف جیمز تفاوت دارد.

نیاسی

یکی از هیجانانگیزترین کشفها در مورد کودکان عبارت از این است که بنیادی آنان در برمان تولد کام رشد یافته است. وقتی به نوزادان شبیه فرمز ما زرد رنگی در فاصله تقریباً نوزاده، اینچی نشان داده شود، آنان هوشیار میشوند و بتدریج توجهشان بدان معطوف میشود. اگر این شبیه آهسته آهسته از سوی به سوی دیگر حرکت داده شود، آنان با چشمان و حرکات سر خود آا را دنبال می کنند (برازلتون، ۱۹۸۱).

نوزادان نه تنها می توانند بینند بلکه می توانند شکلها و الگوها را نیز تشخیص دهند. پژوهشگران دریافته‌اند که کودکان صوماً به چیزی که تا کتون دیده‌اند، مدت طولانی‌تری می کنند تا به چیزی که به آن آشناییند و آنان مدت طولانی‌تری به نور چشمک زن نگاه میکنند تا نور یکضاحت، یا مدت طولانی‌تری به الگوی چند نقطه نگاه میکنند تا به سطحی سفید و خالی. با استفاده از این اطلاعات، پژوهشگران با اندازه‌گیری مدت زمان نگاه کردن کودکان به یک شیء، می‌توانند دریابند که آیا آنها می‌توانند شکل یا الگویی را از دیگری تشخیص دهند. با خیر برای مثال، ممکن است به کودک پردهای نشان داده شود که روی آن شکل یا الگویی ممکن گردد. اویشا علاقه نشان میدهد و با چشماند درخشان خیره میشود. سپس آن شکل یا الگر تازگی خود را دست میدهد. علاقه کودک به آن از میان می‌رود، نگاهش را بر می‌اندازد و با بی علاقهگی نشان میدهد. در این نکته پژوهشگران (روی مثال، اسپکنگ، ۱۹۸۵) می‌گویند که کودک به دیدن آن شکل یا الگر خیر گرفته است، وقتی که یک شکل یا الگویی دیگر به او نشان داده میشود، اگر کودک مدت طولانی‌تری به آن خیره شود، آنگاه این مدت طولانیتر ممکن استده این درک است که چیز تازه‌ای پیش روی کودک قرار گرفته است. از سوی دیگر، اگر کودک مدت کوتاهی نگاه کند، میوان فرض کرد که او به چیز بدیع یا تازه‌ای توجه نکرده است، و بنابراین تفاوتی میان دو شکل یا الگر تشخیص نداده است.

اصل شوگیری برای این به کار رفته است تا تعیین شود که کودکانی که در هفته از تولدشان میگذرد، می‌توانند چه‌قدر مهارت خود را تشخیص دهند. برای هر یک از کودکان یکماهه تا هشت ماهه اشکال زیر هر یک به مدت یک دقیقه از پشت درجهای نشان داده شد: چهارم، چهارم، چهارم یک زن فریبه، چهارم مانکن یک فرغوشه و آکشنی صوتی رنگ داری بر آمدگیهای به عنوان دو گوش و یک بینی از هفته دوم به بعد، کودکان نشان دادند که مادرانشان را ازطریق توجه و رفتاری که از او می‌کنند، تشخیص میدهند. این کودکان به مادرانشان نسبتاً کمتر از سایر اشکال قابل رویت از درجهی توجه نشان میدادند. اغلب مادران از شنیدن این خبر خوشحال نمیشدند ولی وقتی آگاه میشدند که به دلیل آشنایی کودکان با آنان است که توجه کودکان به آنان کمتر شده است تسکین میلاوند. علاوه بر این، رفتار کودکان تماماً چنین نشان میداد که چهارم غیر پاسخده و مزوی مادر آن قدر با نوع تجربه آنان متفاوت است که برایشان آزار دهنده محسوب میشود. کودکان خردسالتر سعی داشتند که موقعیت را با نگاه کردن به چهارم مادر و سپس روی گرداندن از او کنترل کنند. کودکان بزرگ‌تر بی قراری می کردند، لیکنند میزدند، و گریه سر میدادند. فمعدشان این بود که رفتار مادر را تغییر دهند (کارپنتر Carpenter، ۱۹۶۶، استکلر Stechler، فریدمن Friedman، ۱۹۷۰).

مدت زمان فراموشی صرف بی بردن به ترجیح کودکان در دیداند بعضی چیزها شده است. آنان چه چیزهایی را مایلند نگاه کنند؟ فانتز (Fantz) اولین کسی بود که در مورد این سوال به تحقیق پرداخت. او به کودکان دو ماهه شش نوع دیسک نشان داد و متوجه شد که آنان به دیسکهای گوناگرد طولانی تر از دیسکهای ساده خیره میشوند و بیش از همه به دیسکی با چهار جسم نگاه میکنند. در این اثرش، شرود (Sherrd) ۱۹۸۱) پیست و شش نمونه تحقیقاتی ارائه داد که نشان میداد در هر سعی ترجیح میدهند به افراد نگاه کنند تا به اشیاء، تا دو مانگی ترجیح میدهند به چهرههایی واقعی نگاه کنند تا به نقش و طرحی از چهرهها تا سه مانگی ترجیح میدهند به چهرههایی جلدار (منحصر کنده، ناطق) نگاه کنند تا به چهرههایی غیر جاندار (آرام، ساکت) تا پنج مانگی ترجیح میدهند به چهرههایی آشنا نگاه کنند تا به چهرههایی نا آشنا.

سایر مطالعات در مورد چگونگی دیدن کودکان (ارنشتاین ۱۹۸۵، Brnstein) نشان دادند، که کودکان نه تنها می‌توانند رنگها را از هم تشخیص دهند بلکه می‌توانند آنها را به مغزالتی تقسیم کنند: رنگهای آبی، سبز، زرد، و قرمز. کودکان چهار ماهه به رنگی در میانه طول موج آبی در طیف نور خیره گرفتند. آنگاه به آنان رنگی با طول موج کوتاهتر نشان داده شد که بزرگسالان آن را همچنان آبی می‌نامند و رنگی با طول موج بلندتر که بزرگسالان آن را آبی -سبز می‌نامند. دو رنگ اخیر که در این آزمون به کار رفت، از حیث تعداد طول موجهایی یکسان با رنگ آبی اولیه تفاوت داشتند. کودکان با دیدن رنگ آبی، دو مدت بیشتر به آن خیره نشاندند، ولی در مورد رنگ آبی -سبز و رنگهای مشابه دیگر خیره گشتند. بنابراین پژوهشگران می‌توانند که کودکان طیف را به صورت مغزالتی رنگ تقسیم شده میبندند. هرچند که آن طیف واقعاً پوسته یی باشد، این مطالعه چالب این پرسش را بر میانگیزد که آیا توانایی طبیعتدی رنگهای طبعی است و تنها بعد از این است که باید به رنگها نامی نهاد (برنشتاین، ۱۹۸۵).

جنابیی

بسیار خواس نیز علاوه بر حبس بنیادی در نوزادان کام رشد یافته است. برای مثال، بعضی از جنبههای جنابیی در نوزادان همانند بزرگسالان جنابیی است. در یک مطالعه، به کودکان یک تا نه روزه سه تا پنج ساعت بعد از نغله به لیلی، شرطیهای با مقادیر متفاوتی غلظتهای گوناگونی از شکر خوردند. شد. جنین خوار شربت با غلظتهای متفاوت در یک بطری ریخته شده بود که برای متحن الگوهای مکیدن کودکان، در سر این طری پیستکی نیز نهارهات طراحی شده بود. پژوهشگران دریافتند که فشار متوسطی که بر پیستکها وارد می‌آید، مستقیماً با فیزیکی محلول افزایش مییابد. کودکان مطرح گوناگون شیرینی را می‌توانند تشخیص دهند واز میان آنها شیرینتر را ترجیح میدهند. (ولیس Wllis، کس Kessen، ۱۹۷۶).

^[1] در یک مطالعه، به کودکان یک تا نه روزه سه تا پنج ساعت بعد از نغله به لیلی، شرطیهای با مقادیر

^[2] متحن الگوهای مکیدن کودکان، در سر این طری پیستکی نیز نهارهات طراحی شده بود

یوایس

در یک مطالعه که اغلب از آن یاد میشود، پژوهشگران ا لیپسیت **Lipsitt** ، انگلی **Engen** ، و کای **Kaye** ، نشان دادند که حتی یوایس در روزهای نخست زندگی چگرنه پرورش مییابد. در زیر بینهای کودکان، پژوهشگران کهنشای کنتی حرکت میداننده که آشنته به یویی با هفت فلظفت گویانگرن بود که برای روزگسالان زنده به حساب میآید. پژوهشگران تشریفات حرکتی یا الگویایی تنسی را به منظور توجه کردن به واکنشهای کودکان اندازواگهیتری کردند.

کودکان در هر تنسی ترجیح میدهند. به صورت افراد نگاه کنند تا به اشیاء آنان دریافته که شصت درصد فلظفت لازم است که کودکان در روز بعد از تولد پاسخنی ابراز کنند. ولی فلظفتهای لازم برای واکنش کودک از تنسی درصد در روز دوم زندگی به بازنده درصد روز سوم و به دوازده تا سیزده درصد در روزچهارم زندگی تزل یافت. در مطالعههای مشابه، راسل **Russell** (۱۹۷۶) دریافت که کودکانی که از شیر مادر تغذیه میکنند از یوی لباس مادرشان سریعتر از خواب و میخیزند تا از یوی لباس زن دیگری که به آنان شیر دهد.

یوایس

یوایس

یوایس

یوایس

یوایس

یوایس

یوایس

شوایی ظاهراً در هنگام تولد بخوبی رشد یافته است، به طوری که هر فردی میتواند این امر را با دیدن کودکی که از صدایی بلند ترسیده است تصدیق کند. در واقع، گزارشهای حکایتگرانه‌ای در مورد کودکان وجود دارد که ظاهراً بعد از تولد، موسیقی یا صداهای دیگری را که پیش از تولد در جریان آن بودند، یاد میشناسند. لکن در این اواخر، پژوهشگران شروع به درک فرآیندهای پیچیده ادغام صداهایی کردند که با شنوایی همراه میشوند. برای مثال در یک مطالعه خوب طراحی شده پژوهشگران این نکته را بررسی کردند که آیا کودکان دو ماهه درزنهای صدا را درک می کنند یا خیر. پژوهشگران نطفه خوبی را به کار برتند . یعنی اگر توجه کودک به وزن بخصوصی کاهش یابد ولی با یافته شدن دژنی دیگر نتوانم یابد این امر نشانگر آن است که کودک به تفاوت آن توجه نشان داده است. پژوهشگران سه جفت وزن را تراشیدند، و کودکان تحت هر سه شرایط در درک تفاوتیهای الگوهای موزون مهارت داشتند (معنی **Demanly** . مکنزی **Mckenzie** ، و رویپوئث **۱۹۷۰** . **Vurpillit**). بزرگسالان اغلب با کودکان به بازیهای موزون میریزند یا با آواز خواندن آنان را آرام می کنند. این یافتههای پژوهشی نشان میدهد که چرا این روشها غالباً موفقیت آمیز است.

بازتابها و تواتن

بازتابها اصداً از کودکان است که تحت کنترل ارادی آنان نیست. در کتابهایی نظیر این کتاب، غالباً بازتابها جدا از سایر جنبه‌های رشد بحث میشوند و این تصور به وجود می‌آید که کودکان مجموعه‌ای از بازتابهای غیر منساز هستند. لکن این کتاب از روش براتلون (۱۹۸۱) پیروی می‌کند، مدین ترتیب که بازتابها را جزئی از تواتن کودکان توصیف می‌کند که با آن حتی به اولین برخوردهای خود با جهان نزدیک میشوند.

بازتاب کشنده‌کی طبیعی حلقه گرون

هر کسی که به ششدریازی اشتغال داشته باشد وضعیت خاصی بازتاب کشنده‌کی طبیعی حلقه گرون را یاد میشناسد. چهوه به یک سو میچرخد و دست و پایی که در آن سو هستند در امتداد بدن قرار میگیرند بدن به شکل لوسمی در امتداد چهوه واقع میشود و دست و پایی طرف دیگر در ناحیه آرنج و زانو خم میشوند. نوزادان را میتوان مشاهده کرد که اغلب سخت در تلاشند تا این وضعیت برسند. حرکت سر سبب بازتاب میشود و موجب میشود تا دستي که کودک رو به سوی آن دارد امتداد یابد و دست طرف مقابل آن خم شود. آنگاه نوزادان ممکن است تلاش کنند بر این بازتاب مسلط شوند و دست را به دهاان برسانند. چشمشانستار جستجوی هوشیارانه آنان را برای مناظر و صمداها در محیط نشان میدهد. کودکان در تقابلی به آشنایی با آنچه در پیرامون خود دارند فعال هستند.

بازتابیای گونه (rtng reflex) و مکیدن

نوزادان دارای بازتابیهای گونه‌های نوزمندی هستند که در اثر لمس کردن آرام گونهشان در اطراف دهان راانگخته میشوند. کودکان به سمت نسان رو میگردند و انگشت را در دهانشان میگیرند و شروع به مکیدن میکنند. قدرت مکیدن غالباً برای بزرگسالان شگفت‌انگیز است. همان طوری که احساسی کردن حرکات جداگانه دهان کودک برای بزرگسالان چنین است. مکیدن به طور موثر مجموعه‌ای از سه حرکت جداگانه را در بر میگیرد: مک زنی اثر مری، حرکت موزون در پشت زبان، و حرکت بالا و پایین از جلو زبان. در ایشاد، کودکان زمانی برای هماهنگ کردن حرکاتشان نیاز دارند. در روز سوم، اغلب کودکان حتی در شروع تغذیه با کازاری می‌تک میشوند. مواد استتازا کودکان آسیب دیده مغزی و زود رس هستند که برای یکپارچه ساختن حرکات مکیدن مدت بیشتری صرف میکنند.

الگوی مکیدن مکرر و متک (burst – pause pattern)

در ارتباط با بازتابیهای گونه و مکیدن، الگوی مکیدن مکرر و متک است که اغلب کودکان در هنگام تولد از آن پیروی میکنند. آنان ابتدا با پستان یا شیشه می‌تقغه شیر میکنند. ولی زمانی که گرسنگی اوله آنان برطرف شد از این الگوی پیروی میکنند که ده تا دوازده بار مک زنده و یکبار مک کش کنند. از این رفتار به عنوان ارتباطی تعبیر میشود که آن را کودکان برای جلب پاسخ بزرگسان به کار میبرند. طی این مکشها، بزرگسالان بافصد راخصی و ادامه شیر خوردن کودک توسط پستان یا پستانکه با حرکت میدهند. کودکان را آشنه امتداد میدهند، با وحیت و یا او را نوازش میکنند. براتلون (۱۹۸۱) طول مکشهای کودکان را تحت دو نرخ شرایط مطالعه کرد: وقتی که مادران پاسخ میدادند و وقتی پاسخ نمیدادند. او دریافت که وقتی مادر پاسخ نمیداد مکشها کوتاهتر بود. زمانی که مادر پاسخ میداد، کودکان مکشها را طولانی‌تر میکنند و ارتباط را ادامه میدادند. این مطالعه ظاهراً نشان میدهد که مکیدن مکرر و متک نمونه شیوه‌ای است که در آن با یک الگوی رفتار میتوان به برقراری ارتباط کودک کمک کرد.

بازتاب یابکین

یکی دیگر از بازتابیهای وابسته، بازتاب یابکین نام دارد. این بازتاب زمانی قابل مشاهده است که گونه کودک نوازش گردد. دست کودک در این سوی بدن کودک به صورت مشت در می‌آید و کودک بتدریج این مشت را به دهاان میرود. بازتاب یابکین را پزشکانه که با تجهیزات فراموت کار میکنند، حتی قبل از تولد نیز میتوانند مشاهده کنند.

بازتاب راه رفتن

نوزادان دارای بازتاب راه رفتن هستند، با وجود این که راه رفتن ارادی آنان تا حدود یک سال بعد آغاز میشود. بازتاب راه رفتن باحمایت کودک در وضعیت ایستاده به طوری که باهماش روی سطح صافی نظر تختخواب قرار داشته باشد پدید می‌آید. آنگاه کودک اندکی به جلو در بالای دست فرد بزرگسال خم میشود. تدریج کودک با قدمهای متناوب راه خواهد روزه. کودک این بازتاب را در حدود شش ماهگی از دست میدهد و در این زمان حرکاتی مشابه و در عین حال ارادی تری بتدریج ظاهر میشود.

بازتابیای قرار گرفتن ، یابسنکی و چنگ زدن

بازتاب قرار گرفتن در اثر راست نگه داشتن کودک و لمس کردن قسمت بالای باهای او پدید می‌آید. ناحیه کشاله ران در کودک خم میشود که این خمیدگی به باها میرسد و انگشتان پا را کشیده و جمع میکند. یک بازتاب وابسته دیگر بازتاب یابسنکی نام دارد که با لمس کردن کف باهای کودک، انگشتان باهایش گشوده میشود. حرکت قرار گرفتن میتواند دست کودک نیز ژید آید. به شرط این که پشت دست کودک لمس شود. با این بازتاب چنگ زدن، کودک میتواند با شدتی شگفتانگیز یک انگشت یا یک شئی را در دستش نگهدارد.

بازتاب راه رفتن از تولد تا حدود شش ماهگی وجود دارد.

بازتاب مورو

کودکان نیز دارای نوعی بازتاب یکه خوردن هستند که بازتاب مورو نام دارد که چنانچه سر کودک سریعاً به عقب بيفند یا دچار انحراف دیگری شود، پدید می‌آید. در حالت واکنش، کودک دست و پایش را امتداد میدهد و سپس مثل حالتی که چیزی را میخواهد در بل بگیرد، آنها را به طرف بدن جمع میکند.

واکنشهای حفاظتی

از هنگام تولد، کودکان بطور غریزی اقداماتی انجام میدهند تا از خفه شدن آنها در زیر پتو در هنگام خواب جلوگیری شود. وقتی پتویی چهوه کودکی را میپوشاند، کودک بعمو سر خود را فعالیتها از طرفی به طرف دیگر حرکت میدهد. اگر آن حرکت پتو را جابجا کند، کودک دستپاشی را متناوباً به چوهایش نزدیک میکند تا پتو را کنار بزند.

وقتی بزرگسالان برای پدیده آوردن این بازتابها یا کودکان بازی میکنند یا برای پدیدن آن بازتابها کودکان را مشاهده میکنند، کتابت‌های واقعی کودکان را که با آن به این جهان گام مینهند در مییابند. کودک مشتتاً در تقابله با فرد بزرگسال موجودی درماتده است، ولی در هنگام تولد از نوعی توانایی برخوردار است که با کششها و واکنشهایی تلاشهای بزرگسالان را برای مراقبت از خود هدایت کند.

سطوح هوشیاری

فرض کنید که پدر یا مادر سعی دارد با کودک نوازش بازی کند و کودک در پاسخ چشمش را محکم میبندد. آیا پدر یا مادر باید احساسی غم یا افسردگی کند؟ این چنین نیست، و این پدر یا مادر با درک سطوح هوشیاری قابل انتظار در ظولیت احضا آسوده خاطر خواهد شد. با این آگاهی، او میتواند اوقات بازی خود را به گونه‌ای برنامهریزی کند که با چرخه خواب و بیداری کودک هماهنگ شود. سه بخش چرخه خواب و بیداری کودک عبارتند از خواب عمیق **sund sleep** ، خواب با حرکت سریع چشم آر. آی. **REM sleep** ، و هوشیاری **alertyness** .

خواب عمیق

در خواب عمیق کودک از مناظر و صداهایی که در محیط پیرامونش وجود دارد آگاه نیست. تنفس او منظم و چشمش را کام بسته است. غالباً هر چند وقت یک بار حرکتی حاکی از یکه خوردن ری به چشم میخورد که الگوی تنفس او تا متوقف مسازد و سپس همانند قبل به تنفس عمیق ادامه میدهد.اگر لامپی روشن شود یا

تالیل جسامتاززیبایی برای تسهیل رشد تمرین با کودک

لوی **(۱۹۷۳) Lévy** ، یکد روشنه تمرین را برای والدین در ارتباط با کودکانشان ارائه داده است تا والدین از کتابت کودک خود آگاهی یابند و در کنترل او احساس آسودگی کنند. در سه ماهه اول، تمرینها براساس آریبدن جسم کودکان اسوار است. ازسه تا

شش ماهگی تمرینها کودکان را برای وضعیت نشسته آماده می سازند. و از شش تا دوازده ماهگی، تمرینها شامل حرکات گوبالگونی است و کودکان را برای وضعیت ایستاده آماده می سازند. در زیر نمونه‌ای از تمرین آرمیدگی جسم کودک آورده شده است:
وضعیت جسمی : کودک را به پشت به طور صاف روی میزی پوشیده از ایر امنجی قرار دهید.

هدف : باز کردن دست کودک با شل کردن شانه.

با **خسرپه‌ای** مطوم طرح به شل کردن بدن در سطح شانه کنید و این کار را به آرامی تا دستها ادامه دهید. بازوی کودک را به آرامی بالا و پایین بیندازید و وقتی کودک دستش را باز کرد، دست و بازوی دیگر او را آزاد نگذارید.

Adapted by permisson f Panthen Bks, a Divisin f Randm Huse, Inc. frm The Baby Exercise Bks Fr the first Fifteen Mnths (PP. ۱۰۰-۱۱۰), **by Dr. Janine Levy, trslated by Dr. Hermina Benjamin** Cpyright ۱۹۷۳ by William Clins Sns Ltd

ی سرورصدایی به وجود آید، کودک معمولاً می‌تواند آن را نماند؛ بگذرد. حتی اگر مزاحمت کوتاه‌تری نیز برایش باشد، کودک بدون این که واقعاً آزارواب پیدا شود به حالت خواب عمیق همچنان ادامه میدهد. بنابراین برای اغلب کودکان در طول زمان خواب ضرورتی بندهار که والدینشان روی سرپه‌ها در آورند. کودک معمولاً می‌تواند سرورصدای زیاد یا نوری را که در پیرامونش وجود دارد بدون لطمه خوردن به خوابش تحمل کند.

کودکان زودرس نسبت به کودکان رشد یافته دوره‌های خواب عمیق کوتاهتر و کم تازتری دارند. کودکان زودرس کمتر قادرند مناظر و صداها را نماند بنگرند و بیشتر تحت تاثیر آنها پر آشفته می‌شوند. والدین کودکان زودرس یا مثلاً به فشار نروایی نسبت به کودکان طبیعی به محیط قابل کنترلی‌تری نیاز دارند.

خواب آرای ام

حرکت سریع چشم (آر ای ام) مرحله‌های آزارواب را مشخص می‌سازد که مرتباً با خواب عمیق نوزادان جایگزین می‌شود. به همان ترتیبی که در بزرگسالان به چشم می‌جورد. مرحله خواب (آر ای ام) حدود شصت درصد کل خواب را در نوزادان تشکیل میدهد. در طول خواب آر ای ام، کودکان ناآرامش و تحریک پذیریتر از زمانی هستند که در خواب عمیق به سر می‌برند. بنابراین، در فاصله میان تولد تا بزرگسالی هم مقدار خواب آر ای ام وهم نسبت آن در برابر کل خواب کاهش می‌یابد.

هوشیاری

مناظر و صداها‌ی جذابآب کودکان را از حالت خواب به یک حالت انتقالی و سپس به حالت هوشیاری کامل می‌رساند. حساسیت بزرگسالان در برابر نشانهای کودکان که در ارتباط با رشد روانی اجتماعی مورد بحث قرار گرفت، در نبل کودکان به هوشیاری و حفظ آن بسیار اهمیت دارد. گاهی در دوره انتقالی کودک سرورصدای به راه می‌نمازد و اگرچه ممکن است کردن انرژی کودک را آزاد میکند و سپس با نشلی دادن بزرگسالان، کودک را به حالت هوشیاری در می‌آورد. نقش بزرگسالان آرام کردن کودک و اجازه تعامل دادن به او است ولی نه این که به کودک آن چنان وضعیتش تحمیل شود که وی در برابر پاسخی بسیار محرک به حالتی انتقالی بازگردد.

با کودکان زودرس یا کودکی که در آسناحه حسنی پایشی قرار دارند باید بدقت و صبورانه رفتار شود. این کودکان ممکن است بسیار گریه کنند و به خواب نروند؛ گویی که جهان بیرون را نمی‌پذیرند و لازم است که والدین برای برقراری ارتباط با کودکان، با آنان در زمانی که بیدار هستند به آرامی رفتار نمایند. در طی زمان، این کودکان حساس توان بهتری پیدا میکنند تا تحریکات را کنترل نمایند.

این سه قسمت چرخه را کودکان در فواصل هر روز و شب تجربه میکنند. یک نوز بزرگسال که بدقت مشاهده کند می‌تواند اوقات بازی مناسبی را برگزیند که به تحریکات مثبت متقابل می‌باشد.

والدین نقش مؤثری در سازماندهی و تعیین چرخه خواب عمیق، خواب آرای ام، و هوشیاری به صمده دارند. براتلین (۱۹۹۱) اظهار می‌دارد که پاسخ اولیه آل، فرد بزرگسال این است که موجب تشویق کودک گردد، به طوری که هم دوره‌های لذت بخش هوشیاری را تداوم بخشد و هم دوره‌های خواب عمیق را گاهی اوقات برخی والدین پیش از حد مشتاق در سازماندهی این چرخهها دخالت میکنند و کودک را در طول دوره‌های آرای ام در طول شب به حالت هوشیاری در می‌آورند. ولی به منظور این که کودک برای مدتی طولانی در شب به خواب رود که اغلب والدین نیز خواهان آنند، لازم است که کودک طرز کنترل دوره‌های آرای ام را که مرتباً در میان اوقات خواب عمیق پیش می‌آید، یاد بگیرند. والدین حساس می‌توانند کودکان را در تسلط یافتن بر قسمتهای این چرخه و تداوم آن بازی دهند، که این امر از طریق تشویق کودکان به هوشیاری روزانه و نه دخالت معموله در طول خواب آرای ام، شبانه انجام باید پذیرد. آنچه که باعث تسکین فرزان والدین میشود این است که تفسیر چرخه خواب عمیق، آرای ام ، و هوشیاری، با گفتش هر ماه از تطویرت به طور فرایندهای آسان میگردد.

علامه رشد جسمی

بسیاری از کودکان نخستین گامهای ژرزان خود را تقریباً همان زمانی بر می‌دارند که نخستین ششماهه سالگرد تولدشان نیز روشن میشود. وقتی به یاد آوریم که کودکان در هنگام تولد نمیتوانستند به طور ارادی حرکت کنند، روشن میشود که چقدر آنان در این زمینه پیشرفت کرده‌اند. در هیچ دوره یکساله دیگری تا زمان بلوغ این همه تغییرات جسمی باید نماید. تغییرات دوره تطویرت بر حسب روز و هفته اندازهایگری میشود تا ماه و سال.

رشد جسمی دارای نواحی عظمی از بالا تا پایین بدن کودک است. کودک ابتدا سر، پندرج دستها و بدن، و سرانجام پاها را کنترل میکند. این گونه پیشرفت را از سر تا انگشتان پا رشد سری -دمی می‌نامند. آنچه از نشانهای کودکان برای تسلط بر حرکاتشان لذت بخش است عبارت است از شادی آشکار آنان در هر مرحله مهمی از رشد. آنان برای این که کار ورخته‌ای را به انجام رسانند سخت می‌کوشند و سپس به طور مکرر تمرین میکنند. عمل تکرار پیش از آن که ملاحظ اول باشند، لذت بخش نمیشاید. وقتی کودکان از انجام یک کار بیزار میشوند احساسی موقیقت کنند، برای کار برچسته بعدی اضافه به نفس پیدا میکنند. برای آشنایی با مسیر رشد جسمی در نخستین سال زندگی، تغییرات رشد را در «آله دنیال خواهم کرد - آن نمونه‌ای از کودکان گردیاگون است و گنوهوشی سستی ارائه شده برای فاندیشهای تنها میانگین و نشان میدهد (مفصل بر تحقیقات گالور، ویسگر، و سرفرد، ۱۹۷۸ ژاپریخی کودکان این کارها را زودتر انجام میدهند و برخی دیگر، به خاطر سپردن این نکته اهمیت دارد که در آنچه که به عنوان رشد نرمال ششاهه ششود تریج زمانی وسیعی وجود ارد.

سه ماهه اول زندگی

حتی در نخستین ماهات بعد از تولد، آتا به جهان علاقه فراوانی دارد. او نوره، تازکی و برخی رنگها را میتوانست تشخیص دهد. تاو الکرهای ساده را ترجیح میدهد. ژو می‌تواند با چشمششان اشیا‌ی متحرک را آهسته دنبال کند. وی تمام این کارها را به بهترین وجهی انجام میدهد، به شرط آن که مناظر در فاصله دوازده اینچی او قرار داده شوند. وقتی که کسی جنشهای را برای آتا می‌آورد یا او را برای نشانهای کامله دوبروی میبرد، وی علاقه نشان میدهد. او متکی به والدینش است تا او را در آشنا شدن با خودشان و با اشیا‌ی پیرامونش بازی دهند. پدر شش هفته اول زندگی، مسوالت آتا در وقت بیداری معمول به حالت مشتغالی بسته قرار دارد. مانند اغلب کودکان در ماههای نخست، آتا ممکن است مجبور شود که دستهایش را برای یک بازیاب فوری چنگ زدند به کارود. رشد زمانی که وی در خواب است دستهایش گاهی باز و آسوده است.

وقتی آتا حدود چهار هفته از عورش گذراند، میتواند هنگامی که روی قسمت جلو بدنش قرار میگردد، سرش را بالا نگه دارد. او در این وضعیت می‌تواند مدت کوتاهی باقی بماند ولی چنین نمیشاید که او از وضعیت جدید بسیار خشنود میشود.

از هنگام تولد، آتا نسبت به صداها هوشیار است و ظاهراً روزنها را دوست دارد. در نخستین هفته‌های زندگی، آتا در پاسخ به صدای بریز زیر بم مادرش لبخند میزند. در چهار هفتهگی مادرش هنوز می‌تواند سبب لبخند زدن او از طریق صحبت کردن با او گردد، ولی آتا در عین حال نشان میدهد که در صورتی که او سخن هم نگوید به چهوه فرد لبخند میزند. آتا ظاهراً به چههره‌های والدین و مراقبان خود بدقت نگاه میکند، چشم به چشم آنان می‌دورود و انگاه لبخند آشکاری برایش نمایان میشود. بزرگسالان اینکه مدت بیشتری را صرف بازی کردن با او میکنند، به رقم این که توضیحی برای این کار خود ندارند.

آتا وقتی به شش هفتهگی عمر خود میرسد کنترل بیشتری بر دستهای خود دارد. او وقتی بیدار است دستهایش را بازیتر نگه میدارد و حرکات چنگ زدند ارادی او جانشین بازیهای اوله میشود. پدرش نگران میشود که آتا دارد ضعیف میشود، چرا که آتا نمیتواند چیزی را به مدت طولانی و محکم، همچون زمانی که چنگ زدند او بخشش از یک بازیاب بود، محکم در دست نگه دارد ولی وقتی میسند که آتا یاد گرفته است که اشیا را به دهان برود آسوده میشود. آتا این اشیا را بررسی میکند، به دهان میبرد و خود را با آنها سرگرم می‌سازد، ولی والدینش باید مراقب باشند که او به اشیا‌ی که احتمال میند آنها وجود دارد، دسترسی نداشته باشد. جهان آتا به هنگام شش هفتهگی گنورش می‌یابد. مراقان اوتوجه میکنند که او با چشمشان حرکت افراد و اشیا‌ی را که در فاصله چند پایی قرار دارند دنبال میکند. اواز وقتی که دو ماه ونیم سن دارد، دستهایش را دور یک وسیله بازی که بالای انگشتان آوران است تاب میدهد. وقتی که او نگاهش را به آن می‌نماید و سپس آن را تکان می دهد، بسیار متعجب و خشنود به نظر می‌رسد.

در سن دو ماهگی، آتا میتواند وقتی روی قسمت جلو بدنش قرار میگردد، سرش دستهایش را به مدتی طولانیتر بلند کند. با این تروی اضافه شده به گردن و پشت، آتا میتواند با راحتی و اطمینان در جای مخصوص خود یا روی دامن یک نفر در بنشیند. در سن سه ماهگی او به هر چیزی در پیرامونش نگاه میکند و قطعاً میخواهد که در کانون فعالیت خانواده قرار داشته باشد. اینکه در بدنش احتیاجی مشاهده نمیشود و تحرک بیشتری از خود نشان میدهد، وقتی به پیرامونش نگاه میکند باهایش را غلباً به هم میزند.

در سه ماهگی آتا میتواند محلی را که صداها از آنجا به گوش می‌رسد تشخیص دهد. مادرش گزارش میدهد که آتا ظاهراً تمامی جانهای گویاگون صدای بزرگسالان را نیز درک میکند.

سه تا شش ماهگی

وقتی که آتا چهار ماهه میشود، یاد میگردد که از حالت خوابیده در روی شکم به پشت بظند. اولین باری که در این امر موفق میشود، متعجب به نظر میرسد. انگاه این حرکت را با رفت تکرار میکند. عادت یادداشتش بعد از این تغییر میکند. به جای این که مادرش را با گریه فرا خواند از حالت خوابیده بر روی شکم به پشت می‌بندد و مادرش را با صدای چریک‌گرا سبب اشیا‌ی بازی آوران بالای تختش بیدار میکند. در ماه بعد، آتا میتواند از پشت به روی شکم بظند. آتا از این موفقیت جدید لذت میبرد و گاهی خود را از یک قسمت اتاق به قسمت دیگر می‌طافند.

اینکه افزایش تحرک آتا سبب توجه او به دستها و باهایش میشود. او در حالی که به پشت دراز کشیده به دستها و باهایش دقت میکند و پندرج بالا و پایین کردن آنها را تحت کنترل خود در می‌آورد.

پدر آتا دستهایش را به سوی او دراز میکند و او توان آن را دارد که خودش را به وضعیت نشسته درآورد. آتا وقتی بنشیند اشیا را جسسه میکند، ولی پدرش می‌کوشد پیش پینی کند که چه وقت اوخسته میشود، زیرا در ابتدا او قادر نیست خود را از حالت نشسته بیرون آورد.

آتا خود را به چیزهای جالب می‌رساند و می‌تواند آنها را به بالا و پایین با از یک سو به سوی دیگر حرکت دهد. وقتی که جعبه‌ای در صدا در می‌آورد چشمشان برق میزند و صدای حاکی ازخوشی سر میدهد.

وقتی پنج بیخ میشود چون خود را به اشیا می‌رساند دستهایش را باز میکند. او آن قدر تجربه اندوخه است که بر آورد اندازه اشیا برای شی، بزرگ دستهایش را بیشتر باز کند و برای شی، کوبچنگ کمتر اطلاعاتی که او از توک انگشتان دست خود دریافت می‌دارد محسوستر از اطلاعاتی است که قب با استفاده از تمام دستش در هنگام کنترل اشیا به دست می‌آورد.

شش تا نه ماهگی

آتا به صورت دست و پا بدنش را از زمین بلند میکند و به گزینهای به جلو عقب حرکت میکند که گویی اندیشهای دارد ولی نمیتواند آن را به بندد. او نخست در حالت سینه خیز به طرف عقب حرکت میکند ولی پندرج به طرف جلو میرود. او

^[1] شش ماهگی تمرینها کودکان را برای وضعیت نشسته آماده می سازند

^[2] شش ماهگی تمرینها کودکان را برای وضعیت نشسته آماده می سازند

چون در میانهٔ که می‌زنند به هر طرف که بخواهد حرکت کند شادی در چهره‌اش نمایان می‌شود. آنا دوست دارد که در وضعیت ایستاده قرار گیرد. او بزرگ دوست دارد که روی دامن مادرش بالا و پایین برود.

بازی آنا از آنچه که قب بود بسیار پیچیده‌تر است. او وقتی بازیش بازی دس pat-a-cake را پیشنها میکند، با به هم زدن دستهایش آشنایی خود را با کاری که در پیش است نشان می‌دهد. او نشانی کوچکتر را درون نشانی بزرگتر قرار می‌دهد

نایلو ۶–۱۲ **استرازیلیایی برای اسمبل نشد:**

پیش از این که کودک حرکت پیدا کند، نسبتاً آسان است که در تعامل با آنها نظاری مثبت داشته‌لکن، در زمانی که آنها برای نخستین بار می‌بخزند و از جایی بالا،میروند چالش‌های ویژه‌ای مطرح میشود و فرصتهای بسیاری برای تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایشان پدید می‌آید. برخی از این تصمیمها احساساً پاهایمان شش را برای کودکان در بر دارد و برخی این طوطی هستند. به موفقیت زیر و پاسته‌های برای آن توجه کنید.
بسیک کودک که مساعه موفق میشود درب کشیدنت را باز کند و تمام طرف را بیرون آورد.

پاسخ یک :نو، به هر چیزی دست می‌زنی‌ام باید با تو چه کار کنم؟!پاسخ دو : «وقتی من تو اون اتاق بودم، تو باید سخت سرگرم کنار بودی باشی، من هر نظاره برای آشوبی لازم دارم ولی تو مبتدی طرفی اون طرف برداری.» در این موقعیت، کودک به چیزی جدید تسلط یافته و جهت کارش کردن به امکانات بدنی دست پیدا کرده است. وقتی فرود بزرگسال به اتاق می‌گردد، کودک از صدای به هم خوردن درهای طرفی شاد میشود لکن از دید بزرگسال اولاً، این کودک نخسستی است که او را به خشم می‌آورد و برایش درمدر بیشتر ی ایجاد میکند. به کودک به جز توقف اختیارات دیگری داده نمی‌شود و او هم احساساً جهت کارش کردن به موفقیت اولیه‌ای که تحت نظر ندی خواهد آورد. وقتی این وضعیت پیش نی‌آید، احساساً معجزان قبل پاسخی منفی به کودک داده می‌شود ولی این باز شدیدیتر.

در مقابل، بزرگسال دوم کودک را به عنوان تلاشگر سختی ملاحظه میکند که دچار مشکل میشود و تا ربع آن تلاشکلیف می‌ماند. مانند بزرگسال نخست، بزرگسال دوم نیز میخواهد به آن کابینت مخصوص دست زند، بلکه میخواهد که کودک در جای دیگری که نشانی بی خطر و جالب یافت میشود، به سر برد و به کارش آنها بپردازد. این کودک می‌نماید برای کارش بیشتر پرامت‌گند و احساساً در آن زمان پاسخ مثبت دیگری دریافت خواهد کرد. بزرگسال دوم پیام مثبتی را به کودک منتقل کرده است:«فعالتهایت با ارزشندت ورزش یگیزی دارند.» در حال عبور فرود بزرگسال فعالیت‌های کودک را تغییر جهت میدهد. فراهم کردن امکانات جالب حالت دیگر جنبه مهمی از ایجاد اضبط مثبت در کودکان است.
فرز استفاده از چکشهای ساده یا سایر ابزارها را یاد میگیرد. او هر چیزی را کارش میکند و بزرگد چیزهای را دوست دارد که به فرآورد امداد خودش حرکت و تغییر میکند. بکن روزی که تمام لوله کاشد، توالفت را باز میکند و به دنبال آن با داخل حوضچه کوچکک کف توالفت بازی میکند و روزنامهها را پاره می‌کند. او لازم است که دقیقاً تحت نظر فرود بزرگسال باشد و علائق و تغییر جهت داده شود. برای مثال، مادرش می‌نماید در توالفت علاقه او را به سمت شلنت وختشوی بر آبی هدایت کند که در کنار چندین ظرف با اندازه‌های مختلف قرار دارد و کودک می‌نماید از آنها برای ریختن آب استفاده.

نه تا دوازده ماهگی

همان‌گونه که آنا یا کارآیی بیشتری می‌برد، لازم است که فرود بزرگسال نیز کنترل محیط او را به همده داشته باشد (از کتد، نایلو ۶- ۲ یا حتی در محد درموردیاضبط مثبت در کودکان). او افوا میشود که به سمت پلکان ساختمان حرکت کند ولی تنها زمانی که دقیقاً تحت نظر فرود بزرگسال باشد از خطر در امان است. در سایر اوقات، دیری میان او و پلکان قرار داده میشود.
تغذیه آنا مسخه سائبهای را برای کسب برتری پدید می‌آورد. آنا میخواهد فنجان را خودش بردارد وقلفا را خودش بخورد. مادرش تسلیم میشود و مقداری غذا و چند کت پیتر و غذاهای دیگری که بتوان از دست خورد و به او میدهد تا خودش به تنهایی بخورد. آنا با انگشت سائباش شروع میکند. در یک صحنه بیست دقیقه‌ای، آنا با حوصله به دنبال میکوتی روی کف اتاق می‌خزد و در حالی که انگشت سائباش را به طرف میکوت دراز میکند، چندین بار در گرفتن میکوت تاکم میشود. او سرانجام میکوت را میگیرد و توجه او از بردن میکوت به دهان، به قرار دادن آن در یک ظرف پلاستیکی تغییر جهت میدهد.
میشود. در دوازده ماهگی، او فرزند گرفتن اشیا کوچک را میان انگشت شست و نشانهای کامل میکند.

او در یک زمان چندین شیء را کنترل میکند، برجهای اسباب بازی را می‌سازد و اشیا کوچکتر را داخل چیزهای بزرگتر قرار میدهد. او تقریباً هر چیزی را می‌اندازد و پرتاب میکند، تا هم برای حرکت دادن آن شیء. تشرین کرده باشد و هم ببیند که چه پیش خواهد آمد. تخروها را از داخل دستش و اسباب بازیها را از روی تختخوابش بیرون می‌آفکند. او یک دانشمند کوچک است و محیطش برای او معجزان آزمایشگاهی است.

در این چهار ماهه آخر نخستین سال زندگی، آنا تلاش میکند تا خود را در وضعیت ایستاده قرار دهد. او در حالی که دست به میل میگیرد، قدرت راه رفتن پیدا میکند. سرانجام با انگلی به خودش می‌نماید. راه برود. او در نخستین سال زندگی با خواست زیادی مواجه شده است، و همان طوری که او دیگر وضعیتش شبیه این را هرگز نخواهد داشت، والدینش نیز با نظر سبای خود که مربوط به پیش از شناختن آناست، کودکان را نخواهند نگه‌ست. (از کتد، نایلو ۶-۳ برای بخشی مربوط به سن و راه رفتن به هنگام استفاده از تخت‌های گهواره‌ای هوبی.)

نایلو ۶–۳ راه رفتن و تخت‌های گهواره‌ای هوبی

بلوغ چه میزان از رشد جسمی را تعیین میکند؟ تأثیر تجربه چیست؟ مطالعه‌ای کلاسک توسط دنیس (۱۹۴۰) Dennis، به سوابها مربوط است. دنیس دو دسته از کودکان هوبی را مورد مطالعه قرار داد که یکک دسته به شیوه سنتی هوبی پرورش یافته بودند و دسته دیگر به شیوه‌ای از نوع تجربی شیوه سنتی هوبی برای پرورشکودک شامل بستن کودکان به تخت‌های گهواره‌ای برای خشن اعظم ته ماهه اول زندگی می‌شود. در تخت‌های گهواره‌ای، کودکان از لحاظ بلند کردن بدن، حرکت بازان، عقیدن محدودیت دارند. دنیس علاقه‌مند بود تا تعیین کند که آیا سدهای از کودکان که بدون محدودیتهای استفاده از تخت‌های گهواره‌ای پرورش یافته بودند نسبت به سدهای که از تخت‌های گهواره‌ای استفاده کرده بودند، راه رفتن را زودتر یاد می‌گیرند یا خردانرس دریافت که هر دو دسته از کودکان حدود بیازده ماهگی شروع به راه رفتن میکنند. دنیس نتیجه گرفت که راه رفتن را بالدیگی maturatin در نین میکند و تصمیم‌گیری او تا مدات زمانی قابل قبول بود.
وکیل شواهد بیان حد که دنیس اعتقاد داشت متعاقباً کتد نمود چرا که وقتی کودکان حدود نه ماهگی برمی‌سازند استفاده از تخت گهواره‌ای موقوف میشد. پس حتی کودکی که از تخت‌های گهواره‌ای استفاده کرده بودند، در سنین میان نه تا پانزده ماهگی فرصت می‌یافتند که بدون محدودیت تشرین کنند. تغییر و تفسیری مخاطفانه از مطالعه دنیس این است که محدودیت پیش از حرکت از آن که کودکان به نه ماهگی برسد، ظاهر آرم سن راه رفتن آنان تأثیر ندارد.

موقع دیدگاه بالدیگی در صورتی که کودکان تا پانزده ماهگی به استفاده از تخت‌های گهواره‌ای ادامه می‌دهاند و سپس شروع به راه رفتن می‌کنند، قویتر میشد. دنیس مقاله اهمیت بالدیگی را در راه رفتن نشان میدهد ولی اهمیت تجربه را نیز نادیده نمی‌گذرد. نخستین گامهای مستقل که در حدود یکسالگی برداشته می‌شوند، سبب می‌جانب می‌گردند.

تغذیه و رشد مغزی

بهترین و مناسبترین غذا برای کودکان شیر مادر است. تغذیه با شیر مادر مزایای غذایی، بهداشتی، عملی و عاطفی فراوانی دارد. از نظر تغذیه، شیر مادر دقیقاً شامل غذای لازم برای رشد و فعالیت است. از لحاظ بهداشت، شیر مادر و نیز آغوز که در روزهای نخستین از پستان مادر ترشح میشود، کودک را در برابر عفونتهای گوناگون ایمنی می‌بخشد و این در صورتی است که مادر خودش از ایمنی برخوردار باشد. شیر پستان همچنین با فعالیت‌های دستگاه گوارشی کودک تناسب دارد و احساساً کمتر از شیرخشک‌های جایگزین موجب تحریک واکنش‌های مربوط به آلرژی در کودک می‌گردد. مزایای اصلی تغذیه با شیر مادر بیشتر است. به ماههای اشیاع نسبت که با آن ترکیب شود، نگهداری در یخچال و استریل‌بودن شیر برای اطمینان از سالم بودن آن لازم نیست. هزینه بر نمی‌آید، و به ریختن در بطری برای گرم کردن آن نیازی نیست، و درمیان استفاده کودک از شیر جایی نگرانی وجود ندارد. مزایای عاطفی شامل احساس خاص وابسته بودن برای مادر نیز شمرده شده است هنگامی که درک میکند که وجودش منبع چیزی است که کودک بدان نشان نیاز دارد و اوست که تأمین کننده آن است. به دلیل مزایای فراوان اغلب متخصصان اطفال تغذیه با شیر مادر را توصیه می‌کنند. گروه‌های حامی نظر لاش La Leche League آماده‌هاند تا توصیه‌های عملی و راهنمایی‌های مرتبط از کودک را ارائه دهند. در کشورهای در حال توسعه و به برخی گروه‌های انجمنی ـ مؤلفی در این کشور، تغذیه با پستان مادر به تغذیه با شیشه تغییر یافته است (ایپیس، ۱۹۸۱) .Pipes، به تغذیه با شیشه به عنوان روشی جایزتر و بیشترفهر در تغذیه کودک نگریسته شده است. تغذیه با شیشه را به فرط آن که از شیر خشک مخصوصاً تقویت شده‌ای استفاده شود میتوان چاشنین تغذیه با شیر مادر کرده ولی این امر می‌تواند سبب بروز مشکلاتی نیز بشود. وقتی که پول کافی برای خرید مقدار کافی ترکیب چاشنین وجود ندارد،درد رفتن کردن آن با آب سبب کمبود تغذیه با سو، تغذیه می‌گردد. زمانی که منبع آن نخالص باشد یا استریل‌بودن شدن و استفاده از یخچال مقدور نباشد، عفونتهای متعدی ـ رودهای پدید می‌آید.

تغذیه با شیشه روشی است که در شرایط معمولی انتخاب میشود. اگر مادر از سلامتی کامل برخوردار نباشد یا داور مصرف کند که احتمال انتقال آن به کودک از طریق شیر مادر وجود داشته باشد، در این صورت غالباً تغذیه با شیشه توصیه میشود. برخی مادران شاطف از شیر خود کودکان را تغذیه میکنند ولی مادران دیگر که داری سلامت کافی غیر قابل اطمافند، از شیر خشک تقویت شده برای تغذیه کودکان استفاده میکنند. و با وجود این که این استنادلا در انتخاب روش تغذیه مشق قاعلی ندارد، پدرانی که میخواهند در تمام جنبه‌های مرتبط از کودک حرکت کنند ممکن است تغذیه با شیشه را ترجیح دهند. کیفیت رابطه‌ای که میان والدین و کودک برقرار است اهمیت بیشتری از روش تغذیه دارد. به شرط این که شیر خشک به طور مناسب آماده شود، در طول سال نخست، اغلب نیازهای غذایی کودکان را شیر مادر یا شیر خشک تقویت شده کودک در آورد می‌سازد. بعد از شش ماهگی، اغلب متخصصان اطفال پیشنهاد میکنند که هر هفته کودک را با غذا یا آب میوه جدیدی آشنا سازند تا بتدریج به آنها عادت کند. این توصیه‌ها برای سرگرمی است و از این رو این روش از اهمیت چندانی برخوردار نیست. در این خصوص، برسر شوق آوردن کودک با توجه به خلق و خویش، برای عادت کردن به هر تجربه جدید به زمان نیاز دارد. در مورد تمام کودکان، آگویی بکن غیر غذا در هغه، به فرود بزرگسال امکان میدهد تا هر نوع واکنش مربوط به آلرژی آنان را نسبت به غذای جدید کشف کند. اگر کودک را با بسیاری از غذاهای جدید بلافاصله آشنا کنند، جاداً نشان غذایی که سبب بروز واکنشی می‌گردد، دشوار خواهد بود.

سوء تغذیه یا ناشی از کمبود پروتئین و کالری در کودکان موجب نگرانی افرادی است که در مشاطل مراقبت بهداشتی کار میکنند. مواردی جایی در درمناگاهها و بیمارستانها مشاهده میشوند، ولی کودکانی نیز وجود دارند که دچار سوء تغذیه هستند که در آنان به جز رد جسمی اندک هیچ علامت قابل توجهی دیده نمی‌شود. یک نوع سوء تغذیه که در کودکان زیر یک سال به چشم می‌خورد یازدهمگی جسمانی marasmus (قابلی از زبان یونانی به معنی تحلیل رفتن) نام دارد. یازدهمگی جسمانی به سبب محدودیت استفاده از غذای کامل از جمله پروتئین پدید می‌آید. نشانه‌های پرورگی جسمانی شامل رشد جسمانی اندک، تحلیل رفتن شدید مامچیجهاد کم خونی، اسهال، فقدان چربی زیر پوستی، پوست چروکید، و چهره کشیده شده است. مأسفانه، یازدهمگی جسمانی بزرگد و بزرگد در کشورهای در حال توسعه به دلیل گرایش به سمت دوره‌های کوتاه‌تر تغذیه با شیر مادر یا انگلی که تغذیه با شیشه تحت شرایط نامناسب از نظر شیوه آماده ساختن، رعایت بهداشت و استریل‌بودن کردن رو به افزایش است.

در مورد تغذیه مناسب در دوره طفولیت نگرانی شدیدی وجود دارد. چرا که رشد مغزی در این زمان صورت می‌گیرد. سرفلهای مغزی در طول دو دوره زیاد میشوند: دوره اول هغه دهم تا دوازدهم ماهه‌ای را در بر میگیرد که شامل تقسیم سرفلهای معصی است، دوره دوم هغه بیستم تا چهل‌واری تا چهارماه بعد از تولد را در بر میگیرد و شامل رشد سرفلهای گلیایی می‌گردد. مغزی حاصل از تقسیم سرفلی تریباً در حجهه ماهگی به پایان می‌رسد ژرشد بیشتر بازهم صورت مغزی دلی و وابسته سایر اعلا نظر افزایش انداز سرفلی دوری میشود. رزن مغز در سه اول تولد زندگی کودک دوپست در صد افزایش میابد و مطالعات بی در بین نشان داده‌اند که میان تغذیه و رشد مغزی رابطه مستقیم وجود دارد(روتر، ۱۹۹۰). تحقیقات نشان می‌دهد که اثرات بلند مدت کمبود تغذیه در اوایل زندگی شامل اختلال در عملکرد سیستم معصی مرکزی و کاهش استعداد تفکر است. امی ورتز (۱۹۸۸) با

یک کودک در حال شیر خوردن

مرو ینک رشته مطالعات میان فرهنگی نتیجه گرفت که که مکلفهای غذایی همرا با مراقبهای پزشکی تأثیر نیرومندی بر رشد شاخصی خواهد داشت به شرط آن که در طول دوره بارداری و ماههای نخست زندگی برای کودک تجویز شود. اثرات سوم تغذیه بر روی رشد مغزی بعد از سه سالگی چندان قابل توجه نیست و بعد از پنج سالگی تقریباً به چشم نمیخورد. چنین به نظر می‌رسد که یکروکان می‌توانند رشد کنند و به صورت بزرگسالانی کام کارآمد در آیند به شرط آن که مراقبت فراوانی در جهت بر آوردن نیازهایشان در طولیت از آنها به عمل آید. (منجمهای رشد طبیعی در شکلهای ۱.۶ و ۱.۶۶ نشان داده شده است.)

بهداشت دندان

باندندان اولیه کودک معمور در حدود هفت ماهگی از میان لته میروید، و مجموعاً ورویش بیست دندان تا سن دو سال ونیمه به پایان می‌رسد.الگوی معمول آن‌است که دو دندان پیشین پائینی ابتدا درو آید و چهار دندان پیشین بالایی در چند ماه بعدی بیروید. در پایان سال اول، اغلب کودکان شش دندان یاد شده را دارند.

کودکان ظاهراً از لحاظ این که دندان در آوردن چه مقدار سریع تاراجی آنان شود، بسیار با هم تفاوت دارند. بعضی از آنان هرچی را میچسبند، به طور منظم میخوابند، ظاهراً هرازگاهی به مدت چند روز کج خلقی نشان می‌دهند. سایر کودکان با ورویش ناگهانی دندانهایشان بدون این که هیچ گونه تغییر در رفتارشان مشاهده شود، موجب شگفتی والدینشان می‌شوند.

نکله ۳-۴ منحنی رشد طبیعی دختران

فقرراید در برنامه غذایی کودکان از طولیت تا پایان دوازده سالگی به شگلهگری دندانهای کودک منبکد. در برخی نواحی کشور، فقرراید به طور طبیعی در آب یافت می‌شودیا به آن افزوده می‌گردد. در نواحی دیگر، فقررات فقرراید به طور روزه تجویز می‌شود. هنگامی که همراه با رشد دندانها فقرراید مصرف شود میزان خرابی دندان به طور چشمگیری کاهش میابد.

مضویت

بیک نگرانی مهم اجتماعی این است که تعدادی از کودکان در برابر برخی از بیماریهای مهم دوره کودکی حمایت نمی‌شوند. (رنگ شکل ۳ در مورد درصد کودکانی که مضویت پیدا میکنند)، شاید دلیل این که امروزه بسیاری از والدین باخیال راحت به این امر نگاه میکنند این است که آنان جوازت از آنست که گذشته‌های را به خاطر آورند که بسیاری از کودکان در اثر بیماریهایی دچار ناتوانی می‌شوند یا می‌میرند که اینک در برابر همان بیماریها مضویت وجود دارد. لکن، اهمیت مضویت کم شده است. تاکنون مضویتها باید در طولیت وجود داشته باشد و ادامه یابد.

اولین مایه کوبی عبارت است از تزریق واکسن ثلاث دی.تی.بی.، دیشتری، سیاه سرفه، و کزاز - که در حدود دو ماهگی انجام می‌شود. این واکسن ثلاثت در مجموع در فواصل دو ساعده در طول نخستین سال تزریق می‌شود. تأمناًفان این واکسن ثلاثت نسبت واکسنهایی از قبیل تب، دانه در محل تزریق، بی قراری ودهام آنها می‌گردد. دکتر می‌تواند برای تسکین این نشانها دارو تجویز کند.

نکله ۳-۴ منحنی رشد طبیعی پسران

نکله ۳-۴ درصد کودکان یک تا چهار ساله که به حد کافی مضویت یافته‌اند.

به درصد پایین مضویت ساری در برابر فلج توجه کنید. نسبت کودکانی که حداقل سه نوبت دارو استفاده کرده‌اند از هفتاد درصد در ۱۹۶۶ به ۵۹ در ۱۹۷۸ کاهش یافته است. نسبت کودکانی که حداقل سه نوبت واکسن دی.تی.بی.تی به آنها تزریق شده است از ۷۵ در ۱۹۶۶ به ۶۵ در ۱۹۷۸ در درصد در ۱۹۷۸ کاهش یافته است. (اداره آمار ایالات متحده، گزارشهای جاری جمعیت (۱۹۸۲)، مشخصات کودکان و جوانان ناکسانی ؛ ۱۹۸۰ (ص ۳۳، شرح ۱۱۴، جدول ۱۲۲. واشنگتن، سی.ا.ا. اداره چاپخانههای دولتی ایالات متحده.

همچنین در دو ماهگی، تجویز مایع خوراکی واکسن فلج آغاز می‌شود. این واکسن که به سه بار در طول سال اول تجویز می‌شود خوراکی است و معمور در فواصل دو ماهه مصرف می‌گردد. بیک واکسن مرکب کودک را در برابر سه ویروس که عامل فلج شناخت شده‌اند محافظت می‌کند.

بسیار واکسنها را در حدود بیک سالگی توصیه میکنند و معمور به صورت مرکب تجویز می‌شوند تا در برابر بیماریهایی چون سرخک، اوریون، و سرخچه مضویت ایجاد کنند. با وجود این که بسیاری از افراد به اثر ایالات به این بیماریها دچار عوارضی نشده‌اند، ولی شاید از پیامدهای ناخوشایندی آنها مصون نمانده باشند، نظیر عفونتهای گوش، التهاب منج، یا آسیب مغزی که ازسرخک حاصل می‌شوند. قسمی در مردان که نتیجه ایلات به اوریون است نو تراسیمایی هنگام تولد، در طول سه ماهه اول بارداری که در اثر سرخچه پدید می‌آیند. والدین مسؤولیت مهمی در حفظ کودکان از عوارض ناشی از این بیماریها دارند.

کودک دوازده ماهه به هنگام انجام واکسن مضویت از خود نزاراحتی نشان می‌دهد. بعد از ناراحتی موقت، او در برابر بیماریهایی که منجر به ناتوانی یا مرگ می‌شوند محافظت خواهد شد.

مغزولیت، زودرسی، بیماری

هرچه فرد در باره پیچیدگی رشد پیش از تولد، بیشتر آگاه باشد، ظاهراً بیشتر دچار شگفتی خواهد شد از این که کودکان فرزند تولد او را به سلامتی پشت سرنگارند. اغلب والدین منظر فرزند از این که آیا کودکانشان نرمال خواهند بود یا خیر، نگرانند. زنی باردار با دیدن کودک عقب ماندگی در تلویزیون ناگهان به گریه افتاد فردی که فرزند وی زود پندر می‌شود متوجه گشت که در موفقیت کاری خود که با بزرگسالان عقب مانده سرورگ دارد، واکسن عارضی نشان می‌دهد. ولی حتی اگر والدین منظر فرزند احساس خود را از این احتمال که کودکان نرمال نباشد بیان کنند یا نشان دهند، تولد بیک کودک استثنای فرایندی را طلب می‌کند که با جنبه‌های پزشکی و شخصی سازگار باشد.

برای اغلب انواع نیازهای ویژه، گروه‌های حمایت از والدینی که کودکانشان دارای نیازهای مشابه‌اند وجود دارد. متخصصان اطفال، بیماری‌شناسان، یا سازمانهای ملی می‌توانند والدین را در تماس با گروه‌های محلی قرار دهند. همه والدین خواهان فرصتهایی هستند تا در باره رشد فرزندانشان صحبت کنند. ولی این نیاز ویژه هنگامی پدید می‌آید که رشد اختصا با الگوری معمول تفاوت داشته باشد. برخی کودکان در آغاز تولد نیازهای ویژه‌ای دارند ولی بعداً ممکن است معالکود کاملی پیدا کنند. برای مثال، کودکان زودرس یا کودکانی که بر اثر شرایط تولد تحت فشار قرار دارند، مثلاً در داخل و خارج از می‌دانستان در ماهه‌های اول زندگی خود به توجه گسترده‌ای نیاز دارند. در گذشته میزان توجه و رسیدگی به این کودکان به منظر محافظت در برابر بیماریهای با فشارهای روانی بیشتر حیوانکشان کم بود. لکن، اینک تحقیقات اهمیت در آفوش گرفتن و صحبت کردن با کودکان و در غیر این صورت، برانگیختن آرام آنان را اثبات کرده است. این امر معلوم شده است که فرایند دلچسنگی پندر یا مادر با کودک، در صورتی که والدین با کودکانشان تماس نداشته باشند، محفل می‌شود. اگر والدین در ابراز احساساتشان باری نشوند، ممکن است حتی در زمانی که زندگی کودکان دیگر نه‌پندر و نظارت ناشیانه‌ای نسبت به آنان داشته و یا نگرانشان باشد.

مؤثرترین نظرات در باره این که والدین کودکان زودرس خود را به بخشهای کودکان می‌دانستان می‌آورند نخستین بار از طرف کلاوس و کیل (۱۹۶۹،۱۹۸۲) مطرح شد که نشان دادند که چقدر اهمیت دارد که والدین در مراقبت از کودکان مورد نه‌پندر خود هنگامی که هنوز در می‌دانستان به سر می‌رند شرکت کنند. اگر والدین در قبال زرس خود در محیط می‌دانستان باری شوند، آنان در بازگشت به خانه با اعتماد و گرمی بیشتری از کودکانشان مراقبت میکنند و با آنان به تعامل می‌پردازند. بنابراین کارکن بخش کودکان زودرس نقش مهمی نسبت به والدین دارند که اهمیت آن به اندازه کمکهای پزشکی آنان به کودکان است.

والدین کودکان زودرس یا بیمار به زمانی نیاز دارند تا دیگران را در مراقبت از کودکانشان مشاهدت کنند و سپس نیاز دارند که بتدریج مسؤولیت فرزندهای را در قبال تربیت آنان به عهده گیرند. ابتدا آنان د روضعیت حساس کودک احساس ترس و اندوه میکنند. اگر کودکان از می‌دانستان برخصی شوند و در اختیار والدینی قرار گیرند که از لمس کردن و مراقبت آنان هراس دارند، ممکن است که هرگز نتوانند نسبت به آنان وابستگی احساس کنند.

کودکان زودرس و بیمار سببسیاهی عصبی نامس دارند. والدین در شناخت جریان رشد اولیه این کودکان به راهمسانی نیاز دارند و در غیر این صورت، والدین ممکن است در مورد طرز رفتار خود احساس گنه یا بهبودگی کنند. بعد از تولد حتی منظر و صداهای مثبت نیز کودکان نارس یا بیمار را تحت فشار قرار می‌دهد. کودکان می‌توانند بشنوند یا نگاه کنند یا لمس نمایند، ولی تنها بتدریج می‌توانند پیش از یکی از این سه حواس را در زمانی معین دریافت دارند. اگر این کودکان پیش از اندازه تحرک نشوند، گوشه‌گیری اختیار میکنند - پاسخی که می‌تواند به والدین در صورتی که از قیل آگاه نشده باشند، احساس طرد شدگی بخشد. اغلب والدین به حمایت نیاز دارند تا زمینه نوعی تربیت حناس را فراهم آورند که این کودکان برای کانیایی خود بدان نیاز دارند. افراد داخل در حرفه‌های مددکاری به طور فزاینده‌ای به نیازهای بیشماری که مربوط به تمام اعضای بیک خانواده است توجه میکنند.

در مقایسه با جالبهایی که والدین کودکان عقب مانده، زودرس، یا دارای فشار روانی بر آن مواجهند ممکن است به نظر برسد که والدین کودکان نرمال، هیچ گونه مشکلی ندارند. ولی هرچیزی نیست است و غالباً اولین سرمدناخوردگی، اولین جوش، یا اولین سره سبب نگرانی قابل ملاحظه‌ای برای آنان می‌گردد. بنابراین این امر اهمیت دارد که پیش از تولد کودک با درمناگه یا پزشک ارتباط وجود داشته باشد تا مسائل و نگرانیها را با محض بروز بتوان در میان گذاشت. کنایه‌های راهضا در زمینه بهداشت کودکان در اغلب کتابفرهوشها موجود است و در عین حال که بیک کتاب جای پزشک را نیگیرد ولی این منابع می‌تواند زمینه بهداشت کودکان متخلف‌ها را اطفال به والدین می‌گیرند که پیش از نوبه درصده بیماری کودکان تنها چند مورد طول میکشد. بزود در میدان اول، بسیاری خفیف می‌نمایند. در مورد سرمدناخوردگیها ممکن است که سررنگی بینی استفاده شود تا مخاط برداشته شود، چرا که ترزادان از راه بینی نفس میکنند و به نفس از راه دهان اعطاف نشان می‌دهند. پزشک ممکن است سایر درمناها را نیز بسته به شدت نشانهای بیماری تجویز کند.

در مواقع غیر عادی که شکوم درمان با بستری شدن الزامی است، والدین و کارکنان پزشکی از آنجا که از اهمیت بقراری وحفظ اعتماد اولیه و دلچسنگی آگاهند، باید اولویت را بر این امر اختصاص دهند. در هر وقت ممکن، زودیکتر شخص به کودک باید آمادگی قامت در نزد کودک را داشته باشد. تسهيلات همیشه موجود نیست تا این انتخاب راحت صورت یابد ولی از دیدگاه کودک بسیار مطرب است. بیک تماس یا صدای آشنا و احساس پیوستگی می‌تواند معنی فراوانی را در بیک محیط ناآشنا برساند.

نشانگان مرگ ناگهانی کودک (SIDS)(Clearinghouse)Sudden Infant Death Syndrome

نشانگان مرگ ناگهانی کودک مرگ ناگهانی و غیر منظره کودکی است که تا قیل از مردن سالم تصور می‌شدند. خطی گزارش موسسه نهاری اطلاعات مربوط به نشانگان مرگ ناگهانی کودک، این نوع مرگ عطف عمده مرگ در میان کودکان بیک ماهه تا یکساله است (یاچون، بدون تاریخ). تحقیقات قابل ملاحظه‌ای انجام می‌شود تا عطل این نوع مرگ معین گردد، ولی در این زمان نتایج به دست آمده مقدماتی است.

نشانگان مرگ ناگهانی کودک باید به پزشکی روشنی است که از آن میتوان با بتحقیقات پزشکی و کالبد شکافی کامل عین کرد. مرگ ظاهراً مرگ و آرام و معمور در وقت خواب کودک اتفاق می‌افتد. این نوع مرگ را نمیتوان به خفگی ناشی از عوامل خارجی، اسفراق، یا خفگی ناشی از مسدود شدن راه نفس نسبت داد، و می‌وزد هو دقیقاً قابل پیش بینی یا پیشگیری نیست.

بسیاری از والدین و مراقبان کودکان از نشانگان مرگ ناگهانی کودک می‌ترسند. ولی نگرانی بیش از حده برای کودکان ونظارت کردن بر آنان ممکن است شادی ناشی از تعامل نیز رگسلاز و کودکان را در هنگامی که هنوز در پیشگیری از این نوع مرگ مشخص نیست ، کاهش دهد.

در هنگام وقوع این نوع مرگ که به نسبت در دره‌ها بروز میکند، (یاچون، بدون تاریخ) خانواده‌های غمزه غالباً می‌توانند از تماس با والدین که تجربه مرگ فرزندانشان را در اثر آن نشانگان داشته‌اند به عنوان عاملی بخش بخورداد شوند. این خانواده‌ها همچنین به اطلاعاتی در باره این نشانگان نیاز دارند تا خود را به واسطه هر عمل یا ففقی سرزنش نکنند.

به دلیل این که کودکان علاوه بر دستها و چشمها به پا دهان خود نیز به کارش لنیا می‌پردازند انسانی کوچک را که احتمال بقیدن آنها وجود دارد باید در دسترس آنان دور نگذارد.

یک کودک در حال شیر خوردن

یک کودک در حال شیر خوردن

یک کودک در حال شیر خوردن

درد.

Frm Wrking with parents and Infants: An interactoral Apprach (p.۱۳۳) by R. Brmwich, ۱۹۸۱, Austin, TX: PRED, Inc. iginally published by University Park Press, Baltimore.) Cpyrigh ۱۹۸۱ by PRED, Inc. Reprinted by permision

خلاصه

- تغییرات جسمی فراوانی در طول نخستین سال زندگی پدید می‌آید.
- ی -حواس بینایی، چشایی، و شنوایی و هنگام تولد کام رشد یافته‌اند.
- یک سلسله بازتابها جزئی از توشش کودکان در هنگام تولد به شمار می‌آیند.
- چهرههائی روزانه کودکان شامل خواب عمیق، خواب آرام آی ام و هوشیاری است.
- از نظر حرکت و هماهنگی، کودکان کنترلی آزادی از سر تا انگشتان پا پیدا میکنند. اغلب کودکان در حدود هشت ماهگی روی زمین می‌خیزند و در حدود یک سالگی راه میروند.
- تغذیه کانی و موابت و توجه به جهات ایمنی برای رشد طبیعی مغز و بدن کودک اهمیت دارد.

اصطلاحات کلیدی

دوره نوزادی خواب آرام آی ام
پژموهنگی
جسمانیخو گرفته
هوشیاری
نشانهگان مرگ
ناگهانی
کودکبازتابها
سری -دمن
سوء رفتارخواب
عمیق
سوء
تغذیه
ناشی
از
کمبود
غلظت
پروتئین
کالزنی

برای مطالعه بیشتر

Munth-by Mnth ChangesCaplan, F. (۱۹۷۸) The First ۱۲ Mnths f life, New Yrk: Bantam
Sensry and Perceptual CmptenceBwer, T.G.R. (۱۹۷۷). The Perceptual wrld f the child, Cambridge: Harvard University Press
Bwer, T.G.R. (۱۹۸۲) Development in infancy (۲nd ed.). SanFrancis: W.H. Freeman
Parenting Supprt PrgramsBrmwich, R. (۱۹۸۳). Wrking with parents and infants: An interactoral apprach. Baltimore: University Park Press
Infant Exercise Levy, J. (۱۹۷۳) The baby exercise bk fr fr the first fifteen mnths. New Yrk: Panthen. v

رشد شناختی کودکان

رشد شناختی تفکر، مسأله گشایی، خلاقیت ، و زبان است. این نوع رشد در جامعه ما از ارزش والاّی برخوردار است. بسیاری از والدین تمایل دارند بوجه خود را طوری تنظیم کنند که بتوانند مطمئن را به خرید اسباب بازی و سایر چیزها برای کودکانشان اختصاص دهند، به شرط آن که مطمئن شوند که این امر در رشد شناختی کودکانشان مفید است. ولی چنین فرایندی تنها در چارچوب درک تغییرات شناختی کودک در نخستین سال زندگی به طور معقولی قابل ارزیابی است.
تغیرات شناختی کودک در این فصل توصیف می‌شود. اطلاعاتی در باره نظریه رشد فکری پیاز، نظرات متفاوت با نظریه پیاز، رشد زبان، تفاوت‌های فرهنگی در تعامل زبانی با کودکان، و برنامه‌های مطالعه اولیه، ارائه می‌گردد. این فصل با مثال‌های از کتشر متقابل میان رشد شناختی، روانی، اجتماعی، و جسمی آغاز می‌شود.

کتش متقابل رشد شناختی با رشد روانی – اجتماعی و جسمی

کتش متقابل میان رشد روانی -اجتماعی، جسمی، و شناختی بر ترتیب عناوین در این کتاب اثر داشته است. رشد روانی -اجتماعی به این دلیل اول مطرح می‌شود که پیوندهای روانی -اجتماعی که میان کودکان و بزرگسالان برقرار می‌شود از اهمیت اساسی و حیاتی برخوردار است. اگر کودکان دانشگه‌های اطمینان بخشی پیداکنند و با بزرگسالان رابطه متقابل برقرار سازند و نیز حس اعتماد اولیه در آنان تقویت شود، آنگاه نیازهای شناختی آنان نیز برآورده می‌گردد. لکن ممکن این امر تا این حد احتما صادق نیست.
کودک می‌باشد در صورتی که محرک‌های شناختی کافی وجود داشته باشد از آنها مأثر شود ولی اگر این امر به شیوه‌ای مکانیکی و بدون وجود دیسکشن، رابطه متقابل، یا حس اعتماد صورت پذیرد، هم بر رشد شناختی و هم بر رشد روانی -اجتماعی کودک تأثیر منفی خواهد نهاد.
نبات روانی -اجتماعی اساس است و سایر جنبه‌های رشد مبتنی بر آن است.
در توصیف رشد روانی -اجتماعی و جسمی، بحث زیادی در باره رشد شناختی مطرح شده است. دو مثال خاص برای کتشر متقابل میان این جنبه‌های رشد شامل اهداف فرهنگی برای کودکان و توجه دیداری است.

اهداف فرهنگی برای کودکان

کتش متقابل رشد روانی -اجتماعی، جسمی، و شناختی را در هیچ جا شدیدتر از زمانی که والدینی از گروه‌های فرهنگی گوناگون اهدافی را برای کودکان در نظر میگیرند، میتوان سراخ گرفت. در یک مطالعه میان فرهنگی (لوین ۱۹۸۰ :LEVINE) معلوم شد که والدین یکی یا بیش از یکی از اهداف زیر را برای کودکان در نظر میگیرند، (۱) بقای جسمی (بهداشت ایمنی (۲) توانایی نهای برای حمایت اقتصادی او (۳) استعداد پیشروی به فراسوی ثبات اقتصادی برای کسب موفقیت آن گونه که گروه فرهنگی آن را تعریف میکند.
هدف اول بر بقای جسمی تأکید دارد، نخست ازجهت خود زندگی و سپس ازجهت تهیه معاش برای خویشند و بزرگانی. هدف سوم بر ملاحظات شناختی و روانی -اجتماعی تکیه دارد. دستمای کودک به استعداد کامل در بزرگسالی.

والدین متعلق به گروه‌های فرهنگی که میزان مرگ و میر در بین کودکان آنها زیاد بوده است، خواهان توجه به هدف بودند. لوین (۱۹۸۰) دریافت که شیوه‌های پرورش کودک محدود و حلقه‌ای خواهد بود اگر تأکید اولیه بر بقای کودک باشد. در ایالات متحده تفاوت‌های موجود در میزان درجات مرگ و میر کودکان والدین را واداشت که کم و بیش به نخستین هدف بقا توجه کنند. از لحاظ آماری، تعداد مرگ و میر کودکان در هر هزار نوزاد زنشد ۱۴ نوزاد در میان سفید پوستان و ۱۲۱ نوزاد در میان سایرپوستان و سایر گروه‌های اقلیت برآورد می‌شود. (اداره سرشماری ایالات متحده ۱۹۸۲). طبق یافته‌های لوین، چنین تصور می‌شود که والدین سفید پوست احتما تأکید کمتری بر نخستین هدف دارند و شیوه‌های پرورش آنان برای کودکان نسبت به شیوه‌های پرورش والدین کودکان لقیبت محدود کننده و حلقه‌ای است.

والدین متعلق به گروه‌های فرهنگی که با کمبود منابع اقتصادی مواجهند، بر دومین هدف تأکید دارند. گروه‌های فرهنگی اقلیت در ایالات متحده در بین افراد شاغل، دارای سطح‌های پایتیز و دستمزدهای کمتری هستند. تفاوت‌های دستمسی به منابع اقتصادی سبب آن می‌شود که والدین برای این دومین هدف حمایت اقتصادی به درجات گوناگون ارزش قائل شوند. بنابراین والدین در بسیاری از گروه‌های جامعه ایالات متحده ممکن است توانمند فراسوی در هدف نخست بیندیشند. ولی کودکانی که به طور مطلوب رشد یافته‌اند، ممکن است عمدتاً از محیط‌هایی باشند که میوان فرض کرد در آنها بقای جسمی کودک در طولوند و بزرگ‌سالی برقرار است و به اولویت‌های روانی -اجتماعی و شناختی توجه می‌شود.

توجه دیداری

توجه دیداری مثال دوم کتشر متقابل میان رشد روانی -اجتماعی، جسمی، و شناختی است. برای مثال، پژوهشگران با موفقیتی اندک تلاش کرده‌اند تا نحوه عملکرد شناختی بعدی کودکان را از طریق برگزاری آزمایش‌های هوش پیش بینی کنند. با مطالعه سایر مهارتها و فعالیت‌های کودکان پژوهشگران دریافته‌اند که از طریق توجه دیداری در سه ماهگی نحوه عملکرد شناختی کودکان در دو سالگی قابل پیش بینی است (لوین Lewis, M. و برکس Brks - Gunn, ۱۹۸۱). توجه دیداری کودک ممکن است جزو لغوه رشد جسمی در نظر گرفته شود زیرا عین حال به نظر میرسد که توانش شناختی بعدی کودک نیز از طریق آن قابل پیش بینی است.

لوینس و برکس - گان (۱۹۸۱) محرک‌های دیداری زیادی را که محرک‌های بدایی در میان آنها برآکنده بود به کودکان سه ماهه نشان دادند.

یکدکانه‌ی که احتما با محرک‌های زاید خود گرفته بودند (رنگ، فصل ۶) و هنگام مواجه با یا بمسخر یکباره بدیع از خود عواطف نشان میدادند، احتما در دو سالگی دارای بهره هوشی بالاتری از کودکانی بودند که به این شیوه رفتار نکرده بودند. پژوهشگران یافته‌های خود را مؤید این موضع میدانند که توجه گوناگون کودک به محرک‌ها در ارتباط با نحوه عملکرد سیستم عصبی مرکزی او قرار دارد و توانایی پردازش اطلاعات در نخستین ماه‌های زندگی می‌تواند مقدار مفیداتی از قابلیت فکری او را فراهم سازد. این پژوهشها کتشر متقابل جالب توجهی را میان رشد جسمی و شناختی نشان میدهد.

پژوهشها نشان داده‌اند که ازطریق توجه دیداری در ماه‌های نخستین زندگی، نحوه عملکرد شناختی کودک در دو سالگی قابل پیش بینی است.

نظریه پیازه در مورد شناخت

زان پیازه بدققت سه کودک خود را در اوایل این قرن مورد مشاهده قرار داد و دریافت که آنان در درک جهان پیرامون خود نقش فعال دارند. توجه کنید که پیازه (۱۹۳۶) با چه حیثی در مورد تقلید یکی از کودکانش در سن شش ماهگی سخن میگوید... جی، با قرار دادن زایش در میان دهان‌های صدای آژاله‌ای تولید کرد. این صدا چیزی شبیه پشش بود. سپس مادرش همان صدا را در آورد. جی هر وقت که به توبه خود این صدا را تکرار میکرد به وجد می‌آمد و میخندید. سپس یکباره دوره تقلید دو طرفه فرا رسید. جی صدای پشس در آورد. مادرش از او تقلید میکرد، و جی او را تماشا میکرد بدون این که لهمایش را نکان دهد. آنگاه وقتی مادرش ساکت میشد، جی در باره شروع میکرد واین کار ادامه مییافت. به دنبال آن، پس از مدتی ساکت ماندن، من خود صدای پشس را در آوردم جی بلافاصله خندید و از من تقلید کرد. همین واکنش در روز بعد هم تکرار شد، بدون این صورت که در مانداد او پیش از این که کودک به طور خود انگیخته صدای مورد نظر را در (آورد) آغاز گفت و در سراسر روز ادامه پیدا کرد. (ص)
پیازه از نخستین پژوهشگرانی است که کاوش و بازی را اهداف مهمی در کمک به یادگیری کودکان دانست.

پیازه مشاهده‌اش را در باره رشد فکری اولیه به صورت مرحله‌ای تنظیم کرد که آن را جسمی -حرکتی sensorimtr (در ارتباط با حواس و مهارت‌های حرکتی) مینامید. طبق نظر پیازه، مرحله جسمی -حرکتی تفکر اغلب کودکان را در فاصله تولد تا دو سالگی مشخص میکند. در داخل این مرحله حتی -حرکتی، شش مرحله فرعی وجود دارد که چهار مرحله آن مطابق جدول ۱۷ در نخستین سال زندگی برتری می‌شود. پیشرفتهای فکری عمده در طول هر یک از این چهار مرحله فرعی نخست، از دیده پیازه توصیف می‌شود.

مرحله فرعی اول پیازه: تولد تا یکسالگی

در نخستین مرحله فرعی، پیشرو فعالیت‌های کودک بر تغذیه متمرکز است. به این ناسبت پیازه توجه فراوانی میادول داشت تا نشان دهد که چگونه بازتاب‌هایی نظیر تکمیلدن اساس رشد بعدی را فراهم سازد. موضوع مباحثه پیازه این بود که کودکان با رفتارشان نشان میدهند که فعاله فعالیت‌های تحرک هستند و به هیچ وجه در این زمینه درمانده یا معطل نیستند. پیازه (۱۹۳۶) وسیله یکدیگی را در فاصله میان مدعیه‌های غذای کودکش به نام لوران در اختیار وی قرار داد تا شیوه‌های را که لوران با آن فعالیت‌های خود را آغاز میکنند نشان دهد.

جدول ۷-۱-۷ مرحله رشد جسمی – حرکتی پیازه

زان پیازه مرحله حسّی -حرکتی (تولد تا حدود دو سالگی) را به شش مرحله فرعی تقسیم یکرد. چهار مرحله فرعی نخست معمور در طول سال اول زندگی سیری می‌شود.

مرحلهفرضحسّی- حرکتی سمن پینسوتف مرحله فرعی اول (بازتابهسا) اوتّسکدایکماهگی وشدسوداپیازهتا پنهانموسوت میگردمرحلهفرضیدوم(واکنشپاچرخشیاوله)یکماهگرمهانهگی حرکت جالب بدن را تکرار میکند(واکنشهای چرخشی اولیه) وقایع آشنایی را پیش بینی میکند (نظر شیر خوردن) حواس را هماهنگ میکندمرحله فرعی سوم(واکنشهای چرخشی ثانویه) چهار تا هشت ماهگی اعمال جالبی را روی اشیاء تکرار میکند (واکنشهای چرخشی ثانویه) صداها واعمال موجود در خزانه رفتاری را تقلید میکند به جستجوی شیء مخفی میریزد(مرحله فرعی چهارم(هوش عملی) مشتتادوازدهماهگی رفتار همدار به کار میرسد همچنین میباید که اشیا و افراد وشیء آن که دیده نشوند وجود دارند بسیاری از رفتارها را تقلید میکندمرحله فرعی پنجم دوازده تا هیجده ماهگی (رکت:فصل) اول(مرحله فرعی ششم هیجدهتالیست و چهار ماهگی (رکت:فصل) ۱۰) پیازه این احتمال را که عمل میکند لروان تنها از طریق اشیاءگرسنگی، با علاقه به تکرار رضایت اولیه پر رنگتیه میشد ،هما کرد. در عوض، وی عمل میکند و در فاصله میان وعدههای غذای لروان به عنوان شواهدی تعبیر کرده مال بر آن که کودکان طلب فرضیهایی هستند تا حرکتی را که مقید یا جالبتد تعبیر نمین.

پیازه شیوههایی را نیز نشان داد که با آنها کودکان در مرحله فرعی اول تجربیات خود را به کار میبرند تا در باره جهان چیزی بیاموزند. دوباره پیازه با استفاده از نمونه عمل میکند یک سلسله وقایع را توصیف کرد که نشان میداد لروان توک پستان نامی شناسد و میداند کجا در جستجوی آن باشد. لروان خود را با اختلالی که در فرایند تغذیه وجود داشت سازگار کرد، و در این سازگاری، پیازه توجه ریشهای رفتار هوشدانه بدعی گفت.

مرحله فرعی دوم پیازه: یک تا چهار ماهگی

طبق نظر پیازه، یکی از مهمترین پیشرفتهای فکری در مرحله فرعی دوم توانایی کودکان در تکرار حرکت جالبی است که نخست بر حسب اتفاق روی میدهد. برای مثال، تماس اتفاقی دست کودک با دهانش ممکن است یک سلسله کوششهای آزمایش و خطا را به دنبال داشته تا او دستش را به دهانش برگرداند. غالباً او سرچشمه موفق میشود. پیازه این پدیده را واکنش چرخشی اولیه **primary circular reactin** نامید که تعریف آن عبارت است از بروز مجدد و تکرار اعمالی که نخست بر حسب اتفاق روی داده است(استفلاح اولیه نشان میدهد که تأکید بر بدن خود کودک شده است)چرخشیی به مامضت بی نهایت مکرر این واکنشها اندوه دارد.

علامت دیگر مرحله فرعی دوم پیش بینی وقایعی آشنا توسط کودکان است. وقایعی نظیر تغذیه، بزرگسالان توجه میشوند که کودکان در منزل فرعی دوم ممکن است وقتی که در موقعیت تغذیه قرار گیرند، بلافاصله مکیدن را آغاز کنند، به جای آن که همچون قبل انتظار تماس با توک پستان باشند. بنابراین کودکان در مورد وقایعی که تجربه کرده‌اند پیش بینیهای دقیقتری را آغاز میکنند.

سومین تحول مرحله فرعی دوم این است که کودکان می‌توانند حواسشان را هماهنگ کنند. آنان می‌توانند با استفاده از چشمانشان اشیا را دنبال کنند. آنان می‌توانند به سمت صداها،ی جالب یا شکفتن انگیز سر برگردانند. می‌توانند خود را به اشیایی که میبینند برسانند و آنها را بگیرند. و غالباً توانایی آن را دارند که در کاروش محیط اطراف خود رفتار عمل کنند.

تابلو ۷-۷ استراتژیایی برای تسجیل‌شد:

فعلیهت‌های حسّی -حرکتی مرحله فرعی دوم تندرکامک برای دختر یکسالههائش تا تعدادی وسایلی متحرک طراحی کرد(او با توجه به علاقه دخترش به شکل‌ و رنگ و وسایلی یک رنگ دیده، چوبه، فرفره، و حلقههایی رنگی بالای تخت و گهوارهاش آفرود کرد. اشیای بی خطری که او از آنها استفاده میکرد توسط کششی آوزان بودند به طوری که تا می‌توانست در نهایت چیزیهای جالب را به طرف دهانش بکشد و به منظور کاهش بیشتر آنها را لمس کند.

در آغاز، او تنها قادر بود به اشیا نگاه کند و حرکت آنها را با نگاهش دنبال کند. ولی دودی توانست به آنها دست پیدا کند و آنها را به سمت خودش بکشد. گرفتن و کشیدن اشیا به او فرصت داد تا ادراکات خود ازاشیا و توانیهایی حرکتی خودش را یکی کند. او درک درستی از عمق ویز قدرت تشخیص شیء، معنی، اثر از شیء، دیگر واژ فضای اطراف پیدا کرد.

وسایلی متحرک داخله او شامل **چشمچهها** رنگارنگی بود که از هر یک صدای خاصی در می‌آمد. او مدت زمانی طولانی به پشت دراز می کشید، به طور متناوب چشمچهها را میگرد و دستاش را به آنها میزد. فعلیهت‌هایش غالباً با خنده همراه بود.

ویژگی چهارم کودکان در مرحله فرعی دوم شامل رفتار آنان در هنگامی است که فردی یا چیزی از نظر آنان پنهان میشود. پیازه ثابت کرد که اگر فردی که در تعامل با کودکی به سر میرود ناگهان ناپدید شود، کودک به محل آن فرد خیره میشودند و سپس توجه نفعهای دیگر میشوند. آنان به جستجو میروانند و به نظر نرسد که از آن ناپدید شدن متعجب شوند. پیازه اظهار داشته است که کودکان در این مرحله فرعی دوم نسبت به ناپدید شدن افراد یا اشیا اغراض نمیکنند، زیرا هوزتصاویر حسّاتی از افراد یا اشیا خارج از نظر خارج از ذهن،-را در ذهن نگه نداشتند. این امر در عمل دلالت بر این دارد که کودکان در این مرحله فرعی دوم، در هنگامی که والدینشان آنها را در تخریب‌راحت فرد دیگری ترک میکنند معمور به سازگاری کمی نیاز دارند.

مرحله فرعی سوم پیازه: چهار تا هشت ماهگی

پیازه نشان داد که کودکان افتهای فکری خود را در طول مرحله فرعی سوم به طور برجسته گنجشوش میدهد. خیزدن سبب میشود که کودکان تماس بیشتر یا محیط پیدا کنند، و به حجه میبند دست بزنند و آن را کوشش کنند. کودکان همچنان و تکرار اعمال جالبی ادامه میدهند، ولی تمرکز بیشتری پیدا میکنند. پیازه این اعمال را واکنشهای چرخشی ثانویه **secondary circular reactin** نامید و با کلمه ثانویه خاطرش کرد که این اعمال پیش از آن که متوجه بدن خود کودک باشد، بر اشیا تأکید دارد. برای مثال، کودکان وقتی باعث سرو صداها،ی شدی آوزی میشوند که حاصل کلان دادن چوبه است، شدی قروانی از خود نشان میدهند.

پیازه نشان داد که در این مرحله فرعی سوم، تقلید کودکان نسبت به قبل منظرش میشود. کودکان می‌توانند صداها وعبارات موجود در خزانه رفتاری خود را تقلید کنند، و از بازیهای که انگیزه‌ای آشنایی در آنها تقلید شده است، لذت ببرند.

تماس بیشتر کودکان با محیط موجب رشد شناخت آنان ازقرینه، افراد واشیاءت (اکون،د، انگیز یا چیزی تا نظر ناپدید شود کودکان به جستجوی آن میروانند. آنان ممکن است در محل جدید جستجو کنند، گویی چنین درک می کنند که حرکت ادامه میباید حتی اگر شیء، از نظرشان پنهان باشد. یا این که اگر کودکان قسمتی از شیء، را ببینند ممکن است بخواهند پیشش آن را بردارند. این رویههایی جستجو نشان میدهد که کودکان درک کاملتری از وجود افراد واشیا در محیط خود پیدا میکنند. لکن، کوشش کودکان در بازیافتن اشیا همی شده قبل از آن معرف استراتژیایی بدیع باشد. بیک تکرار اعمالی است که آنان در گذشته اجرا کرده‌اند. برای مثال، اگر کودک قبل از ناپدید شدن یک شیء، به آن نگاه کرده بود، حال تنها بانگاهش آن را جستجو میکرد، ولی دیگر واکنشهایی برای یافتن آن استفاده نمیکرد. پیازه اظهار داشته است که کودکان در مرحله فرعی سوم به جای آن که بچیزها را به گروهایی مستقل و مجزا شناسایی و تصور کنند، همه چیز را در ارتباط با اعمالشان میدانند.

کودکان به جای این که بعد از دیدار شدن گریه کنند، بنابر مرحله فرعی سوم پیازه، اغلب به کوشش و لمس اشیای موجود میروانند.

تابلو ۷-۷ استراتژیایی برای تسجیل‌شد:

فعلیهت‌هایحسّی -حرکتی مرحله فرعی سوم از چهار ماهگی، کودکان در بازیهای اجتماعی شدی قروانی از خود نشان میدهند. آنان با پیش بینی نقطه اوج بازیهای بزرگسالان یا خود، لحنند میزند و میخندند. هر فرنگی بازیهای خاصی خود را دارد، ولی سه بازی مشترک در این جا معروف میشود.

دعای دالی، دوز بزرگسالاناً متناوباً موسوتش را می‌شاند و بازی میکند و این عبارت انگیز را اظهار می کند، دعای دالی، موسه میاد ... دودی بزرگسال انگشش را اطراف دست کودک حرکت میدهد و بالای دانه کودک می‌آورد، و سپس زیر پیل کودک را قلنک میکند و در این حال میگرد. **Rnd and rundthe garden**، برف میاد **Went the teddy bear** دستنی داره **the step** یا، پیه داره **Tw**، یا ... کارنی داره **There Ticky under the** لی لی حرسکه، که با بزرگترین انگشت یا آغاز میشود، یک فرد بزرگسال همه انگشتان پا را به نوبه میگرد و در این حال میگرد، لی لی لی حوسک **This little piggy went t market**

چوچو بومد آب بخور، افادت تر حوسک **This little piggy stayed hme**

این گرفتش **This little piggy ate rast beef**

این بردنش **This little piggy ate nne** این کشش این کلمه گنده خوردنش **"Wee, "Wee**، **And this little piggy cried, "Wee-wee,"all the way hme**

در این بازیهای اجتماعی تجربیاتی در مورد شنیدن یا،یی، پیش بینی نتایج، جستجو برای پیدا کردن فرد پنهان شده، و تقلید احساس اینکه با بازیها آشنا میشوند، در اختیار کودکان قرار میگرد.

این بازیها ویژگی و صمیمیتی نیز میان کودکان و بزرگسالان پدید می‌آورند.

مرحله فرعی چهارم پیازه: هشت تا دوازده ماهگی

پیازه اظهار داشته است که پیشرفت فکری صداه کودک در مرحله فرعی چهارم، آغاز رفتار هدف گزاست. تا قبل از شروع این چهار ماهه آخر سال اول زندگی، کودکان به طور اتفاقی اهدافی را کشف و بعداً آنها را دنبال میکنند. در مقابل، در مرحله فرعی چهارم، کودکان اهدافی را از آغاز در ذهن دارند و عمدتاً برای دستیابی به آنها تلاش می کنند. پیازه گفته است که رفتار در مرحله فرعی چهارم را میتوان هوش نامید چرا که کودکان می‌توانند با استفاده از استراتژیهای که با استراتژیهای نخست برای رسیدن به هدف غایت رفت دارد، بر موانع چیره شوند.

طبق نظریه پیازه، در طول مرحله فرعی چهارم است که کودکان یاداری **bjectpermanence** را احساس میکنند. تعریف یاداری شیء، درک این نکته است که چیزیها یا افراد به وقف این که دیده نمی‌شوند، وجود دارند. وقتی کسی یا چیزی ناپدید میشود، کودکان در مرحله فرعی چهارم استراتژیهای منظم گوناگونی به کار میبرند تا به جستجوی فرد یا شیئی مخفی بیروند. به نظر میرسد که کودکان در میباند که اشیا و افراد در لحظه‌های معین جھ حضور داشته باشند و چه ند، دارای وجودی مستقند. وقتی تویی زیر کاپیه میفتند، کودکان بهدقت به جستجوی آن میروانند. پیازه اظهار داشته است که کودکان با در اختیار داشتن فرضیهایی برای لمس و مشاهده حرکت چیزیهای پیرامون خانه توانسته‌اند، یاداری اشیا را درک کنند.

کودک در مرحله فرعی چهارم پیازه رفتاری همدنگار بروز میدهد.

پیدایش احساس یاداری شیء، به دلگسستگی شدید کودکان به والدین و مراقبان چاشنین ارتباط دارد. پیازه واژه شیء، **bject** علاوه و چیزیها افراد به کار میبرد. افراد مهم در زندگی کودکان نخستین ماشایی هستند که کودکان به آنها یاداری نسبت میدهند. واینکه هر زمان که از نظر کودکان ظایب باشند یا اغراض شدید آنان مواجه میشوند.

پیشرفت دیگر در مرحله فرعی چهارم افزایش درک روابط میان اشیاءست. کودکان در میبایند که اجتما لازم است برای به دست آوردن اسباب بازی مخفی شش شخص را با فشار باز کرد. آنان قادرند که هدف را در ذهن نگه دارند و به خاطر داشته باشند که اسباب بازی در میان شش پنهان است.

همان طوری نیز توانایی تقلید عمدتاً افزایش مییابد. کودکان به بازیهای آشنایی نظیر دالی میروانند و در تقلید از صداها وحرکات اشرایلی جدید موفقیت به دست می‌آورند.

نظرات منالوت با نظر پیازه

نظرات زان پیازه در باره رشد فکری از میانه دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده تأثیر گذار بوده است. تا این اواخر، پیازه معتقد بود در مورد توانش کودکان از طرف جامعه علمی با علاقه و در عین حال توأم با شکک استقبال میشد. لکن امروزه این نظرات را بیشتر نظرات محافظهکارانه قلمداد میکنند. تا رادیکال. از زمان مشاهدات پیازه در مورد سر فرزندش در دهههائی ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، و پیروژه در ده

می‌شناسند.
وقتی تشخیص هماتنه بزرگسالان دارند. (کول، ۱۹۸۰ ، ۱۹۸۵)
رشد تشریحی و فیزیولوژیکی ارتباط نزدیکی با تحولات جدید زبان کودکان دارد.

سن کودک رشد آوایی تشریح و فیزیولوژی مربوطه تولد تا یک‌سالگی مصونهاپیرخله آواگری خیشومی شده.
تفسر آوازمیثنی وتولید آوای خیشومی دشهرخله آواگری به دلیل ارتباط حنجره با بینی وحلق.

زبان مادری دارای حرکتی به جلو عقب است وتقریباً فضای حنجره دهان را پر میکند.

دو تا سه ماهگی مصونهاپای اندکی تغیر در شکل حنجره دهان ومقداری مرحله غوغون کردن خیشومی شده افزاین در تحرکت زبان.

چهارتاشنشدهماگی مصونهاطیبی افزاین جدایی حنجرهای دهان و بینی از همسرخله گذرش به طوری که مصونهاپ غیر خیشومی به آسانی تولید شوند.

ارتعاش زبانی دو وسیله(آبی فشار هوای لازم در دهان که به دلیل عدم ارتباط حنجره با بینی وحلق به پد میآید.

جمع کشیدن وخرخرکردن تاقلمهای زیرومی آوا نشدیده میشود کهنشاید به این دلیل است که با پایین آمدن حنجره به درون گردن، چنهای صدا در برابر مومی **مامجهجی** فوق حنجره آسیب پذیرتر میشود.

فریاد زدن همپایگی بهتر میسزم تقسمی وحنجره صدای بلند را اجاب میکند.

تولید صداهای نامفهوم تارلاب باز و بسته شدن مجرای گفتار از طریق حالتی ای عدم ارتباط حنجره و بینی وحلق افزاین میاید.

فریاد زدن همپایگی بهتر میسزم تقسمی وحنجره صدای بلند را اجاب میکند.
تولید صداهای نامفهوم تارلاب باز و بسته شدن مجرای گفتار از طریق حالتی ای عدم ارتباط حنجره و بینی وحلق افزاین میاید.
شش ماهه دوم کودک طی تعاملها کنترل پیشروی را به تدریج نشان میدهد. آنان به تقلید آوایی جدید میروانند و به فرایخر این دوره آنان گوش دادن انتخابی خویش را به ثبوت برسانند و تاملهای ساده را اجابت میکند. آنان به درخواست انجام رفتارهای حرکتی ساده پاسخ میدهند(با دست خدا حافظی میکنند) و نشان میدهند که اساسی اعضای خانواده و مراقبان خود را میدانند.
کودکان ممکن است نشان دهند که سایر کلمات نظر توب، بیخه، پیشرو، و نه را می‌شناسند.

رفتار کودک:
کودک عمل میکند(گرچه میکند، عطشه میزند،نگذگد میزند، به بدشنش قوس میدهد، صدا در میآورد، و غیره) رفتار مادر:
ارتباطی مامور در برابر رفتارهای واکنش نشان میدهد
رفتار کودک:
همان گونه که کودک رشد شناختنی پیدا میکند، رفتارها هفقدار میشوند، او نگاه میکند، به سمت اسباببازی را برای دستیابی به آن حرکت میکند.
حکلهایی که در صدد دستیابی به هدف است در میآورد.

رفتار مادر:
استیاض ارتباطی:
مادر استیاض میکند که رفتارهای کودک پیام هدفته است و آن کودک را در به دست آوردن اسباب بازی (با هر چیزی که تدعیر مادر از خواستههای کودک است) بازی میدهد. او به تولید آواهای کودک که عنوان مکالمهای معنی دار پاسخ میدهد.

رفتار کودک:
ارتباط عددی:
همان گونه که کودک رشد شناختی پیدا میکند بدان گونه که می‌تواند وقایع علتدار را با هم تطبیق دهند و عوامل علتدار را بآزشناسند، این کودک بتدریج رفتارهای نظیر دیدگاهی به هدف و تولید آوا را در هنگامی که در تماس رودررو با مادرش به عنوان طرف ارتباط قرار دارد، بروز میدهد.

رفتار مادر:
مادر به ارتباط عددی کودک پاسخ میدهد ولی از آنجا که به تولید آواها و بعدها به کلمات نیاز ی دارد، صدای خود را بالا میرود.

رفتار کودک:
کودک بتدریج از کلمات به عنوان وسیله ارتباط استفاده میکند.

شکل ۱-۷-نواایی رشد پیشبهدای برای ارتباط بیش زبانی

هاردینگ (۱۹۸۳ Harding) مدلی برای توضیح رشد ارتباط عددی در طولتوت پیشبهدا کرده است.(نگه شکل ۱-۷، ص ۱۹۳). طبق این مدل همان گونه که رفتاری کودک هفقدار میشود بزرگسالان اصمال کودکان را به مزئه قصد آنان برای ارتباط تعبیر میکنند. هارویدنگ اظهار داشته است که ارتباط عددی به تدریج باید میآید که بطور کلی با آگاهی شناختی کودکان با اهداف آغاز میشود و با هدف برقراری ارتباط کودکان پایان می یابد. هارویدنگ نشان داده است که وقتی کودکان مفید بودن ارتباط را درک میکنند، آنان لایاهه کلمات را به عنوان وسیله برقراری ارتباط نیز درک می کنند. اغلب کودکان تشخیص کلمات خود را در دویم سال زندگی تولید میکنند.

تا پایان نخستین سال زندگی، کودکان به صورت برقرار کنندگان ارتباط درآمدهاند. آنان یاد گرفتهاند که چگونه بر رفتار دیگران تاثیر گذارند، اندکی از زبان را فهمند و برای علامت دادن به دیگران اوزرفارهای عددی استفاده کنند. این مرحله زمینه رشد زبانی بیشتر را فراهم میسازد.

تفاوتهای فرهنگی در تعامل زبانی با کودکان

تفاوتهای فردی فراوانی در تعامل بزرگسالان با کودکان وجود دارند. همچنین اختلاف طبقاتی اجتماعی و فرهنگی نظامسدی وجود دارد (شیفلین Schieffelin، آکس، ۱۹۸۳). وجود تفاوتها در یک جامعه گمراگ آشفتناگرتر نیست، بلکه موارد ضمنی در این تفاوتها شایان بحث است.

پژوهشگران چنین نظر دادهاند که صحبت کردن با کودکان مشخصه تعامل با کودکان بزره در میان گروههای طبقه متوسط در امریکای شمالی و اروپای غربی است (شیفلین و آکس، ۱۹۸۳). صحبت کردن با کودکان شامل آنگامی صورت میگردد که بزرگسالان معتقد باشد که کودکان افراد مستقل هستند که ارتباط با آنان امکان پذیر است. بزرگسالان با چنین اعتقادی کودکان را رو در رو نگاه میارند، به آنان خبره میروند، آنان را خطاب می کنند، سلاششان می کنند، و مورد سوال قرار میدهند. مکالمات با استفاده ازمدل دو عضوی و رعایت ثبوت انجام میشوند. والدین دیدگاه کودکان را کتب میکنند. گفتار بزرگسالان را با گفتار کودکان اتطاق میدهند و آنان را سواد میسازند، و نیز ازتولید آوای کودک تعبیرهای به عمل میآورند. صحبت کردن با کودکان ظاهراً زمانی صورت میگردد که بزرگسالان افراد آزاد مستقلی بدانند که ارتباط با آنان امکان پذیر است.

پژوهشگران دریافتهاند که سطوح تولید آوا برای کودکان در بسیاری از کشورها (نظیر کشورهای مکزیک، کوبا، گواتمالا، ژاپن، ژامبا، و گینه جدید) و نیز در میان امریکائیی که در گروههای اجتماعی - اقتصادی پایتیر طبقهدی شده اند، پایین است (سنو De Blauw ، دن رون رسمال، ۱۹۷۰ ، Van Rsmalen، شیفلین و آکس، ۱۹۸۳). برای مثال، مردم کارلوی ساکن در جنگل بیابان واقع در منطقه استوایی برازیل در گینه جدید کودکانشان را «نقذ در کنه» به شمار میآورند و میگردند که مراقب کودکانشان هستند چرا که برای آنان احساس نگرانی میکنند (شیفلین و آکس، ۱۹۸۳). مردم کارلوی کودکان را به عنوان طرف ارتباط در ارتباط دو عضوی شرکت نمی دهند، به چشمان کودکان خبره نمی‌نشینند، و زبان بزرگسالان آنان مطابق تفاوتهای کودکان تغیر نمییابد. آنان معتقدند که مسؤلیت گفتار واضح متوجه سخنگوست، حتی اگر سخنگر کودک خردمالی باشد. با وجود این که محیط یادگیری زبان ناملهای دو عضوی را میان پدر یا مادر و فرزند تأکید نمیکند، کودکان در بپاری گینه بوزان را می شنوند و صحبت کردن را یاد میگردند.

در تحقیقات در داخل این کشور، تفاوتهای در میزان و نوع زبانی که با آن بزرگسالان کودکان را مورد خطاب قرار میدهند، کشف شده است. در مطالعاتی که فیلد Field و ویدمایر Widmayer (۱۹۸۱) انجام دادند معلوم شد که مادران کوبایی نوماً ۸۲ درصد وقت خود را صرف صحبت کردن با کودکان سه تا چهار ماههشان میکنند و مادران میاهوسرت چهارده درصد وقت خود را صرف این کار میکنند. میزان صحبت کردن مادران پروتورنگویی و امریکای جنوبی بین آن دو حد گزارش شده است. همه مادران از لحاظ تحصیلات و دخل جزو خانوادههایی بودند که در سطح اجتماعی - اقتصادی پایینی طبقه بندی میشدند.

گزارش دیگری از تفاوتهای موجود در تعامل فرده بزرگسال با کودکان مربوط به مطالعه خانوادههایی است که از یک گروه فرهنگی هستند ولی سطوح تحصیلی و دخلی متفاوتی دارند. با مشاهده در خانوادهی کودکان ده ماهه مفید پوسر، تاکنین Tulkin (۱۹۷۷) دریافت که مادران طبقه متوسط بیشتر از مادران طبقه کارگر با کودکان خود مشغول صحبت میشوند. تفاوتهای عددهای میان این دو گروه به میزان صحبت خود گفته مادران، واکنشهای آنان در برابر صحبت کردن کودکان، و تقلید آنان از زبان کودکان مربوط میشوند. مادران وابسته به طبقه کارگر همان اندازه برای مراقبت کودک وقت صرف میکنند که مادران وابسته به طبقه متوسط، ولی تفاوت آنان در نوع زبانی است که به کار میروند.

نایب شده است که صحبت با کودکان اثر مثبتی بر رشد زبانی آنان دارد. فایرینگ Feiring و لوئیس (۱۹۸۱) والدین و کودکانشان را در هنگامی که این کودکان در سنین سه، دوازده، و بیست و چهار ماهگی به سر میروند مورد مشاهده قرار دادند. پژوهشگران در میزان صحبت کردن والدین با کودکان تفاوت بسیاری یافتند. حتی همسر این که پژوهشگران دریافته اند که صحبت کردن با کودکان در سنین سه و دوازده ماهگی تفاوت قابل محسوسی پدید میآورد، است، ولی وقتی با همین کودکان سه و دوازده ماهه به پیشترین میزان صحبت شده، از لحاظ زبان و مقایسه پیشترین تألیف را با وسیدن ۱۴ ماهگی نشان دادند. این یافته نشان میدهد که ظاهراً صحبت کردن اولیه با کودکان مروج می شود که بعداً استعدادی اختفه sleeper در آنها پیدار شود.

جبهبهای معینی از تعامل کلامی با کودکان:
برای مثال، شرکت دادن آن در «مکالمات»، دو عضوی نظیر استفاده از الگوی هارویدنگ (۱۹۸۳) ، غالباً به عنوان همگنهای رشد توصیف شدهاند در حالی که آنها در واقع خصیصت اولیه امریکائیهای مفید پوست طبقه متوسط است (شیفلین و آکس، ۱۹۸۳).
شده است که برخی ویژگیهای محیط اجتماعی نظیر صحبت کردن با کودکان اثرات مثبتی بر رشد زبانی داشته است، ولی متفقان مدد کاری باید در استیاض خویش از یافتههای پژوهشی احتیاط را رعایت کنند چرا که شواهدی دل بر این وجود ندارد که این ویژگیهای محیط اجتماعی در فرایند یادگیری زبان لازم باشند.
کودکان در همه گروههای فرهنگی بر رقم گوناگونیهایی که در الگوهای تعامل زبانی والدین با کودک وجود داده زبان یاد میگردند. مکاتبسههای شناختی گوناگون به طوره همزمان در فرایند فراگیری زبان ممکن است عمل کند. تاگر در یک فرهنگ معین بر یک مکاتبسم تأکید نشود، سایر مکاتبسهها ممکن است مورد تأکید واقع شوند.
قبل ازاین که بتوان توصیههایی ارائه داد به تحقیقات پیشتری در بسیاری از محیطهای فرهنگی نیاز است.

برنامههای مشاهده اولیه

غالباً کودکان با والدینشان زبانهای ویژه‌ای دارند که می‌تواند به بهترین وجهی با حسابت، آموزش و کمک خارج از خانواده برآورده شود. برنامههایی که این حسابت، آموزش و کمک را برای کودکان خردسال وختارندههایی فراهم میکند، معمور برنامههای مشاهده اولیه early interventin prgrams نامیده میشوند.

تایلو ۴-۷-استرزیتمایی برای تسجیل رشد: ارزیابی کودک

چگونه میتوان تعیین کرد چه کودکان وختارندههایی بیشتر محتاج خدماتی هستند که برنامههای مشاهده در رشد کودک فراهم میسازند. در برخی موارد، معلومیهایی چندانی در بهیگاهم تولید ظاهر میشوند واجتماعی که داده میشود معمور مربوط به زمان است. ولی در مورد بسیاری از کودکان، نمیتوان با یک نظر گفت که آنان زبانهای ویژه‌ای دارند. والدین آنان ممکن است احساس کنند که کودکانشان با سایر کودکان متفاوت است و یا این که ممکن است هیچ اساسی برای مقایسه او با سایر کودکان پیدا نکنند. متخضفان پزشکی ممکن است تنها به هداهت جسمی توجه کنند و نشانهای رفتاری را نادیده بگیرند.

برای مدالی طولانی به آزمون‌های که آسان برقرار شود و همه کودکان را سرند کنند نیاز بود تا معلوم شود که کدام کودکان به خدمات برنامههایی مشاهده نیازمندند. این نیاز در دهه ۱۹۶۰ با چندین ابزار که معروفترین آنها آزمون سرند کردن رشد دن در

Denver Developmental Screening Test (DDST) است بتدریج بر آورده شد.

امتیاز این آزمون آن است که برای ارجی آن نیاز به پزشکی یا روان شناسی نیست. در عوض، این آزمون را یک نفر متخضف ووزیسه میتواند تقریباً در یازده دقیقه اجرا کند. بنابراین آزمون سرند کردن رشد دن رون باقلوبه می‌تواند شامل همه کودکان شود، هرچه این هدف اصلی محقق شده است.

آزمون مزبور شامل بیش از یکصد مورد نیاز ویژه است که به صورت چهار مقوله مرتب شدهاند:
فخصصی - اجتماعی، حرکتی -

اطلاقی - ظریف، زبانه و رشد حرکتی درست.
بیست مورد نیاز ویژه متناسب با سن انتخاب میشوند و از این موارد کودکتانی را که از

یک کودک در حال بازی با اسباب‌بازی در یک پارک بازی در نیویورک

یک کودک در حال بازی با اسباب‌بازی در یک پارک بازی در نیویورک

لحاظ رشد باخبرهای قابل توجهی دارند میتوان برای استفاده از خدمات ویژه مشخص کرد. دکتر ویلیام کی. فاولن گر، مؤلف آزمون سرند کردن رشد در پرسشنامه‌های نیز فرام کرده است که پرسشنامه پیش از سرند کردن (Pre-screening DevelopmentQuestionnaire (PDQ) نام دارد که از آزمون سرند کردن رشد در دو هم کنار آمدنر است. این پرسشنامه از آزمون سرند کردن رشد در دو مشتق میشود ولی توسط والدین تکمیل میشود که حداقل تحصیلات دیرستانی دارند. ده سؤال انتخاب میشود تا والدین پاسخ دهند و آنگاه طبر متخصص همان ورزشدهای آنها را مرور میکند. ابزارهای نظیر آزمون و پرسشنامه فوق در مشخص کردن کودکانی که باید از خدمات مدافعانهی استفاده کنند به کار میآید. هرچه زودتر نیازهای ویژه مشخص شوند، برای کودک، خانواده، جامعه نیز بهتر است.

شکل ۷-۲ آزمون سرند کردن رشد در ور (DDST)

یک چنین مسأله‌ی را بابلو (۱۹۸۲) Jablwi در کتابی راجع به دخترش، کنار توصیف کرده است. کنار با ابتدا به نشانگان داون متولد شد و در یکماهگی از برنامه مداحه اولیه برخوردار شد. او در مدت دو سال و نیم از آغاز زندگیاش هفتای چهار روز صبح در یک برنامه آموزشی مشتمل بر چالش، تحرک، تمرین، و رشد زبان شرکت میکرد. کارا با تدریج توانست در فعالیتهای زمین بازی با همسالانش از کلاسهای عادی ازبک مدرسه عادی شرکت کند. کارا کودکی عقب مانده و دارای یک رشت محدودیت باقی میماند، ولی اضافه براین است که استفاده او از برنامه مداحه اولیه را او در کششهایش موفقتر از آن زمان ساخته است که از برنامه مداحه اولیه استفاده نیکرود.

برنامه‌های نظیر برنامه کارا فقط کودکانی را که در برنامه مداحه ثبت نام کرده است حمایت نیکمده بلکه به والدین نیز کمک میشود تا از اهداف این برنامه برخوردار شوند. والدین و برادران و خواهران وحمایت و یاری برخوردار میشوند. تعامل با سایر خانواده‌ها احساس گناه و ناگهمی را از میان ببرد و پذیرش و پرورش را ترقیب میکند.

برنامه‌های مداحه اولیه دیگری نیز شبیه این برنامه طرح ریزی شده است تاامثال احتمالی در عملکرد شناختی را ترمیم کند. برای مثال، در دهه ۱۹۹۰ ایشیاک عطیسی به برنامه‌های مداحه برای کودکانی به وجود آمد که در خانواده‌های با محرومیت اقتصادی متولد میشدند. لکن، بسیاری از بخشهای این برنامه‌ها براساس فرقه‌های تربید آمیز در باره رشد استوار بود و اعتبار پژوهشی نداشت. بعد ازمرور پژوهشهای مربوط به برنامه‌های مداحه اولیه، واکس (Wachs و گرومن (Gruen (۱۹۸۲ بخشهایی از برنامه‌های مداحه اولیه را توصیف کردند که معلوم شده است با توانش شناختی و اجتماعی در شش ماهه اول و دوم زندگی ارتباط دارد.

واکس و گرومن به این نتیجه رسیدنداند که دو بخش دو تسهیل رشد میان تولد و شش ماهگی دارای اهمیت است. این بخشها عبارتند از وجود تحرک دیداری و سطح بالایی از تماس جسمی میان فرد درز کسال و پدر یا مادر. تحرک دیداری ظاهراً موجب میشود که کودک به چیزی توجه پیدا کند و تماس جسمی نیز سبب افزایش توجه وی میگردد.

واکس و گرومن دریافته‌اند که بعد از شش ماهگی، دو اثر تماس مگکور با ممدودی از بزرگسالان که فراهم میکند بکنه رشته تجربیات میباشند، رشد افزایش مییابد. واکس و گرومن اظهار داشته‌اند که کمترین نسبت مطلوب تماس کودک با بزرگسال به احتمال قوی در برنامه‌های مداحه اولیه‌ای پدید میآید که خانه فراهم می سازد تا مراکز مراقبت از کودک. طبق پژوهشهایی را واکس و گرومن مرور کرده‌اند، محیط طبعی در شش ماهه دوم باید امکان کوشش را برای کودک فراهم کند. همچنین باید شامل رنگها، شکلها، و بافتهای نیز باشد که به وسله همه حواس کوشش میشوند و در برابر اعمال کودک پاسخدهند. (تلافی حرکت داده میشوند تولید صدا کنند)، مطالعه واکس و گرومن (۱۹۸۲) میبازند به کسانی کمک کند که برنامه‌های آینده را طرح ریزی میکنند تا مطمئن شوند که محیط طبیعی و اجتماعی، هر دو در برابر نیازها و رفتار کودکان بندت پاسخده هستند.

بناک کودکی دو ماهه ناگهزی جالبی را یاد میگرد. تحرک دیداری به همراه تماس جسمی میان کودک و بزرگسال، رشد وی را آسان میسازد.

انواع گوناگون برنامه‌های مداحه اولیه در دسترس کودکانی قرار میگیرد که به دلیل تجربیات زشتیک، پیش از تولد، یا زمان تولد و باوقته‌های خانوادگی به کمک نیاز دارند. هزینه‌های مالی بسیاری از برنامه‌ها و در دسترس قرار دادن آنها از سوی دولت انجام میگردد. مادلون ای که از این بابت هزینه‌ای به عهده خانواده‌ها باشد. اطلاعات از ستوان از پزشکان اطفال و انجمن محلی استیوسیل (Lcal Easter seal Society) یا ادارات بهداشت باثلی کسب کرد. ارزیابی کودکانی که احصا رشد آنان مورد تهدید قرار دارد در تابلو ۴-۵ تشریح شده است.

- خلاصه ۱. عنکر، مسألگشتایی و مهارتهای زبانی پوسته در طول سال اول زندگی رشد مییابند.
- میان جنه‌های رشد روانی -اجتماعی، جسمی و شناختی تعامل وجود دارد. ۳- زمان ویژه، رشد شناختی را در چهار مرحله فرعی توصیف کرد که با احساس اولیه پایداری شی، به اوج خود میرسد.
- برخی پژوهشگران نظرائی امروز دانفته‌اند که با نظرات ویژه تفاوت دارد.
- در نخستین سال زندگی، کودکان با غن وکلون کردن و تولید صداهای نامفهوم بتدریج زبانی را که مورد عطفشان قرار میگردد درک میکنند و در برقراری ارتباط توانایی کسب مییابند.
- تفاوتهای نظام‌دهی در طبقات اجتماعی و فرهنگی از لحاظ تعامل زبانی با کودکان وجود دارد.
- برنامه‌های مداحه نیازهای ویژه کودکان و والدینشان را برآورده میسازند.
- اصطلاحات کلیدی حسی - حرکتی بایداری شی، تولید صداهای نامفهومواکتش چرخشی اولیه نقشبرداری فعاله میان حائی برنامه‌های مداحه اولیهواکتش چرخشی ثانویه غن وکلون کردنواکتش برای مطالعه بیشتر Piaget's Semsrmitr Stage f DevelopmentPiaget, J. (۱۹۷۶). The Psychlgy f Intelligence. Twa. N. J.: Littlefield, Adams. (See especially Chapter ۴)

۱. Assessment f InfantsUlzgiris, I.C., Hunt, J McV. (۱۹۷۵). Piagetian Assessment f InfantsUlzgiris, I.C., Hunt, J McV. (۱۹۷۵). Language development: An intrductin. Clumbus. Charles E. Merrill
۲. Curriculum fr InfantsFwler, W. (۱۹۸۰). Curriculum and assessment guides fr infant and child care. Bstn: Allyn Bacn

از نظریه تا عمل

تربیت‌های زیر برای کمک به دانشجو‌بان طرح ریزی شده است تا آنچه را یاد گرفته‌اند به کار برند واطلاعات بیشتری را در باره ستین بین تولد و یکسالگی فرا گیرند. این تکمیل این تربیت‌ها در جلسه مشاهده دو هفته برنامه باید ریزی شود. اگر دوستان یا همسالگان دارای کودک تازه متولدشده، شیوه‌های عملی زیر برای مشاهده کردن قابل استفاده است.به دیدن مکانی همگانی بروید که جذب کننده خانواده‌هاست، نظیر فروشگاه، پارک یا باغ وحشی شاموع کوزه پرزنگ اطفال با محتضن مامای درخواست اجازه کنید تا زمانی را در اتاق انتظار بگذرانید. زیرا در خواست کنید که به مشاهده مرکز مراقبت روزانه خروج از خانه یا محل مراقبت روزانه خانوادگی در خانه که کودکان در آنجا ثبت نام میشوند بپردازید.

۱. نقل رفتارهای مورد مشاهده تمام آنچه را کودک در طول ده دقیقه انجام میدهد یادداشت کنید.(به خاطر داشته باشید که از زبانی توصیفی و بدون دآوری استفاده کنید.) این نوع مشاهده پاسخ به چه سؤالهایی را در باره رشد روانی -اجتماعی، جسمی، یا شناختی میبازند ؟۵. قطعات کوزه توصیفی قطعه توصیف گوناگی را که به سطح رشد ذهنی کودک مربوط میشود، بر طبق نظریه یااز ویژه یادداشت کنید. ۲. ترضیح دهید که چرا واقعاً با رفتار بر حسب رشد ذهنی کودک متبداار میشود. ۳. یادداشت‌های روزانه کودک آنچه را از اراد مشاهده و مطالعه آموخته‌اید به منظور تهیه مدخلهای یادداشت روزانه برای یک هفته در مورد کودکی واقعی با تجلی به کار بندید. سن کودک را مشخص کنید و اطلاعاتی را در باره رشد روانی -اجتماعی، جسمی، و شناختی ثبت کنید.
۴. فهرست کنترل با مشاهده، بناک کودک نمونه‌های از فهرست کنترل را که در فصل ۲ (تابلو ۴-۲) آمده است تکمیل کنید. در مقایسه با شیوه نقل رفتارهای مورد مشاهده با قطعات کوزه توصیفی، فهرست کنترل چه اثری در به دست آوردن اطلاعات در باره رشد آن کودک دارد؟ ۵. مصاحبه برمشاهده‌ای طرح ریزی کنید و از آن برای مصاحبه با پدر یا مادر یک کودک در باره سه جنبه از خلق و خو استفاده کنید. در اینجا چند سئاه در باره سطح فعالیت برای آغاز کار مطرح میگردود:
طول خواب ، کودکیکاف، دو داخل نخش زیاد جابجا میشود (امت از یکگ طرف تخت به طرف دیگر میرود.

ب. اندکی جابجا میشود (احدود پنج شش سانتیمتر) ایج. نسبتاً بدون حرکت میخازد و معموم همین وضعیت را در هنگام بیداری حفظ میکند.

در طول تذبذ، کود کالفت ، شدت مکث میزند.

ب. در حدی معتدل مکث میزند.

ج. با ملامت و به طور متناوب مکث می زند.

در طول تذبذ، کود کالف. مدام بیچ و تاب میخورد و لگد میزندب. در حدی معتدل میجنبد. ج. در تمام مدت آرام و بی حرکت است.

در طول پیش بنده بستن و لباس پوشیدن، کود کالفت. زیاد بیچ و تاب میخورد و لگد میزندب. در حدی معتدل میجنبد. ج. عموماً آرام و بی حرکت است.

در طول استحمام، کود کالفت. لگد میزند و در تمام طول استحمام آب بازی میکند وول میخورد.

ب. در حدی معتدل میجنبد.

ج. آرام و بی حرکت است با اندکی تکان میخورد.

باسخنهای با الف درجه فعالیت زیاد، در چه فعالیت معتدل د، ج درجه فعالیت اندک را نشان میدهد.

۶. نتیجه‌گیری زمانی با تماس از نمونه فرم یادداشت مشروح در فصل ۲ (تابلو ۴-۲) استفاده با تعریف کنید و به مطالعه گریه کودک با شیوه نمونه‌گیری زمانی اقدام نمایید. تالیچ را با تالیچ گزارش شده در فصل ۴ مقایسه کنید.

۷. نمونه گیری وقایعی رفتارهای والدین و کودک را که مربوط به پیوستگی و دلگسنگی آنان است به شیوه نمونه‌گیری وقایعی طرح ریزی و اجرا کنید. (رک: تابلو ۷-۲ فصل ۲، برای الگویی از فرم یادداشت.) اصطلاحات را دقیقاً تعریف و یافته‌ها را گزارش کنید.

۸. مطالعه مروری آنچه را که در باره رشد کودک آموخته‌اید به کار بندید به نحوی که فهرست مطالب داده شده در فصل ۲ (تابلو ۸-۲) تغییر یابد تا در نتیجه به ویژگی‌های مهم این سطح سنی اشاره‌های خاص داشته باشد.

۹. مطالعه راجع به پژوهشنامه‌هایی را که مربوط به کودکان باشد در شماره اخیر یکی از مجلات زیر بخوانید:
رشد کودک، روان شناسی رشد، یا روان شناسی آرمایشی کودک.
چهارویب استفاده شده در کتابها این کتاب را به طور کامل ذکر کنید.
چه سؤالهایی را پژوهشگران مطرح میکرده‌ند؟ در پیدا کردن این پاسخها از چه طریقی عمل میکرده‌اند؟ تالیچی که میگردند چه پرده کدام بناک از دیدگاه‌های نظری که در فصل یک ارائه شده است، متعلق به این پژوهشگران نیز هست؟ چرا؟
جلس سوم

و تصمیم

در پارک در بناک روز گرم، سه کودک خرمال جویزانه وارد خانه شیوع شدند.
رابان یکساله، کنار باهای پدرش روی ششها می‌نشیند، دستایش پر از شن است ولی نگاهش از کودکی به کودکی دیگر که صداعاً و اماصلتان بوجھش را جلب میکند، میفتاد. او آرامی سر نهد، ولی درک آشکار خود را از صحنه‌های گاه و بیگاه پدرش نشان میدهد.
ملیسا، دو ساله، روی ششها درآمده، کنار کودکی خرمالز خوش را یک برته به زمین میگذند و بلافاصله بپلهایش را کنار میاندازد و معمر وسایل رنگارنگ او میشود. گد به گاه، ملیسا گفتمهایی را خطاب به دوست جدیدش بر زبان می‌آورد، نظیر «این... بزرگه، یا آنگاه کن، آنگاه کن!آنگاه کن!کلاس، سه ساله، حصصو میکند.
سمرانجام تفریح آشنای دوستش را دایر او میدهد.
تکلاس قول

بوده‌اند به طوری که در همه اوقات به برنده شده‌اند و نه بازنده، رشدی فراسوی نیاز دلخواهی و مطلق خود به کنترل و تسلط، پیدا می‌کنند. رفتار مخالف کودکان خردسال در حدود سی ماهگی کمتر بروز میکند و اغلب آنان دوستی سخنرین‌سپا و فرامندی را که پیش‌بنشدت در برابر آن می‌ایستادند، آغاز می‌کنند.

انزات خلق و خو

فرایند ایجاد حس خودمختاری متأثر از خلق و خویهای گوناگون کودکان است. پژوهشگران در مطالعه طولی نیوپورک (توماس و چیس، ۱۹۸۱) خلق و خو را به مزگی توضیح چگونگی رفتار در نظر می‌گرفتند.
رک: (فصل ۵)
آنان معتقدند که کودکان با خصوصیات رفتاری که با اکتشافی آنان و پاسخهای بزرگسالان را شکل می‌دهند، به دنیا می‌آیند. این پژوهشگران معتقدند که کودکان خردسالی که مبتدیان یا «دیروچس» توصیف می‌شوند در فاصله یک تا سه سالگی که با مسأله خودمختاری درگیرند، به رسیده‌گیهای خاصی نیاز دارند.

برای تعیین این که آیا کودکان یکک تا سه‌ساله «آرام، مبتدیان» یا «دیروچس» هستند، مقیاس خلق و خوی کودک **Toddler Temperament Scale** (نولارد، مکت دویته، و کری، ۱۹۷۷؛۱۹۸۴) پدید آمده است. اخطااتی از طریق پاسخ والدین به نود و هفت توصیف رفتاری که به نه خصوصیت اساسی خلق و خو مربوط می‌شود، به دست آمد. برخی مثالها از مقیاس خلق و خوی کودک نورا در ذیل می‌آید. برای پی بردن به سطح فعالیت کودک، از پدر یا مادر در مورد بی تحریمیهای کودک در طول فعالیتهای آرامی نظیر فضیلهایی سؤال می‌شود. برای تعیین موزون بودن رفتار کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک حدوداً هر شب در یک زمان به خواب می‌رود. برای آگاهی از میل یا بی میلی کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک در نخستین ملاقات خود با دکتر علاقه نشان داده است. برای بررسی اطلاق پذیری کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک تأخیرهای چند دقیقه‌ای در دادن غذا یا خوراکی را می‌پذیرد. برای در یافتن شدت هیجان کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک در اثر ستایشی که از او می‌شود باستانی هیجان زده می‌شود. برای درجه‌بندی حالت روحی، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک برای اولین باری که وارد جای جدیدی می‌شود لبخند می‌زند یا می‌خندند. برای کسب آگاهی از استقلال، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک به مدت ده دقیقه با اسیابزاری دهخاست بازی می‌کند. برای آگاهی از قابلیت حواسرتی کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک با وجود ضربههای مجاور بشتکار خود را ادامه می‌دهد. و سر انجام برای بررسی آستانه حسّی در کودک، از پدر یا مادر سؤال می‌شود که آیا کودک در مورد غلغله مورد تفرش ولو این که با غلغله دهخاست محفوظ شده باشد، واکنش نشان می‌دهد. این مثالها از میان هشت تا سیزده سؤال انتخاب شده است که پدر یا مادر طی آنها به هر جمع کسیدن و فترق داد انتخاب این کودک هنگامی شروع شده که پذیرش گفت نه»

خصوصیت خلق و خو پاسخ می‌دهند. همین که پدر یا مادر بر یک مقیاس خلق و خوی کودک را تکمیل کند، خصوصیات خلق و خوی او را با کودکانی دارای خصوصیت‌های زیر متوازن مقایسه کرد:۱. کودک آرام : دارای خصوصیات موزون بودن، نزدیکي جستن، اطلاق پذیری، ملاچت و حالت روحی مثبت است.

کودک بد خلق : دارای خصوصیات ناموزنی، دوری جستن،اطلاق پذیری کند، شور و هیجان و حالت روحی منفی است.

کودک دیر چوش : خصوصیتی همچون سطح فعالیت اندک، دوری جستن ، اطلاق پذیری کند، ملاچت و حالت روحی منفی دارد.

پژوهشگران دریافته‌اند که در سنین مختلف حدود چهل درصد کودکان را به عنوان «آرام» در درصد را به عنوان «مبتدیان» و پانزده درصد را به عنوان «دیروچس» متوازن توصیف کرد (توماس و چیس ، ۱۹۸۱). کودکان بد خلق و در چوش در هنگام تلاش برای کسب خودمختاری احوالضات زوهای ارزا می‌دارند. آنان نیاز دارند که نسبت به چیزها وفراق جدید آشنایی نزدیکتری پیدا کند و در مقایسه با کودکان آرام به وقت بیشتری برای خرجرفتن یا وضعت جدید نیازمندند. روی آوردن به تجربیاتی نظیر اقامت در مهد کودک، شرکت در بازی گروهی، و ملاقاتهای پزشکی در مورد کودکان بد خلق یا دیروچس باید بدقت انجام گیرد. البته شیوه خلقفروقیضه حاصلگیت است رشد خودمختاری را تأثیر نراند. هرچند، پیروژه دومرود کودکان بدخلق یا دیروچس، عالمسپارمهم دستازگاری کودکان آمانست که خلقفروقی آنان را نیزنده یاقیابند که درآن بهسر میرند.برای نشانده‌ان اینکه پژوهشگران (توماس و چیس، ۱۹۸۱) مثالهایزوفهمگهی گوناگون را می‌آورند.

تابیو ۸–۲ – استراتژی‌هایی برای تسهیل رشد : مواجه شدن با رفتار مخالف

والدین و سایر بزرگسالان به کمکت سه تکنیک با رفتار مخالف مواجه می‌شوند؛ جلب توجه کودکان به طور مثبت، فرصت دادن به آنان برای تسلیم شدن و دادن امکان انتخاب به آنان.

جلب توجه مثبت پدرمالی لازم است که دخترش را طبق رقی تعیین شده زود بترسک برد. او می‌باید تا لحظه رفتن انتظار بکشد و بعد از دخترش درخواست رفتن کند یا دستور رفتن دهد. بلیکن اگر چنین کاری کند؛احتما درخواست یا دستورش با مخالفت مالی که مایل به ترک بازیاش نیست مواجه می‌شود. ولی اگر او برای ترک خانه دو هنگامی که مالی هر لحظتهای دست از بازی می‌کشد، زبمه سازی کند، می‌تواند در باره چیز جالبی که در مسیر رسیدن به مطب دکتر خواهد دید، سخن بگوید. به این مقدمه‌ات، او زمینه‌ای را فراهم می‌سازد که امکان ترک خانه را آسان‌تر درست یش از ترک خانه، بپذیر مالی می‌تواند. در باره آنچه خواهد، دید به مالی یادآوری کند، اگر او احترام و توجه او خود نشان دهد، مالی نیز خود را در فعالیتهای روز شریک خواهد دانست.

فرصت دادن پژوهشها (هولز، هاگک و ونرا، ۱۹۸۱) نشان داده است که شدیدیترین مخالفتهای کودک طی چند ثانیه بعد ازتقاضای فرد بزرگسال بروز میکند. پژوهشگران دریافته که اگر بزرگسالان حداقل ده ثانیه پیش ازتکرار تقاضا یا اقدام بیشتر خود شکایتی پینه کند، کودکان غالباً مایه شکفتنی آنان خواهد شد. تقاضا را خواهد پذیرفت. شکایتی موفق شناسی مناسب ظاهراً از صفات مهم بزرگسالانی است که با کودکان خردسال در تعاملند.

امکان انتخاب دادن کودکان را می‌توان در صورتی که در طول تلاش برای خود مختاری فرصتهایی برای انتخاب داشته باشند، تشویق به پذیرش رفتار کرد. ممکن است از جنب سؤال شود، دوست داری یا قاشق غذا بخوری یا با چنگال؟ پیراهن فرمز بپوشی یا آبی؟ این طرف قدم بزنی یا اون طرف؟ موهاتو یا برس بکنی یا شانه؟ وقتی که چنین پیشنهادهایی می‌دهیم، هیچ می‌تواند استعناش را در چارچوب مساحتی که برای او والدین قابل قبول است اظهار کند. کانون تصمیمگیری از این که غذا بخورد یا نه، لباس بپوشد یا نه، قدم برد یا نه، موش را تربیت کند تا نه، به این که چگونگ هر یک از این کارها انجام خواهد شد تغییر می‌یابد. وقتی که کودک رفتار مختلفی نشان می‌دهد، ارائه امکانی بسیار محدود به محقق آزردی او کمک میکند. اگر وقت خانه رفتن است و جف مقاومت می‌کند، پدر یا مادرش می‌تواند با تقویت بگوید، «ثبوت رفتن به خانه است» و اینکه امکان انتخاب محدودی را پیشنهاد دهد، «دوست داری قدم زدن و با لیلی کنی یا من بلفش می‌کنم». اگر جف هر یک از این دو امکان اولیه با انتخاب کند، به هر حال در فرایند هدفتن فعالیت، شرکت کرده است. اگر او به نظرفه رفتن ادامه دهد امکان سوم را انتخاب کرده است و پدر یا

مادرش باید او را راعل کند و با خود برود.

آنان اشاره می‌کنند که کودکی با الگوهای خواب نامنظم ممکن است در پوستن که در آن ج خواب در خلال یک نایک می شود، آزار دهنده محسوب شود؛از سوی دیگر، در اجتماع کنش‌آزوزی و دامداری مردم کنیا کودکان همین تماس با مادر به خواب می‌روند و هر زمان از خواب می‌شود بیدار نمی‌گردند.

دیدگاههای متفاوت دیگری در باره مسائل، خواب میان والدین طبقه کارگر بریتوریکویی و طبقه متوسط انگلیسی در نیوپورک وجود دارد. گروه بریتوریکویی با مشکلات خواب اندکی مواجه است چرا که کودکان اوقات خواب و بیداری مرتبی دارند؛ اما در گروه انگلیسی، الگوهای خواب نامنظم مشکلاتی به بار می‌آورد چرا که والدین این انتظار خاص را دارند، که برنهمه‌ای مناسبی برای کودکان برقرار باشد.

اشیاء انتقالی (transitional bjects)

بنا نسام آشوبه‌هایی که در حدود یک سال و نیمی آغاز می‌شود، احتما نتیجه ننداره که زمانی فرارسد که کودکان دلگیتگیهای خاصی به اشیائی نظیر پتو، هروسکه‌های پارچه‌ای، حوله‌های خرمسپا، پوشالی یا پارچه‌های زرق و برق‌دار پیدا کنند. این اشیاء آشنا و باوقایه بسیار از خاطره آسودگی‌ها گذشته می‌باشند. روان‌شناسان این اشیاء انتقالی نام می‌نهند، زیرا که آنها نشان دهنده انتقال دلگیتگی کودکان به والدین و هر چیزی که آشنا و مطمئن به نظر می‌آید، به محیطی ناآشنا و گسردمتر است. اگر والدین در دسترس نباشند، اشیائی انتقالی به کودکان احساس ایمنی و آسایش می‌بخشد. آرتور کرنهایر **Arthur Krichaber** روان‌پزشک کودک، اشیائی انتقالی را «ممان قابل حمل» می‌نامد که کودکان در هنگام خواب، اکتشاف یا در محیط مهد کودک به همراه خود دارند (ارتیان ، ۱۹۸۲ ، **Burtff**).

این کودک سه ساله که در لحاظ خلق و خو آرام محسوب می‌شود، به هنگامی که پدر یا مادر وهمشیرش مشغول ترمین فوتبال هستند به آرامی منتظر می‌ماند. در مورد کودکانی که از لحاظ خلق و خوی مبتدیان و «دیروچس» هستند، ممکن است نیاز باشد که به والدین آنان در پرورش کودک کمک شود.

بسادری در رویژن‌سکشان روان‌شناسان هم عقیده‌اند، که دلگیتگیهای کودکان به اشیاء امری عادی است و در فراموش ساختن آسایش پایا مؤثر است. والدینی که تقویت کنده دلگیتگی کودکان به اشیائی انتقالی هستند، به کودکان امکان خوشبنداری و کنترل آنچه را نیاز دارند، می‌دهند. در طول دوره‌ای که بر سر ظاهره‌وند، هنگام خواب و سایر موارد عادی کنشگشتن وجود دارد، شیء انتقالی نباید طغی کند؛ درصوا محسوب شود. نیاز به اشیائی انتقالی بتدریج کاهش می‌یابد و اغلب تا هفت یا هشت سالگی بکلی از میان می‌رود.

در طی زمانی که اشیائی انتقالی در اختیار کودکان قرار داد، حدود معینی از میزان برای نگهداری آنها تعیین کرد، به طوری که هر دو دست کودکان برای کارهای آلودگی داشته باشد، به جای این که شیء انتقالی به میان گروه همبازی برده شود، شیء انتقالی را می‌توان احتما در توأمیل ترک کرد که تا پایان حله و راجعاً می‌ماند. با می‌توان در تخریب کودک قرار داد تا پاکتو و شاداب تا موقع خواب باقی بماند. جد و ترمز معقول به نیازهای کودک و مرتبه‌های خاص او بستگی دارد. مطمئناً نیاز کودکان به آسایش و اطمینان مجدد متلا در محیط مهد کودک، در اولین روز شدیدتر از یکصدمین روز است.

مکیدن نشت

مکیدن نشت با انگشت شیوه دیگری است که کودکان با انگش به آن در زمانی که در حال پیدا کردن حس خودمختاری هستند، به آسایش قابل اطمینانی دست می‌یابند. نشتها و انگشتان یکک مزیت بر اشیائی انتقالی دارند؛ همیشه آماده استفاده هستند. بویید سه ساله در هنگامی که بوی مخصوص دوستش گم شد، یا او هماردی کرد ولی همدا یا خیال راست اظهار داشت، خودش به حال خودم که نشتم گم نمیشه»ایستاری از متخصصان (ظفر اولفون، ۱۹۸۱) معتقدند که مکیدن نشت با انگشت شیوه مؤثری است که کودکان برای کنترل کنشهایشان به مایه می‌زنند و مایه آرامش آنان می‌شود. کودکان خردسال که مشغول فعالیتتدیری کشف چیزهای جالب در محیطشان ازهر دو دست استفاده می‌کنند، ولی نشتها یا انگشتانان در آرامش بخشیدن به آنان در هنگام درود، خشکی، یا بی اطمینانی اهمیت دارند.

با نزدیک شدن وقت خواب، این کودک سه ساله آسایش قابل اطمینانی را از طریق مکیدن نشت به دست می‌آورد.

در نسلفه‌ای پیشین، والدین بنشدت از مکیدن نشت با انگشت کودکان جلوگیری می‌کردند. آنان شنشهای کودکان را با ملامت و ترمز رنگ می‌کردند، برای آنان کمک‌های مخصوص می‌راندند و بگران به شکل شدن دندانشان بودند. شواهدی در دست نیست مزم نشان دهد هیچ کدام از تلاشهای فوق طول زمان مکیدن انگشت یا نشت کودکان را پایین آورده باشد. در واقع، جلب توجه کودکان به تلاش پدر یا مادر برای جلوگیری از مکیدن نشت با انگشت، در زمانی که کودکان خود مختاری خود را نشان

میهنده، ممکن است حتی به طولانی شدن مدت نگهدن شست با انگشت نیز بینجامد تنها در صورتی که میگردن شست بعد از در آمدن دندانهای دایمی نیز ادامه پیدا کند خطر پدید آمدن مشکلاتی برای دهان کودک وجود دارد.

ترسها

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تعامل میان غرضهای روانی ـ اجتماعی و شناختی، پدید آمدن ترسها در کودکان است. در زمان معینی در جریان رشد روانی ـ اجتماعی که کودکان به معاوضه جوی یا بزرگسالان می‌روند این معاوضه جوی به طریقی است که بعضاً موجب ترس کودکان میشود، آنها نیز از نظر فکری توانایی نگهداری و پرورشادن تصاویر ذهنی را پیدا میکنند. این رشد توانایی شناختن در حدود هیجده ماهگی روی میدهد و غالباً با ظهور ترسها همراه است. گفتهای پلار پدرو که در زیر می‌آید نمونه‌ای از این ترسهاست.

پدرو-هرگز از تاریکی نمیترسید، ولی اکنون در صورتی به دستخواب میروم که برق روشن باشد اگر من برق را خاموش کنم و او در تاریکی شب بیدار شود، آن قدر صبح میزند تا دو باره برق را روشن کنم.
پدرو از تاریکی میترسد. کودکان دیگر در سن او وان حمام، سنگها، کامیونها، فیلها، و جز آن میهراسند. کثیر والدینی خوشحال میشوند از این که از زبان مخصوصی در زمینه رشد دوره اولیه کودکی بشنوند، «تاریکها ترسهای تازه کودکان نشانه سطح نژادهای از توانایی فکری اوست»، و در عین حال این موردی است که وجود دارد ایجاد ترسهای مزاحم تا زمانی که کودکان تصاویر ذهنی دائمی پیدا میکنند امکان پذیر نیست.

ترسهای کودکان برای خود آنان واقع و اضطراب‌آور است. اگر والدین به این ترسها بپردازند، بی توجهی خود را در برابر نگرانیهای کودکان نشان داده‌اند. لازم نیست که والدین به منظور همدردی با کودکان در مورد جستجوی راه حلی برای آسوده ساختن کودکان، در ترسهای آنان شریک شوند یا آن را بزرگ جلوه دهند. اگر کودکان برای جستجوی این راه حلها شرکت کنند، گاهی در هنگام تعجب این فرایند ساده میشود. پدرو ممکن است در یکطرفه‌اش احساس متروخ و ازان قیمت، چراغ روشنایی مورد نیازش را انتخاب کند. سلی ممکن است عرس پوشایش را در برابر ترسهای که هنگام شب میخواند به اقتض وارده شوند، محافظ خود قرار دهد. مجبل ممکن است تصمیم بگیرد از وان حمام خارج شود پیش از آن که قلمه برداشته شود. راه حلهای خلاق غالباً زمانی نتیجه میدهند که کودکان و والدین با هم فعالیت میکنند.

تایلو ۸-۳- ترسها

حدود دو سالگی، کودکان دچار ترس میشوند مانند آنچه فرانسس در مورد شکاف درون سقف احساس میکند.

فرانسس خیلی خسته نبود و چشمانش را بست.

او به سقف نگاه کرد.

شکافی در سقف به چشم میخورد و او در بازهاش فکر کرد.

او فکر کرد، شاید چیزی از درون شکاف بیرون بیاید!شاید ساس یا عنکبوت، شاید در تاریکی جانوری با پاهای لابر فراوان بیرون بیاید.
۱۹۶۰. New York: Harper Rw. Copyright. ۱۹۶۰. By Frm Bedtime fr Frances by Russell Hban.
۱۹۶۰. New York: Harper Rw. Copyright. ۱۹۶۰. By Russell C. Hban. Pictures cpyright. ۱۹۶۰ by Garth Williams. Reprinted by Permissin Distributed in the British Cmmnwealth, excluding Canada, by Faber and Faber Ltd. Reprinted by permision f Faber and Faber Ltd. frm Bedime fr Frances by Russell Hban, illustrated by Grath Williams

تالیرات محیط خانواده

محیط خانواده تأثیرات مهمی بر رشد روانی ـ اجتماعی کودکان یک تا سه ساله دارد. این تأثیرات فراگیرند و دیسنگی والدین، رفتار جامعه بستند، آگاهی از تقاضای فردی، مساهمتی خانواده، چالشین، سوء رفتار و غفلت، و الگوهای تعامل پدر یا مادر با کودک را شامل میشوند.

دلبستگی و جدایی

توانایی کودکان خردسال برای تحمل جدایی خود از والدین و بزرگسالان ویژه دیگر داری چرجهای قابل پیشینی از دستپها و بلندیهاست. در فصل نخستین چرجه رفتار دلبستگی توصیف شد که غالباً میان نه و یازده ماهگی بروز میکند و سب وایسته شدن به والدین و پدید آمدن مشکلاتی در جدایی از آنان میگردد. دومین چرجه رفتار دلبستگی غالباً زمانی به لوح خود میرسد که کودکان میان بیست و بیست و دو ماهگی به سر میروند. حتی کودکانی که در جداییهای نخستین خود سازگاری عالی از خود نشان داده‌اند، ممکن است در مورد جدایی و جدایی از محیط خانواده مجدداً دچار نگرانی شوند.

پژوهشها در زمینه دلبستگی و جدایی نشان داده‌اند که اغلب کودکان بین یکک و سه ساله هنگام جدا شدن از والدینشان، حتی برای مدتی کوتاه دچار اندکی پریشانی میشوند. کودکان گریه میکنند، داد می‌زنند، به دنبال والدینشان میگردند و دست از اکتشاف بر میدارند. ـ که همگی پاسخهای کودکان در قبال جدایی است. اما با وجود همگرایی واکنش‌های کودکان، تفاوتیهای نیز در شیوه کنترل جدایی در کودکان مشاهده شده است.

پژوهشگران در زمینه رشد دوره اولیه کودکی توضیح داده‌اند که چرا بعضی کودکان پریشانی شدیدی پیدا میکنند، در حالی که دیگران بشدت پریشان میشوند. آنان از طریق مشاهده دقیق، دریافتند که پاسخهای کودکان در برابر جدایی ازوالدینشان ظاهراً به دو نوع متفاوت رفتار پدر یا مادر مربوط میشود (وایتراب Weintraub، و لوفیس، ۱۹۷۷). اولین رفتار مرتبط پدر یا مادر به مقدار تناسمی مربوط است که والدین پیش از جدایی با کودکان دارند. هرچه والدین کودکان را بیشتر در آغوش گرفته و لمس کنند و هرچه کودکان پیش از ترک والدینشان، کمتر به بازی سرگرم باشند، هنگام ترک والدین پریشاتر خواهند بود. دومین رفتار مرتبط پدر یا مادر عبارت از دادن اسباب شناختی به کودکان تا جدایی و کارهایی را که باید در طول این دوره انجام دهند، درک کنند. هرچه والدین در توضیح این جدایی و دادن پیشنهاد انجام کارهایی در زمان غیبتشان صریح باشند، احساس بیشتری وجود دارد که کودکان بدون گریه به بازی مشغول شوند.

پژوهشها در زمینه دلبستگی و جدایی نشان میدهد که والدین می‌توانند کودکشان را از طریق سرگرم کردن با بازی و توضیح دقیق موفقیت برای آنان، با جداییها سازگار کنند. همین دادن ساختن شناختی به کودکانی که باید جداییهای نسبتاً طولانی را تحمل کنند اهمیت دارد. نظرها همگی که بستری میشوند. توصیه میشود که هر زمان ممکن والدین نزد کودکان خردسال بممانند ولی در موقعیت جدایی امری ضروری باشد، زمینه سازی نقش اساسی دارد. ثی بری برازلفن (۱۹۷۴) در مورد کودک تمیایی که بستری شده بود مطلب نقل کرده است که او ضمن اشک ریختن، بارها تکرار میکرد، «مامانم میگفت که بچهوری میشه». الگوری دلبستگی شدید و ضعیف در نخستین سالهای زندگی مدلل توجه خاصی را نسبت به جدایی در طول این دوره ازفرآورد میسازد. از دهه ۱۹۶۰، جدایی موضوع مهم پژوهشهای روان شناختی بوده است. جدایی به صورت یک منبع معمول پریشانی نگریسته میشود که ممکن است بر رشد شخصیت تأثیر بگذارد.

رفتار جامعه پسند (Prcial)

چکی به طرف کودک گریان ناشی کرد و به گریهناش دست کشید. وقتی که گریه آن کودک ادامه یافت، عروسک امچوش را برداشت و آن را به او داد.
رفتار چکی رفتار جامعه پسند نامیده میشود که تعریف آن عبارت از رفتاری است که به قصد آسایش شخص دیگری بروز میکند. رفتار جامعه پسند نشانهٔ تقصرو جانبداری برای مطالعه است. تا دهه ۱۹۶۰ پژوهشگران عمدتاً به سرکوب رفتار نخواستار توجه نشان میدادند. پریشمهای پژوهشگران تأکید بر این داشت که رفتار رفتار یازبانرا یا نریکارتها را چگونره میتوان مهار کرد. لکن اینکه پژوهشگران در مطالعاتشان در باره خوددستی و توجه به دیگران رفتار عمل میکنند. ساله پژوهشگران امروزه، این است که رفتار جامعه پسند یا مثبت را چگونه تشریح کنند. یافتههای آنها به افرادی که به رشد دوره اولیه کودکی علاقه‌مند باشند، پیشنهادهایی میهنی را میبخشد.

پژوهشها نشان میدهد که والدین و سایر افراد می‌توانند احتمال بروز رفتار جامعهپسند کودکان را افزایش دهند که این امر از طریق پذیرش الگوهای خاص شیوههای پرورش کودک میسر است. با مرور یکی از پژوهشها (کوسک، ۱۹۸۲) معلوم شده است که والدینی که با کارکنان رفتار جامعه پسندند را در کودکانشان برمیگزینند دارای سه خصوصیت ذیل هستند: نخست ، این والدین کارآمد خودشان الگوهای از احساساتی بودن، خیرشناساری، مسئول بودن و توجه به دیگران هستند که مايلند کودکانشان نیز این الگوهای رفتاری را بروز دهند. دوم، این والدین کارآمد دلایلی برای درخواستهایی که دارند و محدودیتهایی که قائل میشوند، ارائه میدهند. آنان برای کودکان توضیح میدهند که چگونه سوء رفتار آن کودکان مایه پریشانی میشود و نیز احساسات خود را به باره آن رفتار نشان میدهند. آنان در ارزی از دشنها و اولویتهایشان صریح و ثابت قدمند. سوم، این والدین کارآمد، در صورتی که کودکانشان بیرون رفتار سونی داشته باشند، استدلال خود را با یادآوری عواقب ناخوشایند آن همراه میکنند. این گریه به نظر میرسد که عواقب ناخوشایند در سطحی معتدل، از قبیل روی مسئولی قرار گرفتن در دوره‌های از محروم سازی، کودکان را برمیانگازد از رفتارهای معینی اجتناب زورند. توجیحاتی که والدین از قبل ارائه داده‌اند موجب میشود که کودکان رفتار را بیشتر به تصمیمهای درونی خود مربوط بدانند تا به فشارهای خارجی.

این کودک در خلال بازی رفتار جامعهپسند خود را بروز میدهد.

والدین کودکان یک تا سه ساله گاهی متحیر میشوند که آیا هیچ کدام از استراتژیهای آنان مؤثر واقع میشود یا نه. بعد از چندین روز سرگردن با واکنشهای منفی کودکان خردسالشان، حتی والدین معصوم نیز خود را در موقعیتی مییابند که تشابه به رفتار بقدرت خویش دارند، در کوتاه مدت، کودکان در این گستره سختی یا فرمانها پیش از استدلال و به نهدیده‌ها پیش از تعلیماتی مثبت پاسخ میدهند. لکن، والدینی که به واری دو و روییهای امروز نظر می‌کنند، توجه میشوند که شیوههای مورد توصیه پژوهشگران در این زمینه اثرات بلند مدتی دربر دارد. این شیوهها والدین را در تشریح رفتار نودعدولسته و مهر آمیز کودکانشان یاری میدهند.

آگاهی از تفاوتیای فردی

نخستین باری که کودکان از تفاوتیهای فردی نظر جنس و نژاد آگاه میشوند چه وقت است؟
مکگاباتی نظیر نمونههای زیر ذلالت بر آن دارند که آگاهی از تفاوتیهای فردی در نخستین سالهای زندگی آغاز میشود.
دو هفته است که، سوزان (دو سال و شش ماهه) مثل پسرها پستانده ادوار میکند. او به پیشش کمی بغرس میدهدو معم خود را با وضعیت تولدت به خوبی هماهنگ میکند. ما تلاش کردیم که این کار او را نادیده بگیریم ولی اگر هیچ چیزی نگوییم، او خواهد گفت: «مادرم میگوید اگر به تولدت بروم، عیبی ندارد که پستانده افراز کنم؛ با خطایب به کودکت دیگری میگویند، انگام کن، شوتا (سه ساله) همیشه وقتی که میخارهد بخواند عروسک را بالش میخارهد. ما چندین عروسک بچه‌های داریم که بعضی سفید و بعضی سیاه رنگند. شوتا همیشه تقاضای دو عروسک دارد؛ یکی برای خودش و یکی هم برای جنده. در صورتی که جنف خواب یازند، اگر مجبور به انتخاب شود، عروسک سیاه رنگ را انتخاب میکند. (شاید او وسایل صورتی رنگ را نسبت به پرقتلی رنگ ترجیح دهد). او از عروسکهای سیاه یا سفید رنگد یا از رنگد پوست خویش ذکری به میان نیاورد است.
با یی بودن به آگاهی کودکان از تفاوتیهای فردی پیشنهادی جالب توجهی در مورد رشد روانی ـ اجتماعی آنان به دست می‌آید. البته، این که کودکان خردسال خود و سایر افراد را در گروههای جنسی یا زادی قرار دهند، در مجموع به توانایی آنان در تشکیل مفروضات ارتباط دارد. و پیش از این که آنان بتوانند نظام مفروضات را پدید آورند، باید بتوانند میان شخصص و میان نشانه‌های قابل شنود و توجه کنند که کدام رفتارها برای شهنه بندی اهمیت دارند. جنس و نژاد به عنوان دو نظام اولیه برای طبقهبندی اشخاص به مفروضات به کار میروند چرا که این نشانههای مشخص کنندهٔ نشانهای جسمانی و به آسانی قابل مشاهده‌اند. همین که کودکان شروع به کاربرد عناوین میکنند، معمور در حدود هیجده ماهگی مامی را دقیقاً برای اشاره به زنان وزرگسال و ددی را برای اشاره به مردان بزرگسال به کار میبرند. تا سن سه سالگی، و شاید زودتر از آن، پاسخهای مشاورتی را در برابر گویانگویی رنگد پوست و سایر

نشانه‌های زادی ابراز می‌دارند (کتر،۱۹۸۲). این مقوله‌های اولیه حتی در خانواده‌هایی با نشانه‌های متعاقب پذیر بحسب جنس و با ترکیب چند زادی می‌توانند نسبتاً دقیق باشد. بعدها که کودکان نظام‌های مقلوبات خویش را تثبیت کردند، مقوله‌ها متعاقب پذیرتر می‌شوند.

آگاهی از جنس ، نشانه‌های مربوط به درک و رفتار کودکان در خصوص جنس گسترده است. باوجود این، پیش از بحث در مورد پژوهشها، تعریف چند اصطلاح اهتیت دارد. نخستین اصطلاح هویت جنسی **gender identity** است که اشاره به فردی خاص دارد که به طور خصوصی مرد بودن، زن بودن، یا دو سوگرا بودن را تجربه میکند. دومین اصطلاح ، **نقش جنسی gender re** است که بیان همگانی برای هویت جنسی است. و سومین اصطلاح قالب روی نقش جنسی **gender re stereotyping** است که به فرار هادگان برای مناسب مناسب یا غیر مناسب برای پسران یا دختران اشاره دارد.

هویت جنسی ظاهراً زود شکل می‌گیرد ولی نحوه شکل گیری آفراین آن بر اثر تراتژی در ابداع استراتژیهای پژوهشی مناسب برای کودکان یکسک سال و نیمی دیگر نشود. لکن معلوم می‌شود که کودکان خودسال وراه‌های مربوط به جنس را، همین که در میان

ولترگان آنان پدید آمد، برای اشاره به خود به کار می‌برند (بروکس - گان و ماتیس ۱۹۹۰ ،Matthews, W.S.

پنشنه‌های جنسی احتیاج بحث تأثیر مجموعه‌های از تفاوت‌های زبستی میان پسران و دختران و نیز تأثیر ازتفاوت‌های فرهنگی و محیطی در چگونگی رفتار با آنان هستند. میوان اثبات کرد که در سن دو سالگی ،سطح فعالیت پسران عمدتاً پیش از دختران است. این که ناچه حدودی این تفاوت و سایر رفتارها نتیجه منطریهای زبستی یا نتیجه شرایط فرهنگی و اجتماعی است، معلوم نیست. در اغلب پژوهشها از مسأله تفاوت‌های زبستی اجتناب می‌گردد و به جای آن اهمیت نیروهای محیطی در شناسگری نشانه‌های جنسی نشان داده می‌شود.

نقشه‌های جنسی شدت تأثر از انتظارات والدین هستند ولی والدین بندرت از این آگاهند که رفتارشان با پسران و دختران چه فرقی دارد؟ سه نمونه زود، تفاوت‌های عمده می‌جودد در رفتار والدین را تأکید می‌کند. او، در پارهای ازمطالعات، معلوم شده است که تعامل مادران با کودکان دختر حاکی از حمایت بیشتری است تا با کودکان پسر. آنان بیشتر در کنار کودکان دختر باقی میمانند تا در کنار کودکان پسر. همچنین، وقتی کودکان یک ساله زمین می‌افتند، مادران پسران خود را تشویق میکنند تا گروه‌هاک لباس خود را پاک کنند و به سرپایزی خود برگردند در حالی که دختران را تشویق می‌کنند که در همان حال بمانند تا آنان را بلند کنند و در آشپزخانه گردند (فاگرت ۱۹۸۲ ، Fagt ، باگوت و کرزنسبرگ ۱۹۸۲ ، Kmsberg . ،تأییداً، والدین برای انواع گوناگون رفتارهای کودکان که دختران و پسران ابراز میکنند، به آنان پاداش می‌دهند. از زمانی که کودکان یک ساله‌اند، والدین در برابر موهبت‌های اجتماعی دختران واکنش مثبت نشان می‌دهند اما در مورد پسران در برابر جستجوگری آنان واکنشهای مثبت نشان می‌دهند (فاگرت، ۱۹۸۲). لذا، والدین چهره‌ایی را تشویق میکنند که رفتاری مناسب جنسی کودک میسرانند. پاداش زبانهایی که آنان برای کودکان برمیگزینند کم با درکی که از جنس کودک دارند، تعیین می‌شود. وقتی والدین در نظر دارند که با کودک پسر مشغول بازی شوند، به او یک نقاش اسباب بازی هدیه میکنند ولی وقتی در نظر دارند با کودک دختر مشغول بازی شوند به او یک عروسک هدیه می‌دهند (بروکس - گان و ماتیس، ۱۹۹۰). پدران عموماً در تریب آن نوع بازی که مناسب جنس کودک میسرانند، نسبت به مادران علاقه‌مندترند.

تصورات قالبی در باره نشانه‌های جنسی در سنین اولیه رشد می‌یابند. در یک مطالعه (بروکس - گان و ماتیس، ۱۹۹۰)، یک چهارم کودکان دو ساله اکثریت تصاویر اشیا را (برای مثال، ماشین چمن زنی، کیف پول، خشک کن لباسشویی) بحسب انشایی که از لحاظ جنس کودک در یک گروه قرار می‌گرفتند، توانسته طبقه‌بندی کنند. همچنین، از وقتی که کودکان به حدود سن دو سالگی می‌رسند، وقایع گوناگونی را به بزرگسالان در زندگی محول میکنند. اگر در خانواده‌هایی زندگی کنند که پدر و مادر، هر دو حضور دارند، مایلند که پدران را برای بازی کردن و مادران را برای آسایش خود در زمان فشارهای روانی برگزینند. تصورات قالبی در مورد نقش جنسی ظاهراً مان تا سه سالگی پدید می‌آید.

والدین و سایر بزرگسالان می‌توانند کودکان را در تفکر در باره نشانه‌های جنسی متعلق‌پذیر بازی دهند یا این که سبب تقویت تصورات قالبی آنان گردند.

به اثرات نظراتی مانند نظارت زیر توجه کنید: پسری بزرگ گریه نمی‌کند.

لباس فلشنگو تمیز نگذار.

پسرا با عروسک بازی نکنند.

چنین نظراتی رشد کودکان را محدود می‌ازد، بسیاری از متخصصان دوره اولیه کودکی معتقدند که باید پسران را تشویق کرد تا تجربیات بیشتر در مورد تربیت دیگران و ابراز احساسات خود کسب کنند، واین که دختران را تشویق کرد تا تجربیاتی در مورد موادی نظیر مکتعبا به دست آورند که سبب تفکر منطقی و قضایی آنان و نیز اکتشاف بدنی فعالانه آنان خواهد شد. جامعه بتدریج از شیوه‌هایی که پسران و دختران را با انتهای شغلی و شخصی قالبی محدود می‌ازد، دور می‌شود.

آگاهی زادی در یکج جامعه متروخ، مردمی با سوابق زادی و فرهنگی قرون باین راه‌هایی برای زندگی **سوانهنگ** با یکدیگر پیدا کنند. در چارچوب این بافتن، این مسأله که کودکان چگونه و چه وقت آگاهی‌های زادی پیدا میکنند از اهمیت فراوانی برخوردار است. فیلیس اکتس (۱۹۸۲) (Phyllis A.Katz) با مطالعه نشانه‌های مربوط به این مسأله، مشاهده کرده است که ما هیچ مطالعه‌ای در زمینه رشد آگاهی زادی پیش از سه سالگی وجود نداره، در عین حال شواهد نشان می‌دهد که فرایند یاد شده در همین چند سال اولیه زندگی روی می‌دهد.

در فصل ششم، یادآوری شد که نوزادان ازاختلاف رنگ پوست آگاهند. تا سه یا چهارسالگی، کودکان سفید پوست ازتفاوت مشتی با رنگ سفید و با گروه‌های زادی که با رنگ سفید مشخص شده‌اند، دارند. در سالهای گذشته، کودکان سیاه پوست نیز رنگ سفید را ترجیح می‌دهند، ولی در سالهای اخیر آنان در موهبت‌های آزمایشی با برای آن هیچ ترجیحی قائل نمی‌شوند یا میان زاده‌ها ترجیح یکسانی قائل نمی‌شوند(کس ، ۱۹۸۲). به طور کلی معلوم شده است که کودکان مربوط به گروه‌های فرهنگی قیبت نسبت به نشانه‌های اجتماعی حساس‌تر هستند و زودتر از سایر کودکان آگاهی زادی پیدا می‌کنند. برای مثال، در پژوهشی که از کودکان خراست شد تا نندار میان چهره‌هایی با که دارای سازه‌هایی گوناگون سیاه، سفید و سبز بودند نشان دهنده، عملکرد کودکان سیاه پوست نسبت به کودکان دیگر برتری داشت. و کودکان خودسازر یاد گرفتند که هنگامی که توسط پژوهشگری غیر از زاد خود مورد آزمایش قرار می‌گیرند، سرخ‌تر نماز قائل شوند (اکتس، ۱۹۸۲).

فایل ۸ – ۲ نکستن تصورات قالبی نقش جنسی

عروسک ویلیام از ویلوتی، ۱۹۷۲ در بین کودکان اثری انگیزی و بدیع به شمار می‌آید که به موضوع تصورات قالبی نقش جنسی می‌ازد. مادر بزرگ ویلیام معتقد است که پسر‌ها را باید تشویق کرد تا مهارت‌های تربیتی کسب کنند.

ولی پدرش عصبانی بودا به مادر بزرگ ویلیام گفت: اون به پسر‌ها اون یک توب بستگیان و یک قطار رقی و به نیکنک کار برای این که چیزو روی اون بسازه، داره.

دیگر عروسک‌های رای چی میخواد؟مادر بزرگ ویلیام چنین گفت.

او گفت: اون به عروسک نیاز داره این‌ها یکه اونو بقل کنه، تو گهواره بذاره و بیره و پارک تا وقتی مته تو پدرش بدونه چه جوری از چپشیا مراقبت کنه اونو تغذیه کنه،اونو دوست بذاره و چیزی که اون میخواد برارش بیاره، مته کنه عروسک‌هایی طوری که بتونه پدر بوته تعزین کنه» .

Frm William’s Dil (pp. ۳-۳۰۱) by Charltte Zitw, ۱۹۷۲, New Yrk. Harper Rw. Text cpyrith. ۱۹۷۲ by Charltte Zitw. Pictures. ۱۹۷۲ by William penu du Bis. Reprinted by permisson F Harper Rw. Publishers, Inc

با توجه به یافته یاد شده، اخیراً پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که تا زمانی که کودکان سه ساله می‌شوند، صفات زادی بر ادراکات و فرآیندهای یادگیری آنان تأثیر می‌گذارد. شواهد ظاهراً این فرضیه را رد می‌کنند که کودکان خودسال در مورد تفاوت‌های زادی آکور رنگه هستند.

تا سن سه سالگی ، کودکان آگاهی خود را از تفاوت‌های زادی نشان می‌دهند، و بعضی در موهبت‌هایی نظیر این مجموعه وسایلی بازی، تمایلی خود برای آب بازی ابراز می‌دارند.

کودکان اطلاعات مربوط به زاد را از والدین و افراد دیگر داری سوابق مشابهی با کودک هستند کسب می‌کنند مگر آن که خود در خانواده‌ها با مراکز مراقبت روزانه‌ای به سر برند که دارای زاده‌های مختلفی باشند. در محیطهایی که یکپارچه نیستند، کودکان زیر سن مدرسه، جز از طریق تفریوین و کنایها احتیاج آشنایی اندکی با افرادی دارند که از زاده‌های گوناگونند. اگر الگوهای مربوط به گروه‌های زادی دیگر در اختیار کودکان نباشد، سوء ادراکها و ساده سازیهای بی رویه در این مورد پیش از زمانی است که این سوء ادراکها و ساده سازیهای بی رویه مربوط به جنس کودکان باشد. زیرا الگوهای مربوط به جنس پسر و دختر در مدرسه کودکان است. تصورات قالبی زادی هوز در زمانهای گروهی و کنایهای کودکان موجود است هرچند که وضعیت در **دهه‌های** گذشته بسیار بهتر شده است.

کودکان خود سال ظاهراً بیشتر در باره زاد ارزهایی یا تفاوت می‌کینند تا در باره سایر زمینه‌های یادگیری اولیه. بنابراین بزرگسالانی که برای گوناگونی ارزش قائلند، باید توجه بیناهای جنسی و صریحی باشند که کودکان در باره تفاوت‌های زادی و تفاوت‌های دیگر کسب می‌کنند. به نظر کس (۱۹۸۲)، بعد ازحدود کلاس چهارم، کودکان دیگر در باره نگرشهای زادی خود نمی‌یابند، مگر این که محیط اجتماعی آنان عمدتاً تغییر یابد. بنابراین، مداخله در جهت تثبیت ارزش‌های مثبت در نخستین سالهای زندگی ضروری است.

فایل ۸ – ۵ زاد در ادبیات کودکان

زان دلق و همکارانش (۱۹۷۹) Jeanne Chall گزارش کردند که فقط ۹/۱۴ درصد کل کتابهای کودکان که در فاصله سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ منتشر شد تقریباً یک شخصیت سیاه پوست داشت. بعد از تحلیل آثار کودکان رویدین سیمز (۱۹۸۳) ،Sims اظهار داشت که کتابهای دارای شخصیت سیاه پوست را به سه قلموه اصلی میوان تقسیم کرد: (۱)کتابهای وجدان اجتماعی که مقصود از آنها تشویق به برابری با کودکان سیاه پوست در میان کودکان سفید پوست است (۲) کتابهایی مربوط به زاده‌ای آنچه که با ضایرفشان نشان می‌دهند که مردم از هر رنگ و نژادی یکی هستند و هیچگونه اشارات خاصی به زاد در متن آنان نمیوان یافت (۳)کتابهای حاوی آگاهی فرهنگی که بیان کننده نظرات از دیدگاه شخصیت‌های سیاه پوست است. سیمز تنها مشتاق قلموه سوم یعنی کتابهای حاوی آگاهی فرهنگی است.

آماری که دلال و همکارانش و نیز سیمز گزارش کرده‌اند، نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۶۰ تغییرات مثبتی پدید آمده است. یعنی از هنگامی که فقط ۷/۶ درصد کتابها دارای تنها یک شخصیت سیاه پوست بود، در متن از تصاویر بود و بسیاری از تصاویر سیاه پوستان به طور مشخص و به طور کلیشایی ترسیم شده بود (لریک ۱۹۹۵ ، Lamick .). هوز هم به دلیل کمبود کتابهای حاوی آگاهی فرهنگی، سیمز (۱۹۸۳) به این نتیجه رسیده است که «جهان داستانهای کودکان... هنوز عمدتاً حول محور شخصیتها، مقلوبات، و مخاطبین سفیدی که کتابها برای آنها نوشته می‌شود... باقی مانده است... ما دیگر در جایگاهی هستیم که زمانی بودیم ولی هوز به جایگاهی نیز که باید باشیم، نرسیده‌ایم» (ص ۶۵۳).

ساختهای خانواده جانشین

در دهه ۱۹۶۰ برخی تحولات اساسی در زندگی خانواده پدید آمد. بزرگسالان جوان خانواده‌هایی طبقه متوسط و بالاتر به جستجوی جانشینیهایی برای خانواده‌هایی برداختند که دارای هسته پاندر و مادر بودند و خود اغلب در این نوع خانواده‌ها به دنیا آمده بودند. الگوهایم از خانواده که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ظهور کرد، از نظر ترکیب، قلمرونی بودن و کارکرد با الگوهایی که این بزرگسالان جوان در آن بزرگ شده بودند، تفاوت داشت. برخی از بزرگسالان جوان عمدتاً به مادران مجرد تبدیل شدند یعنی در خانواده‌هایی مبتنی بر قرار داد اجتماعی؛ فرزندت می‌گردد و بر این باور بودند که قرار داد قانونی و روابط آنان قطعه می‌شود (نیز بعضی زندگی‌های گروه‌های متفاوتی را برگزیدند تا اوقات خود را در کنار افرادی به سر برند که نظرات مشابهی با آنان داشتند. در هر یک از انواع این خانواده‌ها تفاوت‌های فراوانی به چشم می‌خورد و موضوعات بسیاری در زمینه رشد دوره اولیه کودکی مطرح شد.

پژوهشگران قادر نبوده‌اند که در این دو محیط مغزی‌ها را کشف کنند که اختلاف تایخ تکرر کودکان را به خوبی نشان دهد ولی به‌آدوین شدند که کارکنان مهد کودک‌های گروهی معمو برای ترست اولیه کودکان از آموزشها و آموادگیهای بیشتر برعبردارند تا افرادی که در جاههای قابل مسؤلیت مراقبت از کودکان را به مهد دارند.

پژوهشگران هنوز شناخت کاملی از اثرات مهد کودک بر روی کودکان والدین و براسد خانواده به دست نیاورده‌اند. با وجود این، پژوهشهایی که قب انجام شده است موردی برای تکراری باقی نگینداره مشروط بر این که معیارهای معینی مدنظر باشند. همه برنامههایی که پژوهشها بر آنها استوار شده‌اند، از جمله برنامههایی که در نیویورک تهیه شده‌اند، حداقل نسبت یک به پنج را در مورد بازگشتان به کودکان مشترکاً حفظ کرده‌اند. همان گونه که در مطالعات کرو و نیویورک معلوم شد، سطح بالای از انگیزه‌های شناختی ازبانی و اجتماعی (عاطفی را که والدین و معلمان به وجود می‌آورند، به طرز مثبت با رشد تراش در کودکان ارتباط دارد. پیدا کردن محیطی ویژه مراقبت از کودک که کارکنانش زیرگالانی با الگوهایی تعاملی گرم و شوادنگر باشند، مسأله مهمی برای والدین داری کودکان خردسال به شمار میرود.

روابط همسالان

در یک خانه قابل ویژه مراقبت روزانه، کودکان در حال نشاندای خیابان‌سایمی، بودند. گری (سه سال ونیم) دستش را دور کمر چارلی میگرد و میبوسه، اجزایی، با من ازدواج خواهم کرد.چارلی به او نگاه می کند و ظاهراً این گفته را موردی قافیه توجه قرار میدهد. او به یقین گروه اشاره میکند و پاسخ میدهد، بعد از این که با همه دختری این جا ازدواج کردم اون وقت تا ازدواج خواهم کرد،گری تبسم میکند و میگوید، « خیلی خوبید،گری و چارلی دوست هستند. آنان هنگامی که والدینشان سرکارند ده ساعت در هر روز را با هم در این خانه به سر میبرند. ظاهراً داشتن این انتظار منطقی است که تعامل آن دو با یکدیگر و با سایر همسالان در رشد آنان مؤثر است.

پیش از بررسی این که چه پژوهشهایی در باره روابط همسالان صورت گرفته است، باید دانیم که پژوهشهای جاری کام با نظریه سنتی (مربوط به پازن،۱۹۳۳ - ۱۹۳۴) مبنی بر این که کودکان خردسال در بازی با یکدیگر مهارتهایی معینی را کسب میکنند، مطابقت ندارد. این نظریه سنتی برنامۀ مورد انتقادی را برای ظهور چهار سطح اصلی بازی در طول سالهای اولیه کودکی به دست میدهد. نخست، طبق این نظریه بازی انفرادی **Slitary play** در دو ساله اول زندگی انجام میشود. همان گونه که از نام آن بر میآید، در بازی انفرادی، کودکان تنها با یک شیء، یا بازیگشایی آشنا تعامل دارند. دوم، از سه تا سه سالگی، کودکان در بازی موازی **parallel play** شرکت می کنند. کودکانی که مشغول بازی موازی میشوند ترکیب یکدیگر به سر میبرند ولی استقلال خود را حفظ میکنند. سوم، سنن سه تاچهار سالگی با آغاز بازی با همشنین **assciative play** مشخص میشود. در بازی با همشنین، کودکان با هم در گروههای کوچکتری شرکت میکنند ولی در سطح محدودی مشارکت و تعامل دارند. و سرانجام، طبق این نظریه سنتی چهارمین سطح بازیی توأم با همکاری **operative play** در حدود چهار سالگی آغاز میشود. در بازی توأم با همکاری، کودکان به تبادل افکار و نقشهای یکدیگر میروانند و در بازیهای بسیار پیچیده‌تر وارد تعامل میشوند. نظریه سنتی هنگامی تدوین شد که اغلب پژوهشها کودکانی را در بر میگرفت که تعاملشان با همسالان به گروههای بازی انفرادی و شاید در سن چهار سالگی به برنامههای پیش دبستانی که مدت آن هم از چندین ساعت تجاوز نمیکرد محدود میشد. امروزه، کودکان پیش از هر زمان در گذشته، در کنار همسالان خود در مهد کودکهای خارج از خانه و در خطنهای قابل ویژه مراقبت از کودک و نیز در برنامههای دیگر شرکت می کنند. تفاوت میزان تماس کودکان خردسال با همسالان ازبانی مجدد گستره‌های سنتی سنتی را برای انواع بازیهایی که کودکان خردسال در آن شرکت دارند، ازوام آور میزاد.

روابط همسالان به ویژه هنگامی که آنان ساعات فراوانی از روز را باهم به سر میبرند در رشد آنان مؤثر است.

پژوهشهای اخیر نشان میدهند، که حتی نوزادان نیز وقتی در کنار همسالان خود قرار میگیرند، در بازی موازی شرکت میکنند امری که قب تا سن دو سالگی از کودک انتظار نمیرفت. چنین مشاهدۀ شده است که کودکان در دوازده ماهگی وقت بیشتری را صرف نشاناک کردن فعالیتهای همسالان خود میکنند تا فعالیتهای مادرشان (den آدی ،۱۹۹۱). بازی موازی اولیه معلوم با جلب توجه کودکان به یک اسباب بازی یا چند اسباب بازی یکسان صورت میگیرد و معموا با تقلید از رفتار کودک دیگر همراه است. تعامل میان کودکان زمانی غنیتر میگردد که آنان با هم آشنایی دارند. در یک مطالعه، یکروکدان دوازده ماهه را در کنار کودکی که دوستانش بود و قب دو بار با او بازی کرده بودند جای دادند، و در جای دیگر با کودکی غریبه. معلوم شد که امکان تماس، ترکیب شدن، نگاه کردن، و تقلیدشان از یک دوست بیشتر است تا از یک غریبه (آدن، ۱۹۸۲).

روابط همسالان در این سالهای نخستین فرصتهای مهمی را برای تمرین مهارتهای اجتماعی و یادگیری مهارتهای جدید فراهم میزاد. پژوهشها به روشنی نشان میدهند که حتی کودکان دوره پیش زبانی با همسالان خود به تعامل میروانند. کودکان دو سه ساله پیش از این که قب تصور آن می‌رفت، به طور مکرر و مداوم ولی و به همه تفاوت به بازیهای با نوع بازی با همشنین و بازی توأم با همکاری میروانند. ضمن بازی است که کودکان از هم چیز می‌آموزند. آنان به تبادل اطلاعات میروانند و در مورد مفید و پیشنده‌هایشان از عوامل تشویق کننده فوری و مستقیمی برخوردار میشوند. ممکن است ملاحظه بر امتیازات اجتماعی، امتیازات شناختی نیز با در اختیار داشتن امکان گوشش نقشهای گوناگون و یادگیری رفتاری مناسب با کودکان و نیز با بزرگسالان برایشان به وجود آید. همچنان که کودکان در آغاز کردن به تعاملهای بازی نشنی فعال به مهد میگردند احساس تسلط بر جهان را نیز پیدا میکنند.

اثرات تلویزیون

دوست یا فلظ؟کودکان زیر چهار سال هنوز به سادۀ کافی بی حرکت نمیباشند تا از تلویزیون تأثیر بیابند. کودکان خردسال احساس پیشتر از شخص مقلد رویشان تقلید میکنند تا از فردی که در تلویزیون دیده‌اند.

نشاندای تلویزیون در اغلب خانوادههای آمریکایی جنه انتخابی دارد. غلط، غلط، غلط و مقامی خصمی واقعیتی که زیربنای این عوارض هستند، ازبانی مجدد بعضی از شیوههای جاری پرورش کودک را ازوام آور میزاد. این سه عبارت هر یک در یک زمان معین به صورتی پریشی مورد ملاحظه قرار میگردند. آیا کودکان زیر چهار سال تحت تأثیر تلویزیون قرار میگیرند؟ یک مسأله مطالعات جامع (مکن مکCall، ۱۹۸۷) و یازک و کارناو(Kavanaugh ، ۱۹۷۷) نشان داده است که حتی کودکان یک ساله ۸۸درصد رفتار سادهای را که در تلویزیون میبینند تقلید میکنند. کودکان دو ساله ۷۶درصد این رفتارها را تقلید میکنند. این یافته به روشنی این فرضیه را رد میکند که کودکان فعالتر از آن هستند که تحت تأثیر تصاویر تلویزیون قرار بگیرند.

آیا الگوهای زنده، موثرتر از الگوهای ارائه شده تلویزیون هستند؟ معلوم شد که یکروکدان سه ساله احساس به یک میزان اعمال چهره‌های تلویزیونی و اشخاص حاضر در اتاق را تقلید میکنند (مکن مکCall، یازک و کارناو، ۱۹۷۷). قبل از سالگی معلوم شده است که تقلید از الگوی زنده مفیدتر و مکررتر از تقلید از الگوی چهره‌های تلویزیونی صورت میگیرد. حتی در مورد کودکان دو ساله نیز تأثیر پرروزه در فاصله بین نشاندای تلویزیون و جلسه بازی مانع از آن نشینود که کودکان آنچه را در تلویزیون دیده‌اند تقلید نکنند. تلویزیون وسیله ترمزندی حتی در زندگی کودکان بسیار خردسال است.

آیا نشاندای تلویزیون در آمریکا به طور کلی جنه انتخابی دارد؟ اغلب بررسیها نشان میدهند که تلویزیون روزانه شش ساعت در یک خانواده متوسط آمریکایی روشن است. بنابراین کودکان خردسال پیشتر برنامههای تلویزیون را میبینند، در حالی که اکثر برنامهها مطابق تیزدهای آنان طرح ریزی نشده است. آنان از سریالهای منج، بازیهای نمایشی، برنامههای پرشادشایی و کارتونهایی کودکان چه چیزی می‌آموزند؟ هنوز پاسخ به این پرسش معلوم است. لکن، دو نوع یادگیری به طور مثبت اثبات شده‌اند. نخست، کودکان خشوت فراوانی را مشاهده میکنند . به طور متوسط روزانه پنج عمل خشونتبار طی برنامههای تلویزیونی پرشادشایی و روزانه هجده عمل خشونت بار طی برنامههای تلویزیونی پایان هفته و از این طریق نگرشهایی در باره مقبولت رفتار خشونت آمیز به طور غیر مستقیم پیدا میکنند. آلبر سیگالAlberta Siegal، پژوهشگری از دانشگاه استنفورد، اظهار داشته است که پژوهشها رابطه مستقیم میان خشونت حاصل از نشاندای تلویزیون و رفتار پرخطرگانه کودکان را به اثبات رسانده است (دیوان، ۱۹۸۲). دوم ، کودکان پناهمایی را در باره نقشهای جنسی، فرهنگی و نژادی افراد در بافت می کنند. وقتی کودکان تصاویر گوناگون جهان را از طریق تلویزیون میبینند، بدون این که فوری بزرگسال به تعبیر و تفسیر ارائه ارزشهای خشنین بپردازند، این کودکان صورثاتی قابلی در باره افراد دیگر گروهها پیدا خواهند کرد.

پژوهشها نشان میدهند که تلویزیون بر کودکان تأثیر میگذارد و آنان چیز می‌آموزند و از آنچه میبینند تقلید میکنند. به دلیل اثرات شناخته شده تلویزیون بر کودکان خردسال والدین توجه شدند که باید در انتخاب برنامههایی که برای کودکانشان در نظر میگیرند بسیار محتاطانه و دقیق عمل کنند. باب کیشاو(۱۹۸۷ Keeshaw)، که میلدینها کودک آمریکایی او را به عنوان کاپیتان کانگادو میشناسد والدین آمریکایی را مورد اتهام قرار داده است که مایلند چیزهایی را در اختیار کودکان خود قرار دهند ولی مایل نشینند اوقاتی را با کودکان در نشننن سالهای بعد از تولدشان به سربرند در حالی که کودکان به این اوقات سخت نیازمندند. اگر والدین هنگامی که باسدانان واقع وقت به سرکار میشوند و ششگامان که حخته از سرکار بر میگردند به کودکانشان میگردند، من کار دارم. برو تلویزیون نشان کن، ممکن است کودکان خود را در معرض منع زودآزمیزی مانند تلویزیون قرار دهند که در شکل گیری نگرشهای کودکان عمده‌تا مؤثر است. والدین وقتی که تلویزیون را با کودکانشان نشان میکنند، میبایزند واردشان، توضیح دهند و به تعبیر و تفسیر بپردازند.

تأثیرهای فرهنگی

آیا رشد روانی، اجتماعی در میان فرهنگها متفاوت است؟ آریک اریکسون و سایرین معتقدند که این تفاوت وجود دارد. به نظر اریکسون تکلیف روانی، اجتماعی کودکان در سراسر جهان در این گستره سنیه، برقراری حس خود بخاری است. لکن نسبت با میزان قابل قبول خود بخاری در ارتباط با شروع و تردید به نظر میرسد که برحسب فرهنگ تفاوت داشته باشد. برای مثال، اریکسون (۱۹۳۶) اظهار داشته است که کودکان سرخ پوست آمریکایی برخلاف کودکان متعلق به فرهنگ اکتز، این سالها را با اعضاء فراوان ولی استقلالآنی ادراک پشت سر میگذارند. این قسمت از کتاب بعد از بحث پیرامون ادراک یک پژوهشگر از پرورش کودک در فرهنگ مسأله ایالات متحده آمریکا، شیوههای پرورش کودک را مورد بررسی قرار خواهد داد.

در نظر رابرت میروین (۱۹۸۰) متخصص مردم شناسی دانشگاه هاروارد مضمون غالب در پرورش کودک آمریکایی استقلال است که شامل جاسی، خودبستگی، و اعتماد به نفس میباشد. لومین تعاملهای والدین با کودک را تجربه و تحلیل کرده و دریافته است که تأکید بر جدایی در زمان تولد آغاز میشود یعنی از زمانی که آنان از اتاق و رختواب، مخصوص خود برخوردار میشوند. تجربیات این کودکان کام با تجربیات کودکانی که بوفت خود را با دیگران میگذارند، متفاوت است و معمو دارایبهنایی دارند که تنها متعلق به خودشان است. والدین تنها زمانی مشارکت را آغاز می کنند که کودکانشان عادت کرده باشند بخوابند، بخوابند و در کنار چیزهای مربوط به خوردن احساس راحتی کنند. لومین اظهار داشته است که تکلیه کودک که بر خودبستگی نیز به همین ترتیب در اوایل تولد آغاز میشود. کودکان گرهنگان به حال خود رها میشوند تا به خواب روند، ورضعیتی که در دیگر فرهنگها تصور آن نمود. از کودکان نوپا برای آنچه نیازندند انجام دهند قدرتمت میلود و آنان نیز در ازای آنچه نیازندند انجام دهند احساس افکار می کنند. از این رو برخورداری از اعضاء به نفس نیز در ضمن تعاملهای نخستین تشویق میشود. والدین، کودکان خردسال را مورد توجه و تحسین قرار میدهند و امیدوارند که کودکانشان در تسلط بر موقعیتهای ناآشنا به خود اطمینان داشته باشند. به نظر لومین، والدین آمریکایی بر تولید زبانی کودکان خردسال به عنوان نشانهایی از احساسات خوب تأکید دارند، زیرا که بعد از این که کودکان به استقلال جسمی و اقتصادی دست یافته‌اند، موجب پیوند میان والدین و کودک آنان خواهد شد.

اهمیت نظرات لومین وقتی مشخص میشود که پیش بینی او را از نتایج این شیوههای پرورش کودک برای سازگاریهای بعدی در مدرسه ارائه دهم. لومین اظهار داشته است که کودکانی که بدین ترتیب پرورش مییابند در مدرسه بسیار خوب عمل میکنند. این کودکان به دلیل تجربیات اولیه خود به راحتی با بزرگسالان ارتباط برقرار می کنند و در کلاس حاضر جواب و شگتکاو هستند. آنان روان سخن میگویند و از طریق موقعیتهای خود دوداده جلب نظر معلم ورمیآیند. حتی جدایی سبب رفتار آنان با دیگران میشود بدون این که ترسی از پیامدهای بین فردی میانش داشته باشند. و سرانجام، آنان با موقعیتهای مسأله گذاری که تا حدی مصنوعی هستند و با بازی و اسباب بازی همراه‌اند، عادت کرده‌اند از انواع وظایف محول شده در مدرسه لذت میبرند. لومین این شیوههای پرورش کودک را ایده‌آل به شمار میآورد و میگوید تا بیزد میان خصوصیتی که در این کودکانه پدید آمده‌اند و

بجای شاهانه میکند! درجایش میرود از هرود پایش استفاده میکند و می‌آموزد که با پایه توبِ بزرگ و تابین لنگه بزند. به طرف عقب بر می‌گردد و ژور قسمت نازهای که پیدا کرده است خوشحال است. بعد از چندین بار تلاش، د با کمک دیگران از پهلها پابین می‌آید. جوام توبش را شیه توبت پیشین که آن را غلطانه بود بر توب میکند. با تشویق و کمک برادران، د به طرف جلو پیشکش می‌زند. ندادش را پهنر می‌توانند حفظ کند. و می‌تواند به مدت کوتاهی روی یک پا بایستد. دوستش یک اسباب بازی را بندت به طرفش برتاب می کند و آن را می‌گیرد و نیز می‌تواند پنج میخ را با چکش بگیرد. او خود فعالیت را دوست دارد و تنها کسی است که ظاهراً سرودها را تحمل میکند.

با زدن سه چرخه یکی از سرگرمیهای است که بسیاری از کودکان سه ساله از آن لذت می‌برند. سه تا چهارساله در زمانی که پندر بزرگ و مامور بزرگ جوام، او را تشویق می‌کنند که از پهلهای خهشنان بالا رود، سرانجام این کار را پیش پایش نمی‌کنند. جوام از بل اول به سطح زمین میرود و بزمم در ادامه پرش خود به بالا و بالاتر می‌رود تا این که پندر بزرگ و مامور بزرگ یکبار از منطقه اعلام میکنند، مانع پریدن او می‌شوند. اعتماد به نفس او به هنگام عبور از پهلها حتی در شیوه‌ای که ایکن به بالا قدم برمی‌دارد تأثیر میگذارد. به صورتی که روی پهلهای بعدی باهایش را عوض می‌کند. جوام به اغلب وسایل بازی پاک محلی می‌پردازد شده است. اگر کسی نخست او را بر تپ بنداند و تاب دهد، جوام می‌تواند به تاب خوردن ادامه دهد، او با کمک دیگران از تشره بالا می‌رود و طول شش فوت (۱۸۰ سانتی متر ا در طرف پایین تر می‌خورد. او این کارهای را طی دیدنیهایی که از پارک میکند دائماً تکرار میکند. هنگامی که جوام می‌دود، باها و دستهای هماهنگی دارند و دستهای به طور متناوب حرکت میکنند. او می‌تواند روی انگشتان پایش راه برود و ایکن تپازی به کمک برادرش در بیشکن زدن به طرف جلو نماند. او در حضور دوستان واقعی یا خیالی نمایشی تزیب می‌دهد و از آمار آواز زده می‌رود. جوام سوار شدن بر مسیجره را یاد گرفته است و بخواند که قوی بزرگسال او را در گردش در سطحهای اطراف صحرای کند. می‌تواند توب بزرگی را با بازی زدن و تویی را در برابر دانش بگیرد و از دو دستش استفاده کند. مهارت‌های مربوط به مامیجهای بزرگ او از وقتی که یک ساله بوده است به طور چشمگیری رشد یافته است.

مهارت‌های مربوط به مامیجهای کوچک

تغییرات در مهارت‌های مربوط به مامیجهای کوچک بمعوم آن قدر مستلزم حضور فرد بزرگسال نیست که در مورد تغییرات در مهارت‌های مربوط به مامیجهای بزرگ چنین است. ولی در عین حال رشد مهارت‌های مربوط به مامیجهای کوچک در این سال‌های اوله مؤثر است برای نشان دادن این که چگونه این مهارت‌ها طی زمان تغییر می‌یابند، کودکی فرضی به نام امی در نظر گرفته شده است. گزارش رشد امی با ارائه مراحل طاری مهارت خاص مربوط به مامیجهای کوچک یعنی نقل‌ش کردن دبال می‌شود.

یک تا دو ساله یان گربه که اجنما انتظار می‌رود، در زمانی که امی حتی خود مختاری پیدا میکند، بسیاری از مهارت‌های تازه مربوط به مامیجهای کوچک برای کسب افزایش استقلال او به کار می‌رود. او استفاده از قاشق را برای غذا خوردن در سر میز یاد می‌گیرد، و قنجان را با یک دست به دهان می‌برد. او در لباس پوشیدنش کمک میکند، کلاش را خود بر سر میگذارد و به طور مکرر از سر بر می‌دارد. در وقع لباس در آوردن او در این زمان هنر به شمار می‌رود، او جوراب‌هایش را به آسانی در می‌آورد و همچنین کفش‌ها، شلوار و کتلی را.

در عهد کودکی امی به بازی با خسته و گلی سیخ علاقه نشان می‌دهد و می‌تواند گلی می‌جھای یک ایچی را در سوراخهای تعب شده در خسته قرار دهد. در آرزو، او برجی با سه مکعب می‌سازد و در حالی که کشازی بر بالای آن وارد می‌ساید فروپاشی برج را نشانا میکند. او با استفاده از مواد شیمی و قهقه‌های رنگرزی، غلظا نقطه با اشکال مامور روی کاغذ پدید می‌آورد.

دو تا سه ساله طی سه سالگی، توانایی امی در دستکاری و استفاده از ظروف و اشیاء او را به طور فزاینده مستقل می‌سازد. او غلظایش را با یک چنگال یکد کند و تزیین نوارهایی را در آمیزد و طریش را از پارچ کوچکی به درون لوانش می‌رود. او می‌تواند هنگامی که بدین ترتیب مقدار شیر در شیر آب را بیشتر از مقدار شیریک که برایش در نظر گرفته شده است می‌نوشد، امی بعد از غذا خوردن دست‌ها و صورتش را پاک میکند. او پوشیدن جوراب، شلوار و پیراهنش را آغاز می کند، ولی در صورتی که با مشکلی مواجه شود از دیگران کمک می‌خواهد. یک روز صبح پدرش صدای خفیف اگیر کرده را می‌شنود و او را می‌باید که بیرون را کمه به دور خود بچیده است.

در عهد کودکی امی چهار یا گامی پیش از چهار مهره را به نخ می کند. او تا شش برج مکعبی را روی هم میچیند پیش از آن که بخواند یا کشازی آنها را از گون کند. زمانی می‌رسد که او می‌تواند کتاب را ورق زدن واین مهارت را تمرین میکند. امی می‌تواند می‌تود که نقل و دستگیره در را چگرنه بچرخاند تا به بخشهای گوناگون مهد کودک ونیز به خاله‌های که قب برای ورود به آن به کمک دیگران نیاز داشت، راه پیدا کند.

سه تا چهار ساله طی این زمان، امی قادر خواهد بود که غلظای کاشلی را بدون کتترین کمک بخورد. او همچنین لباسش را خودش به تن میکند، و تنها در پوشیدن پیراهن‌های که از سر باید تن شوند نیز باز کردن و بستن برخی دکمه‌ها به کمک دیگران نیاز دارد. او دندان‌هایش را مسواک می‌زند به رقم این که پندر نیز خود را ملزم می‌بیند روزی یکبار به او در مسواک زدن دندان‌هایش کمک کند. او همچنین موه‌هایش را خود شانه میکند و برس می کشند.

کودکان دو و سه ساله قادرند بسیاری از مهارت‌ها نظیر شستن دست‌ها قبل از غذا خوردن را خود انجام دهند.

امی به بالا علاقه نشان می‌دهد و با داشتن سه یا چهار نقطه تره ساختن آنها را یاد می‌گیرد. او مواد هنری گوناگونی به کار می‌برد و می‌تواند یک مکعب را در چنان به دست گیرد که با آن، دور اشیاء را خط بکشد. او ساختن‌های پیچیده را در سرم کردن اجزای مربوط می‌سازد و مجموعه‌های از اسباب‌بازی ناشو را که به صورت آشیانه ساخته است، از هم باز می کند. امی اخیر بازی را به صورت توب و لوله در می‌آورد و از کوبیدن و شکل دادن آنها عشق مند می‌شود. بدین‌ی است که امی کنترل فراوانی در مامیجهای کوچکش در این سه سال گذشته پیدا کرده است.

نقل‌ش کردن

نیازی نیست که کسی به کودکان یکساله نقل‌ش کردن را بیاموزد. بخشی از بازی آنان یا مداد شیمی، کشیدن نشانهایی است که معوم در آغاز شامل نقاط و خطوط است. بتدریج در نقل‌شهای آنان تغییراتی پدید می‌آید و پژوهشگران نشان داده‌اند که این تغییرات تابع تغییرات مغز هستند. تغییرات در نقل‌شها قابل توجهانه چرا که متعکس کننده تغییرات رشد شاختی هستند. شخصی که توجه گذردمانی به نقل‌شهای کودکان خردسال داشته است رود کلاگ (Rhda Kellogg ۱۹۹۸) است. او در پژوهش‌های هزاران نقل‌ش کودکان را از سراسر جهان جمع‌آوری کرد. وی به این نتیجه رسید که نقل‌شهای کودکان ترکیب از بیست شکل است نظیر نقاط، خطوط عمودی، خطوط افقی، خطوط مورب، خطوط منحنی، دایره‌ها، خطوط منقطع، و غیره. پژوهش کلاگ معروف است و علاقه فراوانی را برانگیخته است، ولی پژوهشگران دیگر (لسینگ ۱۹۷۰، Lansing ۱۹۷۰، بریتن ۱۹۷۹)

(۱۹۷۹) توانست‌اند در نقل‌شهای کودکان بیست شکل اصلی را که کلاگ ترفلی رشد دقیق آنها را شرح داده است، بیابند. در عوض در این قسمت، کوفی رندشی، که برین (۱۹۷۹) شرح داده است ارائه می‌شود. سیستم برین نقل‌شهای اولیه کودکان را به دو سطح تقسیم میکند: خطی کردن اتفاقی (random scribbling) که خط خطی کردن مهار شده، entried scribbling . (رکت: شکل ۱۸). این پژوهش که اساس سیستم طبقه‌بندی نقل‌شهای کودکان را تشکیل می‌دهد در طی یک دوره چند ساله در دانشگاه کورنل به اجرا در آمده است.

خط خطی کردن اتفاقی برین گفته است که خط کردن اتفاقی در واقع اتفاقی نیست، بلکه تنها در نظر افراد بزرگسال چنین می‌نماید. در حدود یکسالگی و به دنبال آن تا دو یا دو نیم سالگی، کودکان نقاط و خطوط با حرکات ساده و به کمک تمام دست رسم می کنند.

شکل ۱۸: نقل‌ش این کودک خردسال نقل‌ش کردن را با خط خطی کردن اتفاقی آغاز میکند و تا خط خطی کردن مهار شده ادامه می‌دهد. چرخش دست، طول خط را معین می‌سازد و حرکات دست، مداد شیمی را به شکل گوناگونی در روی تکه کاغذ به جلو می‌برد. طی زمان، افزایش تدریجی در حرکت می پدید می‌آید که به ایجاد منحنی‌ها وخط‌ها در نقل‌شها منجر می‌شود. مداد شیمی با متمکز در میان انگشتان قرا می‌گیرد یا با تمام دست مانند چکشنگی نگه داشته می‌شود. کودک ممکن است نظرش از آن نقل‌ش دور سارز ولی حرکت مداد شیمی را با علاقه زیر نظر دارد. این فرایند، مایه خشودنی او می‌شود و فقط یک یا چند دقیقه بعد از صرف وقت در نقل‌ش کردن علاقه کودک به آن کم می‌شود. این نقل‌شهای ساده‌های عینی از هماهنگی حرکات را باقی می‌گذارد و نشان می‌دهد که پایه‌های برای نقل‌ش و رنگریش پیچیده‌تر فراهم می‌آید.

خط خطی کردن مهار شده برین (۱۹۷۹) معتقد است که خط خطی کردن مهار شده اندکی پیش از یک سال ادامه می‌یابد . شاید از زمانی که کودکان سی ماهه‌اند تا زمانی که تقریباً چهار ساله می‌شوند. این نقل‌شهای تمام شده ممکن است شیه همان نقل‌شهای تکمیل شده قبلی باشند ولی فرایند آن عوض شده است. کودکان ایکن به طور مداوم حرکت مداد شیمی را در ضمن خط خطی کردن به وقت زیر نظر می‌گیرند. آنان ظاهراً با چندین مداد شیمی را تحت کنترل دارند و انگیزی پیچیده‌تری ازخط‌ها وچرخش‌ها را به وجود می‌آورند. میخ دست اطرافش پیش‌تری نسبت به قبل دارد و طرز به دست گرفتن مداد شیمی برای آنان شیاهت پیش‌تری با بزرگسالان دارد. کودکان خردسال در نقل‌شهای خط خطی خود اشکال وخطوط اصلی را که در نقل‌شهای رنگارنگ‌های بعدی لازم است تمرین میکنند. طی سه سالگی، کودکان دو برابر زمانی که دو ساله بودند، یعنی حدود دو دقیقه صرف نقل‌شی کردن میکنند. بعضی کودکان ضمن تلاش برای ارائه اشیاء وافراده اشکال باز و بسته‌ای را رسیم می کنند. اغلب کودکان علاقه و شادمانی و غرورشان را هنگام کشیدن نقل‌شهای تکمیل شده ابراز می‌دارند. همین جهت است که کشیدم ا حمله تعجبی عوامی از سوی کودکان است.

کبی کردن شکل‌های هندسی گازی است که غالباً در فهرست‌های رشد و آزمونه‌های بوهش مربوط به کودکان خردسال به چشم می‌خورد. معوم از کودکان سه ساله انتظار می‌رود که بتوانند دایره‌ها را یکی کند. زکی کردن دایره‌ها آسانتر از سایر شکل‌هاست چرا که کودکان می‌توانند حرکت مستدنی را بدون هیچ تغییر جهت رسیم کنند.

گامی افراد بزرگسال در سمد هستند که کودکان را از مرحله خط خطی کردن به مرحله نقل‌شی نمایشی سوق دهند. لکن، ولتر Whitener و کرسی (۱۹۸۰ Kersey) اظهار داشته‌اند که نسبت خط خطی کردن به نقل‌ش نسبت مؤید صداهای نامفهوم است به صحبت کردن، این مقدرسان معتقدند که تلاش برای آموخن نقل‌ش به کودکان قبل از این که مرحله خط خطی کردن را بیوی کرده باشند، به همان اندازه بی مانمیت است که کودکان قبل از تولید صداهای نامفهوم به صحبت کردن کردن شوند.

بکارگیری ادراکی – حرکتی

در ساعت نهمه کابینه‌ها، کودکی سه ساله به نام یاد شرح ساده شده‌ای و از بازی اسپون می‌گیرد، دارد یاد می‌گیرد. کشیدار کودکان دست خود را نکان می‌دهد واز کودکان می‌خواهد از او تقلید کنند. ولی یاد در پاسخ کشیدار دستش را نکان نمی‌دهد. یاد بازی در درک می کند ولی نمی‌تواند بدیش را منتسب یا آن حرکت دهد.

مشکل یاد در حیطه سه‌اله یکپارچگی ادراکی – حرکتی قرار دارد. این که این اصطلاح چه معنایی دارد عبارت از این است که یاد آنچه را کشیدار انجام می‌دهد در دک می کند، ولی قادر به پرزادش آن ادراک نیست و نمی‌تواند میان آن و پاسخ حرکتی مناسبی به صورت دست نکان دادن به کشیدار یکپارچگی به وجود آورد. در سن کودکی مانند یاد، وجود این مشکل غیر منتظر نیست و بزرگسالان می‌توانند تزیینات و فعالیت‌های گوناگونی را برنامهریز کنند تا منابعی برای یکپارچگی ادراکی – حرکتی فراهم شود. یکپارچگی ادراکی – حرکتی در کار کودکان مؤثر یاد در آینده بسیار اهمیت خواهد داشت. ادراک از طریق کیفیت‌های دیداری، شنیداری و لامسه، جنبش اطلاعاتی فراهم می‌سازد که رفتار و آن استوار است. پاسخهای حرکتی منجر به حرکت می‌شوند، که جنه دیداری رفتار را مشخص میکند. اگر ادراکات و پاسخهای حرکتی یاد یکپارچه نشوند، رابطه میان اطلاعات و رفتار نیز است.

جدول ۱٫۸ میزان مرگ و میر برای چهار علت برجسته مرگ در کودکان یک تا چهار ساله، در مجموع موجب شده‌اند که علت مرگ و میر کودکان در درجه نخست، حوادث ناشدنی مرگ و میر درم ۱۰۰۰۰ نفر تمام عمل ۱۹۹۸نخستصادقات ۲۰۰۹دهم نامشابهی مادرزادی ۴۱۸موم بافتنایساخته فرطشلیخیم ۹۴جهام آنفلوآزا یا تانازیر ۹۲ امکان پهنای فریبغی حوادث نظر آنچه برای آقا و خانم ج.ج. وی. دود و منتر به از بدست دادن دخترشان شد (ر.کنده: تایلر ۲۰۰۸، کام پورف شدنی نیست. در این گونه موارد، تیمران برای مراقبت دقیق از کودکان خردسال در طول تمام ساعات بیداری آنان جانشینی یافت. لکن، احصال بسیاری از حوادث با اقدام در جهت پیشگیری از آسیب دیدگی در اومیل ، مسوسیت، سوختگی، وقرق شدگی کاهش یافتی است.

پیشگیری از آسیب دهنی در اومیل

از میان انواع حوادث، آنها که داخل اومیل پیش می‌آیند اغلب کودکان را تهدید میکنند. بیش از یکم سوم تمام مرگ ومیرهای ناشی از حوادث در میان کودکان یک تا چهار ساله در داخل اومیل پیش می‌آید(دفتر سرزمانی ایالات متحده، ۱۹۹۲، و بسیاری سبببهای براقی ایمنی کودک زمانی مورد استفاده کودکان قرار میگیرد که به طور عادی پیشینند و بهتر است که در محیط حساسی عقب جای گیرند. این براق به گمرند: میانی اومیل و به سنسه بالایی نگاهگاه متصل است. در صورت تصادف، بسبب براق ایمنی کودک ضربه حاصل شده از مشابه حسنی ایمنی کودک بخش میکند. تایلر ۲۰۰۸ ای عزیز : پیشگیری از غرق شدن در یک نام چگر سوز به ای عزیز (اون برون، ۱۹۹۲)، آقا و خانم ج.جی خفه شدن دختر خردسالشان را در توالت توکنی مادر بزرگش گزارش کرده. آقا و خانم ج.جی. قبل از آن حذانه کارهای زهدی انجام داده بودند تا حنا دخترشان را از هر خطری مصون گردانند ولی تصور نمیگردند که جای ناین چون توالت معمولی خانه برایش مرگ آفرین باشد. او در یک دیدار از خانه مادر روزگش تانی کز و با صورت به درون توالت فور افتاد تالاشها برای نجات او به جایی رسید.

کودکان دیگر سالانه آسیبهایی جدی را متحمل میشوند. کارشناسان ایمنی اظهار میدارند که درصد بالایی از این مرگ و میرها و آسیب دیدگیها را میزان مهار کرد در صورتی که کودکان در هر بار که سوار اومیل میشوند در وسایل ایمنی باید شدهای جای داده شوند. فراهانی که استفاده از سبببهای ایمنی اومیل را برای کودکان سودهند میشلارد، برخی ایلات را متقاعد ساخته است که قانونی را بگذرانند که کودکان با سنی زیر چهار سال یا وزنی زیر چهل پوند الزاماً از آن سبببها استفاده کنند.

برای کودکان یک تا چهار ساله، سه نوع وسایل ایمنی از طرف اداره حمل و نقل ایلات متحده، مدیریت ایمنی ترافیک شاهراههای ملی (۱۹۹۰) توصیه شده است. این سه سبببم توصیه شده عبارتند از : حسنیهای ایمنی کودک ، سیرهای محافظ ، و برتقای ایمنی کودک. این سبببها در شکل ۲٫۸ نشان داده شده است.

شکل ۲٫۸ سببببهای ایمنی باید شده برای کودکان یک تا چهار ساله. (انتقال از سببببهای مهارکننده کودک برای اومیل دی سی ؛ اداره حمل و نقل، مدیریت ترافیک ایمنی شاهراههای ملی) حسنیهای ایمنی کودک برای کودکان خردسالی طراحی شده است که بدون کمک دیگران توانند راست بنشینند. این نوع حسنیی رو به جلو قرار داده و در آن علاوه بر براق ایمنی مخصوص از کمربند حسنی اومیل نیز استفاده میشود. این براق ضربه حاصله از یک پرت دگی را روی شاهنها و کشاله ران کودک توزیع و شکم او را از تحمل ضربه زیاد حفظ میکند. در برخی حسنیهای ایمنی کودک لام است که از بسنی در بالای حسنی نیز استفاده شود که به انتقال اومیل متصل میشود.

سیرهای محافظ در جلر شکم و سینه کودکان قرار میگیرد تا آنان را از حوادث محافظت کند. این سیر در محل کمربند حسنیی اومیل قرار داده شده است و فسنتی از آن با تشخیص پیشگیری طراحی شده است. سیر ضربه حاصل از تصادفها یا توفهای ناگهانی را به طور یکجواته به سرر حسنیهای بالایی بدن کودکان بخش میکند. قانون فدرال ۱۹۸۰ برای وسایل ایمنی اومیل استانداردهای قدرت و کارایی خاصی مقرر داشته است. با وجود این، ساله بسیار مهم تربیت والدین و سایر بزرگسالان در استفاده از این وسایل برای کودکان است.

پیشگیری از مسوسیت

برای کودکان خردسال شدت وسوسهانگیز است تا چیزهای جدیدی را به دهان برند و کشف کنند. حتی موادی که دارای طعم، بو و ظاهر بدی هستند، بیش از آن که احساس ناخوشایندی ایجاد کند، به میزان وحشتناکی توسط کودکان یامعده میشوند. علاوه بر مراقبت دقیق از کودکان خردسال، لزوم است اقدامات قبلی احتیاطآمیزی در هر خانواده و در هر محلی که کودکان در آن به سر میرند انجام شود.

معتبرین اقدام احتیاط آمیزی قبل در برابر مسوسیت دور کردن مواد خطرناک از دسترس کودکان است. دلوها را باید در یک کابینت قفل شده نگهداری کرد مواد شیمیایی در زیر ظرفشویی به قفسه‌های در بالای آن یا کابینت قفل شدهای انتقال یابد. لزوم آرایش و فروردههای شخصی باید دور از دسترس خرد سالان کتکوا و ابزارهای گراژ و کارگاه باید در گنجیها یا کابینتهای قفل شده نگهداری شوند. گیاهان داخل و خارج خانه باید از نظر سمی بودن کنترل شوند. حتی به کودکان بسیار خردسال نیز باید آموخت که هیچ چیزی را در داخل یا خارج خانه بدون اجازه فردی بزرگسال نخورد.

احتیاط قبلی مشابهی نیز شامل اصلاحات لازم در محیط برای مصرف داروست. بزرگسالان، هرگز نباید از دارو به عنوان آب نبات یا فرآوردههای سحرآمیز یاد کنند. آنان در عوض باید در ورود کودکان استفاده کودک از دارویی که تجویز شده است به گروهانی واقعی عمل کنند؛ یا کودکان صحبت شود که تنها از افراد معینی دارو را قبول کنند، واین وضعیت برایشان روشن شود که استفاده از داروی زیاد به اندازه زمانی که صرف لازم است موجب بیاموی کودکان میشود. بزرگسالان باید مراقب باشند که مورد تقلید کودکان قرار میگیرند، و باید از مصرف دارو در حضور کودکان خردسال اجتناب ورزند.

کودکان میان یک و سه ساله غالباً با دهانشان به اکتشاف چیزهای جدید میپردازند.

کودکاتی که مسوم شده‌اند به عوارض تغییر رفتار، دانهها یا سوختگیهای نزدیک دهان، تهوع و دردشکم، بیهوشی، خواب آلودگی، تشنج و تفس سراج دچار میشوند. بزرگسالانی که به مسوسیت کودکانشان مظنونند باید سم را شناسایی کنند و به مرکز کنترل سببب، بیادستان، پزشکی، یا واحد پزشکی اطلاع دهند. اگر تجویز شود که کودک به بیادستان برده شود، فرد بزرگسال باید سم مشکوک را همراه ببرد.

پیشگیری از سوختگی

کودکان را میتوان از بیشتر علل عمده سوختگی بر حذر داشت، به شرط آن که بزرگسالان محیط مناسب فراهم سازند. یکی از اصلاحات مهم در محیط دور نگهداشتن کبریت و فندک از دسترس کودکان در تمام اوقات است. اصلاح دیگر محیط برگرداندن دسته ظروف و سامی نولهما به گروهی است که خارج از له اجاق قرار نگیرد، و حضور این اطمینان که هنگام جابجایی مواد داغ از یک طرف آشیخانه به طرف دیگر، کودکان زیر دست و پا قرار نداشته باشند. اصلاحات مشابهی نیز میوان در مورد داغ کودکان در برابر برق گر فگنی، آتش سوزی و ریختن آب داغ روی بدن آنان انجام داد. سوببببهای مخصوصی را باید در پیرههای برق که مورد استفاده نیستند قرار داد؛ گیاهانی برق وسایلی برقی نباید آرزوان بماند و کودکان را باید از وسایلی دور کنند، لولههای بخاری و بخاریها دور نگه داشت. دمای آب داغ تا حدی که برای شستوای منیتر باشد باید پایین آورده شود و افراد بزرگسال باید قبل از بردن کودکان به حمام، آب حمام را امتحان کنند.

پیشگیری از غرق شدن

کودکان خردسال علاوه بر استنهای شاد، رودخانهها، دریاچهها و سایر نقاط پرآب، در وانهای حمام، مسنلها، حوضهای پرآب و دیگر ظروف کوچک مایند غرق شده‌اند. پیش ینن احتیاط آمیز کلیدی در پیشگیری از غرق شدن، مراقبت از کودکان در اطراف هر مسنار آب است. مراقبت از کودکان باید به طور مداوم انجام گیرد، هیچ زمانی برای انجام تکامله نقلی یا هر گونه نقلت دیگر وجود ندارد. کودکان محبوب آب میگردند و تنها چند لحظه کافی است تا غرق شوند.

نیاز به محیط سالم

اگر کودکان احساس سلامت نکنند، رشد روانی، اجتماعی، جسمی، و شناختی آنان ممکن است دچار نقص گردد. محیط سالم یکی از نیازهای اساسی کودکان است. در این قسمت موضوعات زیر ملاحظه میشود: رابطه بهداشت و رفتار، رابطه فشارهای روانی خانواده، و بهداشت، رشد جسمی و الگوهای غلط خوردن کودکان یک تانه ساله، رابطه تغذیه و رشد، و حفظ بهداشت. تایلر ۲۰۰۸ استراتژیهایی برای تسهیل کاروش مهارشدهایی از فزیساتی که در هنگام مطالعه کودکان یک تا سه ساله در نظر گرفته میشود، این است که آنان هرزمانی مرام از محیط خود، حتی جاهها یا انشهایی را که خارج از محدوده مجاز برای فعالیتشان است میگردانند. آنان کنشوا را خالی می کنند، همه اسبابها را بااین بلیها میزنند، یا اسباب بازیهایشان در دستشویی به آب بازی sink and flat و"سیروزاند، از کابینتها بلا میروند تا به مجسبههای کوچک رنگی نگاه کنند، و ظرو این کنشکوا مداوم والدین را وادار می سازد که هر گزگه کودکانشان به طرف چیزی که اسباب بازی آنان به شناس نموده حرکت کنند، به طور خودکار نه بگینند. ولی نه گفتنهای مکرر ظرفیت یادگیری را در خانه کاهش می دهد و زمینه بعضی سرگردنها را که والدین و کودکانشان میوزاند داشته باشند، آزیان میدهد. حد متوسط میان نه گفتن به هر چیز واجهه کاروش مطلق دادن برای هر چیز عبارت است از تعیین حوزههای فعالیتندی کودکان در بخشهایی ازخانه که بزرگسالان و کودکان بیشتر فرقتشان را در آن جا سیری میکنند.

در آپارتمان کودکی دو ساله به نام آل، عمده فعالیتها در طول روز در آشیخانه انجام می شود. آل اجازه دارد که کابینت مخصوص شاههای کتسرو شده را ازادانه کاروش کند. آل کام به داخل کابینت آشیخانه خم میشود و چند قطری باقی مانده را بیرون میکند. روی تک آشیخانه در اطراف او از کتسروههای سوببب، سوزی، میوه وقوطیهای سس در شکنها و اندازهای متناسب پر شده است. آل وقتی که به طور منظم کابینت را خالی کرد به سمت ساختن برخی از قوطیها روی میزود و قطری بزرگر را زیر سایر قوطیها قرار میدهد. این قوطیها به اندازه هر مجوسه گران قیمت استوانه که از لحاظ تجاری نقل استفاده‌اند، برای انباشتن، مقابله اندازها و شکنها و جور کردن رنگ اندازه، و شکل میدهند. و این قوطیها به آل این امکان را میدهند تا اینها تصاویر روی برجسیها و سپس کشاها را تا تجریات خدایی خود پیدا کند. آل به کابینت دیگری محوری قوطیهای کوچک، کتبههای شیرینی، ظروف پلاستیکی، دیزر بجهبهای خالی جو پوست کنده، کره نباتی، ماست و سایر جبهبهای مغزایی جلب دسترسی دارد. یقیه، باکیتببها کام در برابر آل بسته است و به آنها قنهای فیزی ویژهای نصب شده‌است تا کودک نتواند بازند. آل ظاهراً از فراهم بودن این همه اشیای گوناگون که شایع به انشایی مورد استفاده ملارد و مادر بزرگش دارد لذت میبرد.

رابطه بهداشت و رفتار

بزهوشهای اخیر بیوزند نزدیک مسائل بهداشتی در سالیهای اولیه یا با اختلالات رفتاری و رفتاری ثابت کرده است. دو جنبه از این بیوزند تازه می شود، نخست، مطالعه مگس (بکس ۱۹۹۱ ، Box) که در دو ناهجه داخل شهر لندن به عمل آشنان شده داد که کودکاتی که دارای غلظتهای مکرر هستند، بیش از سایر کودکان گزار مسائل رفتاری و رفتاری هستند. دوم پژوهش (ویل ، Will ۱۹۹۳) انجام شده در ایلات متحده است که رابطه مسوسیت سمری کودکان خردسال را با مسائل رفتاری و یادگیری آنان نشان میدهد.

غلظتهای رفتار کودکان خردسال دچار گوناگون از غلظتهایند که رایجترین آنها غلظتهای مربوط به معرفی تنفسی فزونی (سرمادورهنگی یا گغر دره)، معرفی تنفسی نحانی (تهاب بازوها یا خردسکتا) و گوش (آماس گوش میانی) را تشکیل میدهد. در این غلظتها، کودکان خردسال در لحاظ مشکلاکی که در قسمت پشتی صناع گوش ایجاد می شود، از کودکان بزرگر وفرااد

کودکی در حال بازی

عادت به چرت واستراحت کوتاه صبح و بعدازظهر تا هیجده ماهگی و نیز فقط چرت یا استراحت بعد ازظهر مقدار مناسبی از آرامش روزانه را تأمین می‌کند. خواب شانه ممکن است به دوازده ساعت برسد.

دوست هم‌سال گروه که خواباندن کودکان در طول این ماهها دشوار می‌نماید باشد، گنجه به آنان برای این که در مراسم شب در خواب بمانند نیز می‌نماید یک ساله باشد. کودکان در فاصله هر چهار ساعت خواب آری ام یا خواب سبک دارند و اگر آنان در میان خواب تا حدی بیدار شوند، ممکن است حرکت خود را از سر بگیرند و در اطراف خانه به حرکت درآیند و والدینشان را بیدار کنند. کودکان را باید به ماندن در رختخواب و بیدارگری شیوههای خاصی رفتن صبق و پاره نشوی کردن. از همان آغاز بیدار خرابهای دررفت شبانه کودکان، والدین باید محکم واستوار برخورد کنند، در غیر این صورت کودکان در میانه‌ی که بیداری و معاضرت در این ساعات شب لذت بخش است.

مراقبت بهداشتی کودکان باید همچنان براساس برنامه‌های تعیین شده از معصوبت برخوردار باشد. بعد از آن که سه تریوی اولیه واکسن ثلاث کامل شده، لازم است پانزده ماه یا حدود یک سال بعد، یک تلقیح ثلاث انجام شود. چهارمین تریوی واکسن سه بظرفینی عامل سبب عف اغفالت معمو همزمان با این تریوی واکسن ثلاث انجام میشود. ممکن است تلاشه‌های دیگری نیز برای تأمین معصوبت ضروری باشد.

معاینات پزشکی عادی مربوط به کودکی سالم برای تأمین سلامتی کودکان خردسال اهمیت دارد. آزمایشهای خون، تست توریکولین، تستخ قوفی بنایی و شنوایی کودکان و پرشش از والدین در بازه مراحل رشد کودکان، هنگامی در تشخیص مشکلات احتمالی مؤثر است. وقتی مشکلات شناخته شدند، می‌توان برای گنجه به پیماندر به پزشک مراجعه کرد. مراقبت از دندانها طبق کودکان در طول دو سال ونیم اولیه زندگی خود بیست دندان در می‌آورند. واکسن کودکان در برار دندان در آوردن بسیار متفاوت است و در عمل هنگامی که بین دوازده و هیجده ماهگی نخستین دندانهای آسیاب آنان در می‌آید، هنگامی از خود بخواب نشان می‌دهند. بعضی کودکان امتنهای خود را از دست می‌دهند و شبها از خواب بیدار می‌شوند. بؤأسفاه کاری برای آرام کردن آنان نیوان انجام داد چه از آن که چیز خکی را به آنان بدهیم تا بسکند. اگر کودکی ننی به شدت ۱-۱ درجه قارانه‌ت [۳۳۸]درجه سانتی گراد داشته باشد باید با پزشک شماس گرفت.

دندانپزشکان در این که کودکان از چه موقع باید مسواک زنند هم عقیده نیستند. بعضی شروع مسواک زدن را هنگام در آمدن اولین دندانهای آسیاب توصیه می‌کنند. بعضی میگویند بهتر است تا حدود دو سالگی منتظر ماند چرا که در این سن است که کودکان میل شدیدی دارند تا مسواک زدن روزگسالان و سایر کودکان را تقلید کنند. این توصیه دوم در صورتی که با محدودیت استفاده از شیرینیها تلام شود علاوه به نظر مورسد، وقتی که کودکان علاقه نشان میدهند باید مسواک مخصوصشان را در موقعیت مناسبی به آنان داد. کودکان می‌توانند توبیی برای مسواک زدن داشته باشند، آنگاه فرد بزرگسالی باید نوبت مسواک زدن آنان را بعد از هر وعده غذا به عهده گیرد.

مکتل نورلاید در طول این سالها برای شکل گیری دندانهای قوی اهمیت دارد. بعضی جوامع، نورلاید را به آب آشامیدنی اضافه میکنند، در غیر این صورت پزشک روزانه مصرف نظرهایی را تجویز میکند که گاهی در ترکیب با ویتامینا مصرف میشوند. ملاقات با دندانپزشک اطفال در مهه کودک در رشد نگرش مثبت کودکان نسبت به مراقبت دندانها مؤثر است.

تافل ۴۸ اسواژنهایی برای تسهیل رشدشده‌نشگیری از پوسیده‌گیهای دندان در اثر میکبدنن پریچاده کودکی دو ساله، هنگامی که دندانهای پیشین او در سطح لثه خشکست. به طور غیر منتظرهای برای اولین بار به دندانپزشک مراجعه کرد. پدر جان در این داستان که جاد تعریف کرده بود می‌سی برای کم روزها زده و دندانهایش را خشکست است تردید داشت. ولی دندانپزشک به او گفت که این پیشامد موجه است، چرا که دندان جادمانده دندان پیشین دیگر او یکساله شده بود دکتر توصیه کرد که تعدادی از دندانهای جاد ضمن پیوستی در بیمارستان روکش یا پر شود.

دکتر وکسر توضیح داد که مشکل جاد نشانگان میکبدن بطوی little muth syndrome نامیده میشود و معمو زمانی بروز میکند که بزرگسالان به کودکان بیشتر از یک سال اجازه می‌دهند، به هنگام میکبدن بطوی آب میوه یا شیر به خواب روند. وقتی که کودکان چنین میکنند، مایعی غلیظ جادب دندانهای پیشین بالا و دندانهای کاری میگردد. در هنگام خواب، جریان بزاق ونیز بازتاب لعیند کاهش میابد، و آب میوه یا شیر جاد شده می‌نماید. سبب فساد جدی دندانها نود. برای نظظ گیری از کرم خوردگی حاصل از میکبدن بطوی، باید شیشه‌هایی که کودکان با خود به رختخواب می‌رند محوی آب باشد. در غیر این صورت، کودکان خردسال ممکن است همانند به درون هرچه‌نی واضطراب آرزو دندانپزشکان نیاز داشته باشند.

معاینه دندانهای کودکان باید زمانی آغاز شود که سن کودکان در حدود سه سال است. این معاینات دندانای اولیه باید چنان بدقت برنامهریزی کرد که کودکان احساسی راضی و آرامش کنند. اختتامی که کودک در نخستین ملاقاتهای خود با دندانپزشک پیدا میکند می‌تواند در صورتی که بعدها به پر کردن یا سایر درماینهای دندانای نیاز باشد تأثیر مثبت گذارد.

مراقبت خوب از دندانها در سالیهای نخستین در ایجاد عادت مناسب و پیشگیری ازمشکلاتاهمیت بزرگی دارد. آخرین دندانهای شیری، Baby Teeth، تا سن دوازده سالگی نمایانند. اگر این دندانها آن قدر خراب باشد که به کشیدن نیاز داشته باشد، به تنها کودکان درد فراوانی را باید تحمل کنند بلکه دندانهای دیگر نیز خراب از محل خود در می‌آیند و جای گاهی برای دندانهای دائمی باقی نمی‌ماند.

بیدا کردن تصور جسمی مثبت

کودکان خردسال در سنین یک تا سه سالگی تصویری جسمی از خودشان پیدا میکنند. سه جبه از تصور جسمی مثبت کودک عبارتند از : آگاهی از جسم، تجربیات موفقیت آمیز در استفاده از توانشه، و آموزش جسمی.

آگاهی از جسم

تصور جسمی، آگاهی از پهلویها و توجه به جهات جنبه‌های مهمی از رشد آگاهی است که کودکان از بدن خود پیدا می‌کنند. یکی از اهداف تجربه جسمی در طول سالیهای نخستین برای کودکان آن است که آنان در میانه‌ی که جسمشان چقدر از قضا را میگردد و موفقیت جسمشان در مقایسه با سایر چیزها چیست.

کودک با مشاهده، رابطه طول قدش و قطر آنگرد، تصور جسمیش را تقویت میکند.

تصور جسمی کودکان با مشاهده حرکت اعضای بدنشان وتوجه به ارتباط بدنشان با سایر اشیا تصویری جسمی پیدا میکنند. آنان از انبساط یا انقباض ماهیچه‌های گردنباگونی خود آگاه میشوند. آنان حرکت اعضای بدنشان را میبینند. آنان هنگامی که در شب حرکت میکنند صدای برخورد دستها یا پاهایشان را با دواور می‌شنوند. آنان در صورتی که میان اسباب بازیهای که تک اقال رنجه است نشینند، میفهمند که جسمشان چقدر از قضا را میگردد. همه این ادراکات و یادگیریها تصورات جسمی کودکان را به وجود می‌آورد.

بازی وسیله‌های است تا تصور جسمی استواری شکل گیرد. توجه کنید، که چگونه ترن اغفالتی در مورد اندازه بدنش در مقایسه با چیزهای اوسیل دریافت میکند.

ترن در میان لاسیکه تورگ اوسیل به چلر خوردن ولی درون لاسیکه کوچکتز گیر کرد. او کمتز از حد معمول قضاپی را که باید جسمش اشغال کند برآورد کرده بود. ترن با پیدا کردن تصور جسمیش، طرح نشئی از یک مربع را در اختیار خواهد داشت که بر اساس آن سایر ادراکات و پاسخیهای حرکتی خود را نظم میبخشد.

آگاهی از پهلویها Laterality آگاهی از پهلویها آگاهی دوتایی بوده که کودکان از دو پهلوی خود وناظرینهای آنهاست. کودکان از طریق آزمایش کردن دو پهلوی بدنشان و روابط این دو پهلوی باهم از پهلویهای خود آگاهی مییابند. فلانهایی که مستغرق تروان هستند در نشان دادن تمایز دو پهلوی بدن می‌فانند، همان گونه که کودکان در صدد کسب تروان هستند، توجه می‌نمایند که کدام پهلوی آنان باید به حرکت درآید، چگونه باید حرکت کند و پهلوی دیگر آنان چگونه این حرکت را اجراان کند. آگاهی از پهلویها مهمتر از آن است که فقط بدینچگونگی معاربتی نظر راست و چپ به پهلویهای کودک نسبت داده میشود. در واقع درک آگاهی از پهلویها امکان درک توجه به جهات را که کودکان در جهان کسب میکنند فراهم میسازد. توجه به جهات directionality توجه به جهات، فرانسکی آگاهی از پهلویها در وای بدن است. آن آگاهی از پهلویها که کودک در درون بدن خود احساس میکند، مرحله میانی بین آگاهی از پهلویها و توجه به جهات مستغرق توانایی میهار کردن حرکت جسم و آگاهی از جهت نگاه کردن آن است. اگر کودکان بتوانند درک دوتایی شده خویش را با آنچه میبینند مطبیق سازند، آنان می‌توانند مفاهیمی نظر راست، چپ ، بالا و پایین را که در جهان اطرافشان به کار میرود نیز گسترش دهند. برقراری توجه به جهات، به کودکان بزرگتر، این امکان را میدهد که میان ماده‌های نظر Q و P تمایز قابل شوند.

استفاده از توانت

موفقیت کودکان در استفاده از توانت به آنان این احساس را میبخشد که دیگر بزرگ شده‌اند. تجربیات نخستین در مورد استفاده از لگن در آغاز این فصل، به درک او از نقش آن گنجه میگرد. او از این که به طریقی عمل کند که مادرش خشوده شود احساس غرور میگرد. ولی بؤأسفاه استفاده از لگن و مدعاها توانت همیشه تجربه نشئی نیست، خواه برای کودک و خواه برای بزرگسال. مشکلات می‌توانند عمدتاً در اثر تعیین زمان فرایند استفاده از دستنویی، روش آموزش و ویژگیهای خاص کودکان به بار آید. هر مشکل بالقوه‌ای مورد بحث واقع میشود. تعیین زمان آموزش بعضی والدین اظهار می‌دارند که کودکان را در سن یکسالگی جهت استفاده از لگن آموزش داده‌اند. ولی معمو این کودکان دارای الگوری بسیار منطقی از عمل دفع هستند، و والدین خود آموزش دیده‌اند، که کودکان را به استفاده از لگن در اوقات معینی از روز نشویب کنند. چنین تصور میشود که کودکانی که والدینشان در هیجده ماهه اول آنان را باادار به استفاده از لگن گروهدند بعدها از این کار سرچینی میکنند چرا که ظاهرآ استفاده از لگن به طور صده بعضی از یک برنامه بزرگسال به نظر مورسد. برای اغلب کودکان شرط احیاط آن است که تا بعد از دو سالگی که کودکان آماده‌گیهای گردنباگونی را پیدا میکنند صبر کنیم.

آشکارترین نوع آمادگی شامل بایدگی جسمی است. والدین توجه می‌نمایند که کودکان خردسال برای چندین ساعت از ادوار کردن خودرادی می‌توانند بعد به مقدار زیاد ادوار میکنند، به جای این که به مقدار کم ولی به طور مکرر ادوار کنند، و در مرحله‌ای معین، کودکان ظاهرآ می‌توانند از طریق وضعیتهای بدنی وحالات چهره خود نشان دهند که می‌ایند ادوار کنند. طولانی شدن زمان خودرادی از ادوار ادوار کردن به مقدار زیاد، و آمادگی برای ادوار کردن هنگامی از نشانههای آمادگی جسمی است. عنصر جسمی مشابهی برای کودکان که مدتها بعد از اولین هیجان راه رفتن آنان بروز میکند، این است که آنان بایند برای مدت کوتاهی آرام بنشینند.

نوع دیگری از آمادگی شامل رشد روان شناختی و فکری است. در صورتی که کودکان در دوره‌های سه بر سر میزند که رفتاری شدیدآ محالف از بروز می‌دهند، نباید از آنان خواست که بر لگن بنشینند. کودکان باید دستورات و آموزشهای ساده یا بتوانند درک کنند. اگر از کودکان پیش از آن که آمادگی داشته باشند، درخواست شود که از لگن استفاده بکنند احقا موطن نخواهند شد. اگر پیوندهای ناخوشایندی صورت گیرد، ماهها طول می‌کشد تا این زبان جبران شود.

روش آموزش این روزها اغلب متخصصان اطفال از روش تلام با آمالنگبری برای آموزش استفاده از لگن طرفداری میکنند. برای مثال، تی. بری راترفرن روش آموزشی توصیه میکند که بر تصمیمات خود کودکان بری کسب کنترل بآیند داده، چرا که آنان میل به بزرگ شدن دارند. و روشش را به والدین کودک از یک جزا کوکک به شیوه خاص خودش توصیه کرده و تقریباً با کنترل شب وروزی کودکان تا سن پنج سالگی، به موفقیت صده در صد تایل آمده است.(براولتون، ۱۹۶۲).

براولتون پیشنهاد کرده است که والدین تا بعد از دو سالگی و تا زمان ظهور نشانههای آمادگی در کودکانشان منتظر بمانند و آنگاه آموزش را آغاز کنند. کودکان با لگن به عنوان یکک حسندلی غالب و کودکاها آشنا میشوند. از کودکان خواسته میشود که لیسهای نشان روی لگن بنشینند و مجبور به این کار میشوند. بعد از این که کودکان به نشستن روی لگن عادت کرده‌ند، والدین نحوه ادوار کردن یا مدافع کردن را در لگن برایشان توضیح میدهند. وقتی کودکان تمایلی به نظر رسند در اوفاتی که بخواهند ادوار یا نخله کنند، بدون استفاده از پوشک خود روی لگن بنشینند. باید آمان را به خاطر این کار نخستین کرده ولی به پیش ازتمام، به چرا که کودکان در این سنین نیزخواهند خود را پیش از حد تحت کنترل بزرگسالان تصور کنند. بعد از این که کودکان به این نظر دست پیدا کرده‌ند، می‌توانند در خانه لیس زرز ضعیفی که جذب کسده وطلوبت است، به ن کنند که به بزر جهایی آموزشی معروف است. طبق ربراولتون آموزش ادوار و نخله در طول روز حدودآ همزمان بر گزار میشود. اگر کودکان به ادامه

کودکی در حال بازی

کودکی در حال بازی

کودکی در حال بازی

آموزش نامیال نشان نمیدهند، دو پایه پوشکیها را به آنها می‌نشانند بدون این که آنها را سرزنش کنند و مینوان هر زمان که کودکان به فرایند آموزش علاقه نشان دادند، مجدداً آن را بر سر گرفت، به نظر پراوترون، خودداری از ادوار در طول شب به دنبال خودداری ازاداری در طول روز اتفاق می‌افتد. و این هنگامی است که ماته کودکان به حد کافی بلایده میشود. پدر از میان مرغه محدود سه سال دارند. (پسران قدری دیرتر از دختران چنین عملی را پیدا میکنند.) به کودکان باید تا مدت زمانی که از ادوار کردن جداً خودداری نکنند اجازه داد تا در شب با پیچیده شدن در پوشک آسوده باشند.

برای والدین کم صبر، روشهای آموزشی سرریخی از روش پراوترون وجود دارند. دو تن رفتار گرگاگنی به نام آموزش استفاده از نوناد در کمتر از یکت روز Day Toilet Training in less than a day (زترین Azrin ، و فاکس Fox ، ۱۹۸۱) نوشته‌اند. کودکان پیش از بیست ماهه که از خود آلودگی نشان میدهند، از طریق تقلید وتشویق استفاده از لگن را میآموزند. میزان موفقیت در قبال خودداری از ادوار در طول روز بالاست، ولی دوسوم کودکانی که به این شیوه آموزش میبینند همچنان در طول شب خود را خیس میکنند.

برخی از مشکلاتی که هنگام آموزش بروز میکنند حمل شیوههایی اجباری و شرم‌آوری است که بزرگسالان به کنار میروند. بزرگسالانی که می‌کشند خواسته‌هایشان را بر کودکان تحمیل کنند، در میباید که کودکان یاد بگیرند که بدون ادوار کردن یا تخلیه تا زمان ترک لگن طاقت بیاورند. روشهای مشترک نظر روشهای پراوترون ورفتار گرایان موجب جلب همکاری کودکان ودادن احساس بزرگ شدن به آنان میگردد. تمام روشهای آموزشی باید به کودکان امکان دهند تا احساس خوبی از خود و بدنشان پیدا کنند.

ویژگیهای خاص کودکان مطالعه جالبی در اسرائیل (کافمنKaffman ، و زیورElizur ، ۱۹۷۷) نشان داد که بعضی تفاهت‌های ویژه در میان کودکانی که موفق میشوند در حدود چهار سالگی ادوار خود را نگه دارند و آنان که موفق نشوند وجود دارد. کودکانی که در نگهداری ادوارشان مشکل دارند عمدتاً دارای ویژگیهای زیر هستند: (الف) سابقهٔ کنترل در ادوار کردن در خانواده (ب) آمود خواب داشتن در قبال خیس کردن خود (ج) ویژگیهای شخصیتی وانسنگی، کم بودن انگیزه برای موفقیت، اطلاق پذیری کم، سطح فعالیت بالا و پرخاشگری (د) مشکلات مربوط به بلایذگی مضمی ، عضلانی، والدین کودک کانی که بعضی از این ویژگیها را دارا هستند ممکن است شروع آموزش را تا ظهور نشانههای آمادگی در کودکان به تعویق بیندازند.

آموزش جنسی

آچلانی دو ساله برای اولین بار که مادرش را در تعویض پوشکت یکی باری کرد، نگاهش خیره‌مانند، او وقتی آلت نامطلبی بردارش را دید گفت «این چه!».

پآموزش جنسی در این سالهای اولیه عموم در پاسخ به پرسشهایی در باره بدنهای کودکان و نحوه تولد شیرخوارگان مطرح میشود. این پرسشها باید پاسخ داده شود ولی با دقت. برای مثال، مادر آچلانی به او گفت: «تک پسر چه است و بدن پسرچهها یا بدن دختر چهجها شدنی فرق دارد. تک از آلتش برای اداری کردن استفاده میکند.»اهداف آموزش جنسی اولیه عبارت است از کمکته به کودکان برای این که در مورد بدنشان احساس راحتی کنند و (الگوهای ارتباط آزاد را با والدینشان به وجود آورند. کودکان در صورتی که والدینشان راحتی پرسشهای آنان را پاسخ دهند، والدینشان را اطلاق پرسیدن، تصور خواهند کرد. فکر است که ابتدا پرسش کودک روشن شود که چیست (برای مثال ، «آیا منظور من اینه که چه چه چوری از شکم مادر بیرون می‌آید؟)، چرا که گاهی پرسش کودکان همان نیست که در ابتدا به نظر می‌رسد. (در قضیهای معمولی از مادری یاد میشود که به شرح مفصل باروری ، رشد پیش از تولد، و تولد میپردازد و در برابر این همه توضیحات ، پرسش پاسخ میدهد، منظور من اینه که در چه شهری تولدتان شد؟) همین که پرسش دقیقاً روشن نشد، پدر یا مادر باید مطلب سؤال شده را پاسخ دهد و آنگاه مهلت دهد تا کودک آن مطلب را جذب کند.

میزان مسمی داشتن مطلب مربوط به تولد برای کودکان خرد ساله، به سطح کلی رشد فکری آنان بستگی دارد. کیوانCowan و برنتنای (کیوان، ۱۹۷۸) با استفاده از دیدگاه پیازهٔ این فرضیه را ارائه دادند که کودکان نظریههایی خود را در باره تولد مطابق سطح کلی رشد فکری خویش تشکیل میدهند. وقتی پژوهشگران کودکان سه تا چهار ساله را مطالعه کردند، یافته‌هایشان موافق این فرضیه بود. کودکان خردسال در سطح از فهمیدن به پرسشهایی نظیر این پرسشها پاسخ میدهند «نمردم چه چوری چهجهار میشن؟» «ممنی کفمه منوله چه؟» «مادرا چه چوری مادر میشن؟» «پدرا چه چوری پدر میشن؟».

سه سطح فهمیدن به صورت صفر، یک، و دو در نظر گرفته شده است. کودکانی که در سطح صفر قرار دارند درکی نشان نمیدهند یا از پاسخ امتناع میورزند. کودکانی که در سطح یکت قرار دارند به استفاده از اصول طوطی‌نابزی احساس تمیکند چرا که آنان مقصدتند که شیرخوارگان همین وجهه داشته‌اند. کیوان تکلمه زیر را با کودکی در سطح یکت گزارش کرد: چه چوری چه تو شکم مامات پیدا شد؟ان فقط تو شکم رشد میکند.

چه چوری تو شکم اومد؟ان همیشه اونجاست. مامان نباید کاری بکند. اون منتظر میسونه تا چه رو احساسی کند. (کیوان ، ۱۹۷۸ ، ص ۱۳۵)کودکان در سطح دو همراه با توضیحاتی پاسخ میدادند که تقارماً مناسب فرآورددهای کارخانهای بود تا مناسب فراد. در یکی از مصاحبه‌ها این نتیجه توسط کودکی سه سال و هفت ماهه در سطح دو یازگ شد: «شما چه دو یوزشگاهی میبینید که اونو تولدی می کنه.»حرب اوزا چه رو بر میدارند و بعد میوزان تو شکم و بعد از تو شکم خیلی تند بیرون میدا(کیوان، ۱۹۷۸ ، ص ۱۳۵). بعضی از کودکان در سطح دو و پدر را به فرایند تولد توالی رشدی قابل پیش بینی است. کودکان خردسال در باره بدنهایشان وامر تولد باید اطلاعات واقعی پیدا کنند ولی لازم نیست که والدین، در صورتی که کودکانشان بظاهر حد که قادرستی ازتولد دارند، از این پرسشند که فرد دیگری اطلاعات نامرستی به کودکان داده است. کیوان و رنشتاین نشان دادند که کودکان باید اطلاعات جدید را در ساختهای ذهنی موجودشان جایی دهند. پدر یا تکرا با صبورانه و تکلمه آزادانه والدین است که در اثر آن کودکان درک دقیقی از دنیا و فرایند تولدشان کسب میکنند.

خلاصهٔ ۱- بسیاری از تغییرات جسمی در سنین یکت تا سه سالگی صورت میگیرد. ۲- در رشد ماهیچه‌های بزرگ، کودکان راه رفتن، دویدن، بالا رفتن از پله‌ها، نگاه‌زدن به توپ، پرتاب کردن پشتهٔ زدن، و سوار شدن سه چرخه را میآموزند. ۳- در رشد ماهیچه‌های کوچکتر، کودکان غذا خوردن، در آوردن لباس، پوشیدن لباس، ساختن برچه‌های مکعبی، ورق زدن کتاب، و آماده نمودن و مداد شمعی نقاشی کردن را میآموزند. ۴- یکپارچگی ادواری -حرکتی اطلاعات به دست آمده از طریق حواس را به رفتار کودکان ارتباط میدهد.

- بالدگی و تجربه، هر دو در رشد جسمی اهمیت دارند.
- در بعضی مهارتهای مربوط به ماهیچه‌های بزرگ و کوچک، دختران به طور متوسط شش ماه جلوتر از پسران هستند.
- قومیت، تحریکت جسمی بزرگسالان، و تغذیه به سرعت رشد اولیهٔ جسمی تأثیر دارد.
- کودکان خردسال در معرض حوادث قرار دارند وبتازه به محیط امن دارند.
- کودکان باید در هر بار که سوار اتومبیل میشوند در وسیله ایمنی تأیید شده‌ای جایی داده شوند.
- بسیاری از دستنویسها یا دور نگاهداشتن مواد خطرناک ازدمسترس کودکان قابل پیشگیری هستند.
- سوتختیگها وفرق گذاشگها را میتوان از طریق اصلاحات لازم در محیط و نظارت کودکان خردسال از نزدیک پیشگیری کرد.
- بسیاری جسمی با تأخیر رشد و اختلالات رفتاری ارتباط دارد.
- کودکان خردسال بویژه در برابر مسومیت سمی که سبب اختلالات یادگیری ، عقب ماندگی، سایر اختلالات و حتی مرگ میگرد، آسیب پذیر هستند.
- کودکانی که خانواده‌هایشان تحت فشار روانی هستند بیشتر در معرض بیماری یا حوادث قرار دارند.
- رشد جسمی در سال دوم زندگی کودکان کاهش مییابد واضهاتی آنان غیر قابل پیش بینی است. ۱۶- تغذیه کافی برای رشد کامل قابلیتهای کودکان خردسال ضروری است.
- استراحت کافی، مراقبت بهداشتی و برقرت از دندانها در برقراری سلامت کودکان اهمیت دارد.
- آگاهی از جسم شامل پیدا کردن تصور جسمی و دو نوع احساس آگاهی از پهلوها ووجه به جهات میشود.
- احساس موفقیت کودکان در استفاده از دستنویس به تعیین زمان آموزش، روش آموزش، و ویژگیهای خاص کودکان ارتباط دارد.
- اهداف آموزش جنسی اولیه عبارت است از کمکته به کودکان برای این که در مورد بدنشان احساس راحتی کنند و الگوهای ارتباط آزاد را با والدینشان به وجود آورند.

اصطلاحات کلیدی مهارتهایی مربوط به ماهیچه‌های بزرگ یکپارچگی ادواری -حرکتی کارآسیورکردمهارتهای مربوط به ماهیچه‌های کوچکتر کوچک کردن نشانگان مکیدن ظرفخط خطی کردن اطلاق مهارتهای جری آگاهی از پهلوماخط خطی کردن مهار شدهٔ توجه به جهات برای مطالعه بیشتر Mvement ActivitiesSullivan, M. (۱۹۹۲). Feeling string, feeling free: Mvement Activiatin fr yung children. Washngtn, DC: Natinal Assciatin fre the Educatin f Yung Children

Tilet TrainingAzrin, N.H., Fox, R.M. (۱۹۸۱). Tilet training in less than a day. New Yrk. Pcket Bks Explaining BirthStein, S.B. (۱۹۷۶). Making babies: An pen family bk fr parents and children tgether. New Yrk. Walker and Cmpany

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

۱۰

کودکان یک تا سه ساله‌رشد شاخصی

رشد شاخصی که مستلزم تغییر فرآیندهای ذهنی است شامل حل مسألهٔ و کاربرد زبان است. کودکان یکت تا سه ساله در زمینه رشد شاخصی پیشرفتهای بسیار چشمگیری دارند. در این فصل با توجه به نظریهٔ ژان پیازه و نظرات صاحب نظران دیگر پیشرفتهای مربوط به تفکر نشان داده میشود. اطلاعاتی نیز در باره رشد زمان، گرناگرایی درمحیطهای یادگیری زمانه، تفاهت‌های فرهنگی در زبان، اهمیت بازی، و اثرات محیطهای زندگی خردسال در شناخت آنان، ارائه میشود.

مراحل رشد فکری از نظر پیازه

به نظر ژان پیازه (پیاژه و این هلدر، ۱۹۶۹)، کودکان دو مرحلهٔ فرعی پایانی تفکر جسمی -حرکتی خود را در دومین سال زندگی کامل میکنند. (رکتا، جدول ۱،۱۰). آنگاه وقتی کودکان حدوداً دو ساله میشوند وارد مرحله‌های میشوند که پیازه از آن به عنوان مرحله تفکر پیش عملیاتی یاد میکند. این قسمت با توضیح مراحل فرعی جسمی ، حرکتی وچشم و تفکر پیش عملیاتی اولیه آغاز میشود و با بحث پیرامون نقش نظریهٔ پیازه در مورد رشد فکری پایان مییابد.

مرحله فرعی جسمی – حرکتی پنجم

مرحله فرعی جسمی - حرکتی پنجم که نوعاً از دوازده تا هجده ماهگی ادامه دارد، دوره‌ای از رشد فکری محسوب میشود. یکی از نشانه‌های این مرحله فرعی کاربزو دانسته‌های دورانی سوم است که در رفتار ماری یکسالهٔ به چشم میخورد. ماری در مسدودی پایهٔ بلانش متشبهه و نخودها را روی کف میپزد. او با نقاشش آنها را به طرف له سیسی میراند، آنها را از بین انگشتانش رها میکند و آنگاه به فکر می‌افتد که آنها را از دهانش به بیرون پرتاب کند. در هر مورد، او مسیر نخودها را بدقت

۱۰

۱۰

۱۰

زیر نظر دارد.

به نظر یازده دو عصر است که رفتار ماری را از عمل او در مراحل فرعی پیش مشخص میسازد؛ ماری با نخودها آزمایش میکند به جای آن که یکت عمل را تکرار کند و او به فهمیدن ماهیت حرکت غیر عادی که انجام میدهد علاقه نشان میدهد. فرایند یاختن مسیرهای بدیع برای نخودها او را به واری واکنشهای چرخشی دوم پیشین که در آن بر تکرار عمل آفازین تأکید مبشده است، میرد.

ماری به شیوه‌های پیچیدهتر از قبل مسائل را حل میکند. فرض کنید که او میخواهد درب کابینتی را که محکم بسته شده است باز کند. اکنون، مانند قبل سعی میکند از تکنیکهای استفاده کند که در موقعیتهای دیگر نتایج داشته است. ولی اگر موفق نشود او قادر است از طریق آزمایش و رفتار نظارت را تغییر دهد تا به هدفش برسد. پیازه گنجه است که رفتار در مرحله فرعی پنجم به دو طریق هدایت میشود: از طریق هدف واز طریق طرح‌های پیشینی که کودکان را قادر میسازد تا اصدائشان را با انگتا به تحریکات گذشته خود تغییر وکنسر کنند.

تقلید منتظر یکی دیگر از موقعیتهای جدید ماری در مرحله فرعی پنجم است. تا پایان زمان، کوششهای او در تقلید از طریق آزمایش و خطا مشخص میشد و او معمول قبل ازاین که عملی را دقیقاً برای بار دوم انجام دهد حرکت چندی را انجام میداد. لکن در فاصله دوره‌های از دوازده تا هجده ماهگی، قادر میشود از پندارش بگذردستی و بلافاصله تقلید کند. در بازی تقلید از میسون *mnkey see* وقتی که پدر ماری گوش خود را میداد، ماری نیز بدون این که گردن یا فرق سرش را نخست امتحان کند همان کار را میکند.

جدول ۱-۱۰ مرحله حسی – حرکتی رشد از نظر یازده

زمان یازده مرحله حسی - حرکتی (تولد تا حدود دو سالگی) را به شش مرحله فرعی تقسیم میکرد. در مرحله آخر ازاین شش مرحله معمول در طول دومین سال زندگی صورت میگردد.

مرحله فرعیحسی – حرکتی سن هوشنایی

مرحله فرعی اول تولد تا یکسالگی رشد بریابه بازیاتنها صورت میگردد(بازیاتنها) مرحله فرعی دوم یکت تا چهارماهگی حرکات جانب بدن وانگار میکند واکنشهای چرخشی اول واکنشهای چرخشی اولیه، وقایع آشنایی را پیش بینی میکند(نظیر شیرخوردن، حواس را هماهنگ میکند.

مرحله فرعی سوم چهار تا هشت ماهگی اعمال جانبی را روی اشیاء تکرار (واکنشهای چرخشی دوم) میکند.(واکنشهای چرخشی ثانویه) صداهای واعمال موجود در خزانه رفتاری را تقلید میکند. به جستجوی شیء مخفی میریزارد.

مرحله فرعی چهارم هشت تا دوازده ماهگی رفتارهدفدار به کنار میرود. در میابند (هوش عملی) که اشیاء وافراد ویا این که دیده نشوند وجود دارند. بسیاری از رفتارها را تقلید میکند. مرحله فرعی پنجم دوازده تا هجده ماهگی آزمایش کردن با اشیاءواکنشهای چرخشی سوم) دقیقاً تقلید میکند و چندان به آزمایش وخطا نیاز ندارد.

فکر میکند که اشیاء دارای پایداری هستند، و به جستجوی آنها درجایی که برای آخرین بار دیده شدهاند، میروداز.

مرحله فرعی ششم هجده تا بیست و چهار به کمک ذهن، راه حلهایی برای (پایداری شیء) ماهگی مسائل پیدا میکند.

تقلید را به تعریف میاننداز.

پایداری اشیاء را در درک میکند وحی حرکات اشیاء محظی را در ذهنش تصور میکند.

رشد بیشتر در درک ماری از پایداری اشیاء در مرحله فرعی پنجم نیز قابل توجه است. او تجربیاتی کافی از روابطش با شیئی مفقود داشته است و میفرازد آن را در جایی که برای آخرین بار دیده است جستجو کند. این استراتژی جستجو با آن استراتژی که در مرحله فرعی چهارم به کار رفته است تفاوت دارد ودر مرحله فرعی چهارم او به جایی نگاه میکرد که شیء را برای آخرین بار در آنجا نوانسته بود یابد. ولی این که آن شیء از آن زمان دوبار در نزدیکی آنجا نبود. یازده گنجه است ماری نشان میدهد که او دیگر نظیر موقعیتهای گذشتهشلی فقط اشیاء را به موقعیتهای عملی ارتباط ندیده‌ده، لکن سرانجام فکر میکند که آن اشیاء دارای پایداری خاص خود هستند. در عین حال ماری هنوز قادر نیست که از جایجایی چیزیها ضروری در ذهن داشته باشد. اگر موقعیتی او را ملزم سازد که ضروری از چگونگی اجبابی اشیاء یعنی از اسباب بازیهایش به دست آورد ایه جایی که آن امکان یابد که جایجایی اسباب بازی را با چشم دنبال کند، او این صورت ماری از استراتژی قلبی خود مننی بر جستجوی اسباب بازی در جایی که آخرین بار پیدایش کرده بود استفاده میکند.

در مرحله فرعی حسی - حرکتی پنجم، کودکان به طرق پیچیدهتری از قبل به حل مسائل میریزانند.

استفاده کودکان از واکنشهای چرخشی سوم، استراتژیهای حل مسأله آنان، تقلید منتظر آنان، و درک گوشش یافته آنان از پایداری اشیاء - همه این تغییرات در فرایندهای تفکر، در مرحله فرعی حسی - حرکتی پنجم دوره‌های پویا میسازد.

مرحله فرعی حسی – حرکتی ششم

در مرحله فرعی حسی - حرکتی ششم، کودکان از تقریباً هجده ماهگی تا دو سالگی توانایی گنپ میکنند تا به کمک ذهنشان راه حلهایی برای مسائل پیدا کنند، به جای آن که فقط متکی به دستکاری فیزیکی اشیاء باشند. توجه کنید به استراتژی جف هنگامی که با مکعبهای بازی را میسازد.

جف دو سازه در استفاده از قطعات مکعب بازی با تجربیهای است. امروز او این مکعبها را بطوری قرار میدهد تا به شکل راستگوش درآید، وقتی که، بجز یک قطعه، سایر قطعات در جای خود قرار گرفتهاند، لحظههایی دست از بازی میکند و به دقت به سایر قطعات دوطرفش خود نگاه میکند، یکی را که مناسب باشد انتخاب میکند و با اطمینان در جای جایی قرار میدهد.

جف نیاز نداشتند که از آزمایش و خطا به منظور یافتن مکعب مناسب استفاده کند.او به جای آن که چندین مکعب را در جایی خالی آزمایش کند، او بار مسأله فکر کرد. تحریکات گذشتهاش با مکعبها به او کمک کرد که به طور ذهنی اندازه فضای خالی را با اندازه مکعبهای دم دستش بسنجد. پیازه آنچه را در مرحله فرعی حسی - حرکتی ششم روی میدهد به عنوان فراموش شدن رصبه انتقال به تفکر نمایان توصیف میکند.

در این مرحله فرعی ششم و نهمای تفکر، توانایی تقلید جفا نیز گسترش مییابد. او وسایل کودکان هم سن و سالش قدرند که از آنچه دیده‌اند تصور ذهنی داشته باشند. وسایل بعد از آن تقلید کنند. جف همان حالتی را که میپازد تقلید یا تاخیر *deferredimitatin* دیده بود، روز ناد، بدین ترتیب که او دقیقاً رفتار برادر زادهاش را دو روز بعد از این که باخاترداشش از ملاقات آنان بر گفته بود، عیناً تقلید کرد.

تحول مهم دیگری که در این مرحله فرعی یابانی دیده میآید، شامل پایداری شیء است. پیازه توجه داشته است که در این مرحله فرعی، کودکان سرانجام قادر به درک کامل ویژگیهای پایداری هستند که در اشیاء وجود دارد. برای مثال، کودکان در مرحله فرعی حسی - حرکتی ششم میفراهند طرخی از حرکت اتومبیل کوچکشان از جاهایی مخفی همچونز زیر بالش، حوله یا شان گردن در ذهنشان بسازند. کودکانی که به پایان رشد جنینی - حرکتی رسیده‌اند، فهمنده که اتومبیل ولو این که هنگام حرکت کردن در میان دست فرزندگشلی مخفی شده، همچنان موجود است. آنان به جستجوی اتومبیل در زیر شال گردن میریزانند، ولو به هنگام بازی در موقعیت دیگر. آن را در جای دیگری با موفقیت یابنهند. به نظر یازده، این کودکان نشان میدهند که به این درک کامل تایل آمده‌اند. که چیزیها وفراق واز کنه وخصوصیات خود را دارا هستند لاین در درک راه را برای راه شدم هستند شناختی آید، همولو و زمینه را برای آن آماده میسازد.

نظریه یازده شرح تغییرات برجسته در فرایندهای تفکر کودکان از زمان تولد تا دو سالگی را نظمو سازمان داده است. پیازه تصریح کرده است که کودکان موجودات کنجکاوی هستند که در جستجوی چیزیهای بدعند و در سازماندهی وکنسر و تفسیر تجربیاتشان در طول مرحله حسی - حرکتی و نیز درمرحله پیش عملیاتی بعد از آن فعالیت ذهنی دارند.

تفکر پیش عملیاتی اولیه

مرحله تفکر پیش عملیاتی تقریباً از دو تا هفت یا هشت سالگی ادامه دارد. این قسمت بر بخش اولیه مرحله پیش عملیاتی تأکید دارد؛ دو و سه سالگی.

کلمه پیش عملیاتی *preperational* به طوره تحت التفظ به معنی ایش از تفکر عملیاتی یا منطقی است؛ مستألفه این عنوان سبب شده است که بعضی افراد بیشتر چنین فکر کنند که کودکان در این مرحله قادر به انجام چه کارهایی نیستند تا این که قادر به انجام چه کارهایی هستند. جهت اطمینان، سهیم برهنسجاری که ژان پیاژه در زمینه دانش ما از تفکر کودکان خرمسال داشته، تصریح این امر بوده است که در فرایندهای تفکر کودکان خرمسال در مقایسه با کودکان بزرگتر واولاد بزرگسال، نه تنها تفاوتهای کثی که تفاوتهای کیفی نیز وجود دارد. ولی بازماندنی تفاوتهایی تفکر کودکان خرمسال ازوماً موجب اهمیت ندادن به رشد مجذوب کننده‌ای که در طول مرحله پیش عملیاتی روی میدهد نخواهد شد.

یکی از تحولات کلیدی در تفکر پیش عملیاتی اولیه توانایی استفاده از نمادهای ذهنی است. بعد از توصیف نمادهای ذهنی، الگوههای تفکری که کودکان خرمسال دارای تفکر پیش عملیاتی را از کودکان بزرگتر واولاد بزرگسال جدا میسازد مورد بحث قرار میگردد.

نمادهای ذهنی، نمادهای ذهنی *mental symbls* شامل کلیاتی است که بر چیزها دلالت میکنند، اعمالی که تقلیدی از نقش بزرگسالان به شمار میروند، فعالیتهایی که چیزی وانام چیز دیگر قرار میدهند، و نیز شامل نمادی کردن تاخودآگاه است (اوری مثال، هنگام خواب دیدن). استفاده از کلمات برای نمایاندن اشیائی که فوراً قابل رؤیت نیستند، احداث اشکالکارتزین نشانه نمادگری ذهنی کودکان است. وقتی کودکی میگوید «توب»، منظورش یکی از این جملات است: توب کجاست؟، توب کجاست؟، «توب آن جاست»، «من توب میخواهم»، توب این جاست». معنی این متون غالباً از طریق نداشت موجود در درک کرد ولی معنی هرچه باشد، کودک معضرات کنه‌های را که به لحاظ فرهنگی پذیرفته شده به کار میرود تاچیزی را در محیطش نشان دهد. استفاده از کلمات تنها شیوه‌های نیست که کودکان نمادهای ذهنی خود را برای ارتباط با دیگران به کار میرود. در این سنین، آنان یعموم به تقلید نقشهایی میوزانند که از بزرگسالان مشاهده کرده‌اند. یکت کودک در هر روز صبح بعد از مسجله با جدیت ساگی را بیرون میآورد و آن را با کاغذ بر میکند به تقلید از مادر و یکت دستش بر از خر و برت، در اطراف منزل قدم میزند. کودک دیگر بسنگی را میزند که شبیه خائلی است که پدرش واگن متحرک خود را میزند. این کودکان فعالیتهای بزرگسالان را مشاهده کرده‌اند، نمادهای ذهنی عناصر اساسی راستحه و به خاطر میروندند و تفسیر خود را در زمانی بعد به کار میگیرند.

کودکان، در بازیهای خود نمادهای ذهنی را میآزمینند و به کار میبرند. با متعاقب قرار دادن دو تکه چوب هویسمای میسازند. از قلمبه به عنوان طلیی استفاده میکنند. از ترکیب مطنها و دایرهها تصویر افراد را در یکت اثر هنری نشان میدهند. با پوشیدن لباس بزرگسالان به حیأت بزرگسالان در میآیند. با یکت کلاه، کودکی سه ساله به نقش آتش نشان واقعی در میآید. کودکان با اعمال خود شواهدی برای پیشرفتهای فکری خود فراهم میآوردند.

کودکان دو سازه کاربرد نمادهای ذهنی را نشان میدهند. نظر این اکامیون ران) که سسنگ را به نشانه پول جهت عبور از انویان میوزاد.

در بحث رشد روانی ، اجتماعی در فصل ۸ یادآوری شد که ترس گامی نتیجه نمادگری تاخود آگاه است. به دلیلی این که کودکان دارای تفکر پیش عملیاتی میفرازند نمادها را در ذهن نگهداری کنند و آنها را گسترش دهند، ممکن است ترس از تاریکی، دیو، سگ و سایر چیزها در آنان به وجود آید. والدین معمول هنگامی که بداندند ترسهای جدید کودکانشان قابل تقلید بیشتر رشد فکری آنان است و ظهورشان در این سنین طبیعی است اطمینانی دو بره پیدا میکنند. بسیاری از والدین که قفاقد این اطلاعاتند به دلیلی نوعی عمل را کوزمانی در قبال کودکان که اعداد خود را دست داده و تبدیل به فرقی ترسو شدهاند خود را سرزنش میکنند. ماهیهای پیش عملیاتی اولیه بازیاتنهاهی کودکان را دستخوش تحریکات فراوان میسازد، و کودکان غالباً از دلایروپهای خود تیرد میگردند. وقتی کودکان قابلیت مییابند که تصاویر ذهنی اشیاء را رویدادهاد تا تشکیل دهند، در این صورت میفرازند تفکر خود را برای مرزهای زمانی و مکانی پیرامون خود گسترش دهند.

الگوه‌های تفکر یازده نشان داده است که کودکان فقط افرادی کوچک و کم تجربه به شمار میروند. تفاوتهای کیفی که تفکر کودکان خرمسال پیش عملیاتی را از تفکر کودکان بزرگتر همدمروهای آنان جدا میسازند شامل استدلال بیانیی، مفاهیم ویژه فرد،

و خود محوری می‌شود.

برخی از نظرات متعز کودکان تصویر کشنده همان چیزی است که پیازه استدلال بنیائیی **transductive reasning** می‌نامند. استدلال بنیائیی برخی یا نام خصوصیات زیر را نشان می‌دهند: این نوع استدلال جهتی از معلول به علت دارد، بنابراین از چندیین مغفیر تأکید دارد، مواردی کلی و جزیی را محفوظ می‌کنند، و برای وقایع گذشته دست به قیاسهایی می‌زنند. استدلال بنیائیی می‌تواند به نتایج صحیحی منجر شود، هرچند این زمانی متاهلی قابل یادآوری است که کودکان به نتایج خطائیی دست یابند. برای مثال، چندین روز بعد از این که کودکی دو ساله به نام استفان به زمین خورد و پیکت سنگ بزرگ وی مهربان او را لمسید، وقتی سنگ و دید درخواست کرد که او را زمین بریزند. او گفت: سنگ نخورد. مادرش که حرف او را فهمیده بود، گفت: «سنگ سنبوره» استفان گفته مادرش را تصحیح کرد و گفت: سنگ نخورد. سپس، سنگ نخورد مراره استفان چنین استدلال کرده بود که نخستین لمسیدن شیء چندین ثانیی جدید است وخوردن نیز به دنبال آن خواهد آمد. ماهلهای بعدی برای استدلال بنیائیی شامل نتایج فرقی در باره علت و معلول است. نظریه رفتی که پتر ملطین می‌شود که چیکت بامث افتادن پکت اسباب بازی شده است چرا که در آن لحظه، چیکت از کنار اسباب بازی گذشت است.

مفاهیم ویژه فردی **Idiosyncratic concepts** مفاهیمی هستند که کلی به نظر می‌رسند ولی معنایی را می‌رسانند که تنها به تجریبات شخصی مربوط می‌شود. برای مثال، کودکی سه ساله به نام ماریان از قیل می‌داشت که پلدر بزرگ و مادر بزرگش در آتلانتا زندگی می‌کنند. هنگامی که با خانواده‌اش به دیدار آنان رفتند، هنگامی با هم برای صرف شام به رستورانی نزدیک منزل آنان مراجعه کردند. بعد از شام ماریان پرسید، «کی به آتلانتا می‌گردیم؟» منظورش خانه پلدر بزرگ و مادر بزرگش بود و نه شهری که هنوز ترک نکرده بودند. در موارد دیگر، کودکان خرمال‌نانه به یک مغفیر در موفقیت توجه می‌کنند. کودک مکنت است بگریزد، امن مدیون که بابا پیژده چون که گذهموه توجه کرده‌کد بیشتر به اندازه است تا همانگت ساختن اندازه و سن. خصوصیات تفکر کودکان خرمال پیازه را واداشت تا عنوان خود محور **egocentric** به آنان نهاد. در این زمینه، خود محور به معنی اتمرکز برخورد است، همچون رفتی که کودکی فوراً به بخش اسباب بازی می‌رود تا برای پدر یا مادرش هدیهایی انتخاب کند. کاربرد این اصطلاح برای کودکان آن مفاهیم منفی را در بر ندارد که در توصیف فرد زگیالی که از قیل اختیار رفتارهای دیگری را دارد، چنین است. پیازه در تحقیقاتش نشان داد که کودکان خرمال همانند کودکان بزرگتر یا بزرگسالان قدرت کسب دیدگاه شخصی دیگر را ندارند. تجریبات و تعلّمها بتدریج خود محوری را در کودکان کاهش می‌دهد. استدلال بنیائیی، مفاهیم ویژه فردی، و خود محوری هنگامی بخشی از دیدگاه پیازه در مورد کودکان خرمال در طول نخستین بخش مرحله پیش عملاتی رشد به شمار می‌آید. با وجود این که تفکر کودکان خرمال هنوز در این دوره منطکی به منتقل نیست، در عین حال نقش مهمی را ایفاد می‌کند. برای مثال استدلال بنیائیی ممکن است بی‌روندی میان نتایج به دست آمده از مشاهدات (استدلال استقرایی) و نتایج به دست آمده از بقدمات (استدلال قیاسی) به وجود آورد.

نایب ۱۰۰ استراتژیایی برای تمییل رشد

فعلاتیایی یا دیدگاه پیازه برای کودکان خرمال فعلاتیایی حتی زیر برای کودکان خرمال یا به منزله گام نخست برای کودکان بزرگتر طر حزری شده است. اساس برنامه روزی فعلاتیها دیدگاه پیازه است که در آن کودکان به صورت عامل فعلایی در کوشش و درک محیط خود بگریست می‌شوند.

من دنیایم را میسنم

نادرک : از هر شیء، معمولی چند تایی را تهیه کنید (توپه‌ها، عروسکها، کفشها، قاشقها، مکعبها، مهره‌های درشت سدادار، فنجانهای پلاستیکنه، جنججها، پارچه‌های پلاستیکی، حرالهای حمام بچه و غیره). از هر شیء، یکی را برای خردان در کبسه بندیازید. سایر اشیا را در مقابل کودک قرار دهید.

فعلایت : یک شیء، یا از کبسه در آورید. پرسید: «این چه؟» و عنوان اوته شده کودک را به کار برید یا در صورت توم اصطلاحی از خود جاگزین سازید. پرسید: لطفاً، یکی دیگه برام پیدا کن». اشیای مشابه را بر اساس رنگه، اندازه، شکل، و سایر خصوصیات مقایسه کنید.

 مفاهیم تبادل شده : تشخیص قوه بینایی، جفت و جور کردن، توصیف، نامگذاری

من دنیایم را میسنوم

نادرک : اشیای آشنایی را جمع آوری کنید که صدا تولید کنند(جفجه، زنگه، جبه نیمه بر ، دستمال کاغذی ، زنجیر کلید و دست کلید، فلک محوری سگه ، قیوم). بگذارید کودکان بگله کنند و به کوشش اشیا و صداهایی که تولید می‌کنند پیوزاند. فعالیت : صدای مربوط به هر شیء را تولید کنید. کودکان راوادار کنید تا چندستانان را شنند و یا از اشیا روی بر گردانند. ششی را نکان دهید و سپس از کودکان بخواهید که به شیء، صحیح اشاره کنند. اسم شیء، را بگریزد. اصطلاحاتی نظیر «مشتاره» «مخره» «مخرنگه» و غیره را به کار برید. برای سایر اشیا نیز همین گونه عمل کنید.

مفاهیم تبادل شده : تشخیص قوه شنوایی، توصیف، نامگذاری.

من دنیایم را لمس می‌کنم.

نادرک : جراب بزرگی را جهت دست کردن کبسه لاسه، به کار برید. اشای معمولی را جمع‌آوری کنید (توپه، دانه سدادار درشت، سه شیبه، جفجه، فلفه مکعبی شکل، قاشق و غیره). اجازه دهید تا کودکان اشیا را بررسی کنند. فعالیت : دور از دید کودکان ششی را در جراب قرار دهید. از کودک دعوت کنید تا دستش را داخل جراب کند تا دریابد یا چه ششی تماس می‌یابد. به کودک کمک کنید تا اصطلاحات توصیفی را برای حواس لاسه (زیم، گرم، و غیره) و نامی برای شیء، به کاربرد. بگذارید کودک بعد از ارزیابی که انجام داده است شیء، را ببیند. این کار را با سایر اشیا نیز تکرار کنید.

در گوشه‌های پیشرفته‌تر، در شیء، را میتوان همزمان در جراب قرار داد. شاید متوازیلی چندین دستوری هدیه، اجزیی روی پیدا کنی که باهائش غذا می‌خوریم، مفاهیم تبادل شده تشخیص قوه لاسه، توصیف، نامگذاری.

فندهایی بر نظریه پیازه

توی (سه سال و دو ماهه) اما به طرف کابیلیت قَل داد و سرم به گوشه‌های از کابیلیت خورد. وقتی فهمید که محروح شد، مَآثر شد و ازاتاق بیرون دوید. رودی برگشت، حرسک مخصوصش را به من داد، و پامو به آرامی نوازش کرد. مشاهداتی نظری این مورد نشان می‌دهد که حتی کودکان خرمال مرحله پیش عملیاتی قادرند به نحوه احساس دیگران توجه کنند. پیازه گفت که کودکان خرمال خود محورند. دلیلی برخی پژوهشگران معاصر پیازه را به دلیل این که برای آگاهی و توجه کودکان خرمال به آنچه دیگران تجربه می‌کنند ارزش کمی قائل می‌شود مورد انتقاد قرار می‌دهند.

برای درک برخی نشده‌های انجام شده به نظریه پیازه، نخست مفید خواهد بود که نحوه نتیجه‌گیری پیازه را در باره خود محوری کودکان خرمال درمیابیم. یکی از نشدهایی که پیازه اطلاعات را جمع‌آوری کرده «آزمایش کوه» بود که اکنون به صورت کلاسیک در آمده است (پیاژه و این هلدر، ۱۹۶۶). در این آزمایش از کودکان خواسته می‌شود که روی یک طرف مدله سه بعدی چند کوه بنشینند. کوهها با رنگه، وضعیت، وچهارگانه، براف، یک صلب سرخ، و یک خانه مشخص شده‌اند. فردی بزرگسال عروسکی در وضعیتهای مختلف نسبت به کوهها قرار می‌دهد و از کودکان می‌خواهد که تصویری را برگزیند که نمایانگر چیزی است که عروسک از دیدگاه خود خواهد دید. کودکان ممن تا شن مشق نا به مانگی در این آزمایش موفق نمی‌شوند. کودکان خرمال نیز فلطاً دیدگاه خود را جانشین دیدگاه عروسک می‌کنند. پیازه این یافتهها را شاملدی بر خود محوری کودکان خرمالتر می‌دانست: تاوانی در اختیار کردن دیدگاهی غیر از دیدگاه خودشان.

لکن سایر پژوهشگران معتقدند که مغایت آزمایش پیازه کودکان خرمال را وادار خواهد ساخت که در مقابله با سایر موقعیها پاسخهایی خود محورانه پیشری بدهند. این پژوهشگران هم مناسب بودن این نوع وقفه و هم عمومیت نتایج حاصل از یافتههای پیازه را مورد سوال قرار می‌دهند. در این بخش، پژوهشی ارائه می‌شود که قابلیت اجرای بعضی از یافتههای پیازه را مورد سوال قرار می‌دهد. لذا پژوهش فعلی آنان آرستن نظریه پیازه، ارائه وارهده‌هایی به منظور ایجاد محیطهای رشددهنده کودکان خرمال به کار می‌رود.

چهار مجموعه یافتههای پژوهشی از میان نتایج مهم پیازه، در باره خود محوری کودکان خرمال شده‌اند. نخست، پژوهشی توسط مارتن هیوز (هیوز Hughes و دوئالدسن ۱۹۸۳، Donaldsn) نتایج حاصل از آزمایش سه کوه ویژه را زیر سوال برده است. هیوز آزمایشی را انجام داد که در آن کودکان صفحه‌های مریمی را مشاهده می‌کردند که با مواضع به چهار قسمت تقسیم شده بود. آزمایشگر عروسکی را در یکی از قسمتها جای داد و سپس اسباب بازی را در نقطه دیگر. سپس آزمایشگر از کودک می‌پرسید که آیا سپس می‌تواند عروسک را ببیند. در آزمایشی دیگر، دو سپس اسباب بازی به کنار میرفت و از کودک خواسته می‌شد که عروسک را از نظر آن دو ببینان کند. هیوز دریافت که حتی کودکان سه ساله به میزان ۸۸ درصد موفقیت داشتند. پژوهشگران (هیوز و دوئالدسن، ۱۹۸۳، دوئولدسن، ۱۹۸۴) دلیل اختلاف نتایج میان آزمایشهای پیازه و آزمایشهای چندینتر از آن را قابلیت درک انگیزها و مقاصد شخصیتها ناکرده‌اند. آزمایش سه کوه هیچ ربطی به مقاصد یا احساساتی ندارد که کودکان خرمال با آنها شناسایی می‌شوند. لکن آزمایش مربوط به سپس بر حسب انگیزها و مقاصدی که کودکان سه ساله در دک می‌کنند توجه می‌شود. کودکان خرمال

حتی کودکان سه سالهدر صورتی که با انگیزها و مقاصد آشنایی داشته باشند، می‌توانند دیدگاههای دیگران را بفهمند. طرز بیان کردن را می‌دانند و فرار از مقابل جهره‌های صلاحیتدار را تجربه کرده‌اند.

در مجموعه دوم یافتههای پژوهشی مهم، دو تن از پژوهشگران (امور) (Pids و بلم ۱۹۷۹، Blm) نشان داده‌اند که تحت برخی شرایط درک طبعت کودکان خرمال بیشترهتیز از حدی است که پیازه نشان داده است. به نظر پیازه، درک طبع و معلول تا سن هفت تا هشت سالگی شکل نمی‌گیرد. لکن هود و بلم دریافتند که حتی کودکان دو سه ساله روابط سپس را میفهمند و توانایی بیان آنها را دارند. علت ناگونی یافتهها چیست؟ پیازه نتایجش را بر مبنای معاشجهایی قرار داد که در آن کودکان در باره توالی افعال شامل اشای مادی سخن می‌گفتند. زلی عملی هود و بلم اظهار نظر ثرا و پاسخهای خود انگیزه‌ای را که در برشته‌های بزرگسالان در باره روابط سپس در صورتی روانی داده شده بود مورد تحقیق قرار دادند. هود و بلم توجه کردند که حتی کودکان دو ساله جدالی سپس شامل وقایعی نظیر گربه شیرخوران را می‌سازند.

پژوهشگر سومیی که پیازه را مورد انتقاد قرار داد بوزک (Brike ۱۹۸۳) است. بوزک طرح آزمایشی اصلی پیازه و اینهلدر را در آزمایش سه کوه تکرار کرد و نیز مواردی را جانشین کرد تا کودکان خرمال با وظیفه یاد شده آشناتر شوند. با ارائه سه صحنه کوه مشابه صحنه کوه پیازه و اینهلدر، تنها ۴۲ درصد کودکان سه ساله ۶۷ درصد کودکان چهار ساله توانستند دیدگاه شخصی دیگری را مشخص کنند. ولی رفتی که گزارش اهل خیابان سسمایی اتمپلشن را متوقف ساخت و از داخل آن به اشیای اسباب بازی نظیر قاشقا و حرولت‌ها نگه کرد، کودکان سه و چهار ساله در پیش بینی دیدگاه گروه ریسار دقیق اشتباه درصد عمل کردند. بوزک (۱۹۸۳) نتیجه گرفت که پیچیدگی وظایف و آشنایی با آنها متفرهای مهمی برای تعین سن کودکان در تعین دیدگاه دیگران به شمار می‌رود.

پژوهشگر چهارمی که در برابر پیازه حساسیت نشان داد جروم کاگان (Kagan ۱۹۸۲) نظریه پرداز شناختی و پژوهشگر معروفی است که کودکان خرمال را دارای حالات پیچیدتر بین فردی نسبت به آنچه پیازه بیان داشته توصیف کرده است. کاگان شواهدی میان فرهنگ‌های ارائه داده است که کودکان دو ساله همان نشان می‌دهند و قادرند در مورد حالات روان شناختی اشخاص دیگر استنتاجهایی به عمل آورند. کاگان گفته است که این نتولادت در حدود دو سالگی هگانه‌های فرهنگ به شمار می‌آیند.والدین می‌بایند تا در پی می‌گیرند که کودکان بعد از دوین سالگرد تولدشان (احساس) پیدا می‌کنند «سُکسپوهی فلیه» اثرکوی طلیح هودسون معتقدند که کودکان در همین زمان لُیلیت لهوما (خرد) پیدا می‌کنند. به نظر کاگان، اولین حساسیت کودکان نسبت به دیگران در حدود دو سالگی معادل افزایش آگاهی از فرودت بودن آنان یاست. رفتی کودکان خرمال کاربرد افعال و نظار آنان می‌کنند. آنان ممن تفسیر همزمانی از افعال خودشان ارائه می‌دهند (به طور مثال: "Me up" ، "Me g" ، "کاگان اشاره کرده است که چنین نحوه عملی آگاهی آنان از عمل کردن دو مسیر وقایع و تأثیر نهادن بر آن وقایع را نشان می‌دهد. مثال

یک کودک خرمال در حال بازی با اسباب بازی. این کودک در حال استفاده از مهارت خود محوری خود محوری است.

یک کودک خرمال در حال بازی با اسباب بازی. این کودک در حال استفاده از مهارت خود محوری خود محوری است.

اعقب زبان شناسان معتقدند که انگلیسی سیاه پرستان یک نظام زبانی بسیار رشد یافته است. انگلیسی سیاه پرستان با انگلیسی معیار تفاوت دارد ولی ساختار آنها برابر است چرا که هر دو ساختار متشکل از نظامهای دستوری، واژگنی و آوایی است که دارای ثبات دورنی هستند. (رک: جدول ۱۹۰) انگلیسی سیاه پرستان گویش مندوز است و نه انگلیسی معیاری که تلفظ با نادرست باشد.

زبان شناسان معتقدند شا زمانی که تمایز اجسامی - فرهنگی در چارچوب جامعه‌ای بزرگ وجود دارد، گونه‌گونی گویشی نیز وجود خواهد داشت و انگلیسی سیاه پرستان و سایر گویشها نسل‌های درون گروه‌های قومی یا فرهنگی را ارتقا میبخشد و ملامی برسر راه بینگانگان به وجود می‌آورد. اغلب افراد نسبت به زبان متعلق به گروهشان احساس حسستگی انگافانه یا تا آگاهانه‌تر دارند. رشد زبانی سخنگویان خرمسال انگلیسی سیاه پرستان با رشد زبانی سخنگویان انگلیسی استاندارد هماهنگ است. رشد زبانی برای تمام کودکان خرمسال افزایش مییابد، به شرط آن که بر جنبه‌های ارتباطی زبان تأکید گردد. کودکان در صورتی که احساس کنند که سوابقشان مورد قبول قرار گرفته و زبانشان نیز قابل قبول است آفراده و روان سخن میگویند. آنان که در مورد کودکان خرمسال پیام پوسنتر بررسی میگردند، باید برخی خصوصیات انگلیسی سیاه پرستان را بدانند تا به طور مناسب به محرومی پیامهای کودکان و والدین پاسخ دهند.

اهمیت بازی

زان پیازه اظهار داشت که بازی کودکان شامل کارشگرگی و به کارگیری هوشمندها محیط است. حتی بعد از تأثیرات فراوان پیازه، بسیاری از روان شناسان تجربی پژوهشهای را در زمینه بازی انجام ندادند. جروم پروز (Jerme Bruner ۱۹۸۱) گفته است که این دوان شناسان تجربی تصور میگردند که امکان تعریف بازی و پژوهش در باره آن وجود ندارد. به نظر پروتز، جوش و تروی معر که برای نوع جدیدی از پژوهشهای آزمایش در زمینه بازی از رشته‌شناسان ششمی سرچشمه میگرفت. جن گودال و دیگران در تارتاریا به مطالعه پرداختند و نشان دادند که استفاده‌اشمارها برای بازی کردن در طول دوره طولانی وابستگی به مادرانشان، آنها را از میوه‌های نخستین بیشتر جدا میسازد.

آنگاه آزمایشگران پرسشی را مطرح کردند: اگر بازی در زندگی برخی میوه‌های نخستین اهمیت دارد، نقش آن در دوره کودکی انسان چیست؟ حاصل پژوهشهای اخیر یافته‌هایی درهفته که پیازه آنها را بیشتر در این قرن مشاهده کرده بود، بازی بازیات چیره‌هایی است که کودکان یاد میگیرند. شامزی از خصوصیات متمایز در بازی، این فعالیت را از سایر فعالیتها مشخص و جدا میسازد. بعد از تعریف بازی، در این قسمت جنبه‌های دیگری از بازی بحث میشود؛ اهمیت آن در رشد دوره اولیه کودکی تأثیرات فرهنگی بر بازی و اتسود سازی.

زان پیازه اظهار داشت که کودکان به کمک مواردی که خود بر میگیرند، از طریق بازی چیز یاد میگیرند.

تعریف بازی

گروهی از مربیان دوره کودکی (Almy, مورنگهان Mnighan, اسکیز Scales و ون هورن, ۱۹۸۴) شش خصوصیت از بازی Play کودکان را مشخص کردند که آن را از سایر مشغولتهای آنان متمایز میسازد. این خصوصیات انگیزش دورنی، توجه به وسایل به جای اهداف، رفتار غیر عمو آفرادی، آزادی از قواعد بیرونی، پایه کارشگرته، و مشغولت فعاله با شامل میشود. نخستین خصوصیت بازی انگیزش دورنی (intrinsic mtvatin است؛ انگیزشی که از درون کودکان سرچشمه میگردد. کودکانی که نوعی بازی موسوم به «مول آتشفشانی "lava mnster"» را داخل میکنند، انگیزش دورنی خود را بروز میدهند. کودکان دیگری که کنار دستن چیسامندی میسازند نیز انگیزش دورنی خود را ابراز میکنند. در این دو حالت، کودکان با انگیزش خود در بازی شرکت میکنند.

انگیزش دورنی را میتوان در مقابل انگیزش برونی (extrinsic mtvatin قرار داد که از برون کودکان سرچشمه میگردد. اگر کودکان به بازی پرداخته یا وارد فعالتهایی شوند که مورد تأیید و تشویق بزرگان قرار گیرند، این نوع انگیزش از نوع انگیزش برونی است. انگیزش دورنی بیش از انگیزش برونی مشخصه بازی است.

خصوصیت دوم بازی توجه به وسایل و فرآیندهاست تا به اهداف و مقاصد. کودک ممکن است با هدف نامعینی از بپذیرد، بدون به جمع یر نشانی از عروسکهای خیمه شب بازی؛ ملحق شود و سپس به نقش اصلی خود برگردد. اهداف بازی در طول فعالیت دستخوش تغییر میشود ونسب به تحریکات و تعاملهای لحظهای اهمیت کثری دارد.

خصوصیت سوم بازی رفتار غیر واقعی یا وانمود سازه است. در بازی، کودکان وانمود میکنند که والدین شاهان، سارقان، یا شخصیهایی برنامه تلوزیونی دلمراهان هستند. آنان میتوانند نمایان توانمان را به ورزشهای سنگی میدل سازند یا با حل همه مسائل از طریق قدرت چادویی جهان را به جرئت واردارند. وانمود سازی در این بخش بعداً مفهقت توصیف میشود.

خصوصیت چهارم بازی این است که تمام قواعد از خود کودکان سرچشمه میگردد. کودکان ممکن است درای هدیه قافده ضمنی باشند که بر چگونگی ایفای نشانهای معین خاصیت دارند، ولی این قواعد را شرکت کننده‌گان حاضر در بازی تنظیم میکنند و نه افراد غیر شرکت کننده. (شرکت در بازیهای مبتنی بر قواعد، نظر تجه‌های شطرنجی یا بازیهای تنهایی، چنین تصور میشود که خارج از مفرقه بازی که ایکت تعریف شد قرار میگیرد.)خصوصیت پنجم بازی کارشگرگی آزادانه در مورد اشیا یا محیطهای جدید است. کودکان همان گونه که زمینه بازی با عروسکهای خیمه‌شب بازی جدید را فراهم میسازند، آنها را احساس میکنند، بر میکنند، لمس میکنند و به آنها نظر میداندازند. اگر کودکان فرصت نیابند که بخشی از بازی را به کارشگرگی بپردازند، به شیوه‌ای قابلی رفتار میکنند، شاید آن گونه که یک نفر درنگال رفتار کرده است. خصوصیت ششم و پایانی بازی این است که کودکان شرکت فعال و حتی پرشوری دارند. حواس کودکان توجه اطراف نمیشود و از آنجا که سخت جلب بازی میشوند، علاقه خود را به آن نشان میدهند.

اهمیت بازی

پیازه بر اهمیت بازی به منزله فرصتی برای کودکان جهت وارد ساختن اطلاعات جدید در چارچوب دانسته‌های موجودشان تأکید کرد. پژوهشگران اظهارات پیازه را در باره تأثیرات فکری تأیید و فایده دیگر بازی را ذکر کرده‌اند. برای مثال، کودکان از طریق بازی تلاش می‌فکری را در جهت قرار دادن خود به جای دیگری تجربه میکنند. آنان همچنین به صورتهای کلامی و غیر کلامی ارتباط برقرار میکنند، واژه‌ها و تصاویر ذهنی مربوط به آنها را به هم ربط میدهند، و اطلاق افکارشان را در بفت مربوط به آن تجربه میکنند. سطح بالای انگیزش در آنان موجب گسترش ابعاد توجه افزایش پایداری آنان میشود، و بازی کودکان زمینه مهمی را برای خواندن و نوشتن فراهم می‌آورد. وجه اشتراک میان بازی و مهارتهای خواندن و نوشتن ضرورت استفاده از چیزی است (در مورد بازی حرکت اشراهی و تصاویر ذهنی و در مورد خواندن و نوشتن واژه‌ها) که معرف اشیا یا حوادث واقعی است.

به رغم شواهد تحقیقاتی فراوانی که در تأیید اهمیت بازی وجود دارد، همه افراد برای بازی ارزش قائل نیستند. و این افرادی هستند که شاید مطالعه نخستین اثر کاترین گاروی (۱۹۷۷) در زمینه اثبات برخی تأثیرات فکری و اجتماعی بازی، برایشان مفید و آموزنده نباشد. گاروی تراز ویندیبوی تعاملهای کودکان پیش دبستانی را در هنگام بازی تحلیل کرد. این کودکان کجفت جفت به انتهای برده شدند که در آن وسایل گوناگون بازی آماده شده بود و مدت پایزه دقیقه به حال خود رها شدند تا بازی کنند. گاروی تحلیلی موشکافانه از ترازهای ویدئو به عمل آورد و متوجه شد که بازی مسالان از آنچه به نظر میسرشد پیچیدهتر است. گاروی متوجه شد که کودکان مهارتهای ارتباطی فراوانی را شامل رعایت نوبت، گسترش و حفظ موضوعات کسب و تجربه میکنند. گاروی رشد کودکان را نیز از طریق بازیهایی که دوبر گرفته‌اند مفاهیم اجتماعی نظیر دوستی و برابری است توصیف کرد.

تأثیرات فرهنگی

جروم پروز (۱۹۸۱) گفته است که فرهنگهای گوناگون متشوق انواع گوناگونی از بازی‌هاست. او با تحلیل خود این عقیده را یافته است که گروه اکثریت در ایالات متحده عموماً از دیدگاهی مربوط به بازی حمایت میکنند که میتوان آن را دیدگاه «بازنده-برنده»sum - zer» یعنی یکت شخص با گروه، بر شخص یا گروه دیگر برنده میشود. تردهای مداوم «آدم خوب - آدم بد»bad guy - gdguy» و تدائلی مربوط به بازی بازنده - برنده است. ولی گروههای فرهنگی دیگر در کشور مشابه شیوه‌های بازی قیله تاگدر در کتبه جدید عمل میکنند. این قیله مشارکت سخت و مساوی را تجربه میکنند و در بازی کودکان نیز در صدد مشارکتهای مساوی در میان بازیکنان هستند. سوابق و تعریبات فرهنگی کودکان در مورد بازی در انظارات و رفتار آنان به هنگام تعامل با کودکانی دارای سوابق دیگر تأثیر دارد.

وانمود سازی

چیب پاترده ماهه روی قابلی می‌شنیدد و جلدین فندان پلاستیکی کنارهم میچیند. او وانمود میکند که از یک فندان بی‌آفامد، میخندد، و تلاش میکند که توجه برادرش را به فعالیش جلب کند.

چیب وانمود میکند که بی‌آفامد در صدد شرکت دادن برادرش نیز هست. وانمود سازی pretend» یک اصطلاح نظری است که در مطالعه رشد کودک به کار می‌رود و به عنوان تعریف تعریف میشود که وقتی نیست و حالت مغل این که، دارد (Fein, ۱۹۸۱). تحقیقات فراوانی بر سطح، مزایا، پروز و پایه‌های وانمود سازی در اوایل کودکی تمرکز یافته است. اغلب پژوهشگران میپایزند که مغلالت زان پیازه در این حوزه تروی محرکهای برای تحقیقات آنان بوده است. به این مناسبت، توصیف عقاید پیازه در باره وانمودسازی در آغاز این بحث میاید.

سطوح وانمود سازی به نظر پیازه، کودکان خرمسال از دو بازی وانمود سازی از دو سطح میگذرند: سطح اوله که بازی نامدین (تفردی silitary symblic play نام دارد میان دوازده و پانزده ماهگی با حرکتهای اشاره‌ای نظیر حرکتهای چیب آغاز میشود. پژوهشهای میگان فرمهند نشان میدهند که ظهور وانمود سازی نسبتاً تند صورت میگیرد. تنها هشت درصد کودکان گوانتالیی در سنین یازده تا سیزده ماهگی یکت عمل یا بیش از یکت عمل وانمودسازانه بروز میدهند، ولی ۶۶ درصد آنان در سنین سیزده تا پانزده ماهگی چنین عمل میکنند (فاین، ۱۹۸۱). یافته‌های حاصل از مطالعات کودکان در ایالات متحده مشابه هستند. وانمودسازی چیب خود -مرجع است یعنی این فرست که انجام گیری و وانمود میسازند که باید با خودش انجام دهد. او در ماههای بعد، در وانمودسازی خود بازیگران را شرکت میدهند که احتمال دارد در طریق تقلید، عروسکت با یکی و والدین صورت بگیرد. نخست با عروسکت و بعد با مادر اشخاص به صورت شرکت کنندگان غیر فعال برخورد خواهد شد، ولی هنگامی که چیب در اوانس دو سالگیاش به سر برسد، این امکان را در نظر خواهد گرفت که دیگران بتوانند انگیزشهای خود را در فعالتهای وانمودسازانه وارد کنند.

انتقال به سطح دوم وانمود سازی که پیازه نظر داده است، زمانی روی میدهد که کودکان بتوانند فکر کنند که یک دست اشیا، نشانهای برای دست دیگری از انشیاست. برای مثال، مارشای دو ساله، آستاره چوبی را به عنوان بستنی قیفی به کار میبرد. درصدد بست و چهار ماهگی، سه چهارم کودکان رفتارهای جاشین را به کار میبرند. (فاین، ۱۹۸۱). پیازه سطح دوم وانمودسازی را نامادگرایی جمعی (elective symbolism) نامید. در این سطح دوم، که در بخش دوم سه سالگی آغاز میشود، کودکان با سایر کودکان در ایفای نقش تعامل دارند. پژوهشها نشان داده‌اند که در تمام سنین مربوط به اوایل کودکی، نقشهایی که روابط خانواد را تصویر میکنند، بیشتر از همه رایجند. کودکان سه ساله عمدتاً خود را در ارتباط با والدینشان تصویر میکنند. هنگام چهار سالگی، همسی از کودکان دوستان خیالی برای خود میسازند. برآورد این که چه تعداد از کودکان دارای این مهارت‌های خفالی هستند، گسترهای از دوازده تا ۶۵ درصد را در بر میگیرد (فاین، ۱۹۸۱). تنها بعدها در سن پنج سالگی با او در حدود روابط دیگری که مشاهده کردعندت در بازی خود وارد میسازد.

پیازه گفته است که بازی وانمودسازانه یکی میان تکثر جمعی - حرکتی و پیش عملیاتی این کودکان به نامادگرایی جمعی مشغولند، که این صورت که هر کدام در جایی از توسعه تلقیه؛ سوار میشوند. تشکیل میدهند. بازی وانمود سازه ریشه در تقلید و کارشگرگی دارد که این دو خصوصیت مربوط به تکثر جمعی - حرکتی است. ولی در بازی وانمود سازه برقراری توانلی، مبداء، بنیاد، و تعمیم نمادها نیز به کار می‌رود. بنابراین، بازی وانمود سازه زمینه را برای این که تقلید و کارشگرگی به طری نامدین ظاهر شود فراهم میسازد، و ذهنیهایی در ایجاد کودکان قرار میدهد تا تعامل بین اصعال و افکارشان را تجربه کنند.

مزایای وانمودسازی اغلب پژوهشگران مزایای شناختی و روانی - اجتماعی گوناگونی به وانمودسازی نسبت میدهند. به نظر

جالب این جااست که والدین کودکان A غالباً در هر نوبت مدت زمان زیادی را صرف آموزش کودکان یکن دو ساله خود نمیکردند. در عوض، این والدین در پاسخ به اراز علاقه کودکان طاقاً در حین کنار به آنان آموزش میدادند. روابط نزدیک با بزرگسالان در زندگی کودکانی که از بهترین رشد برخوردار بودند بسیار چشمگیر بود.

والدین کودکان C، برعکس والدین کودکان A تمایل داشتند کوششگری و کنجکاوی کودکان خود را محدود کنند. کودکان ساعات زیادی از روز را در اتاق بازی، یا در کنار سفره‌ای پایه‌بند و انتخابب خود به سر میبردند. بنابراین کودکانی که بدین ترتیب محدود شده بودند در قافرد بودند کنجکاوی خود را ارضا کنند و نه مهارتهای جنسی در بحال کنجکاوایی خود را به کار برند. مهم محدودیهاییه نقصد برحسار داشتن از کار، شکسته شدن احتمالی اشیا و خطر جسمانی که در اثر تحریک کودک یک ساله پدید میآید اعمال میشد. ولی کودکانی که نمیآشناختند کنجکاوی خود را به عنوان کودک یکساله که کار برنده عموماً در راه مانع بعد کودکان کم علاقهتری بودند.

تفاوتهای محیط کودکان A و C با سطوح بالا و پایین توانش آنان در پنج سالگی همسنگی داشت. پژوهشگران (اوبت، ۱۹۷۸) از دادههائی به دو نتیجهگیری اصلی دست یافتند. نخست، آنان به این نتیجه دست یافتند که دوره ده تا هیجده ماهگی تأثیر شایعتری در رشد توانش کودکان دارد.

آنان دریافتند کودکانی که در پنج سالگی به سطوح بالایی توانش نایل میآیند قبل از آن در سال دوم زندگی از سایر کودکان متمایز بپوهاند. حتی پیش از دو سالگی، این کودکان دارای توانش، عمدهآ در جلب توجه دیگران به شیوههای قابل قبول از نظر اجتماعی، در کمک گرفتن ازبزرگسالان به عنوان منبع در پی انجام اولین وظیفه خود و در تبحر در درک زبانی خویش قدرت بیشتری از دیگران داشتند. و دوم، این پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که رابطهای قوی میان توانش کودکان خروسال و توانش والدین در انجاری سه نقش اصلی وجود دارد:طرحروزی جهان به شیوهای امن ولی جذاب، دسترسی به امکناک مشورت، آمایش، و مساعدت تقراری انضباط و کنترل در صورت لزوم.

در طرح پیش بدیستایی هاوارده معلوم شد که برخی کودکان از تجربه تعامل بیشتر با بزرگسالان و آموزش خود نگجته برخوردارند. در اینجا مامور در حین دیدگی به کودکی که در نزدیکی از فرار دارد، یا از نیز گفتگو میکند.

طرح پیش بدیستایی هاوارده رابطه میان محیطهای اولیه خانه مربوط به کودکان A و C و سطوح بعدی رشد شناختی را بررسی کردند. پژوهشگران اظهار امیدواری کرده بودند که این رابطه در سطوح درآمد یا تحصیلات وجود دارد، ولی آنان در جلب همکاری خانوادههایی در مطالعه از جمعیت ناموفق بودند. والدین کودکان A عموماً سطوح تحصیلاتی و درآمد بالاتری از والدین کودکان C داشتند هرچند تا حدودی همبستگی نیز وجود داشت. فقدان گویاگویی در گروهها توانایی پژوهشگران را در جهت تعمیم یافتههایی این مطالعه پایین آورد. حتی در چنین صورتی، طرح پیش بدیستایی هاوارده تخصصی در پژوهشهای تحسیلی بود

چرا که از طریق مشاهده مستقیم درصدا پاسخگویی به این سوال مهم بود: محیط اولیه کودکانی که دارای توانش بیشتر و محیط کودکانی که دارای توانش کمترند تا چه نظر با هم فرق میکند؟ازرات سروصدا و شلوغی وسایل خانگی صدا میکند، اشخاص صحبت میکنند و فریاد میکنند، و صدای غرض تلویزیون از گوشه اتاق به گوش میرسد. در خانوادهایی که پیوسته پرسروصداست، کودکان هیجده ماهه در مفهوم سازی ازروابط فضایی کاشتهایی را نشان میدهند. و کودکان بیست و دو ماهه در این محیطهای پرسروصدا صحبت کردن را در برابر همسالان خود یاد میگیرند (واکس، ۱۹۸۲).

پژوهشگران در دانشگاه برنو (واکس، ۱۹۸۲) انتظار یافتن چیزی را داشتند که رابطه خطی میان میزان تحریک و درجه رشد فکری

نابیده شده است. یعنی آنان فکر کردند هنگامی که تحریک بیشتری وجود داشته باشد درجه بالاتری از رشد فکری هم وجود دارد. ولی وقتی پژوهشگران به طور مکرر راهی خانهها شدند، تا جنههای گویاگون محیط خانه را مشاهده کنند، آنان دریافتند که این

رابطه در واقع به شکل U وارونه است. هم تحریک پیش از اندازه زیاد به شکل سروصدا و شلوغی مهم تحریک پیش از اندازه کم برای رشد شناختی کودکان بسیار خروسال مفسر است. پژوهشگران چنین فرض کردهاند که سطوح بالای سروصدا و شلوغی مانع رشد کودکان میشود زیرا این مسامحت به نوع خود سبب نشیدن آنچهایی ضروری برای رشد زیاد و نابید آنچهایی آگاهی بخش در باره روابط موجود در محیط میگردد.

پژوهشگران دریافتند که سروصدا و شلوغی تأثیر منفی بیشتری بر رشد برخی از کودکان نسبت به سایر کودکان در محیطهای مشابه دارد. در گروه از کودکان که در معرض شلوغی خاطر قرار دارند عبارتهند از پسران و کودکان دارای خلق و خوی شدوار. به طور کلی پسران ظاهراً در برابر اثرات انواع فشار روانی آسیبپذیر هستند، و کودکان دارای خلق و خوی شلوار نیز ظاهراً در برابر سرو صدا و شلوغی حساستند چرا که آستانه یبازاری در آنها پایین است. والدین کودکان پسر و کودکان جنس باید توجه خاصی به محیطهایی که کودکانشان در آن به سر میبرند داشته باشند.

اثرات مطالعه تربیتی

پژوهشگران کوشیده‌اند تا در زندگی والدین و کودکانشان مداخله کنند بدین منظور که بر رشد شناختی کودکان یک تا سه ساله تأثیر بگذارند. نتایج تشریح شده‌ای از پژوهشهای انجام شده، در مراکز تجویی رشد والدین و فرزند **experimental ParentChild Development Centers (PCDCs)**، به دست آمده است.

اداره آموزش و پرورش ایالت متحده مراکز تجویی رشد والدین و فرزند را از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ حمایت کرد. این مراکز جهت حمایت و مساعدت مثبت در رابطه میان والدین و کودکانشان فعالیت میکرد. ارزشیابها نشان داده‌اند که مراکز یاد شده در ایجاد تحول در والدین ورشد شناختی در کودکان پیش از والدین و کودکانی که تجربه شرکت در این مراکز را نداشته‌اند موفق بودند. خانواده‌هایی پیش از آن که کودکان آنها اولین سالگرد تولدشان را جشن بگیرند، در مراکز رشد والدین و فرزند ثبت نام کرده‌اند. آنان زمانی که کودکانشان سه ساله شدند، افرار تحصیل، شدند. خانواده‌هایی برای این که در این مراکز پذیرفته شوند، باید در آمدی پایستار از حد خط مشیهای فدرال میداشتند.

سه محل آزمایشی در برینگهام، هیوستون، وینواولرناشتر مستقر بود. هر محل الگویی برنامه مشلوار خود را داشت و هر سه در سه خصوصیت کلیدی مشترک بودند: (۱) برنامه تربیتی رنگرزنده‌های برای کودکانی که، سه به محل، در دو تا دوازده ماهگی شرکت میکنند. (۲) برنامه درسی جامعه‌ای برای والدین شامل اطلاعات مربوط به رشد کودک، کوشش پرورش کودک، مدیریت خانه، رشد شخصیت، تعادله، بهداشت و روان‌ دوشی و گروهی نو (۳) نظهمای حمایتی گسترده: نظر مراقبت پزشکی و خدمات اجتماعی. در هر محل گروه‌هایی آزمایشی وجود داشتند که در مراکز رشد والدین و فرزند شرکت داشتند و گروه‌های گروهی که با گروه‌های آزمایشی قابل مقایسه بودند ولی شرکت نداشتند.

مراکز رشد والدین و فرزند را امتحان در یافت دوره‌های تربیحی که در آن پدید آمده‌اند به بهترین وجه درک کرد. در سال ۱۹۶۵، طرح هداسنارت **Project Head Start** به عنوان بخشی از مبارزه رسیس جمیهور امریکا، لیدون جاسن عقب نظر توسط سیاستمداران آغاز شد. طرح هداسنارت در آغاز به عنوان برنامهای برای کودکان کم درآمد به اجرا درآمد تا در طول تابستان پیش از آن که در مدرسه ابتدایی ثبت نام کنند. از برای هداسنارت، برخوردار طرح هداسنارت زودری به صورت برنامهای برای تمام سال گذشتز پیدا کرد. در ضمن پژوهشها به طور فرآیندهای اهمیت چند سال زندگی و نقش کلیدی والدین در رشد توانش کودکان را نشان میداد. روش جدیدی ضروری به نظر میرسید، و اداره امکناک اقتصادی **office for Economic ppportunity** سی و شش مرکز والدین و فرزند برای کودکان زیر سه سال و خانواده‌هایشان تأسیس کرد. ولی این مراکز الگویی برنامه، جهت الگویی نظری یا استراتژی ارزشیابی نداشتند. به منظور فراهم ساختن این عناصر سه مرکز رشد والدین و فرزند افتتاح شد.

به نظر اندروز **Andrews** و همکارانش (۱۹۸۲)، افرادی که در مراکز رشد والدین و فرزند برای والدین در نظر گرفته شده بود از میان اصول مآلوسی انتخاب شده بود. این اهداف شامل رفتارهای زیر میشد: نشان دادن عاطفه مثبتیشیرتهای کودکان اجتناب از رفتار تند و تیزه استفاذه از زبان گفتش ریافته فراهم ساختن اطلاعات و توضیحات استفاده از توجه منطقی به همراه انضباط

پرسیدان سولات تشویق به سخن گفتن حساس بودن در برابر نیازهای کودکان و باپذیرش آنها استفاده از منابع موجود برای افزایش رشد:رشد شناختی کودکان یکگی هنگامی که از برنامه فارغتحصیل شدند و دیگر در یک سال بعد با آزمون هوش استنقورده. بیه مورد ارزشیابی قرار گرفت. رفتارهای والدین در ارتباط با اهداف برنامه نیز در همین اوقات مورد آزمایشی قرار گرفت.

ارزشیابها (اندروز و دیگران، ۱۹۸۲) در زمان فارغ التحصیلی نشان داد کودکانی که خانواده‌هایشان در مراکز رشد والدین و فرزند شرکت کرده بودند نمراتی پیش از کودکان گروه در هوش استنقورده. بیه کسب کرده بودند. والدین شرکت کننده در برنامه نیز از والدین گروه گروه گروه دو همه رفتارهای ارزشیابی شده متفاوت بودند. دو مشابه باگروه گروه، والدین مرکز رشد والدین و فرزند برینگهام از زبان برای کنترل و محدود ساختن کودکانشان کمتر استفاده میکردند و برای فراهم ساختن اطلاعات آنان بیشتر، در موقعیتهای آموزشی بیشتر به آموزش و تحسین کودکانشان میپرداختند، و از آنان سولات بیشتری میپرسیدند. درمقایسه با گروه‌های گروه، والدین در مرکز رشد والدین هیوستون نسبت به کودکانشان با هیجان بیشتری پاسخ میدادند، مواد بازی مناسب و نوع زیادتری در روز وروژه فراهم میساختند، بیشتر علاقه نشان میدادند و کمتر انتقاد میکردند و آنان را بیشتر به سوال گفتن تشویق میکردند. در مقایسه با گروه‌های گروه، والدین در مرکز رشد والدین و فرزند نیوورلانتز در برابر کودکانشان حساستر بودند، آنان را بیشتر میپرسیدند و در کنار آنان مداخله نمیکردند. نیز تمعلفمهای والدین از محتوای آگاهی بخش بالاتری برخوردار بود.

کودکان و والدین مرکز رشد والدین و فرزند امیثانزاشان را بر گروه‌های گروه در آزمون و مشاهده، انجام شده در یک سال بعد حفظ کردند هرچند که نظرها چندان مهم نبود. پژوهشها در مراکز رشد والدین و فرزند ثابت کرده است که مداخله تربیتی میولند سبب رشد شناختی کودکان در این گروه سنی شود.

خلاصه

- به نظر ژان پیلاوه کودکان دو مرحله فرعی پایانی از تفکر حسی-حرکتی را در سال دوم زندگی تمام میکنند و سپس تفکر پیش عملیاتی را آغاز میکنند.
- مرحله فرعی حسی-حرکتیینجیم با کاربرد واکنشهای چرخشی سوم، تقلید دقیق وانستراتژیهای پژوهشی که در هرجا که لشیای مخفی برای آخرین بار دیده شوند آغاز میگردد.
- مرحله فرعی حسی-حرکتی شامل، با توانایی ارائه راه حلهایی برای حل مسأله به طور ذهنی، با به تعویق انداختن تقلید و تصور کردن حرکات انشایی مخفی مشخص میشود.
- تفکر پیش عملیاتی اولیه با توانایی کاربرد کارنده نامهای ذهنی و با الگوهای تفکر نظر استنلال بیانیایی، معامهم ویژه فردی، و خود محوری مشخص میشود.
- مستندین نظریه پیلاوه اثبات کرده‌اند که در باقتهای معیار که مستقرم ارتباط انشایی اساسی است، کودکان خروسال دارای توانش پیش از آنچه پیلاوه اظهار داشته است، هستند. با تلقف یافته‌های پیا، از پژوهشهای اخیر، میتوان نتیجه گرفت که محیطهای یادگیری مؤثر برای کودکان خروسال، باید محیطی آشنا، خصوصی و مجامیز باشد.
- علامت زبانی شامل درک زبان پندارو کاربرد واژه‌های معنادار در یک سالگی، کاربرد جملات چند واژه‌ای در پایان سال دوم وگسترش واژگان در سه و چهارسالگی است.
- معلوم شده است که مادران تحصیلکردهتر نسبت به مادران کم سوادتر، در برابر زبان کودکانشان حساسترند، در استراتژیهای آموزشی خود مناسبتر، و در روههای کنتر نشان مثبت عمل میکنند.
- انگلیسی سیاه پرستان گوش متمایزی است. این زبان را کودکانی مآوزند که خانواده‌ها و همسالانشان بدان صحبت میکنند. آنان که با کودکان خروسال سیاه پوست سروکار دارند، باید ویژگیهای انگلیسی سیاه پرستان را درک کنند تا به مضمون ارتباطات آنان پاسخ دهند.
- کودکان از طریق بازی که آن را متضمن انگیزش دونی، توجه به وسایل به جای اهداف، رفتار غیر واقعی، رعایتی از قواعد بیرونی، و پایه کادرنگری و مغفولت ملاله تعریف میکنند، چیز مآوزند.
- گروه‌های فرهنگی گویاگون انواع بازیها نظیر بازی برنده -بازنده را در مقابل مشارکت برابر تشویق میکنند. ۱۱ - کودکان خروسال دو سطح از بازی وانمود سازه خود طی میکنند. بازیی مشخص بازی نامداین نظرفردی و نماگرایی جنمی.
- کودکان بیشتر مطالعه که به وانمود سازه میشود شوند، در صورتی که وابستگی عاطفی اطبیان بخشی داشته باشند، محیط خانه امنی داشته باشند، تماس چشمگیری با والدینشان داشته باشند و تلویزیون کمتر نشاندا کنند.
- رشد شناختی کودکان خروسال متأثر از شرایط زندگی آنان است.

- ↑ توانش کودکان در سن پنج سالگی از تعلمهای والدین با فرزند در یک و دو سالگی و نیز از توانیهای اجتماعی و شناختی کودکان که در سال دوم زندگی بروز میکنند قابل پیش بینی بوده است.
- ↑ در خانمیهای یا میزان سرودسازی که دانشآبالاست، کودکان مجده مامه درک تلفظی از روابط فضایی دارند و کودکان بیست و دو ماه در یادگیری صحت کردن ازسوالان خود عقب میافتند.
- ↑ مطالعه تجربی در زندگی والدین و کودکان زیر سه سال، تحول والدین و رشد شناختی کودکان را تسهیل کرده است که این پیش از میزان رشد والدین و کودکان است که در برنامههای ویژه شرکت نکرده بودند.

مطایع کلدی

زبان گویا استدلال بنیایی واکنشهای چرخشی سونگفتار مادانه و گفتار پدرايه مقاميم ویزو فو دي تقلید با تأخر جمله بگويهای خودمحمو پیش عملیاتالگنسی سپاه بوساد زبان پدرا مادهای دعنايزی نسانين انفرادی انگريش بيرونی بازبيندگويی جسمی واسودسازی انگريش درونی برای مطالعه بیشتر (۱۹۸۰). Generally Language DevelopmentMacaulay, R. (19۸۰). speaking: Hw children learn language. Rwley, MA: Newbury Huse Wd, B.S. (۱۹۸۱). Children and cmmunicatin. Verbal and nverbal language development (nd ed.) Englewđ Cliffs, NJ: Prentice- Hall Cognitive ActivitiesFwler, W. (۱۹۸۰). Curriculum and assessment guides fr infant and child care. Bstn: Allyn Bacn Kamii, C., Devries, R. (۱۹۸۸). Physical knowledge in preschll educatin: Implicatins f piaget's thery. Englewđ Cliffs, NJ: Prentice- Hall Maxim, G. W. (۱۹۸۷). The surcbe: Activities t enrich prgrams fr infants and yng children. Belmnt, CA: Wadswrth Watrin, R., Furfey, P.H. (۱۹۸۷). Learning activities fr the yng preschl child. New Yurk: D. Van Nstrand Interpreters f piaget's TheryBybee, R.W., Sund R.B. (۱۹۸۲). Piaget fr educatrs (nd ed). Clumbus: Charles E Merrill Labinwicz, E. (۱۹۸۰). The piaget primer: Thinking, learning, teaching Menl park, CA: Addison - Wesley Wadswrth, B.J., (۱۹۸۲). Piaget's thery f cognitive and affective development (rd ed). New Yrk: Lngman PlayBrittain, W.L. (۱۹۷۹). Creativity, art, and the yng child. New Yrk: Macmillan Segal, M., Adcck, D. (۱۹۸۱). Just pretending: Ways t help chilren grw thrugh imaginative play. Englewđ Cliffs, NJ: Prentice- Hall Suttn - Smith, Brian Shirley. (۱۹۷۹). Hw t play with yur child (and when nt t). New Yrk: Hawthrth

از نظریه تا عمل

تمرینات زیر بدان منظور طراحی شده‌اند که دانش‌جویان را در به کار بردن آنچه یاد گرفته‌اند، بازی دهند و یادگیری کودکان یکت تا سه سال را افزایش دهند. برای تکمیل این تمرینات، دو مشاهده دو ساعته از کودکان خودسال باید برنامه‌ریزی شود. اگر دوستان یا خویشان کودک یکت تا سه ساله نادرند، طرق زیر شیوه‌های ممکن برای ترتیب دادن مشاهدات است: از مکانی عمومی نظیر فروشگاههای شلغم، پارکها، یا باغ وحش دیدن کنید. برای مشاهده مهند کودکان، مرکز مراقبت روزانه ختوا را گوی، یا مرکز پیش دبستانی که در آن کودکان یکت تا سه سال ثبت نام میکنند اجازه بخواهید.

۱. نقل رفتارهای مورد مشاهده، تمام کارهایی را که یکت کودک یکت تا سه ساله به مدت ده دقیقه انجام میدهد یادداشت کنید (به یاد داشته باشید که زبان توصیفی و نه تصاویر آرمیز به کار برید). این مشاهده به پاسخ به چه سؤالیهای در باره رشد روانی ـ اجتماعی، جسمی، یا شناختی کمک خواهد کرد.۲. قطعات کوتاه توصیفی، طی یکی از مشاهدات خود قطعه توصیفی کوتاهی را که رفتار جنابان را در یکت کودک یکت تا سه ساله نشان میدهد، ثبت کنید. اطمینان یابید وقایعی را که پیش و بعد از رفتار مخالف روی میدهد توصیف میکنید.

۳. یادشدهای روزانه کودک، اطلاعاتی را که از مشاهدات و مطالعه خود به دست آورده‌اید، برای تهیه مدخلهای یادداشت روزانه برای یکت هفته در باره زندگی کودکی واقعی یا فکری پیش عملیاتی به کار برید. سن کودک را مشخص کنید.

۴. فهرستهای کنترل فهرست کنترل ارائه شده به صورت تابلو بخش ۱۳ را کامل کنید. در مقایسه با استراتژیهای مشاهداتی دیگر، فهرست کنترل چقدر در باره آگاهی از رشد کودک مؤثر است؟۵. مصاحبه- پرسشنامههای طراحی‌شده و آن را برای مصاحبه با یکی از والدین کودک یکت تا سه ساله در باره اظهارات نقش جنسیتی به کار برید. (رک: فصل ۸ برای تعاریف).۶. نمونهگیری زمانی، فرم ثبت اطلاعات را که به صورت مثال در فصل ۲ ارائه شده است قیاس کنید (تابلو ۴۲)، اصطلاحات را صریحاً تعریف کنید و یک مطالعه نمونهگیری زمانی را از بروز نشانههای خوشترش بر کودکانی که برنامههای تجاریش تلویزیون را بعد از مدرسه با صبح نشه نشاندا میکنند تکمیل کنید.

۷. نمونهگیری واقعی، یک مطالعه نمونه گیری واقعی را از رفتارهای واقعی یا دست آورده‌اید، برای تنظیم کنید. (رک: تابلو ۷۳ و فصل ۲ برای مثال) از یک فرم ثبت اطلاعات، اصطلاحات (رک: فصل ۸) و یافتههای گزارشی را تعریف کنید.۸. مطالعه موردی. اطلاعاتی را که از رشد کودکان یکت تا سه ساله به دست آورده‌اید، برای توصیف دانش مطالب مطالعه موردی که در فصل ۲ (تابلو ۸۲) ارائه شده است به کار برید. به گروههای که اختصاصاً به ویژگیهای روانی ـ اجتماعی، جسمی، و شناختی این سطح سنی اشاره داشته باشد.

۹. خواننده در باره پژوهشها، مقاله‌های را که به کودکان یکت تا سه ساله ارتباط دارد در شمارهای از مجلات زیر خواهید ـ رشد کودکان روان شناسی روان رشد، روان شناسی آزمایشی کودک، همان شکل استفاده شده در کتابخانه این کتاب را کام ذکر کنید. چه سؤالاتی را پژوهشگران بیبرسیدند؟ در پیدا کردن پرسشها چگونه اقدام میکردند؟ نتایج حاصل شده آنان چه بود؟ پژوهشگران دارای کدام دیدگاههای نظری مذکور در فصل ۱ بودند؟ چرا؟

تابلو بخش ۲ – ۱ فهرست نظریه تا عمل

ماده‌آزمون هرگز کار ارزشیابی تاریخ قبلی نافرمانچاقاآزمون تاریخجدی ملاحظات ماه

۱۴

۴۴ به شیوه تقلید، شدیداً خط خطی کردن را برای کودک کودک حرکات خط خطی کردن بجهت خطی میکند. (کتل) (کی و بی) نشان دهید. مدادی مطابق جلوه عقب را مجدداً تولید میکند.

ماده ۴۳ به کار برید. کی و بی علاجه روی کاغذ را خسروی نمیدانند ولی حرکت صرف را خسروی میدانند. کتل قطعهٔ علاجه معینباز دارد.

۴۵ بنسب اسباب بازی درحالی که کودک نشانا میکند، کودک به شیوه قصد آمیزی می.۱) باز میکند.(کتل) شیء کوچکی را که او به آن را به دست میآورد. اگر برحسب تضاد علاقهمنند است دریک بنسب کیسه شیء بیرون بیند، هیچ امتیازی مانند شمارگرها یا شمارنگارنگ نگینگرد.

به اعداد۵۸) پنج درازدهانیج حساب امتیاز، ۵۵ بنیند.و از او بخواهید که «اسب بازی» را بردارد.

۴۶ قطعه گرد را در نجه فراردمان دایره‌ای را در کودک درگ میکند. که قطعهتابلو قرار میدهد. نجه تابل نشان دهید. گرد در فضای گردجای میگرد. (کی و بی) نجهتارها را بگرد کنیدهید. بلازم بنسب که این مکعب کام بهتر آن است که در سوراخ جای گیرد.

نجه تابلو تکنک دایره‌ای حساب امتیاز، ۵۶ به کاربرید.

۴۷ سه مکعب را نگه میدارد. به کودک کمکمی نشان دهید و کودک سه مکعب را در یکت(کتل) هنگامی که آن را گرفت مکعب زمان معین به طرفی میگرد و دیگری به او نشان دهید ولی و نگه میدارد. دو مکعب ممکن است بغ در دستن قرار ندهید. در یک دست قرار گیرد یا مکعب اگر مکعب دوم را هم گرفت، سوم در مقابل دیدن نگه داشته سوم را ارائه دهید. شود و در هر دست یک مکعب مکعب را از طرف سطح صاف باشد.

آن به کودک ندهید. حساب امتیاز ۷۷ اعداد

۱۵

۴۸ قطعه گرد را نجهت قابل را همراه با کودک یکت جای گذاری تطبیقند نجهت قابل تطبیق میدهد. دارد، مربع و مثلث در همدند فوری با جلی گذاری (کتل) (کی و بی). جلو کودک قرار دهید. از کودک تقریبی در هنگامی که نجهت بخواهید که دایره را در میان قابل میچرخد انجام میدهد.

نجهت قابل جای دهد. آنگاه حساب امتیاز، ۵۸

نجهت قابل را چرخش دهید به گونه‌ای که دایره به روی سطح معکوس خود قرار گیرد. درخواستن از کودک را تکرار کنیدماه

۱۶

۴۹ مهرها را در جعبه هشت مهرهکودکستانیمشکل کودککش شش مهره باقیاننده واسیرزد. (که برای به ننج کشیدن به بدون تحریک و ترتیب بنش(کتل) کار میورد)، و یک جعبه در سوراخ قرار میدهد.

کوچکک به مسامت ۲) پنج مربع و ۵۳) پنج ارتفاع و سوراخ گردی با قطر ۱) پنج فرازم آورد. اتاندن مهرها را به داخل سوراخ نشان دهید. اگر کودک پاسخ ندهید، دو باره نشان دهید. کمک زیادتری به کودک نتود.

۵۰ گلچینی را از داخل شیء کوچکی مانند گلچنج، کودک ساعه را بدون مشاهدهطری در میآورد(کتل) مهره) با کششش را کنار یک طرف کار جل میکند بطری بلانشیکوچوک (نظیر حساب امتیاز، ۶۱

بطریهای نورد استفاده برای داروها) قرار دهید. اگر کودک بنایخایر گلچنج را در طری قرار ندهد، به او بگویید که چنان کند با آن را در طری بیندازید و بگویید: «اینگه آن را درونبار»ماه

۱۷

۵۱) چوبی اسباب بازی لاشیک را روی کودک گوشش قصدآمیزی برای به اسباب بازی دست میز در جلو کودک قرار دهید، دشینایی به اسباب بازی بهمینید.(کتل) که از دسترس او به دور باشد. عمل میآورد. با وجود این چوب را به گونه‌های قراردهید ممکن است در هماهنگی فضلالی که با اسباب بازی نسان یذ خود موفق نباشد. کودک باید بدو در دسترس کودک کودک بتواند. بتواند در بیست ماهگی به بعد بگوییاید،امن میونام اسباب بازی دست یابد.

کاری کنسکهاسیازیپاسیاب حساب امتیاز، ۶۱.

بازی وایم پریدتاخرکنشده و اسباب بازی را به وسله چوب به طرف کودک هل دعبد.

اسباب بازی و چوب را به جای خود برگردانید و بگویید:حالا تو کاری کن که اسباب بازی بیاید. اگر کودک این کار را نمیتواند انجام دهد، دو باره طرز کار را به او نشان دهید.

۵۲ برچی دارای سه یا به کودک چهار مکعب نشان کودک برچی دارای حداقل سه مکعبچهار مکعب میسازد دهدب. در صورت لزوم ساختن میسازد.

کلی و بی) برج را نشان دهید. قطعات امتیاز تشخیص داده شده، مکعب را وراژگون کنید و کودک ۶۷ برای دو دک کودک، دوضربی و تشویق به ساختن آنتیاسید. که کودک قصد ساختن برج را در صورتی که کودک قصد دارد وارد و در عین حال دچار با آوردن مکعبها برج بسازد عقب ماندگی حرکتی است؛ و در عین حال دچار نوعی نمیتوان امتیازی برای حرکات عقب ماندگی حرکتی است که ریز او قابل شد.

منابع موفقیت کامل او میشود، او را در نگهداری مکعبها بازی دهید.

ماه

۱۸

۵۳ ده مکعب را در به کودک فضای آزمینویمنجان قرار میدهد.(کت) (یعنی فنانج اندازمگبری) و مکعبی با رنگ روشن بدهید.

به کودک بگویید: «این مکعب کودک تمام ده مکعب را در را در فنانج بینداز، فنانج قرار میدهد.

و آن را به طور صحیح نشان دهد. میوانند آن عمل را تکرار کند. اگر این کار را نکرد، به او یاد دهید. اگر دراین کار موفق شد، نهمکعب دیگر را در مقابل او قرار دهید و بگویید:همه مکعبها را در فنانج قرار بده.» ۵۴ به طور خود بخود خط به کودک مداد و یک تکه کاغذ کودک بدون کشک و دیگرانقطعی میکند.(کشک لای) و بی) بدهید و از او بخواهید که خود بخود خط خطی میکند.

مپوسید.» اگر بعد از چند حساب امتیاز، ۶۸.

ثابتی بدیده که کودک خط خطی کرده است، کاغذ و مداد را بردارید و دوبارهدربرابر او قرار دهید و درخواستخطی خود را تکرار کنید.

ماه

۲۱

۵۵ برچی دارای طرز ساختن برچی دارای شش کودک برچی دارای پنج تا ششینی ای شش مکعب میسازد. مکعب را به کودک نشان دهید، یکمعب میسازد،برج معمراکی و بی) برج ساخته شده را وراژگونکنید یا قرار دادن مکعب ششم فروریزید.

و کودک را تشویق به ساختن آن کنید. حساب امتیاز، ۷۰.

ماه

۲۲

۵۶ کودک تخته قابلی قابلی دارای سه قطعهشامل سه قطعه (دایره، جایگزین شده در محل خودرابهرسج،موش) را تکامل صورتی که فاقده مثلث به طرفکشند. TER(تراکتل) کودک باشد، نشان دهید.

قطعاتی رادراریدو آنهارا در جلو محل مربوطه خود قرار دهید به کودک بگویید که: «آنها کودک طی یکی از دو آزمایش را در سوراخهای مربوطه قرار هر سه شکل را در محل صحیح دهم.» مربوطه قرار میدهد.

حساب امتیاز، ۷۳.

ماه

۲۴

۵۷ نایل میکند طرز تا کردن تکه کاغذی را یکبارکافه را یکبار هم میکند که کاغذ را تا کند. از وسط نشان دهید. به کودک تان را تا کند، ولو این(مر) (MER) بگویید که شما دارید کتاب یکه کام تا نخورد.

کوچکی میسازد. به کودککه کاغذکوچکی بدهید،اگر کودککاغذ را نتواند تا کند، دوباره او را راهنمایی کنید.

۵۸ برچی دارای شش تعدادهشتکعب بهیکبارکیدهید کودک برچی دارای شش یا هفتالی هفت مکعب میسازد. و از او بخواهید تا برچی یکمعب میسازد که معموا با چیدن لای و بی). سازد. در صورت لزوم طرز کار مکعب هفتم با هشتم فرو میزند.

را نشان دهید. حساب امتیاز، ۷۵.

۵۹ از خط عمودی تقلید طرز کشیدن خط عمودی را در کودک خطی عمودی رامیکند،یکدکی و بی) حالی که کودک نشانا میکند که ممکن است این خط شکسته باشد به او نشان دهید،ازبخواهید ولی کودک هنوز نمیتواند آن که تکرار کند، را به صورت خطی افقی دو آورد.

۶۰ از خط دایره شکلفقد،یکدک طرز کشیدن دایره را در حالی کودک خط دایره‌ای را تقلید لای و بی) که کودک نشانا میکند، به او میکند و آن را از خط عمودی روشنی نشان دهید. از او بخواهید که تشخیص میده.

تکرار کند.

۶۱ با حالت عکس پنجه جایگزینی قطعاتدرتخته قالب کودک بعد از چهار بار آزمونشکافدرطر چهار آزمایش ویدرستی نشان دهید. این قطعات خطا عمل تطبیق را انجام میدهد.

تطبیق میبدهالای و بی) را بیرون بیاورید و در جلو حساب امتیاز، ۸۰.

فضای مربوط به خود قرار دهید. تخته قالب را۸۰درجه بچرخانید تا جای سوراخها همگون شود یعنی قطعه مربع شکل در جلو سوراخ قطعه دایره‌مقارر گردد.

۶۲ کودک صفحات کتاب را کتاب بر روی از کتابهای کودک اکثر صفحات را یکی یکیکی روی میزند. لای و بی) مهه کودک را به کودک بدهید. روی میزند. این امکان نیز از او بخواهید که آن را باز وجود دارد که چندین صفحه را کند و یکی یکی روی بزند. باهم روی بزند.

ماه

۲۷

۶۳ رشنه‌های از مکعبها تعدادهمکمبرویمیزگنارید. کودک حداقل سه مکعب را دریکبار اودیف میکند. چهار مکعب را در یکبارویف قرار ردیف قرار میدهد. و در اطراف دهید وبگویید:سین بطور حرکت میدهد.

میدهید یک قطعه درست یکمعب، حساب امتیاز، ۸۳.

پنجم را روی مکعب اول قرار دهید و آن رادراطراف میزحرکت دهید. به کودکتیج مکعب بدهید و ازاو بخواهیدکه قطعاتی مثل قطار شما درست کند.

۶۴ خط عمودی، خط در حالی که کودک نشانا میکند، کودک هر سه قسمت ماده آزمونقطعی، ودایره را تقلید خطی عمودی به طرز تقریبا سه را رسم میکند، از او انتظارمیکند. (کشک) ایج روی تکهای کاغذ رسم نداشته باشید که دایره را یکی کنید و به کودک مدادی بدهید و کند. هر حرکت دایره‌ای و بالا و بگوید:خطی مثلاین خطکش، پایین بروی تکهکاغذ که سپس خطی افقی یکشده، وازکودک با خطیای رسم شده خودتان بخواهید خطی مانند آن کشند. تفاوت دارد نیز قابل قبول است.

دوباره مدادی بردارید و دوبالی حساب امتیاز، ۸۴.

سه دایره هم مرکز بکشید و از کودک بخواهید که آن حرکت را تکرار کند. هر قسمت از ماده آزمون را که تکرار شود باید کل ماده آزمون نیز به طور متوالی تکرار شود.

ماه

۳۰

۶۵ برچی دارای از طرز کار ماده آزمون ۵۷ کودک برچی دارای هشت مکعبهست مکعب میسازد لای و بی) بیروی کنید. میسازد. اگر عقب مانده گی حرکتی وجود داشته باشد و در عین حال کودک درک خود را نشان دهد، حساب امتیاز، ۸۹ خواهد شد.

۶۶ مداد را به جای به کودک وسایل تحریر اولیه کودک مداد را با انگشت شستنت با انگشت شست (مداد کاغذ) را بدهید. و انگشت نشانه به دست میگیرد.

و انگشت نشانه نگه طرز به دست گرفتن مداد بردار لای و بی) کودک را مشاهده کنید.

۶۷ شکل مسطی را تقلید طرز کشیدن ه نشان کودک با پیش از یک خطانقلدمیکند. (لای) لای و بی) دهید. به کودک مداد بدهید میکند. زومی ندارد که سمت و به او بگویید که شکلی جهت خطهایش صحیح باشد.

مانند ه شما کشند. حساب امتیاز، ۹۲.

ماه

۳۳

۶۸ برچی دارای به کودک مکعبهایی نشان کودک برچی دارای ده مکعبه مکعب لای و بی) (لای) دهید و سپس از او بخواهید دو طی سه آزمایش با موفقیت تا آخره، با برچی بسازد در میسازد. صورت لزوم ساختن را با حالت حساب امتیاز ۹۶.

دست نشان دهید.

۶۹ (لای) از مکعبها همان گونه که کودک نشانا کودک کنی با سه مکعب میسازد.

را تقلید میکند. میکند، پلی با سه مکعب حساب امتیاز، ۹۷.

کلی و بی) (لای) میسازد. مدل ساخته شده را رعا کنید. سه مکعب به کودک بدهید و از او بخواهید که پلی مانند نمونه شما بسازد. ماه

۳۶

۷۰ دایره را به کودک مدادی کاغذ و کارتی کودک دایره‌ای میکشد بدون نمایش طرز آزار آن.

یکی میکند، لای ای ای) را که دایره‌ای روی آن رسم حساب امتیاز، ۹۸.

(لای) شده است، بدهید. از کودک بخواهید که دایره‌ای مانند نمونه روی کارت رسم کند.

بگذارید که کودک کارت را نگاه کند.

۷۱ او با حالتمکس نقطه به کودک تخته قابلی بدهید. کودک بدون خطا یا تصحیفاتطبق تطبیق میدهد. که هر قطعه در جلو محل خود انگشته خطا با حالت همکوس(کلی و بی) مربوط خود قرار داتنه تخته قالب تطبیق میکند.

(لای) باشد. تخته را به گزینهای حساب امتیاز ۹۹.

بچرخانید که محلهممکوس شوند.

یک بار آزمایش کنید.

۷۲ دو قسمت از بدن به کودک شکل نقاشی شده آدمی کودک دو قسمت ازبدن تشخیصات آدم نقاشی شده‌ای را که تنها شامل سرود است، ناقص نقاشی شده را اضاظها اضافه میکند. بدهید. به کودک بگویید میکند.

(جی ای ای اس) یک نفر فراموش کرده است حساب امتیاز، ۱۰۰.

که شکلاین آدم را نشانم کشد، کودک را تشویقهد اداکشیدن کنید یعنی بگویید: «ازبدن این آدم چی مرئنه کنه بکنی؟»

^[1] بازی وایم پریدتاخرکنشده و اسباب بازی را به وسله چوب به طرف کودک هل دعبد

^[2] اسباب بازی و چوب را به جای خود برگردانید و بگویید:حالا تو کاری کن که اسباب بازی بیاید

^[3] انجام دهد، دو باره طرز کار را به او نشان دهید

^[4] ۵۲ برچی دارای سه یا به کودک چهار مکعب نشان کودک برچی دارای حداقل سه مکعبچهار مکعب میسازد دهدب

قسنطینیان راهبرایتالیاروید.

۷۳ کاظم را از یک به کودکی یک مدد نفسی کودک برگه کاظم را از مسطوف به طرف دیگر (کنترل کبید که برای میرد.

با نجیب میرد انگشتانش اندازه باشد.)ام سی دی آی) و یک برگه کاظم رسم بندهج.

Frm The Early Learning Achievement Prfile fr Developmentally Yung Children, Birth t ++ Mnths (pp. ۳۳–۳۸) by M.E. Gvler, J.L. Premlinger, and A. R. Sanfrd, ۱۹۷۸, Winstn-Salem, NC: Kaplan Press. Cpyright ۱۹۷۷, Early LAP. Reprinted by Permissin

بخش چهارم

سالهای نخستین مدرسه (بین چهار تا هشت سالگی): کوشگریجهان

در یک بر یک مراقبت روزانه که مراقبت تمام روز یا بعد از ساعات درسی را به عهده دارد، کودکان عصرانه میل میکنند. شونهای چهار ساله و دلباهی پنج ساله با پوست پررنگل دندانهایشان را میوه‌شسته و برای خنداندن کودکان خردسالتر فرمودهای غولها را در می‌آورند. جیس شش ساله کنار معلم بنشینند و واکنشهایش را نسبت به اولین آزمون هجی کردن شرح میدهند. «این cinch - است. اورتا بنچدر آسون، من همه رو جواب دادم - میدونم که جواب دادم او این حرفها را میگردد، درحالی که به چشمان خاتم مادرا نگاه میکند و انتظار پاسخ تأیید آمیزی را دارد. تام و چیکوری هشت ساله از دیگران دوری میگزینند و به تواب به غذا خوردن و کشیدن قشقههایی برای یک قلم مشغول میشوند. آنان با لحن بم توطئه آمیزی با هم سخن میگویند. وقتی که کودک هفت سالگی به نام الکسا میگرشد که به آنها نزدیک بوده، آن دو به طنز هماهنگ سرودی را به این مفسنون میخوانند: قفسولی نکی، پرو گاشوووروجسکه، قشار و طاهر این کودکان گره و وجود رشد ووتی -اجتماعی- جسمی- و شناختی، در سالهای نخستین مدرسه است. در رشد روانی -اجتماعی کودکان به حسن ابتکار و سپس کوشایی تایل می‌آیند. آثار خانواده‌هایشان سایر نیروها مثل هسلاان، رسالهها، و چند فرهنگ گزایی ممتاز می‌تواند ربه فشارهای روانی دستبسته، صفاتی را که طی زمان ثابت میمانند کتب میکندند. در رشد جسمی، کودکان در سالهای نخستین مدرسه، مهارت‌های مربوط به مانجیبهایی کوچک و بزرگ خود را پرورش میدهند. آثار شرایط توأم با عقب ماندگی ساختند. توو عادات وتصرفی جسمی نسبت به سلاشی پیدا میکنند. در رشد شناختی، کودکان بتدریج متعلق پیدا میکنند. ازمان یکپدجهری نسبت به قبل به کار میرند. آثار بازی و برهانهای تریبی اولیه ممتاز می‌شوند. ژر در مدرسه در اثر شایستگی، تحریکند، حافظه، سابقه و هوشگی، و سبک شناخت خود موفقیت کسب میکنند. در فصول یازده تا سیزده بخش چهار، رشد در سالهای نخستین مدرسه توصیف میشود.

۱۱۰:

سالهای نخستین مدرسه(بین چهار تا هشت ساله): رشدروانی -اجتماعی

مفاهیم کلیدی

ابتکار و کوشایی مفهوم ابتکار از نظر اریکسون مفهوم کوشایی از نظر اریکسون تفاوت‌های جنسی مرحله مناسب با پدر و مادری

تأثیرات خانواده

خصوصیات خارادهای قوی شوهاوالدین بودن روزگار جامعهسته روابط همشیرها

تأثیرات وتعدیلیهای خار جای خانواده روابط هسلاان اثرات تلویزیون

فرهنگ و سازگاری با محیط مدرسه در گک چند فرهنگی

فشارهای روانی دوره کودک

تفاوت‌هایی در فرآیندهای کنار آمدن تغییرات رشدودراکتش فشارهای روانی عواملحماییکودکان‌دارای شتاب رشد،

نبات خصوصیات وفاری در طی زمان

خلق و خو پرخاشگری ب رای در گک رشد روانی -اجتماعی کودکان در سالهای اولیه مدرسه، باید تغییراتی را که در کودکان پدید می‌آید، به علاوه تأثراتی که بر آنان وارد میشود مورد توجه قرار داد. این فصل با توصیف تغییرات روانی -اجتماعی کودکان طی دورانی که سنی دارند، به یکجس حس ابتکار تامل آینده آغاز میشود. فصل بعدی، تأثیرات خارجی گوناگون را بر رشد روانی -اجتماعی کودکان خردسال شرح میدهد. این تأثیرات شامل تأثیرات خانواده تأثیر و تعدیلی در خارج از خانواده، و فشارهای روانی است. این فصل در بحث در باره بحث‌های از خصوصیات رفتاری در طی سالها پایان میابد. شواهد پژوهشی نشان میدهد که آنچه در رشد روانی -اجتماعی در سالهای اولیه مدرسه روی میدهد، مفاهیمی است که در تمام طول زندگی باقی میماند.

ابتکار و کوشایی

طبق نظریه اریک اریکسون (۱۹۸۲)، کودکان در سالهای اولیه مدرسه با دو وظیفه روانی -اجتماعی مواجه میشوند: یادگیری برای ابتکار داشتن، و کوشا شدن. توانایی ابتکار داشتن برای هر کاری که انسان انجام میدهد لازم است. توانایی کوشا شدن اثری تعیین کننده بر زندگی مدرسه و بر ورود بعدی کودک به دنیای کار دارد. کودکانی که برای این وظایف روانی -اجتماعی به راه‌های منتهی دست می‌یابند، به احساس هدفمندی و شایستگی تایل می‌آیند.

در این قسمت، مفاهیم ابتکار در مقابل گناه **initiative versus guilt** و کوشایی در مقابل خنثرت **industry versus Inferinty** توصیف میشود. این قسمت با ذکر امکان تفاوت‌های جنسی در محل این وظایف روانی -اجتماعی و با توجه به مرحله والدین بودن که با این مراحل دوره کودکی هماهنگی دارد پایان میابد.

مفوم ابتکار از نظر اریکسون

کودکان چهار و پنج ساله نوعی شکوفایی شدید، تجلی، و بازیگوشانهای از خود نشان میدهند. آنان اسباب بازیها را برای احمای تحریرات گذاشته، پیش بینی فتنهای آینده، انجام و سلسله فعلیهایی که در معرض آنها قرار دارند، به کار میرند. آنان مشتاق یادگیریاند، میخازند، به منظور طرح‌ریزی و ساختن با کودکان دیگر همکاری کنند، به عملشان گوش فرا دهند و رفتار چهروهایی مورد تحسینی را انگیز قرار دهند. آنان کنجکاوند و آسانی از تعهدات جدید به هیجان می‌آیند. ابتکار آنان با بدنامی مرسد که شامل گذشتن یافتن آن از لحاظ اجتماعی، جسمی، و شناختی میگردد.

دست یافتن به احساس ابتکار موجب قدرت هدفمندی اساسی انسان میشود. لکن، ابتکار محض و انجام گسخته نیز میتواند به پرخاشگری، دستکاری بیجا وتحویل منتهی گردد. بازی می‌تواند تعارضهای مبارز طیعی، طقه، و کشش (دشمنان) ضعیف و بد قرار گیرد. کودکان ممکن است اثری بدشی خود را در فعلیهایی به هدر دهند که روزگاران مع از انجام آنهازند یا مضر به حال دیگران است. نظیر دودبان روی کتاها، بالا رفتن از سیل، و هل دادن همایزان. کودکان میتوانند توانیهایی کلامی خود را برای آزار رساندن به اشخاص به کار برند و به خانواده و دوستانشان بگویند. امن از شما متصرف، یا امن در مهمانی جشن تولد از شما دعوت نمیکنم. کودکان میتوانند زبان را برای ایجاد نفرت و توهین به کار برند و یکج رنده وانهایی مبتدل را بر زبان آورند که حی والدین آنها را با گفتنی وامیدارد. و کودکان میتوانند زبان را برای فریب دیگران به کار برند، چه رفته رفته در گک میکنند که هیچ کس نمیتواند، فخر آنان را دقیقاً بخوانند. وانهها و اعمال واقعی کودکان و نیز فکلهای که در سر میروند میتوانند منجر به سرزود خود و احساس گناه در آنان شود. این احساس گناه در یکج انتهای بیوساری قرار دارد که انتهای دیگر آن را ابتکار تشکیل میدهد، به تعادل رفتار کودک کمک میکند. کودکان بتدریج در کس اخلاقی پیدا میکنند که لقی رفتار مجاز را در آنان محدود میسازد. کودکان در جستجوی فرصتهایی هستند تا بدون احساس گناه زیاد دست به ابتکار زنند.

ابتکار کیفیت برنامهریزی و نیز همیده دار شدن وقایف را برای فعال بودن، به حس خود بخاری میوزاید. ابتکار صفت انسانی مهمی است و نیز به پرورش دارد. کودکان در سنین چهار و پنج سالگی باید فرصتهای فراوانی داشته باشند تا به تعلمهای اجتماعی، حرکت فعالانه جسمی، و بازی تخیلی بپردازند. حس ابتکار در آنان زمانی تقویت میشود که بزرگسالان به علاقهشان احترام میگذارند و به آنان اعتبار میدهند و به برهنههایی مکرر آنان که شامصههایی برای ابتکار فکری آنان به فشار می‌آیند تامل ۱۱ - استراتژیهای بر تسهیل رشد، فنون انضباطی که حافظ ابتکار است. تد احساس کرد که او تقریباً همه اوقات «مفیه» پسر چهار سالگی، ایوان سخن میگوید، «ازروی میز یا پایین!» «اگه بشنوم که اون حرف دو باره گفتی…» «مسر میژام نه!» روشن است که ایوان بی‌اوندند هدایت یوده است، ولی ند میبایدست که آیا میتواند به شیوههایی منبخر که برای کودک نیز چندان گناه برانگیز نباشد، فو را ارتشد کند. ند با شرکت در گروه بحث مربوط به والدین، نخست فنون انضباطی را که حافظ ابتکار کودکان است، فرا گرفت. به جای توسل به تهدید و امر و نهی، تندیروی از این مراحل را آغاز کرد.۱۰. انتظارات خود را روشن ومتب بیان کند. برای مثال وقتی ایوان از میز بالا میرود ند گفت: «میز برای غذا خوردن یا کار کردن است.»۱۱. به اقتضای موقعیت، پیشنهادهایی بدهد. ند گفت: «می‌تونم پیش میز کنار کرسی یا از په جای حباب بالاوری.»۱۲. در مواردی که ایوان به رفتار نامناسب خود ادامه میدهند، پیشنهاد محدودتری ارائه کند. ند گفت: «خودت از میز یا پایین یا من میارومت پایین.»۱۳. در صورت لزوم، مجازاتی برای ادامه رفتار نامناسب او تعیین کند. ند گفت: «اگر تو دوباره از میز بالا روی من میپنهم که سزاوار آتی که چند دقیقه در محرومیت به سربری.» (توجه: دوره محرومیت **time out** بیشتر در یکج سنالی دور از کتاون تعلیمت خانواده به مدت پنج دقیقه است. تد زمان منحنی دستن را به گزینهای میزان میکند. که ایوان لحظه باگفت، به کتاون خانواده را بداند. ند دربرایقت که با رعایت این مراحل کنترل بیشتر و خستگی کمتری در خود احساس میکند. اینکه اگر رفتار ایوان نامناسب باشد، ند راه عملی را ارائه میدهد. تا موجب شود که ایوان حس ابتکارش را به کار بندد. ابتکار انتظارات پدرش را بهتر میتواند درک کند و به رابطه میان تصمیمات و نتایج آن توجه داشته باشد.

پایخ مثبت دهند. در حالی که امکان احساس گناه، مانع سوء استفاده از ابتکار میگردد، این خطر همچنان وجود دارد که کودکان پیش از اندازه احساس گناه کنند. اگر گناه بر حس ابتکار طقه باشد، کودکان را از احساسی هدفمند که آنان را برای موفقیت در کوششهای آینده یاری میدهه محروم میسازد.

مفوم کوشایی از نظر اریکسون

کودکان از کلاس اول در طول دوره دبستان آمادهاند تا انرژی خود را درجهت تولید بعضی چیزها به کار درازند. کودکان در این سنین ازانجام طرحهایی نظیر بنای برج، دوخت و دوز، آلبژی، تهیه مجموعهها و انگهها به هیجان می‌آیند، هرچه بلند پروزتر، بهتر. احساس کوشایی در کودکان زمانی تقویت میشود که از کوششهای آنان قدردانی شود و به طرحهای تکمیل شده آنان اهمیت و پاداش داده شود. لکناید(۱۹۷۷) این دوره را دوری رابینسون کرووز نامید، چرا که آن اشتیاق و رفتی که کرووز برای توصیف فعلیهایشان به کار میبرد، ششصد گفته شد. رندا احساس کوشایی در کودکان نیز هست.

حس کوشایی منجر به انجام طرحهایی فردی و گروهی میشود. این کودک کلاس سوم در حین خدمت یشاهنگی به تجاری **علاقمند** شد و بعدها با همکاری کودکان همسایه و بدون بازی بزرگسالان یک **الکتک** چوبی (ظرف راست) ساخت. در تمام جوامع، کودکان در این سنین تا حدودی از آموزش نظام یافته برخوردار میشوند. در جامعه ایالات متحده، پایههایی تکنولوژی در مدارس رشد مییابند، یعنی درجایی که تأکید فراوانی بر سواد و آموزش اساسی در مشاغل و مؤسسههای گوناگون را به

۱۱۰:

عمل می‌آید. در سالهای اولیه مدرسه، انتظار می‌رود که اهداف تمرینجا جانشین هوسها و تمایلاتشان در باری گردد. کودکان مشتاقانه مجذوب موقعتهای تفریحی می‌شوند.

دستیابی به احساس کوشایی موجب باید آمدن قدرت توانش اساسی دو انسان می‌گردد. کودکانی که خود را ترسندند احساس می‌کنند قادرند تقایف فرمی جدیدی را تجربه کنند و در فعالیتهای جمعی نقش خود را ایفا کنند. ولی همه کودکان در داخل و خارج مدرسه تجربیاتی نمیکنند که در رشد احساس کوشایی آنان مؤثر باشد.

در انتهای دیگر پیوستاری که در یک سر آن احساس کوشایی قرار دارد، احساس حشرات وجود دارد. کودکان زمانی دچار احساس حشرات می‌شوند که طرحهایشان مزاحمت به شمار می‌آید و کارشان ناقص تلقی می‌شود. آنان احساس می‌کنند نمی‌توانند با انتظارات خارجی و داخلی در جریان تعامل اجتماعی، کارهای بدنی یا انقباض ذهنی هماهنگ شوند. رشد کودکان در صورتی که به جای احساس کوشایی، احساس حشرات در طول سالهای اولیه مدرسه بر آنان حاکم باشد، می‌تواند موفق شود. در صورتی که برای کودکان این احساس به وجود آید که آنان براساس رنگ پوست یا مایع سوزناشان ازیابی می‌شوند نه بر اساس توانشان، هم فرد وهم جامعه مورد تهدید قرار می‌گیرد.

اریکسون (۱۹۸۲) می‌گوید که حل این بحران روانی -اجتماعی تأثیر قاطعی در تعیین دیدگاههای کودکان در مورد خودشان و در مورد آنچه در سالهای بعدی انجام می‌دهند دارد. هیچ کس نمی‌تواند به هر موقعیتی تسلط یابد، ولی براینه تجربیات کودکان در پایان روز یا هفته یا ماه باید به گروهی باشد که آنان در زمینه تعاملهای انسانی، عملکردهای بدنی، و وظایف شخصی احساس موفقیت کنند. کودکان برای پیدا کردن احساس کوشایی به والدین، معلمان، رهبران بازی، و افراد حساس دیگری نیاز دارند که بتوانند انتظارات را فرود سازند.

توانهای جنسی

گیلیگان (۱۹۸۲) Gilligan، اراز می‌دارد که حل وظایف روانی -اجتماعی برحسب سن تفاوت دارد. او می‌گوید که اریکسون و دیگران غالباً اساس نظریههای خود را بر مشاهده جنس مذکر که رشدشان مستقیم جفا شدن بیشتر آنان از دیگران برای دستیابی به خود مختاری، ایکنار، و کوشایی است قرار می‌دهند. با وجود این، در نظر گیلیگان، تجربیات جنسی مؤنث با تجربیات جنس مذکر از این لحاظ متفاوت است که جنس مؤنث به یک تلاش مداوم برای ایجاد تعادل میان مسؤولیت خود در قبال دیگران می‌زند رشد شخصی خویش می‌ریزد. در حالی که جنس مذکر ممکن است برای موفقیت بخواهد به روابط با دیگران پشت یا زبند، جنس مؤنث ممکن است برای برقراری ارتباط و پیوند بخواهد از موقعیتهای خود چشم پوشد. گیلیگان پژوهشهای بیشتری را در مورد رشد که تجربیات دختران و زنان را در شرایط خاص خودشان ترسیم کند ضروری دانسته است.

مرحله مربوط به والدین بودن

به نظر گیلیگنسی (۱۹۸۱)، والدین کودکان در سالهای اولیه وارد مرحله جدیدی از بندر بودن می‌شوند که او آن را مرحله تفسیری می‌نامد. در همان زمان که کودکان به ایکنار و کوشایی ناای می‌آیند، والدین نیز باید جهان را برای کودکان تعمیر وتفسیر کنند.

مرحله تفسیری با یک دوره ارزشیابی سالهای اولیه بدو و مادر بودن آغاز می‌شود. این ارزشیابی با نیازهای روانی -اجتماعی متغیر کودکان و با ورود آنان به مدرسه جدید برای دوره کودکان یا کلاس اول آغاز می‌شود. والدین متوجه می‌شوند که نمی‌توانند همراه کودکان به مدرسه بروند یا حتی بیشتر آنچه را در مدرسه اتفاق می‌افتد کنترل کنند. آنان به ازیابی کارهای می‌راندند که برای آماده سازی کودکان به یادگیری و سازگاری با انتظارات مدرسه انجام داده‌اند. دوره ارزشیابی غالباً تفسیر مجدد یا تجدید نظر در مورد نظریههای پرورش کودک و والدین بودن را به دنبال دارد.

حاصل این دوره ارزشیابی احساسی است که موجب می‌شود بسیاری از والدین خود را بهتر بشناسند یعنی به توانیهای ضعیفها، و ناکنشهایشان در برابر مشکلات والدین بودن بی برند. والدین آگاهانه یا ناآگاهانه تصمیم می‌گیرند که چگونه خودشان را برای کودکانشان تعمیر و تفسیر کنند. آنان غالباً احساس می‌کنند که زمان بی‌سوخت می‌گذرد و این که سالهای پرورش کودک رو به اتمام است. والدین در این سالها به تأثیر چیزهایی می‌اندیشند که می‌آیند کودکانشان در ذهن نگه داشته باشد.

تفاوت مهم میان مرحله تفسیری والدین بودن و مراحل پیشتر این است که کودکان به طور انحصاری چیزهایی را تجربه می‌کنند که والدین در جریان آنها نمی‌بینند: در مدرسه، در ورزش، در دوستان، در گذرش سر گروهها وعلاقه هنگامی که کودکان در معرض جمع وسیعتری از مردم و محیطها قرار می‌گیرند، والدین غالباً در مقام تفسیر مفید، شیوههای زندگی، و نقشهای مربوط به آن مردم و محیط بر می‌آیند. والدین تصمیم می‌گیرند که چه ارزشهایی را القا کنند، در چه وقفههایی یا هم سهم باشند و چه رفتاری را آموزش دهند. این تصمیمات با تفکر انتقاد می‌شوند و گاهی، نه ولی کنکات و اعمال والدین ممکنس چنین تصمیماتی است. مرحله تفسیری برای والدین دوره‌های انتقالی است از رابطه مقدرشده در مرحله پیشین به رابطه معادلهتی که آنان با یک نوجوان برقرار می‌سازند. والدین به سالهای نوجوانی آینده می‌نگرند و به ایجاد تعادل میان احساسات مربوط به رابطه نزدیک با کودکانشان واحساسات جدیدی فرایندند از آنان می‌راندند. والدین با مسائل مربوط به میزان صحیح دخالت خود در زندگی کودکانشان مواجه‌اند. آنان می‌خواهند بدانند که چقدر با کودکانشان ارتباط داشته باشند و چه وقت به آنان اجازه انجام مستقل کارها را بدهند و یا حتی دو این مورد تشریفشان کنند. والدین بارها رابطه والدین و کودک را در تمام طول مرحله تفسیری والدین بودن تعریف می‌کنند.

تأثیرات خانواده

کودکان هرچند در سالهای اولیه مدرسه تجربیات فرایندهای را در خارج از خانه به دست می‌آورند، همچنان تحت تأثیر شدید خانواده خویش قرار دارند. کودکان مهارتهای اجتماعی، بدنی، و شناختی را در بافت خانواده می‌آموزند و پرورش می‌دهند و آنان به حدودی که اعضای خانواده برای صفات و فعالیتهای آنان ارزش قائلند توجه می‌کنند. روابط خانوادگی دارای تأثیر است که در روابط دیگر وجود ندارد.

روش بوم شناختی برای مطالعه کودکان، تأثیرات گوناگون بر رشد آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. دایان سنسنت گزارشهایی پیرامون دادههای پژوهشی براساس تأثیرات خانواده، شامل خصوصیات خانوادهمای قوی، تعامل نسبیهای والدین بودن در رفتار جامعه، پسند، و روابط همشیره اثر آراه می‌شود.

خصوصیات خانوادهمای قوی

خانواده نخستین نهاد اجتماعی در جامعه است. چه خانواده درست عمل کند یا ضعیف، انتظار می‌رود که بر روی کودکان خردسالی که در آن محیط رشد می‌کنند تأثیر گذارد. در این اواخر، پژوهشگران وظیفه توصیف صفات مشترک خانوادهمای را مهنددار کرده‌اند که اعضای آنها کار کم و زوری را برای خانوادهها قایلند.

این پژوهشگران معترفند که به هنگامی کردن توانیهایی که زندگی خانوادگی را رضایت بخش می‌سازد توجه بسیار کمی شده است. در پژوهشی برای شناختن این که در مورد بعضی خانوادها چه چیزی صحیح است، امینتین، Stinnett، سنندرز Sanders و دورف، Dornbusch (۱۹۸۱) Defraim خانواده را از سراسر ایالات متحده مطالعه کردند. افرادی داوطلب شدند در این مطالعه شرکت کنند چرا که آنان خود را اعضای واحدهای خانواد، قوی می‌دانستند. اغلب شرکت کنندگان پورنت‌تهای سفید پوست واژ حقه متوسط بودند و یافتههای این مطالعه را نتوانان به فراتر از محدوده آن گروه تعمیم داد.

پژوهشگران در میان نمونههایی از خانوادهمای قوی شناسهاری فراوانی یافتند. خانوادهمای قوی ظاهراً اوقات خود را با هم به سر می‌رند، الگوهای ارتباطی خوبی دارند، از یکدیگر قدردانی می‌کنند، یا هم عیادت می‌کنند، در قبال گروه واحدها احساس تعهد می‌کنند.

اوقات را با هم به سر می‌برند اعضای خانوادهمای قوی اوقات را با هم دوستانه به سر می‌رند. آنان در حیطه ختاه کار می‌کنند یا وظایف خانهداری را با هم انجام می‌دهند، یا هم غذا می‌خورند، و در خارج از خانه بدون حواسپرتی و گفتگ از یکدیگر اوقاتی را با هم به سر می‌رند. در اوقات آسایش، خانوادها ذخیره‌ای از احساسات خوب را در وجودشان رشد می‌دهند. که بعدها آنان را در جریان مشکلات باری می‌دهد. الگوهای ارتباطی خوبی دارند اعضای خانوادهمای قوی در احساسات یکدیگر شریک می‌شوند. آنان وقت فراوانی را صرف صحبت کردن یا یکدیگر می‌کنند و می‌توانند ضادهای خود را در محیطی آزاد بروز دهند. زندگی در این خانوادها همیشه آرام نیست ولی باسماقی به محض بروز برخورد می‌شود وامکان مثبت شدن آنها وجود ندارد. از یکدیگر قدردانی می‌کنند افراد در خانوادهمای قوی گزارش می‌کنند که آنان قادرند از یکدیگر قدردانی کنند و مورد قدردانی یکدیگر واقع شوند. در مورد یکدیگر احساس خوبی دارند و احساسات خود را به شیوههای حمایت و محبت آمو از برای می‌دانند. با هم عیادت می‌کنند اعضای خانوادهمای قوی در صدد بیان عقاید مذهبی قوی و پیروی از آنهایند. عقاید مذهبی مشترک ظاهراً شیوه‌ای برای خانوادها در جهت دستیابی به احساس وحدت بخش و هدفی مشترک است.

در قبال گروه واحدها احساس تعهد می‌کنند اعضای خانوادهمای قوی گزارش می‌کنند که تعهد خود را در قبال گروه واحدها حتی در بدترین اوقات حفظ می‌کنند. در اوقات بحران یا فشار روانی، از مشغله کاری یا زندگی اجتماعی خویش می‌کاهدند تا وقت بیشتری صرف خانوادهمایشان کنند.

اعضای خانوادهمای قوی در طول مراجعه هفتگی به کتابخانه اوقات خوشایندی را با هم به سر می‌رند.

در این مطالعه مردم طوم که در یک نمونه از خانوادهمای قوی نه تنها شرایط بسیاری وجود ندارد بلکه دارای خصوصیات مثبت بیشتری نیز هستند: این خانوادها که خود را خانوادهمای قوی توصیف می‌کنند دارای خصوصیات مثبت شداری هستند. که آنها را از خانوادهمای سلاه دارتر جدا می‌سازد. پژوهشهای بیشتری در مورد خانوادهمای قوی که به نواح گروههای فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی، و مذهبی تعلق دارند باید انجام شود.

شیوههای والدین بودن و رفتار جامعه پسند (procial)

کودکانی که در بعضی از خانوادها بزرگ می‌شوند از کودکان سایر خانوادها برای بروز رفتارهای جامعه‌پسند از خود تمایل بیشتری نشان می‌دهند. آنچه را می‌تواند با کودکان دیگر تقسیم می‌کنند، یا کودکانی که به کمک نایزندهند همدردی می‌کنند، در امور گروهی همکاری نشان می‌دهند، یا کودکان (Baumrind، ۱۹۶۰) شراهدی تحقیقاتی جمع آوری کرده است که نشان می‌دهد.

کودکانی که والدینشان شیوههای مقدرانه والدین بودن را دارا هستند، برابریش از کودکانی که شیوههای قدرت طلبانه یا آسماکنگرانه والدین بودن را دارا هستند، رفتارهای جامعه‌پسند بروز می‌دهند. والدین مقدرانه authoritative در ارتباط با کودکان سازگار، مهربان، وظیفه‌شناس و با اطمینان هستند، با آنان قواعد ثابتی را وضع می‌کنند، انتظارات خود را به منظور اجرایی مسؤلهه بیان می‌کنند، و آنان تصمیمی هستند و بدون هیچ شرطی نسبت به تأمین بهترین علائق کودکانشان تعهد دارند. در مقایسه با والدین مقدر، والدین قدرنطلب authoritarian در پرورش کودکانشان و ارتباط به آنان کم اهمیت می‌دهند. تأین والدین کنترل سختی اعمال می‌کنند ولی کودکانشان را چندان مورد حمایت و محبت قرار ندیده‌ند. والدین آسانگي permissive نسبت به والدین مقدران یا قدرنطلب قدرت طلب یا کنترل کمتری با کودکانشان رفتار می‌کنند، به توالی خویش برای تأثیر بر کودکانشان اطمینان ندارند، و نیز از کودکانشان آن مقدار انتظار را ندارند که والدین مقدران یا قدرنطلب از کودکان خود دارند.

با مرتبه (۱۹۷۷) می‌گوید که والدین مقدران در رشد رفتار جامعه پسند مؤثرند، چرا که کودکان به تعاملی میان ابراز وجود و هماهنگی با معیارهای گروهی دست می‌یابند. او اظهار عقیده می‌کند که هم کنترل قدرت طلبانه و هم عدم کنترل آسانگرانه، فرصتهای تعامل کودکان را با مردم به حداقل می‌رسانند، در مورد نخست با بطورگی از بحث واختلاف نظر و در مورد دوم با

آزادگاری و بی ترحمی.

روابط همشیرها

دیدگاه‌های سنتی رشد دوره اولیه کودکی تأثیر ناخیز والدین بر کودکانشان و در این اواخر تأثیر متقابل والدین وکودکان را یکپد کرده‌اند. لکن همانگونه که در فصل ۱ شرح داده شده، بعضی از پژوهشگران یکپدینگه بوم شناختی خانواده را به عنوان نظام اجتماعی پیچیده‌ای که در آن همه اعضای خانواده برهم تأثیر میگذارند و متأثر از ترویهای خارج از خانواده هستند جانشین این دیدگاه‌های سنتی می‌کنند(روبنز، ۱۹۷۹). پژوهشگرانی که دارای دیدگاهی بوم شناختی از خانواده‌اند، در باره اهمیت رشد روابط همشیرها تحقیق کرده‌اند. آنان یافته‌هایی را در باره تعامل همشیرها در دوره اولیه کودکی، تک فرزندا و نظامهای فرهنگی در روابط همشیرها ارائه داده‌اند.

تعاملهای همشیرها انعقاد براین است که اوضاع اجتماعی فعلی سبب می‌شود که همشیرها پیش از گذشت با یکدیگر تماس داشته باشند و همسنگی عاطفی آنان در سطح بالاتری باشد (بنکBank و کانKahn، ۱۹۸۲). این اوضاع شامل حرکت جغرافیایی، طلاق و ازدواج مجدد، فشارهای روانی والدین، محدود شده فضای خانواده، و مرثیت از کودک توسط مراقبان جانشین به دلیل اشتغال مادران است. کودکان که تماس ، ثبات و پایداری روابطشان با سایر انسانها بیاز دارند و اگر والدین حضور نداشته باشند، برای برآوردن این نیازها به همشیرهایشان روی می‌آورند.

همشیرها ظاهراً در سالهای اوله کودکی باهم ارتباط فراوان دارند و روابط آنان روابطی کامل است که با گذرته طبیعی از تعلقات اجتماعی همراه است. پژوهشگران (امبراموویچAmbramwicz ، پپلPeplel ، و کرتر Crter ، ۱۹۸۲) متوجه شدند که از زوجهایی از همشیرها که نخستین بار مشاهده شدند، در هر ساعت ۶۰تعلاتی و مجنده ماه بعد که مشاهده شدند، در هر ساعت ۸۰تعلاتی برقرار می‌کردند. پژوهشگران انتظار داشتند که میان همشیرها رفتار پرخاشگرانه‌ای را ملاحظه کنند ولی از ملاحظه رفتار روابط همشیرها در دوره اولیه کودکی پیچیده و متراکم است. تعلقات آنان از تعامل مثبت گروه نظیر دوری هم نهادن ننگها تا تعلاتی پرخاشگرانه نظیر کمک زدن به وقع می‌پیوندد.

جامعه پسند آنان در سطحی عالی به شفقت آمدند. همشیرها علاوه براین که پرخاشگر بودند، همکار، باور و دوستدار یکدیگر نیز بودند. در طول اولین سفته مشاهدهات، همشیرهای بزرگتر، در مقایسه با همشیرهای خردسالتز عمدتاً رفتار جامعه پسندتری را بروز دادند که شامل همکاری و کمککنند احساسی آسایش، تحسین بود تولدی مجنده ماه بعد، همشیرهای خردسالت نسبت تعلقات جامعه پسند خود را از ۳۵ درصد به ۲۴درصد افزایش داده بودند. در هر دو مشاهده، کودکان خردسالتز عمدتاً از همشیره‌های بزرگتر خود بیشتر تقلید کردند تا بالکس. رفتار پرخاشگرانه، هرچند آن گونه که انتظار میرفت فراوان نبود، اما این رفتار نیز مشاهده شد. کودکان بزرگتر در زمان هر دو دسته از مشاهدات به اشتدلالی کلامی و در زمان اولین دسته از مشاهدات به پرخاشگری جسمی می‌پرداختند. ولی تا زمان دومین دسته از مشاهدات، همشیرهای خردسالتز خرابان برتری برای همشیرهای بزرگتر در به با کردن دعواها و در پرخاشگری جسمی شده بودند. ارتباط فراوان همشیرها با یکدیگر در دوره اولیه کودکی وانگوهی تعاملی آنان بدون شک بر سایر تعلقات اجتماعی و چرمان رشد روانی -اجتماعی کودکان تأثیر مینهد. پژوهشگران از آنجا که در مطالعه تعلقات همشیرهای خردسال این موارد را یافتند به شفقت آمدند:نه اختلاف سنتی میان همشیرها از مور انتظار را داشت زه ترکیب جسمی زوجهای همشیر. پژوهشگران چنین می‌پنداشند که تعلقات همشیرها مسکن است بخضر به زود باشد و قابل مقایسه با روابط همسالان دیگر زندگ (آرمابوویچ، پلر و کوترن، ۱۹۸۲).

تک فرزنداonly children دیده‌گاه اجتماعی کمی نسبت به تک فرزندها ظاهراً دیده‌گاهی منفی است. بزرگ شدن کودکان بدون آن که در کنار همشیرهایشان به سر برزند، آنان را ناسازگار، خود محور و غیر دوست داشتنی می‌سازد. فالو با مرور تحقیقات در مورد کودکان تک فرزندا (۱۹۸۲) به نتایج گویا گونی دست یافت: تک فرزندها به نظر مورسد که همچون فرزندان ارشد در دستیابی به موفقیت برتر هستند، اما دادهها در باره روابط با همسالان، عزت نفس، و موفقیت در زندگی ژناتوبی در آنان ضدهآزمیز است. فالور (۱۹۸۲) Fall) نتیجهگیری کرد که تمهیهای مربوط به رشد تک فرزندها که در امروزه پرورش مییاشند نشینان از پژوهشهای انجام شده در تسلهای دیگر به دست آرود. تک فرزندهایی که در طول چران اقتصادی بزرگ شدند، دورتی که در آن تک فرزندی معمول بود-. در مقایسه با تک فرزندهایی که در طول اولین سرج نوزادان بعد از جنگ رشد کردند. دورتی که تک فرزندی کمتر معمول بود -. محیط اجتماعی و فرهنگی متفاوت داشتند. از میان تکل فعلی تک فرزندان، آنها که تک والدی باشند یاخدا تفاوت از کودکانی که مربوط به خانواده‌های دو والدی هستند، رشد مییابند. اغلب مردم به تفاوت تک فرزندها با دیگران به عنوان افرادی نقد همشیر تأکید می‌ورزند ولی صفت متضاد والدین تک فرزند در صفات متضاد کودکانشان مؤثر است. علاوه بر پژوهشهای فعلی، به پژوهشهای زائدتری در زمینه تک فرزندها و خانواده‌ایشان نیاز هست.

تلفاتهای فرهنگی دیده‌گاه میان فرهنگی (ایسپرت، ۱۹۸۲) روابط همشیرها، نسبت به تأکید جامع غریب - برواردی نظیر پیشرفت، پاکباز و ردتان، دیده‌گاه وسیعتری را ارائه داد است. همشیرها در جامع آسیای جنوبی، پلی نزی فرانسه واطلب جامع غریب شرقی دیگر در سراسر جهان، در طول زندگی خود در فعلتفهایی که برای بقا، ثقل و ملل و انتقال ارزشهای فرهنگی و اجتماعی ضروری است شرکت می‌کنند. در این جامع مؤذولتیا تقسیم می‌شوند، هدفها مشخص باری رساننده به دیگران است تا رشد شخصی، و در هنگامی که نیاز است از گروه کمک دریافت می‌شود.

تلفاتهای خانواده در این جامع همکاری همشیرها، همسنگی، واقفانر کودکان بزرگتر را بر کودکان خردسالتز تقویت می‌کند.

مراقبت کردن همشیرها از یکدیگر جزیی از الگویی تحریبات کودکی است که به وابستگی قلمبان تأکید دارد. در پایان تولفتشد، کودکان تحت مراقبت همشیرهای نسبتاً بزرگتر قرار می‌گیرند و بتدریج از ارتباط مستقیم آنان با مادرشان کم می‌شود. کودکانی که تحت مراقبت کودکان دیگر قرار دارند، از طریق تقلید یاد می‌گیرند، به جای آن که از طریق شیوههای کلامی مورد استفاده والدین غری می‌آموزند. کودکانی که مورد مراقبت همشیر خود قرار دارند شبانها به سمت همسالان گرایش پیدا می‌کنند و از تعلقات یکک به یکک فراوان با بزرگسالان نداشت می‌شوند. الگوهایی تعلاتی که این کودکان پیدا می‌کنند، مسکن است با الگوهایی مورد استفاده معلمانی که در ستهای دیگر تحصیل کرده‌اند هماننگ نشانند.

تأثیرات و سازگاریها در خارج از خانواده

در طول سالهای نخستین مدرسه، کودکان تجربیات فراوانی دارند که خانواده‌های آنان را در بر نمیگرد. کودکان همان گونه که جهان را کاش می‌کنند، از ارتباط خود با کودکان دیگر و برنامهای ارائه شده رسالتهها تأثیر می‌آورند. آنان در یک جامعه کنیزگار با مدرسه و زندگی سازگاری مییابند. عایدن که در ذیل توصیف می‌شوند، عبارتند از: روابط همسالان، اثرات تئوزیون، فرهنگ و سازگاری با محیط مدرسه، و در تک چند فرهنگی.

روابط همسالان

روابط همسالان طی دورتی که کودکان سالهای نخستین مدرسه را سپری می‌کنند، بتدریج اهمیت فزایندهای مییابد. کودکان با هم دوست می‌شوند، در مورد وظایفی که نسبت به یکدیگر دارند فکر می‌کنند، و در تعلاتی با همسالان استراتیجهایی پیدا می‌کنند. آنان با ابراز تمایل به رفتارهایی خاص و نشان دادن (کنشهای خویش سیب رفتار جامعهپسند همسالان خود می‌شوند. آنان اعداف، ارزشها و الگوهایی گوناگون رفتار اجتماعی را که به جنسیت آنان مربوط می‌شوند پیدا می‌کنند. ملاحظه همسالان بخش همی از مطالعه رشد دوره اولیه کودکی است.

روابط همسالان همان گونه که کودکان سالهای نخستین مدرسه را سپری می‌کنند، اهمیت فزایندهای کتب می‌کنند.

دوشتهای کودکان دوستان افرادی تعریف می‌شوند که بدون هیچ اجبار اجتماعی، به طور خود بخود در صدد دوستی با یکدیگر برمیآیند. مسلن (۱۹۸۱) Selman) توجه شده است که حتی کودکان خردسال قادرند در باره دوستی فکر کنند و در تک خود از آن ابراز دارند. او توصیف کودکانی را از آنچه دوستی مستقر آن است به سه مرحله میوش تقسیم کرد. در مرخه صفر که در سنین سه تا هفت سالگی ادامه داده کودکان به دوستان خود به صورت کودکانی می‌گردند که در نزدیکی آنان زندگی می‌کنند، یا با هم به یکک مدرسه میروند و ثقلاً همبازی هستند. کودکان در مرخه صفر، دعواها را به اسباب بازیها و مکتبی خاص نسبت می‌دهند تا به نزاع برسر احسانات شخصی.

در مرخه یکک، در طول سالهای تقریباً چهار تا نه سالگی، کودکان براین باورند که دوستانشان افراد همی هستند زیرا فعلتفهایی خاصی را انجام می‌دهند. دوستان نزدیک را بیش از فردی که به آسودگی در کنارشان به سر می‌ورند میباشند: آنان می‌دانند که دوستانشان از چه خوششان میآید و از چهخوششان نمیآید.

در مرخه دو، از تقریباً شش تا دوازده سالگی، آگاهی تازه خود را از ماهیت دوچاله دوستی ابراز می‌دارند. کودکان نسبت به همانگی آنچه خود و دوستانشان از آن خوششان میآید و خوششان نمیآید علاقه نشان می‌دهند، به جای آن که تنها انتظار داشته باشند که رفتار دوستانشان با رفتار درک شده قلبی هماننگ شود. با این حال دیده شده که جدالها و اختلاف نظرهای خاص این ارتباط واقع کرده است یکک استمرار دوستی در مراحل علنی رشد مییابد.

اسمولار Smilgar و یونسس (۱۹۸۲) Yuniss) از کودکان شش و هفت ساله پرسیدند که چگونه دو نفر بیگانه با هم دوست می‌شوند. کودکان پاسخ دادند که اگر این افراد بیگانه فعلتفهایی را با هم انجام دهند، در کاری باهم شریکند شوند یا در انجام کاری به هم کمک کنند، دوستی حاصل می‌شود. علاوه براین، کودکان گفتند که این بیگانهگان به شرط آن که زمان بیشتری را با هم بگذارند و حضور در کنار یکدیگر را در محیطهای خارج از مدرسه افزایش دهند بهترین دوست هم می‌شوند. به عبارت دیگر، کودکان شش و هفت ساله ظاهراً دوستی را با تعامل یکگی می‌دانند. وقتی که در باره وظایف دوستی سؤال شد، اغلب کودکان شش و هفت ساله نظرهایی ارائه دادند که در مرخه می‌شنیدنی میشد (آلمان نشان دادند که همگذاری از اهمیت زیادی برخوردار است واین که نیازهای دو جناحه همان اهمیت نیازهای یکک جایه (فردی) را دارد.

کودکانهی که دوستان کسمی دارند برخی کودکان خردسال دوستان فراوانی دارند و برخی کودکان دوستی کمی. کودکانی که دوستان کسمی دارند، ظاهراً نسبت به همسالاتی که در اجتماع پذیرفته می‌شوند در معرض مخاطره بیشتری در زمینه پیشرفت تحصیلی پایین، مشکلات یادگیری، روهکاری، و مسائل بهداشت عاطفی و روانی در دوره بزرگسالی قرار دارند (پوتالازPutalal و گرتنGrtman ، ۱۹۸۱). در یک مطالعه مشاهدهای، بست (۱۹۸۳) Best) متوجه شد که پسران کلاس سوم که مورد پذیرش همسالانشان قرار نمیگیرند ظاهراً انگیزش بیشتری تحصیلی را از دست می‌دهند. در حالی که نمرات قرأت پسران کلاس سوم دارای دوست، بهتر شد، نمرات پسران بدون دوست، یکسان باقی مانه یا کاهش یافت. این تأثیر پذیرش همسالان بر عملکرد تحصیلی تنها در میان پسران کلاس دوم و سوم عملی شد. در میان دختران و پسران خردسالتز، زوجد یکک معلم صمیمی و جاسی درموقعیت تحصیلی آنان بیشتر تأثیر داشت تا پذیرش آنان از جانب همسالانشان. در پژوهشها رابطهای میان دوستی کودکان و رشد جامعهپسند آنان مشاهده شده است. پسرانی که دوستان خوبی دارند، سطوح بالاتری از همکاری با دیگران را از دانشتهان به پسرانی که دوستان خوبی ندارند. و کودکانی که به سازمانهای اجتماعیتز تعلاتی دارند از نمرات ازوبایی اخلاقی بالاتری برخوردارند تا آنان که با گروههای کسزنامان باخفتر تعلاتی دارند (زان واکسلر، بان تئوتیTannetti، و چپس Chapman ، ۱۹۸۲). پژوهشگران تلاش کرده اند تعیین کنند که آیا رفتار کودکانی که دوستان کسمی دارند متفاوت از رفتار کودکانی است که دوستان بسیاری دارند. اینک روش مطالعه (پوتالاز و گرتن، ۱۹۸۱) نشان داده است که کودکان محبوب و غیرمحبوب کلاسهای دوم و سوم از لحاظ ازوبایی تعاملی با یکدیگر و بیوستن به گروههای پیشرو با هم متفاوتند. محبوبیت با حاصل جمع تعداد فعلاتی تعیین می‌شود که کودکان از طرف همسالانشان به منزله دوست تأییده می‌شوند.

در تعاملاتی که به یکک، کودکان محبوب نسبت به کودکان غیر محبوب توافقی بیشتری با کودکان دیگر دارند و مخالفت کمتری با آنان - بررسی مقیقر دادههای نیز تلفاتهای نحوه مخالفت کردن کودکان محبوب و غیر محبوب را نشان داده است. کودکان محبوب ضمن مخالفت خود در صدد برقراری عمل جانشین شوندند سازندهای بر میآیند که شدت مخالفت را احضا کمتر خواهد ساخت. کودکان غیر محبوب مخالفت خود را به صورت فرام ابراز می‌دارند که جانشینی برای آن وجود ندارد. پژوهشگران کودکان غیر محبوب را در مخالفتی که می‌کنند، رئیس گونه، توصیف کرده‌اند. در بیوستن به گروههای پیشرو، کودکان غیر محبوب در ابتدا با عدم اطمینان عمل می‌کنند. آنان نسبت به کودکان محبوب وقت زیادتری صرف می‌کنند تا باری ورود به گروه، نخستین قدم را بر دارند، و وقت زیادتری نیز لازم دارند تا قدهمهای معلنی را برارند. کودکان غیر محبوب پیش از کودکان محبوب به ابراز مخالفت واستفاده از سه استراتی ورود دیگر - اظهار وجود، بیان احساس، مؤذلات معلوماتی - می‌پردازند.

^[1] دیدگاه‌های سنتی رشد دوره اولیه کودکی تأثیر ناخیز والدین بر کودکانشان و در این اواخر تأثیر متقابل والدین وکودکان را یکپد کرده‌اند

کورداکان در حال بازی با یکدیگر در یک پارک در فرانسه.

فشار روانیانه، فشار روانی در اثر تغییرات محیطی که پراکنگزننده تنشهای شدید عاطفی و مایع بروز انگرهای عادی پاسخنده پدید میآید (جنس Janis، سال۱۹۶۸، Leventhal).
کورداکان در اثر تغییرات حاصل از وقایعی نظیر بستری شدن، تولد همشیره، طلاق والدین دچار فشار روانی میشوند. کورداکان گاهی به قدرت دست میایند و گاهی نتیجتاً رنج میبرند. تغییر پذیری در پاسخهای کورداکان به فشار روانی را با بررسی عاالین این قسمت میتوان درک کرد؛ تفاوتهای موجود در غلبه بر فرایندها، تغییرات رشد در واکنش نسبت به فشار روانی، عوامل حمایتگر، و کورداکان دارای شتاب رشد.

نقوانیایی در فرایندهای کنار آمدن (Coping)

کورداکان بیشتر نه به دلیل واقع خاص بلکه به دلیل تغییراتی که در انگورهای تعامل و روابط خانوادگی پدید میآید دچار فشار روانی میشوند. چنین تغییراتی در طی زمان ادامه دارد، و فرایندهای کنار آمدن کورداکان نیز باید ادامه یابند. کنار آمدن مستزم کوششهایی است که به نتایجشاهمایی محیطی و درونی فرد که خارج از استقامت اوست، پاسخ میگیرد (راتر، ۱۹۸۳، Rutter).

در پژوهشها (راتر، ۱۹۸۳) کشف شده است که فرایندهای کنار آمدن تحت تأثیر تفاوتهای فردی از لحاظ خصوصیاتی چون سن، جنس، و شیوه ارزیابی موفقیت قرار دارند. سن کورداکان را قادر میسازد که با فشار روانی ناشی از بستری شدن و تولد همشیره و نه فشار روانی ناشی از طلاق کنار آید. وقتی بستری شدن ضروری باشد برای کورداکان شش ماهه تا چهار ساله بسیار دشوار است که با فشارهای روانی که بروز میکنند کنار آیند. کورداکان زیر شش ماهگی بدستگیرهای انحصاری را پدیاکندهاند و کورداکان بالای چهار سالگی روانی آن حد از مهارتهای شخصی هستند که تفاوت جدایی را با ترک والدین تشخیص دهند و نیاز به معامله با دارو را درک کنند. وقتی همشیره متولد میشوند، احتمال آن که کورداکان خردسالتر اختلالات رفتاری بیشتری نسبت به کورداکان بزرگتر از خود بروز دهند زیاد است که خواخ دلیل وجود مشکلاتی در کنار آمدن با فشار روانی اوست.

تأثیرات مربوط به جنسیت بر فرایندهای کنار آمدن همگی همسوی دارند؛ پسران، در برابر اثرات واقع واقع آورو توانایی کمتری دارند. عمدتاً پسران یادآوری نسبت به دختران واکنشهای مخالفت آمیزی در برابر بستری شدن، رفتار کوششگرانه به هنگام تولد همشیرهها، و اختلال شدید و طولانی شده بعد از طلاق والدین نشان میدهند (راتر، ۱۹۸۳).

ارزیابی کورداکان در مفاهیم جسمنی یک واقع بر نقوانی آنان در برابر هر گونه به فشار روانی حاصل از آن تأثیر میگذارد. در پژوهشها (راتر، ۱۹۸۳) معلوم شده است که پسران در صورتی که پس خوانند، حاصله برای آنان نشان دهنده شکست آنان باشد، با تلاش بیشتری در صدد پاسخگویی بر میآیند ولی دختران گرایش به تسلیم شدن دارند. پسران ظاهراً میآموزند که شکست خود را به عدم تلاش کافی نسبت دهند، در حالی که دختران میآموزند که شکست خود را به عدم توانایی خویش منسوب کنند. تاال ۱۱-۱۲ فشار و دسترسگ (۱۹۸۲) (کوشیدهاند تا فشارهای روانییکبارگن دوره کودکی را

درجهبندی کنند، این آزمون نشان میدهد که واقع از لحاظ میزان اثرات بر کودک چندر فشار روانی وارده میباشد.

آزمون فشار روانی دوره کودکی این مفیاسی است که با آن میزان فشار روانی در زندگی کورداکان کنترل میشود. امتیازات مواردی را که در ۱۲ ماهه اخیر فرزندان با آن مواجه شده است جمع مینمایند. اگر کورداکان زیر ۱۵۰ امتیاز بکند کرده، او فشار روانی متوسطی تحمل میکند. اگر امتیاز کورداکان بین ۱۵۰ و ۳۰۰ است، او امکان بروز برخی نشانههای فشار روانی را بیش از حد متوسط داراست. اگر امتیاز او بالاتر از ۳۰۰ باشد، فشار روانی سنگینی را تحمل میکند واحتمال فراوانی وجود دارد که سلامت یا رفتار او به طور جدی تهدید شود.

مرگ پدر یا مادر ۱۰۰ تعطیلات طولانی۴۵- طلاق والدین۳۳-بیماری پدرمادر یا همشیر۴۴-جدایی والدین۵۹-بازاری مادر۴۰-دوره حبس پدر یا مادر۳۳-گرازی بر سر حیثیت۳۳-مرگ عضوی جسمی از خانواده۶۳-تولد یا به فرزندی پذیرفتن نوزاد۳۹-جرمحت یا بیماری جسمی۴۷-مدرسه، کلاس یا معلم جدید۳۹-ازواج مجدد پدر یا مادر۵۰-مسائل مالی در خانه۳۸-تعطیل یا اخراج از مدرسه۶۷-مرگ دوست حمیمیداورشدن ازوالد۳۷-تثیر مجدد والدین۴۵-تغیر زمینه مطالعاتی۴۴-تغییر زمانه پیش از والدین۳۵-مشکل داشتن با والدین۳۳-عوض شدن مسئولیت مدرسه۲۹-عوض شدن مشاوربزرگانه مدرسه۳۳-دعاهای خانوادگیپدروزیرونگاه مادر بزرگتر۲۹-شغل مکان به خانه جاده۲۰-به مدرسه رفتن همشیره۲۹-ورزشهای جدیدبسر گرمیها، فعالیتهای تفریحی۲۰-کسب جایزآموزشگاهی یا گروهی۲۸-عوض شدن فعالیتهای مربوط به کلاس۱۹-مادریابمدری که سرکارمورند یا عوض شدن فعالیتهای اجتماعی۱۸-کار خور را برده راننده۲۴-شروع تحصیل در مدرسه یا پایان یافتن۴۵-عوض شدن عادات خریداریان در جرت زندگی۱۴عوض تغییر معیار زندگی خانواده۲۵-پایان یافتن تعداد مهمانهای خانوادگی۱۵-تغییر عادات شخصی وقت خواب، تکلیف درسی، غیره۲۴-عوض شدن عادات غذاخوردن۱۵۰-تعطیلات۱۳-کریسمس۱۲-کشنک یک فامده۱۱-اجتماع۱۱-فشار

Antinette Saunders, Ph.D., and Bonnie Remsberg. Cpyright. ۱۹۸۲ by Antinette Saunders, ph.D., and Bonnie Remsberg. Reprinted by permisin f Hldt, Rinehart and Winstn, Publishers

تغییرات رشد در واکنش نسبت به فشارهای روانی

مک کویی (۱۹۸۳، Macccy) تحقیقات مربوط به واکنشهای کورداکان در برابر فشارهای روانی را بررسی و فرضیههایی را در باره تغییرات رشد که صورت میگیرد پیشنهاد کرده است. شش مورد از فرضیهها رابطه خاصی با رشد نخستین دوره کودکی دارد. نخست، او پیشنهاد کرده است که کودکی هر چه خردسالتر باشد، ساختار محیط و قابلیت پیش پیش حوادث آن برای او مهمتر است. فشار روانی در صورتی برای کورداکان خردسال پدید میآید که عناصر بسیار زیادی در محیط بلافاصله تغییر یابند.

دوم، وی اظهار داشته است که کودکی که هر چه خردسالتر باشد، در پاسخ به فشارهای روانی بی سرماتمی رفتاری همشیرهزدهی از خود بروز خواهد داد. پژوهشها نشاندهنده آن است که بالذکی دستگیره عصبی کودک را در سن خفط میآزمایند رفتار خویش باری میدهد. سوم، وی پیشنهاد کرده است که کورداکان با افزایش سن، که پدیدامکنند، به خزانه رفتاریهای کنار آمدن آنان نفورده میشوند، رفتاریهای کنار آمدن کورداکان خردسال در موقعی که مورد تهدید قرار میگردند، عمدتاً شکل دلبستگی به خود میگیرد. بعد از پیازده سالگی کورداکان معمو کمتر به روزگسالان منگی هستند و برای غلبه بر فشارهای روانی به استراتژیهای دیگری روی میآورند.

چهارم، وی پیشنهاد کرده است که موضع اطاعت گزاره کورداکان خردسال در برابر اقتدار روزگسالان سبزی در برابر فشارهای روانی وارده بر آنان ایجاد میکند که در دوره جوانی آنان مشهور نیست. اگر کورداکان خردسال دستورات والدین مورد اعضادان را اجرا کنند، در مورد نتایج اعضانشان گرگتی کمتری را نسبت به شرایطی که به طور خودمختار عمل کنند احساس می کنند و نیز دوهنگام بروز پیامدهای منفی فشار روانی کمتری را تحمل میکنند.

پنجم، وی پیشنهاد کرده است که مایعیت آندوه ناشی از جدایی دوستان همسال از یکدیگر با بالا رفتن سن آنان تغییر میکند. در پاسخهای پیش دستیابی و راههای نخستین مدرسه، دوستان را کماتمی تشکیل میدهند که کورداکان با آنها بازی می کنند و فعالیتهای مشترکی دارند؛ بنابراین در هنگام جدایی از آنان احساس می کنند که این فعالیتها را از دست میدهند. بعدها در اواسط دوره کودکی، دوستان در امتیاطان، افضاد وافکار با هم سهیم میشوند، و قدان دوستی به معنی از دست دادن حمایت عاطفی کورداکان است.

ششم و سرانجام، وی پیشنهاد کرده است که با بالا رفتن سن نسبت به واکنشهای دیگران در برابر خود حساسیت فرایندهای پیدا میشود. بنابراین محرکهای فشار روانی به صورت فزینری در میآیند و بسنگی دارند به هوشی که فرد به منظور فرآهنکی انتخاب کرده و قدری محافظتی که فرد برای دفاع کردن در نظر گرفته است.

عوامل حمایت کننده

پژوهشگران علاقههمنند به رشد کودکانی بردهاند که توانشیی به دست آوردهاند، هرچند زندگی آنان دارای سطوح فشار روانی بالایی بوده است که ناشی از فقر، عدم ثبات خانواده و گاهی ناشی از مشکلات جدی سلامت روانی والدین است. حتی در دشوارترین موقعیهای خانگی، بعضیی از کورداکان شخصیت سالمی پیدا میکنند و بهبود پذیری **resilience** را که به صورت توانایی سازگار شدن به طور آسان یا راهی از اندامه سطوح بالای فشار روانی تعریف میشود (ورنر، ۱۹۸۴) از خود نشان میدهند. پژوهشگران این سوال را مطرح ساختهاند که هیچ ویژگی مثبتی در این کورداکان وجود دارد؛ و کوشیدهاند که با استفاده از نتایجی که از زندگی آنان به دست میآیند، به کورداکان دیگر کمک کنند تا دستخوش فشار روانی کمتری شوند.

پژوهشگران در انگلستان، در آفتابهای شهری امریکا، و در هوابی اخلاصه شده در پژوهشهای گازمزی۱۹۸۳ ،Garmezby، ورنر، ۱۹۸۴) همگی دریافتند که کورداکانی که در رقم دشوارو یا موانع به موقعیتن ثانی میآیند، ربحیب به عامل حمایت کننده از دیگران تفاوت دارند. این عوامل حمایت کننده درون خود کورداکان، درون خانواده، از بیرون از خانواده، آنان قرار دارد. کورداکان بهبود پذیر دارای ویژگیهای خلقی خویش هستند که سبب واکنش مثبت دیگران نسبت به آنان میگرد (گازمزی، ۱۹۸۳). دو ظرفیوت و دوره اولیه کودکی، این کورداکان مسئولیتها وخلق و عواطفی دارند که به صورت فعال ، از لحاظ اجتماعی پاسخگور، و خردمختار، توصیف میشوند. آنان ظالیاً در سرگرمیها وفعالیتی خلّاق احساس وضامت وعزت نفس پیدا میکنند. سرگرمیها و جدایی حسه گویی آنان در هنگام بالا رفتن سطح فشار روانی در زندگی برای آنان پناهمگاهی میشود (ورنر و اسمیت، ۱۹۸۲، Smith, R.S). این کورداکان به طریقی میتوانند این مفیدها را حفظ کنند که مسائل حل خواهند شد و مشکلات و مسائل غیر عادی میتوانند برطرف شوند. آنان ایمان خود را با قبول مسئولیت همشیرهها و خانواده که با سن کم آنان متشاب به نظر نمیرسد، به عمل تبدیل میکنند. به نظر ورنر (۱۹۸۴)، اقدام به این کنهگاهی مورد نیاز سبب ایجاد تغییراتی مثبت در کورداکان خواهد شد. در داخل خانواده، اغلب کورداکان بهبود پذیر فرصت تشکیل پیوند نزدیک با حداقل یک شخص در طول نخستین سال زندگی خود دارند (ورنر، ۱۹۸۴). این جریان ترتیبی به آنان امکان میدهد تا حتی افضاد اولیهای را به دست آورند. این کورداکان ظاهراً در جستجوی فعالیتها، برای والدین چاشنن ، پدر بزرگترها و مادرزرتگها، بسگان دیگر، برسر مسئول مراقبت کودک، والدین دوستان، یا همسایگان - مهارت دارند.

اغلب کورداکان بهبود پذیر منابع حمایت کننده تریومندی در خارج از خانواده خود همسالان، کشیشان، معلمان یا دوستان قدریتر برای فرایندهای کنار آمدن در اختیار دارند. آنان مانند که محبوب همکلاسیهایشان باشند و دوستان جسمیی داشته باشند (ورنر واسمیت، ۱۹۸۲). آنان ظالیاً در مدرسه، در تحصیلات و در فعالیتهای فوق برنامه عملکرد خوبی دارند و به نظر میرسد که از خانواده بی سامان خود به مدرسه پدید میبرند. بانهمهای اولیه کودکی و معلمان خدخواه میتوانند به منزله سوزی در برابر فشار روانی آنان عمل کنند (ورنر، ۱۹۸۴).

پژوهشها در مورد کورداکان بهبودیابگر (گازمزی، ۱۹۸۳، راتر، ۱۹۸۳، ژورنر واسمیت، ۱۹۸۲) ظاهراً نشان میدهد که اثرات مزاج مدیت فشار روانی به عمدها و تعقت بروز فشار روانی بسنگی ندارد بلکه به چگونگی برخورد با فشار روانی وابست است. یک واقع واضح ممکن است اطمان موفقیت آمیز و شکست نسبیتر از آن به دنبال داشته باشد یا هیچ پیامد بلند مدتی را به هر شکل به دنبال نداشته باشد. فشارهای روانی خاصی اجتناب ناپذیرند ویکی از وظایف رشد دوره کودکی یادگیری فرایندهای کنار آمدن مثبت است. والدین مراقب میتوانند حامیی ارزشمندی به شمار آیند به شرط آن که ویژگیهای فردی خلق و خوئی کورداکان را پذیرند و برایشان تحریامی فراهم آورند یکی با آنها مبارزه کنند ولی بر توانیهای کنار آمدن آنان کام متوسلی نشوند بخش مسئولیت و مراقبت را به کورداکان انتقال دهند و به نوبه خود به آنان راه به دلیل کماتمی و همبازی و یاداش دهند. ژوکورک را به منظور رهاصه، سرگرمی، یا فعالیت خاصی که منع ازصوت نفوس است تشویق کنند. ژوکورک را تشویق کنند که خارج از مسه خانواده به خوشاندن یا دوستی که جدیداً به او علاقه دارد دسترسی پیدا کنند. (ورنر، ۱۹۸۴، ص ۴۱). زندگی کورداکان بهبودپذیر نمایانگر آن است که حتی در شرایط نامزگار، ایمان آنان ندامد مییابد، به شرط آن که دراینبند که افرادی در زندگی آنان از خود محروم و مراقبت نشان میدهند.

کورداکان جارایی شتاب رشد* ("Hurried" Children)

الکیند (۱۹۸۱)، روان شناس و مؤلف کتاب کودک دارای شتاب رشد: بزرگ شدنی بی سرجم و زود گفته است که والدین، مدراس و رسانها جمله دانه که کورداکان متوسط سریعتر از هر زمانی در گذشته بزرگ شوند، او رفتار داشته است که فشار روانی حاصل از این امر به شکست تحصیلی، بهکاری، فعالیت جسمی، معرف بی رویه دارد، خودکنشی کودک مایجانند. به نظر الکیند، بهفشاری برای بزرگ شدن سریع کورداکان در دوره اولیه کودکی آغاز میشود. کورداکان برای خواندن اولیه و سایر

پیشرفتهای فکری تحت فشار قرار میگیرند، لیس طراحی شده میباشند تاپیشه یوزگسالتی کوچک درآیند، به ورزشهای رقابتیآمییز میوزادند وتصویر سایر کودکان را از طریق رسانهای در موقعیتهای جنسی ارتباطی دیگر مشاهده میکنند.والدین شتازده موفقیتهای اجتماعی را که برای توانمندیهای این کودکان است تقاضا میکنند. برای مثال، خبر عادی نیست که از کودکان خردسال انتظار رود که در یک روزغلابه بر خواتراند خود را با چند محیط دیگر مثل مدرسه، مرکز مراقبت روزانه، و مسئولی مخصوص کودک اتفاق دهند. والدینشان آزادبهای را پیش از آن که کودکان قادر به ارائه مسئولیت مورد نیاز باشند، برای آنان فراهم میزنند. برای مثال، کودکان خردسال ممکن است ناهارشان را آماده سازند، تنها در خانه بمانند، و لیس خود را بپوشند پیش از آن که برای انجام چنین کاری احساس راحتی کنند.

تعجبی برای این که کودکان در آزمونها خوب عمل کنند، در بازی فوئال از دیگران پیشی گیرند، و با مسائل جنسی یوزگسالان آشنا شوند، به فشار روانی آنان منتهیاست. کودکان دو تا هشت ساله پاشفاری والدین را نوعی طرد تلقی و خود را سرزنش میکنند که همین امر منجر به وارد آمدن سطوح بالائی از فشار روانی بر آنان میشود.

تاثير ۱۱-۶ ویدگاه یک کودک نسبت به طلاق گرایش کودکان خردسال به سرزنش خویش به سبب تغییرات تنشزا در زندگی آنان در جملاتی که از یک مصاحبه با گیگان در هفت سالگی استخراج شده است، روشن میشود (بر گر، ۱۹۸۴).گاهی من فکر میکنم که من باعث شدم مامان و بابا از هم طلاق بگیرند، چرا که من برایشان کودک خوبی نبودم. منظور این است که من فکر میکنم میشد بهتر از این رفتار میکردم، مث اتاق خودم را تمیز نگه میداشتم. من مشکلات فراوانی به باز میآوردم، مثل زمانی که دست خواهرم را رنگ آبی زدم و قیفه یکام خندهداری پیدا کرد. مدتی طول کشید تا مامان رنگ دست خواهرم را پاک کرد. یکبار هم با دوستانتی بیرون رفتم و هیچ اجازه نگرفتم. بنابراین من فکر میکنم که بیشتر موجب نگرانی بابا و مامان شدم. بابا اگر باعث نگرانی زیاد آنان نمیشد، هموز در خالههایی که در شارلوت داشتیم با هم بودیم. (ص ۱۲)
ابزار سال بعد، گیگان با کمک مادرش، فهیبد که سرزنش کردن خودش در آن موقعیت بی مورد بوده است (برگر، ۱۹۸۴).مادام این کتاب به ما در داد تا بخوانم که نام آن ملالچ، یا چیزی مثل آن است. من این کتاب را با خواهرم اما خواندم. این کتاب تا نوع کتابهای کودکان بود و یاد میداد که خودتان را سرزنش نکنید چرا که این تعصیر شما نیست که والدینتان با هم خوشبخت نبودند. این کتاب کمک کرد. مرا وادار کرد تا فکر کنم باید این تعصیر من نبود که مامان و بابا طلاق گرفتند، حتی اگر گاهی من بد هم بودم. (ص ۱۳). تاثير ۱۱-۷استراتژیهای برای رشد کتابهای کودکان در ارتباط با مرگ ساندروز و مسیوگر (۱۹۸۴) مرگ پدر یا مادر یا عنصر نزدیکی دیگری از خانواده را عامل فشار روانی در سطح بالا شناختهاند. برخی کتابهای علمی کودکان راه ارتباط میان یوزگسالان و کودکان را در بازه مرگ و میرمگشایند.

Brwn, M.W. (۱۹۸۸).The dead bird. New Yrk:Yung Sctt Bks Grلمان, E. A. (۱۹۷۶). Talking about death: A dialogue bet. Ween parent and child Bstn: Beacon Press Leshan, E. (۱۹۷۶). Learning t say gbye. When a parent dies. New Yrk: MacMillan Zlw, C.S. (۱۹۷۴). My grandsn Lew. New Yurk: Harper Rw

برای یوزگسالان، کتاب فرد راجرز یا عنوان گفتگر با کودکان خردسال در پایه مرگ (پیش روگ، ارتباطات خانواده، ۱۹۷۹) منبع مفیدی است.

الکساندر توصیه کرده است که والدین آگاهانه در زندگی کودککوتاهان تأخیر به وجود میآورند. کودکان به زمانی برای بازی کردن احتیاج دارند، والدین و کودکان لازم است زمانی را با هم به سر برنند. وقتی از شتاب برای رشد نمیتوان اجتناب کرد، کودکان کوشش والدینشان را برای مشاهده دیدگاههای خود تحسین میکنند. کودکان میخراند، از نظر عاطفی احساس امنیت کنند، و نه این که از لحاظ فکری و اجتماعی چنان با شتاب تربیت شوند که نیازهای والدین را بر آورند.

نیات خصوصیات رفتاری در طی زمان

برای گفتن این که خصوصیات رفتاری خاصی از سالیهای نخستین مدرسه تا یوزگسالتی ثابت باقی میمانند، یوزمشگران در طی سالان دراز دار افراد را مورد مطالعه قرار دادهاند. این نوع پژوهش، پژوهش طولی Longitudinal research نامیده میشود که نسبتاً غیر متداول است چرا که مستلزم صرف وقت، پول و نیروهای انسانی فراوانی است. دادههایی که اینک از تعدادی از این پژوهشهای طولی فراهم آمده است، نشان میدهد که بعضی از خصوصیات رفتاری ظمیر خلق و خو و پرخاشگری، در طی زمان ثابت میمانند.

خلق و خو

یوزمشگرانی که در مطالعه طولی نیویورک شرکت داشتهاند (توماس و چیس، ۱۹۸۴) رشد رفتاری ۱۳۳آزموندار از اوایل طفولیت تا یوزگسالتی دنبال کردهاند. یوزمشگران معدداً بر ششاسی خصوصیات خلق و خوئی و مطالعه تأثیر این خصوصیات بر رشد روانی -اجتماعی تأکید داشتهاند. این یوزمشگران بسیاری از روابط میان خلق و خو و سازگاری در سالیهای نخستین زندگی و در یوزگسالتی را که در لحاظ آماری اهمیت داشت کشف کردهاند. این یوزمشگران آزموندارها به صورت نه منزله از خصوصیات خلق و خوئی درجهبندی کردهاند: سطح فعالیت، نظم، میل به بازیکن شدن به دیگران یا کارگرهویی، اطفاقی یا غیرت، سطح آستانه حسنی، وضع روحی مثبت یا منفی، شدت پاسخ، خوابرتی، و پاشفاری (ن. کند، فصل ۵ برای اطلاعات بیشتری در باره این خصوصیات). آنان همچنین توجه کردند که آیا آزموندارها از میان دو یکی از سه خویشه خصوصیات رفتاری جدی داد: آسان داشتن نگرش منظم وثبت نسبت به تحریکات جدید، اطفاقی پاشری یا غیرت، و حالت روحی مثبت (زادلوهر، اداری نقشهای زمینی ناشناخته، پاسهخای منفی تاوم با کارگرهویی نسبت به تحریکات جدید، اطفاقی پاشری کند یا غیرت، و میان حالت روحی خلأاً منفی تاوم «دیرجوش» نشان دادن پاسهخای منفی و با شدتی ملایم نسبت به تحریکات جدید واطفاقی پاشری کند. بعد از تماس مکرر).

در مطالعه طولی نیویورک، توجه خاصی نسبت به ارزشیابیهای بالینی آزموندیهایی که شواهد اختلالات رفتاری داشتهاند توجه خاصی مبذول شده است. یوزمشگران درفهماند که اغلب اختلالات رفتاری که آزموندیهایی در مطالعه از خود نشان میدادند اختلالات سازگاری بوده، که اکثر اختلالات خفیف بوده است. بیشترین تعداد اختلالات رفتاری زمانی بروز کرد که آزموندینها سه تا پنج ساله بودند و در هر یک بعد هفتگی که شش تا هشت ساله بودند. یوزمشگران روابط فراوانی را میان خصوصیات آزموندینها در اوایل کودکی و پیامدهای رفتاری در یوزگسالتی کشف کردهاند. مغفراهی دوره کودکی اولیه که در تحلیل آماری به کار رفتهاند، عیارات بودند از: نمرات سازگاری در سنین سه و پنج سالگی، خلق روحی آسان در مقابل خلق و خوئی دشوار در سه سالگی، نگرشهای والدین و شیوههای مراقبت از کودک (که هنگامی که کودکان سه ساله بودند، در مصاحبه با آنان به دست آمده است)، و همانند سازی به عنوان بروز اختلال رفتاری در کودکی. مغفراهی پیامد عبارت بودند از نمرات سازگاری در اوایل یوزگسالتی، خلق روحی آسان در مقابل خلق روحی دشوار در اوایل یوزگسالتی، و حضور وعدم حضور تشخیص بالینی در اوایل زندگی یوزگسالی.

یوزمشگران درفهماند که روابط مهمی از لحاظ آماری میان خصوصیات آزموندینها در اوایل کودکی و پیامدهای رفتاری در یوزگسالتی وجود دارد؛ نخست، آزموندینهایی باخلق و خوئی آسان یا دشوار در سن سه سالگی، دارای همان خلق و خو در اوایل یوزگسالتی هستند. دوم، هرچه نمره آزموندینها در مورد خلق و خوئی آسان در سه سالگی زیادهتر باشد، درجات سازگاری در یوزگسالتی بالاتر است. سوم، هرچه سطح نفع والدین در کنترل کودکان و در تعامل با یکدیگر بیشتر باشد، درجات سازگاری یوزگسالان کمتر است. چهارم، سطوح سازگاری آزموندینها در سنین سه و پنج سالگی با سطوح سازگاری آنان در یوزگسالتی همسانگی داشت. و پنجم، آزموندینهایی که مشکلات رفتاری دوره کودکی به آنان نسبت داده میشود، دارای درجات سازگاری کمتری در دوره یوزگسالتی هستند.

یوزمشگران عقیده خود را چنین بیان داشتهاند که مشکلات سازگاری آزموندینها در این مطالعه از ضعف تناسب میان خلق و خوئی کودکان با محیط آنان ناشی میشود. آنان توصیه کردهاند که مداخله درمانی به امر کار با والدین همچن مساعدت منتظرات آنان با خصوصیات و قابلیتهای کودکان تمرکز باشد، برپوزه برای تقریباً ده درصد از کودکان دارای خلق و خوئی دشوار.

پرخاشگری

یوزمشهای انجام شده توسط اوون(۱۹۸۲) و همکارانش (هوتزمان و اوون، ۱۹۸۴) در طی سی سال نشان داده است که نشانهای اولیه پرخاشگری، دلیل وجود پرخاشگری و رفتار ضد اجتماعی در یوزگسالتی است. در سال ۱۹۶۰، یوزمشگران تقریباً نهمصد کودک هشت ساله را مورد مطالعه قرار دادند و با والدینشان مصاحبه کردند. برای اندازهگیری پرخاشگری کودکان از تک تک کودکان کلاس درخوامت شد سایر کودکان را بر اساس یک سلسله جنبههای ویژه رفتار پرخاشگرانه، نگرشی حاصل از پرخاشگری و حمایت ازبایی کنند. در سال ۱۹۸۱، یوزمشگران چهارصد آزموندی از میان آزموندیهای اولیه را که در این زمان میانگین سنی آنان به سی سال بالغ میشد مورد مطالعه قرار دادند. آنان همچنین اطلاعاتی را در باره علاقههای جزایی، تحققات رواندی و سوابق این چهارصد آزموندی در بخشهای باپوشی بیمارستان ایلی و دوست آزموندی دیگر از بخش خدمات حقوقی برهکان Division f Criminal JusticeServices، بخش وسایط نقلیه موتوروی Division f Mtr Vehicles، و بخش بهداشت روانی Department f Mental Hygiene، دست آوردند. در برخی موارد، اطلاعات را از سه نسل اطلاع دهند. بعضی آزموندینها و همسرانشان، والدین آزموندینها، و کودکان آزموندینها به دست آوردند. تحلیل اطلاعات از این مطالعه طولی، نشان داده است که کودکان هشت ساله یوپرخاشگر احتما به یوزگسالان پرخاشگری تبدیل میشوند که رفتار ضد اجتماعی و جنایی از خود بروز میدهند. یوزده آزموندینهای پسر که محصلانان آنان را در هشت سالگی پرخاشگرتر تلقی میکردند نسبت به پسرتی که در این سن پرخاشگری کمتری داشتند، در سی سالگی نیز خودشان را پرخاشگرتر ارزیابی میکردند. از سوی همسرشان پرخاشگر به شمار میآمدند، در تمام حروفی برهکانان محکومبتهای فراوانتری داشتند، جرایم جنایتی را مرتکب شده بودند، تحققات رواندی بیشتری در حین حرکت داشتند، و جرایم رواندی بیشتری را در حالت فعل انجام داده بودند. آزموندینها دختر به همان نسبتی که از طرف محصلانان در سن هشت سالگی پرخاشگرتر تلقی میشدند، نسبت به دخترانی که در این سن پرخاشگری کمتری داشتند، در سی سالگی نیز خودشان را پرخاشگرتر ارزیابی میکردند و نسبت کودکانشان را چندتر در نظر میگرفتند. اطلاعات حاصل شده از والدین و کودکان آزموندی پسر و دختر نشان داد که والدین پرخاشگر داری کودکان پرخاشگرند.

رفتار پرخاشگرانه ظاهراً در عرض زمان و در سنلهای مختلف ثابت میمانند. یوزمشگران ثابت، پرخاشگری را به پیوستگی عوامل سرشتی (ژنی، هورمونی و عضلانشلی) و پیوستگی عوامل محیطی نسبت میدهند. ظاهراً انگوهای رفتاری که در سالیهای نخستین مدرسه ایجاد میشوند تأثیرات دائمی در طول زندگی باقی میگذارند.

- خلاصه ۱. اریسنگ اریکسون دو وظیفه روانی -اجتماعی از نخستین سالیهای مدرسه را توصیف کرده است: یادگیری برای اینکه دانش و فری کوشا شد.
- کودکان چهار و پنج ساله از لحاظ اجتماعی، جسمی و شناختی اینکه نشان میدهند. اینکه با امکان احساس همدل متعامل میشود.
- کودکانی که در سنین دوره دبستان به سر میرند، انرژی خود را به گزینهای هدایت میکنند که تبدیل به فری کوشا شوند. اگر آنان دو وظایف مدرسه و وظایف دیگر موفق شوند، احساس محقرت پیدا میکنند.
- در این که کودکان جراحیهای روانی -اجتماعی خود را چگونه حل میکنند، پاشما نظارتهایی جنسی دخیل است.
- والدین کودکانی که در سالیهای نخستین مدرسه به سر میرند وارد مرحله جدیدی از والدین بودن میشوند که سالیهای نفسیری نامیده میشود که در آن والدین تعین میکنند کدام ارزشها را به فرزندشان انتقال دهند.
- تأثیرات خانواده در طول سالیهای نخستین مدرسه نیرومند باقی میمانند.
- باتک گروه از خانوادههای نیرومند دارای خصوصیات مشترک فراوانی هستند؛ اوقات را با هم میگذرانند، با هم ارتباط دارند، یکدیگر را درک میکنند، با هم عیادت میکنند، در قبال گروه خانواده مشترکاً با هم نهاده دارند.
- والدین دارای شیوههای مختلف، اما همسان دارای کودکانی هستند که رفتارهای جامعه پسند از خود بروز میدهند.
- همشیرها از طریق ارتباط فراوان با یکدیگر در سالیهای اولیه دوره کودکی تأثیر منفایی بر روی رشد یکدیگر دارند.
- خصوصیات کودکان تکثیر فرزند نه تنها به فقدان همشرهای آنان بستگی دارد بلکه به صفات والدین آنان نیز وابسته است.

- ↑ در بسیاری از گروههای فرهنگی، همشیره‌ها در یک بافت هسته‌ای یکدیگر مراقبت میکنند. مراقبت همشیره‌ها الزامی بر توانایی کودکان دارد و سبب تعامل یک‌به یک با آنان یا بزرگسالان میشود.
- ↑ کودکان تحت تأثیر نیروهای خارج از خانواده نظیر همسالان و تلویزیون قرار دارند، و با مدرسه و زندگی د رجامعه کنترنگ‌تر سازگاری پیدا میکنند.
- ↑ دوستیهای کودکان خردسال سه مرحله را پشت سر میگذرانند و دوسویگی فرآیندهای را نشان میدهند.
- ↑ کودکان دارای دوست اندک‌اندک دارای رویکرد و الگوهای تعاملی متمایز هستند.
- ↑ همسالان بر اثر رفتار جامعه پسند کودکان تأثیر میگذارند.
- ↑ کودکانی که از گروههای گوناگون هستند در اهداف، ارزشها، الگوهای رفتار اجتماعی که در دوستیهای ممکن خود دارند نیز متفاوتند.
- ↑ کودکان خردسال در برابر نشانهای قلمبهای غشخ تلویزیونی آسیب‌پذیر هستند و از محرک‌های جامعه پسندانه تلویزیون برخوردار میشوند.
- ↑ تفاوتهای فرهنگی در الگوهای زبانی کودکان می تواند در سازگاری آنان با مدرسه تأثیر داشته باشد.
- ↑ درک چند فرهنگی که با آموزش چند فرهنگی قابل افزایش است دارای چندین هدف است: افزایش خود بشناسه و هورت فرهنگی، رشد مهارتهای اجتماعی و مسؤولیت، گسترش پایه درک فرهنگی.
- ↑ کودکان خردسال احساس فشار روانی میکنند و در کنار آمدن با آن توانیهای گوناگونی دارند.
- ↑ واکنشهای کودکان در برابر فشار روانی روندهای رشد را نشان میدهد.
- ↑ خصوصیات شخص، حمایت خانواده، و حمایتهای مربوط به خانواده کودکان را در برابر اثرات فشار روانی حفظ میکند.
- ↑ کودکان خردسالی که والدینشان از آنان انتظار رشدی سریعتر و بهتر دارند، ممکن است دچار فشار روانی بالای گردند و خود را ارزشزین کنند.
- ↑ بزرگش طولی نشان میدهد که خلق و خو و پرمشاشگری در طی سالها صفات رفتاری ثابتی هستند. تجربیات در سالهای نخستین مدرسه دارای تأثیرات مداومی است.
- ↑ اصطلاحات کلیدی اکتکار در مقابل گناه مقدر فشار روانیکردشایی در مقابل حقارت قدرت طلب کنار آمدنمرحله تفسیری آسان‌گیر بهمسود پسندیرجامعه پسند استآوزن چند فرهنگی پژوهش‌ خسوبی برای مطالعه بیشتر Encouraging Prsacial BehavirLickna, T. (۱۹۸۳). Raising gd children. Helping yur child through the stages f mral development. New Yrk. Bantam Bks

۱۱۲

۱۱۱

سازمانهای نخستین مدرسه

(منبع:چارنا هشت سالگی)ارشد جنسی

مفاهیم کلیدی

علایم رشد جنسی مهارتهای مربوط به ماهجهوزگ مهارتهای مربوط بهماهجه کوچکک تفاسیکردن وتوشن یکبارچگی ادراکیبحرکتی تازمانهای جنسی

نوابط معلولیت

اختلالات شنوایی بینایی عقب ماندهگی ذهنی اختلال عاطفی ناتوانیهایادگیری ویژه اختلال گفتاریویزانی ناتوانمگانی۱۹۴-۱۹۴ معلولیتارسایهٔ فرهنگی

تشکیل تصور جسمی مثبت

فرزنگاری جنسیت جاذبیتتشکیل عادات سالم عادت خوردن مراقبتهداشتن تاسییداتی ایمنی کودکان خانوادهوولیمز مهارتند از برایان، چهارسالهٔ اُنستون، شش سالهٔ تؤ ملودی، هشت ساله. در یک بعدازظهر روز شنبه، برایان سوار بر سه چرخهش در اطراف زمین بازی مدرسه مجاورش گردش کرد، استون با دوچرخهش که چرخهای کشکی داشت به تمرین پرداخت، و ملودی و دوستانش راندن بر روی چرخ و سوار شمشکازها را با دوچرخهش آزمایش کردند.بعدا هنگامی که آنان به خانه برگشتند تا کارت تولد رای مادرشان درست کنند، برایان یکک طرح رنگی نقاشی کرده استون تصویر مادرش را در حال بازی کردن هدایشان نقاشی کرد، و ملودی شعری را سرود و آن را با دقت نوشتهٔ.
قلمبهای گوناگون کودکان نه تنها نشاندهندهٔ فرودت آنان است، بلکه نمایانگر رشد جنسی آنان که در طول سالهای نخستین مدرسه صورت می‌پذیرد نیز هست.

کودکان در طول سالهای نخستین مدرسه به صورتی فرآینی تغییر می‌یابند. چهار عنوان اصلی در این فصل تفاوت قابلیتهای جنسی کوچکترین و بزرگترین کودکان خانواده وولیمز را روشن می‌سازد.
نخستین عنوان، علایم رشد جنسی، شامل مهارتهای مربوط به ماهجههای بزرگ، مهارتهای مربوط به ماهجههای کوچک، نقاشی کردن وتوشن، یکبارچگی ادراکی -حرکتی، و تفاوتهای جنسی است. قسمت دوم این فصل به دادن اطلاعاتی در باره شرایط معلول سازندهٔ گوناگون که در رشد اثر دارد، تواننگاری در ارتباط با آموزش کودکان معلول، و رابطه بین معلولیتها و سابقهٔ ویژگی شخص اصلی دارد. در قسمت سوم بر عوامل تأکید میشود که بر رشد تصور جسمی مثبت اثر میگذارد، نظیر فرزندکاری، جنسیت، روحانیت، خوان چهارم و باباتی به تشکیل عادات سالم خوردن، مراقبت بهداشتی، تناسب بدن، و ایمنی مربوط میشود.
ازاین چهار بحث در مورد پیچیدگی و اهمیت رشد جنسی که در طول سالهای نخستین مدرسه صورت می‌پذیرد میتوان پیشگویی کسب کرد.

علایم رشد جنسی

برای اغلب کودکان نخستین سالهای مدرسه دوره پرتحرکی است که طی آن رشد جنسی چندسنگری صورت میگرد. کودکان با استفاده از ماهجههای بزرگ به منظور حفظ تعادل و لی لٔی کردن، جهیدن، دویدن، و دیدن مهارت کسب میکنند. آنان همچنین با استفاده از ماهجههای کوچک خود در دست یافتن، چنگ زدن، و دستکاری اشیاء تحر بیشتری کسب میکنند. در این قسمت سه عنوان اضطراب به توصیف علایم رشد جنسی که دو کودک فرضی به نامهای بروس و پاولا تجربه کرده‌اند مربوط میشود. در ذیل این سه عنوان مطلب، مهارتهای مربوط به ماهجههای بزرگ، مهارتهای مربوط به ماهجههای کوچک، و نقاشی کردن وتوشن در طول سالهای نخستین مدرسه توصیف میشوند. در ذیل عنوان چهارم، اطلاعاتی در باره یکبارچگی ادراکی -حرکتی به دست می‌آید.
مطلب عنوان پنجم توضیحی است از تفاوتهای جنسی در رشد جنسی.

مهارتهای مربوط به ماهجههای بزرگ

رشد مهارتهای مربوط به ماهجه های بزرگ در نخستین سالهای مدرسه از طریق اعمال برجسته کودکی فرضی به نام بروس شناخته میشود.
سنتی که بروس علایم ذهنی را بروز میدهد منعکس کنندهٔ مهارتهای پایرفته شدهٔ است (با اقتباس از ستفورد و زلمن، ۱۹۸۱) ولی باید برای سایر کودکان این سنتمین به طور تقریبی تلقی شود. برخی کودکان به هنجار از بروس سرسبزتری دارند و برخی کندتر.

چهار تا پنج سالگی

یکی از چندسنگرترین تغییرات بروس در طول چهار تا پنج سالگی پهر شدن حس تعادل در اوست. او میتواند توانجی بر از آب را از ظرفی آبیژخانه که در فاصله ده فوتی ا سه متری[۱] قرار دارد تا سر بدون آن که بیرون حمل کند. او میتواند پرامون دایره‌ای چهار فوتی [۲]۲۰ سانتی متری[۳] بدون آن که پایش را داخل آن نگذارد راه برود، میتواند چهار قدم یا بیشتر از چهار قدم را در طول یک خط با چساندگان انگشتان یکک یا به پشته پای دیگر heel – t te قدم بزند، و روی یکک یا برای پنج ثانیه بایستد. در سایر موارد، بروس میتواند روی یکک یا راه برود، ده قدم چفکند بزند، یا سه چرخهش در اطراف موانع و پهنای تند مهارته دور بزند و با دستنشانی از مبلهی آرزوان شود. او توپ بازی را با همسایه‌اش دوست دارد و در برتاب کردن و گرفتن توپ مهارت یافته است، او میتواند توپی را ده فوت ا سه مترا بالای سرش برتاب کند وتوپ هوایی و نیز توپی را که به طرف او برتاب شده با دست بگیرد.

پنج تا شش سالگی

بروس روزه رفتن را دوست دارد و توانسته است راه رفتن خود را با موسیقی آهنگهای دلخواهش از توارهای هپ پالم[۴]Happ Palmer هماهنگ کند. همانند سال گذشته عدالتش را همچنان بهتر حفظ میکند. او روی انگشتان پایش برای ده ثانیه بایستد، روی یکک پایش برای هشت ثانیه بایستد، هر پایش را جداگانه پنج بار ترمزان میدهد، و چهار قدم یا بیش از چهار قدم را در چساندگان انگشتان یکک یا به پشته پای دیگر میزند. به عقب برود. او میتواند انگشتان پایش را بدون خم کردن زانویش با دست لمس کند، شش بار یا بیشتر میتواند به عقب برود، و روی هر پا حداقل پنج فوت [۵] ۱۸۰ سانتیمتر[۶] به جلو برود. در بازی با توپ تاپ میتواند به جلو بدود و توپ تاباند، او را که در فاصله هشت فوتی [۷] ۱۲۰ یا بیشتر قرار دارد ضربت کند. بروس یک مسافت سی و پنج یاردی را در ده ثانیه یا کمتر میدود.

شش تا هفت سالگی

بروس مشتاقی است که در کارهای ملای خانه کمک کند و اینکه قادر است که کبسه‌های محوی ده پوند [۸]۵۴ کیلوگرم را جواربار را از اتوموبیل در فاصله پنجاه فوتی [۹] پانزده متری[۱۰] تا آیزرمان حمل کند. در قاصلهای بین ششمین و هفتمین سالگرد تولدش، او مهارتهای دیگری مربوط به ماهجههای بزرگ را پرورش میدهد. او دوچرخهش را بدون استفاده از چرخهای کشکی میتواند، در هر نوبت سه یا بیش از سه بار از روی طاب میرد، تاپمهٔ پارکس مدرسه خود را بالا میکندد، و با چشمانی بسته، به تازوب روی هریا میایستد. در بازی با توپ، او توپ تپسی را با یک دست میگرد، با یک دست به زمین میزند، و دوباره آن را با هر دو دست میگرد. او میتواند از حالت ایستاده قاصله سی و هشت اینچ [۱۱]۵۹۶ سانتیر متر[۱۲] یا بیشتر را برود، میتواند از حالت ایستاده از مبلهی دوری در قاصله هشت اینچی [۱۳]۲۰ سانتی متری [۱۴]بالای زمین برود، و با پرش چرخش کاملی را اجرا کند.

هفت تا هشت سالگی

در سالهای هفت تا هشت سالگی، رشد بروس کند و کنترل بدنش او همچنان بهتر میشود. او سوار بر دو چرخهش مهارته متاور میدهد، واز ایزاربسی نظیر چکش، زدهٔ چفکند، وعاکک انداز استفاده میکند. او میتواند شنا شنا کند، اسکت بازی کند و در بازیهای گروهی نظیر فوتبال با شایستگی و درک لذت فراوان شرکت کند. مهارتهای مربوط به ماهجههای بزرگ از چهارمین سالگرد تولدش عمدتاً یافده است.

مهارتهای مربوط به ماهجههای کوچک

به منظور نشان دادن مهارتهای مربوط به مایجیهای کوچک میان چهار و هشت سالگی، رشد کودکی فرضی به نام پولا توصیف میشود. سنینی که پولا میزاید کارهای معینی را انجام دهد تا سنوره و زامن (۱۹۸۱) تقیاس شده است و نشانگر سنین متوسط برای کسب مایجیم گوناگون است. لکن برخی کودکان ممکن است بسرعت رشد خود را با اندکی اختلاف بروز دهند و در عین حال گام بهنجار باشند.

چهار تا پنج سالگی

پولا اندک اندک قادر میشود تا خودش لباس بپوشد و غذا بخورد. موقتیهای اخیر او عبارتند از: با کردن جورابه، پوشیدن رویوش، کمرتنه، پیرانهایی که از جلو دکمه میخورود و لباسهایی که دارای زیپ است. تا پنجمین سالگرد تولد، او می تواند به کمک یکی از والدینش لباسی را بپوشد. در سر، میز، خودش از غذاها بر میدارد و با قاشق و چنگالش مامانتریز ازگدشته از آنها میل میکند.

در رنگ زدن یا انگشتن، این کودک حرکت وسیعی را با دستها و بازویش انجام میدهد.

در کلاس هداسارت(Head Start ، پولا یاد گرفته است که برای نصف کردن کاغذ باید خط وسط آن را با قیچی برید. او می تواند کاغذ را به طور افقی، عمودی و مورب

به گزهای که بزرگترلان نمایش میدهد، تا کند. در رنگ زدن یا انگشت، پولا حرکات وسیعی از انگشتان، دستان، و بازویش را انجام میدهد. وقتی که او یاد میگرد که یک مسمای چور کردن Jigsaw puzzle سه قطعهای را تکمیل کند، با غرور مهارت خود را به هر کسی که حضور دارد نشان میدهد. او گنجیهای یک ایچی (آهسانترینی) را با آسانی در دست میگرد و قادر است که دهاتی آنها را در یک بطری یا دهاتیی به طول سه چهارم اینچ (حدود دو سانتی متر) بندازد.

پنج تا شش ساله

پولا تا ششمین سالگرد تولدش می تواند لباسی را بدون کمک دیگران به تنهای پوشد واز تن در آورد. او همچنین آموخته است که غذا را با کارد غذاخوری بکه بکه کند، گرهمایی محکم بزند، و پنب را وود قزوه بیچند. او دراستفاده از قیچی ماهرانتر عمل میکند و می تواند از آن برای بریدن یک مربع در حالتی که نتیجهای قیچی روی یک خط ثابت حرکت میکند استفاده کند. او کقطعهای از پیش تا شده را در پاکت قرار میدهد و ورق کاغذ را در یک کلامپو سه قطعهای جای میدهد. او در مدرسه شکنهای شناخته شدهای را از گل رس میسازد و آنها را به عنوان هدیه به اعضای خانوادش میدهد.

شش تا هفت سالگی

پولا می تواند در تهیه غذا به صورتهای فراوانی کمک کند از جمله شوست کردن هویچها، بریدن مخلوط کردن و اندازهایگری کردن. در وقت غذا خوردن، اینک او می تواند غذایش را با کارد و چنگال غذا خوری برود. او با اندکی کمک و نظارت پرورگهها خودش حمام میکند. او شاید پیش از همه از یادگیری گروه زدن بندهای کتنبهایش احساس غرور میکند.

هفت تا هشت سالگی

پایان سالهای اولیه مدرسه زمان تحکیم و رشد سریع بیشتر مهارتهای مربوط به مایجیهای کوچک پولاست. او مهارتهای مربوط به مایجیهای کوچک خود را عملاً در مورد وظایف مدرسه که در زیر شرح داده شده است به کار میرود و قادر است که با دست خایشی کند و تحت نظرم مادرزگش یادگیری نماید. او شدت از کارهای دستی و طرحهای گوناگون خوشن میآید و می تواند آنها را با قلاب و دقت تکمیل کند. پولاای هشت ساله مایجیهای کوچکش را ماهرانه به کار میگرد.

نقاشی کردن و نوشتن

به دلیل اهمیت مهارتهای نقاشنی کردن و نوشتن برای موفقیت در مدرسه، این دو مهارت جدا از مهارتهای دیگر توصیف میشود. پژوهشهای انجام شده توسط سنسور و زامن (۱۹۸۱)، لسی (۱۹۸۲) Lamme، و بریشن (۱۹۹۸) اطلاعات مربوط به سنینی که کودکان تواناً در آن مایجیم گوناگون رشد را بروز میدهد فراهم میسازد.

چهار تا پنج سالگی

. پولا قدم موی رنگرزی را به جای مشتش با شست وانگشتش نگه میدارد، و از یک دستش برای طرح استفاده میکند و با دست دیگرش کاغذ را سر جایش نگه میدارد. او قادر است که علامت ضربدر، مربع، و نیز وزایهای نظیر Cat را یکی کند. پولا در نقاشیش وارد مرحلهای به نام نامگذاری مرحله خط خطی کردن Naming scribbling stage میشود (برین، ۱۹۷۹). او ممکن است نقاشیش را از قصد شروع نکند، ولی به مرور که پیشرفت میکند کارش معنی پیدا میکند. او با حرکت به سمت پنجمین سالگرد تولد مرحله تصویرگری نخستین early presentational stage نقاشنی کردن آغاز میکند (برین، ۱۹۷۹). اشیا و آدمها در نقاشیهایش که به صورتهای مختصری نمایش داده شده اند ظاهر میشوند. زحنی آنچه را میبیند بیشتر به صورت ناهماهات تا تصویری کامل. آدمهای نقاشیش غالباً دارای دو قسمت از بدن هستند، سر و پاها، و او تلاش برای نمایش دادن فضا را ندارد بلکه تنها دو بعد را نقاشی میکند.

پنج تا شش ساله.

در سن کودکیستان، پولا می تواند سه گوشهها، راستگوشیها را با قطرهایشان و نیز نام کوچک خود را یکی کند. او حروف بزرگ اشیا را می نویسد، حروف پلاایی و پایینی را به کار میرود، و اعداد را از یک تا ده می نویسد. در نقاشی کردن پولا به مرحله پیش طریی وارد میشود (برین، ۱۹۷۹). او تصاویر شناخته شدهای رسم میکند، غالباً زمین و آسمان را با نقاشیش میازاید. و به روابط بین اندازها توجه میکند. اشیا در فضای نقاشنی همانند قلی پرانکند. نیستند و آدمهای نقاشیش تعدادش با هفت جزء، همانز بدن را دارایید.

این کودک چهار ساله در مرحله نامگذاری خط خطی کردن، به سر میرود. او در آغاز طرح آشکاری نداشت ولی بعدها افضای خانواده را طراحی کرد.

این کودک چهار ساله به مرحله تصویرگری نخستین وارد شده است. او ناهادهای طراحی سریع مختصر (سرها و پاها) را برای آدمها به کار میرود.

یک کودک کودکیستانی این نقاشنی پیش طریی را بر روی سرباه قزوبده است.

کودکان هفت و هشت ساله می توانند در نقاشیهای طریی خود چشم انداز به کار برند، به شرط آن که مشاهده گر دقیق طبیعت و نیز اثر هرمدان دیگر باشند.

شکل ۱۲ – ۱۱ نقاشنی تصاویر انسانها که در سنین چهار تا هفت سالگی کشیده شده است.

شش تا هفت ساله

در کلاس اول، پولا یک شکل لوزی را یکی میکند، اسم کوچک و خانوادگیاش را با حروف بزرگ می نویسد، اعداد را از یک تا نوزده می نویسد. او مهارتهای جدیدی را به کار میگرد که عقایدش را به صورت داستان ششغاً بیان کند و محاسبات جمع و تفریق انجام دهد. در نقاشیهای جزئیات و تصاویر بیشتری به چشم میخورند.

هفت تا هشت ساله

هرچه پولا مدت بیشتری در مدرسه به سر برد، مهارتهای نوشتن خود را بیشتر به کار میگرد. او می تواند داستانهای طولانی تری ابداع کند و آنها را مضاعفاً بیان کند و محاسبات پیچیدهتری را انجام دهد. در کلاس سوم، او نوشتن دستخط شکسته را اندک اندک آغاز میکند. کشیدن نقاشنی او به مرحله طریی میرسد که نمایانگر توجه او به طریی، توازن، و چشم انداز است. نقاشنی کردن و نوشتن در طی سالهای نخستین مدرسه با تغییرات فراوانی مشخص میشوند.

یکپارچگی ادراکی – حرکتی

بسیاری از وظایف در سالهای نخستین مدرسه تنها به شرط آن که کودکان حرکات جسمی خود را تحت هدایت ادراکات خود در آوردند با موفقیت انجام پذیر است. بازنهایی یا توپ، نقاشنی کردن، نوشتن نمونه وظایفی که مستلزم یکپارچگی ادراکی - حرکتی است. طبق دیدگاهی که نخستین بار توسط کاترلت (۱۹۷۱) ارائه شده، یکپارچگی ادراکی - حرکتی از فرایندی رشد یافته تبعیت میکند. مراحل نخستین شامل موارستن کل بدن است (ر. کت: فصل ۹). مراحل بعدی مهار ساختن دست و بازو را فراهم میآورد. هماهنگی چشم و دست به دنبال آن پدید میآید، ولی تنها بعد از آن که بر فعالیتهای مربوط به مایجیهای بزرگ تسلط پیدا شد. برای مهار ساختن دست و بازو لازم است که کودکان در امتداد بازویشان استفاده از دستشان را تمرین کنند. از کودکان می توان خواست که توپ یا کسی، دیگری را به طرف هدف پرتاب کنند. کودکان برای زدن به هدف باید حرکت بازویشان را در طرز گرفتن ورها ساختن توپ با اطلاعات ادراکی که از هدف دارند هماهنگ سازند.

هماهنگتک سازی چشم و دست زمانی آغاز میشود که چشمشان کودکان به دنبال کردن حرکات دستشان هدایت میشوند. می توان کودکان را تشویق کرد که اعمالشان را در هنگامی که قطار اسباب بازی را از کنار کامیون اسباب بازی میگذرانند یا وقتی مساف شصمی را بر روی برکه کاغذ بزرگی میدهند مشاهده کنند. کودکان بعد از این که توانند با چشمشان حرکت دستشان دستشان را با موفقیت دنبال کنند، می توانند از اطلاعات دیداری برای هدایت اعمال خود استفاده کنند. نظیر زمانی که به دور شکلی قزوی خط میکشند، نقطه چین شکلهای ر بر میکنند یا به تکمیل مازهایمی میردازند.

کودکیستانی کلاس اول کلاس دوم کلاس سوم

شکل ۱۲ – ۱۲ رشد نوشتن در سن ۸ تا ۵ سالگی

تالیف ۱۲ – ۱۱ امتزازایی برای تمهیل یکپارچگی ادراکی – حرکتی

بسیاری از فعالیتها کارشگرانه حرکتی در تمهیل یکپارچگی ادراکی – حرکتی میندند. فعالیتهای زیر توسط سویلان (۱۹۷۲) طرح ریزی شد.

تول (فرای چهار سالهها) اهداف : کمک کردن به ایجاد فضایی خامس برای دیگران.

دستورات : من ایلم که هر کسی سرهای خود بنشیند. وقتی که نشان از میخورم، به اینجا بیایید و بدندان را به این صورت در آورید. بدندان را در وضعیت خودهای قرار دهید. آجلان تو نخست یا خیلی خوب، ماریوس توم بقر معنی. در دست پهلوی آجلان قرار بگیر، به همین شکل ااده دهید تا این که تمام کودکان در یک ردیف قرار گیرند. و نشه به نشه باشند. در کدام از شما از درون این توتل نارنگی و طولانی که بدنهایشان تشکیل داده است عبور میکنند. خیلی اهمیت دارد که تکان شعوری و مراقب بقیه افرادی که عبور میکنند باشی. آجلان تو نفر اولی خوب همه چیز آماده است، تو از زیر همه این بدنها مستطیبا به انتهای دیگر توتل میزوی. خوب آجلان حالا تو نباید در این انتها توتل بسازی. و حالا توتل ماریوس است، این فعالیت را آماده هید تا وقتی که تک تک کودکان فرست عبور از توتل را پیدا کنند.(مساحت: ۶۸ × ۳۷)
آینهها (فرای کودکان پنج تا هشت ساله) اهداف : آگاهی یافتن از شکلی بدن، در گذ نشن و غیر و مسوول بودن در قبال حرکت بدن فرد دیگر.

ملاحظیات : در یک فضای محدود قابل اجراست.

دستورات : کلاس اولی باید زرووری شما باشند. من قصد دارم چند حرکت انجام دهم و مایلم که از من قیفاً تقلید کنید، حرکات سادهای را انجام دهید تا به آسانی قابل تقلید باشند.

ادلا دستیاری برای خود انتخاب کنید. زرووری هم بنشینید و یکت شخص رهبر خواهد بود و شخص دیگر از او تقلید خواهد کرد.

شخص وهی رکنده لازم است که تنها بیک یا دو عضو از بدن را در هرپار حرکت دهد. شما از دستپارتان مخواهید که آن حرکت را تقلید کنید؛ بعد از زمانی ،جای وهران را عوض کنید. شرایط ادامه بازی ؛ همین که کودکان بتوانند با حرکت تنها بیک یا دو عضو بدن خود وهی و تقلید کنند،خواهند توانست با تمام اعضای بدن خود نیز به وهی بپرازند. توجه ؛فراخی توجه برای این فعالیت فزوده محدود است. مکاتھا (برای کودکان پنج تا هشت ساله) هدف ؛ کتب ۱گھلی از بیک نقطه از مکان و بیک نقطه از زمان. ملاحظات ؛ بگھنی وسیع پنج هشت. وجود بیک طبل مفید خواهد بود و این فعالیت برای کودکان بزرگ مناسب است. دستورات ؛ اجابتی در اقل را با چشمانتان انتخاب کنید. اینکه به طرف آن محل حرکت کنید. به اطراف نگاه کنید. دقیقاً متوالیه به خاطر آوریته که کنجا قرار دارید؟اینکه جای دیگری در اقل را با چشمانتان انتخاب کنید. به آن سو حرکت کنید. باشندیه. به اطراف نگاه کنید. این مکان را به خاطر بسپارد. اینکه به جای نخست برگردید.بی حرکت باشندیه.اینکه به مکان دوم برگردید. وقتی به آنجا رسیدید،بی حرکت باشندیه.اینکه تا ۵دیشمارم و از شما مخواهم که تا به عدد ۵برسم به مکان نخست برسی به قیل ونه بعد از آن عدد، دو، سه، چهار، پنج بی- حرکت باشندیه!اینکه در مدتی که تا عدد ۵دیشمارم عقب عقب به محل رفتان برگردید. نه قیل و نه بعد از آن عدد. ۱۰، ۳، ۲، ۱. بی حرکت باشندیه!هم (۱۱۶)
Activities are frm Feeling Strng, ۱۹۸۲, Washington DC: Mvement Explratin fre Yung Children by M.Sullivan, ۱۹۸۲, Washingn DC: Natinl Assciatin fr the Educatin f Yung Children. Cpyright ۱۹۸۲ by Mlly Sullivan. Reprinted by Permissin

جنههائی گوناگونی از بیکارچگی ادراکی -حرکی به تعامل میان وجوه دیداری، شنیداری، و سوابلی-حرکی متخر میشوند. در پایههای مانند مجسمه در حال ... که در آن دو وضعیت وهی را کودکان گروه تقلید میکنند، دختران در میان آزمودنیهای آنان تا شش ماه میشود زمانی کودکان شاههائی دیداری را به کار میبرند تا تعیین کنند که بدنشان را باید به چه وضعیتی د آوردند. و فعالیهایی نظیر زوزه رفتن هماهنگ با ضربات طبل یا بازی سندهلهایی موزیکال مستم آن است که کودکان هماهنگی شنیداری-حرکی را به وجود آورند ؛ز کودکان از سدهایی که میشوند برای مهار سازی حرکاتشان استفاده می کنند.

نظریاتی جنسی

والدین، معلمان و دیگران که با کودکان در سایهلی نخستین مدرسه تعامل دارند غالباً نظریاتی جنسی در قیل به ملایم بدنی را مشاهده میکنند. طبق دادههای مؤسسه گرول (بیرز،گیلسپی، هیوز، وایلکنه، ۱۹۷۹)، دختران در میان آزمودنیهای آنان تا شش ماه زودتر به بدنی از این علایم دست میابند. این نظریتها پیروزه در وقایعی که مستمزم استفاده از مامهههائی کوچک است، بارزتر است. برای مثال، ۶۸ درصد دختران در مقابل ۳۸ درصد پسران توانسته وهی را در چهار سال و شش ماهگی کنی کنند؛ ۷۷درصد دختران در مقابل ۴۵درصد پسران، دخترانستند. در پنج سالگی تصویر شمشی را با هشت جزء آیزدان بکشند. تو ۵درصد دختران در مقابل ۵۳درصد پسران توانسته اسامی اولیه خود را در پنج سالگی باصروف بزرگ بنویسند.

شرایط معلولیت

شرایط معلولیت ورشد روانی -اجتماعی، جنسی و شناختی کودکان تأثیر میگازد. کودکان در صورتی که در یکی از مقولههائی زیر قرار گیرند بر حسب معیارهای دولت فدرال معلول شناخته میشوند؛ ناشنوا، ناشنوا و نابیه، دارای مشکل شنوایی، عقب مانده ذهنی، چند مقولیتی، دچار نقص استخوانی دارای نقص شدیدتر، دچار اختلال عاطفی جدی، دچار اختلال عملکردی، دارای اختلال گفتاری، معلول بنایی (دفع آموزش ایالات متحده،۱۹۷۷ ، US ffice f Educatin)، در نامل ۲۰۱۲ تعریف این مقولههها آمده است.

تا این اواخر، مسولیت کامل مراقبت و آموزش کودکان سه تاپنج ساله معلول به مهده خاوروههای آنان بود و کودکان بزرگتر معلول نیز گھمی از دیدفات آموزش همگنی محروم بودند. لکن از زمان اجرای قانون همگنی (Public Law ۱۰۲، ۱۹۷۳، که در ۱۹۷۷ تصویب شد،آموزش رایگان و مساوی باید برای تمام کودکان معلول در سنین سه تا سبت و بیک ساله فراهم شود. قانون همگنی ۱۹۹۰، که به قانون آموزش برای تمام کودکان معلول (Educatin fr All Handicapped Children معروف است آموزش همگنی رایگان را برای همه کودکان بالای پنج سال و همین طور کودکان سه تا پنج سال سنه به وفورین ابائی اجباری اعلام میکند. پیش از نیمی از قوانین ابائی (قانون ۱۹۷۷) به آموزش کودکان معلول سه تاپنج ساله اهمیت دادهاند و مقدمات را برای برنامههای اجباری یا اختیاری فراهم ساختهاند.

در این قسمت، شرایط معلولیت به صورت گروههای زیر شرح داده میشوند: اختلال شنوایی (hearing impairment)، اختلال بنایی (Visual impairment)، عقب ماندگی ذهنی (mental retardatin)، اختلال عاطفی (emintal disturbance)، ناتوانیهائی یادگیری ویژه (specific learning disabilities)، و اختلال گفتشاری و زبانی (speech andlanguage impairment). برای هر یک از شرایط معلولیت، شاههها و اثراتی مورد توجه قرار گته. است الفیاس شده از اثر (Lerner, مارادل چرمنوگسکی (Mardel-Czudnwski, گرلند،تد،گ ۱۹۸۱ ، Gidenberg, باتن،Patn)، پین،J.S.Payne , Kaufman, براون،B.rwn , و پین،R.A. ، ۱۹۸۷ ، Payne, R.A. ، و پین،R.A Bailey و والری،۱۹۸۲ ،Wiery.) این قسمت با بحث بیشتر در مورد مواد قانون همگنی ۹۹- ۱۹۹۰ و با ملاحظه مقولههائی در ارتباط با سابقه باطنی هاگنی پایان میابد.

اختلال شنوایی شاهههائی اختلال شنوایی ممکن است بر حسب شدت اختلال و سن کودک بارز یا مبهم باشد. اختلال شنوایی کودکان را باید در صورتی احتمال داد که به حدی ابائی یا افراد مجاور وقتی که بیشنناخ به آنان پاسخ ندهند زود صورتی که پیش از فهمیدن دستورالعملها نیاز به نمایش دادن داشته باشند. زود صورتی که دروشن صحبت نکنند زود صورتی که به طور مداوم بلندتر یا آهسته تر از معمول صحبت کنند. زود صورتی که آنان به حرکت لبها وولالت چوه شادسپار توجه کند. زود صورتی که آنان دچار مقولههائی گروشی، حساسیتها یا مقولههائی دستگاه تنفسی فوقانی باشند. زود در بصورتی که قب به تب مصلحنکه، سرخکنه، منوریت یا آسیب شدید در ناحیه سر دچار شده باشند.

همگنی که اختلال شنوایی احتمال مهرد، پزشکان با متخصصان شنوایی مسج تجهیزات ویژههای را به منظور سنجش بلندی و زیو بی سدهایی که بیک کودک متیرانه بشنود، به کار میبرند. هر نقص شنوایی ممکن است به درجت گوناگون ازشدت تا خفیف متغیر باشد. کودکانی که دچار شدیدترین درجه اختلال هستند، ناشنوا (deaf)نابیده میشوند و قادر به درک گفتار حتی با وسایل شنیداری تقویت کننده نیستند. کودکانی که دچار اختلال شنوایی خفیفتری هستند، ممکن است ا حدی گفتار را درک کنند و وسایل شنوایی به درک آنان کمک کند.

کودکانی که شنوایی خود را پیش از رشد گفتار و نیز زبانشان از دست میدهند و وهی در مورد یاد شده تأخیر نشان میدهند. مریان ویژه معقدند؛ کودکانی که میتوانند از وسایل شنوایی استفاده کنند باید هر چه زودتر از آنان کار را کنند. ولی چه از وسایل شنوایی استفاده کنند و چه نکنند، کودکان دچار اختلالات شنوایی و خاوروههانشان لازم است که با مریان ویژه خود، برای انتخاب بیک نظام ارتباطی مناسب همکاری داشته باشند. اختیارات آنان شامل استفاده از زبان اشاره، گفتار، لب خوانی، املائی گفتش، و ترکیبات گوناگونی از این روشهاست.

نابل ۱۲- ۲: نمونههای کودکان معلول؛ قانون همگنی ۹۹- ۱۹۹۰

قانون همگنی ۹۹- ۱۹۹۰ دسهههائی کودکان معلول را بر شرح زیر تعریف میکند؛ ناشنوا کودکي دچار اختلال شدید شنوایی است که در پردازش اطلاعات زبانی در خلال شنیدن ، چه با تقویت کننده و بدون آن، دچار اختلال میشود که خود تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آموزشی وی دارد.

ناشنوا: نابیهی کودکي با هردو اختلال شنوایی و بنایی است که ازترکیب آن دو چنان ارتباط دشوار و مشکلات رشدی و آموزشی دیگری بدید میآید که چنین کودکي را نمیتوان در برنامههای آموزشی که به تنهایی ویژه کودکان ناشنوا یا بنیامست شرکت داد. سگین گروشی یعنی کودکي با اختلال شنوایی مداوم یا متغیر که این اختلال بر عملکرد آموزشی کودک تأثیر نامطلوبی میگذازد ولی در این قسمت از کتاب در زیر تعریف ناشنوا قرار نمانگردد.

عقب مانده ذهنی کودکي را گویند که عملکرد وی زود حد متوسط عملکرد فکری عمو است که با تقابلی در رفتار تطبیقی توأم است و در طی دوره رشد ظاهر میشود که بر عملکرد آموزشی کودک تأثیر نامطلوبی میگازد.

چند مقولیتی کودکي با مجموعههای از اختلالات (تغیر عقب ماندگی ذهنی و بنایی)، عقب ماندگی ذهنی و شنوایی استخوانی، و قیریه است که ترکیب اختلالات یاد شده چنان مشکلات آموزشی به بار میآورد که این کودک را نمیتوان در بیک همگنی از برنامههای آموزشی که به تنهایی ویژه کودکان مبتلا به این اختلالات است، شرکت داد. این اصطلاح شامل کودکان ناشنوا-نابیهی نشنولو.

دچار ناهمی استخوانی کودکي با ناهمی استخوانی شدید است که این ناهمی بر عملکرد آموزشی کودک تأثیر نامطلوب میگازد. این اصطلاح اختلالات ناشی از کوزجینی مادرزادی (تغیر بای چندان، فقدان بیک عضو وقیرم) و اختلالات ناشی از بیماری (تغیر قطع افضال، مسل استخوان و غیرم) و اختلالات ناشی از سایر علل را (تغیر قطع مغزی، قطع عضو و کشکنگی، یا سوختگیهایی که سبب نقیاض مامههها میشوند) در بر میگردد.

دچار اختلالات دیگر تندرستی به کودکي گویند که دارای توانایی، شادایی، یا هوشیاری محدودی است به دلیل مشکلات جسمی یا حاد تندرستی نظیر عارضه قلبی، سل، تب دوامتیسی، التهاب کلیه، آسم ، کم خونی ارثی که در آن هموگلوبینهائی خون داسی شکل میگردند، هوبلی، ضرع، مسومیت سرپی، سرطانات خون یا دیابت که تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آموزشی کودک کوبی بانی میگازد.

دچار اختلال عاطفی شدید، به کودکي با وضعیتی گویند که بیک یا چند خصوصیت زیر را در طی مدت زمان درازی تا حد معینی بروز میدهد. که تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آموزشی او دارد (الف) عدم توانایی یادگیری، که آن را نمیتوان با عوامل هوشی، حسی یا سلامت توضیح داد، (ب) ناتوانی در ایجاد یا برقراری روابط بین فردی رضایت بخش با همسالان و معلمان، (ج) انواع نامناسب رفتار یا احساسات تحت شرایط بهنجار، (د) حالت فرارگیر غم یا افسردگی، یا (ها) گرایش به رشد نشانهای بدنی یا فزهایی که همراه با مشکلات شخصی و آموزشی هستند. این اصطلاح کودکان اسکیزوفرنیک یا در عود مانده را در بر میگردد ولی در مورد کودکانی که بند سازگاری اجتماعی دارند به کار نمیروند، مگر این که معلوم شود که آنان دچار اختلال عاطفی شدهاند. توانی یادگیری ویژه اختلالی است در بیک یا چند فرایند روان شناختی اصلی که به درک، کاربرد زبان گفتاری و نوشتاری مربوط است که ممکن است به صورت توانایی نقص در زمینه گوش دادن، فکر کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، حتی کردن، با انجام محاسبات زبانی، بروز کند. این اصطلاح عوارضی همچون عقب مانده گیهای ادراکی، آسیب مغزی، جدافل عملکرد نقص مغز، خواش پریشی، و زبان پریشی رشدی را در بر دارد. این اصطلاح کودکانی را در بر نمیگیرد که دچار مشکلات یادگیری هستند که در اصل ناشی از مقولهههایی بنیایی، شنوایی، حرکی یا از طرف ماندگی ذهنی، یا به دلیل محرومیت محیط، فرهنگ یا اقتصادی هستند.

دچار اختلال گفتاری به کودکي دارای اختلال رفتاری نظیر لکت، زبان، تولید نقض کلام، نقض زبانی، نقض صوتی گویند، که تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آموزشی او میگازد.

معلول بنایی به کودکي دچار نقض بنایی گویند که حتی در صورت تصحیح دید، باید، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آموزشی او بانی میاند. این اصطلاح هم کودکان نابیه و هم نیمه بینا را در بر میگردد. (دفع آموزش و پرورش ایالات متحده، ۱۹۷۷).

این کودکان طبق تعریف ارائه شده از سوی قانون همگنی ۹۹- ۱۹۹۰ شناویند.

به منظور کنترل اختلال شنوایی، پزشکان و شنوایی سنجان تجهیزات ویژههای را برای اندازهگیری بلندی و زیو بی سدهایی که کودک میشود به کار میبرند.

اختلال بنایی

نشانههای رفتاری اختلال بنایی شامل دوبینی، مایلید چشمها، دشواری در تشخیص قاصه، پوشاندن بک چشم برای دیدن چیزی و گیم کردن خط در هنگام خواندن است. کودکان ممکن است چشمهای پوسه دار، قرمز یا اشکبار داشته باشند، به درو حساس باشند و سر درد و سرگیجه داشته باشند، حتی با نبودن چنین نشانههایی، اجنسی پیشگیری از نابینایی Society fr Preventin

Blindness، مانده چشم از تمام کودکان سه تا پنج ساله را توصیه میکند.

اختلال بینایی از عوارض متوسط گرفته تا نابینایی **blindness** را در بر می‌گیرد.
خاصیتی که دچار این اختلال است چیزی را که شخصی با دید طبیعی می‌تواند در دویست فوتی [شصت متر] ببیند، در فاصله سیست فوتی [شش متر] خواهد دید.
کودکان با هر درجه اختلال بینایی که باشد باید تحت پریشک پریشک باشند.

کودکان نابینا ممکن است عادات مناسیری را بروز دهند، نظیر داخل کردن انگشتان بندر چشم، نکلان دادن خود، و در آوردن صداهای عجیب. این رفتارها معمولاً زمانی کاهش می‌یابند که کودکان راهنمایی شوند تحریکاتی از حواس دیگر خود دریافت کنند.
تمام کودکانی که دچار اختلال بینابیناند، نسبت به کودکان دیگر توانایی محدودتری برای کسب تجربه دارند، بنابراین ممکن است در حرکات خود فاقد اطمینان باشند و در پیدا کردن تصور جسمی کند باشند. این کودکان به کمک احتیاج دارند تا برای کارش محیط خود به جای شیوههای دیداری شیوههای دیگری یابند و با وجود وضعیت بدنی خاص خود راحت و آموده باشند.
بعدها وقتی آموادگی آنان برای آموزش خواناتر فراهم میشود، کودکان دارای نقص بینایی غالباً با به کنایهایی با حرف تایی درست احتیاج پیدا میکنند یا کنایهایی به خط بریل.

عطب ماندگی ذهنی

تعریف عطب ماندگی ذهنی یاخراب عملکرد فکری پایین (که معمولاً باژبانههای هوش منتهیده میشود) و نیز نارسایی عملکرد در میان گروه هر دو را در بر می‌گیرد.
کودکانی که نمیتوانند ازهمه تکالیف مندرجه برآیند ولی مهارتهای خود بارانه و مسؤولیتهای اجتماعی مناسبی را از خود نشان میدهند، در تعریف عقلی به عنوان عطب مانده ذهنی به شمار نمیآیند.
نشانههای عطب ماندگی ذهنی شامل تأخیر کلی در دلی به اعلام رشدی، کنیدی در مهار کردن بدنه، و مشکلات مربوط به رشد زبانی، مفاهیم گفتاری، و اتفاق اجتماعی است.
کودکانی که دچار اختلال ذهنی شده‌اند، غالباً در حیطهٔ شناخته میشوند اما کودکان مبتلا به عطب ماندگی حیطهٔ تا سازهایی نخستین مدرسه قابل شناسایی نیستند.
اثرات عطب ماندگی ذهنی بر حسب شدت اختلال فرده متفاوت است. در سازهایی نخستین مدرسه این کودکان در برابر محیطهای محرک و منسجم پاسخ کامل میدهند. آنان به تکرار فراوان وظایف یادگیری نیاز دارند و با اشیای واقعی بهتر از نمادها یا تصاویر کار میکنند.

اختلال عاطفی

اختلال عاطفی زمانی پدید می‌آید که کودکان در تضاد با خود یا دیگران هستند.
نشانههای آن رفتارهایی نظیر غصه، افسردگی، غم، گوشه‌نشینی، فقدان روابط بین فردی رضایت بخش یا بزرگسالان و مسالمانه، و جنایی یا هر رفتار نامناسب دیگر را در بر دو می‌گیرد.
غالباً نوعی فقدان موفقیت تحصیلی و اجتماعی به چشم می‌خورد که نسبتوان آن را به عوامل فکری یا عوامل دیگر نسبت داد.
این کودکان رفتارهایی نااینهاجر و مهارتهای ضعیف کنار آمدن را در مدت زمان قابل توجهی از خود نشان میدهند.
کودکان دارای اختلال عاطفی را به دشواری میتوان اداره کرد. اثرات اختلال عاطفی به اندازه نشانههای آن گوناگون است.عطب کودکان دارای اختلال عاطفی به فرصتهای مطمینی برای یادگیری مهارتهای اجتماعی واستفاده از آنها در ارتباط با بزرگسالان و کودکان نیاز دارند. آنان وخانواده‌هایشان به خدمات حمایتی گوناگونی احتیاج دارند.

تواناییهای یادگیری ویژه

تازه‌ترین مقوله مربوط به عوارض معلولیت که تعریف شده است توانیهای یادگیری ویژه نام دارد.
کودکان دچار توانیهای یادگیری ویژه دشواریهای زیادی در یادگیری دارند. ولی از نظر سایر خدمات آموزشی ویژه وراحت شرط نیستند. این کودکان از تسلط بر مهارتهای تحصیلی نظیر خواندن، حساب، زبان یا نوشتن ناتوانند ولی از نظر بنیایی، شنوایی، یا فرایندهای ذهنی عمومی دچار اختلال نیستند و دچار اختلال عاطفی نیز نیستند. برخی عملکردهای عقلی ضعیف شناختی یا مشکلات مربوط به دستگاه بصری بر یکی ممو فرض میشود، ولی چنین عملکردهای نقصی را به دشواری یا ممانعت پریشک میتوان تشخیص داد.
اثرات توانیهای یادگیری ویژه فراتر از موفقیت تحصیلی گسترش مییابند زامن عزت نفس کودکان میتواند تحلیل رود.
کودکانی که سخت تلاش میکنند ولی موفق نمیشوند بتدریج خود را شکست خورده و بازنده میدانند.
کودکانی که مشکلات یادگیری دارند باید زود شناخته شوند و با برنامههایی که برای رفع نیازهای آنان به طور فردی تنظیم شده است، آموزش آیند.

اختلال گفتاری و زبانی

اختلال گفتاری زمانی وجود دارد که الگوهای صحبت کردن کودکان در فرایند ارتباط اختلال ایجاد میکند.
انواع اختلال گفتاری شامل اختلالات تولید گفتار که در آن کودکان آواهای گفتار را اضافه، حذف، تحریف یا جانشینی میکنند باختلالات صوتی که در آن کودکان زود و بیسی، کیفیت، و شدت غیر عادی به کار میبرند و نارساییهای زبنی، شامل لگنت زبان، وقفه، یا تکرارهاست.
اختلال زبانی زمانی پیش میآید که زبان و ساخت جمله با تأخیر ظاهر میشوند یا محدودیت دارند.
کودکان دارای اختلالات گفتاری و زبانی ممکن است ازاین که قادر به ارتباط کامل یا دیگران نیستند احساس پاش کنند.
انگهی آنان به ارتباط غیر کاملی نظایرتهای ظریف معنایی که آنان میوانند اتفاق کنند محدود میشود.
کودکان دارای اختلالات گفتاری و زبانی به تشخیص و درمان اولیهایی نیاز دارند تا به توان کامل خویش نایل آیند.

قانون همگانی ۴۴–۱۲۲

قانون همگانی ۴۴– ۱۲۲، قانون آموزش برای تمام کودکان معلول، اقوام آور میباشد که آموزش همگانی آزاد برای تمام کودکان سه تا بیست و یک ساله فراهم شود.
یکصد همده این قانون گسترش برنامه آموزش فردی **individualized educatin program** IEP) برای تمام کودکانی است که به عنوان معلول شناخته میشوند.
برنامه آموزش فردی باید اطلاعات زیر را شامل گردد:
بیان سطوح کنونی عملکرد آموزشی کودک
تعیان اهداف سالانه، شامل مقاصد کوتاه مدت
تعیان آموزش ویژه و خدماتی که باید تأمین شود و هزینه‌های هر کودک
در برنامه‌های آموزش منظم شرکت خواهد کرد
بازبینیهای آفوق خدمات و مدت آن‌ها
روشنی از شیوهایی و برنامه‌های درسی که معلوم میکنند آیا مقاصد کوتاه مدت حاصل شده‌اند
(دفتر آموزش ایالات متحده، ۱۹۷۷).

برنامه آموزش فردی توسط معلم کودک یا همگاری یک معلم ویژه، والدین، و باخضا سایر مراجم برنامه‌ریزی میشود.
قانون همگانی ۴۴ – ۱۲۲ برای آموزش که تمام آزمونها به زبان کودک انجام شود و فرایند حقوق **due process** یعنی حمایتی شامل دوره‌های قانونی به منظور حمایت از حقوق کودکان را فراهم میسازد. این حمایتها عبارتند از:
آزم کسب توافق والدین قبل ازاین که کودک از شیوهایی یا برای آموزش ویژه در نظر گرفته شود
حقوق والدین برای بازرسی تمام سوابق تحصیلی کودک، و آزم آگاه کردن والدین از تغییرات در زمینه شناسایی یا تعیین کلاس درسی او.

قانون همگانی ۴۴– ۱۲۲ مشخصان را معلوم میسازد که محیطی با کمترین محدودیت **least restrictive envirmen** را در هنگام تعیین کلاس درس برای کودکان معلول در نظر بگیرند.
فراهم ساختن این محیط با کمترین محدودیت طرحریری شد تا از چنداسازی کودکان معلول از کلاسهای همگانی مدرسه جلوگیری شود.
گاهی ولی نه همیشه، محیطی با کمترین محدودیت برای کودکی خاص کلاس عادی است
تأراهم ساختن خدمات آموزشی برای کودکان معلول در کلاسهای عادی قرار گرفتن در جریان عادی **mainstreaming** نام دارد.
برخی کودکان با عوارض معلولیت از خدمات آموزشی فرار گرفتن در جریان عادی بپرهزند میشوند، و دیگران به نوعی خدمات آموزشی نیاز دارند که تنها در کلاسهای ویژه فراهم میشود.
گروه برنامه آموزش فردی با هم فعالیت میکنند تا کلاس مناسب برای هر کودک تعیین شود.

معلولتیا و سلبه فرهنگی

قانون ۴۴ – ۱۲۲ اقوام آور میباشد که ارزیابیهای تعیین کلاس برای آموزش ویژه از لحاظ فرهنگی مصفاشته باشد.
در گذشته، کلاسهای آموزش ویژه شامل چند دانش آموز بود که بنا به تعریفی که اینک در قانون همگانی ۴۴– ۱۲۲ از آن میشود، معلول به حساب نمیآمده‌اند ولی از لحاظ فرهنگی متفاوت با گروه اکثریت بودند.
در دهه ۱۹۷۰، دادخواستهایی ارائه شد که طی آن با راهلهای آزمونیه که در آن زمان به کار برشده، به مقایله پرداختند.
برای مثال، والد لاری بی طله رایلر یک دادخواست کلاسی بود که از طرف دانشآموزان سیاهپوست لاده شده بود، که در کلاسهای مربوط به کودکان عقب مانده ذهنی جای داده شده بودند در حالی که مسایشان نبود.
در دادخواست لاری بی به نفع مسایشان رای داده شد و این رای بحامیت دادگاه بالاتر مورد تأیید قرار گرفت.
در دادخواست مشابهی یعنی دادخواست ویانا طیف ایالت کالیفرنیا حل و فصل دادخواست کودکان اسپانیایی که در آن موضوعی مشابه دادخواست لاری بی مطرح شده بود رای به سازش خارج از دادگاه داده شد.

کلاسهای آموزش ویژه هیچ گاه برای دانشآموزانی که طبق تعریف قانونی همگانی ۴۴– ۱۲۲ معلول شناخته نمیشوند در نظر گرفته نشده است.
لکن کودکان اقلیت در برنامه‌های آموزش ویژه پیش از حد متوسط حضور دارند (دستیاران کلاس، ۱۹۸۰) و ممکن است جزئی از این سنأله نیز مربوط به راهلهای آزمایشی تعیینی آموز باشد.
بین و دیگران (۱۹۸۳) در مورد آزمونهای تعیین کلاس آموزش ویژه و دانشآموزان فرهنگی گوناگون نتیجه دو سهاله شدند.
نخست، بعضی آزمونها دارای معیارهایی هستند که از اکثریت گروه‌های سفید پوست و طبقه متوسط به دست آمده است
تأین معیارها برای استفاده کودکان سایر گروه‌ها بهتر نیستند.
دوم، در برخی آزمونها سهکاهی زبانی به کار میرود یا اطلاعات لازم است که نوعاً مربوط به گروه اکثریت است و نه لزوماً مربوط به فرهنگهای اقلیت.
نموده این مسأله دوم مربوط است به آزمون پیشرفت فردی بی سادی **Peabody Individual Achievement Test (PIAT)**.
این مسأله که نما آخرین واگهی در یک فشار باریتری را چه مناسیم؟! به منظور ارزیابی اطلاعات عمومی به کار میرود ولی برای کودکان جاهایی نظیر آسیای جنوب شرقی یا هاونی باخما فر صفاشته است.
تعیین کلاس آموزش ویژه برای دانشآموزانی یا فرهنگهای گوناگون که نتوانیهای آنان مطابق قانون همگانی ۴۴– ۱۲۲ تعریف شده است، مناسب است، ولی شناسایی مصفاشته این کودکان به ارزیابیهای غیر تبعیض آمیزی نیاز دارد که با حساب انجام شوند.

تألیف—آزمایشیهای برای نیهایندنگتهایی کودکان درباره معلولان

کنایهایی که کودکان بخوانند یا برایشان خوانده میشود، میتواند درک آنان را از شرایط معلولیت آسان سازد.
این کنایها از دیدگاهی آزمایی کودکان معلول را به عنوان درککنندهگان فعال و نه مشاهده گران صرف و نیز افرادی چند جنبه‌ای نشان میدهند.
یک بعد، معلولیت آهامت ولی این معلولیت تمام وجودشان را در بر نمیگیرد.
برخی کنایه‌های عالی کودکان در باره معلولت به شرح زیر است:
مفده‌ای بی نظارنها
دچار نقص شنوایی
قلع معزی
دچار معلولت جسمی
دچار معلولت ذهنی
دچار ناتوانی یادگیری
چند مؤلریش "**Adapted fr "Teaching Children abut Differences. Resources fr Teaching Children** by M. Sapshevin, ۱۰۳, Yung Children, ۳۰,pp. ۲۳۳. Copyright ۱۰۳ by the Natinal Assciatin fre the Educatin Yung Children. Adapted by Permission

تشکیل تصور جسمی مثبت

در سازهایی نخستین مدرسه، تصور کودکان از جسمشان متأثر از عوامل چندی است که از جمله میتوان از فرونگاری، جنسیت، وجدانیت نام برد.
با درک این تأثیرات، والدین میتوانند کودکانشان را در پیدا کردن احساس مثبت در باره خود و جسمشان یاری دهند.

فزونکاری

چیف نشن سنأله، ظاهراً در کلاسنش تأثماً در حال جنیند است، وقتی که به او کاغذ نوشتن میدهند، حرف اول نامش را خیلی با فشار میوسد.
آن قدر با فشار که کاغذ را پاره میکند.
سروصدای گروه مجبورش توجه او را به خود جلب میکند و او به جمع آنان میبویند در حالی که سروصدای همه را در میآورد و وقتی معلم او را از گروه جدا میکند، جف ابتدا میخندد و سپس با شت ولنگد

سنجش بینایی **visin screening** بسیاری از تجربیات یادگیری در سالهای نخستین مدرسه از نوع دیداری هستند، و مشکلات ظریفی که از نظر بنیادی وجود دارد می‌تواند بر توانایی کودکان اثر گذارد. با استفاده از صفحه معرفی به نام صفحه اسنل **Snellenchart** سنجش بینایی تنها در فاصله بیست فوتی آنتش متری | انجام میشود و زود عین حال که صفحه اسنل اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد بعضی از مشکلات دیداری را که سبب بروز مسایل خواندن و جز آن میشود مشخص نسیازد یکی از مشکلات نوع بالا را میتوان تازینی است که در آن یک چشم کودک دید کامل دارد و چشم دیگری مشخص ضعیف. تازینی از زمانی آغاز میشود که کودک تنها از چشم فویض استفاده میکند و نه از چشم ضعیفش. در صورتی که معامله نشود ممکن است کودک بیناییاش را برای همیشه از دست بدهد. تازینی را میتوان با شیوه ساده سنجه بینایی که در آن یک چشم را می‌بنداند تا دید چشم دیگر را امتحان کنند تشخیص داد. این شیوه را والدین یا داورلبان گروههای انجمنی که توسط متخصصان مناطق بهداشت محلی یا در اجنن پیشگیری از نابینایی آموزش دیده‌اند می‌توانند به کار بندند. برای این که بهترین نتیجه به دست آید باید شیوه یاد شده زود انجام شود و معامله باید تا چهار سالگی آغاز شود.

حتی مشکلات بینایی ظریف دیگری در مبتنان را کهسک چشم پزشکنتی که در زمینه رشد بینایی کودکان آموزش دیده‌اند تشخیص داد آنان گسره وسیعی از مهارتهای عملکرد بینایی را از جمله دنبال کردن اشیای متحرک، تمرکز بختن، همکاری در هنگام نگاه کردن به اشیای نزدیک، ادراک عمق، وقت باینی در فواصل دور و نزدیک، و دامنه قابلیت خواندن را بررسی میکند. این چشم پزشکان همچنین ممکن است توازن، هماهنگی، ادراک فضایی و نیز شکل و زمینه را تحقیق کنند(ایمز، گلبسی، هیز، والکتک، ۱۹۷۹). با انجام بررسی کامل رفتار بینایی کودکان، چشم پزشکان رشد قوه بینایی می‌توانند نخست تعیین کنند که آیا کودکان سالمه بینایی خاصی دارند که بر عملکرد تحضیلی آنان اثر میگذارد و سپس درمان لازم را انجام دهند.

تناسب بدنی (**fitness**)

کودکان در سالهای نخستین مدرسه غالباً به طور مداوم در حال حرکت به سر میروند. در گذشته بسیاری از امریان تصور میکردند که انجام بازیها پایه تناسب بدنی کودکان برای بعدامت. ولی اینک معلوم شده است که آموزش تناسب بدنی به کودکان نیز باید جزئی از برنامه درسی رسمی و غیر رسمی را تشکیل دهد. میوان همان گونه که کودک بازی میکند، آموزشهای در مورد بدن، شرطی سازی و نقش ورزش برای یک عمر تناسب بدنی را به آنان آموخت. تعریف تناسب بدنی شامل شش مؤلفه است: تیر، توان، استقامت عضلانی، استقامت قلبی - عروقی، انعطاف پذیری، و چگالی بدن است (کاربردهای عملی تحقیقات، ۱۹۸۳). قدرت به توانایی افعال تیرو گویند. توان، افعال اعمالی تیروی قابل توجه در طی دورههای بسیار کوتاه را گویند. استقامت عضلانی عبارت است از توانایی افعال تیرو به طور مداوم در طول دورههای طولانی. استقامت قلبی - عروقی به توانایی ششها، قلب و دستگاه گردش خون جهت انتقال اکسیژن و مواد غذایی به سلولهای بدن مربوط میشود. انعطاف پذیری عبارت است از توانایی حرکت مفاصل در محدوده کامل سلسله حرکات مفادی آنان. چگالی بدن عبارت است از نسبت سلولهای چربی بدن به سلولهای دیگر بدن.

نیل به تناسب بدنی امری فردی است که مستمرن تمرین برای بهبود سطوح شش مؤلفههای است که در بالا، تشریح شد. نتایج برنامههای تناسب بدنی باید براساس تئیراتی که در طی زمان در کودکان خاصی دیده میآید مورد توجه قرار گیرد. مؤلفیه کودکان با هم معتر به شمار نمیروند.

کودکان با شرکت در برنامههای تناسب بدنی در میانه که هر کسی می‌تواند با تلاش فراوان روانه‌گی خود را پرورش دهد. آنان از عشق تناسب بدنی در کاهش میزان بعضی از بیماریهای فرساینده و بهبود کیفیت و شادی زندگی خود آگاه میشوند. فعالیتهای شرطی سازی برای کودکان نسبتاً فشرده است و حداقل در هر هفته سه بار انجام میشود و به مدت سی تا چهل دقیقه طول میکشد. کودکان می‌توانند خیران قلب خود را اندازه گیرند تا از ورزش حداکثر بهره را ببرند و با انواع ورزش آشنا شوند تا بتوانند در سالهای آینده از آن لذت ببرند.

ایمنی

کودکان در سالهای نخستین مدرسه تا سن چهارده سالگی، دورهای سر میهنند که کمترین میزان مرگ و میر را در فاصله تولد تا سیست و چهار سالگی

تالیو ۱۲–۵ استراتژیهای برای تسهیل رشد:

آموزش قواعد ایمنی صلب سرخ امریکا **American Red Crss** مواد برنامه درسی را برای آموزش ایمنی به کودکان در سالهای نخستین مدرسه ارائه داده است (رایتیز ۱۹۸۳، Rbbins). این مواد معلمان را در برنامه‌ریزی تجربیات یادگیری برای عبود رفتار، درک و نگرشهای کودکان خرسال در مورد ایمنی یاری میدهد. در اینجا مثالهایی از فعالیتهای پیشنهادی آمده است. کارتنههایی بسازید که قواعد ایمنی برای سوار شدن به اتومبیل را نشان دهد. پرسترهای تهیه کنید که قواعد اتوبوس مدرسه را نشان دهد و آن را روی تخته اطلاعات یا در اتوبوسهای مدرسه نمایش دهید. موقعیتهای عبوری ایجاب و نتایج آن را نمایش دهید. تعدادی عروسکهای خیمه شب بازی درست کنید و نمایش از عروسکهای خیمه شب بازی در زمینه قدم زدن و سوار شدن بدون خطر اجرا کنید.

خطراتی را که قدم زدن و سوار شدن بی خطر را تهدید میکند مشخص کنید.ویگردید که نحوه اجتناب از آنها چیست.

دستها و انگشترهای زرد روشن را تهیه کنید که والدان‌گان فوراً آنها را ببینند.

علامه رواندگی را ایجاد کنید و آن‌ها در مورد ایمانی نقش در موقعیتهای ایمنی استفاده کنید.

سرودها و بازیهای در مورد ایمنی تهیه کنید.

سفرهای طنمی به جاهایی که به تمرینات بی خطر وارتقای سطح طنمی مربوط میشود ترتیب دهید.

تجربه بستن و باز کردن کمربند ایمنی را نشان دهید.

قواعد ایمنی دوچرخه را نشان دهید. (رایتیز ۱۹۸۳، ۳۳–۳۲)برای کتب اطلاعات بیشتر در باره برنامه درسی در زمینه ایمنی به فصل محلی مربوط به صلب سرخ آمریکا مراجعه کنید.

Adapted frm "American Red Crss Teaches Safety Rules t Children" by E. Rbbins, ۱۹۸۳, Day by Permision
Care and Early Educatin, ۱۱ pp. ۳۳-۳۳. Cpyright ۱۹۸۳ by Human Sciences press, Inc.

دور دارد. طبق گزارش دفتر سرشماری ایالات متحده ۱۹۸۲ (U. S. Bureau f the Census)، کودکان در این دوره بسیاری از بیماریهای دوره اولیه کودکی و تولد نطفه را با موفقیت پشت سر میگذارند و هنوز در ردیف سنی بالاتر قرار نگرفته‌اند که دستخوش حوادث مربوط به کار و وسایل نقلیه شوند. در عین حال، در سالهای نخستین مدرسه، عده مرگ و میر را حوادث تشکلی میدهد که بیش از نیمی از آمار مرگ و میر را در بر میگیرد (دفتر سرشماری ایالات متحده، ۱۹۸۲). آموزش ایمنی در خانها و مدارس باید اولویت بالایی داشته باشد.

به دلیل این که کودکان در سالهای نخستین مدرسه در سطح وسیعی حرکت و فعالیت دارند، به آموزش ایمنی پروژه در خانه، مدرسه، و اجتماع بزرگ نیازمندند. کودکان به راهنمایی و نظارت مداوم نیاز دارند تا در خانه و مدرسه آگاه از خطرات باشند و به عنوان غار پیاده، دوچرخه سوار، سرنشین اتوبوس و وسایل نقلیه عمومی فردی مسؤول باشند. متخصصان محیط اجتماع نظیر آتش نشانها و افسران پلیس می‌توانند برای آگاهی و ایمنی کودکان کمک موتری باشند.

خلاصه

۱. کودکان در طول سالهای نخستین مدرسه بسیاری از توشیهای بدنی تازه را روشن دهند.

۲. در مهارتهای مربوط به ماهیچههای بزرگ، کودکان چهار تاهشت ساله در زمینه حفظ تعادل، راه رفتن روی یک پا، جهیدن، دویدن، و پریدن بهتر عمل میکنند.

۳. در مهارتهای مربوط به ماهیچههای کوچک، کودکان در دست یافتن، چنگ زدن، و دستکاری اشیای نخر کسب میکنند.

۴. از چهار تا هشت سالگی، کودکان کنترل ابرازهای نوشتن و نقلای کردن را یاد میگیرند و به نقلایبسته خود جزئیات قابل توجهی را میافزایند.

۵. یکپارچگی ادراکی حرکتی از مهار کردن کپل بدن گرفته تا مهار کردن دست و بازو و تا هماهنگ ساختن چشم و دست ارتقا مییابد.

۶. دختران در نیل به ملائیم جسمی، ویژه علامتی که استفاده از مهارتهای مربوط به ماهیچههای کوچک مطرح است، قدری از پسران پیشی میگیرند. ۷. رشد کودکان در سالهای نخستین مدرسه متأثر از شرایط مغربی نظیر نفس شنوایی، نفس بینایی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال عاطفی، ناتوانیهای ویژه یادگیری، و نقص گفتاری و زبانی است.

۸. قانون همگانی ۹۴–۱۹۳۳، الزام آورد میسازد که آموزش همگانی آزاد برای تمام کودکان، حتی کودکان معلول بین سه تا سیست و یک سالگی، فراهم شود.

۹. کودکان با سوابق فرهنگی اقطنایی پیش از حد متوسط در کلاسههای آموزش ویژه حضور مییابند، برای تعیین این که کدام کودکان به این خدمات نیازمندند، اززمینای غیر تبعیض آمیزی لازم است. ۱۰. فزونکاری، جسیت، و جذابیت بر تصورات جسمی کودکان تأثیر میگذارد.

۱۱. کودکان فزونکار، غالباً باهوشند ولی قدرت تمرکز و یادگیری ندارند و با تغییر برنامه غذایی، تغیر محیط و مصرف دارو معامله میشوند.

۱۲. به منظور پاسخ به سوالات نهان و آشکار کودکان باید زمینه آموزش جنسی فراهم شود. همچین باید ایجاب از وقوع سوء استفاده جنسی که مشکل بزرگی است، آگاهی پیدا کنند.

۱۳. چادبه جنسی بر نحوه ادراک کودکان و بزرگسالان تأثیر میگذارد.

۱۴. با پنج یا شش سالگی، کودکان وارد دوهای می‌شوند که رشد آنان ثابت و همواره با افزایش احساسات، باید امکان انتخاب مواد غذایی را اربشان فراهم ساخت. عوامل محیطی واروی، هر دو در چگتی دوره کودکی مؤثرند.

۱۵. عایبه بدنی، مراقبت از دندانها، تشخیص قوه بینایی، جیبهای مهم مراقبت بهداشتی را در سالهای نخستین مدرسه تشکیل میدهند.

۱۶. باید به تناسب بدنی توجه خاصی ابراز شود؛ به منظور افزایش سطح قدرت، توان، استقامت عضلانی، استمات قلبی - عروقی، انعطاف پذیری، و حفظ درصده مناسب چگالی بدن تمرین فرود.

۱۷. حوادث علت عده مرگ و میر در سالهای نخستین مدرسه را تشکیل میدهد. آموزش ایمنی بسیار اهمیت دارد.

اطلاعات کلیدی

نادگاری مرحله خط خطی کردن اختلال شوایی عقب مانده گی ذهنی اختلال زاینیرحله تصویرگری نخستین نشوا اختلال عاطفی قانون همگانی ۱۳۹۴مرحله پیش طریض نقض بینایی ناتوانیهای یادگیری ویژه برنامه آموزش فردمرحله طرحی بینایی اختلال گفتاری فرایند حقوق قانونمحیط باکمترین محدودیت اختلال کمبود توجهفرا گرفتن در جریان عادی تدریبزیرتوانگار تناسب بدنی برای مطالعه بیشتر: Mvment Expliratin fr Yung Children. (۱۹۸۲). Mvement Expliratin fr Yung Children Handicapped Children Pattn, J.R, Payne, J.S., Kauffman, J.M., Brwn, G.B., Payne, R.A. (۱۹۸۷). Exceptional children in focus (۶th ed.). Clumbus, H. Merrill Sexual Abuse Cla, F., Hsansky, T. (۱۹۸۳). Yur Children shuld knw: Teach yur children the strategies that will keep them safe fr assaut and crime. Indianapolis: Bobbs Meril Freeman, L. Illustratins by C. Deach. (۱۹۸۲). It’s my bdy: A bk t teach yung children hw t

کرده‌اند.
نتایج پژوهشها همچنین آشکار ساخته است که کودکان شرکت کننده در طرح همدانترت در مقایسه با کودکان خانواده‌های کم درآمد که تجربه شرکت در طرح همدانترت را ندارند، از لحاظ سگهای شاخشی بیشتر تجربه آمیز عمل میکنند و کمتر از روی اجبار شرکت در طرح همدانترت رشد زبانی کودکان پروژه کودکان در زیاده را بهبود میکنند.
پیشرفت تحصیلی کودکان رابطه مثبتی با شرکت والدین در طرح همدانترت دارد.

پژوهشها همچنین نشان داده‌اند که خدمات غذایی مورد نیاز، معاینات بهداشتی، امین سازبها، مراقبت از دندانها، و درمان بهداشتی به طور مؤثر در اختیار کودکان شرکت کننده در طرح همدانترت قرار گرفته است (عالمی ۱۹۸۳).
به دلیل مشکلاتی غذایی ارائه شده، کودکان شرکت کننده در طرح هد استانترت، غالباً از لقه و روغن طبیی برخوردارند و در آزمایشهای بدنی موفق میشوند و در مقایسه با کودکان خانوادههای کم درآمد کمتر از مدرسه غیبت می کنند.
کودکان شرکت کننده در طرح همدانترت از لحاظ سطح هوشگویی، بهداشت دندانها، رشد عمومی بدنی و کنترل حرکات در طول حملهٔ همدانترت بهبود مییابد.
و سرانجام ، پژوهشها نشان داده است که برخی مزایای مثبت شرکت در طرح همدانترت به خانوادههای کودکان و به اجناعات آنها گسترش مییابد (عالمی ۱۹۸۳).
والدین به سبب شرکت فرزندانشان در برنامه همدانترت احساس رضایت عمومی از زندگی و اقتصاد به نفس بیشتری پیدا می کنند.
برنامههای همدانترت خانوادهها را با خدمات اجتماعی که در اجنماع ارائه میشود آشنا میسازد و ممکن است به افزایش شرکت والدین در مدارس دولتی بینجامد.

اتلاف برای مطالعات طولی- اتلاف برای مطالعات طولی در سال ۱۹۷۵ به منظور پاسخ به پرسشهایی در باره این که آیا برنامه آموزش نخستین اثرات بلند مدت معینی بر کودکان خانوادههای کم درآمد داشته است تشکیل شد. این اتلاف از تمام مطالعات عمده‌ای که با مقیاس وسیع در زمینه آموزش اولیه در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، به جز یک مورد، تشکیل شده است.
طرح آموزش اولیه، برنامه پیش دبستانی برزی، برنامه آموزش والدین نویابان و توپ گان گروندن، پنج روش دانشگاه ایلی نوری، تجربه لوئیس ویلا، مطالعه هارلو، طرح تبادل کلامی، محیط یادگیری در اجنماع کوچکتک، طرح نیولون، مطالعه فیلافلایما، زمینه مطالعه مطالعات رشد (کندری ۱۹۸۳ ، Cndry).

در تمام این برنامهها، کودکان در این برنامه (گروه آزمایشی) دقیقاً همانندگ با کودکانی انتخاب شده بودند که سوابق مشابهی داشتند ولی در برنامههای آموزش نخستین ثبت نام نکرده بودند.
براین اثرات رشد کودکان کم درآمد، گروه گروه، قابل مقایسه با رشد کودکانی بود که در برنامههای آموزش نخستین ثبت نام شده بودند.

شرکت کنندگان اتلاف در جمعاوری تحلیل اطلاعات مربوط به کودکان در هر دو گروه آزمایشی و گروه همگناری داشتند.
آنان دادههای اولیه خود را برای تحلیل مجدد ارسال داشتند، معارهای مشترکی را برای جمعاوری دادهها یعنی گذرشت دادند و دادههای اولیه و بعدی خود را برای تحلیل آماری مشترکاً ارائه دادند.
استقلال مطالعات جداگانه، این یافتهها را بسیار قابل اعتماد میسازد و آنها با تکرارهای چندگانه و مستقل دارای شایه آماری هستند (لازار ۱۹۸۳ ، Lazar).

این اتلاف نشانده است از بهترین اطلاعات موجود در مورد اثرات برنامههای آموزش نخستین بر کودکان خانوادههای کم درآمد خلاصه‌ای به دست دهد.
این اتلاف شواهدی متضاد کننده و معترس از نظر بوم شناختی فراهم ساخته است مبنی بر این که این برنامهها در تقویت زندگی کودکان خانوادههای کم درآمد در طی نوجوانی و جوانی مؤثر بوده‌اند (کندری ۱۹۸۳).
پژوهشهای گردآمده توسط این اتلاف این نتیجه را به اثبات رسانیده‌اند که برنامههای آموزش نخستین در صورت مناسب بودن، نثرات آزمون هوش کودکان خانوادههای کم درآمد را افزایش میدهند.
دادهها نشان میدهند که کودکان شرکت کننده در برنامه دارای امتیاز ضریب هوشی به میزان ۵۵ پیش از آغاز کلاس اول بودند.
علاوه براین، نثرات ضریب هوشی که کودکان خانوادههای کم درآمد و ثبت نام شده در برنامههای آموزش نخستین کسب کرده بودند تا سه یا چهار سال بعد از برنامه نیز همچنان دارای امتیاز بود (روسی Darlington، Ryce، دارلینگتون و موری Murray، H.W ، ۱۹۸۲).

کاربرد نثرات آزمون هوش در برنامههای آموزش نخستین بحث راکنگیز است، ولی با این نثرات میتوان موفقیت تحصیلی را پیش بینی کرد و نیز اساس مشکلی را برای ارزیابی رشد شاخصی فراهم ساخت.
پژوهشگران اتلاف گفتنیاند که احتمال سوگیری فرهنگی در مقایل برخی کودکان وجود ندارد، چرا که سوابق کودکان نسبتاً آموگن بوده است.
۴۶ درصد کودکان سیاه پوست و تقریباً همگی دارای درآمد پایین بودند (روسی، دارلینگتون، و موری ۱۹۸۳).

پژوهشهای دیگری از سوی این اتلاف نشان داده است که کودکانی ثبت نام شده در برنامههای آموزش نخستین در مقایسه با کودکان مشابه آنها از خانوادههای کم درآمد انگیزه موفقیت، توانش تحصیلی، وکسب تحصیلات خود را افزایش داده‌اند.
در سال

۱۹۶۶، همگنی که کودکان در سنین بین ده تا نوزده سال به سر میبردند، از آنان سؤال شد، «از چیزی بگریید که شما انجام داده‌اید و می‌ایستفازتان بوده است»
کودکان شرکت کننده در برنامه نسبت به کودکان گروه بیشتر مایل بودند که پاسخهایی در ارتباط با موفقیت تحصیلی بدهند.
کودکان شرکت کننده در برنامه تمایلی داشتند که با اشاره به موفقیت تحصیلی یا کاری خود پاسخ دهند، در حالی که کودکان گروه گروه تمایلی نداشتند.
براساس نتونهایی از رفتار توده‌نویسانه یا بدون هیچ جوابی پاسخ دهند، تأثیر هر شرکت کننده‌گان برنامه مخصوصاً بر بخران بین یازده و نوزده سال عمیق بود.
معلوم شد که مداران کودکان شرکت کننده در برنامه اشتیاق بیشتری نسبت به مداران کودکان گروه گروه و نیز خود کودکان شرکت کننده در برنامه نشان میدادند (روسی، دارلینگتون، و موری ۱۹۸۳).
دادههای اتلاف آشکار ساخته است که برنامههای آموزش نخستین توانش تحصیلی بعدی را بهبود

میشند.
پیشرفت در طی نظام مدرسه به عنوان مقیاس توانش کودکان در تطبیق با شرایط نقش در مدرسه مورد بررسی قرار گرفته است.
و مقوله شکست در قبول پیشرفت به عنوان شواهدی مبنی براین که دانش آموزان به بر آوردن انتظارات تحصیلی موفق نشوندند تعبیر نشده است؛
قرار گرفتن در کلاسهای آموزش ویژه و مردودی در کلاس، در تحلیل مربوط به سطح کلاس هفتم(هشت برنامه) و در زمان فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان (چهار برنامه)
کودکان شرکت کننده در برنامه کمتر در کلاسهای آموزش ویژه، جای داده میشوند یا در یک کلاس مردود میشوند.
در سطح کلاس هفتم، میزان متوسط اتقال به کلاسهای آموزش ویژه ۵۱۴ درصد برای کودکان شرکت کننده در برنامه و ۹۲۳ درصد برای کودکان گروه گروه گروه بود.
میزان مردودی در کلاس ۸۱۹ درصد برای کودکان شرکت کننده در برنامه و ۳۲ درصد برای کودکان گروه گروه بود.
در میان طوهای که با پایان دوره دبیرستان سوابقی داشتند، دو همگام دیگری سال ۱۹۸۰ یافتههای مشابهی وجود داشت.
کودکان ترک کتد در برنامه مدتهاً به اخذال بیشتری دوره دبیرستان خود را به اتمام رسانده‌اند.
وقتی عوامل مربوط به سوابق کنترل میشدند، تک

دادههای ارائه شده به اتلاف مورد تحلیل قرار گرفته تا تعیین شود که آیا انواع گوناگون برنامه‌های دارای اثرات گوناگون هستند.
در نتایج تحصیلی میان برنامههای آموزش نخستین که در مراکز و آنها که در خانهها تدریس میشد، هیچ تفاوتی وجود نداشت؛
و نتایج تحصیلی، تفاوتهای چشمگیری را در ارتباط با نوع برنامه درسی به کار رفته نشان نمیداد.
تمام برنامههای درسی در کاهش شکست تحصیلی موفقیت آمیز بودند و تمام برنامههای درسی مورد استفاده در برنامههای اتلاف از این که هیچ گونه برنامه آموزش نخستین وجود نداشته باشد بهتر بودند.
تحلیلی از دادهها دلالت بر آن دارد که تأثیر برنامه از طریق تلفیق پنج مؤلفه قابل افرایش است:
شروع مطالعه در اسرع وقت فراهم آوردن خدمات برای والدین علاوه بر کوچک مشکلاتی مکرر در خانه شرکت والدین در آموزش کودکان کم بودن تعداد شاگردان برای هر معلم (روسی، دارلینگتون، و موری ۱۹۸۳، ص ۳۲۲).

لازار (۱۹۸۳) Lazar این یافتهها را برای به دست آوردن سه مفهوم ضمنی گسترش داده است.
نخست، هزینه برنامههای آموزش نخستین با کاهش هزینههای خدمات آموزش ویژه جبران میشود.
دوم، تماس زندگی میان خانه و مدرسه مهمتر از حدی است که معمور درک میشود.
و سوم، جستجو برای برنامه درسی «کامل»، دوره اولیه یکوفکی احضا بهبوده است.
به نظر لازار (۱۹۸۳)، بسیاری از برنامههای درسی تا زمانی که معلمان دارای هدف باشند و برای تحقق آن بکوشند، عملی هستند.

برنامههایی برای کودکان برقه

یک مطالعه طولی در دانشگاه جوران برینگم طرح ریزی شده است تا به تأثیر ثبت نام تحصیلی بر کودکان امرقه، در فاصله ۴۲ هفتگی تا پنج سالگی بریزد (الارس Larsen ، دراپر Draper، و هاینت Hite,S.J ، ۱۹۸۲).
کودکان امرقه، به کسانی تعریف میشوند که والدین آنها از سطح بالای تیل به تحصیل و رفع درآمد متوسط برخوردارند.
تا این زمان، در پژوهشهای مربوط به کودکان دارای درآمد متوسط بر مقایسه برنامههای درسی تأکید شده است تا بر تأثیرات بلند مدت بر کودکان.
کودکان به طور اتفاقی انتخاب شدند تا در برنامه آموزش نخستین دانشگاه برینگم شرکت کنند.
کودکان ترک کتد در برنامه با کودکانی که تقاضا کرده بودند که شرکت داده شوند ولی به طور اتفاقی انتخاب نشده و در هیچ مدرسه یا مرکز مراقبت دیگری هم ثبت نام نکرده بودند، مقایسه شدند.

یافته اصلی حاصل از نخستین تحلیل کامل دادهها این بود که نثرات آزمونهای هوش با ثبت نام نخستین در مدرسه ارتباط داشت.
کودکان شرکت کننده در برنامه دارای متوسط ضریب هوشی ۷۱۳۱ بودند و کودکان مورد مقایسه دارای متوسط ضریب هوشی ۷۱۲۷ بودند.
این پدیده افزایش نوری ضریب هوشی که ناشی از حضور در برنامههای آموزشی نخستین است مشابه همان پدیده‌های است که در مطالعات کودکان خانوادههای کم درآمد مشاهده شده است.
پژوهشگران چنین بیانیدند که ثبت نام در مدرسه ممکن است مزایایی به نظری در پیش از پنج سالگی به وجود آورده، صرف نظر از این که محیط خانه دارای چه کیفیتی باشد (الارس، و هاینت، ۱۹۸۴).
همن آسن که پژوهشگران به بررسی این کودکان در طول سالهای دبستان ادامه میدهند، در مورد استمرار پیشرفتهای انجام شده توسط کودکان ترک کتد در برنامه دادههای فراهم خواهد آمد.

دادهها نشان میدهند که کودکان زیر پنج سال از تجربیات مثبت مدرسه برخوردار میشوند.

فراهم آسناد دادهها در زمینه اثرات آموزش نخستین بر روی کودکان مرفه جریان مباحث شدید را در مورد این که آیا کودکان خردسال باید علاوه بر خانه در مدارس نیز تحصیل کنند، نشانده است.
برتون وایت (۱۹۷۵ ، ۱۹۵۰)، مدیر مرکز آموزش والدین و مدیر سابق برنامه پیش دبستانی هاروارد، اظهار داشته است که اغلب برنامههای آموزش نخستین موفق توبعداند و این که اغلب کودکان بدون آنها بهتر عمل میکنند (دونوان، ۱۹۸۳ ، Dunvan).
در یک مصاحبه، وایت گفت، «شکاف موجود بین نظام مراقبت خانیشینی و شکل آرمایی مراقبت پیش از انداز، عمیق است» (دونوان، ۱۹۸۲).
وایت متذکر است که خانه برای کودکان مرفه زیر پنج سال جایی است که به احتمال زیاد باید در آنجا به نیازهای خود دست یابند.
به اندازه کافی به آنان ابراز محبت شود، بیدرنگ مورد توجه قرار گرفته و در اکثر مواقع به کسی دسترسی داشته باشند که آنان را دوست بدارد» (دونوان ۱۹۸۴).
دادههای دانشگاه جوران برینگم و جهانی دیگر همواره اطلاعاتی را در باره مزایای آموزش کودکان ترک کتد زیر پنج سال در محیط مدرسه، فراهم خواهد ساخت.

موفقیت تحصیلی

در سالهای نخستین مدرسه، عامل بسیار مهمی که بر رشد حس کوشایی تأثیر میگذارد، آن گونه که در فصل ۱۱ توصیف شده است، موفقیت تحصیلی است.
موفقیت تحصیلی به نوبه خود، متأثر از توانش اجتماعی و فکری، انگیزش، و حافظه است.

توانش اجتماعی و فکری

یکی از جالبترین تعاریف توانش اجتماعی و فکری در سالهای نخستین مدرسه از سوی پژوهشگران در دانشگاه هاروارد (وایت و واتس، ۱۹۷۳) ارائه شد و آن زمانی بود که آنان می کوشیدند به سؤال توانش آسانی در کودکان شش ساله چیست؟
پاسخ دهعد، پژوهشگران فهرستی از تواناییهایی را که ظاهراً کودکان دارای توانش کلی بالا را از کودکان دارای توانش پایین متمایز میساخت فراهم ساختند.

پژوهشگران مطالعه را با نمونه گسترده‌ای از چهار صد کودک که با سنین سه تا سیزده سال آغاز کردند، براساس مشاهدات گسترده و مستقلانه از سوی سبازده عضو اداری و معلمان کودکان کم براساس عملکرد کودکان در زمینه آزمون وکسلر Wechsler از آزمونهای دیگر، چهل و یک کودک به عنوان کودکانی که توانش بالا یا پایین داشتند مشخص شدند.
سیس این کودکان هر هفته برای مدت هشت ماه در مدرسه و خانه مورد مشاهده قرار گرفتند.
در پایان دوره مشاهده، دانشگان پیشترین و کمترین توانش اثر از دسترسه سیزده نفر) مشخص شدند.
طی یک بحث فشرده، پژوهشگران نتوجه تواناییهایی شدند که ظاهراً دو گروه را از هم متمایز میساخت، وایت و واتس (۱۹۷۳) دریافتند که کتایی که دارای توانش بالا تشخیص داده شده بودند نسبت به دیگران با احتمال بیشتری میوانستند:
۱- توجه بزرگسالان را به شیوه‌های مثبت جلب و حفظ کنند.
۲- از کمک بزرگسالان برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند.

۳-احساسات خود را نسبت به بزرگسالان و همسالان ابراز دارند.

^[1] رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

^[2] رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

۴- همانشان را هدایت و نیز از آنان بپروی کنند.

۵- با مسئولان وقت کنند.

۶- به دلیل بیشرقت در کارها افکار کنند.

۷- نقشهای بزرگسالان را بپذیرند.

۸- توانش زبانی خود را نشان دهند.

۹- توانش فکری خود را نشان دهندبه نقلها توجه کنند.

تأیج با پیش بینی کنند.

با ندادها و مقامیم کار کنند.

دیدگاههای دیگران را بپذیرند.

تقاضیهای جالبی را ارائه دهند.

طرحهای چند مرحله‌ای را ارائه دهند.اجرا کنند.

همزمان به دو چیز توجه کنند.

در سالهای نخستین مدرسه این توانشهای اجتماعی و فکری، به گرهشهای که معلمان و مشاهده‌گران مستقل تعریف میکنند، به عملکرد موفقیتاً نیز بستگی داشته است.

انگیزش

به منظور موفق شدن در مدرسه و خانه، کودکان باید بر محیط مسلط شوند. این میل درونی برای موثر واقع شدن، همواره با خصوصیات نظیر کنجکاوی و لذت یاب‌گری انگیزش درونی *intrinsic mbtavin* نامیده می‌شود. پیشنهاد شده است که سه نظریه - شناختی، توانشی، استعداد - شرایطی را توضیح می‌دهند که بر رشد انگیزش درونی در کودکان تأثیر می‌گذارد (گاتفرید، ۱۹۸۳ . Gttfried).

نظریه‌های شناختی برآنند که انگیزش درونی زمانی روی می‌دهد که کودکان می‌گویند تجربیات جدیدی را درک کنند. تجربیاتی که به طور مطلوب گویاگردد (تخلی غریب و نه خیلی آشنا) سبب می‌شوند که کودکان کنوش کنند و به تحقیق و تفکر بپردازند. نظریه پردازان شناختی معتقدند که انگیزش درونی از سوی کودکانی ابراز می‌شود که در معرض محیطی جالب و متنوع قرار گرفته باشند. آنان همچنین معتقدند که ویژگی‌های بی نظیر محیط توجه هر کودک را جلب میکند، چرا که تعداد شناختی مطلوب تنها در ارتباط با سطح درک جاری کودک می‌مین صورت میگیرد. به نظر پیژوه سایر نظریه پردازان شناختی، اعمال کودکان کاهش تعداد فکری ناشی از تجربیات جدید، می‌باشد. به پیشرفهای رشد شناختی منجر شود.

نظریه پردازان توانش نظریاتی براساس اطلاعات وایت (۱۹۹۹) که پیشنهاد کرد کودکان در تعامل با محیط میل فراوانی به موثر واقع شدن دارند، ارائه دادند. وایت معتقد بود که رفتارهای نظیر یادداری و کنوش گری شاخصهایی هستند از این که کودکان برای کسب توانش دارای انگیزه‌اند. طبق تحقیقات نظریه پردازان توانش، کودکانی که به نسلط دست می‌یابند احساس میکنند که فری مؤثرند و این احساس مؤثر بودن بک انگیزه درونی به شمار می‌آید (هارتر، ۱۹۷۵ Harter).

نظریه پردازان استعداد پر ادراکات کودکان از علی رفتارشان تأکید می‌وزنند. پژوهشهای این نظریه پردازان نشان می‌دهد که انگیزش درونی در زمانی که کودکان علت رفتارشان را با به گوشش، مهارتها یا انتخاب اهداف خود نسبت می‌دهند احساس شکل تیروستی پیدا میکند. نظریه پردازان استاد همچنین دریافته‌اند که انگیزش درونی، در زمانی که کودکان علت رفتارشان را به عوامل بیرونی نظیر نقض‌ها یا پاداشهای بزرگسالان نسبت دهند، شکل ذهنی پیدا میکند (لیپر، ۱۹۸۳ . Lepper).

این سه نظریه به چندین صورت همبوستی دارند. نخست، در هیچ یک از این نظریه‌ها کودکان در خلال شرایط دارای انگیزش درونی باین با بالا در نظر گرفته نمی‌شوند. بلکه تصور می‌شود که انگیزش درونی کودکان بست به نوع شرایطی که برضاد شناختی، توانش، و یا اسناد تأثیر می‌گذارد متفاوت می‌شود. (گاتفرید، ۱۹۸۳).

دوم، پژوهشهایی که از دیدگاه‌های نظری گروگنی استفاده میکنند نشان می‌دهند که اثرات پاداشها بر روی انگیزش درونی پیچیده است و بستگی به معنی پاداشها برای کودکان دارد (گاتفرید، ۱۹۸۳). پاداشهایی که سبب می‌شوند کودکان احساس خوب و کثایت آمیزی در باره انتخاب فعلی‌ها پیدا کنند، انگیزش درونی بعدی را افزایش می‌دهند و کودکان را به انتخاب مجدد فعلی‌هایی مشابه هدایت میکند. سنجاش کلامی در صورتی که کودکان را متوجه تسلط خود گرداند انگیزش درونی را تقویت میکند. لکن، مشاهده شده است که بعضی از پاداشها انگیزش درونی را کاهش داده است. کودکان در صورتی که دریابند دلیل اصلی شرکت آنان، به جای رسیدن به ملاقی و اهدافتشان دست یافتن به پاداش است، یا اگر پاداشها اطلاعات ناچیزی در مورد توانش آنان به آنها دهد، نیز آنگر در مورد شرکت خود اذقندرت انتخاب ناچیزی بر خودوارد باشند. علاقه به فعلی‌ها را از دست می‌دهند (دسی Deci، رین Ryan . ۱۹۸۲). کودکان طاهرآ به میان سنجاش جنبه اطلاعاتی پاداشها (دروافت پاداش به دلیل آن که کنار از خوب انجام داده‌اند) و جنبه هم‌سازی آنها (دروافت پاداش به دلیل آن که مطابق تقاضای عمل کرده‌اند) واکنش نشان می‌دهند.

سوم و سرانجام، پژوهشها نشان می‌دهند که موفقتهای کودکان در تجربیات جالب ممکن است از هر سه دیدگاه، نظری یعنی انگیزش درونی شناختی، احساسی مؤثر بودن، و اسنادهای مویط به نسلط، پدید آید. گاتفرید (۱۹۸۳) توصیه کرده است که مریان دوره نخستین کودکی بکشند که هر سه جنبه انگیزش درونی را رشد دهند. (رکت، تابلو ۱۲ - ۱۵).

تألیفات استراتژیهای برای تسهیل رشدحرکت انگیزش درونی

گاتفرید (۱۹۸۳) پیشنهاد کرده است که معلمان کودکان در سالهای نخستین مدرسه انگیزش درونی را به شیوه‌های زیر تحریک کنند:
۱- برای معرفی مقامیم جدید از نامخوانی، تعجب و تازگی استفاده کند.

۲- به کودکان فرصت دهد، تا در باره زمینهای فری خویش که بدان علاقه و کنجکاوی نشان می‌دهند تحقیق کنند.

۳- به کودکان امکان انتخاب فعلی‌های ترجیحی خودشان را بدهد.

۴- چو قابل قراردادی به وجود آورد به طوری که کودکان نگران برسدن سوال یا البته کردن خویش نباشند.

معلمان به هنگام برقراری جو اعتماد آمیزی که کودکان بتوانند سوالات خویش را مطرح سازند، انگیزش درونی آنان را تحریک میکنند.

حافظه

موفقیت در مدرسه و محیطهای دیگر غالباً به این امر بستگی دارد که چقدر کودکان قادرند اطلاعات و مقامیم را به خاطر آورند. پژوهشها نشان داده‌اند که استفاده از استراتژیهای حافظه پیشرفت در امر رشد را به دنبال دارد (براون، Bwn. Al و دولوش، ۱۹۸۳ . Delache ، پیش یابن، ۱۹۸۲). واین که کودکان اطلاعات معنی دار را بهتر از اطلاعاتی که معنی نداشت به خاطر می‌آورند. (براون و دولوش، ۱۹۸۳).

با نقل تحقیقات استیمونی در اتحاد شوروی براون و دولوش (۱۹۸۳) بیانگ توانی رشد را در بحث پیچیده استراتژیهای حافظه که توسط کودکان به کار می‌روند، توصیف کرده‌اند. در این تحقیقات، از کودکان خواسته شد که فهرستی از اقلام را که باید با زوتوهای مخصوص از فروشیگاه خریداری میشد به خاطر آورند. معلوم به آزمونگی پنج قلم مورد نظر را نام میبرد و از تک تک کودکان خواست به اتاق دیگر بروند و آنها را خریداری کنند. پژوهشگران دریافته که خاطرآمدهای کودکان سه و چهار ساله ابزارهای خاصی را برای به خاطر آون اقلام قابل خریداری به کار می‌بردند. لکن، بین چهار و پنج سالگی، روشهای کودکان طاهرآ تغییر کیفی را در برداشتند. بسیاری از کودکان پنج و شش ساله تمرین فعلالاتی را به کار بردند تا فهرست اقلام را به خاطر آورند و خود را در میان آنها می‌آزمودند. و کودکان ششی و هفت ساله استراتژیهای پیچیدهتری را نیز به کار بردند و غالباً می‌گوشیدند تا از طریق ترتیب مجدد نظم اقلام بپوزندهای منطقی در میان اقلام موجود در فهرست به وجود آورند. پیش یابن (۱۹۸۴) تحقیقات را که مؤید یافتههای براون و دولوش (۱۹۸۳) است مرور کرده است. علاوه براین، پیش یابن دریافته که کودکان در سن چهار سالگی می‌توانند استراتژیهای حافظه را اگر بوزاره از آنان چنن کاروی خواسته شود به کار گیرند.

اگر ارتباط اطلاعات مشاهده شده باشد، این امر بر میزان به یاد آوردن کودک تأثیر می‌گذارد. براون و دولوش (۱۹۸۳) باوری دادند در محیط خواربار فرمسی یا یاد آوری اقلام مشابه در محیط آزمایشگاه مناسیه کرده‌اند. یاد آوری در موقعیت بازی بیشتر بود و میزان به خاطر آوردن کودکان خردسالتر تحت چنان شرایطی به دو برابر میرسد.

فرهنگ و موفقیت تحصیلی

زمینه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی کودکان در سالهای نخستین مدرسه تأثیر می‌گذارد. جان آگیو (۱۹۸۲) (۱۹۷۲) Ohn gbu شواهدی از تحقیقات انسان شناختی در ایالات متحده ارائه داده است. مبنی براین که شیوه‌های پرورش کودک بر آموزش ببری تأثیر می‌گذارد و به نوع ممتاز از ترویهای اجتماعی بزرگر هستند. گیزه‌ارت Gearhart و هل (۱۹۸۲) Hall, W.S) در باره تأثیرات گروا گروتهای فرهنگی در کاربرد زبان بر موفقیت تحصیلی پژوهشهایی انجام داده‌اند. و نت کین و همکارانش اثرات تفاوتهای سبک شناختی را کنوش کرده‌اند. این مجسمه تحقیقات روی هم رفته اطلاعات مهمی را در مورد بافتی که در آن کودکان در سالهای نخستین مدرسه رشد می‌یابند، فراهم می‌سازد.

میزان بالای شکست تحصیلی ترجیه میکند. توجه میکند. موانع سازمانی سفید پوستانتایید میکند. مشاطی با پایگاه پایین درآمد‌های پایین، غیره.

پرورش کودک و تحصیل

تحقیقات انسان شناسانه جان آگیو (۱۹۸۲) (۱۹۷۲) در ایالات متحده او را وا داشته این فرض بررسی شده که از یکسکازی و فقر در میان گروه‌های فرهنگی اقلیت به واسطه آموزش غیر کافی پدید می‌آیند واین به نوع خود از شیوه‌های ناگفتی پرورش کودک سرچشمه می‌گردد مورد سؤال فرزند. آگیو در مقابل استدلال کرده است که شیوه‌های پرورش کودک گروه اقلیت مستقیماً متأثر از واقعیت انواع فرصتهای اقتصادی است که در اختیار والدین قرار دارد. شکل ۱۲- ۱۳ (آگیو، ۱۹۷۴) ص ۱۱۴) رابطه‌ای را که آگیو میان درآمد‌های اقتصادی و شغلی و نتایج مربوط به کار آرائی آموزش مشاهده کرده است ترمیم میکند. آگیو (۱۹۸۲) تصریح کرده، است تفاوت در این امر که شیوه‌های پرورش کودک در یک گروه فرهنگی در مقابله با شیوه‌های یاد شده در گروه دیگر، تا چه حد توانشها را در کودکان پدید می‌آورد. تفاوتی نادرست است مگر این که کودکان در هر دو گروه به گرهشهای پرورش بایدند که واقعیات دویوم بزرگسالی یکسانی را انتظار داشته باشم.

آگیو (۱۹۸۲) نشان داده است که بزرگسالان در بسیاری از گروه‌های فرهنگی اقلیت احساس میکنند که حضوری طفیلی دارند و دارای خصوصیاتی نظیر مشاطی بی ثبات و ملاحظور، درآمدی پایین و اعتماد اجتماعی ناچیز هستند. بنابراین بزرگسالان غالباً مقادیر زیادی از انرژی را در رشد انواع استراتژیها به منظور بهرمندی از منابع اجتماعی اندک اختصاص می‌دهند. هر واین که ممکن است والدین بر تعیمت آموزش تأکید داشته باشند، در عین حال به صورت‌های مستقیم و غیر مستقیم به کودکان می‌گردند که حتی با تحصیل در جهان سفیدپروستان به دشواری بتوانان به موفقیت نایل آمد (آگیو، ۱۹۷۴). به نظر آگیو، در شام کوششهایی که اتفاق می‌گردد کودکان گروه‌های اقلیت با نظام مدرسه تغییر ایجاد میکنند، باید نظریه‌های بزرگسالان گروه‌های پرورش مورد نظر را در این باره که چگونه آنان در محیطشان موفق میشوند مورد توجه قرار داد. آگیو در باره احتمال تغییر شیوه‌های پرورش کودک واطلاقی با نظام مدرسه بدین است، مگر این که واقعیات اجتماعی و اقتصادی نیز باینی برای اعضای گروه‌های فرهنگی اقلیت تغییر باید.

کوانتونی فرهنگی در کاربرد زبانی

گیزه‌ارت و هل (۱۹۸۲) در زمینه تأثیرات احتمالی گروتهای فرهنگی در کاربرد زبان بر کسب مهارتهای تحصیلی پژوهشهایی انجام داده‌اند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که عدم تعلق معنایی بین معنای کلمات مورد استفاده کودکان و کلمات مورد استفاده مؤلفان می‌تواند مانع فرایند خواندن شود. آنان همچنین نظر داده‌اند که فرهنگهای گوناگون در زمینه آندیشیدن در باره کاربرد زبان و انگیزه‌های رفتار مطرح علاقه متفاوتی ایجاد میکنند. مطالعه‌ای زیو که مربوط به فعلاتی‌ها یک معلم از سلسله درسهای خوانند در کلاس اول است، بیانگر انتقار مدراس در مورد توانایی کودکان است که چگونه باید بتوانند در باره زبان و انگیزشها

تعقی کنند.

کلمات همقاف را بیابید.

کلمات مترادف را بیابید.

توضیح دهید، چرا؟ ۱۲ احساسات خود را توضیح دهید.

گروه‌هاژت و هال (۱۹۸۲) گفته‌اند که اغلب مدارس از کودکان انتظار دارند که توانایی این گونهٔ تفسیر و تفسیرها را در مورد زبان و انگیزش داشته باشند. کودکانی که به مدرسه برآورد می‌شوند و قب تجربیاتی در مورد این اصطلاح شناسی و کاربرد کلمات داشته‌اند، دارای امتیاز خواهند بود. کودکان سایر گروه‌های فرهنگی، که زبان را به گونهٔ دیگری به کار می‌برند، ممکن است قبلی نامزگاری خانه یا مدرسه یا هر دو شوند.

سبک شناختی (**egnitve style**)

تفاوت‌های ثابت در سبک شناختی کودکان را از گروه‌های فرهنگی متفاوت مشخص می‌سازد. در یک سبک شناختی جنبه مهمی از رشد درک است.

تحقیقاتی که در سبک شناختی انجام شده بر اساس تحقیقات اولیه ویگنن و همکارانش (اوبت کین Witkin ، دایکت، فانتزون ، فاترسن ، فدرافرنی ، Gdenough ، ۱۹۶۲ ، Karp) ، بنا شده است. این پژوهشگران اظهار نظر کردند که اشخاصی در مورد تمرکز بر روی شیئی جدا از بافت یا زمینه‌اش تواناییهای متفاوتی دارند. آزمونهای گوناگونی طراحی شدند تا میزان توانایی اشخاص در شمار کردن ادراکاتشان را ارزیابی کنند. در یکی از آزمونها با عنوان آزمون میله و چارچوب **the Rndan Frame Test** ، آزمودنیها را در یک اتاق تاریک می‌نشانند و از آنان می‌خواهند که میله مایل و عمودی را که در یک چارچوب مربعی شکل مایل و عمود قرار دارد طوری حرکت دهند تا به صورت عمودی قرار گیرد. برخی اشخاص میله را مطلق با چارچوب مایل تنظیم می کنند،واین نشان می‌دهد که چارچوب و درک آنان در مورد میله درون چارچوب اثر می‌گذارد. سایر افراد میله را به وضعیت عمودی در می‌آورند که نشانگر آن است آنان قادرند میله را جدا از چارچوب درک کنند. در آزمون دیگری، آزمون شنکهای نهفته **the Embedded Figures Test** ، از آزمودنیها خواسته می‌شود که طرح ساده‌ای را یک قب دیده بدهند. در یک شکل پیچیده پیدا کنند. پژوهشگران دریافته‌اند که رشد روانی از ادراکات دارای تمایز کمتر از ادراکات دارای تمایز بیشتر پیشرفت می‌کند. آنان همچنین به همسانی عملکرد افرادی در سنین گوناگون پی برده‌اند که نمایانگر سبکشناختی آنان است. برخی ادراکات اشخاص متأثر از سازه‌های زمینه‌ای است که اشیا در آن جای دارند. آزمون اشخاص وابسته به زمینه - **field dependent** نامیده می‌شوند. برخی ادراکات اشخاص تنها بر روی اجزای منفرد زمینه تأکید دارند، این افراد مستقل از زمینه **field - independent** نامیده می‌شوند.

پژوهشها نشان می‌دهند که تفاوت‌های فرهنگی در اجزای شدن به تفاوت‌های سبک شناختی مربوط می‌شوند اوبت کین، پرایس - ویلیامز Price-Williams ، برتینی Bertini ، کریستیانسن Christiansen ، آلتس Altan ، رامیرز Ramirez ، و ون میل ۱۹۷۶ ، Van Meel) . کودکان زمانی وابسته به زمینه می‌گردند که خانواده‌ها به اخلاص و مسئولیت پذیری آنان یقیناری می‌کنند و نیز هنگامی که گروه‌های فرهنگی به تبعیت آنان از اولیای امور و هماهنگی اجزای تأکید می‌ورزند. کودکان زمانی مستقل هستند که خانواده‌ها بر تصمیم‌گیری فردی و استقلال یقیناری می‌ورزند و هنگامی که گروه‌های فرهنگی برخورد محتاطی تأکید می‌کنند.

شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که سبک شناختی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، و روانی - اجتماعی همسان است اوبت کین و بری (۱۹۷۵ ، Berry) ، بری مثال، کودکان زمینه وابسته نسبت به آنان ماهرتر از کودکان مستقل از زمینه، ظاهرأ در برابر هر گونه نشانه اجتماعی حساس‌ترند و در اطلاق بین فردی نسبت به آنان ماهرتر از کودکان مستقل از زمینه نسبت به کودکان زمینه وابسته مستقزر، دارای اعتماد به نفس بیشتر و در جهت پیشرفت‌های فردی مشارکت‌ند.

هیل (۱۹۸۱) شواهدی ارائه داده است که مدارس سبک برای کودکان مستقل از زمینه و در اصطلاح وی (تحلیلاگر - و نیز در پیوند با فرهنگ اکثریت طرح برده شده‌اند، به نظر هیل، اغلب مدارس باید در سطح وسیعی تغییر یابند تا حامی کودکانی با سبکهای شناختی متنوع و سوابق فرهنگی متفاوت باشند.

خلاصه

۱- کودکان در سالهای نخستین مدرسه از مرحله پیش عملیاتی به سمت مرحله عملیات عینی رشد فکری حرکت میکنند و چگونگی آنان به سمت تکالیف علت و معلول، نگهداری، طبقه بندی و ردیفبندی تغییر مییابد. مفاهیمی ضمنی در مورد تعامل میزبان استنباط کرد.

۲- پژوهشهای میان فرهنگی نظریه پیژو را تأیید کرده‌اند.

۳- تکرار ظنی می‌تواند متعلق و محل ساله را رشد دهد.

۴- کودکان در زمینه‌های زبانی زیر دو طول سالهای نخستین مدرسه پیشرفت میکنند، اشتقاق کنند، کاربرد گروه اسمی و فعلی، کاربرد انواع جملات متفاوت، تولید آواهای گفتار، رشد واژگان، تلفظ بر روی کارته زبانی، و پیچیدگی زبانی. کمک مناسب بزرگسالان باعث پاسخ دادن مشروط، فراهم ساختن محیطهای ارتباطی، و آموختن میشود.

۵- پنج مهارت زبانی ظاهرأ در موقفت خواندن اهمیت دارد؛ تمایز شنیداری، درک گوش دادن، کیفیت بیان گفتار، درک واژگان، و کاربرد بافت.

۶- پژوهشها در مورد تاجع دو زبانیگی مختلطانه، بخشی از این تاجع آمیخته، با مفاهیم دو زبانیگی افزایش وکفرای توجیه می‌شوند.

۷- بازی در سالهای نخستین مدرسه نقش مستمر دارد. کودکان خلاقیت، به خرج می‌دهند، شرح طبعی نشان می‌دهند، و با کامیوز کار می کنند. تفاوت‌های جنسی نیز ظاهرأ وجود دارد.

۸- داده‌ها در زمینه تاجع برنامه‌های آموزش نخستین موجب آن میشود که در باره احتمال ایجاد تغییرات مثبت در زندگی کودکان با خوشبینی نگریست.

۹- موفقیت تحصیلی متأثر از توانش اجتماعی و فکری، انگیزش و حافظه است.

۱۰- فرهنگ همچنین از طریق شیوه‌های پرورش کودک، گوناگونی فرهنگن در کاربرد زبانی، و سبک شناختی، بر موفقیت تحصیلی اثر می‌گذارد.

اصطلاحات کلیدی

مرحله پیش عملیاتی درک گوش دادن اعمال نامعمولان دوربرابر اشیایرطحه عملیات عینی کیفیت بیان گفتار نامگذاری ناممخولان اشیاء ویاکنه‌گذاری ذهنی درک واژگان ناممخولان مفاهیمبارگشت پذیری کاربرد روشی یا معنای چندگانهمخولان مهارتهای آمادگی ویاخودن برنامه‌های آموزش نشیمنطبقه بندی دوبانه انگیزش دودیزویف بندی دوزبانگی افزایش سبک شناختیاشیای عینی دو زبانیگی افزای وابسته به زمینه‌های افزایشیای علاقت مستقل از زمینهاسخدهمی وابسته به معنا شرح طبعیمتأثر شنیداری بری مطالعه بیشتر: R is fr rainbow(۱۹۸۶) , R. Schuckman, S., Rllins, P. Developing Yun children’s thinking skills through the alphabet Menl Park, CA: Addison Wesley Baratta- Lrtn, M. (۱۹۸۶). Mathematics their way. Menl Park, CA: Addison Wesley Language Developmentwens, R.E (۱۹۸۴). Language de velopment: An Inlroductin. Columbus, H:

Charles E. Merrill
Wd, B.S. (۱۹۸۱). Children and cmmunicatin: Verbal and n nverbal lnguage de velopment (۲nd ed). Englewd Cliffs, NJ: Prentice Hall
Cmputers and ThinkingPapert, S. (۱۹۸۰). Mindstrms: Children, Cmputers, And pwerful idead. New Yrk: Basic Bks
Turkle, S. (۱۹۸۴). The second self: Cmputers and the human spirit. New Yrk: Simn Schuster

از نظریه تا عمل

تمرینات زیر بدین منظور طراحی شده تا به دانشجوینان کمک کند، آنچه را در سه فصل گذشته یادگرفته‌اند به کاربردت و نیز به آنان کمک کند تا مطالب پیشتر در مورد سالهای نخستین مدرسه فراگردد. بری تکمیل این تمرینات، دو مشاهده دو سامعه باید برنامه‌ریزی شود. برخی راه‌های ممکن بری ترتیب دادن مشاهدات عبارتند از: اجازه گرفتن برای دیدار از یک مدرسه یا سهولت مراقبت از کودکان یا دیدار از یک مکان عمومی مورد علاقه کودکان.

۱. نقل رفتارهای مورد مشاهده تمام آنچه را کودک در عرض ده دقیقه انجام می‌دهد روی کاغذ بنویسید. (بخطار آورید که زبان توصیفی و غیرفشارآمیز به کاربردید.) چه سوالاتی را در باره رشد روانی ،اجتماعی ، جسمی، با این مشاهده می‌توان پاسخ داد؟

۲. فصول کوتاه توصیفی قطعه کوتاه توصیفی را شامل تعامل بسور و دختر یادداشت کنید. توضیح دهید که چرا این رفتار ممکن است با اطلاعات فصول ۱۱ و ۱۲ ارتباط داشته باشد.

۳ یادداشتهای روزانه کودک آنچه را از مشاهده و خواندن آمه خواهید به منظور تهیه مشاغل فقر یادداشت روزانه به مدت یک هفته در باره کودکی واقعی یا خیالی به کار برید. سن کودک را معین کنید و اطلاعات مربوط به رشد روانی - اجتماعی، جسمی، و شناختی را یادداشت کنید.

۴ فهرستی از فهرست کنترل فهرست کنترلی از اطلاعات مربوط به رشد مادیچه‌های بزرگ یا کوچک که در فصل ۱۲ آمده است تهیه کنید. از فهرست استفاده کنید و سپس در مورد تأثیر آن در کمک به یادگیری رشد بحث کنید.

۵ معاهده‌ها سه معاهده را در ارتباط با نگهداری ذهنی، طبقه‌بندی، و یا ردیفبندی یک کودک اجرا کنید. (ر. کند، فصل ۱۳ بری نمونه‌های معاهده.) در مورد سطح احتمالی رشد فکری کودک در طبق نظر بیاژه تفاوت کنید واین تفاوت را توضیح دهید.

۶ نمونه‌گیری زبانی از نمونه فرم یادداشت ارائه شده در فصل ۲ اقتباس کنید، اصطلاحاتشان را روشنی تعریف کنید و یک مقاله نمونه‌گیری زبانی از رفتارهای خارج از هنگام تکلیف در طول اوقات کاری کتابی انجام دهید.

۷ نمونه‌گیری واقعی یک مقاله نمونه‌گیری واقعی از بیخداگری طراحی و هدایت کنید. (ر. کند، فصل ۲ بری نمونه‌ای فرم یادداشت.) اصطلاحات را دقیقاً تعریف و باطنها را گزارش کنید.

۸. مطالعه موردی از خواندنیهای فصول ۱۱ و ۱۲ و نیز مشاهدات استفاده کنید تا نوسن مطالعه موردی را بری کودک کتبی در سالهای نخستین مدرسه طراحی کنید. خصوصیات مهم این سطح سی را در این مطالعه بگنجانید.

۹ خواندن در باره تحقیقات مقاله‌ای بخوانید که به کودکان در سالهای نخستین مدرسه در یکی از سحلات زیر ارتباط دارد؛ رشد کودک، روان شناسی رشد، و روان شناسی تجربی کودک.

برای اطلاع کامل، به کلکی که در کتابیاه این کتاب به کار رفته مراجعه کنید. چه سوالاتی را پژوهشگران مطرح می‌کردند؟ چگونه آنان دوصده بافتن پاسخها برآمده‌اند؟ نتایج به دست آمده آنان کدامند؟ پژوهشگران کدام یک از دیدگاه‌های نظری مطرحه در فصل ۱ را دارا بودند؟

مؤخره

دوره میانه کودکی

با انگاهی به کودکان هشت ساله، کودکانی که میروند از خط نامریی میان دوره کودکی اولیه و میانه عبور کنند، انسان شگفت زده می‌شود که از وقتی زندگی آنان آغاز شده است چه راه درازی را پیموده‌اند. این کتاب زمان رشد روانی ـ اجتماعی، جسمی و شناختی آنان را نشان داده است. همچنین گامهای کوتاه به دوره کودکی میانه دارد.

زمانی باور براین بود که دوره کودکی میانه از دورو به مدرسه آغاز می‌شود و تا زمان بلوغ پایان مییابد. با استفاده از این چارچوب، بسیاری از متون مزهای سنی را شش و دوازده سال معرفی می‌کردند. لکن، اکنون تقسیم‌بندی دوره کودکی میانه بر اثر تغییرات اجتماعی و جسمی از میان رفته است. تغییرات اجتماعی نظیرتمامد فراینده ماندن در نیروی انسانی وایدیکه بیشتر بر اهمیت تجربیات آموزش نخستین، درمجموع تقسیم‌کننده آن است که کودکان سپیدانگهی برای اولین بار در شنشادگهی اولوّه مدرسه می‌شوند. تغییرات جسمی، که باور براین است بر اثر تغذیه و شرایط زندگی بهتر فراهم می‌گردد گهنه سنی را برای آغاز بلوغ در دختران به هشت تا چهارده سال برای پسران به نه تاپانزدهسال کاهش داده‌اند. (شوکناف، ۱۹۸۴ . Shnkff). بچون شش سالگی سن ورود به مدرسه و دوازده سالگی بز سن آغاز بلوغ نیستند، مزهای جدیدی برای سطوح رشد به وجود آمده‌اند. مزهای رشد در دوره اولیه کودکی تا بنداخته است که تداوم زمان تولد ناآشناگشتن در زمینههای رشد روانی ـاجتماعی، جسمی و شناختی شناخته شود. اصطلاحات پیش از سیزده سالگی و پیش از نوجوانی بدین منظور ساخته شده است تا معلوم شود که چقدر کودکان زیر دوازده سال با نوجوان وجوه مشترک دارند. آنچه به عنوان دوره کودکی میانه برای ملاحظه آمده است، ممکن است شامل ناهای معمول و یازدهم زندگی کودکان را تشکیل دهد.

با تعریفی که ارائه شده دوره میانه کودکی یک دوره تحکیم است. در زمینه رشد روانی ـاجتماعی، کودکان به منظور ایجاد حین مستعدگی همچنان تلاش میکنند (اریکسون، ۱۹۸۲). آنان استانداردها وانتظارات را برای رفتار خود درونی می سازند و از توصیف خود برحسب ویژگیها واهمال عینی گرفته تا ارجاع به خود به صورت صفات اجتماعی خلقی تغییر ایجاد میکنند (ماراکوس Markus و نوریوس ، ۱۹۸۴ ،Nurus). پس خواننده مربوط به محیط مدرسه، در این باره که کودکان در مورد خویش چه احساسی دارند همچنان اهمیت دارد. بدان حد که هبسننگاهی میان تواتر خودارزگی و نمرات آزمونهای پیشرفت تحصیلی از کلاس سوم تا کلاس ششم افزایش مییابد (کالپتر، ۱۹۸۴). فهمهای او افاده کردن خود فرآوان است. فعالیتهای گروه همسال کمتر تحت نظر قرار میگیرد وانتظار می‌رود که کودکان در انجام وظایف مدرسه و خانه مستقظند. در زمینه رشد جسمی، میزان افزایش قد مطابق معمول انجام میشود تا شروع بلوغ که در آن دختران به میزان تقریباً بیست درصد سریعتر از پسران رشد می‌یابند. (شوکناف، ۱۹۸۴). کودکان بتدریج سوزولت زیر کروی در قبال سلاخی و پوزاندگی به عهده میگیرند. در زمینه رشد شناختی، کودکان همچنان ظرفیت تفکر عملیات عینی را تقویت می کنند وفرایند که مهارتهای استدلال منطقی خود را در جهت مسابلی با پیچیدگی فراینده به کار گیرند. مدرسه فهمهای رسمی را جهت کسب و کاربرد دانش در ارتباط با محوری تحصیلی و ارزندهای اجتماعی فراهم میسازد (ایس و استیمت، ۱۹۸۴). تعداد کثیری از منابع رسمی دانش اهمیت خود را در زندگی کودکان حفظ میکنند زود واقع. میزان نامشای توزیون توسط کودکان در دوره کودکی میانه بالاتر از میزان نامشای توزیون توسط کودکان کوچکتر با بزرگتر از آنان است (کالپتر، ۱۹۸۴). در زمینه رشد روانی ـاجتماعی، جسمی و شناختی، دوره میانه کودکی دوره‌های است که بر پایه بنیادهایی که در سالهای دوره اولیه کودکی نهاده شده است قرار دارد.

واژه نانه

آسان گیر **permissive** شیوه‌های والدین بودن، که با مریند آن را شامل کنترل یا انتظارات اندک توصیف کرده است. (فصل ۱۱)

آگاهی از پهلوها **laterality** آگاهی درونی شداعی از دو پهلوئی بدن و تفوتهای آن (فصل ۹)

آگاهی فرایینی **metalinguistic** توانایی تفکر در مورد کاربرد زبانی زُجدا سازی محتوا و ساختار زبان.

آمینوسز **amnicentesis** استخراج و تحلیل مایع مربوط به مشبیه جین در زوجهان به منظور بررسی اختلالات کروموزمی در پیش از تولد. (فصل ۳)

آموزش چند فرهنگی **multicultural educatin** یاد گرفتن تجربیاتی که برای تانکیده و تجریبات جهانی اسان و نیز فضای گویاگران فرهنگی طرح ریزی شده است. (فصل ۱۱)

اینگار در مغالی گناه **initiative versus guilt** سویمین مرحله از هشت مرحله رشد روانی ـاجتماعی مربوط به اریک آرایکسون. در این مرحله، کودکان چهار و پنج ساله احساس شجاعت جسمی و کلامی خود را با احساس گناهی که پیش از حد داشته‌اند متعادل می‌سازند.

اختلال عاطفی **emtnal disturbance** مسائلی در رفتار شخصی یا اجتماعی که به طور نامطلوبی بر عملکرد آموزشی اثر میگذارد، و این که با عوامل فکری، حسی، یا بهداشتی توجیه نمی‌شوند. (فصل ۱۲)

اختلال کمبود توجه **attentin deficit disorder** ر. کت. فریونکر

انحلاات علم **ethics f science** مجموعه‌های استانداراهست که سوزولت پژوهشگران را مشخص می‌سازند. در رشد دوره اولیه کودکی، این انحلاجات نشان می‌دهند که حقوق کودکان بر حقوق پژوهشگران ارجحیت داده و لایم است که پیش از انجام هر پژوهشی موافقت آگاهانه والدین یا مربیان کودک جلب شود. (فصل ۲)

استدلال بیانیتهی **transductive reasion** استدلال غیر دقیق گناه به گاهی کودکان پیش عملیاتی از جز، به جز . (فصل ۱۰) اسپد هی اوکسی وریوتونکلنیک **DNA** ماده‌ای است که تنها از ترکیب پانچه‌اند. دی ان ا شامل اطلاعاتی است که به تشکیل و زنجیره‌های پروتئین امکان می‌دهد و به بافت و اندامهای جدید، مهار ساختن زندهای دیگر، و تقیم فرایندهای بدنی می‌انجامد. (فصل ۳)

اشای افشالی **transntial bjects** اشایی نظریو تو خرس عروسکی پشمالو، که کودکان دلشنگی خاصی بدان پیدا میکنند. روان شناسان این اشاء را تمهیل کننده انتقال از والدین و خانه به جهانی بزرگتر میدانند. (فصل ۵) اشای عینی **crete bjects** جزه‌های ملموس که کودکان می‌پانند یا پیش از یکجی حسی تجربه کنند. کودکان خردسال معمولاً از تجربه با اشای عینی نظیر سیب بهتر از مجرداتی نظیر تصویر سیب یا واژه نوشتاری سیب چیز یاد می‌گیرند. (فصل ۱۳) اعتراض، نوبندگی، ورسنگی **prtest, despair, detachment** نوبالی واکنشهایی است که در رفتار کودکانی که از بزرگسالان جدا می‌شوند، و به افراد دیگر دلشنگی پیدا میکنند مشاهده می‌شود. (فصل ۵) اعتماد در مقابل عدم اعتماد **trust versus mistrust** اولین مرحله از هشت مرحله اریک آرایکسون در زمینه رشد روانی ـ اجتماعی. در این مرحله، کودکان درجه‌ای را احساس خواهند کرد تا طبق آن در دنیاهایی آسوده و قابل اعتماد به سر برند. (فصل ۱.۵)

اصال نامعمران در برابر اشیا **Incongrous acts tward bjects** اولین مرحله در رشد شوخ طبعی، که در طول بازی واتمود سازه در سال دوم زندگی روی میابد. (فصل ۱۳)

الگوی تفاوت فرهنگی **cultural difference mdel** نظری است مبنی براین که تفاوت قابل قبولی در شیوه‌های پرورش کودک وجود دارد. این نظر مشخصاً در مقابل الگوی نقش فرهنگی قرار دارد. (فصل ۸) الگوی نقش فرهنگی **cultural deficit mdel** نظری است که اکنون مورد حمایت نیست و مبنی براین است که خانواده‌هایی که دارای الگوهایی منحصر به فرد بر ورش کودکان در مقایسه با خانواده‌های فرهنگ‌گنریت نقش داشته‌اند، رایجترین نظریه عبارت است از الگوی تفاوت فرهنگی (فصل ۸)

انسنگر **humanist** اشاره به نظریه‌ای مربوط به رشد دارد که تأکید آن بر ارزشها، اختیارات انسانی، روابط، و خودشنکوفایی است. (فصل ۸)

انگلیسی سیاه پورسان **black English** گونشی از انگلیسی استاندارد که دستور، واژگان، ونظام آوایی آن دارای همسانی درونی است. (فصل ۱۰)

انگزش درونی **intrinsic mtivation** میل به شرکت کردن که از درون کودک سرچشمه میگیرد. میلی درونی برای مؤثر واقع شدن. (فصل ۱۰-۱۳)

اولین حرکات قابل تشخیص جین **quackening** حرکات جین که نهایتاً زن یازدار در مقدمه‌سین هفته بعد از باوری خود آن را احساس میکند.(فصل ۳)

باوروی سازی **fertilizatin** تماس اسپرم با تخمک که آغاز حیات لق‌زهای است. در زمان باوروی باوروی، کروموزوم‌های پادری و مادری درهم می‌آمیزند. (فصل ۳)

بازتابها **reflexes** اعمالی که تحت کنترل ارادی نیستند. بازتابها با میانار بخشی از تواتر نوزادان در نظر گرفت. (فصل ۶) بازگشت پذیری **reversibility** خصوصیت تفکر منطقی که در آن چیزی از لحاظ ذهنی به جایگاه یا حالت اولیه خود بر میگرد. (فصل ۱۳)

بازی **play** فعالیتی است با انگزش درونی، توجه به وسایل به جای اهداف، رفتار غیر واقعی، وهایی از قواعد بیرونی، کارواگری، و مشغولت فعالیت، مشخص میشود. (فصل ۱۰)

بازی انفرادی **silatory play** نوعی بازی که کودکان در آن با یک شئی، یا بازیگشالی آشنا به تعامل میروانند و نه با همسالان خود. (فصل ۸)

بازی با همشنین **ssciative play** نوعی بازی که کودکان در کنار هم قرار دارند ولی مشارکت و همکازی آنان محدود است. (فصل ۸)

بازی توام با همکازی **operative play** نوعی بازی که کودکان در آن عقابند و نقشهای خود را در تعاملی پیچیده نیز شرکت می‌دهند. (فصل ۸)

بازی موازی **parallel play** نوعی بازی که در آن کودکان در کنار یکدیگر جای دارند ولی به فعالیت مستقله خود میروانند. (فصل ۸)

بازی نمادین انفرادی **sitary symblic play** یکک مرحله از دو مرحله بازی واتمودسازی اولیه که در فاصله دوازده تا جبهده ماهگی آغاز میشود و بر واتمودسازی کودک متمرکز است. (فصل ۱۰)

برنامه آموزش **IEP: individualized educatin prgram** ماده‌ای از قانون همگانی ۹۴ ـ ۱۹۷۴ که خواستار تهیه برنامه‌های به صورت شخصی برای هر فرد معلول است. این برنامه توسط یکت دسته از جمله والدین، ممتبش و یازده هگی آن را امضا کنند. (فصل ۱۲)

برنامه‌های آموزش نخستین **early educatin prgrams** تجربیات آموزشی گروه پیش از سن حضور اجباری در مدراس. (فصل ۱۳)

برنامه‌های مشابه اولیه **early interventin prgrams** برنامه‌هایی که کودکان استثنایی و خترواهلیشان را از حمایت، آموزشی، و کمک برحورار میسازد. (فصل ۷)

برون سازی **ccmmdatin** نوعی پردازش اطلاعات که در آن اطلاعات جدید سبب بازسازی تفکر میشود. برون سازی در نظریه پیازیک یک اصل به شمار می‌رود. (فصل ۱)

بهبود پذیری **resilience** توانایی سازگاری با سطوح بالا و مستمر فشار روانی یا وهایی از آن. (فصل ۱۱) پاسخدهی وابسته به نما **semanticly cnting respnding** ارتباط دادن گفتار والدین با اعلام پیشین کودک (فصل ۱۳)

پاسخ شرطی **cnditioned respsne** نوعی پاسخ نظیر ترشح بزاق که از طریق شرطی شدن فراهم می‌آید. محرک شرطی (رینگ) یا وهایی (تعلیبه) ارتباط پایدا تا پاسخی شرطی (ترشح بزاق) راوسی در صورت نبودن علما تولید کند. (فصل ۱) پدایی **reliability** همسانی در این مورد که مشاهده گران گوناگون رفتارهای مشابهی را ثبت میکنند. (با در سطحنی وسیعتر، اصطلاحی که برای مشخص ساختن خصوصیتی از آزمونها به کار می‌رود که تحت شرایط گویاگران نتایج مشابهی به دست می‌دهند). (فصل ۲)

پایداری شئی. **bject permanence** درک این امر که چیزها و اشخاصی ولو دیده نشوند همچنان وجود دارند. پایداری شئی، در طول مرحله جسمی ـحرکتیی رشد، از تولد تا دو سالگی برقرار می‌شود. (فصل ۷)

پژوهش طولی **ingitudinal research** تحقیقاتی که در آن داده‌ها در طی چندین سال جمعاوری می‌شوند. (فصل ۱۱)

^[1] با انگاهی به کودکان هشت ساله، کودکانی که میروند از خط نامریی میان دوره کودکی اولیه و میانه عبور کنند، انسان شگفت زده می‌شود که از وقتی زندگی آنان آغاز شده است چه راه درازی را پیموده‌اند

^[2] با انگاهی به کودکان هشت ساله، کودکانی که میروند از خط نامریی میان دوره کودکی اولیه و میانه عبور کنند، انسان شگفت زده می‌شود که از وقتی زندگی آنان آغاز شده است چه راه درازی را پیموده‌اند

پیام من **I-message** شیوهی برای ارتباط که آن را **گوردون** پیشنهاد کرده است. پیامهای من شامل من بخش است: چگونه پدر یا مادر احساس میکند، کودک چه کرده که پدر یا مادرش را آداشته است بدان گونه احساس کننده و چرا این رفتار خشنگیاته است. (فصل ۸)

پیشتر **preterm** زودای که پیش از دوره عادی بارداری متولد شده است. (فصل ۳)
پیرسنگی **Binding** پیوند روانی پیچیده از سوی مادر نسبت به کودک (فصل ۴)

تاریخی **amblypia** یک مشکل بصری است که در آن یک چشم به طور کامل بینند و دیگری دید ضعیف دارد. اگر درمان نشود، مبتلاد منجر به تاریخی گردد. (فصل ۱۲)
تصویرات قلابی مربوط به نقش جنسی **gender rie sterotyping** مشخص کردن رفتارهای معین برحسب مناسبتی است که با جنس مذکر و مؤنث دارند. (فصل ۸)

تعادل جوی **equibratin** ماهومی است که ژان پیانو، پیشنهاد کرده و مشابه مفهوم زیستی تعادل حیاتی است. تعادل جوی به فرایند ذهنی دونی برقراری تعادل (تعادل جوی) در تشکر اشاره دارد. طبق نظریه پیانو، حس عدم تعادل پیش از رشد ذهنی پدید می‌آید. (فصل ۱)

تعمیم **generalizatin** گسترش مفهوم یا رفتار به موقعیتهایی غیر از موقعیتی که در آن یادگیری مفهوم یا رفتار برای نخستین بار صورت گرفته است. (فصل ۱)

تقلید یا تأخیر **deferred imitatin** یعنی مانند تصویری ذهنی از چیزی و تقلید از آن در زمانی بعد، توانایی انجام چنین کاری تا به گفته پیانو، در پایان مرحله حسی-حرکی صورت میگیرد. (فصل ۱۰)
تقویت کردن **reinforc** افزایش این احتمال که پاسخ معینی تکرار خواهد شد. (فصل ۱)
نمایز شنیداری **auditory discriminatn** توانایی در شنیدن تفاوتی آوایی کلمات (فصل ۱۳)

تناسب بدنی **fitness** سلامت جسمی که شامل نیرو، توان، استقامت عضلانی، استقامت قلبی-عروقی، انعطاف پذیری، و چاقی بدن میگرد. (فصل ۱۲)

توجه به جهات **directnality** رفتگی که دروزی آگاهی از پهلوها در بدن احساس میشود. توجه به جهات امکان نمایز میان **D** و **Q** را فراهم میسازد. (فصل ۹)

تولید صداهای نامفهم **babbling** تولید دو نوع صدا یعنی مصوغها و صامتها با هم (تلفظ ما، یا) که بیشتر در اواخر شش ماهه اول زندگی آغاز میشود. (فصل ۷)

جامه پسته **prscial** رفتاری که به منظور افزایش رده شخص دیگر بروز می کند. (فصل ۸،۱۱)
جبران **compensatin** خصوصیتی از تشکر منفی که در آن مشاهده میشود تغییر یکک منفی با تغییر منفی دیگر توازن میابد. (فصل ۱۲)

جذب کامل **engrssment** اصطلاحی که در مورد مجذوبیت بدران و علاقهمندی آنان به کودکانشان به کار میرود. (فصل ۴)
جفت **placenta** انشامی در داخل زهدان که امکان تبادل مواد موجود در جریان خون زن باردار و جنین در حال رشد را فراهم میسازد. (فصل ۳)

جمله تکرزدهای **hiphrasis** کفیههای تکرزدهای که معنی موجود در جملات کامل بزرگسالان را دربردارد (ایر حال، امشیرا، به معنی من شیو میخوام) است. (فصل ۱۰)

جنس **gender** توسط اسیرم (حامل X یا Y) تعیین میشود که تشکک را باوروی می سازد. اگر تشکک توسط اسیرم حامل **X** باوروی شود، یک **(XX)** رشد خواهد کرد. اگر تشکک توسط اسیرمی حامل **Y** باوروی شود، **(XY)** رشد خواهد کرد. (فصل ۳)
جنین **fetus** اصطلاحی که برای رشد جنات از هفته نهم بعد از بارور سازی تا تولد به کار میرود. جنین مشتقی است از کلفهای لاینی به معنی فرزند. (فصل ۳)

چند ژنی **polygenic** در اثر تعامل ژنهای فراوان و نه فقط یک جفت ژن پدید آمده است. خصوصیات انسانی پیچیده‌های نظیر هوش چند ژنی به شمار می‌آیند. (فصل ۳)

اصول و مفاهیم پایه‌ای روانشناسی

حسی - حرکتی **sensrimtr** اولین مرحله از چهار مرحله رشد فکری که توسط پیانو مطرح شده است و پیش از دو سالگی پدید می‌آید. مرحله حسی-حرکی با یادگیری از دو طریق حواس و فعالیت مشخص میشود. (فصل ۱، ۷، ۱۰)
خط خطی کردن اتفاقی **randm scribbling** نقاشیها و خطوطی معینی که با حرکت ساده تمام بازو می‌آید. خط خطی کردن اتفاقی نقاشیهای کودکان یک تا دو سال و نیمی را مشخص میسازد. (فصل ۹)

خط خطی کردن مهار شده **cntrilled scribbling** خطوط و اشکالی اساسی که کودکان ضمن مشاهده حرکت ابزار نقاشی به وجود میآورند. بیج دست نسبت به خط خطی کردن اتفاقی انعطاف پذیرتر است و کودکان تقریباً همانند بزرگسالان مداد رنگیها را به دست میگیرند. خط خطی کردن مهار شده نقاشیهای کودکان سی ماهه تا چهار ساله را مشخص میسازد. (فصل ۹).

خلق رنج **temperament** شیوه منحصر به فرد یک شخص در برخورد با اشخاص و موقعیتها یعنی اینچگونگی، رفتار. (فصل ۵، ۱۱، ۸)

خواب **rem** sleep یکی از سه سطح هوشیاری کودکان. کودکان در خوابی از نوع حرکت سریع چشم (رم) که در آن هوشیاری با خواب منبج همراه است، ناآرامند و به آسانی باریخته میشوند. (فصل ۶)

خواب سنگی **sleep sund** یکی از سه سطح هوشیاری کودکان. کودکان در خواب سنگین، از مناظر و صداهای پیرامون خود آگاهی ندارند. (فصل ۶)

خود شکوفا **self-actualized** اشاره به افرادی که برطبق نظریه آبراهام مزلو دو نیاز کمبود بودن آنان برآورده شده است و به صورت انضامی حلاق و زبانی جامعه در آمده‌اند. (فصل ۱)

خود محور **egocentric** خصوصیت تشکر پیش عملیاتی، که مشخص کننده ثانوی نسیی در اخذ نظر یا دیدگاه، دیگران است. (فصل ۱۰)

خود مختاری **autnmy** احساس خود فرامی. (فصل ۸)

خود مختاری در برابر شرم و شک **autnmy versus shame and dubt** دومین مرحله از هشت مرحله رشد روانی - اجتماعی است که اریکسون ارائه داده است. در این مرحله، کودکان دو و سه ساله میان حکم خویش و احساسات شرم و شک تعادل برقرار میکنند. (فصل ۱۸).

خوگرفته **habituated** آشنا شدن با منظره یا صدا به طوری که طوطی نخواهند کشید که آن منظره یا صدا دیگر بدیج با جالب نخواهد بود. اصل خوگیری در تحقیقات مربوط به کودکان به کار رفته است. (فصل ۶)
درک گوش دادن **listening cmphrensins** توانایی گوش دادن به تلفظهای ادبی و پاسخ درست به سؤالات مربوط به آن. (فصل ۱۲)

درک بازگان **vcabulary cmphrensins** توانایی در نامگذاری اشیای مشترک. (فصل ۱۳)
درون سازی **assimilatin** شیوهایی از پردازش اطلاعات جدید که در آن اطلاعات جدید با سازماندهی موجود در تشکر یکی میشود. درون سازی یک اصل در نظر به زان پیانو است. (فصل ۱)

دانشنگی **attachmnet** پیوندهای محکم عاطفی که میان کودکان با افراد مهم زندگی آنان برقرار میشود. (فصل ۵)
دو تشککی **dizygitic** اشاره به دوقله‌های غیر همسان دارد که زمانی شکل میگیرند که دو تشکک با اسیرم متفاوتی بارور شوند. این دوقله‌ها دارای ویژگیهای ارثی زبانداری از همشهرای دیگر نیستند. (فصل ۳)

دوره میانه کودکی **middle childhd** یک تقسیمبندی مصنوعی از زندگی شخص که پایان دوره اولیه کودکی تا آغاز نوجوانی (یا از نه تا پانزده یا دوازده سالگی) را در بر میگیرد.

دوره نوزادانی **nenatal perid** طرحی برای چند هفته اول زندگی، که طی آن باحیات خارج از زهدان سازگاربهایی انجام میشود. (فصل ۶)

دوره‌های سه ماهه **trimesters** سه دوره برابر از دوران بارداری انسان. (فصل ۳)
دورزبانگی افزاینی **subractive bilingualism** یادگیری زبان دوم که در زمانی روی میدهد که کودکان آگاهی گروه‌های اقلیتی را تشکیل میدهند و برای استفاده مستمر از زبان اول خود از حمایت اجتماعی برخوردار نمی‌شوند. (فصل ۱۲)
دو زبانگی افزایشی **additive bilingualism** یادگیری زبان دوم که در زمانی صورت میگیرد که کودکان به طبقه اجتماعی اکثریت تعلق دارند، به زبان اکثریت سخن میگویند و پس عوارضه مثبتی برای استفاده مستمر از زبان اول خود دریافت می‌کنند. (فصل ۱۲)

دو زبانه **bilingual** توانا در کاربرد دو زبان که درجه روانی آنها تقریباً برابر باشد. (فصل ۱۲)
ردیف بدنی **seriatin** سازماندهی منطقی اشیا به صورت زامطه‌ای منظم، نظیر رابطه منظم از بند تا کوزه. (فصل ۱۳)
رشد جسمی **physical development** جنبه‌ای از رشد که به الگهای رشد، هماهنگی، و تصور بدنی ارتباط دارد.
رشد دوره اولیه کودکی **early childhd development** تغییرات روانی - اجتماعی، جسمی، و شناختی که در فاصله ماههای پیش از تولد تا هشت سالگی صورت میگیرد. (فصل ۱)

رشد روانی - اجتماعی **psychsial development** جنبه‌ای از رشد که با احساسات، خودبنداره، و تعامل در داخل یافت اجتماعی گسترده ارتباط دارد.

رشد شناختی **cgntive development** جنبه‌ای از رشد که با تشکر حل مسأله، هوش، و زبان ارتباط دارد.

روش بالینی **methde clinique** روش بالینی که در آن زان پیانو (و دیگران) از کودکان سوالهایی پرسیدند تا نحوه تشکر و دلیل پاسخ خاص آنان را دریابند. (فصل ۱۶)

روش لاماز **Lamaze methd** نوعی روش تولد کودک که در آن اصول شرطی شدن به کار میروند تا مادران از طریق تشک با الگوهای خاص درد را مهار سازند. (فصل ۳)

روش لیبورن **Lebeyr methd** روش تولد کودک که برای تسهیل انتقال از دون زهدان به خارج از آن از طریق کاربرد نوزهای ملام و سایر فنون تسهیل کننده دیگر به کار میرود. (فصل ۳)

رویان **embry** اصطلاحی که برای حیات در حال رشد از زمان لانهگیزی در رحم تا پایان هفته هشتم بعد از بارور سازی به کار میرود. (فصل ۳)

رویکرد انتقاطی **eclectic apprach** رویکردی که به تلفیق روشها، مضامیم و یافتههای تحقیقاتی از طیفی با مواضع نظری زماندار. (فصل ۱)

زمانان **lebr** واحد تولد، که غالباً به سه مرحله تقسیم میشود: پازشدن گردن زهدان، به دنیا آمدن نوزاد و خارج شدن جفت (فصل ۴)

زبان بیانگر **expressive language** زبانی که با آن سخن میگویند. تلفظاً در مقابل زبان پذیرا قرار میگیرد. (فصل ۱۰)
زبان پذیرا **receptive language** زبانی که دریافت و درک شود. (فصل ۱۰)

زیگرت **zygitic** اولین سلول موجود انسانی در حال رشد، که از تربیت اسیرم و تشکک پدید می‌آید. (فصل ۳)

ژن **gene** بخشی از کروموزوم که در همه سلولهای انسان و سایر موجودات زنده جای گرفته شده است و انتقال خصوصیات ارثی را کنترل میکند. (فصل ۳)

ژن نهفته **recessive gene** ژنی که تنها بر فو قویب اثر میگذارد، به شرط آن که با ژن مسلط جفت نشده باشد. (در مقابل، ژنهای مسلط بر فو قویب اثر میگذارند، در حالی که نحوه جفت شدن آنان اهمیت ندارد.) (فصل ۳)

ژنوتیپ (منش ارثی) **genotype** مجموع میراث ژنتیکی انسان که شامل همه ژنهایی است که از پدلو و مادر، هر دو به ارث رسیده اند.

^[1] رشد دوره اولیه کودکی پیش از تولد تا هشت سالگی

است. (فصل ۳)

سبک شناختی **cognitive style** یکک رویکرد ویژه به تفکر و ادراک است. دو نوع آن عبارتند از:
واسطه و مستقل از زمینه (فصل ۱۲)

سری‌دُمس **cephal - caudal** یکت اصل یعنی بر این که رشد به‌طور کلی از ناحیه سر تا ناحیه دُم پیش می‌رود. (فصل ۱۶)

منطق جنین **abrtin** عامله دادن به بارداری پیش از این که زندگی جدیدی پا بگیرد. (فصل ۳)

سوء تغذیه ناشی از کمبود پروتئین و کالری **protein - calrie malnutritin** وضعیتی که از مصرف پروتئین یا کالری یا میزان

کمتر از حد ضروری ناشی می‌شود. (فصل ۶)

سوء رفتار **abuse** عمل غیرصادفانه که از یک بزرگسال سززند وسلاستی یا وقفه کودک را به تهدید کند. (فصل ۶)

شرطی شدن عامل **perant cnditioning** برمی‌یادگیری که در آن در صورت تقویت پاسخ دلخواهی بروز میکند و نخستین بار توسط اسکیزر شرح شد. (فصل ۱)

شرطی شدن کلاسیک **classical cnditioning** نوعی فرایند یادگیری که ایوانز، پی، پاولوف (۱۸۴۹ - ۱۹۲۶) کشف کرد. حیوانات یا انسانها مربوط ساختن یکک واقعه نظیر به صدا درآمدن زنگ با واقعه دیگری نظیر تغذیه یا یاد میگیرند. بعد از شرطی شدن، پاسخ یکسانی به دو واقعه مورد نظر داده میشود. (فصل ۱)

شناخت اجتماعی **scial cognitn** شیوهی که افراد، به درک کردن و شناختن دیگران می‌پردازند. (فصل ۵)

شوخی طبعی **humr** برعی بازی تفریحی با مفاهیم. (فصل ۱۲)

شوخی طبعی در معانی چندگانه **humr in multiple meanings** چهارپارسی مرحله در رشد شوخی طبعی، که در طول مرحله عملیات عینی آغاز میشود. (فصل ۱۲)

مباحث نظریه یادگیری **maturatnist** صاحب‌موضوعی نظری که در آن بر نقش آفریهای رشدی که در لحاظ زنتیکی تعیین شده باشند تأکید میشود. ولی بر نقش تحریکات محیطی در رشد دوره اولیه کودک تأکید نمیشود. (فصل ۱)

طبقه بندی **Classificatin** گروه بندی بندی منطقی براساس خصوصیات مشابه. (فصل ۱۳)

طرحوارهها **schemata** عناصر نظام یافته تفکر، که در نظریه ژان پیاژه، توصیف شده است. (فصل ۱)

عامل ارشاشی **rh factor** تولید می‌شود و یاختهایی خوبی فرم که در صورت فقدان در مادر و وجود آن در پدر و جنین، می‌تواند سبب آسیب دیدگی جنین شود. اینکه این نوع ناهمسازی ارشاش قابل درمان است. (فصل ۳)

عقب ماندگی ذهنی **mental retardatin** عملکرد دکری عمومی که عمدتاً زیر حد متوسط است و با رفتار طبیعی ترکیب شده است. (فصل ۱۲)

عملیات صورتی **frmal peratinal** آخرین مرحله از چهار مرحله رشد تکبری مربوط به زان پیاژه، جولان با آغاز این مرحله در نوجوانی تفکر نهادین و فرضی را یاد میگیرند و تفکر انتزاعی و مفاهیم را به کار می‌برند. (فصل ۱)

عوامل کربنجی **teratgens** داروها، ویروسها و سایر عوامل محیطی که میزان بروز کربنجیهای مادرزادی را افزایش میدهند. (فصل ۳)

غفلت **neglect** منقل بودن بزرگسالان در برابر کودکان، که سبب لغوه زدن به سلامتی و وقفه کودک میشود. (فصل ۶)

غن و فون کردن **cing** تولید می‌شود که غالباً در پاسخ به حمله و صدمات انسانی صورت میگیرد و معمور در دموین ماه زندگی آغاز میشود. (فصل ۷)

فراصوت **ultrasund** سالیان با سامندهای فراز از دامه شنوایی انسان تصاویر فراصوتی جنین را میتوان برای تشخیص مسائل فراصوتی به کار برد. (فصل ۳)

فرایند حقوق قانونی **due process** ضمانتهایی برای حمایت از حقوق کودکان، که باید در ذیل مواد قانون هگنانی ۴۶ - ۱۴۲ یابد. (فصل ۱۲)

فردنگ **hyperactive** کودکانی با تمام یا بخشی از خصوصیات زیر:
منبع بالای فعالیت، دوره توجه کوتاه، آرام یافتن و منتظر نماندن، تک‌انگیزی، و حواس‌پرستی. همچنین آن را اختلال نقص توجه مینامند. (فصل ۱۲)

فشار روانی **stress** تنش عاطفی شدید که در اثر تغییرات محیطی بیدیده می‌آید و در آفریهای عادی پاسخ مداخله میکند. (فصل ۱۱)

فوتیپ (منبع یادداری) **phenype** صفات واقعی شخص که تعامل زنها با هم و با محیط است. (فصل ۳)

فهرست کنترل **checklist** برعی استرزی مشاهده که در آن رفتار کودکان مفرد با فهرستی از رفتارهای مورد نظر یا انتظار مقایسه میشود. (فصل ۲)

قانون هگنانی ۱۹۴،۴ - ۱۴۴ - ۴۶ **Public Law** قانونی که معروف است به قانون آموزش برای کودکان معلول، که قسمت آموزش هگنانی وایگان را برای کودکان بالای پنج سال و استیجایی به فرقتن ایالتی را برای کودکان سه تا پنج سال فراهم می‌سازند. (فصل ۱۲)

قدرت طبایه **authoritarian** شیوهی از والدین بودن که بافریند آن را شامل اِعمال کنترل شدید و درعین حال بدون ابراز تشکی حمایت یا سطوفت میدانست. (فصل ۱۱)

قرار گرفتن در جریان عادی **mainstreaming** عمل قرار دادن کودکان معلول در کلاسهایی همچاره برای تمام یا بخشی از روز. (فصل ۱۲)

قطعه کوتاه توصیفی **vignette** برعی استرزی مشاهده که وقایعی را که تصور میشود در زمینه رشد کودکان معیندار است ثبت میکند. (فصل ۲)

کاربرد بافت **cnrtext use** روانی در کاربرد درک زبانی به منظور پیش بینی معنایی که گفته در بافتی معین پیدا میکند. (فصل ۱۳).

کروموزوم **chrmsom** بخشی از هسته سلولهای انسان و سایر موجودات زنده. کروموزوم اطلاعات زنتیکی را در بر میگیرد. (فصل ۳)

کربنجیهای مادرزادی **cngeital malfrmatins** ناهنجاریهای ساختاری یا تشریحی که در هنگام تولد ظاهر میشوند. (فصل ۳)

کنار آمدن **cping** کوششهایی برای پاسخگویی به الزامات و فشارهای محیطی و داخلی که احتمال دارد منابع شخص را زیر دفر گیرد. (فصل ۱۱)

کواشیرکو **kwashirk** سوء تغذیهی شدید که زمانی حاصل میشود که هنگام غذا خوردن از پروتئین کم استفاده میشود، در عین حال که کالری کافی به مصرف می‌رسد. کواشیرکو غالباً زمانی بروز میکند که کودکان یکک تا دو سال را از شیر مادر میگیرند. (فصل ۹)

کوشایی در مقابل تفاوت **industry versus inferinity** چهارمین مرحله از هشت مرحله رشد روانی -اجتماعی مربوط به اریکسون، در این مرحله، کودکان دلبستگی احساسات مربوط به تلاش خود را با احساسات مربوط به شکست خود متعادل می‌سازند. (فصل ۱۱،۱)

کیفیت بیان گفتار **tal language expressin** توانایی ارائه زبانی توصیفی و بیانها^{معموم} در توصیف تا تصور یک عمل نشان داده شود. (فصل ۱۲)

گفتار مادربه و پدرباره **matherese and fatherese** تطبیقات گفتار بزرگسالان با زبانهای کودکان خردسال که زبان یاد میگیرند. تغییر شکل گفتار شامل ساده سازی، تکرار، و محدودیت موضوع است. (فصل ۱۱)

گوش دادن فعال **active listening** شیوهی ارتباطی است که گووودن پیشنهاد کرده است. در گوش دادن فعال، والدین به جای بند دادن یا انتقاد کردن، از طریق بیان واضح احساس کودکان در برابر ابراز مشکلات کودکان پاسخ میدهند. (فصل ۸)

لاهی گیری **implantatin** وارد شدن زینگرت در زدهان که در آنجا قابل رشد و پرورش است. (فصل ۳)

لقاح خارجی **In vitr fertilizatin** بارور سازی خارج از بدن در یکک محیط مصنوعی. (فصل ۳)

لقاح داخلی **In viv fertilizatin** بارور سازی در داخل بدن در یکک محیط طبیعی. (فصل ۳)

لوح سفید **fabula rasa** حالتی که بنابر فرضیه جان لاک (۱۷۰۴ - ۱۶۲۲) ، فغن کام صافی است و آماده است تا تجربیات در آن نقش بندند. (فصل ۱)

ماراسوم **marasmus** وضعیتی در نخستین سال زندگی که براثر مصرف ناقص غذای قابل روی میدهد. نشانههای آن شامل شکست در رشد و تحلیل رفتن مایچههاست. (فصل ۶)

معرکه شرطی **cnditioned stimulus** واقعه‌ای بدون معنا از قبل نظیر به صدا در آوردن زینگه، که با واقعه دیگری نظیر تغذیه در نظریه شرطی شدن کلاسیک ارتباط باید. (فصل ۱)

محو کردن **extinguish** پاسخی را از طریق ریشه کن کردن تقویت آن از میان بردن. (فصل ۱)

محیط بوم شناختی (اکولوژیکی) **edgical envirmment** مجموعی که به رویکرد بررفتن برتر (۱۷۷۹) نسبت به مطالعه سه سطح تأثیر بر کودکان شامل: محیط خانواده، محیطهای میانی نظیر محل کار والدین، و نیروهای اجتماعی دورتر. مربوط میشود.(فصل ۱)

محیطی با کمترین محدودیت **least restrictive envirmment** مفهومی که قانون هگنانی ۴۴ - ۱۴۲ مطرح کرده و برای این طرح روی شده است تا اطمینان دهد کودکان معلول در محیطهای آموزشی متناسب با خود، با کمترین الحراف از کودکان هیچجا، جای میگیرند. (فصل ۱۲)

مرحله افتداری و الهین بودن **authrity stage f parenting** مرحله‌ای است از والدین بودن که بازیجیکی پیشنهاد کرده است. در سالهای یکک تا سه سالگی، والدین وظیفه یادپریش مسؤلویت وافتداری بر کودکانشان را دارند. (فصل ۸)

مرحله پیش طرحی **preschematic stage** مرحله‌ای از تفانسی کردن که با توصیف برتین بعموم بعد از پنج سالگی آغاز میشود. کودکان تصاویر قابل تشخیص و گاهی همراه با زمین و آسمان را نقاشی میکنند. (فصل ۱۲)

مرحله پیش عملیاتی **preperatinal stage** دوسیم مرحله از چهار مرحله رشد تکبری ژان پیاژه. کودکان در این مرحله در فاصله تقریباً دو تا هشت سالگی به طرز مشهودی می‌اندیشند و قصاهتهای خود را براساس ادراک استوار می‌سازند. (فصل ۱۰، ۱۱)

مرحله سوریگری نخستین **early representational stage** مرحله‌ای از تفانسی کردن که بنا بر توصیف برتین در حدود پنج سالگی آغاز میشود. کودکان شخصیات و اشیا را با تصویر ساده شده‌های نشان میدهند. (فصل ۱۲)

مرحله تعبیری **interpretive stage** مرحله والدین بودن، که زمانی آغاز میشود که کودکان در سالهای نخستین مدرسه به سر می‌برند و در آن به افتداد کالسیکی، والدین عقاید، شیوههای زندگی، وفضلها را برای کودکان توضیح میدهند. (فصل ۱۱)

مرحله طرحی **schematic stage** مرحله‌ای از تفانسی کردن که برتین توصیف کرده است. حدود هشت سالگی کودکان در تقاضیهایی خود به طرح، توان، و نسا اهمیت میدهند. (فصل ۱۲)

مرحله عملیات عینی **concrete peratinal stage** سومین مرحله از چهار مرحله رشد تکبری است که پیاژه ارائه داده است. بین حدود هفت سالگی و نوجوانی، کودکان به جای ادراک توجه قصاهتهای استفاده از استدلال منطقی را آغاز میکنند. (فصل ۱۳، ۱۴)

مسأله طبیعت در مقابل تربیت **nature versus nurture issue** اختلاف مربوط به تأثیر نسبی وراثت (طبیعت) و محیط (تربیت) در زمینه رشد. غالب کارشناسان معتقدند که طبیعت و تربیت با هم تعامل دارند. (فصل ۱)

مستقل از زمینه **field - independent** سبکی شناختی که در آن ادراکات به فرود اجزای یکک رشته مستقل از بافت متشکر هستند. (فصل ۱۲)

مشاوره زنتیکی **genetic counseling** مشاوره در مورد خطر بروز یا تکرار عقب مانده گیهای زنتیکی. (فصل ۳)

معارضه **interview** نوعی تعامل کلامی یکک به یکک که معمور با فهرستی از پرسشها سازمان یافته است. (فصل ۱۲)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

